کتاب‌شناسی تعلیم و تربیت در اسلام

بهروز رفیعی



بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب‌شناسی تعلیم و تربیت در اسلام

توصیف، تحلیل، نقد

«گزیده منابع عربی»

بهروز رفیعی

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

وابسته به جامعة المصطفی العالمیة

سرشناسه:	رفیعی، بهروز، ۱۳۳۶
عنوان و نام پدیدآور:	کتاب‌شناسی تعلیم و تربیت در اسلام: گزیده منابع عربی / توصیف، تحلیل، نقد بهروز رفیعی.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۴۴۸ص.
شابک:	978-964-195-564-1
موضوع:	اسلام و آموزش و پرورش -- کتابشناسی
موضوع:	کتاب‌های چاپی عربی -- کتابشناسی
رده بندی کنگره:	۱۳۹۰ ۶۸۳ر۵الف/Z ۵۸۱۴
رده بندی دیویی:	۰۱۶/۲۹۷۴۸۳۷
شماره کتابشناسی ملی:	۲۵۸۱۱۰۴

کتاب‌شناسی تعلیم و تربیت ـ «گزیده منابع عربی»

مؤلف: بهروز رفیعی

چاپ اول: ۱۳۹۰ش / ۱۴۳۳ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● **چاپ:** فاضل ● **قیمت:** ۷۰۰۰۰ ریال ● **شمارگان:** ۲۰۰۰ نسخه

مراکز فروش:

● قم، میدان شهدا، خیابان حجتیه، فروشگاه مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

● قم، بلوار محمد امین، سه‌راه سالاریه، فروشگاه مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

www.eshop.miup.ir www.miup.ir

root@miup.ir E-mail: admin@miup.ir

سخن ناشر

﴿الْحَمْدُ لِلهِ الَّذي أَنْزَلَ عَلى عَبْدِهِ الْكِتابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجاً﴾ والصلوة والسلام على النبي الأمين محمد وآله الهداة المهديّين وعترته المنتجبين واللعنة على اعداء الدين، إلى قيام يوم الدين.

حوزه کهن علوم اسلامی در زمینه علوم پایه، مانند: فقه، کلام، فلسفه و اخلاق و علوم ابزاری، مانند: رجال، درایه و حقوق در طول چهارده قرن فرازها و فرودهای بسیاری داشته است.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های جدیدی، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، فراروی اندیشمندان اسلامی قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت، در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید.

ازاین‌رو، پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، براساس سنجه‌های معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری دام ظله العالی است.

در این راستا، «**جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية**» برای انجام این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمّدی صلی الله علیه و آله، «**مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله**» را بنیان نهاده است.

نوشتار پیش‌رو به همت فاضل ارجمند، جناب آقای **دکتر بهروز رفیعی**، برآیندی از این تلاش در به ثمر رساندن گوشه‌ای از این اهداف متعالیه است.

در پایان، از بزرگوارانی که در نشر این اثر یاریگرمان بوده‌اند، سپاسگزاریم و چشم‌به‌راه نقد و نظر اربابان فضل و معرفت هستیم.

مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

فهرست مطالب

دیباچه

خیر المحادث والجلیس کتاب
تخلو به إن ملّك الاصحاب

کتاب‌شناسی در فرهنگ اسلامی

گوهر دانش‌خیز و معرفت بیز اسلام، چنان کرد که عرب کتاب‌ناآشنا در یکی دو سده، در رشته‌های گونه‌گون دانش، سرمایه نوشتاری آن‌مایه سترگی اندوخت که تنها پس از گذشت اندکی از این دوران، دانشوران مسلمان وادار شدند برای شناساندن این اندوخته بزرگ فرهنگی به فهرست‌نگاری روی کنند، و چنین شد که فهرست‌نویسی که با اندکی تسامح همان کتاب‌شناسی است از تکاپوهای علمی مسلمانان کتاب‌آشنا شد.

باری، کهن‌ترین کتاب‌شناخت شناخته‌شده در فرهنگ اسلامی، **فهرست** بی‌همال تاریخ‌نگار و کتاب‌شناس بنام بغدادی، ابوالفرج محمد بن اسحاق معروف به ابن‌ندیم است که نگارش آن در ۳۷۷ق به سر رسیده است.

ابن‌ندیم در این کتاب‌شناخت، از **فهرست** یحیی بن عدی بن حمید بن زکریا (۲۸۰ـ۳۶۴ق) که از شاگردان فارابی و مترجم و نسخه‌پرداز و کتاب‌شناس بوده است، نقل کتاب می‌کند و این می‌رساند که بی‌گمان **فهرست** ابن‌ندیم نخستین فهرست‌نگاشت و کتاب‌شناخت در تاریخ فرهنگ اسلامی نبوده است.[1]

از ابن‌ندیم که بگذریم، ابوالحسین احمد بن غضائری (د.۴۲۵ق)، صاحب **فهرست** (مصنفات)، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ـ۴۵۰ق) صاحب رجال، محمد بن

---

۱. از احمد بن محمد اعین معروف به ابوغالب زراری (۲۸۵ـ۳۶۸ق) هم فهرستی یاد شده است؛ بنابراین، **فهرست** ابن‌ندیم، سومین کتاب‌شناخت شناخته‌شده در اسلام است.

حسن بن علی طوسی، مشهور به شیخ طوسی (۳۸۰ـ۴۶۰ق) نگارنده فهرست؛ محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی (۴۸۹ـ۵۸۸ق)، نویسنده معالم العلماء؛ ابوالحسن منتجب‌الدین علی بن عبیدالله بن حسن بن حسین بن بابویه رازی معروف به شیخ منتجب‌الدین (قرن ششم هجری)، گردآورنده فهرست از دیگر فهرست‌پردازان بنام و متقدم‌اند.

در سده‌های اخیر نیز چند کتاب‌شناخت بزرگ در جهان اسلام پدید آمده است، از آن‌هاست: کشف الظنون اثر حاجی خلیفه (مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی ۱۰۱۷ـ۱۰۶۷ق) و ذیل آن، ایضاح المکنون، از اسماعیل پاشا بغدادی (د.۱۳۳۹ق)، و از همه گفتنی‌تر الذریعة الی تصانیف الشیعة، کار فقیه و اصولی و کتاب‌شناس نستوه شیعه محمدمحسن تهرانی (رازی)، معروف به شیخ آقابزرگ (۱۲۵۵ـ۱۳۴۸).

بایستی کتاب‌شناخت

کتاب‌شناسی گام آغازین هر پژوهش است. نمی‌توان بی‌شناخت راه رفته و حرف گفته، به بایست و نابایست پژوهش در زمینه‌ای پی برد و به پیمایش راه درست و درست راه پژوهش در حوزه‌ای دل خوش داشت.

پس بر هر پژوهنده‌ای است که پیش از هر چیز در زمینه موضوع پژوهش خویش، کتاب‌شناسی کند و از این رهگذر بکوشد با ورانداز زیر و بالای گفت و کرد دیگران، نخست تکلیف خود را روشن سازد و جایگاه پژوهش خویش را در میان پژوهش‌های انجام‌شده معلوم دارد و بپاید، باری ناخواسته به بازگویی ساخته و پرداخته دیگران گرفتار نیاید، و این کمترین ثمره کتاب‌شناسی است.

از این کتاب‌شناخت

ضرورت کار: کشورهای عربی در زمینه تعلیم و تربیت در اسلام، بسیار بیش و پیش از ما کوشیده‌اند و آن‌مایه که آگاهی کتاب‌شناخت این قلم قد می‌دهد، تازیان، قلم‌فرسایی در این حوزه را از بیش از پنجاه سال پیش سرگرفته‌اند و امروزه از مقالات و پایان‌نامه‌های عربی که بگذریم تنها، شمار تک‌نگاشت‌های تازی در زمینه تعلیم و تربیت در اسلام از سه هزار عنوان فراتر است و گمان نمی‌کنم گسترده موضوعی این شمار، از دویست مدخل فروتر باشد.

با توجه به گسترش روزافزون پژوهش در حوزه تربیت اسلامی در ایران و شاخه‌های پرشمار و تخصصی پژوهش در این حوزه، آشنایی با این جمع پریشان هر مایه که شدنی باشد حتی در جامه کتاب‌شناخت، برای تربیت‌پژوهان ما مغتنم است و می‌تواند ابزار بل دست‌مایه‌ای علمی فراراه پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی باشد.

پیشینه کار: شمار کتاب‌شناسی‌های انجام‌شده در تعلیم و تربیت اسلامی به سی عنوان نمی‌رسد و گمان نمی‌رود به جز آنچه برخواهم شمارد در این وادی کاری شده باشد:

۱. عزتی، ابوالفضل. «بعضی از متخصصین در آموزش و پرورش اسلامی و بعضی از آثار آنان و منابع». چاپ‌شده در کتاب آموزش و پرورش اسلامی. چاپ سوم: تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۶. ص ۳۵۸-۳۷۴، رقعی.

در دو قسمت تنظیم و تحریر گشته است. در قسمت نخست به ۴۹ اثر از متون تربیتی اشاره شده است. نام برخی از آثار و مؤلفان نادرست ضبط شده است. ویژگی‌های کتاب‌شناختی هیچ‌یک از منابع یادشده کامل نیست. کاری است بسیار ضعیف و پرکاستی و غیرفنی، و برخی از مدخل‌های آن به گمراهی خواننده ناآگاه می‌انجامد. شماری از منابع معرفی‌شده، از متون ادب فارسی‌اند نه تعلیم و تربیت اسلامی.

قسمت دوم حاوی پانزده عنوان از آثار عربی جدید درباره تعلیم و تربیت اسلامی است. یکی از عنوان‌ها تکراری است و مشخصات کتاب‌شناختی هیچ مدخلی کامل نیست. به نظر می‌رسد نگارنده بیشتر آثار معرفی‌شده در دو قسمت را رؤیت نکرده است و نقل او با واسطه است.

۲. حجتی، سید محمدباقر. «معرفی پاره‌ای از کتب مربوط به: تعلیم و تربیت اسلامی، تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی و روان‌شناسی اسلامی». چاپ‌شده در آداب تعلیم و تربیت اسلامی. چاپ پانزدهم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶. ص ۶۷۳-۷۲۰، رقعی.

دارای دو بخش عربی و فارسی است. در بخش عربی از ۷۵ اثر کهن و جدید، و در بخش فارسی از ۷۷ اثر جدید اعم از ترجمه و تألیف در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی یاد شده است. در معرفی منابع گاه از فهرست مطالب سخن رفته است و گاه تنها به ویژگی‌های کتاب‌شناختی هر اثر پرداخته شده است. بسیاری از منابع از کشف الظنون حاجی خلیفه نقل شده است.

۳. رفیعی، بهروز. کتاب‌شناسی توصیفی و موضوعی تعلیم و تربیت در اسلام. چاپ اول: تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸. بیست+۵۲۹ ص، وزیری.

نخستین کتاب‌شناخت توصیفی و موضوعی تعلیم و تربیت در اسلام است و دو بخش دارد. در بخش نخست آن به توصیف ۱۰۳ اثر فارسی و عربی، و در بخش دوم آن به معرفی موضوعی ۴۱۵ کتاب فارسی، ۷۴۴ کتاب عربی، ۱۰۲ اثر انگلیسی پرداخته شده است.

کتاب‌شناختی است فنی و قاعده‌مند و پایبند به اصول کتاب‌شناسی. توصیف‌های آن باز و تلفیقی و کاملاً مقید به متن است.

۴. رفیعی، بهروز. کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام «گزیده منابع عربی». چاپ اول: تهران - قم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی (وزارت آموزش و پرورش) - پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱. ۴۶۳ص، وزیری.

از پنج بخش و هر بخش آن از چند بهره برآمده است و در آن با پاسداشت اصول چکیده‌نویسی و توصیف، ۱۱۰ کتاب عربی توصیف (تشریح/ وصف) و تحلیل و نقد شده است.

۵. رفیعی، بهروز. «کتاب‌شناسی موضوعی تعلیم و تربیت [در اسلام]». فصلنامه حوزه و دانشگاه. سال ۵، شماره ۱۴ و ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص۱۰۲ـ۱۵۱.

معرف موضوعی ۳۷۸ عنوان کتاب فارسی و ۶۶۴ عنوان کتاب عربی درباره تعلیم و تربیت در اسلام است.

۶. عطیه، محیی‌الدین. الفکر التربوی الاسلامی: قائمة ببلیوغرافیة. چاپ سوم: فیرجینیا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی. ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م. ۱۵۹ص، وزیری.

دارای ۱۳۰۰ مدخل و شامل کتاب، مقاله، سخنرانی، پایان‌نامه، همایش به زبان عربی است. مدخل‌ها، ذیل ۲۷۳ عنوان گنجانده شده است، شماری از عنوان‌ها خارج از موضوع است و ربطی به تعلیم و تربیت در اسلام ندارد. نیز فراوانی از کتاب‌های چاپ‌شده به زبان عربی تا تاریخ نشر اثر، در آن نیامده است.

۷. یالجن، مقداد. دلیل التأصیل الاسلامی للتربیة، الجزء الاول. [چاپ اول]: [ریاض]، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، [بی‌تا]. ۳۰۰ص، رحلی.

از جمله کتاب‌هایی است که به مناسب یکصدمین سال تشکیل دولت پادشاهی سعودی در عربستان، منتشر شده است.

از هشت فصل و خاتمه برآمده است. فصل نخست درباره اهتمام دانشگاه اسلامی محمد بن سعود به پایه‌گذاری اسلامی علوم به‌طور عام و تربیت به‌طور خاص است که کوتاه و

مختصر افتاده است. در فصل دوم به منابع عربی در این خصوص و بر اساس نام آثار پرداخته شده است. در فصل سوم از همان آثار اما بر اساس نام خانوادگی مؤلفان یاد شده است. فصل چهارم از منابع اروپایی و ترکی بر اساس عنوان آثار سخن رفته است. فصل پنجم به بیان فهرست مطالب برخی از آثار اختصاص یافته است. در فصل ششم به محورهای بحث در شماری از همایش‌های مرتبط با تربیت اسلامی پرداخته شده است. در فصل هفتم به سرفصل‌ها و مدخل‌های درخور پژوهش در زمینه اسلامی کردن تربیت اشاره شده است. نهادها و مراکزی که به اسلامی کردن تربیت، و تربیت اسلامی نظر دارند در فصل فرجامین آمده است.

مدخل‌های این اثر اعم از کتاب و رساله و مقاله است و کاری ناتمام و پرکاستی است و بسیاری از مدخل‌های آن بیرون از حوزه اسلامی کردن تربیت است.

۸. نقیب، عبدالرحمن عبدالرحمن. دلیل مستخلصات الرسائل الجامعیة فی التربیة الاسلامیة بالجامعات المصریة والسعودیة. چاپ اول: عمان، المعهد العالمی للفکر الاسلامی (دفتر اردن)، ۱۹۹۳. [۱۲]+۵۱۲ ص، وزیری.

در دو بخش تنظیم گشته است. در بخش نخست از ۱۷۵ رساله در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های مصر که با موفقیت از آن‌ها دفاع شده سخن رفته است. در بخش دوم به ۸۳ رساله در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های عربستان که از آن‌ها با موفقیت دفاع گشته پرداخته شده است.

چکیده‌ها کوتاه و در حد عنوان‌های اصلی و فرعی فصول است.

۹. نوری، محمد. مأخذشناسی نظام تعلیم و تربیت روحانیت. چاپ اول: قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶. ۷۳۶ص، وزیری.

دارای پنج بخش است و برخی از بخش‌های آن از چند فصل تشکیل شده است. عنوان بخش‌ها چنین است: تربیت و پرورش اخلاقی، مباحث آموزشی، تاریخ آموزش و علوم آموزشی و نهادهای آموزشی و نهادها و مراکز فرهنگی وابسته، آموزش و پرورش اسلامی در زبان‌های اروپایی.

در معرفی مدخل‌ها به ویژگی‌های کتاب‌شناختی بسنده شده و تنها در چند مورد اندک از فهرست مطالب هم سخن رفته است. حوزه زبانی کتاب فارسی، عربی، اروپایی است. در پاره‌ای بخش‌ها معرفی بر اساس نام اثر و در برخی بر اساس نام خانوادگی مؤلف صورت گرفته است.

۱۰. رفاعی، عبدالجبار. موسوعة مصادر النظام الاسلامی. ج۵: التربیة والتعلیم فی الاسلام. چاپ اول: قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۱۷/۱۳۷۵ق. ص۳۶۹، وزیری.

از ۲۷۹۵ کتاب، مقاله، پایان‌نامه به زبان عربی ساخته شده است. مدخل‌ها ذیل ۴۵۸ عنوان گنجانده و بر اساس نام خانوادگی صاحبان آثار مرتب شده است. بسیاری از منابع عربی را دربر ندارد. کتاب‌شناختی است موضوعی و در آن به بیان ویژگی‌های کتاب‌شناخت هر اثر بسنده شده است.

۱۱. نقیب، عبدالرحمن عبدالرحمن. «مشروع مکتبة بحثیة لدراسة التربیة الاسلامیة». چاپ‌شده در کتاب بحوث فی التربیة الاسلامیة. (الکتاب الخامس)، [چاپ اول]: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۸۷م. ص۱۶۴ـ۲۱۲، وزیری.

به معرفی عنوان‌های اصلی و فرعی ۱۱۹ مدخل عربی و ۱۹ مدخل اروپایی پرداخته شده است. مدخل‌ها شامل رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری و کتاب و مقاله است.

۱۲. نقیب، عبدالرحمن عبدالرحمن. «اتجاهات البحث التربوی الاسلامی فی الجامعات المصریة والسعودیة دراسة حالة». چاپ‌شده در کتاب التربیة الاسلامیة رسالة... و مسیرة. چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، [۱۹۹۰م]. ص۷۹ـ۱۰۵، وزیری.

با استناد به رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری دفاع‌شده در دانشگاه‌های مصر و عربستان، روشن شده است که در این دو گروه دانشگاه میزان توجه و پرداختن به روش‌شناسی، اصول، فلسفه، تاریخ، وضع کنونی تعلیم و تربیت اسلامی، چه مایه است.

از دانشگاه‌های مصر به ویژگی‌های کتاب‌شناختی ۴۵ رساله و از دانشگاه‌های عربستان به مشخصات کتاب‌شناختی ۵۶ رساله پرداخته شده است.

۱۳. نقیب، عبدالرحمن عبدالرحمن. «مشروع خطة دراسة کتب التراث الفکری التربوی العربی الاسلامی». چاپ‌شده در کتاب التربیة الاسلامیة المعاصرة فی مواجهة النظام العالمی الجدید. چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م. ص۲۷۹ـ۳۱۱، وزیری.

طرحی است درباره بررسی میراث مکتوب تربیتی عربی ـ اسلامی که پس از شرح طرح و مراحل آن، نخست از ۵۴ تربیت‌پژوه عرب که می‌توان در مطالعه میراث مکتوب تربیتی عربی ـ اسلامی از آن‌ها یاری جست، نام برده می‌شود؛ سپس از ویژگی‌های کتاب‌شناختی ۱۱۸ کتاب که از میراث مکتوب تربیتی عربی ـ اسلامی به شمار می‌روند یاد می‌شود.

۱۴. بناری، علی همت. مأخذشناسی تربیت اخلاقی. چاپ اول: [تهران]، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲. ۷۶۰ص، وزیری.

دارای ۱۴۴۷ مدخل به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و شامل کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی است. توصیف مدخل‌ها در حد اشاره به عناوین مطالب است. گاه از مدخل‌هایی یاد شده است که خارج از موضوع می‌نمایند و ربطی به تربیت اخلاقی ندارند. آثار بر اساس موضوع و زبان تفکیک شده است. ترتیب چینش مدخل‌ها بر اساس نام خانوادگی مؤلفان است. منابع فارسی شامل تألیف و ترجمه است، شماری از مدخل‌ها در حوزه تربیت اسلامی است.

۱۵. عبدالله، عبدالرحمن صالحی. دلیل الباحثین الی التربیة الاسلامیة فی الاردن. چاپ اول: عمان، المعهد العالمی للفکر الاسلامی (دفتر اردن)، ۱۹۹۳م. ۲۱۴ص، وزیری.

به ۱۹۷ کتاب، مقاله، پایان‌نامه پرداخته است. در شرح مدخل‌ها پس از اشاره به ویژگی‌های کتاب‌شناختی هر مدخل، به توصیف آن پرداخته شده است. کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات تخصصی، کمابیش در دویست واژه و مقالات روزنامه‌ها در چند سطر کوتاه توصیف شده‌اند.

مدخل‌ها بر اساس نام خانوادگی مؤلفان مرتب گشته و ترتیب چینش آن‌ها به گونه ذیل است:

۱ـ۸: مقالات تخصصی؛ ۹ـ۶۳: پایان‌نامه‌ها؛ ۶۴ـ۱۱۳: کتاب‌ها؛ ۱۱۴ـ۱۹۷: مقالات روزنامه‌ها.

۱۶. قربان‌پور، علیرضا و عباس چراغ‌چشم، چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی. ویراستار: جمال امامی بافرانی، طراح و صفحه‌آرا: قاسم جهانگیری. چاپ اول: قم، انتشارات تربیت اسلامی، ۱۳۸۴. ۳۰۳ص، وزیری.

● عنوان روی جلد: چکیده تحقیقات تعلیم و تربیت اسلامی.

دارای هشت بخش است و رساله‌ها ذیل این بخش‌ها معرفی شده است. از پنجاه رساله معرفی‌شده، سه عنوان دکتری، یک عنوان دانشنامه مدرّسی، ۴۶ عنوان کارشناسی ارشد است.

در معرفی معمولاً از مسئله تحقیق، اهداف تحقیق، پرسش‌های تحقیق، فرضیه‌های تحقیق، پیشینه تحقیق، ابزار گردآوری اطلاعات، روش تحقیق، نتایج تحقیق، پیشنهادهای تحقیق یاد شده است. حوزه زبانی آن فارسی و حوزه مکانی آن ایران است. در معرفی هر اثر از عنوان رساله، نام و نام خانوادگی پژوهشگر، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، مقطع تحصیلی، زمان و مکان انتشار [یعنی دفاع] یاد شده است. از استاد مشاور سخنی در میان نیست. ذیل پاره‌ای از مدخل آمده است دانشکده علوم تربیتی، اما معلوم نشده است این دانشکده تابع کدام دانشگاه است.

۱۷. المجمع الملکی لبحوث الحضارة الاسلامیة، مؤسسة آل‌البیت. الفهارس التحلیلیة للتربیة العربیة الاسلامیة. چاپ اول: عمان، مؤسسهٔ آل‌البیت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م. ۲ج، ۲۲۸+۳۵۷ص، وزیری.

تلاش شده است با مراجعه به میراث مکتوب اسلامی، موضوعات و عنوان‌های مرتبط با تربیت اسلامی به‌طور عام شناسایی و با ذکر شماره جلد و صفحه در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

تقریباً همه منابع جستجوشده از عالمان اهل سنت است و از منابع شیعی ـ مگر کتابی از ابن‌سینا ـ استفاده نشده است.

شیوه کار چنین است که ذیل هر عنوان تربیتی، از منابع، یاد و به شماره مجلد و صفحه مورد نظر اشاره شده است. ترتیب چینش منابع بر اساس نام خانوادگی مؤلفان است. کاری پرزحمت و مفید شده است اما از سویی به همه موضوعات مطرح در تربیت اسلامی نظر نشده است و از سوی دیگر به همه منابع پرداخته نشده، بل تنها از ۲۹ اثر یاد شده است.

۱۸. الاعسم، عبدالامیر. «التعریف بمصادر التربیة عند الاسلامیین». رسالة الاسلام. بغداد، سال ۳، شماره ۱ و ۲، ۱۹۶۸م، ص۱۴ـ۷۸.

۱۹. باقارد، ابوبکر. «دلیل الباحث فی التربیة الاسلامیة». المسلم المعاصر. بیروت، سال ۳، شماره ۱۲، ۱۳۹۷ق، ص۱۶۵ـ۱۷۳.

۲۰. رفاعی، عبدالجبار. «مصادر الدراسة عن التربیة والتعلیم فی الاسلام». التوحید. قم ـ تهران، سال ۶، شماره ۳۶، ۱۴۰۹ق، ص۱۳۱ـ۱۴۴؛ سال ۷، شماره ۳۷، ۱۴۰۹ق، ص۱۴۱ـ۱۵۲، و شماره ۴۰، ۱۴۰۹ق، ص۱۳۱ـ۱۴۴، و شماره ۴۳، ۱۴۱۰ق، ص۱۳۱ـ۱۴۳.

۲۱. عطیه، محیی‌الدین. «دلیل الباحث فی التربیة الاسلامیة». المسلم المعاصر. بیروت، سال ۹، شماره ۳۴، ۱۴۰۳ق، ص۱۷۳ـ۱۹۱.

۲۲. مزیان، عبدالسلام. «ببلیوجرافیا موجزة فی التعلیم الاسلامی بالمغرب». مجلة التدریس. سال ۶، ۱۹۷۹م.

۲۳. مزیان، عبدالسلام. «التعلیم الاسلامی بالمغرب ـ ببلیوغرافیا موجزة». الدراسة النفسیة. شماره ۲، ۱۹۸۲م.

۲۴. المرکز العربی للبحوث التربویة لدول الخلیج، قائمة ببلیوغرافیة مختارة حول موضوع الفکر التربوی فی الاسلام.[1] کویت، مکتب التربیة لدول الخلیج، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۴م.

---

۱. نگارنده، هفت مدخل اخیر را رؤیت نکرده است.

گزارش کار: کتاب‌شناخت حاضر که به ۱۳۰ مجلد کتاب در قالب ۱۱۵ عنوان پرداخته است (برخی از عنوان‌ها بیش از یک مجلد است)، به‌نوعی ادامه دو کتاب‌شناخت[1] پیشین این قلم در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی و دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱. این ۱۱۵ عنوان کتاب، کمابیش درباره یکصد موضوع در حوزه تربیت اسلامی‌اند.

۲. دامنه زبانی آن عربی، حوزه زمانی آن (تاریخ چاپ) ـ جز یک مورد ـ سی سال گذشته، دایره مکانی آن کشورهای عربی ـ مگر یک مورد ـ و زمینه موضوعی آن تعلیم و تربیت در اسلام به‌طور مطلق است.

۳. نگارنده همه مدخل‌ها را خود دیده و مطالعه و توصیف و نقد کرده است.

۴. محل نگهداری مدخل‌ها، شهر قم (کتابخانه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، و کتابخانه جامع جامعة المصطفی العالمیة) است.

۵. هدف نخستین و اصلی کتاب‌شناخت، توصیف (تشریح/ وصف) منابع بوده است، اما کار به تحلیل و گاه نقد و ارزش‌داوری[2] هم کشیده شده است.

۶. توصیف‌ها که در واقع چکیده‌اند، از گونه باز و لحن آن‌ها تلفیقی (= تمام نما + راهنما)ست و در آن‌ها تلاش شده است چنان شود که با مطالعه توصیف (چکیده)، خواننده، کمابیش با روح کتاب آشنا شود و داوری کند که کتاب درخور مطالعه و... است یا نه.

۷. در توصیف‌ها به‌هیچ‌وجه ـ جز یکی دو مورد که در [] نهاده شده است ـ سخنی خارج از متن مدخل‌ها نیامده است. گفته‌های این قلم‌زن تنها در تحلیل‌ها و نقدها بازتابش یافته است.

۸. مدخل‌ها فارغ از هر گونه ارزش‌داوری گزینش شده‌اند.

۹. در این کتاب‌شناخت، به مدخل‌هایی که در حوزه میراث مکتوب تربیتی در اسلام می‌گنجد (مانند، آداب المتعلمین ابن‌سحنون)، پرداخته نشده است.

---

۱. دو کتاب‌شناخت یادشده، در ص ۴ همین کتاب‌شناخت معرفی شده‌اند.

۲. در این کتاب‌شناخت با توجه به بایستی پاسداشت حق و حرمت نگارندگان، کوشش شده است با پایبندی به اخلاق و آداب نقد، آنجا که گریزی نبوده است و چشم‌پوشی از نقد، به پایمالی حق خواننده کتاب‌شناخت و فروکاستن از ارزش کتاب‌شناخت می‌انجامیده است، به نقد آثار پرداخته شود؛ از این رهگذر گذشته از نقد شماری از منابع معرفی‌شده در پیشینه کار، بیش از نیمی از ۱۱۵ مدخل توصیف و تحلیل‌شده در متن کتاب‌شناخت نیز نقد شده است. نقدها که کوتاه و بلند (۱ـ۲۶ سطر) افتاده‌اند در لابه‌لای سخن گنجانده شده‌اند نه ذیل عنوان «نقد».

۱۰. منابع توصیف‌شده، گزینش شده و پیش از این کتاب‌شناخت، در هیچ کتاب‌شناختی بدان‌ها پرداخته نشده است.

۱۱. در گزینش مدخل‌ها پاییده‌ام از موضوعات گوناگون در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی یاد شود.

۱۲. گاه منابع دست‌یافتنی در حوزه‌ای، در دو کتاب‌شناخت پیشین من توصیف شده است، ناگزیر بدان حوزه نپرداخته‌ام.

۱۳. تلاش شده است از جدیدترین منابع هم استفاده شود، درنتیجه به آثاری چاپ ۲۰۱۰م نیز پرداخته شده است.

۱۴. ذیل اکثر مدخل‌ها، منابع دیگری برای آشنایی بیشتر با موضوع معرفی شده است. ملاک و معیار گزینش و معرفی این آثار، محتوای هر مدخل توصیف‌شده بوده است نه عنوان آن.

شیوه کار: در ساخت و پرداخت این کتاب‌شناخت، کوشش شده است به‌هیچ‌روی از سر قلم‌اندازی، کاری نشود چه به پایمالی حقوق صاحبِ مدخل، و خواننده کتاب‌شناخت می‌انجامد. از این‌رو آن‌مایه که دانسته و توانسته‌ام در توصیف‌های چکیده‌سان مدخل‌ها، از مبانی چکیده‌پردازی پیروی نموده‌ام و در بسامان ساختن مدخل‌ها، اصول کتاب‌شناسی را پاس داشته و چنین کرده‌ام:

۱. نام آثار را بر نام مؤلفان آن‌ها مقدم داشته‌ام؛ زیرا در پی گفته برآمده‌ایم نه گوینده.

۲. مدخل‌ها را بر اساس نام آن‌ها ترتیب الفبایی داده و با شماره مسلسل، جای هر یک را در میان ۱۱۵ عنوان معلوم ساخته‌ام.

۳. پس از نام اثر، نام و نام خانوادگی صاحب اثر را آورده‌ام: نام اثر و نام مؤلف آن را درست آن‌سان که در کتاب ضبط شده آورده‌ام، از این‌رو گاه نامی دو گونه قلمی شده است: داوود، داود؛ ببلیوجرافیا، ببلیوغرافیا.

۴. نام کتاب‌ها را بر اساس آنچه در صفحه عنوان ضبط‌شده آورده‌ام و هر جا نام کتاب بر روی جلد با نام آن در صفحه عنوان یکی نبوده است پیش از توصیف و پس از اشاره به مشخصات ویژه هر اثر، نام آمده بر روی جلد را در مقابل دایره‌ای سیاه (●) گوشزد کرده‌ام.

۵. در ادامه، ویژگی‌های نشر هر مدخل آمده است؛ بدین‌سان: نوبت چاپ، محل نشر، نام ناشر، تاریخ نشر.

گفتنی است برخی از کتاب‌ها دو ناشر و دو محل نشر دارد، در این‌گونه موارد چنین عمل شده است: محل نشر اول ـ محل نشر دوم، ناشر اول ـ ناشر دوم.

دیگر آن‌که در مواردی که اثری را پیش‌تر ناشری منتشر کرده است و اینک ناشر دیگری آن را منتشر ساخته، پس از بیان نوبت چاپ، درون [] آورده‌ام: این ناشر.

۶. پس از ویژگی‌های نشر هر اثر، از مشخصات ویژه هر کتاب یاد شده است، به این ترتیب: شمار جلد (در صورت تعدد جلد)، شمار صفحه، قطع، تصویر، سند، نمایه، نمودار، پرسش‌نامه و... .

۷. سرانجام، به توصیف کتاب‌ها رسیده‌ام. معمولاً سرآغاز بحث، معرفی کلی هر مدخل است و سپس هر مدخل را، توصیف و تحلیل و گاه نقد کرده و با معرفی آثاری به فارسی و عربی برای مطالعه بیشتر، بحث را بسته‌ام.

۸. در مجلدات پانزده‌مدخلی که بیش از یک جلد بوده‌اند، توصیف‌ها همگی ذیل یک عنوان، و در پی هم، اما جدا از یکدیگر آمده است.

سخن آخر آن‌که چون به آخر سخن رسیدیم، بایسته است بگوییم این قلم‌زن همواره تلاش کرده است در قلم‌زنی از یاد نبرد که گفته‌اند:

ان کنت فی امر فکن فیه محسنا　　　فعمّا قلیل انت ماض و تارکه

از این‌رو آن‌مایه که در توش و توانش بوده است کوشیده است حرمت قلم و قلم‌زنی را پاس دارد و آن کند که ان‌شاءالله چنان شود که باری، کاری نشود که با هویت صنفی‌اش ناسازوار افتد.

خواسته و شایسته چنین بوده است.

و علی ان اسعی و لیس علی ادراك النجاح

ثم الصلاة علی النبی و آله

خیر الانام، و من به یستشفع

حوزه علمیه قم

بهروز رفیعی

۱۳۸۹

۱

آراء و مواقف تربوية و نفسية صائبة فی التراث العربی الاسلامی[۱]

نوری جعفر. [چاپ اول]: بغداد، دارالحرية للطباعة، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۲م. ۹۷ص، وزیری.

کتاب حاضر دربردارنده برگزیده‌هایی از اقوال و افعال و نقل ماجراهایی است که در میراث مکتوب عربی از گذشتگان به یادگار مانده است. نگارنده با سیری در این میراث کوشیده است مطالبی را که بر اساس برداشت او حاوی نکات تربیتی و روان‌شناختی است از آن‌ها برگیرد و بدون تصرف و گاه با اندکی شرح و تحلیل عیناً در کتاب خود بازگو کند. وی مطالب کتاب را در سه فصل بسامان کرده است.

در فصل یکم، سخن از ابعاد تربیتی موجود در میراث مکتوب عربی ـ اسلامی است. این فصل دو فراز دارد. در فراز نخست، توصیه‌های شماری از امیران و بزرگان قوم به معلمان فرزندانشان بازگو شده است، مانند: عتبة بن ابوسفیان، هارون‌الرشید، ابامریم مؤدب مأمون. در این فراز از جمله تلاش شده است به جایگاه اجتماعی و تربیتی رفیع معلم در فرهنگ اسلامی اشارتی رفته باشد.

در فراز دوم که بخش عمده این فصل را گرفته است، به آرای تربیتی گروهی از کسانی که به امور آموزشی و تربیتی عنایت داشته‌اند و به‌طور مستقیم به این مقوله پرداخته‌اند نظر شده است. کسانی چون: ابن‌سحنون، ابوالحسن قابسی، بدرالدین ابن‌جماعه، امام محمد غزالی، عبدالرحمن بن خلدون، ابوالحسن ماوردی، گروه اخوان‌الصفا، عمرو بن بحر جاحظ. در این میان بیش از همه از اخوان‌الصفا و جاحظ نقل مطلب شده است.

---

۱. اندیشه‌ها و مواضع شایسته تربیتی و روان‌شناختی در میراث عربی اسلامی

برای نمونه از اخوان‌الصفا بازگو شده است که محیط بر رشد حیات عقلی مؤثر است؛ سرمشق بر رفتار کودک تأثیر ژرف دارد؛ آنان از موارد درسی و اصل آموزش از راه تکرار و عمل یاد کرده‌اند و به اهمیت معلم در زندگی شاگردان پرداخته‌اند و از اخلاق آموزشی گفته‌اند و به بازاندیشی و خودانتقادی اشاره کرده‌اند و از اهمیت علم در زندگی بشر گفته‌اند.

فصل دوم دربارهٔ جنبه‌های روان‌شناختی موجود در میراث مکتوب عربی ـ اسلامی پرداخته شده است. در این فصل به بازنوشت بخش‌هایی از رسائل اخوان‌الصفا بسنده شده است. پاره‌ای از اشارات اخوان که در کتاب بدان‌ها پرداخته شده از این قرار است: اهمیت علم‌النفس [تعبیر عیناً از اخوان است اما مراد آنان روان‌شناسی نیست، منظورشان شناخت نفس است]، رابطه میان روح و بدن، کارکردهای نفس و به تعبیر امروزین مغز (ص ۴۱)، تحلیل توانایی‌های عقلی انسان، رشد ادراکات عقلی یا مفاهیم مجرد یا افکار، دربارهٔ اعصاب حسی و چگونگی انتقال محسوسات از اندام‌های حسی به مغز و پیشگامی اخوان در شرح این مقولات نسبت به دکارت فرانسوی در قرن هفدهم، تفاوت‌های فردی در انسان، ارتباط میان ذهن و زبان با فکر و لغت.

در فصل فرجامین این کتاب، نمونه‌هایی از اقوال و احوال کسان در میراث مکتوب عربی ـ اسلامی که دارای مضمون تربیتی مهمی هستند، بازنوشته شده است.

نویسنده مطالب این فصل را ذیل پنج عنوان کلی گنجانده است: روابط دوستانه‌ای که اختلاف دیدگاه را پشت سر می‌نهد، مواضع و صحنه‌های شگفتی‌برانگیز، سخن حق در مواقع دشوار، جدلی یا دیالکتیکی بودن پدیده‌های اجتماعی، غرق مطالعه و بررسی شدن به گونه‌ای بی‌همال.

نگارنده در ذیل هر یک از عناوین یادشده، چند و گاه چندین رخداد واقعی را از متون اسلامی عیناً آورده است. مثلاً ذیل عنوان جدلی یا دیالکتیکی بودن پدیده‌های اجتماعی از جمله آمده است: عبدالله بن عامر امیر بصره در زمان عثمان همراه غیلان بن قرشه ضبّی یکی از بزرگان شهر، از رود ام‌عبدالله که بصره را به دو نیم می‌کرد می‌گذشت. او رو به غیلان می‌کند و می‌گوید چه قدر این رود برای اهل این شهر مفید است! غیلان در تأیید سخن حاکم، فصلی مشبع در مزایا و فواید رود برای مردم بصره می‌پردازد. از قضا روزی دگر غیلان با حاکم بعدی بصره از همان رود می‌گذرد، حاکم به او می‌گوید چه قدر این رود برای مردم بصره زیانبار است، غیلان این‌بار چنان فصلی در مضرات این رود برای مردم بصره می‌پردازد.

* برای مطالعه بیشتر و مقایسه، از جمله آثار ذیل پیشنهاد می‌شود:
نزار عانی، الشخصية الانسانية فی التراث الاسلامية (قاهره، دارالفرقان، ۱۴۱۸)؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (پنج جلد) (قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت، ۱۳۷۷-۱۳۸۷)؛ محمد عطیه ابراشی، التربية السلامية و فلاسفتها (قاهره، دارالفکر العربی، [بی‌تا])؛ احمد فؤاد اهوانی، التربية فی الاسلام او التعليم فی رأی القابسی (قاهره، دار احياء الكتب العربية، ۱۹۵۵م)؛ محمد ناصر، الفكر التربوی العربی الاسلامی (کویت، وکالة المطبوعات، ۱۹۷۷م)؛ عثمان نجاتی، الدراسات النفسانية عند العلماء المسلمين[1] (قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۴ق)؛ نذیر حمدان، فی التراث التربوی: دراسات نفسية تعليمية تراثية (دمشق، دارالمأمون، ۱۴۰۹ق).

۱. این کتاب به فارسی ترجمه شده است: علم النفس: روان‌شناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان، به ضمیمهٔ اندیشه‌های ابتکاری حکیم صدرالمتألهین شیرازی، عثمان نجاتی، ترجمه سعید بهشتی، چاپ اول، تهران، رشد، ۱۳۶۷.

۲
ائمة الفكر التربوی الاسلامی قراءة ثانیة[1]

محمد جواد رضا. چاپ اول: کویت، ذات السلاسل، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م. ۱۸۳ص، وزیری.

نگارنده این اثر در کتاب العرب والتربیة والحضارة (چاپ سوم: کویت، ذات السلاسل، ۱۹۸۷م)، به آرای تربیتی شماری از مربیان از جمله اخوان‌الصفا، غزالی، ابن‌خلدون هم پرداخته است.

در کتاب حاضر تلاش شده است از رهگذر بازخوانی دیدگاه‌های تربیتی سه مربی یادشده، و نیز پرداختن به گوشه‌هایی از آرای تربیتی ابوحنیفه، خواجه نصیرالدین طوسی، محی‌الدین بن عربی، کاستی‌های رخ‌داده در کتاب نخست، کمابیش جبران شود (ص۵ـ۶).

این اثر در مقدمه‌ای بسیار کوتاه و هفت فصل کوتاه و بلند پرداخته شده است.

در فصل نخست که اسلام، مدرسه مسلمانان عنوان گرفته، تلاش شده است با استناد به آیات و گاه روایات، مبانی چهارگانه و عام تربیت اخلاقی و اجتماعی در اسلام بررسی شود. پس از آن آمده است که انسان تربیت اسلامی در مفهوم مؤمن تجلی می‌یابد و غایت تربیت اسلامی تربیت مؤمنانی است که تار و پود فرهنگ و تمدن اسلامی مرهون وجود آنان است. نکته بعدی اشارتی است کوتاه به مفهوم تعلیم و تربیت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر که همراه مطالبی استطرادی و با استناد به رسائل اخوان‌الصفا پرداخته شده است.

فراز فرجامین این فصل نیم‌نگاهی است به کرامت انسان و فرّهی عقل در اسلام که با تکیه بر سخنان حضرت علی(ع) به کمیل قلمی گشته است.

ابوحنیفه و حس اجتماعی در تربیت، عنوان فصل دوم کتاب است. مؤلف در شرح و شکافت این مطلب، نخست از مفهوم‌شناسی واژگان: ادب، تأدیب، تربیت در متون اسلامی یاد

۱. پیشوایان اندیشه تربیتی اسلامی: نگاهی دوباره

کرده و افزوده است که این واژگان جسته‌جسته در معنای یکدیگر به کار رفته‌اند با این حال کاربرد تأدیب در میان فقیهان بیشتر بوده است؛ سپس از توجه فقیهان به رابطه معلم و شاگرد و فریضه بودن تعلیم و تربیت در نگاه آنان و جنبه اخروی آموزش و پرورش در آثارشان یاد شده و آمده است که در میان فقیهان تنها ابوحنیفه به بعد اجتماعی تربیت توجه داشته است (ص۳۵)؛ چرا که وی از علم و عمل، مسئولیت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم در کنار تعلّم، فعالیت اقتصادی همراه با دانش‌آموزی یاد کرده است.

فصل سوم، غزالی و تربیت برای رهایش روح نامیده شده است. در واکاوی این عنوان، ابتدا به زندگی غزالی نظر شده است؛ سپس با استناد به جلد یکم احیاء علوم الدین غزالی از علم و اقسام آن، فضیلت علم و تعلیم و تعلّم، آداب و وظایف معلم و متعلم، برنامه درسی سخن رفته است؛ سپس متن عربی کتاب ایها الولد غزالی آورده شده است.

عنوان فصل چهارم، اخوان‌الصفا و تربیت در راستای دگرگونی اجتماعی است و در آن پس از اشارتی به تاریخچه و فلسفه وجودی این گروه و ویژگی‌های سه‌گانه آن‌ها، در آغاز از هدف‌های تربیتی اخوان‌الصفا و سپس از موضع آنان نسبت به انسان سخن رفته و در پی آن شناخت از نگاه اخوان بازشکافی شده است و در ادامه از نقش اساسی معلم در تربیت یاد و برای بیان تفسیر اجتماعی تربیت از دید اخوان‌الصفا داستانی از رسائل با عنوان زرتشتی و یهودی بازگو شده و با اشارتی به داستان‌های آموزشی در رسائل و نقل دو مورد از آن‌ها فصل به پایان رسیده است.

نصیرالدین طوسی و تربیت عقل بسامان، عنوان فصل پنجم کتاب است. این فصل با اشارتی به نوع رویارویی خواجه با مغولان و فلسفه آن آغاز گشته است؛ سپس به عنایات تربیتی خواجه در کتاب آداب المتعلمین [که منسوب به اوست] به همراه استدلال‌هایی برای اثبات توجهات معطوف به پرورش عقلانی در کتاب خواجه پرداخته شده و در پایان یادآوری گشته است که خواجه در نگرش‌های تربیتی خود به اخلاق هم توجه داشته است (ص ۱۴۱).

در فصل ششم سخن از ابن‌خلدون و روش‌ها و غایات تربیت اجتماعی از نگاه اوست. نگارنده سخن را با نظر ابن‌خلدون درباره تاریخ، عمران، دین، ادراک، فکر، سببیت، علوم طبیعی، سیاست، فلسفه سرگرفته است و با اشارتی به فلسفه تربیت از نگاه ابن‌خلدون پیش رفته و از تقسیم‌بندی علوم گفته است. نکته بعدی روش آموزش از دید ابن‌خلدون است و در ذیل آن به انتقادهای وی از روش‌های آموزشی روزگار او اشارت رفته است.

در فرجامین فراز فصل به سیاست تربیتی و تربیت سیاسی از منظر ابن‌خلدون اشارت و از ملک و دولت و قدرت سیاسی و آموزش جمعی و تأثیر تربیت بر تحولات جامعه به‌کوتاهی سخن رفته است.

فصل پایانی این کتاب، محیی‌الدین بن عربی و تربیت روحی صوفیان نام گرفته و با این ادعا آغاز گشته است که ابن‌عربی برای حصول معرفت به فیض الاهی روی کرده است و علم حاصل از عقل را مرتبه فرودین علم دانسته است (ص۱۷۶)؛ سپس از اتحاد و حلول و مقامات شش‌گانه صوفیان و نبود نظام آموزشی و مدرسه در تعلیمات صوفیان سخن رفته است.

گفتنی است گذشته از ضبط ناصواب پاره‌ای از واژگان و اعلام و نام شماری از کتاب‌ها و نابسندگی جدی بحث‌های این اثر و ضعف اطلاعات تاریخی نگارنده، هیچ‌یک از فصل‌های کتاب تحقیقی و عالمانه نیفتاده است. وی آنچه را درباره تربیت از نگاه ابوحنیفه آورده، از مقاله «ابوحنیفة والمنهج التربوی الاسلامی» (رضوان سید، الفکر العربی، سال سوم، شماره بیست و یکم، ص۹ـ۲۷) و آرای تربیتی محیی‌الدین بن عربی را از کتاب تاریخ الفکر العربی الی ایام ابن‌خلدون اثر عمر فروخ بازگو کرده است. باری منابع و ارجاعات کتاب بسیار اندک است و به جرأت می‌گویم هیچ‌یک از ادعاهای نگارنده آن به اثبات نرسیده است. یکی از نقاط ضعف نابخشودنی این کتاب خطاهای متعدد آن در نقل آیات قرآن کریم است که به شمار دور از باور ۳۸ مورد رسیده و گذشته از نشانی آیات، شامل الفاظ آن‌ها نیز شده است. وانگهی مؤلف در آیات قرآن کریم از نشانه‌های سجاوندی چون: نقطه، ویرگول، علامت سؤال، علامت نقل‌قول استفاده کرده است.

باری پاره‌ای از خطای رخ‌داده در نقل آیات، به قرار ذیل است:

در آیه ۵۰ سوره مائده، به جای «و من احسن من الله»، آمده «و من احسن الله»؛ در آیه ۱۳۶ سوره بقره، به جای «ما» آمده «بما» و به جای «انزل الی» آمده «انزل علی»؛ در آیه ۱۷ سوره حدید، به جای «قد بینا» آمده «لقد بینا»؛ در آیه ۱۵ سوره تغابن، به جای «انما اموالکم»، آمده «و اعلموا انما اموالکم»؛ در آیه ۲۰ سوره فجر، به جای «بل تحبون»، آمده «کلا بل تحبون»؛ آیه ۷۲ سوره انفال، آیه ۷۴ معرفی شده؛ در آیه ۲۱۸ سوره بقره، به جای «اولئک یرجون»، آمده «اولئک الذین یرجون»؛... .

* منبع ذیل برای مطالعه و مقایسه پیشنهاد می‌شود:

بهروز رفیعی، آرای تربیتی دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد سوم، امام محمد غزالی (چاپ دوم: قم ـ تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۸۸).

۳
ابحاث حول التعليم والتربية الاسلامية للعلامة الامام السید ابی‌الحسن علی الحسنی النّدوی[۱]

سید عبدالماجد غوری. چاپ اول: دمشق - بیروت، دار ابن‌کثیر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م. ۲۶۰ص، وزیری.

این کتاب که جلد نخست از مجموعه‌ای است با فروست: فی تراث العلامة النّدوی، در پی شرح کوتاه زندگی سید ابوالحسن علی حسنی ندوی (۱۳۳۳-۱۴۲۰ق) از عالمان مسلمان برجسته و روشنفکر هندی، و عرضه مقالات و مقولات و دیدگاه‌های تربیتی وی است.

جا دارد یادآوری شود که ندوی از سادات حسنی و از اعقاب جناب حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی(ع) است که یکی از اجداد او به نام امیر سید قطب‌الدین مدنی در اوایل قرن هفتم به هند مهاجرت کرد. کتاب نزهة الخواطر که با عنوان الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الأعلام هم چاپ شده است اثر پدر ندوی است.

گردآورنده، مطالب کتاب را در مقدمه و بیست و دو بحث بسامان کرده است. در بحث نخست به زندگی و آثار و فعالیت‌های علمی ندوی اشارتی کوتاه شده است؛ سپس با استفاده از برخی آثار متقدم ندوی تلاش شده است به‌اجمال از سهم ندوی در اندیشه تربیتی یاد شود. گردآورنده در ادامه از پی نهادن نظام تعلیم و تربیت جدید از نگاه ندوی سخن گفته است.

پس از این، سخنرانی‌ها و مقالات ندوی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی آورده شده است. عنوان برخی از مقالات و مقولات او به قرار زیر است: روش‌های بهره‌گیری از آموزش و

---

۱. پژوهش‌هایی از علامه امام سید ابوالحسن علی ندوی در تعلیم و تربیت اسلامی

ضرورت زدودن موانع این کار؛ سیاست آموزش و پرورش سالم در کشورهای دارای شخصیت و عقیده؛ مشکلات جوانان در دانشگاه‌های دینی و راه‌حل درست آن‌ها؛ اهمیت نظام آموزش و پرورش در کشورهای اسلامی؛ نقش دانشگاه‌ها در پرورش نسل جدید؛ آموزش و پرورش عمومی مسلمانان؛ جایگاه علم و مسئولیت‌های عالمان؛ ایجاد پیوند مقدس و همبستگی میان دین و دانش؛ به‌کارگیری دانش و خرد و بهره‌مندی از آن دو؛ نقش انقلابی و سازنده اسلام در حوزه علوم انسانی؛ رهنمود اسلامی علوم؛ جنون تعصب زبان و فرهنگ؛ جایگاه دینی و علمی هند و عوامل آن؛ موضع مسلمانان هند نسبت به آموزش و پرورش؛ انجمن علما؛ مکتب فکری فراگیر.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
ابوالحسن علی حسنی ندوی، نحو التربیة الاسلامیة الحرة فی الحکومات والبلاد الاسلامیة (چاپ پنجم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ق/۱۹۹۳م)؛ همو، ابحاث حول التعلیم والتربیة الاسلامیة (بیروت، دار ابن‌کثیر، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م)؛ محمد شحات و دیگران، اصول التربیة الاسلامیة (چاپ اول: ریاض، دارالخریجی، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۳م، گفتار دهم).

۴
الابداع فی تربیة الاولاد[1]

لجنة البحوث والدراسات. زیر نظر توفیق یوسف واعی. چاپ اول: منصوره، شروق للنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م. ۳۹۹ص، مصور، جدول.

کتاب یادشده دومین جلد از مجموعه‌ای است با فروست: موسوعة الاسرة المسلمة. جلد نخست این مجموعه با عنوان إستراتیجیات فی تربیة الأسرة المسلمة دربارهٔ پی نهادن خانواده سعادتمند، و این جلد آن دربارهٔ تربیت فرزند است.

مطالب فصول هفت‌گانه کتاب ناظر بر مباحث روان‌شناختی و نکات برگرفته از کتاب و سنت است و در آن‌ها تلاش شده است والدین برای مواجهه درست با مسائل تربیتی فرزندان، راهنمایی شوند.

عنوان فصل یکم، خانواده و کودکی است. شرح و شکافت این فصل با اشارتی به اهمیت دوران کودکی در زندگی انسان آغاز گشته است سپس و در باقی فصل به بررسی سیزده ویژگی از ویژگی‌های کودکان پرداخته شده است، یعنی: جنب‌وجوش بسیار، تقلید فراوان، لجاجت، بازنشناختن درست از نادرست، پرسش بسیار، داشتن حافظه قوی، علاقه به تشویق، دوست داشتن بازی و شادی، علاقه به رقابت و رویارویی، خیال‌پردازی، رشد زبانی سریع، تحریک‌پذیری شدید.

مهارت‌های خانواده در پرورش استعدادهای مثبت [کودک]، عنوان فصل دوم است. سرآغاز بحث در این فصل تقسیم والدین به سلطه‌گر، مهربان و آسان‌گیر، جدی و دوراندیش و اشارتی بر تأثیر این گروه بر رفتار کودک است. توجه به افزایش حمایت و رابطه مثبت با

---

۱. برازندگی در تربیت فرزند

فرزندان و تأثیر آن بر رفتار آنان بحث بعدی است و در پی آن از غفلت والـدین در نظـارت بـر میزان تماشای تلویزیون و آثار ویرانگر افراط در این کار بر شخصیت عاطفی و اجتماعی کودک و لزوم حد نگه داشتن در تماشای تلویزیون یاد شده است. چگونگی پرورش صداقت و امانت در فرزندان، پرورش تفکر مبتنی بر واقعیت در فرزندان، تقویت خـوش‌بینـی و تفکـر مثبـت در فرزندان، لزوم توجه به تربیت روحی فرزندان، پرهیز از خشونت با فرزندان، مطالبی دربارهٔ تنبیـه مناسب فرزندان، از دیگر مطالب این فصل است.

فصل سوم، دربارهٔ نیازهای کودک است. در واکاوی این نیازها به موارد ذیل پرداختـه شـده است: نیاز به محبت، نیاز به پذیرفته شدن و به حساب آمدن، نیاز به احترام و احساس ارزش و جایگاه نزد والدین و دیگر بزرگ‌ترها، نیاز به آزادی، نیاز به تشویق، نیاز به برقـراری ارتبـاط بـا دیگران یا گروه، نیاز به احساس امنیت، نیاز به موفقیت. در پایان فصل به نقش والدین در حـل مشکلات فرزندان و برخی از مبانی تربیت اخلاقی در خانواده اشاره شده است.

عنوان فصل چهارم، مرحله نوجوانی فرزندان است و در آن از این مطالب سخن رفته است: ویژگی‌های نوجوانی (دوره انتقال، دورانی بیم‌انگیز برای والدین و معلمان، دوره عـدم احـساس سعادت، دوره مشکلات، فرار از کـار و فعالیـت، سـرپیچی و عنـاد، میـل شـدید بـه تنهـایی و گوشه‌گیری، توجه به مسائل جنسی، ناپایداری، واکنش سریع و برخورد احساسی با امـور، آزرم شدید، خیال‌پردازی، اشتیاق به نمونه‌های برتر).

در فصل پنجم از نیازهای نوجوان به شرح ذیل یاد شده است: نیاز به مهر و دوستی، نیاز به تحرک و تخلیه نیروها، نیاز به شناخت. پدیدآورنده، هر یک از نیازهـای یادشـده را بـه‌تفـصیل شرح داده. مثلاً در ذیل نیاز به شناخت آورده است که امروزه جامعه از شناخت ساده فراتر رفته و نیاز دارد که نوجوان اهل نوآوری و ابداع باشد؛ سپس به عوامل اجتماعی و شخصی و روانـی لازم برای ابداع اشاره کرده است.

عنوان فصل ششم، اندیشه‌هایی برای دمیـدن روح حیـات در تـشکیلات و مجموعـه‌هـای تربیتی جوان است. این فصل حاوی نصایحی تربیتی به مجموعه‌ها و تشکیلات تربیتـی اسـت، از آن‌هاست: واقع‌گرایی در آموزش، اجرای برنامه‌های مفید و گونـاگون آموزشـی و تفریحـی در بیرون از محیط رسمی آموزش، ایجاد تنوع در برنامه‌ها و موضوعات.

فصل فرجامین این کتاب، منشور [حقوق] کودک در اسـلام عنـوان گرفتـه اسـت. منـشور یادشده، پیشنهاد پدیدآورنده است و در تهیه آن تلاش شده است به لحاظ ساختار و محتـوا بـا

موافقت‌نامه‌های جهانی سازوار باشد تا از این رهگذر بتوان دیدگاه اسلام نسبت به کودک را با دیگر دیدگاه‌ها مقایسه کرد. همچنین پدیدآورنده کوشیده است در این منشور، حقوق کودک با وظایف او قرین افتد تا تأکیدی باشد بر این‌که تربیت کودک باید بر توازن حقوق و وظایف و تکالیف او استوار باشد. این منشور شامل همه ابعاد حقوق کودک است و در تعیین و تدوین این حقوق از کتاب و سنت نبوی استفاده و استمداد شده است و برای روشن‌تر شدن مواد منشور از میراث مکتوب و آثار معاصر هم بهره برده شده است (ص۳۱۹).

منشور پیشنهادی دارای ۳۳ ماده است که به صورت پیوسته در فصل‌های هفت‌گانه آن منعکس شده است. عناوین فصل‌های منشور به قرار ذیل است: توجه به کودک از آغاز تشکیل خانواده، آزادی‌ها و حقوق کلی انسانی، حقوق مربوط به احوال شخصیه، صلاحیت و مسئولیت جنایی، تعلیم و تربیت شایسته، حمایت همه‌جانبه، پاسداشت مصالح برتر کودک.

در ادامه این بحث و پس از اشاره به هفت ماده اصلی منشور، جایگاه این مواد در کتاب و سنت روشن شده است و هر ماده با بیانیه قاهره در مورد حقوق انسان در اسلام که در کنفرانس سران سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۹۹۰ صادر شده است، مقایسه شده است و نیز بیان شده است که هر ماده این منشور با کدام ماده از موافقت‌نامه جهانی [حقوق کودک] برابر است.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، [بی‌تا])؛ همو، کودک از نظر وراثت و تربیت (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، [بی‌تا])؛ عبدالله ناصر علوان، تربیة الاولاد فی الاسلام[1] (بیروت، دارالسلام، ۱۴۰۶ق)؛ محمد جمال‌الدین علی محفوظ، التربیة الاسلامیة للطفل والمراهق ([بی‌جا]، دارالاعتصام، [بی‌تا])؛ محمد محمدی ری‌شهری، تربیة الطفل فی الاسلام (چاپ اول: قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵)؛ مصطفی محمد طحان، تربیة الابناء فی الاسلام وفق منهج النبوی (بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م).

۱. این کتاب به فارسی برگردانده شده است: اسلام و تربیت کودک، عبدالله ناصح علوان، ترجمه احمد بهشتی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۵

الاخلاقيات الاسلامية الفعالة للمعلم والمتعلم و آثارها على النجاح والتقدم العلمی[1]

مقداد يالجن. چاپ دوم: رياض، دار عالم الكتب للطباعـة والنـشر والتوزيـع، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م. ۸۰ص، وزيری.

در اين اثر كه در رديف نهم از مجموعه‌ای اسـت بـا فروسـت: سلـسلة كتـاب تربيتنـا، تـلاش شده است با استفاده از كتاب و سنت و ميراث مكتوب تربيتـی در اسـلام، شـماری از اخـلاق و آداب و وظايف معلمی و شاگردی طرح و تبيين شود. اين كتـاب را بـه‌هـيچ‌روی نمـی‌تـوان تحريری تازه از آثاری چون: تذكرة السامع والمتكلم فی ادب العالم والمتعلم، نوشته ابـن‌جماعـه دانست. نسبت كتاب مقداد يالجن با آثـاری ماننـد كتـاب ابـن‌جماعـه همانـنـدی در موضـوع و عنوان و خاستگاه تأليف است، با اين حال وی برای اين اثر خود شش ويژگـی برمـی‌شـمارد تا آن را از آثـار ديگـران متمـايز نـشان دهـد (ص۱۲). وی بـر ايـن بـاور اسـت كـه معلمـان آبشخور اصلی و مهم كاستی‌ها و نابايستی‌های رفتاری امت اسلامی‌انـد (ص۵)، زيـرا آنـان بـه آموزش امت می‌پردازند، اما از پرورش او تن می‌زنند و تربيت اخلاقی را از هـدف‌هـای تربيتـی خود نمی‌داننـد (ص۷ـ۸)؛ از سـويی شـرط پيـروزی معلـم در كـار خـود گذشـته از مهـارت و تخصص علمی و شغلی، آراستگی به آداب و اخلاق خـاص معلمـی اسـت، وانگهـی مـزين بـودن شـاگرد بـه اخـلاق خـاص شـاگردی هـم از شـروط لازم موفقيـت در تعلـيم و تعلـم است (ص۱۳).

---

۱. اخلاق اسلامی پويای معلم و شاگرد و تأثير آن بر موفقيت و پيشرفت علمی

بر اساس چنین بینشی است که نگارنده دست به قلم برده است و پس از مقدمه، فصلی در اخلاق و آداب معلمی و فصلی در اخلاق و آداب شاگردی نگاشته و با بیان مهم‌ترین دستاوردهای این بحث و طرح چند پیشنهاد در خاتمه، کار را به پایان برده است.

اخلاق و آداب معلمی عبارت‌اند از: خلوص نیت و آموزش برای خدمت به دین و رضایت خداوند، پاسداشت راستی و امانت، بردباری و آرامش، جمع مدبری و جدیت و نرم‌خویی، مهربانی و دلسوزی، آموزش و گسترش دانش را رسالت خود نهادن، به گفته‌ها و علم خود عمل کردن و سرمشق بودن، مشتاقی برای آموزش، درست و چنان که باید آموزش دادن، مصالح شاگردان را بر مصالح خود مقدم داشتن، آراستگی و برازندگی، شاگردان را چونان فرزندان خود دانستن.

اخلاق و آداب شاگردی از این قرار است: تزکیه نفس و زدودن آن از خوی پست، احترام نهادن به معلم، پذیرش پند او و تلاش برای به‌جا آوردن تکالیف خود، راستی‌ورزی و امانتداری و دوری از نیرنگ، درست آموختن، بردباری و بلندهمتی، پایبندی به اخلاق و آداب و گسترش آن در محیط آموزشی، احترام به اندیشه دیگران، بزرگداشت علم و عالمان، بهره‌وری بهینه از وقت، پاکیزگی و آراستگی.

در صفحه پنج این کتاب تخلف به غلط تخلق چاپ شده است. برخی از دیگر خطاهای رخ‌داده در این کتاب چنین است: فهرست منابع مغلوط است هم در ترتیب الفبایی و هم در ضبط اعلام، و نیز عنوان آثار (ص۷۴، ۷۶، ۷۷)، در پاورقی صفحه ۲۷، دارالعلم، دارالمسلم آورده شده است.

* برای مطالعه بیشتر و مقایسه از جمله این آثار پیشنهاد می‌شود:
[حسین] مظاهری، ویژگی‌های معلم خوب (چاپ اول: قم، انتشارات صحفی، فروردین ۱۳۷۰)؛ علی محی‌الدین علی القره‌داغی، آداب المتعلم والعالم (قاهره، دارالاعتصام، [بی‌تا])؛ شهید ثانی، منیة المرید فی ادب المفید والمستفید، تحقیق رضا مختاری (چاپ اول: قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۹۸ق/۱۴۰۹ق)؛ خواجه نصیرالدین طوسی [منسوب به]، آداب المتعلمین، تحقیق محمدرضا الحسینی الجلالی (چاپ اول: شیراز، مکتبة الامام العصر(ع)، ۱۴۱۴ق)؛ محمدرضا رضوان‌طلب، آیین اخلاقی دانشجویان (چاپ اول: تهران، دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۸۴)؛ اسامه حموده، المعلمون والمعلمات صناع الحیاة: نحو اداء تربوی و تعلیمی افضل (چاپ اول:

منصوره، دارالوفاء، [۲۰۰۵م])؛ محمدابراهیم خلیلی، صفات مربی (برداشتی از فرمایشات گهربار امام علی(ع)) ([بی‌جا]، مؤلف، ۱۳۷۳)؛ رجبعلی مظلومی، گامی در مسیر تربیت اسلامی (برای معلمان و مربیان) (تهران، رشد، ۱۳۶۱)؛ سید مهدی شمس‌الدین، معلم شمع بزم آفرینش (چاپ دوم: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵)؛ مجید رشیدپور، معلم نمونه (چاپ سوم: تهران، پرنیان، ۱۳۷۶)؛ سید کاظم ارفع، منش طلبگی (چاپ دوم: تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۵)؛ محمدعلی سادات، ویژگی‌های یک معلم (تهران، امور تربیتی استان تهران، ۱۳۶۱)؛ محمداسماعیل نوری و جعفر وفا، وظایف اخلاقی معلم و شاگرد (چاپ اول: قم، شکوری، ۱۳۷۰).

۶

ازمة الارادة والوجدان المسلم البعد الغائب فی مشروع اصلاح الامة

(فی اصلاح الثقافة والتربية: رؤية اسلامية معاصرة)[1]

عبدالحمید احمد ابوسلیمان. چاپ اول: دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۳۳۹ص، وزیری، شکل، نمودار.

کتاب حاضر در کنار کتاب دیگر مؤلف، یعنی ازمة العقل المسلم (چاپ اول: ریاض، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، الدار العالمیة للکتاب الاسلامی، ۱۹۹۲م)، تلاشی است برای فهم و عرضه اسباب و عللی که مانع موفقیت طرح اسلامی اصلاحات فرهنگی و ایجاد تحولات درونی مطلوب در امت شده است.

این کتاب همچنین در پی معلوم داشتن این نکته است که از جمله ابعاد فراموش‌شده و نادیده انگاشته‌شده در طرح اصلاحات اسلامی که مانع موفقیت این طرح و ایجاد تحولات مطلوب گشته است، توجه نکردن به تربیت کودک و در مجموع نپرداختن به گفتمان تربیت اسلامی کودک است.

از دیگر هدف‌های این بحث، اشاره به ابزار فرهنگی لازم برای اصلاحات تربیتی، و بیان مهم‌ترین اصول و مبانی این اصلاحات و نقش محوری خانواده در هدایت این اصلاحات و نیز بررسی علل افول تمدن اسلامی و عقب‌ماندگی امت است.

۱. بحران خواست و احساس [فرد] مسلمان، بعد غایب در طرح اصلاح امت (درباره اصلاح فرهنگ و تربیت: نگرشی اسلامی و معاصر)

نویسنده مطالب را در مقدمه، شش فصل، خاتمه بسامان کرده است.

در فصل نخست که بی‌عنوان افتاده است، ابتدا اشارتی شده است به این‌که نادیده انگاشتن کودکی و عدم درک کودکی و نقش آن، از مهم‌ترین علل بحران امت است. نادیده گرفتن کودکی در طرح اصلاحات به دو امر بازمی‌گردد. نگارنده پس از شرح این دو امر به انگیزه‌های این پژوهش پرداخته است؛ سپس از روش‌شناسی علمی پژوهش خود یاد کرده است و با شرح و شکافت ریشه‌های بحران به فصل دوم رسیده است.

سرآغاز فصل دوم که شناخت درد عنوان گرفته است بحث و بررسی تحریفات رخ‌داده در اندیشه و فرهنگ امت است و در آن از تحریف در رویکرد هستی‌شناختی، انحراف روش‌شناختی، تحریف مفاهیم، تحریف در گفتمان، شکل‌گیری باورهای خرافی در توده مردم، ایجاد روحیه نژادپرستی سخن رفته است. پیامدهای انحرافات فکری در ساختار روحی امت، بحث فرجامین این فصل است.

عنوان فصل سوم، کودک: زیربنای حرکت است و در واشکافت آن از جنبش‌های اصلاحی در جهان اسلام از زمان امام محمد غزالی تا عصر حاضر و ناکامی آن‌ها در دستیابی به هدف‌های مطلوب سخن رفته است. آنگاه از توجه اندک به کودک در گذشته یاد شده و اشارت رفته است که توجه گذشتگان به تعلیم و تربیت کودک، اندک بر دو گونه متباین بوده است: تعلیم و تربیت فرزندان خواص؛ تعلیم و تربیت فرزندان توده مردم. مؤلف ضمن اشاره به معایب دوگانگی در تعلیم و تربیت فرزندان امت، از لزوم توجه به کودک مسلمان و مسائل تربیتی او یاد کرده است و از اقدامات اصلاحی موسی(ع) در قوم بنی‌اسرائیل گفته است؛ سپس در مخالفت با مستشرقانی که اسلام را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان دانسته‌اند از نقش استعمار در پیدایش مشکلات در جهان اسلام به عنوان عامل ثانوی یاد کرده، و همبستگی امت اسلامی را رمز پیروزی او ندانسته است و برای تقویت مطلب به اتحاد ملت چین، هند و کشورهای اروپایی به مثابه نمونه‌هایی موفق در همبستگی اشاره کرده است. دعوت دین و عقل و مصلحت به وحدت، زیان‌های خلل در روح جمعی امت، پیامدهای خطرناک ضعف روح جمعی برای فرهنگ و تربیت، ضرورت ایجاد روح جمعی در فرهنگ و تربیت، تحولات اجتماعی و گفتمان تربیتی از دیگر مباحث فصل سوم است.

عنوان فصل چهارم، راه‌حل اساسی: ساختن کودکان، است و در آن به مطالب ذیل پرداخته شده است: راه اصلاح و رویارویی با تهدیدها، اسلام دین عقل و اقناع و علم، وجوه اختلاف و

اتفاق دین‌مداران و غیرمذهبی‌های غرب‌گرا، اشارتی بـه نقـد مـتن، نمونـه‌هـایی از نقـد مـتن، خرافاتی به اسم اسلام، جهان پیش و پس از بعثت، انحطاط تفکر تربیتـی تـابع انحطـاط تفکـر حاکم بر جامعه، اصول و مبانی تربیتی.

در فصل پنجم با عنوان خانواده اسلامی سرچشمه احساس، روبه‌رو مـی‌شـویم. در شـرح و شکافت این عنوان، نخست از اهمیت خانواده در اسـلام یـاد شـده اسـت؛ سـپس بـه قـوانین اسلامی تشکیل خانواده پرداخته شده است و از نقش فرد در خانواده و جامعه و مـادری و کـار زنان مادر در نظام جامعه اسلامی معاصر سخن رفته است. آنگاه از عوامل مـؤثر در بازسـازی و اصلاح تربیتی و کوتاهی و کاستی تعلیم و تربیت در امت، اهمیت پدر و مادر در اصلاح تربیتـی یاد شده است.

فـصل فرجـامین کتـاب دربـارهٔ نقـشه عمـل اسـت و در آن بـه مطالـب ذیـل پرداختـه شـده اسـت: ابعـاد عمـل، آگـاه سـاختن اندیـشمندان و تحـصیل‌کردگـان، پـرورش تفکـر انتقـادی اجتمـاعی اسـلامی، اصـلاحات فرهنگـی، اصـلاحات تربیتـی، ادبیـات تربیتـی خانواده، ادبیات تربیتی مدرسه، اصلاحات در آمـوزش عـالی، طـرح اسـلامی کـردن معرفـت، ایجـاد نهادهـای تخصـصی مطالعـات کـودک، مرکـز پـرورش کـودک، اشـاره‌ای بـه تجربـهٔ اسـلامی کـردن معرفـت در دانـشگاه اسـلامی بـین‌المللـی مـالزی (۱۹۸۸ـ۱۹۹۹م)، مـدارس اسلامی بین‌المللی.

گفتنی است بحث‌هـای ایـن کتـاب کمـابیش تـازه و خوانـدنی افتـاده اسـت و مـی‌توانـد الهام‌بخش مطالعات جدید در حوزه تربیت اسلامی باشـد. نگارنـده بارهـا از مـصلحان جهـان اسلام از امام محمد غزالی (۴۵۰ـ۵۰۵ ق) گرفته تا مالک بن نبی یاد کرده است، امـا بـا کمـال تعجب از امام خمینی(ره) که معاصر او و شهره آفاق است هیچ یاد نکرده است.

دیگر آن‌که این اثر خالی از خطاهای مطبعی نیست، مثلاً بناء را بتـاء (ص۱۷)، ان یکـون را انیکون (ص۱۶۷)، المستغربین را المسغربین (ص۱۸۳) آورده‌اند.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

عبدالحمید احمد ابوسلیمان، ازمة العقـل المـسلم (بیـروت، دارالهـادی، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)؛ ز. ا. لوین، اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی اجتماعی در جهان عرب، ترجمه یوسـف عزیـز بنـی‌طـرف (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷)؛ طه جابر علوانی، اصلاح تفکر اسـلامی، مـدخلی بـر سـاختار

گفتمان اسلامی معاصر، ترجمه محمود شمس (تهران، قطره، ۱۳۷۷)؛ محمد بهی، اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب، ترجمه حسین سیدی (مشهد، به‌نشر، ۱۳۷۷)؛ احمد بهشتی، خانواده در قرآن (قم، طریق‌القدس، ۱۳۶۱)؛ سید کاظم ارفع، خانواده در قرآن و مکتب اهل‌بیت(ع) (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹).

۷
ازمة التعليم الديني في العالم الاسلامی[1]

خالد صمدی و عبدالرحمن حللی. چاپ اول: دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م. ۲۸۰ص، رقعی.

کتاب حاضر که ظاهراً جلد نخست از مجموعه‌ای است با فروست: حوارات لقرن جدید، از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست که بیش از دوسوم کتاب را تشکیل داده است دارای دو گفتار است: یکی بحران آموزش دینی در جهان اسلام از خالد صمدی؛ و دیگری بحران آموزش دینی در دانشگاه‌های اسلامی از عبدالرحمن حللی.

بخش دوم کتاب دربردارنده تعلیقات هر یک از دو مؤلف یادشده بر نوشته دیگری در بخش نخست است. اول، تعلیقات خالد صمدی بر نوشته عبدالرحمن حللی؛ و دوم، تعلیقات عبدالرحمن حللی بر نوشتار خالد صمدی.

این اثر گذشته از آنچه آوردم، به سخن ناشر، و برخلاف رویه کتاب‌های عربی بـه فهرست راهنما و معرفی و شرح برخی از اعلام و اصطلاحات هم مزین است.

مؤلفان در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل برآمده‌اند: آیا آموزش دین در بحران است؟ بحران یادشده در کجا نمود یافته است و نشانه‌های آن کدام است؟ چه کسی مسئول این بحران است و آینده برون‌رفت از آن چگونه است؟ آیا ارزیابی آموزشی به‌طور عام و آموزش دینی بـه‌طور خاص از قوانین و لوازم آموزش درست است؟ آیا اصلاحات دینی امری کهن است یا پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م به وجود آمده؟ آیا عزم و فراخوانی جهانی برای تغییر برنامه‌های آموزش دینی وجود دارد؟ چرا آموزش دینی اسلامی را به تربیت تروریست متهم ساخته‌اند؟

---

۱. بحران آموزش دینی در جهان اسلام

سرآغاز بحث نخست، اشارتی است به پیشینه و پیامدهای حذف آموزش‌های دینی از برنامه‌های آموزشی در کشورهای غربی و تحمیل آن به جهان اسلام در دوران استعمار؛ سپس به دیدگاه موافقان و مخالفان گنجاندن آموزش دین در برنامه آموزشی در میان مسلمانان و مسیحیان پرداخته شده و از شماری از آن نام برده شده است.

نگارنده پیش از پرداختن به اصل موضوع به شرح و بازشکافت و بیان تفاوت اصطلاحات آموزش دینی، آموزش دین، گنجاندن ارزش‌های دینی در برنامه‌های آموزشی پرداخته و برخی از پرسش‌های پی‌نهادی بحث را مطرح ساخته و افزوده است که طرح‌های اصلاحی اعمال‌شده در جهان اسلام بیشتر معطوف به اصلاح برنامه‌های آموزش دین و دیگر علوم بوده است و کمتر به اصلاح آموزش دینی عنایت شده است. در ادامه این بحث به مطالب ذیل پرداخته شده است: اشکالات موجود در تدریس علوم شرعی، معرفی آثاری چند در این‌باره، آیا برنامه‌های آموزش علوم شرعی از دستاوردهای پژوهش‌های تربیتی معاصر در سطح نظری و عملی برای ایجاد ساختار معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تربیتی استفاده کرده است؟، ایجاد و اجرای نظام تربیتی در بعد عملی (مشکلاتی در تعیین هدف‌ها، مشکلاتی در تعیین عنوان برنامه آموزشی، مشکلاتی در سازواری میان مراحل گوناگون آموزشی، اشکالاتی در روش‌ها و وسایل آموزشی، مشکلاتی در گزینش متون درسی معین، اشکالاتی در بهره‌گیری از وسایل آموزشی).

نویسنده پس از این بحثی گشوده است با عنوان گامی فراسوی پی نهادن نگرشی جدید بر تحول برنامه‌های تدریس علوم شرعی در دانشگاه‌ها: از هدف‌ها تا ارزیابی، و در شرح و شکافت آن به مطالب زیر پرداخته است: تعیین هدف‌های عام، تعیین هدف‌های آموزشی آموزش قرآن، معیارهایی برای تعیین محتوای درسی، تحول در روش‌های آموزشی و ارزیابی، ایجاد و پرورش انگیزه یادگیری در آغاز درس، تکرار برای تفهیم، آموزش و تمرین شاگردان برای کسب مهارت و توانایی در ماده درسی مورد آموزش، ارزیابی و آزمون، بهره‌گیری از وسایل کمک‌آموزشی برای تدریس علوم شرعی.

عنوان بحث دوم کتاب، بحران آموزش دینی در دانشگاه‌های اسلامی است. نگارنده در مقدمه این بحث از تلاش‌های اصلاحی کسانی چون امام محمد غزالی، ابن‌خلدون، محمد عبده، بن‌عاشور، راغب طباخ نام می‌برد و از همایش‌های برپاشده در جهان اسلام با موضوع اصطلاحات آموزشی یاد می‌کند و به جهانی شدن موضوع آموزش دینی پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م در آمریکا و متهم ساختن آموزش دینی اسلامی به تربیت تروریست و

فراخواندن به تغییر برنامه آموزش دینی و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی برای این کار اشاره می‌کند. آنگاه می‌افزاید با توجه به حساسیت موضوع و اهمیت تنوع دیدگاه‌ها دربارهٔ آن، برای آگاهی از دیدگاه‌های دیگران پرسش‌نامه‌ای تهیه و برای اهل نظر ارسال داشته است.

اشاره به حاصل نظرسنجی مؤلف دربارهٔ نمودهای بحران آموزش دینی در دانشگاه‌های اسلامی و عوامل خارجی و داخلی ایجاد این بحران‌ها، بحران‌های ناشی از حکومت و نظام آموزشی و شاگرد و فارغ‌التحصیل، دیگر بحث‌های فراز نخست از فرازهای پنج‌گانه بحث دوم کتاب است.

مصادیق بحران پژوهش علمی در دانشگاه‌های اسلامی، مصادیق و نمودهای بحران تربیت اسلامی در آموزش‌های پیش از دانشگاه، تهدیدهایی که آموزشی دینی در شرایط کنونی با آن‌ها روبه‌روست، تصمیمات و اقدامات صورت‌گرفته برای اصلاح آموزش دینی، دیگر موضوعات بررسی‌شده در چهار فراز دیگر بحث دوم این کتاب است.

بخش دوم با تعلیقات خالد صمدی بر جستار عبدالرحمن حللی آغاز می‌شود. صمدی ضمن تقدیر از زحمات حللی کوشیده است برخی از کاستی‌های کار او را یادآور شود و راه‌حل‌ها و ایده‌هایی عملی برای تحول آموزش دینی در دانشگاه‌ها عرضه دارد که جهت سازواری با حجم تعلیقات، کوتاه و مختصر بیان شده و شامل مطالب ذیل است: زیر پا نهادن ارزش‌های استعماری و ایجاد ارزش‌های جایگزین آن‌ها؛ ایجاد تخصص‌های جدید لازم برای تدریس تربیت اسلامی؛ اصلاح و بهبود وضع پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه تربیت اسلامی؛ ایجاد مرکز تخصصی برای بررسی و مطالعه در علم اصول فقه و مقاصد شریعت و ارائه خدمات مشاوره‌ای به متخصصان تربیت اسلامی و روان‌شناسی اسلامی؛ ایجاد مرکز اختصاصی پژوهش در رفتار اجتماعی از منظر فقه و حقوق؛ ایجاد مرکزی برای مطالعات فقه خانواده؛ ایجاد مرکزی برای ترجمه و نقد آثار مستشرقان دربارهٔ اسلام.

تعلیقات دیگر این بخش از عبدالرحمن حللی بر بحث خالد صمدی است. حللی بر این باور است که در تعلیقاتش به جنبه‌هایی از بحران آموزش دینی پرداخته است که ژرف‌تر از بحث‌های صمدی در این‌باره است (ص۲۴۵): معضل آموزش تلقینی و خودداری اندیشه انتقادی از وارد شدن به حوزه ارزیابی مطالب در علوم شرعی؛ آموزش‌های دینی سنتی در مراکز آموزشی سنتی؛ مشکل بل بحران تربیت‌پژوهی در حوزه علوم اسلامی؛ مسئله تخصص در علوم اسلامی.

گفتنی است در بحث دوم بخش اول که ـ کمابیش ـ مبتنی بر نظرسنجی و گردآوری اطلاعات میدانی است، با فرض روایی نتایج، از آنجا که نظرسنجی تنها در برخی از دانشگاه‌های تنها سه کشور سوریه، مغرب، مالزی صورت گرفته است، بی‌تردید تعمیم آن‌ها به همه دانشگاه‌های جهان اسلام نارواست.

دیگر آن‌که نام کتاب محمد ابن‌سحنون کتاب المعلمین ضبط شده است (ص۲۸) و می‌دانیم که نام کتاب او آداب المعلمین است. نیز نام کتاب ابن‌جماعه نادرست و ادب العالم والمتعلم ضبط شده، حال آن‌که نام این کتاب، تذکرة السامع والمتکلم فی ادب العالم والمتعلم است.

از دیگر خطاهای رخ‌داده در کتاب، ضبط ایسیسکو به صورت ایسسکو است (ص۱۵۰).

از این‌ها مهم‌تر و البته زشت‌تر آن است که در شرح زندگی ابن‌سینا و زکریای رازی خطاهای نابخشودنی رخ داده است. مثلاً در صفحهٔ ۲۶۴ ادعا شده است که شمس‌الدوله حاکم همدان، بوعلی را زندانی کرد. نیز تاج‌الملک (وزیر شمس‌الدوله)، پسر شمس‌الدوله و جانشین او معرفی شده است. همچنین زادگاه بوعلی خورمیش آمده است که البته نادرست است؛ نام این محل به صورت خرمیثین و خرمثین ضبط شده و زادگاه بوعلی روستای افشنه است.

همچنین زندگی‌نامه محمد زکریای رازی (۲۵۱ـ۳۱۳ق) با زندگی‌نامه فخر رازی (قرن ششم و هفتم) خلط شده و شرح‌حال فخر رازی به عنوان شرح‌حال زکریای رازی عرضه گشته است. از جمله بدایع این کتاب انتساب التفسیر الکبیر فخر رازی به زکریای رازی است (ص ۲۷۱ـ۲۷۲).

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

زغلول راغب محمد نجار، ازمة التعلیم المعاصر و حلولها الاسلامیة (چاپ اول: ویرجینیا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)؛ علی اشرف و سجاد حسین، ازمة التعلم الاسلامی، ترجمه امین حسین رباط (مکه، مکتبات عکاظ، [بی‌تا])؛ احمد موصللی و لویی صافی، جذور ازمة المثقف فی الوطن العربی (بیروت ـ دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م)؛ محمد عماره، ازمة الفکر الاسلامی المعاصر (قاهره، دارالشرق الاوسط، ۱۹۹۰م).

۸

الازهر فی الف عام[۱]

محمد عبدالمنعم خفاجی. چاپ دوم: بیروت ـ قاهره، عالم الکتب ـ مکتبة الکلیات الازهریة، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م. ۳ج، ۳۵۶+۴۳۲+۵۶۷ ص، وزیری. جلد سوم مصور.

در این دوره سه‌جلدی، تاریخ دانشگاه الازهر مصر از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است. نگارنده گفتنی‌ها را در یازده بخش متوالی سه جلد یادشده قلمی ساخته است. بخش اول تا سوم در جلد اول، بخش چهارم تا ششم در جلد دوم، بخش هفتم تا یازدهم در جلد سوم. کار مؤلف، گزارش تاریخی است و به تعلیم و تربیت در الازهر نپرداخته است، یعنی کتاب حاضر سیر تاریخ حیات الازهر است، نه سیر تاریخ تعلیم و تربیت در الازهر، گرچه گاه از تعلیم و تربیت در الازهر هم سخن رفته است؛ اما از سیر تاریخی تعلیم و تربیت ـ که خود موضوعی درخور اثری سه‌جلدی است ـ سخنی در میان نیست. باری در بخش‌های یازده‌گانه این کتاب از جمله چنین آمده است:

در بخش اول که الازهر در رهگذر تاریخ، عنوان گرفته، طی هشت فصل به تاریخ الازهر از آغاز تا عصر محمد علی پاشا پرداخته شده است.

فصل یکم این بخش دربارهٔ تاریخ مصر پس از اسلام و پیش از تأسیس الازهر در دولت فاطمیان است و در آن به فتح مصر در زمان عمر (۱۸ق) و برخی اقدامات عمروعاص و سکونت شماری از صحابه و تابعین و حرکت علمی در فسطاط و گسترش مذهب شافعی در مصر و تابعیت مصر از خلفای راشد، بنی‌امیه و بنی‌عباس اشاره شده است.

---

۱. تاریخ هزارساله الازهر

در فصل دوم به مصر در دولت فاطمیان پرداخته شده و آمده است که در سال ۲۸۰ق/۸۹۳م فردی شیعه به نام ابوعبدالله شیعی بر اغالبه شمال آفریقا ظفر می‌یابد و اعلام می‌دارد که خلیفه راستین، عبیدالله از نسل فاطمه است و عبیدالله بر مغرب حاکم می‌شود و پس از مدتی حکومت به معزلدین‌الله از نوادگان عبیدالله می‌رسد. او برای فتح مصر فردی به نام جوهر صقلی (سیسیلی) را به مصر اعزام می‌دارد و سرانجام در ۱۷ شعبان ۳۵۸ق میان فاطمیان و مصریان صلح‌نامه‌ای به امضا می‌رسد و در همان ماه معزلدین‌الله در مسجد عمرو بن عاص خطبه می‌خواند و ذی‌قعده همان سال در خطبه‌ها به شیوه شیعیان صلوات گفته می‌شود. سرانجام حکومت فاطمیان در ۵۶۷ق پس از نزدیک به ۲۱۰ سال سقوط می‌کند.

فصل سوم دربارهٔ تأسیس الازهر و روند تبدیل آن از مسجد به مدرسه (دانشگاه) است. الازهر در سال ۳۵۹ق به همت جوهر صقلی (سیسیلی) بنا نهاده شد و در اولین جمعه رمضان ۳۶۱ق رسماً طی مراسمی باشکوه افتتاح گشت. تا سال ۳۶۵ق در الازهر تدریس چندانی نمی‌شد، در ماه صفر این سال تدریس در آن رسماً آغاز شد. در الازهر فقه شیعی تدریس می‌گشت، اما هنوز حالت دانشگاه به خود نگرفته بود تا این‌که یعقوب بن اکلس وزیر عزیز بالله در سال ۳۷۸ق از خلیفه اجازه گرفت و گروهی از فقیهان شیعی را برای تدریس در الازهر فراخواند. این گروه ۳۷ نفره با ریاست ابویعقوب قاضی خندق، فعالیت می‌کردند. در سال ۳۸۰ق متصدیان آموزش در الازهر معلوم شدند و به این ترتیب الازهر به مرکزی دانشگاهی برای تعلیم و تربیت و پژوهش تبدیل شد.

در فصل چهارم به الازهر در دوره فاطمیان (۳۵۸ـ۵۶۷ق) نظر شده است. نام این مسجد در آغاز، جامع الازهر بود و پس از احداث کاخ‌های فاطمیان در قاهره این مسجد گاه الجامع الازهر و گاه جامع الازهر خوانده شده است. در زمان حاکم، در سال ۳۹۵ق در کنار الازهر، دارالحکمه قاهره هم برپا شد و حاکم، برای این دو مکان و برخی از مساجد بزرگ موقوفاتی معلوم داشت. در ادامه این فصل، نخست به فعالیت‌های علمی الازهر در عصر فاطمیان اشاره شده و نیز آمده است که از الازهر در عصر فاطمیان برای برپایی مراسم رسمی دینی و دولتی هم استفاده می‌شده است؛ سپس به بازسازی‌ها و توسعه الازهر در دوران فاطمیان پرداخته شده است. یادآوری فعالیت‌های عمرانی عثمانی در الازهر پایان‌بخش این فصل است.

عنوان فصل پنجم، الازهر در دوره ایوبیان (۵۶۷ـ۶۵۷ق) است. نگارنده در شرح این عنوان ابتدا به شکل‌گیری دولت ایوبیان و سیر آن پرداخته است و پس از آن به تأسیس نزدیک به ۲۵

مدرسه در قاهره و فسطاط به قصد مقابله با الازهر و افکار شیعی و جلب توجه طلاب به این مدارس اشاره کرده و افزوده است ایوبیان از شافعیان و اشعریان تندرو بوده‌اند و میان آنان و حنبلیان از یک‌سو و این دو فرقه با شیعیان از سوی دیگر درگیری وجود داشته و محیط الازهر به تعصبات و تندروی‌ها آلوده بوده است؛ سپس به عالمان و شاعران و ادیبان در عصر ایوبی اشاره گشته و استدلال شده است که آنان تحصیل‌کردگان الازهر فاطمی‌اند و این می‌رساند که گرچه در این دوره الازهر به فسردگی رفته است اما اثر روحی آن پابرجا بوده است.

بررسی وضع الازهر در دوره ممالیک بحری و چرکسی (۶۵۷ـ۹۲۳ق)، موضوع فصل ششم است. عصر مملوکیان به دو دوره تقسیم شده است: دوره ممالیک بحری و دوره ممالیک چرکسی. در این فصل پس از اشارتی کوتاه به روی کار آمدن هر یک از این دو دولت و شرایط سیاسی هر یک، نخست به الازهر در دوره بیبرس و حاکمان پس از او پرداخته شده است؛ سپس از اقدامات عمرانی حاکمان مملوکی در الازهر یاد و در پایان اشاره شده است که در عصر مملوکیان الازهر در حوزه‌های گوناگون علمی و فرهنگی بسیار فعال بوده است و عالمان بزرگی مانند عبدالرحمن سیوطی را پرورش داده است.

در فصل هفتم به الازهر در عصر عثمانی (۹۲۳ـ۱۲۲۰ق) پرداخته شده است. در مجموع تسلط ترکان عثمانی بر مصر موجب فسردگی روح و فعالیت‌های علمی در الازهر گشت، به‌طوری که تدریس فلسفه و جغرافیا و دیگر علوم غیرشرعی حرام دانسته شد و به شرح و تدریس آنچه گذشتگان نگاشته‌اند بسنده گشت و حرکت علمی و آزادی فکری در الازهر به‌شدت سست شد و عثمانیان علما را به قسطنطنیه تبعید کردند و کتب و رسائل را از الازهر به مرکز ترکیه فرستادند. اشاره به فعالیت‌های عمرانی ترکان عثمانی در الازهر و نیز رفتار ناپسند برخی از حاکمان ترک با مردم و مجاوران الازهر، شماری از پرورش‌یافتگان الازهر در این دوره، دیگر مطالب این فصل است.

در فصل فرجامین این بخش از الازهر پس از دولت عثمانی سخن رفته است. نیروهای فرانسوی اشغالگر، الازهر را به توپ بستند و پس از درگیری با مردم، شبانه صحن الازهر را محل تاخت‌وتاز سواره‌نظام خود ساختند. الازهر رهبری مردم علیه فرانسویان را به عهده داشت و ناپلئون دستور داد سران انقلاب را شبانه از الازهر ربودند و کشتند و به نیل انداختند و شماری را هم رسماً به عنوان رهبران انقلاب علیه فرانسه محاکمه و مجازات کردند. در ادامه این فصل به بزرگان الازهر در قرن ۱۲ و ۱۳ق اشاره شده است.

در بخش دوم کتاب که دارای چهار فصل است به تاریخ الازهر پس از بیرون رفتن فرانسویان از مصر پرداخته شده است. پس از فرانسویان، محمد علی پاشا که از عوامل ترکیه بود بر مصر حاکم شد. در آغاز فصل به چگونگی این امر اشاره شده است؛ سپس به تجدید حیات علمی الازهر به همت علما و صدور نخستین قانون اصلاحات در ۱۲۸۸ق، شیوع بیماری وبا در قاهره و فوت بزرگ الازهر و جهاد الازهر و درگیری میان طلاب با نیروهای انتظامی و اقدامات عالمانی چون رفاعه رافع طهطاوی، عبدالله ندیم، محمد عبده، بارودی، سعد زغلول و ذکر قوانینی که از ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۸ق برای اصلاحات در الازهر تدوین گشته، پرداخته شده است.

در فصل دوم، مفاد قانون صادرشده در سال ۱۳۲۹ق به همت محمد عبده و دیگر عالمان الازهر برای اصلاحات در الازهر آورده شده است.

فصل سوم دربارهٔ انقلاب مردمی سال ۱۹۱۹م و نقش بارز الازهر و عالمان ازهری در هدایت آن است و در ادامه در آن به حرکت علمی اصلاحی الازهر پس از ۱۹۲۳م و ایجاد چند دانشکده در الازهر و تخصصی شدن تحصیل در الازهر و اعزام دانشجو به اروپا و صدور قانونی دیگر برای الازهر در ۱۹۳۰م پرداخته شده است.

فصل چهارم به بررسی سومین انقلاب مصر و نقش الازهر در آن اختصاص یافته است. الازهر در این انقلاب مردمی، نظامی، ملی که ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲م رخ داد نقشی برجسته بازی کرد. این انقلاب درنهایت به اعلان جمهوری در ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۳م انجامید و در ۱۳۸۱ق قانونی جدید برای الازهر تدوین شد که آن را به دانشگاهی دینی علمی و فراگیر تبدیل کرد. در پی اصلاحات جدید در الازهر، در این دوره نوابغی در الازهر پرورش یافتند. مشهورترین رجال الازهر در اوایل قرن چهاردهم هجری دیگر بحث‌های فصل فرجامین این بخش است.

بخش سوم دو فصل دارد و در آن به شیوخ (عالمان بزرگ) الازهر از آغاز تاکنون پرداخته شده است. فصل یکم دربارهٔ جایگاه الازهر و عالمان بزرگ آن و وظایف آن‌هاست و در آن به زندگی ۴۱ تن از مشایخ الازهر اشاره شده است.

در فصل دوم به شرح‌حال برخی از شیوخ الازهر در قرن بیستم میلادی نظر شده است. این شرح و شکافت از زندگی شیخ محمد احمدی ظواهری که در ۱۳ می ۱۹۴۴م درگذشته آغاز گشته است و به واشکافت زندگی شیخ محمد فحّام که در ۱۸ سپتامبر ۱۸۹۴م در اسکندریه زاده شد انجامیده است.

در بخش چهارم (آغاز جلد دوم)، به اعلام الازهر در دوران معاصر پرداخته شده است، کسانی چون: محمد عبده، محمد رشید رضا، محمد شاکر، بحراوی، محمد نجیب مطیعی، حسین والی، محمد فحام، لاجوی، دیناری، سرتی، نجار، جزیری، ابوالنجا، ابوالعیون، قادوم، عبدالعزیز مراغی، فکری یاسین.

بخش سوم دربارهٔ سیمایی از الازهر قدیم و جدید است. نگارنده سخن را با اشارتی به سخن مصطفی عبدالرزاق در محرم ۱۳۶۵ق دربارهٔ نخستین درس سیوطی در الازهر آغاز کرده است؛ سپس به ویژگی‌های حنفی از دیگر شیوخ الازهر (۱۱۰۰ـ۱۶۹۸ق) پرداخته است و پس از آن از اجازات علمی در الازهر قدیم و انواع آن‌ها و شرایط صدور آن‌ها یاد کرده است، آنگاه متن برخی از اجازات علمی را آورده است.

در شرح اجازات علمی در الازهر معاصر، ابتدا این اجازه‌ها یا شهادت‌نامه‌های علمی به پنج گونه تقسیم و اشاره شده است که هر یک از دانشکده‌های الازهر، چه مدرک تحصیلی (اجازه/ شهادت‌نامه‌ای) صادر می‌کرده است. پس از این، بحث تغییر کرده و به اصلاحات جدید در الازهر پرداخته شده است. تأمین معیشت طلاب الازهر، هیئت صدور فتوا در الازهر، مجلس اعلای الازهر، شمار عالمان و طلاب الازهر، بودجه الازهر، سرگذشت‌هایی از برخی عالمان، مطالب دیگر این بحث است و پس از آن به ساختار و ساختمان الازهر قدیم پرداخته شده است.

عنوان بخش ششم، نمایی از فعالیت‌های علمی در الازهر است. پدیدآورنده این بخش را با بیان تأثیر اصلاحی محمد عبده بر عالمان بزرگ الازهر سرگرفته و در ادامه به مطالب ذیل پرداخته است: اعزام دانشجو از الازهر به فرانسه؛ برخی از شخصیت‌های برجسته الازهر که در فرانسه تحصیل کردند؛ نظام و برنامه آموزشی در الازهر از آغاز تأسیس؛ عنایت فاطمیان به ریاضیات، نجوم، پزشکی، جغرافیا و تدریس این‌گونه علوم در الازهر؛ گسترش علوم و تعالیم شافعی در الازهر از زمان ممالیک؛ رکود فعالیت‌های علمی در الازهر در اواخر قرن نهم و تحولات منفی در الازهر پس از ۹۲۲ق و از دست رفتن استقلال مصر؛ آغاز تدوین قانون برای تحصیل در الازهر و چگونگی اداره آن از ۱۲۸۸ق؛ وضع قانون دیگر تا ۱۳۲۹ق؛ قانون شماره ۱۰ سال ۱۹۱۱م و تغییر و اصلاح آن تا سال ۱۹۳۰م؛ قانون شماره ۴۹ سال ۱۹۳۰م و تقسیم تعلیم در الازهر به چهار مرحله؛ قانون شماره ۲۶ سال ۱۹۳۶م و تقسیم مراحل آموزشی به چهار دوره؛ قانون الازهر جدید در سال ۱۹۶۱م و اصول شش‌گانه آن برای اصلاحات در الازهر

و مواد یکصدگانه آن؛ شروط پذیرش طلبه در الازهر جدید؛ تحصیلات عالی در الازهر؛ روابط علمی میان الازهر و دانشگاه؛ زندگی فرهنگی الازهر؛ کتابخانه الازهر؛ رفاعه رافع طهطاوی طلایه‌دار نواندیشی در الازهر؛ مدارس علمی و ادبی الازهر در طی ۱۰۰۰ سال؛ عالمان بزرگ الازهر در دوره ممالیک؛ برخی از امامان بزرگ قدیم و جدید الازهر؛ برخی از زعمای الازهر؛ الازهر دانشگاه بزرگ اسلامی.

بخش هفتم (آغاز جلد سوم) دربارهٔ رسالت الازهر نوشته شده است. در این بخش به دیدگاه‌های چهارده تن از عالمان بزرگ دربارهٔ رسالت الازهر در دو قرن اخیر پرداخته شده است: سید جمال‌الدین [اسدآبادی]، محمد مصطفی مراغی، عبدالمجید سلیم، ابراهیم حمروش، محمود شلتوت، محمد عبدالله درّاز، مصطفی صادق رافعی، محمود عقاد، مصطفی حبیب، عباس جمل، احمد خاکی، حسین همدانی پاکستانی، امین خولی.

عنوان بخش هشتم، دیدگاه‌های الازهر نسبت به مشکلات ماست. در این بخش از برخوردهای الازهر با اندیشه‌ها و آثار عالمان سخن رفته؛ از آن‌هاست: محاکمه علی عبدالرزاق برای کتاب الاسلام و اصول الحکم، اعتراض شدید به طه حسین برای نگارش کتاب الشعر الجاهلی، مخالفت با طرح ترجمه قرآن به زبان‌های بیگانه که مصطفی مراغی تهیه کرده بود، مخالفت شدید و رد رساله دکتری محمد احمد حنف‌الله با عنوان الفن القصصی فی القرآن الکریم، مخالفت با انتشار کتاب من هنا نبدأ اثر خالد محمد خالد، مخالفت صریح با نمایندگی زنان در مجالس قانونگذاری و نیز منع شرعی زنان از حق انتخاب نماینده (نفی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زنان).

در بخش نهم که جلوه‌هایی از فرهنگ در زندگی علمی الازهر عنوان گرفته به مطالب زیر پرداخته شده است: بی‌توجهی الازهر در قرن دوازدهم هجری به علوم عقلی و ریاضیات و مهارت حسن جبرتی در ریاضیات، انتقاد حسن عطار از الازهر برای نپرداختن به علوم عقلی و ریاضیات، یادی از معلمان بزرگی چون سید جمال، علی مبارک، عبدالرحمن کواکبی، محمد عبده، اشارتی به کتب و علوم بیست و چهارگانه‌ای که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در الازهر تدریس می‌شده است، اشارتی به شماری از علمای الازهر در قدیم و عصر حاضر، نیم‌نگاهی به موقوفات الازهر، برخی از آرای اصلاحی، الازهر و جنبش‌های آزادی‌بخش از اوایل قرن سیزدهم هجری به بعد، اعلان جهاد در الازهر، الازهر و ناپلئون، اعدام عالمان انقلابی و به آب سپاردن پیکر آن‌ها توسط قوای فرانسه، بسته شدن الازهر از ۲۷ محرم ۱۲۱۵ق

تا خروج فرانسویان از مصر، بسیج مردمی الازهر برای جنگ علیه قوای انگلیس (محرم ۱۲۲۲ق)، تولیدات علمی الازهر در دوران معاصر.

در بخش دهم ابتدا به معرفی عالمان برجسته الازهر در دوران معاصر پرداخته شده است. کسانی چون: محمد عرفه، علی محفوظ، صالح شرف، محمد محیی‌الدین عبدالحمید، محمود شلتوت، محمد کامل حسن، حسین خفاجی، عبدالمتعال صعیدی، حسن قایانی، محمد اسمره؛ سپس از هیئت علمی در دانشکده‌های دانشگاه الازهر یاد شده است.

عنوان بخش یازدهم، از تاریخ مسجد و دانشگاه الازهر است. سرآغاز این بخش اشاره‌ای است به جایگاه رفیع الازهر در جهان اسلام و پس از آن به تکرار و خلاصه مطالبی از جلد اول دربارهٔ تأسیس و مؤسس الازهر و هدف از ساختن آن پرداخته شده است. الازهر در عصر فاطمی، ایوبی، ممالیک، عثمانی، حمله فرانسه، محمد علی پاشا بحث‌های کوتاه بعدی این بخش است.

نگارنده در ادامه به مقایسه کوتاه الازهر با دانشگاه قرویین در فاس مراکش و دانشگاه زیتونه در تونس پرداخته است.

در بخش دوازدهم که شخصیت‌هایی... و مواضعی عنوان گرفته است، نخست به ابن‌سبکی و شخصیت علمی او و سپس به محمد حنفی، احمد دردیر، شیخ عباس، شیخ‌السادات، سلیمان جوسقی، رفاعه رافع طهطاوی، محمد عبده، مصطفی عبدالرزاق پرداخته شده است، آنگاه به برخی موضع‌گیری‌های عالمان الازهر چونان مواضع الازهر اشاره شده است. در ادامه این بخش مطالبی پراکنده و برگزیده‌هایی از اینجا و آنجا دربارهٔ الازهر آورده شده است؛ از آن‌هاست: الازهر آکسفورد شرق، الازهر و تأثیر آن بر زندگی انسانی [در فهرست: زندگی اسلامی]، الازهر در زبان فرهنگ عربی، الازهر از دور و نزدیک، شیخ محمد عبداللطیف سبکی، زن در الازهر، گفتگوی شیخ محمود شلتوت با طه حسین، محمد عبدالمنعم خفاجی، شیخ محمود شلتوت.

نگارنده، پس از این به معرفی شماری از عالمان بزرگ معاصر در الازهر پرداخته است: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، عبدالسمیع شبانه، محمد طنطاوی، عبدالجلیل عیسی، سعاد جلال، احمد شرباصی، محمد عبدالمنعم خفاجی، محمد مصطفی مراغی، محمد سعدی عوض فرهور، نافع خفاجی کبیر، نافع خفاجی نوه خفاجی کبیر.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
عبدالمجید یونس و توفیق عثمان، الازهر (قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۶۴م)؛ منصور علی رجب، الازهر بین الماضی والحاضر (قاهره، وزارة الاوقاف والشؤون الازهریة، ۱۹۶۴م)؛ عبدالعزیز محمد شقاوی، الازهر جامعاً و جامعة (قاهره، مکتبة الانجلو المصریة، ۱۹۸۴م)؛ محمد احمد عوف، الازهر فی الف عام (قاهره، دارالبحوث الاسلامیة، ۱۹۸۲م)؛ امینه صاوی، الازهر منارة الاسلام (قاهره، مکتبة مصر، ۱۹۸۵م)؛ عزت عبدالکریم، تاریخ التعلیم فی مصر (قاهره، [بی‌نا]، ۱۹۴۵م)؛ محمد عبدالله عفان، تاریخ الجامع الازهر (قاهره، مکتبة الخانجی، ۱۹۵۸م)؛ سعید عبدالفتاح عاشور و دیگران، تاریخ المدارس فی مصر الاسلامیة (قاهره، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۲م)؛ بایارد داج، دانشگاه الازهر تاریخ هزارساله تعلیمات عالی اسلامی (چاپ اول: تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷)؛ قراعه سنیه، تاریخ الازهر فی الف عام (قاهره، البحوث الاسلامیة، ۱۹۶۸م)؛ عبدالمتعال صعیدی، تاریخ الازهر و صفحات من الجهاد فی الاصلاح (چاپ دوم: قاهره، مطبعة الاعتماد، ۱۹۴۳م).

۹

اساسیات التأصیل والتوجیه الاسلامی للعلوم والمعارف والفنون[1]

مقداد یالجن. چاپ دوم: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م). ۱۸۴ص، وزیری.

این کتاب دهمین عنوان از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة کتاب تربیتنا، که تا سال ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م هجده عنوان آن به چاپ رسیده است. مؤلف که متولد ترکیه و تحصیل‌کرده در مصر، و استاد رشته علوم تربیتی دانشکده علوم اجتماعی در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود است، میان پایه‌گذاری اسلامی علوم [اسلامی‌سازی علوم] و هدایت و جهت‌دهی اسلامی به آن‌ها فرق نهاده است و در شرح فلسفه این کار می‌گوید که علوم سه دسته‌اند: علوم اجتماعی و انسانی، علوم شرعی، علوم طبیعی و تجربی. علوم اجتماعی و انسانی نیازمند پایه‌گذاری اسلامی [اسلامی‌سازی]اند؛ علوم شرعی بر اساس اسلام پی نهاده شده‌اند و پایه‌گذاری دوباره آن‌ها تحصیل حاصل است؛ علوم طبیعی را به‌سادگی نمی‌توان پایه‌گذاری اسلامی [اسلامی‌سازی] کرد، اما می‌توان آن‌ها را سمت‌وسوی اسلامی داد (ص۵). نگارنده در ادامه اشاره می‌کند که در این اثر تنها به پی‌نهادهای پایه‌گذاری اسلامی و هدایت اسلامی علوم نظر دارد و به‌هیچ‌وجه به جزئیات امر نمی‌پردازد. وی بر این اساس، مطالبش را در مقدمه، دو بخش چندفصلی و خاتمه ساخته و پرداخته است.

بخش نخست این کتاب دربارهٔ پی‌نهادهای پایه‌گذاری اسلامی علوم اجتماعی و مطالعات انسانی است که از دو فصل تشکیل شده است. در فصل نخست، آغاز سخن بر سر ارکان

---

۱. مبانی پایه‌گذاری و جهت‌دهی اسلامی به علوم و معارف و فناوری‌ها

چهارگانه اساسی پیروزی در پایه‌گذاری اسلامی علوم است، آنگاه از تجربه‌های هفت‌گانه پیشین نگارنده که او را به سوی اسلامی کردن علوم رهنمون ساخته، سخن رفته است.

فصل دوم بخش نخست، دربارهٔ مفهوم پایه‌گذاری، اهداف پایه‌گذاری، اهمیت این کار، مهم‌ترین حوزه‌های آن، ویژگی‌های روش پایه‌گذاری و مراحل آن، لغزشگاه‌ها و گردنه‌های پایه‌گذاری، شروط پیروزی در فراخواندن به پایه‌گذاری است. نگارنده یکی از این شروط را زدودن شبهه‌هایی می‌داند که دربارهٔ پایه‌گذاری مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین این شبهات، دشواری بل محال بودن پایه‌گذاری به‌ویژه در برخی از علوم است. یکی از عوامل پیدایش این نگرش منفی به پایه‌گذاری فرق ننهادن میان مفهوم پایه‌گذاری علوم، با هدایت و جهت‌دهی به آن‌ها و غفلت از این نکته است که علوم تجربی نیازمند هدایت و جهت‌بخشی‌اند نه پایه‌گذاری، از این‌رو در بخش دوم به بحث پی‌نهادهای سمت‌وسو دادن به علوم پرداخته شده است (ص۸۴).

فصل نخست از سه فصل بخش دوم این کتاب، با بررسی مفهوم جهت‌دهی اسلامی علوم آغاز می‌شود. مطلب بعدی بیان اهمیت این کار است که از نگاه نگارنده و دیگران بررسی شده است. موضوع سوم این فصل، اشارتی است به علوم و معارف کلی و جزئی که جهت‌دهی در آن‌ها قابل اعمال است. ابعاد و جنبه‌های گوناگون جهت‌دهی و اهمیت جهت‌دهی اسلامی به علوم و فنون بحث‌های بعدی این فصل است.

پی‌نهادهای جهت‌دهی اسلامی به علوم، موضوع فصل دوم این بخش از کتاب است و در آن از پنج پی‌نهاد یاد می‌شود که عبارت‌اند از: نظریه شناخت در اسلام؛ ویژگی‌های روش جهت‌دهی اسلامی به علوم؛ ارتباط میان فرآیند تعلیم و تعلم و به‌کارگیری علوم؛ ارزش‌ها و آداب اسلامی؛ فراگیری جهت‌دهی‌های تربیت اسلامی؛ اشاره‌ای به نمونه‌های عملی جهت‌دهی اسلامی به علوم.

فرجامین فصل این بخش از کتاب به واکاوی مشکلات و موانع جهت‌دهی اسلامی به علوم اختصاص یافته و در آن از نه مشکل و مانع یاد شده است: فقدان آگاهی نسبت به اهمیت و بایستی جهت‌دهی اسلامی به علوم؛ نبود روش‌شناسی روشن برای جهت‌دهی اسلامی به علوم؛ فراهم نبودن فضای برانگیزنده برای عملی کردن جهت‌دهی؛ نبود ساختار اداری لازم برای اجرای جهت‌دهی؛ نبود سیاست و نظام آموزشی پایبند به جهت‌دهی؛ بیگانگی بسیاری از معلمان کشورهای اسلامی با خصلت‌های معلم مسلمان و عناصر آن؛ فراهم نبودن عوامل و

وسایل لازم برای جهت‌دهی؛ کرنش نظام‌ها و برنامه‌های [آموزشی] در بسیاری از کشورهای اسلامی در برابر سکولاریزم. نگارنده در شرح هر یک از مشکلات و موانع یادشده، نخست به عوامل پیدایش آن‌ها و سپس به روش‌های زدودن آن‌ها پرداخته است.

در خاتمه کتاب از مهم‌ترین دستاوردهای این اثر سخن رفته است و با بیان ده پیشنهاد دربارهٔ پایه‌گذاری و جهت‌دهی اسلامی به علوم، بحث بسته می‌شود.

* گفتنی است که این قلم برای این اثر در زبان فارسی نمونه‌ای نمی‌شناسد. حال آن‌که در میان عربان چند کتاب دیگر در زمینه پایه‌گذاری اسلامی و جهت‌دهی اسلامی علوم وجود دارد؛ از آن‌هاست:

اسماعیل فاروقی، اسلمة المعرفة (کویت، دارالبحوث العلمیة، ۱۴۰۴ق)؛ حمدی عطیه، تصور مقترح لاسلمة الخطط الدراسیة للعلوم المدرسیة فی العالم الاسلامی (مکه مکرمه، المرکز العالمی للتعلیم الاسلامی، ۱۴۰۶ق)؛ عمادة البحث العلمی بجامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، التأصیل الاسلامی للعلوم الاجتماعیة (ریاض، العمادة، [بی‌تا])؛ عبدالرحمن صالح عبدالله، التوجیه الاسلامی للعلوم التربویة (جده، دارالمنارة، ۱۴۰۶ق)؛ عدنان محمد زرزور، التوجیه الاسلامی للعلوم والمعارف؛ مفهومه و اهدافه (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۲م)؛ زکی محمد اسماعیل، الجامعات الاسلامیة والتأصیل الاسلامی للعلوم (اسکندریه، دارالمطبوعات الجدیدة، ۱۹۹۲م)؛ مناع قطان، مفهوم التوجیه الاسلامی للعلوم و اهدافه و اسسه العامة (در مجموعه مقالات بحوث مؤتمر التوجیه الاسلامی للعلوم، قاهره، ۱۴۱۳ق)؛ انور جندی، تأصیل مناهج العلوم والدراسات الانسانیة بالعودة الی مناهج الفکر الاسلامی (چاپ دوم: دمشق، مکتبة الفارابی، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)؛ حامد سالم عایض حربی، التأصیل والتوجیه الاسلامی للعلوم التربویة و مناهجها من منظور التربیة الاسلامیة (چاپ اول: مکه مکرمه، جامعة امالقری، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ محمد عبدالسمیع و مسلم سجاد، تخطیط المناهج الدراسیة للعلوم الطبیعیة، الرؤیة الاسلامیة، ترجمه مکتب التربیة العربیة لدول الخلیج (مکه مکرمه، مکتب التربیة العربیة لدول الخلیج، ۱۹۸۷م)؛ عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب و منی سالوس، نحو تأصیل اسلامی للبحث التربوی (قاهره، دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۰ق)؛ همو، فی مسیرة اسلامیة المعرفة (قاهره، اسکندریه، دارالسلام، ۲۰۱۰م).

۱۰

اساسیات التوجیه والارشاد فی التربیة الاسلامیة[1]

مقداد یالجن. چاپ اول: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م. ۱۹۲ص، وزیری.

کتاب مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی، دوازدهمین اثر از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة کتاب تربیتنا، که تا زمان چاپ این اثر سیزده عنوان آن منتشر شده است. این اثر گذشته از فصول شش‌گانه‌اش دارای مقدمه و خاتمه است.

چنان که مقداد یالجن یادآور شده است در زبان عربی به مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی پرداخته نشده است (ص۵) و من می‌افزایم: در فارسی هم ـ مگر دو سه اثر ـ تألیفی در این زمینه صورت نبسته است؛ بنابراین، مطالعه این کتاب ـ گذشته از کاستی‌ها و نابایستی‌هایش ـ در کنار کتاب‌هایی که در پایان این جستار معرفی خواهم کرد، برای خواننده علاقه‌مند مغتنم است.

فصل نخست که پیش‌درآمدی است بر کلیات تربیت اسلامی، دربردارنده مطالب زیر است: هدف و اهمیت این پژوهش، اشاراتی به مفهوم تربیت اسلامی، بیان چند تعریف از تربیت اسلامی و ارزیابی این تعاریف، تعریف برگزیده مؤلف، مهم‌ترین وظایف علم تربیت اسلامی و هدف‌های اصلی آن، اهمیت تربیت اسلامی، ویژگی‌های تربیت اسلامی.

فصل دوم دربارهٔ مشاوره و راهنمایی در مطالعات غیراسلامی است و از رهگذر آن در آغاز به مفهوم راهنمایی و حوزه‌های کلی و وظایف راهنمایی تحصیلی و مبانی و اهداف این‌گونه

---

۱. مبانی مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی

راهنمایی پرداخته شده است؛ سپس به مفهوم و اهداف مشاوره اشاره شده است و در پایـان، از ویژگی‌های راهنمایی، ویژگی‌های مشاوره، تفاوت‌های اساسی میان مشاوره و راهنمـایی سـخن رفته است (درخور یاد است که در فارسی می‌گوییم مشاوره و راهنمایی و در بحث‌هـای نظـری به همین ترتیب عمل می‌شود. اما در عربی می‌گویند: راهنمایی و مشاوره (التوجیه والارشـاد). از این‌رو در این کتاب، نخست از راهنمایی، آنگاه از مشاوره یاد می‌شود).

موضوع فصل سوم، مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی است. نویسنده شرح و شـکافت این موضوع را با بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی راهنمایی در تربیـت اسـلامی آغـاز مـی‌کنـد و سپس به مفهوم لغوی و اصطلاحی مشاوره در اسلام می‌پردازد و سرانجام رابطه میان مـشاوره و راهنمایی در اسلام را پیش‌رو می‌نهد.

مبانی مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی، در فصل چهارم قلمی شده اسـت. نگارنـده از سه گروه مبانی یاد کرده است: مبانی ارزشی، مبانی اهداف، مبانی علمی. وی مهـم‌تـرین مبـانی ارزشی را شامل: ارزش‌های اعتقادی، ارزش‌هـای پرسـتـشی، ارزش‌هـای هنجـاری، ارزش‌هـای اخلاقی دانسته و روش‌های راهنمایی فراسوی این ارزش‌ها را برشمارده است؛ سـپس بـه بیـان مهم‌ترین هدف‌های کلی تربیت اسلامی و راهنمایی‌های ویژه تحقق هر یـک از آن‌هـا مـشغول گشته است، آنگاه برای بازشکافت مبانی علمی مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی، علـوم را از نگاه اسلام به دو دسته تقسیم کرده و به اهداف این علوم اشاره نموده و با بیان مبانی علمـی، فصل را به فرجام برده است.

نگارنده با توجه به اهمیتی که برای معلم در فرآیند تعلیم و تربیت قائـل اسـت (ص ۸۱)، و نیز از آن‌روی که راهنمایی معلم را راهنمایی غیرمستقیم شاگردان می‌داند، فصل پنجم کتابش را در شرح راهنمایی و ارشاد معلم پرداخته و از راهنمایی او بر اساس مبانی ارزشی، مبانی اهداف، مبانی علمی یاد کرده است.

در فرجامین فصل این اثر که بلندترین فراز آن نیز می‌باشد، سخن بر سر راهنمایی شـاگردان فراسوی مهم‌ترین عوامل کامیابی و برتری علمی است و در توضیح آن از هجده راهنمـایی یـاد شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: راهنمایی به احساس مسئولیت، راهنمایی بـه نیـت و هدف فراگیری در اسلام، راهنمایی فراسوی مهم‌ترین اخلاقیات شاگرد، راهنمایی به مهم‌تـرین روش‌های تمتع علمی، راهنمایی دربارهٔ مهم‌ترین خطاهایی که شاگردان در امتحانـات مرتکـب می‌شوند و علل و روش‌های مبارزه با این خطاها.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید می‌تواند بود:

علی‌نقی فقیهی، جوان و آرامش روان: مشکلات، مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۲)؛ محمدرضا مطهری، راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام: تحصیلی، شغلی، خانوادگی، تربیتی - روانی (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹)؛ سید مهدی حسینی بیرجندی، مشاوره و راهنمایی در تربیت اسلامی (چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵)؛ علی‌نقی فقیهی. مجموعه مقالات اولین همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی (قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۹).

۱۱

الاساليب التربوية عند ائمة اهل‌البيت علیهم‌السلام[1]

سید ابوهشام عبدالملک موسوی. چاپ اول: بیروت، دارالمحجة البیضاء للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م. ۳۷۶ص، وزیری.

کتابی که پیش‌رو داریم تلاشی است برای شرح و بازشکافت ساختار تربیتی‌ای که اسلام برای ساختن انسان مطرح ساخته است. این ساختار از سه عنصر تشکیل شده است: پی‌نهاد اصلی (عقاید و باورهای اسلام دربارهٔ هستی، زندگی، انسان، جامعه)، روش‌هایی که برگرفته از عقاید اسلامی‌اند، هدف‌هایی که از رهگذر روش‌ها محقق می‌شوند.

این طرح تربیتی ایمانی با ویژگی‌ها و عناصر سه‌گانه‌اش، بر اساس باور نگارنده و از رهگذر مطالعات دانشگاهی و حوزوی و فردی او پرداخته شده و بیان‌کننده نظام تربیتی در اسلام و چونان زیربناها و روبناهای این نظام بزرگ است (ص ۱۰ـ۱۱).

گذشته از آنچه آمد، پدیدآورنده بر این باور است که آنچه دیگران دربارهٔ تربیت اسلامی نگاشته‌اند، گرچه بی‌تردید خدمتی بزرگ به شمار می‌رود، اما پرکاستی است و به همه ابعاد نظام تربیتی اسلام نپرداخته است؛ از این‌رو خوانندگان از مطالعه آن آثار به مفهوم و تصویری روشن از ویژگی‌های این نظام الهی دست نمی‌یابند. اما کار او نظام تربیتی اسلام را در قالب ساختار تربیتی مطلوب تجسم بخشیده است. فکر این کار بیش از ۳۰ سال است ذهن او را به خود مشغول داشته است (ص ۱۱).

با این همه اثر یادشده را نمی‌توان کار تحقیقی دانست چه بیشتر مطالب آن گردآوری و بازگفت سخنان دیگران است (مثلاً کل بخش اول)، وانگهی کاستی‌های فراوان این

---

۱. روش‌های تربیتی اهل‌بیت علیهم‌السلام

اثر خواننده را از مطالعه آن بازمی‌دارد؛ از آن‌هاست: در فصل اول از بخش دوم به‌فراوانی از روش‌های تربیتی قرآنی که از قضا فراوان به آن‌ها پرداخته شده یاد نشده است مثلاً: تربیت از راه سرمشق، تربیت با تمثیل، تربیت با سیر و سیاحت در آفاق و انفس، تربیت با استفاده از داستان و... از آنجا که نگارنده مفاهیم را تعریف نکرده است، نمی‌توان فهمید از نگاه وی تقیه که عملی تدافعی برای حفظ مصالح اسلام و مؤمنان است، چگونه روش تربیت است. آنچه به عنوان روش‌های تربیتی معصومان(ع) بیان شده است به‌راستی موجب وهن تربیت از نگاه معصومان است، مثلاً در ذیل روش‌های تربیتی امام زمان(ع) (ص۲۲۵ به بعد) از اقوال معصومان(ع) دربارهٔ وجود و ظهور امام زمان(ع)، غیبت و سفیران آن حضرت، دلایل غیبت و چگونگی بهره‌مندی مردم از امام در زمان غیبت، امام(ع) و اهل غلو سخن رفته است، نه چیزی دیگر!

در فصل اول بخش سوم منطقی بود ابتدا از تحلیه یاد شود؛ سپس از تخلیه، درضمن نمی‌توان ناگفته نهاد که در بخش سوم به‌هیچ‌وجه حق مطلب دربارهٔ هدف‌های تربیت اسلامی به‌جا آورده نشده است. ای کاش مؤلف محترم برای کتابش نامی غیر از آنچه برگزیده است، برگزیده بود. پدیدآورنده، کتاب را در مقدمه و سه بخش تنظیم و قلمی ساخته است.

در بخش یکم که کوتاه افتاده و عنوان آن رکن اساسی است، نخست از تأثیر تربیت بر انسان و مفهوم تربیت و این‌که تربیت اساس تعالی انسان است یاد شده است و پس از آن اشاره شده است که عقیده اسلامی، پی‌نهاد تربیت اسلامی است؛ سپس ایمان حقیقی به خداوند و پیامبران و کتاب‌های آسمانی و فرشتگان و روز رستاخیز به عنوان عناصر و مؤلفه‌های عقیده اسلامی و تربیت اسلامی معرفی شده‌اند.

عنوان بخش دوم، روش‌های تربیتی است. این بخش که بیش از نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده دارای سه فصل است و در فصول آن به‌ترتیب از روش‌های تربیتی در قرآن کریم، روش‌های تربیتی پیامبر(ص)، روش‌های تربیتی امامان معصوم(ع) سخن رفته است. علت این تفکیک آن است که نگارنده معتقد است برخی از روش‌های الهی تربیت، در قرآن آمده است، پاره‌ای از این روش‌ها از زبان رسول خدا(ص) بیان شده است، شماری از آن‌ها را امامان(ع) بیان داشته‌اند و بعضی از آن‌ها هم در سخنان عالمان مؤمن آمده است (ص۴۲).

در فصل یکم این بخش از روش‌های تربیتی قرآنی ذیل یاد شده است: توبه، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد فی سبیل الله، تفقه در دین، تغییر اجتماعی و روحی، تشویق و تهدید، دفع بدی با نیکی.

فصل دوم دربارهٔ روش‌های تربیتی پیامبر اکرم(ص) است. زندگی رسول خدا(ص) آکنده از روش‌هایی بوده است که با استفاده از آن‌ها مردم را به اسلام دعوت و جلب می‌کرده است (ص۹۵). در این فصل از روش‌های تربیتی رسول خدا(ص) در دو قالب یاد شده است: یکی روش‌های تبلیغ اسلام و ابلاغ رسالت، و دیگری روش‌های هدایت و ارشاد مسلمانان. در شرح قالب نخست به اندکی از زندگی و رفتار رسول اکرم(ص) با مشرکان اشاره شده است و در شرح قالب دوم به برخی از رهنمودهای تربیتی آن حضرت به مسلمانان پرداخته شده است.

موضوع فصل سوم، بررسی روش‌های تربیتی امامان معصوم(ع) است. نگارنده ضمن اشاره به این‌که روش‌های تربیتی امامان(ع) امتداد روش‌های تربیتی قرآن کریم و رسول اکرم(ص) است، این سه مجموعه روش را واحد متکاملی دانسته است که اجزای آن کامل‌کننده یکدیگرند (ص۱۴۰). در ادامه این بحث به شماری از روش‌های تربیتی‌ای که مؤلف از سیره امامان معصوم(ع) برگرفته به ترتیب تاریخی، یعنی از حضرت علی(ع) تا امام زمان(ع) پرداخته شده است.

عنوان بخش سوم، هدف‌های تربیتی است. در مقدمه این بخش به اختلاف نظر محققان علوم تربیتی و روان‌شناسان بر سر تعیین هدف‌های تربیتی اشاره شده و آمده است که می‌توان مهم‌ترین هدف‌های تربیت را شامل هدف‌های روحی، اخلاقی، مادی، اجتماعی، رشد فردی دانست و از قضا تربیت اسلامی هم این هدف‌ها را معتبر می‌داند (ص۲۳۳).

نگارنده پس از این به شرح عواملی پرداخته است که تحقق هدف‌های تربیت اسلامی مسبوق به فراهم بودن آن‌هاست، یعنی تلاش مربیان مسلمان و همکاری و حمایت امت اسلامی از آن‌ها، اجرای کامل اسلام در زندگی، رعایت ارزش‌های اخلاقی هر یک از هدف‌های اسلامی. نکته بعدی اشاره به رضایت خداوند به عنوان معیار و مقیاس عملی تربیت اسلامی است.

در این بخش و پس از مقدمه‌ای که بدان اشاره شد، هدف‌های تربیت اسلامی به دو گروه تقسیم شده و هر گروه در فصلی واکاویده گشته است: هدف‌های تربیتی‌ای که عقیده اسلامی آن‌ها را محقق ساخته است؛ هدف‌های تربیتی‌ای که احکام اسلامی آن‌ها را محقق ساخته است.

در فصل یکم با هدف‌هایی آشنا می‌شویم که عقاید اسلامی آن‌ها را محقق ساخته است. این هدف‌ها عبارت‌اند از: حب و بغض، برادری، بیم و امید، حکومت اسلامی، یقین و آرامش دل، از خداوند خواستن و بی‌نیازی ورزیدن نسبت به خلق، آراسته شدن به ارزش‌ها و صفات و فضایل اسلامی، پیراسته گشتن از صفات و رذایل اخلاقی.

هدف‌های تربیتی‌ای که هنجارهای شرعی آن‌ها را محقق ساخته است در فصل دوم و به شرح ذیل بیان شده است: هدف‌های تربیتی نماز (خشوع، دوری از فحشا و منکر، کفاره گناهان، آفرینش روحیه جمعی و وحدت اسلامی)، هدف‌های تربیتی روزه (پرهیزگاری، تقویت اراده، مساوات، آگاهی سیاسی، سلامت جسم)، هدف‌های تربیتی حج (مساوات، ایجاد وحدت اسلامی، تمرین مکارم اخلاق، کفاره گناهان، تمرین نظامی، فواید بهداشتی، فواید اقتصادی)، هدف‌های تربیتی زکات (پاکیزگی مسلمانان، تحقق همبستگی و تعاون اجتماعی). پایان‌بخش این فصل اشارتی است به هدف‌هایی که عام‌اند، یعنی عقاید و احکام، آن‌ها را محقق ساخته‌اند.

* منابع ذیل برای مطالعه بیشتر مناسب است:

محمدحسین ادیب، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی(ع)، ترجمه سید محمد رادمنش (چاپ سوم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳)؛ سید محمد بحرالعلوم، المنهج التربوی عند الامام الکاظم(ع) (چاپ اول: بیروت، دارالزهراء، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م)؛ محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر(ع) و اهل‌بیت(ع): تربیت دینی (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹ـ۲۴۱)؛ محسن عطری و توفیق مقداد، دروس تربویة و جهادیة من حیاة السیدة فاطمة الزهراء (بیروت، دارالمرتضی، [بی‌تا])؛ رجبعلی مظلومی، تربیت از دیدگاه معصومین(ع) (تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۴).

۱۲
استراتیجیات فی تربیة الاسرة المسلمة[1]

لجنة البحوث والدراسات. زیر نظر توفیق واعی. چاپ اول: منصوره، شروق للنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م. ۳۸۴ص، وزیری، جدول، مصور، مقیاس سنجش.

این نوشتار جلد اول از مجموعه‌ای است با فروست: موسوعة الاسرة المسلمة، که تاکنون دو جلد آن منتشر شده است. عنوان جلد دوم این مجموعه الابداع فی تربیة الاولاد است که پیش از این بدان پرداخته‌ام.[2]

برخی از فصول یازده‌گانه کتاب با بیان اهداف شناختی بحث آغاز گشته و با معرفی آثاری برای مطالعه بیشتر و فعالیت‌های عملی مستقیم دربارهٔ بحث و خودآزمایی پایان پذیرفته است. برخی از فصول هم تنها از یکی از این محاسن برخوردار است و پاره‌ای از فصول از همه آن‌ها تهی و محروم است. اینک اشارتی به محتوای هر فصل.

عنوان فصل یکم، مفهوم خانواده مسلمان است و در شرح و واشکافت آن، پس از بیان هدف‌های شناختی فصل، به معنای خانواده پرداخته شده و از تعدد آرا در مفهوم خانواده یاد گشته است؛ سپس از تاریخ خانواده و دیدگاه کسانی چون افلاطون و ارسطو و اگوست کنت و هربرت اسپنسر در مورد خانواده سخن رفته است، آنگاه به تعریف عالمان مسلمان از خانواده نظر شده است و پس از آن به بنای خانواده در اسلام، جایگاه خانواده در اسلام، جایگاه خانواده مسلمان در برنامه کاری اسلامی اشارت رفته است.

عناصر و مؤلفه‌های خانواده مسلمان، عنوان فصل دوم است. این فصل نیز با بیان هدف‌های شناختی‌ای که انتظار می‌رود با مطالعه این فصل محقق شوند آغاز شده است و در

---

۱. راهبردهایی در تربیت خانواده مسلمان

۲. همین کتاب‌شناخت، ص ۲۱ـ۲۳.

ادامه ضمن اشاره به جایگاه و ارزش زن در نظام خانواده از موارد ذیل یاد شده است: گزینش همسر شایسته، التزام زن و شوهر به حدود و احکام اسلامی، سعادت زن و شوهر، دوستی و مهربانی میان زن و شوهر، بردباری در برابر تنگدستی شوهر، شکیبایی هنگام بیماری زن، رعایت حقوق همسر در حدی که ازدواج و تربیت فرزند عبادت شمارده شود، اعتماد دوسویه زن و شوهر به یکدیگر و پرهیز از بدگمانی به یکدیگر، نمونه‌هایی از ضرورت حسن ظن به همسر، مشارکت زن و شوهر در امور خانواده و تحمل مسئولیت، مشورت با یکدیگر، فراخواندن یکدیگر به خداوند.

عنوان فصل سوم، پی‌نهاد ساختار خانواده است. مؤلف در این فصل، ازدواج را بنیان خانواده معرفی کرده و با استناد به کتاب و سنت نبوی به معنای نکاح پرداخته است و مردم را در نیاز به ازدواج به سه گروه تقسیم نموده است و از تشویق به ازدواج به‌ویژه با زنان دیندار و زایا گفته است. در ادامه فصل به حکمت و علل و فواید شش‌گانه تشکیل خانواده پرداخته شده است.

در فصل چهارم، خانواده مسلمان سرمشق انسان برای تحقق سعادت در ازدواج دانسته شده و در شرح و شناخت موضوع در کمال اختصار به منزل، وسایل زندگی، خوراک، پوشاک، بودجه، هزینه، عادات و آداب، همسایگان، دوستان، خانواده مسلمانی که می‌تواند سرمشق دیگران باشد اشارت رفته است. آنگاه به عناصر تشکیل‌دهنده خانواده سرمشق (شوهر و پدر سرمشق، زن و مادر سرمشق، فرزندان خانواده سرمشق) به همراه مقیاسی برای سنجش رفتار زن و شوهر با یکدیگر پرداخته شده است. معرفی منابعی برای مطالعه و اطلاع بیشتر و فعالیت‌های عملی در حوزه بحث و پرسش‌هایی برای خودآزمایی پایان‌بخش فصل است.

در فصل پنجم، به هدف‌های تربیت خانواده مسلمان نظر شده است. سرآغاز این فصل هم طرح هدف‌های شناختی مطالعه این فصل است و در پی آن هدف‌های تربیتی ذیل واکاوی شده است: شناخت نفس خویش و جهان تا قدر و مرتبت خویش بدانیم، شناخت پروردگار بر اساس فهم و آگاهی، شکل‌گیری روحیه اجتماعی و همت عالی، پرورش عواطف انسانی و سمت‌وسو دادن به آن‌ها سازوار با ارزش‌های اعتقادی و شرع (بوسیدن فرزند و مهربانی با او، بازی با کودک، هدیه دادن به فرزند، خوش‌رویی با فرزند، پرس‌وجوی احوال فرزند، برخورد خوب با فرزند)، پرورش توانایی‌های عقلی و ذهنی، تحقق امنیت و آرامش روحی و جسمی، پرورش فرزندان بر اساس ارزش‌های اسلامی و اخلاق پسندیده، آماده ساختن آنان برای بر

دوش گرفتن بار دعوت به اسلام و دفاع از اسلام و مسلمانان، پرورش زن برای گردن نهادن بـه مسئولیت‌های خود در خانواده. معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر، فعالیـت‌هـای عملـی دربـاره موضوع فصل، پرسش‌هایی برای خودآزمایی، دیگر مطالب این فصل است.

آنچه شایسته است برای فرزندان انجام شود، عنوان فـصل شـشم اسـت کـه بـا اشـاره بـه هدف‌های شناختی مطالعه فصل شروع شده و پس از آن بـه آداب شـرعی زیـر پرداختـه شـده است: بشارت دادن و مبارک‌باد گفتن ولادت فرزند، گزینش نام نیکو بـرای او، ختنـه و عقیقـه، جویای احوال فرزند بودن و به دیدن او رفـتن، رفتـار حـضرت رسـول اکـرم(ص) بـا فاطمـه زهرا(س)، علاقه رسول خدا(ص) به فرزندان و محبت و بازی با آن‌ها. این فصل نیز با معرفـی منابعی برای مطالعه بیشتر، فعالیـت‌هـای عملـی دربـارهٔ موضـوع بحـث، پرسـش‌هـایی بـرای خودآزمایی به سر آمده است.

در فصل هفتم به آنچه شایسته است شوهر بـرای زن انجـام دهـد، پرداختـه شـده اسـت. نگارنده پس از بیان هدف‌های شناختی مطالعه این فصل به پاره‌ای از آداب و اخلاق و وظایف شوهر نسبت به زن به شرح ذیل اشاره کرده است: تأمین معاش، پرداخت مهریه، تأمین معـاش فرزندان، خوش‌رفتاری با زن، آراستن خود در برابر زن، عمل به مسئولیت سرپرستی خود نسبت به زن، زن و شوهر باید نقاط ضعف یکدیگر را برتابند. منـابعی بـرای مطالعـه بیـشتر، فعالیـت عملی در حوزه مطالب فصل، پرسش‌هایی برای خودآزمایی، مطالب پایانی فصل است.

عنوان فصل هشتم، مسئولیت‌های دیگر مرد در سنت است و در آن به مطالـب زیـر اشـاره شده است: فهم حقیقت زن بودن همسر و شکیبایی، نیکی به خویشاوندان زن و ارتباط با آن‌ها، احترام به دوستان او، مراقبت از او هنگام ضعف و بیماری، آموزش امـور دیـن و دنیـا بـه او، او را به معروف خواندن و از مکروه بازداشتن، رعایت عـدالت میـان زنـان، لطـف و مهربـانی بـا زن، تحمل نقاط ضعف او، آراستن خود برای زن، تأمین تمتع جنسی زن، غیرت ورزیـدن بجـا نسبت به زن.

در فصل نهم به روابط درونی خانواده نظر شده و به مطالب زیر پرداخته شده اسـت: رابطـه زن و شوهر با پدر و مادر، نوع این روابط، احسان به والدین، عاق والدین، در نیکی بـه والـدین حق مادر بیشتر از حق پدر است، نیکی به والدین پس از وفـات آنـان، رفتـار مـرد بـا خـانواده همسرش، رفتار زن با خانواده همسرش، پیشنهادهای اخلاقی به زن برای رفتار بهتر، مادرشوهر، توصیه‌هایی به شوهر نسبت به رفتار با مادرزن، اشاره بـه امـوری چنـد در تعامـل بـا دیگـران،

مسئولیت اجتماعی خانواده، نقش خانواده در امور اجتماعی و سیاسی و تبلیغی، هدایت خانواده فراسوی ایمان، نقش خانواده در امر به معروف و نهی از منکر.

فصل دهم به شرح‌حال شماری از زنان مسلمان که مبلغ دین بوده‌اند و به خدا فرامی‌خوانده‌اند پرداخته شده است: همسر شهید حسن البنا، امینه قطب همسر شهید کمال‌الدین سنانیری در زمان جمال عبدالناصر طاغی، زینب غزالی از اعضای اخوات‌المسلمات [شاخه زنان گروه اخوان‌المسلمین] مصر و مخالفت او با عبدالناصر.

عنوان فصل یازدهم، دیگر حقوق است. در این فصل به شماری دیگر از حقوق زن که مرد باید آن‌ها را پاس دارد پرداخته شده است. نویسنده در بازشکافت این بحث، ابتدا به وضع زن در چین و هند و یونان و روم و عرب و یهود و مسیحیان گذشته پرداخته است؛ سپس به خطاهایی که در تمدن‌های کهن نسبت به زن رخ می‌داده است و چکیده‌ای از موضع اسلام نسبت به این امور اشاره کرده است مانند شایستگی و اهلیت زن برای دینداری، فعالیت و حقوق اقتصادی و اجتماعی. پس از این به تأثیر تمدن و فرهنگ جدید بر زن مسلمان نظر کرده است و در پایان به بازگفت سخنان شماری از دانشمندان غرب در وصف زن مسلمان پرداخته است.

گفتنی است، این اثر در مجموع خواندنی افتاده است گرچه برخی مطالب آن تازگی ندارد. دیگر آن‌که در صفحه ۱۳۵ کتاب، آمده است: اولاً... اما به ثانیاً یا... آن اشاره نشده است. همچنین در صفحه ۲۵۹ به جای الفصل التاسع: علاقات الاسرة الداخلیه، آمده است: الفصل السادس ما ینبغی عمله نحو الاولاد.

* منابع ذیل برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌شود:
عبدالحکیم عبداللطیف صعیدی، الاسرة المسلمة: اسس و مبادی (قاهره، دارالمصریة اللبنانیة، ۱۴۱۳ق)؛ وهبه زحیلی، الاسرة المسلمة فی العالم المعاصرة (بیروت ـ دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م)؛ بخش حدیث مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، الاسرة فی رحاب القرآن والحدیث (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م)؛ سید کاظم ارفع، خانواده در مکتب قرآن و اهل‌بیت(ع) (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹)؛ حسن ملکی، خانواده و تربیت دینی (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲).

۱۳
اشراقات تربویة[۱]

مریم عبدالله عبدالرحمن نعیمی. چاپ اول: بیروت، دار ابن‌حزم، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م. ۱۵۸ص، رقعی.

در این کتاب که جلد دوم از مجموعه‌ای است با فروست: السلسلة التربویة، با استفاده از و استناد به منابع کهن و جدید اخلاقی و ادبی و تربیتی و روایتی تلاش شده است برخی از نکات تربیتی که توجه به آن‌ها بر همگان لازم است با زبانی ساده و درخور فهم عامه مردم پیش‌رو نهاده شود.

نگارنده با اعتراف به غیر بدیع بودن کتابش مدعی است پرداخت او به مطالب تازگی دارد و کوشیده است در این کتاب معلوم دارد: دیدگاه اسلام به تربیت چیست و خدا و رسولش از جامعه اسلامی انتظار دارند افراد را چگونه تربیت کنند؟ سلف صالح، فرزندانشان را چگونه تربیت می‌کردند؟ مهم‌ترین مسائلی که گذشتگان در تربیت فرزندان خود به آن‌ها عنایت داشته‌اند چه بوده است؟ (ص۴).

مطالب کتاب در هفده فصل کوتاه (دوتا هشت‌صفحه‌ای)، پیشگفتار، مقدمه، خاتمه قلمی شده است.

در مقدمه از معنای لغوی و اصطلاحی تربیت و لزوم و بایستی تربیت از کودکی و مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان یاد شده است.

قرآن و تربیت شایسته، عنوان فصل نخست است و در آن اشارت رفته است که در بسیاری از آیات قرآنی، مؤمنان به توجه به ارزش پایبندی فرزندان به اوامر الهی فراخوانده شده‌اند؛

---

۱. اشراقات تربیتی

سپس از ارزش اخلاقی و تربیتی آزرم و ماجرای دختران حضرت شعیب و حضرت موسی(ع) یاد شده است.

در فصل دوم از اهمیت و نقش مادر در تربیت، و لزوم گزینش همسری شایسته که مادر فرزندان خواهد شد، سخن رفته است.

در دیگر فصل‌های این کتاب از مطالب زیر یاد شده است: نقش اسوه حسنه در تربیت و زندگی فرزندان؛ لزوم ابراز محبت به کودکان و فرزندان؛ تأثیرات فروکاهندهٔ فرهنگ رسانه‌ای غرب بر فرهنگ و زبان عرب؛ ضرورت تقویت بعد دینی شخصیت کودکان برای پیشگیری از انحرافات فکری در آن‌ها؛ تقویت بعد دینی در کودک از راه ملزم ساختن او به پیروی از دستورهای خداوند؛ تقویت دانش‌دوستی و عشق به عالمان در کودک؛ اشاراتی به عنایات تربیتی عالمان و مؤدبان و مربیان به تربیت کودکان؛ تشویق و ترغیب و نقش آن در برانگیختن کودکان به فراگیری دانش؛ عادت دادن کودک به کار شایسته؛ عادت دادن کودک به پذیرش و تحمل مسئولیت؛ بیان زندگی شخصیت‌های بزرگ برای کودک؛ نقش دوستی و دوستان شایسته در تربیت؛ اهمیت تلاش در زندگی و دستیابی به سعادت؛ پرورش روحیه حق‌گویی و گفتن «نه» برای خدا؛ اشارتی به نقش تربیتی وصیت‌های تربیتی و ذکر برخی از آن‌ها.

گفتنی است، نگارنده در پاسخ به پرسش‌هایی که در مقدمه مطرح ساخته موفق نبوده است. از جمله علل این نامرادی کوتاهی بحث‌های کتاب است.

۱۴
الاشكالية المعاصرة فی تربية الطفل المسلم[۱]

سـعید عبـدالعظیم. [چـاپ اول]: اسـکندریه، دارالایمـان للطباعـة والنـشر والتوزیـع، ۲۰۰۱ق. ۱۲۸ص، وزیری، دو رنگ.

این کتاب دارای هفت عنوان اصلی و نزدیک به یکـصد و ده عنـوان فرعـی در کنـار مقدمـه و خاتمه است. نام مؤلف، همه عناوین، سرصفحه‌ها، شـماره صـفحات، آیـات، سـخنان پیـامبر اکرم(ص)، شماره ردیف ارجاعات به رنگ قرمز است. نشانی آیات در متن و نشانی روایات در پانوشت آمده است. در این اثر هیچ استناد و ارجاعی جز به آیات و روایات نبوی وجود ندارد.

اینک اشارتی به عناوین اصلی و مطالب ذیل آن‌ها.

آرزویم برای فرزندانم: در شرح این عنوان آمده است که آرزوی ما سـعادت فرزنـدانمان در دو سراست؛ سپس از محبت به فرزندان در سیره نبوی یاد شده است و با اشـارتی بـه مـاجرای حضرت نوح و پسرش و یوسف نبی و برادران و پدرش از قول مالک بن انس ادعا شده اسـت که ادب، ادب خداوند است نه ادب پدر و مادر همچنان که خیر، خیر خداوند اسـت نـه خیـر پدر و مادر، دیگر آن‌که پدر بر پسر حسادت نمی‌ورزد.

نگارنده ذیل عنوان طغیان مادی و تأثیر آن بر کودکان، از اختلاط نامـشروع زنـان و مـردان، خطرات و زیان‌های تلویزیون یاد کرده است، آنگاه به عنوان سوم یعنی پندی که نیازمند انـدرز است، و محبتی که مهربانی آن را نقض می‌کند، می‌رسد و در آن از نیاز مربیان به تربیت ایمـانی، مدارس تبشیری، نظر مخالفان و موافقان تدریس زبـان خـارجی در مرحلـه پـیش‌دبـستانی یـا

۱. مسائل معاصر تربیت کودک مسلمان

آموزش ابتدایی، شماری از مجلات خاص کودکان در کشورهای عربی که هدفشان ترویج نژادپرستی و ملیت است یاد می‌کند.

در عنوان چهارم: دوشیزهٔ قریش در ادبیات کودکان، نخست از دیدگاه انتقادی جورجی زیدان در کتاب عذراء قریش نسبت به خلیفه سوم سخت انتقاد گشته و به تأثیر محیط انسانی و خاص مدرسه بر تربیت کودک اشارت رفته است و پس از آن نظر برخی روان‌شناسان غربی که دین را عامل سرکوب امیال انسان دانسته‌اند، رد شده است؛ سپس گوشزد گشته است که برخی کسان گمان کرده‌اند میان تعداد فرزندان و آسایش و تربیت درست آنان نسبت عکس وجود دارد. بعد به نقد برنامه تنظیم خانواده و دفاع از کثرت فرزند پرداخته شده است.

نکته بعدی اشاره به برخی ضرب‌المثل‌ها در میان مردم و اثر منفی آن‌ها بر زندگی و نیز ناسازگاری مفهوم آن‌ها با کتاب و سنت است؛ مانند: مرگ دختران سرپوش است. نگارنده در ادامه با اشاره به سیزده مشکل رایج در رفتار کودکان و اندرزها و ارشاداتی برای برون‌رفت از آن‌ها به عنوان بعدی می‌پردازد.

حقوق کودک در اسلام، عنوان پنجم کتاب است و در واشکافت آن، این حقوق به پیش و پس از ولادت کودک تقسیم شده است. حقوق پیش از ولادت در چهار عنوان و حقوق پس از ولادت در بیست عنوان خلاصه و شرح شده است. از آن‌هاست: ازدواج شرعی والدین، حرمت ازدواج دختر مسلمان با پسر کافر (که از حقوق پیش از ولادت است)، خواندن اذان و اقامه در گوش راست و چپ، حق شیر، نگه داشتن کودک بر فطرت سالم، تربیت ایمانی، پرورش اخلاق نیکو در او، دقت در حفظ بهداشت و سلامت او، رعایت عدالت میان فرزندان، آموزش او، نشانه‌های نجابت کودک در چهره و اخلاق او. اندرزهای من به فرزندانم و فرزندان مسلمانان دو عنوان دیگر این کتاب است.

❋ مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:
سهام مهدی جبار، الطفل فی الشریعة الاسلامیة و منهج التربیة النبویة (بیروت، المکتبة العصریة، ۱۴۱۷ق)؛ احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷)؛ همو، تربیت کودک در جهان امروز (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷)؛ مجید وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳)؛ عبدالرحمن نحلاوی، التربیة الاسلامیة والمشکلات المعاصرة

(چاپ دوم: بیروت ـ ریاض، المكتبة الاسلامیة ـ مكتبة اسامة، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م)؛ سـید محمـد بحرالعلوم، المشكلة التربوية و اهم ملامح حلولها من وجهة النظر الاسـلامية (چـاپ اول: بیـروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)؛ عباس مدنی، مشكلات تربوية فـی الـبلاد الاسـلامية (چـاپ دوم: مكه مكرمه، مكتبة المنارة، ۱۴۰۹ق).

۱۵
اصول تدریس التربیة الاسلامیة[1]

محمد زحیلی. چاپ اول [ایـن ناشـر]: دمـشق ـ بیـروت، الیمامـة للطباعـة والنـشر والتوزیـع، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م. ۴۸۰ص، وزیری، شکل.

کتاب حاضر حاصل بازنوشت و تکمیل جزوات درس اصول و روش‌های تدریس نگارنـده در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه دمشق است که پیش از این در سال ۱۹۷۲م چاپ شده و سال‌ها متن درسی بوده است و اینک پس از ویرایش کامل و روزآمد سـاختن مـتن بـه سـرمایه ناشـر جدید به چاپ اول این ناشر رسیده اسـت. ایـن اثـر از چنـد مقدمـه، پیـشگفتار، یـک بخـش تمهیدی و دو بخش اصلی برآمده است.

بخش تمهیدی که پیش‌درآمدی بر دو بخش دیگر و کل بحث است از چهار فـصل برآمـده است. در فصل یکم به هدف و فلسفه تحصیل در رشته تربیت معلم در دانشکده علوم تربیتـی پرداخته شده است. در فصل دوم به علل تدریس اصول و روش‌های تربیت اسلامی بـه عنـوان گرایشی مجزا اشاره شده است. فصل سوم نیم‌نگاهی است به تاریخ تربیت اسـلامی. در فـصل چهارم به وضع درس تربیت اسلامی در وزارت آموزش و پرورش سوریه نظر شده است.

عنوان بخش یکم، عناصر و مؤلفه‌های اصلی تربیت اسلامی است و در فصول شش‌گانه آن از مطالب ذیل یاد شده است: وظیفه دین در زندگی و تأثیر آن بـر فـرد و جامعـه؛ هـدف‌هـای تربیت اسلامی؛ استفاده از وسایل آموزشی برای آموزش تربیت اسلامی؛ لزوم مطالعه درس پیش از تدریس و تهیه برنامه و طرح درس روزانه؛ معلم درس تربیت اسلامی و ویژگـی‌هـا و عوامـل

---
۱. اصول تدریس تربیت اسلامی

موفقیت و جایگاه او در فعالیت‌های آموزشی و تفاوت میان او و دیگر معلمان؛ اصول کلی تربیتی در آموزش تربیت اسلامی.

در بخش دوم که اصول عملی تدریس تربیت اسلامی عنوان گرفته است و دارای هشت فصل است به اصول آموزش مواد درسی برنامه آموزشی تربیت اسلامی پرداخته شده است و برای بازشکافت موضوع ابتدا ماده درسی مورد نظر تعریف شده است؛ سپس از مبانی کلی آن ماده درسی سخن رفته است. پس از آن هدف خاص تدریس آن ماده درسی بیان گشته است. اشاره به جایگاه هر ماده درسی در ساختار تربیت اسلامی و ویژگی‌های هر ماده درسی و اشارتی به اصول تدریس ماده درسی و معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر در پایان بحث از هر ماده درسی، دیگر مطالب این بخش است.

مواد درسی بررسی‌شده عبارت‌اند از: تلاوت قرآن کریم، تفسیر قرآن کریم، حدیث نبوی، عقاید اسلامی، آداب و عبادات، سیره نبوی، اخلاق اسلامی، احکام شرعی، تراجم و رجال، نظام‌های اسلامی (یعنی نظام اقتصادی، سیاسی، حقوقی، خانوادگی، جهادی، اجتماعی، اداری).

گفتنی است با آن‌که مطالب کتاب ناظر بر آموزش روش آموزش معارف اسلامی در مراحل آموزشی پیش از آموزش عالی است و می‌توان آن را اثری در حوزه روش‌شناسی آموزش معارف دانست، اما مطالب به گونه‌ای برگزیده و چینش شده‌اند و پرداخت نگارنده به آن‌ها چنان است که خواسته یا ناخواسته اثری پدید آمده است که بار تربیتی آن به‌مراتب بیش از آن چیزی است که از عنوان کتاب برداشت می‌شود، از این‌رو این کتاب در حوزه تربیت اسلامی به مفهوم خاص قرار دارد و مطالعه آن برای همه علاقه‌مندان مفید است.

نویسنده در شرح و شکافت مطالب از قرآن و سنت و میراث مکتوب اسلامی به‌طور خاص و از تربیت‌نگاشت‌های اسلامی معاصر به‌طور عام بسیار بهره برده است.

❋ برای آگاهی فزون‌تر به منابع ذیل مراجعه شود:

حسن شحاته و عبدالله کندری، تعليم التربية الاسلامية فی العالم العربی (چاپ اول: کویت، مكتبة الفلاح، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م)؛ عبدالوهاب عبدالسلام طویله، التربية الاسلامية و فن التدريس (چاپ اول: قاهره، دارالسلام، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ فتحی علی یونس و دیگران، التربية الدينية الاسلامية بين الاصالة والمعاصرة (چاپ اول: قاهره، عالم الكتب، ۱۹۹۹م)؛ عابد توفیق هاشمی، طرق تدريس التربية الاسلامية (چاپ نهم: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م).

۱۶
اصول التربیة الاسلامیة[1]

امین ابولاوی. چاپ اول: ریاض، توزیع دار ابن‌الجوزی، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م. ۳۲۱ص، وزیری.

هدف این کتاب، پیش‌رو نهادن شمایی روشن از مفهوم تربیت اسلامی و آبشخورها، ویژگی‌ها، هدف‌ها، مبانی، محیط‌ها، روش‌های این‌گونه تربیت در کنار اشارتی کوتاه به برخی از مربیان بزرگ آن در گذشته است. نگارنده معتقد است کتابش برای توصیف تربیت اسلامی بر روش تاریخی متمرکز نیست، بلکه کوشیده است تربیت اسلامی را به گونه‌ای توصیف کند که از رهگذر آن بتوان تربیت اسلامی را جامه عمل پوشانید. دیگر آن‌که آرا و مفاهیم بازگفته در کتاب برگرفته از آبشخورهای تربیت اسلامی به‌طور خاص و منابع فقه اسلامی به‌طور عام است و آرا و مفاهیمی شخصی نیست (ص۹).

نویسنده، مطالب را در مقدمه و ده گفتار قلمی کرده است. وی در گفتار نخست به معنای تربیت در لغت، تعریف تربیت به مفهوم عام و تربیت اسلامی و شرح تعریف برگزیده خود از تربیت اسلامی پرداخته است.

گفتار دوم دربارهٔ آبشخورهای تربیت اسلامی است و در آن از سه منبع: قرآن کریم، سنت نبوی، میراث سلف صالح یاد و پس از بازشکافت سخن دربارهٔ هر یک از آن‌ها، گفتار پایان پذیرفته است.

نگارنده، تربیت اسلامی را دارای ویژگی‌هایی می‌داند که آن‌ها را در گفتار سوم چنین برشمارده است: تربیت اسلامی، ربانی و جهانی و فراگیر است. این‌گونه تربیت دارای انسجام

۱. کلیات تربیت اسلامی

ساختاری و اعتدال است و فرازمانی و فرامکانی و با فطرت انسان سازوار است و از گهواره تا گور را دربر می‌گیرد و اعمال و اجرای آن، مسئولیتی فردی و گروهی است.

در گفتار چهارم به هدف‌های تربیت اسلامی نظر شده است. در این گفتار، هدف‌های تربیت اسلامی به دو هدف کلی اصلی و عمومی تقسیم شده است. هدف اصلی [نه غایی] عبارت است از پرورش شخصیت اسلامی در فرد و گروه. تربیت اسلامی دارای پنج هدف عمومی به این شرح است: تعبدی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی. نگارنده هر یک از این هدف‌ها را بازشکافته و آنگاه به گفتار پنجم رفته است.

گفتار پنجم، محملی برای واکاوی مبانی تربیت اسلامی است. نگارنده این مبانی را شامل مبانی: اعتقادی، تکلیفی، اخلاقی، روحی دانسته و دربارهٔ هر یک مطالبی را بیان داشته است. مثلاً در شرح مبنای اعتقادی، عقیده را تعریف و تقسیم کرده است و به ارکان شش‌گانه اعتقاد اسلامی اشاره کرده است و پس از درنگی در این ارکان، از بعد تربیتی توحید و تأثیر مبنای اعتقادی بر تربیت اسلامی سخن گفته است.

محیط‌ها و مراکز تربیت اسلامی موضوع گفتار ششم است. در این گفتار تلاش شده است روند پیدایش و تحول نهادهای آموزشی در اسلام پیش‌رو نهاده شود (ص۱۱۷). این نهادها عبارت‌اند از: منازل، مساجد، مکتب‌ها، کاخ‌ها، کتابخانه‌ها (دارالحکمه، دارالکتب)، مدرسه‌ها، دارالحدیث‌ها، زاویه‌ها، رباط‌ها، خانقاه‌ها، بازارها.

در گفتار هفتم با روش‌های تربیت اسلامی آشنا می‌شویم. در شرح این بحث، نخست مفهوم روش بیان شده است. آنگاه به چهار روش: هدایت مستقیم، تربیت با اسوه حسنه، تربیت با پاداش، تربیت با تنبیه اشارت رفته است. در روش هدایت مستقیم از تلقین کلامی، اشاره‌ای، نوشتاری، پند نیکو، قصه، ضرب‌المثل، یاد و سپس دیگر روش‌ها شرح و شکافته شده است.

نویسنده، گفتار هشتم را به بحث دربارهٔ تربیت اسلامی در چارچوب خانواده اختصاص داده است. سرآغاز این گفتار، اشارتی است به مفهوم خانواده در لغت و اصطلاح و اسلام، عناصر و ارکان خانواده، مسئولیت تربیت در خانواده و نقش پدر و مادر، مراحل تربیت، برخی از سنت‌های اسلامی و آداب فرزندداری، شماری از دیگر مطالب این گفتار کتاب است.

در گفتار نهم در نهایت اختصار از آرای تربیتی مربیان ذیل یاد شده است: محمد ابن‌سحنون، ابوالحسن قابسی، ابن‌مسکویه، ابن‌عبدالبر قرطبی، امام محمد غزالی، برهان‌الدین زرنوجی، ابن‌جماعه حموی، عبدالرحمن ابن‌خلدون.

گفتار پایانی این کتاب دربارهٔ آداب و اخلاق عالم (معلم) و متعلم است که مانند گفتار نهم کوتاه برگزار گشته است.

گفتنی است برخی از کاستی‌ها و نابایستی‌های این کتاب که بیشتر به چشم می‌آید و چشم‌پوشی بر آن‌ها روانیست از این قرار است: ضعف تاریخی، مثلاً در گفتار نهادهای آموزشی، از مربَد، منازل اشراف، منازل عالمان، دکان وراقان، اماکن متبرکه یاد نشده است. ضعف ساختاری، مثلاً بحث مراحل تربیت به‌خطا در ذیل بحث روش‌ها آمده است (ص۲۳۷ به بعد)؛ در بحث روش‌ها، بسیاری از روش‌های قرآنی تربیت فرونهاده شده و بررسی نگشته است. گفتار هفتم (ص۱۵۱) به‌خطا المبحث السادس نوشته شده است. وانگهی در این اثر از اصول، عوامل، حوزه‌ها، امکان و ضرورت تربیت سخن نرفته است.

۱۷
اصول التربیة الاسلامیة[1]

سعید اسماعیل علی. چاپ اول: قاهره، دارالسلام للطباعة والنشر والتوزیع والترجمة، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م. ۳۵۰ص، وزیری، برگه نظرخواهی.

از نگارنده این اثر پیش از این نیز کتابی با عنوان **اصول التربیة الاسلامیة** (چاپ سوم: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م) منتشر شده است. بنگرید به: بهروز رفیعی، **کتاب‌شناسی توصیفی ـ تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام «گزیده منابع عربی»** (چاپ اول: قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۸۱).

کتاب حاضر حاصل طرح پژوهشی است که با حمایت المعهد العالمی للفکر الاسلامی انجام و منتشر گشته است و هدف از انجام دادن آن تهیه کتاب درسی دانشگاهی در حوزه اصول تربیت اسلامی بوده است.

این کتاب گذشته از فصول هفت‌گانه، دارای مقدمه و خاتمه است و هدف اصلی تحریر آن اثبات این نکته است که قرآن و سنت [نبوی] و استنباطات عالمان مسلمان از آن دو، سه آبشخور تربیت اسلامی است، و میراث تربیتی مسلمانان و تجربه‌های فرهنگی، [منبع] فرعی به شمار می‌روند و می‌توانند ما را در فهم منابع اصلی یاری کنند، اما به‌هیچ‌روی الزام‌آور نیستند (ص ۳۴ـ۳۵).

در فصل نخست به مقدماتی چون تعریف تربیت، فرق آن با تهذیب و تزکیه و تعلیم، رهنمود اسلامی به تربیت، معنای اصول تربیت و اصول تربیت اسلامی، فریضه دینی و

---

۱. آبشخورهای تربیت اسلامی

ضرورت اجتماعی بودن تربیت اسلامی، روش‌شناسی تحقیق در اصول تربیت اسلامی، پرداخته شده است.

فصل دوم دربارهٔ عناصر اصلی عقاید اسلامی یعنی خداوند، هستی، انسان، جامعه، شناخت است. این عناصر مبانی اندیشه فرد مسلمان است و نوع نگرش او را به کل وجود و از جمله تربیت معلوم می‌دارد.

در فصل سوم از قرآن چونان اولین و مهم‌ترین آبشخور تربیت اسلامی سخن رفته است. نگارنده برای بازشکافت این نقش و موضوع به شرح و بسط برخی از جنبه‌های قرآن که بیشتر می‌تواند خواننده را با بعد تربیتی و پایگی قرآن برای تربیت اسلامی آشنا سازد پرداخته است. از آن‌هاست: قرآن قانون انسان‌سازی و تربیت است؛ عقاید و اخلاق در آیات قرآن، شماری از ویژگی‌های روش‌های قرآنی و تأثیر آن‌ها بر تربیت انسان، اشارتی کوتاه به برخی از مسائل تربیتی در قرآن برای نشان دادن چگونگی تکیه بر قرآن برای استنباط آرا و رویکردهایی که پی‌نهاد تربیت اسلامی‌اند (توجه به عقل در قرآن، توجه به تربیت انسان چونان انسان فارغ از رنگ و نژاد و ملیت...، عنایت به اخلاق و تربیت اخلاقی)، روش‌های تعلیم و تعلم (داستان، هدایت عملی)، روش‌های تربیتی قرآن (عبادت، بحث و جدل، تمثیل).

حجیّت تربیتی سنت نبوی موضوع فصل چهارم است. نویسنده، سنت نبوی را دومین آبشخور تربیت اسلامی شمارده و برای بازشکافت مطلب نخست از اهمیت استناد به سنت در فعالیت تربیتی یاد کرده است؛ سپس به شرح مفهوم لزوم کسب معرفت و علم در سنت پرداخته و آورده است که تبلیغ و دعوت به دین، گونه‌ای تربیت و از کارهای رسول خدا(ص) بوده است. بنابر سنت تربیتی نبوی همگان باید تعلیم ببینند و سپس تعلیم بدهند و به نقش تربیتی خود عمل کنند. در سنت نبوی تعلیم و تربیت جدای از اخلاق نیست. برخی از روش‌های آموزشی در سنت نبوی (داستان، تمثیل)، شماری از قواعد و اصول تربیتی عام در سنت نبوی (تشویق و تنبیه، آسان گرفتن بر متعلم، توجه به تفاوت‌های فردی، رعایت عدالت میان فراگیران) و سنت نبوی در آموزش امت در عصر حاضر دیگر بحث‌های این فصل است.

نخستین آبشخور فرعی تربیت اسلامی، تجربهٔ فرهنگی است که در فصل پنجم مطرح شده است. نگارنده برای بازشکافت این موضوع به بعد تربیتی فرهنگ اسلامی پرداخته است؛ سپس

از نقش حمایت سیاسی در پیشرفت فرهنگ و تعلیم و تربیت یاد کرده است، نکته بعدی آزادی علمی است و پس از آن به تنوع فرهنگی در فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته شده است. شکوفایی اقتصادی و گسترش آبادانی، جنبش ترجمه، تألیفات علمی و ابتکارات فنی دیگر مطالب بحث‌شده در این فصل است.

نگارنده آبشخور فرعی دوم را میراث مکتوب تربیتی در اسلام می‌داند و در فصل ششم به شرح و شکافت آن می‌پردازد. وی میراث را دو دسته می‌داند: یکی آنچه وحیانی و در قرآن و سنت است؛ و دیگری آنچه که دستاورد تلاش‌های عالمان مسلمان در زمینه تعلیم و تربیت است. در این جستار مراد گروه دوم است که به نقش آن در وضع کنونی تعلیم پرداخته و به مبانی روش‌شناختی برخورد علمی با میراث تربیتی اشاره شده است؛ سپس بحث معیارهای گزینش مضامین میراث تربیتی مطرح شده است.

فراز فرجامین این فصل گذری است بر برخی از مکتب‌های تربیتی در اسلام یعنی مکتب فقهی، مکتب کلامی، مکتب فلسفی، مکتب تصوف.

در فصل هفتم که مشکلات کنونی و امیدها و تلاش‌های آینده خوانده شده است، نخست از مشکلات ذیل یاد شده است: عقب‌ماندگی فرهنگی، در چنگال هیمنه بیگانگان بودن، بی‌هویتی، رخنه در ترتیب اولویت‌ها، گذشته‌گرایی، مبهم بودن گفتمان اسلامی و خلط میان عقیده و فکر، تندروی در دین، عقب‌ماندگی علمی و فنی، استخوان اسرائیل در گلوی امت. در ادامه به خلل‌های تربیتی پرداخته شده است: فقدان فلسفه تربیتی، آموزش اسب تروا، دوگانگی در آموزش، بد جلوه دادن تربیت دینی. در پایان این فصل از اسلامی کردن علوم تربیتی، ایجاد عدالت آموزشی، رشد تفکر، رویکرد اقتصادی تولیدی به آموزش به عنوان راه‌حل برخی از مشکلات یادشده است.

گفتنی است، در این اثر که حاصل قلم دانشمندی مسلمان و آشنا با فرهنگ اسلامی است، برای بیان چگونگی اختلاف میان شیعه و سنی به آثار کسانی چون آدام متز استناد شده است (ص۲۲۳). دیگر این‌که در ضبط اعلام و ارقام گاه بی‌دقتی شده است. مثلاً درگذشت امام محمد غزالی (۴۵۰ـ۵۰۵ ق)، ۵۵۰ ق ضبط شده است. همچنین در این اثر گاه به اقوال شیخ طه جابر علمانی که از سرآمدان تعصب غیرمنطقی در میان اهل سنت در این عصر است، استناد شده است (ص ۳۳۰، ۳۳۹).

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
سعید اسماعیل علی و محمد جواد رضا، مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم: قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت، ۱۳۸۸)؛ مصادر التربیة الاسلامیة (الکتاب السنوی للتربیة و علم النفس) (قاهره، عالم الکتاب، ۱۹۷۳م).

۱۸

الاعجاز التربوی النفسی فی القرآن الکریم والسنة المطهرة[1]

عبدالرحمن عیسوی. چاپ اول: بیروت، دارالنهضة العربیة، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م. ۵۰۰ ص، وزیری، شکل، نمودار، جدول، فهرست اصطلاحات عربی - انگلیسی.

از نگارنده این اثر نزدیک به ۱۳۰ کتاب در حوزه‌های گوناگون روان‌شناختی منتشر شده است. در این میان بیش از ده عنوان کتاب ناظر به روان‌شناسی از نگاه اسلام هم به چشم می‌خورد، از آن‌هاست: **التوجیه والارشاد الاسلامی والعلمی** (بیروت، دارالنهضة، ۱۹۹۲م)؛ **الاسلام والانسان المعاصر دراسة نفسیة** (بیروت، دارالراتب، ۲۰۰۷م)؛ **مقومات الشخصیة الاسلامیة والعربیة** (اسکندریه، دارالفکر الجامعی، ۱۹۸۶م)؛ **سیکولوجیة المراهق المسلم المعاصر** (کویت، دارالوثائق، ۱۹۸۷م)؛ **الاسلام والعلاج النفسی** (اسکندریه، دارالفکر الجامعی، ۱۹۷۵م).

کتاب حاضر از آثار متأخر مؤلف و به نظر من خوش‌عنوان‌ترین آن‌هاست: اعجاز تربیتی - روان‌شناختی در قرآن و سنت. اگر خوش‌بینانه بنگریم و گزینش چنین عنوان چشم‌نوازی را برای کتاب حاضر، ناظر بر هدف‌های غیرعلمی ندانیم و بپذیریم که مؤلف به‌راستی به چنین برداشت و باوری از قرآن و سنت نبوی رسیده است، باری باید گفت که نگارنده بی‌گمان در انتقال و انعکاس برداشت و باور خود از قرآن و سنت نبوی در این کتاب ناکام مانده است؛ زیرا:

اکثر قریب به اتفاق مباحث کتاب، روان‌شناختی است نه تربیتی.

در فصل نخست که ۸۷ صفحه است، تنها هفت صفحه دربارهٔ تربیت وجدان اخلاقی از نگاه اسلام آورده شده است.

---

۱. اعجاز تربیتی - روان‌شناختی در قرآن کریم و سنت مطهر

در فصل سوم و چهارم (که ۲۱۷ صفحه است) هیچ اشارتی به قرآن و سنت در میان نیست. در فصل دوم و ششم از روان‌شناسی در قرآن و گاه سنت هم به گونه‌ای نابسنده سخن رفته است.

وانگهی این کتاب از منظر غیراعجازی هم خواننده را اقناع و راضی نمی‌کند، چه مثلاً در فصل سوم از بیماری‌های روانی چون: اضطراب، سرکوب، هیستری، خواب‌گردی، تعدد شخصیت، یادزدودگی، یاد شده است. در فصل چهارم به شماری از روش‌های روان‌درمانی جدید اشاره شده است و در فصل پنجم که مبانی روان‌درمانی اسلامی خوانده شده است، تنها در شش صفحه از دعا و امید به عنوان درمان مردم با روش اسلامی یاد شده است [ص ۴۳۶ـ۴۴۱].

دیگر آن‌که عبارت کلی «تربیتی - روان‌شناختی» در عنوان کتاب، بسیار فراگیرتر از بحث‌های مطرح‌شده در حوزه بیماری‌های روانی و روان‌درمانی است که در کتاب حاضر مطرح شده است.

باری مؤلف مطالب کتاب را در شش فصل بسامان کرده است.

در فصل نخست که شکل‌گیری وجدان اخلاقی خوانده شده، ابتدا از مفهوم وجدان اخلاقی سخن رفته است؛ سپس به ویژگی‌های تربیت اسلامی پرداخته شده است و شماری از عبادات و رفتاری که به پرورش وجدان اخلاقی در فرد می‌انجامد برشمارده شده است. آنگاه از روش‌های جامعه‌پذیری در اسلام سخن رفته است.

دیگر مطالب این فصل به قرار زیر است: اهمیت تربیت معلم، نظریه یادگیری اجتماعی و کاربردهای تربیتی آن، مطالعه‌ای میدانی دربارهٔ عوامل پیدایش و گسترش درس خصوصی در مصر، چگونگی تدریس به کودکان درخودمانده.

عنوان فصل دوم، شرح و بیان محتوای بحث است. مؤلف این فصل را پیش‌درآمد دیگر فصول دانسته و در شرح و شکافت آن، نخست شماری از بیماری‌های روانی شایع را برشمارده است؛ سپس شماری از ارزش‌ها و ویژگی‌های مثبتی را که قرآن کریم آن‌ها را لازمه شخصیت مسلمان دانسته است نام برده است. پس از آن به بیماری وسواس و نگرش اسلام به آن نظر کرده است. کارهای نفس بر اساس رهنمودهای قرآن، اعتدال از منظر قرآن، عواطف از نگاه قرآن، روان‌درمانی از طریق ایمان، درمان تعارض روان‌شناختی در قرآن، یادگیری شرطی و رفتاردرمانی در قرآن، آشنایی با پیشینه تحقیق دربارهٔ اعجاز علمی قرآن کریم در حوزه روان‌شناسی و روان‌پزشکی دیگر بحث‌های این فصل است.

در فصل سوم شماری از بیماری‌های روحی معرفی و شرح شده است و در فصل چهارم به روان‌درمانی جدید و شماری از روش‌های آن پرداخته شده است.

در فصل پنجم به مبانی روان‌درمانی اسلامی پرداخته شده است. برای واکاوی این بحث نخست به برتری تاریخی فرهنگ و تمدن اسلامی نسبت به فرهنگ و تمدن غرب اشارت رفته است. پس از آن از توجه به کودک در اسلام یاد شده است. نکته بعدی راهنمایی شغلی در اسلام است که در شرح آن به اخلاق کار، ارزش کار دستی در اسلام، کار به مثابه درمانی فراگیر پرداخته شده است.

نگارنده سازوار با رویه خود در کتاب پس از بحث مشاوره شغلی در اسلام از منابع و مراجع فصل یاد کرده است و پس از آن بحثی دیگر گشوده است با عنوان روان‌درمانی اسلامی، و برای بازشکافت موضوع از ویژگی‌های روان‌درمانی اسلامی، مراد از روان‌درمانی جدید، درمان مردم از راه ایجاد امید یاد کرده و سپس منابع این بحث را بیان کرده و به فصل ششم رفته است.

فصل ششم تأثیر رهنمودها و ارشادات اسلامی بر پیشگیری و درمان افسردگی نامیده شده است. نگارنده این فصل را با بیان تفاوت بیماری‌های اختلال عضوی و اختلال کنشی آغاز کرده است؛ سپس به تقسیم‌بندی افسردگی پرداخته و از چگونگی احساس افسردگی گفته و اشاره کرده است که انسان چه موقع احساس افسردگی می‌کند. عوامل مؤثر در پیدایش افسردگی و رهنمودهای اخلاقی و عبادی اسلامی که در پیشگیری و درمان افسردگی دخیل است بحث‌های دیگر این فصل است.

نگارنده مانند فصل پیشین، چون به اینجا رسیده، منابع و مراجع خود را معرفی کرده است، چنان که پنداری فصل به فرجام آمده است، اما دوباره وارد بحث شده و به مطلبی پرداخته است با عنوان تفسیر روان‌شناختی آیه ۱۱ سوره رعد و پس از پایان بحث باز از منابع و مراجع بحث یاد کرده است.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:

محمد احمد سید، معجزة الاسلام التربوية (چاپ دوم: کویت، دارالبحوث العلمية، ۱۹۸۲م)؛ مصطفی رجب، البحث فی الاعجاز التربوی القرآنی (چاپ دوم: دسوق، دارالعلم والایمان، ۲۰۰۹م).

۱۹
الامة المسلمة مفهومها، مقوماتها، اخراجها[1]

ماجد عرسان کیلانی. چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الریان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م. ۲۴۱ص، وزیری، طرح، نمودار.

میان مرحله تربیت فرد مسلمان و مرحله تربیت و ایجاد امت مسلمان ارتباط وجود دارد، به گونه‌ای که اولی مقدمه دومی است. از این‌رو فعالیت‌های تربیتی نبوی در مرحله تربیت مکی بر تربیت انسان مسلمان و در مرحله مدنی بر تربیت و ایجاد امت مسلمان متمرکز بوده است.

با مطالعه منابع اسلامی روشن می‌شود که در تاریخ اسلام، امت دو مفهوم دارد: یکی مفهومی نظری در قرآن و سنت که نمونه‌ای را عرضه می‌دارد که امت باید مانند آن باشد، یعنی امت مسلمان، و دیگری مفهومی که در وجود امتی که در طول تاریخ اسلام وجود داشته است مجسم شده است، یعنی امت اسلامی. امت اسلامی در تاریخ اسلام الزاماً مساوق با امت مسلمان نبوده و از این امت نمونه دورافتاده یا یکسره مخالف آن بوده است. این تغایر، بازخورد جهل نهادهای تربیتی نسبت به پرورش و ایجاد امت مسلمان، و بسنده کردن به تربیت فرد صالح غیرمصلح به جای امت مسلمان، و نبود فقه یا علم ایجاد امت مسلمان است (ص ۶ـ۷).

کتاب حاضر در پی احساس نیاز به پاسخ به این نیاز و مشارکت در کشف فقه ایجاد امت مسلمان و روشن داشتن اصول آن و جلب توجه پژوهندگان مسلمان به این نکته رقم خورده است که ایجاد امت مسلمان از هدف‌های متعالی است که قرآن و سنت به تحقق آن فراخوانده‌اند.

---

۱. امت مسلمان: مفهوم آن، عناصر آن، ایجاد آن

مطالب کتاب در مقدمه، چهار بخش (شانزده فصل) قلمی گشته است.

بخش نخست دربارهٔ امت مسلمان و مفهوم و پیدایش و اهمیت آن نگاشته شده است. در فصل یکم این بخش مفهوم امت که از مفاهیم همزاد اسلام است سخن رفته است. فصل دوم به پیدایش پدیده امت مسلمان از روزگار ابراهیم(ع) و استمرار آن تا دوران نبوی و تلاش رسول خدا(ص) برای زدودن کژی‌های پدیدآمده در آن پرداخته است. فصل سوم، جای بحث از ضرورت و اهمیت ایجاد امت مسلمان با تکیه بر آیات ۷۲ـ۷۵ سوره انفال است و در آن از فواید ایجاد چنین امتی هم یاد شده است.

نگارنده در بخش دوم، موضوع عناصر و مؤلفه‌های امت مسلمان را پیش کشیده است و با تکیه بر آیه ۷۲ سوره انفال، برای امت مسلمان مؤلفه‌های شش‌گانه‌ای را در فصول چهارم تا نهم کتاب طرح و شرح کرده است و فصل دهم را به بررسی رابطه مؤلفه‌های تشکیل امت مسلمان و هرم نیازهای انسان از نگاه مازلو اختصاص داده است. مؤلفه‌های یادشده به شرح ذیل‌اند: افراد مؤمن (ایمان)، هجرت و هجرتگاه، جهاد و رسالت، ایوا (مسکن و پناه دادن)، نصرت، ولایت و ولاء.

بخش سوم این اثر دربارهٔ سلامت و بیماری و مرگ امت نوشته شده است. در فصل یازدهم از مرحله سلامت و دَوَران در چرخه افکار و مظهر سلامت یعنی ولاءْ افکار و سطوح سه‌گانه آن یاد شده است. مرحله بیماری امت که مرحله حرکت در چرخه اشخاص است و در آن ولاءْ افکار به ولاءْ اشخاص تبدیل می‌شود و نیز پیامدهای مرضی آن در فصل دوازدهم، و مرحله مرگ امت که مرحله حرکت در چرخه اشیاست و نشانه‌های امت مرده یعنی شمع، هواپرستی، برگزیدن دنیا، خودرأی بودن، در فصل سیزدهم واکاویده شده است. در فصل چهاردهم سخن بر سر سرنوشت و فرجام امت مرده است. نگارنده در بخش پایانی و فصل پانزدهم کتاب به ذکر چند نکته دربارهٔ مفاهیم به‌کاررفته در کتاب و ارائه پیشنهادهایی مبتنی بر نکات یادشده در فصل پانزدهم پرداخته است.

* پیشنهاد می‌شود همراه این کتاب دو کتاب زیر نیز مطالعه شود:
ماجد عرسان کیلانی، مقومات الشخصیة المسلمة او الانسان الصالح (چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الریان، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م)؛ همو، اهداف التربیة الاسلامیة (چاپ اول: بیروت، مؤسسة الریان، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م).

۲۰

الأُمومة فی القرآن الکریم والسنة النبویة[1]

محمد سید محمد زعبلاوی. چاپ ششم [اول ناشران همراه با ویرایش]: ریاض - بیروت، مکتبة التوبة - دار ابن‌حزم للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م. ۳۸۱ص، وزیری.

توجه به اهمیت نقش مادر در سلامت خانواده و جامعه و تأمین روابط سالم میان اعضای خانواده و حفظ کیان آن از یک‌سو و به خطر افتادن سلامت خانواده و جامعه و گسست روابط سالم میان اعضای خانواده از سوی دیگر که برخاسته از کوتاهی خانواده‌ها در تربیت اسلامی فرزندان و غفلت از ایجاد عادات شایسته و اخلاق بایسته و پرورش آن‌ها در دختر و پسر است، نویسنده را واداشته است با تکیه بر کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) و آرای مفسران و فقیهان و محدثان و پژوهشگران معاصر به بازشکافی نقش مادر در تربیت بپردازد.

نگارنده گذشته از مقدمه و پیش‌درآمد و خاتمه، مطالب کتاب را در سه بخش و هر بخش را در چند فصل سروسامان داده است.

در پیش‌درآمد بحث، از اهمیت موضوع پژوهش، علت گزینش آن برای پژوهش و روش پژوهش یاد شده است.

بخش یکم که از سه فصل ساخته شده است، مراحل رشد دختر عنوان گرفته است و در آن به دو مرحله رشد یعنی از ولادت تا پنج‌سالگی و نوجوانی اشاره و هر مرحله در یک فصل بحث و بررسی گشته است.

---

۱. مادری در قرآن کریم و سنت نبوی

در فصل یکم آمده است که پدر و مادر باید دختر را علاقه‌مند و دوستدار خدا و رسول خدا(ص) بار آورند زیرا این محبت و عشق است که چون پرورده شود محبت به اعضای خانواده را در پی می‌آورد نیز بر والدین است دختر را به اخلاق شایسته بیارایند. در این فصل به امور ذیل پرداخته شده است: تربیت دختر بر اساس محبت خدا و رسول خدا(ص)، پرورش محبت پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده در دل دختر، پرورش اخلاق نیک و آداب درست معاشرت با افراد جامعه، پرورش بعد اخلاقی شخصیت دختر.

در فصل دوم که محمل بحث از مرحله دوم رشد دختر است از هفت مسئله سخن رفته است. این مسائل هفت‌گانه از ضروریات تربیت دختر در این مرحله و عبارت‌اند از: واجب بودن دانش آموختن، وجوب آموزش فرایض دینی به دختر، وجوب و فایده حجاب برای دختر و عدم مغایرت آن با آموزش دختر، ضرورت پرهیز از آموزش مختلط و توجه به زیان‌های آموزش مختلط، اهمیت حیا در زندگی فردی و اجتماعی دختر و اشاره به مفهوم صحیح حیا و عدم ناسازگاری آن با آموزش دختر، باید آموزش دختران ترجیحاً به معلمان زن واگذار شود، شرایط معلم مرد برای دختران، برنامه و مواد آموزشی دختران باید سازوار با ویژگی‌های فطری و نقش آینده آنان در جامعه تنظیم شود.

عنوان بخش دوم کتاب برگزیدن مادر است. این بخش از سه فصل تشکیل شده است. فصل اول دربارهٔ هدف‌های اسلام از وضع قانون ازدواج است. اسلام برای ازدواج ارکان مستحکمی وضع کرده است که ضامن بقای آن است. همچنین برای ازدواج حدود و قوانینی وضع شده است که حافظ آن ارکان است تا در رسالت ازدواج رخنه‌ای رخ ندهد. در این فصل از مسائل زیر یاد شده است: دختر و پسر برای ازدواج و گزینش یکدیگر حق دارند طرف مقابل خود را بنگرند، رضایت دختر شرط ازدواج است، رضایت پدر دختر شرط ازدواج است، مزمت زنا.

در فصل دوم به شروط گزینش مادر نظر شده و آمده است که اسلام به صفاتی که لازم است در گزینش همسر ملاک قرار گیرند رهنمون داده است تا با گزینش بجا، آرامش جسمی و روحی و اجتماعی زن و شوهر تأمین گردد. اسلام خواسته است مرد مؤمن زنی دیندار و دوستدار و فرزندآور اختیار کند و زیبایی و ثروت و حسب و نسب، ملاک گزینش نباشد. در این فصل از توصیه‌های قرآنی برای برگزیدن مادر، اشارات نبوی برای گزینش مادر و سلامت مادر از بیماری‌های واگیردار و وراثتی سخن رفته است.

فصل سوم دربارهٔ حقوق و تکالیف مادر است. اسلام از سویی برای مادر حقوقی سازوار با فطرت و طبیعت رسالت او و احترام به انسانیت وی وضع کرده است و از سوی دیگر مقدس‌ترین رسالت و وظیفه یعنی مادری را بر گردن او نهاده است. این فصل شامل مباحثی دربارهٔ حقوق زن بر شوهر، شیر دادن وظیفه مادر نسبت به فرزندان، حسن شوهرداری زن می‌باشد.

عنوان بخش سوم، مادر و قضایای معاصر و دیدگاه اسلام نسبت به آن‌هاست. این فصل نیز دارای سه فصل به شرح ذیل است:

در فصل یکم به مادر و فعالیت شغلی او پرداخته شده است. مادری کردن ضرورتی انسانی است و هیچ‌چیز یا کس جز مادر قادر به انجام دادن وظایف مادری نیست. کار مادر در بیرون از منزل همراه با پذیرش مسئولیت در خانه، امری خارج از اعتدال و موجب کوتاهی مادر در مهم‌ترین و مقدس‌ترین کار او یعنی مادری می‌شود. در این فصل در ادامه از مسائل زیر سخن رفته است: مشروعیت کار مادر، محیط شغلی‌ای که اسلام روانمی‌دارد، تأثیر [منفی] کار کردن مادر بر انسجام خانواده، انگیزه‌های مادر برای کار در بیرون از خانه و اثرات آن بر او، تأثیر کار مادر در بیرون از خانه بر شوهر، تأثیر کار مادر در بیرون از خانه بر فرزندان.

فصل دوم دربارهٔ فراخوانی به آزادی [زن] و برابری او با مرد است. اسلام برای مرد و زن آزادی اندیشه و اعتقاد قائل است، اما نه برای مرد و نه برای زن، آزادی مطلق و بی‌قید و شرط را به رسمیت نمی‌شناسد. اسلام آزادی‌های هر جنس را متناسب با ویژگی‌های نوعی او رقم زده است. در این فصل ضمن اشاره به جایگاه بسیار پست زن در برخی از فرهنگ‌ها مثل روم، یونان، یهودی، جاهلیت، از جایگاه رفیع او در اسلام و حقوق وی یاد شده است و پس از آن مسئله تساوی زن و مرد بررسی و تحلیل شده است.

فصل فرجامین کتاب به بحث و واکاوی اصل تعدد زوجات و طلاق در اسلام اختصاص یافته است. نگارنده با شرح فلسفه و شروط اختیار بیش از یک زن، از فلسفه طلاق و شروط و مراحل آن هم یاد کرده است.

پایان بخش کتاب چند پیشنهاد و نتیجه‌گیری از مباحث کتاب است.

گفتنی است در مقدمه کتاب آمده است که بخش یکم دارای سه فصل است و در هر فصل به یکی از دو دوره رشد دختر پرداخته شده است. اما در متن کتاب، بخش اول تنها دو فصل دارد.

* منابع ذیل برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌شود:
علی قائمی، اسلام و تربیت دختران (تهران، امیری، ۱۳۶۷)؛ محمد عبده یمانی، علموا اولادکم حب محمد و آل‌محمد(ص) (بیروت، مؤسسة علوم القرآن ـ دارالمنار، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)؛ جواد محدثی، عشق برتر: راه‌های ایجاد محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) در کودکان و نوجوانان (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸)؛ احمد عبدالهادی، الام فی القرآن الکریم (قاهره، دارالاعتصام، ۱۹۸۰م).

۲۱
اهداف و خصائص التعليم الاسلامی[۱]

فاروق عبدالمجید سامرائی. چاپ اول: اردن، دارالنفائس للنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م. ۱۱۵ص، وزیری.

در کتاب حاضر بحث بر دو موضوع متمرکز است: هدف‌های آموزش در اسلام؛ ویژگی‌های آموزش در اسلام. نگارنده مطالب را در مقدمه و دو فصل قلمی کرده است.

در مقدمه پس از اشارتی گذرا بر سیر آموزش از صدر اسلام تا سقوط بغداد در سال ۶۵۶ق، نخست به مفهوم تربیت در اسلام پرداخته شده و آمده است که در پژوهش‌های دیگران گاه به جای واژه تربیت از واژگان ارشاد، تهذیب، تأدیب استفاده شده است؛ سپس از مفهوم تعلیم یاد و اشاره شده است که برخی از محققان، تعلیم را اعم از تربیت دانسته‌اند و برخی دیگر تربیت را اعم از تعلیم شمارده‌اند و برخی هم میان این دو مفهوم و اصطلاح تفاوتی قائل نشده‌اند.

عنوان فصل یکم، هدف‌های آموزش در اسلام است و در آن پس از اشاره به این‌که در اسلام علم برای علم آموخته نمی‌شود بلکه برای تحقق پرستش باری یاد گرفته می‌شود، یادآوری شده است که هدف‌های آموزشی در فرد، خانواده، جامعه، نهادهای آموزشی محقق می‌شود؛ سپس به تابعیت هدف‌ها از عقاید و مذاهب و تغییر آن‌ها با تغییر عقاید و مذاهب اشاره شده و آمده است که هدف کلی در تربیت اسلامی تحقق پرستش خداوند است و هدف‌های دیگر از این هدف برگرفته می‌شوند. از این‌روست که هدف‌های آموزشی در مرحله و دوره مکی و مدنی در صدر اسلام و در زمان حیات رسول خدا(ص) تغییر می‌کرده اما تابع و در راستای تحقق هدف کلی یعنی پرستش خداوند بوده‌اند.

---

۱. هدف‌ها و ویژگی‌های آموزش اسلامی

نگارنده در ادامه هدف‌های کلی آموزش در اسلام را به‌شرح آورده است. این هدف‌ها عبارت‌اند از: تحقق پرستش خداوند، قرب الی الله، به‌جا آوردن هرچه بهتر تکالیف شرعی، پرورش انسان صالح و مصلح، تعالی شخصیت و علو منزلت متعلم، جامه عمل پوشاندن به هدف‌های اسلام در فرد و جامعه. نویسنده پس از بازشکافت هدف‌ها، از گسترش دین و علوم دینی به عنوان هدف دیگر آموزش در اسلام یاد کرده است آنگاه و در واکاوی بیشتر این هدف، به اهمیت گروه‌های اعزامی در روزگار رسول خدا(ص) برای تبلیغ و گسترش دین در خارج از مکه اشاره کرده است و نمونه‌هایی تاریخی از این اعزام‌ها را آورده است.

بحث پایانی این فصل دربارهٔ هدف‌های آموزشی در نهادهای آموزشی در فرهنگ اسلامی است و در شرح و شکافت آن به مطالب ذیل پرداخته شده است: هدف‌های آموزشی در مساجد، هدف‌های آموزشی در مکتب‌ها، هدف از ایجاد مدارس، هدف از تأسیس مدارس نظامیه، شبهاتی دربارهٔ نظام‌الملک، هدف‌های شماری از دیگر مدارس، هدف‌های آموزشی مکتب‌های فکری گوناگون (فقهی، کلامی، صوفیانه، تشیع)، هدف‌های مدارس خاص.

ویژگی‌های آموزش اسلامی، عنوان فصل دوم است. این فصل دارای دو بحث است: ویژگی‌های کلی آموزش اسلامی؛ ویژگی‌های پاره‌ای از مدارس قدیمی.

برای آموزش در اسلام ده ویژگی به شرح ذیل برشمارده و شرح شده است: آموزش در اسلام ربانی است، فراگیر و جهانی است، مبتنی بر تدریج است، متوازن است، مستمر است، چندجانبه است، مسبوق به عمل است، مبتنی بر حفظ است، عالم و متعلم آن فروتن‌اند، از کودکی آغاز می‌شود. نگارنده پس از شرح این ویژگی‌ها به ویژگی‌های برخی از مدارس قدیمی می‌پردازد. فرجامین فراز این فصل اشارتی است به ویژگی‌های برخی از مدارس که موجب تمایز آن‌ها از دیگر مدارس بوده است (مدارس قدیم یمن، مدرسه امام ابوحنیفه در بغداد، مدرسه نظامیه بغداد، مدرسه مستنصریه بغداد).

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (چاپ مکرر: تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)؛ ماجد عرسان کیلانی، اهداف التربیة الاسلامیة (بیروت، مؤسسة الریان، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)؛ مقداد یالجن، اهداف التربیة الاسلامیة (ریاض، دارالهدی للنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ق)؛ سعید اسماعیل علی و محمد جواد رضا، مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم، قم ـ تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۸۷).

۲۲
البحث فی الاعجاز التربوی القرآنی[1]

مصطفی رجب. چاپ دوم: دسوق، العلم والایمان للنشر والتوزیع، ۲۰۰۹م. ۳۵۲ص، وزیری.

نوشتار حاضر، در اصل چکیده تدریس درس متون تربیتی قرآن و سنت مؤلف در مقطع کارشناسی ارشد است که پیش از این با عنوان الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم (چاپ اول: ارید، عالم الکتب الحدیث، ۲۰۰۶م، ۱۸۶ص) منتشر شده است.

در چاپ کنونی ساختار و حجم کتاب بسیار دگرگون گشته و مطالب فراوانی به آن افزوده شده است. پدیدآورنده، کتاب را در مقدمه و شش فصل بسامان و قلمی کرده است.

در مقدمه که دیباچه‌ای نظریه‌پردازانه در روش‌شناسی پژوهش در اعجاز تربیتی قرآن کریم عنوان گرفته است به شماری از موضوعات پژوهشی درخور تحقیق در قرآن اشاره شده است: بررسی تربیت قرآنی از نگاه فلسفی؛ مطالعه تربیت قرآنی از منظر اجتماعی؛ پژوهش در تربیت قرآنی از دید فردی؛ بررسی تربیت قرآنی از بعد داستان‌های قرآن؛ بررسی هدف‌های تربیتی در قرآن کریم؛ مطالعه طبیعت انسان در قرآن کریم؛ پژوهش در ابعاد معرفت‌شناختی انسان در قرآن کریم؛ بررسی تربیت در داستان‌های قرآن کریم.

عنوان فصل یکم، نمونه‌هایی کاربردی از اعجاز تربیتی در قرآن کریم است و در آن نخست با استناد به شماری از آیات قرآن از تربیت عبورومرور در قرآن یاد شده و اشاره شده است که عبورومرور را آداب و احکامی است که در قرآن کریم بدان‌ها پرداخته شده؛ از آن‌هاست: اعتدال در سرعت و حوصله به خرج دادن، پرهیز از ایجاد سروصدای نامتعارف از راه بوق زدن، خدا

---

۱. پژوهش در اعجاز تربیتی قرآن

را سپاس گفتن برای راه‌ها، خودداری از ریزکاوی چشمی در خودروی دیگران، اشاره بـه آداب هفت‌گانه رانندگی برگرفته‌شده از آیات ۱۲ و ۱۳ سوره زخـرف، سرنـشین خـودرو و راننـده آن باید به یاد مرگ باشند.

پس از این، تربیت غذایی در قرآن بررسی شده است و در شرح آن پس از بیان اصول کلـی تربیت غذایی در قرآن یعنی کامل بودن و حلال بودن و طیب بودن و وسیله‌ای بـرای بـرادری و همکاری بر خیر بودن غذا، به مبانی اجتماعی تربیت غذایی در اسلام پرداخته شده است: اکرام مهمـان، میهمـانی ابـزاری بـرای تحکـیم بـرادری و همکـاری در امـور خیـر، سپاسـگزاری از میهمان‌نواز، رعایت احترام بزرگ‌تران هنگام تناول غـذا، دوری از زیـاده‌روی در مـصرف غـذا، کراهت روزه‌داری پی‌درپی.

فـراز فرجـامین ایـن فـصل دربـارهٔ تربیـت شـغلی در قـرآن کـریم اسـت و از رهگـذر آن اشاره شده است که در قرآن کریم از واژه حرفـه و مهنـت یـاد نـشده اسـت امـا بـه‌فراوانـی از مشاغل اشارت رفته است که از آن‌ها برمی‌آیـد کـه در قـرآن کـریم شـغل و حرفـه بـه همـان معنایی به کار رفته است که امروزه به کار می‌رود یعنی تأمین معاش خـود و خـانواده از دسـت رنج خویش.

اسلام به کار دعوت می‌کند و برای کار، اصول و معیارهایی وضـع کـرده اسـت: درسـت و کامل انجام دادن کار، خلوص نیت در کار، تشویق به کـسب درآمـد، تـلاش بـرای تجـارت و درآمد، خداوند روزی‌ده است.

برخی از حرفه‌هایی که در قرآن و سنت نبوی بدان‌ها اشاره شده است: زره‌سازی، دوزندگی، درودگری، آهنگری، قصابی، بافندگی، کشاورزی، بازرگـانی، کـار کـردن بـرای دیگـری (اجیـر شدن)، پایان‌بخش این فصل اشارتی است به برخی از مشاغل حرام از نگاه اسلام.

در فصل دوم به تربیت پیشگیرانه در قرآن کریم نظر شده اسـت. سـرآغاز ایـن فـصل بیـان معنای تربیت پیشگیرانه است. پس از آن به هدف‌های این‌گونه تربیـت و سـپس ویژگـی‌هـای تربیت پیشگیرانه (ربانی، توجه به بعد مـادی و معنـوی، فراگیـری، جمـع میـان تربیـت فـرد و جامعه)، و منابع آن یعنی قرآن و سنت نبوی پرداخته شده است.

پس از این مقدمات، ابتدا به تدابیر پیشگیرانه برای دور داشتن بدن از بیمـاری‌هـا پرداختـه شده است: به‌کارگیری آب برای پاکیزگی بدن (وضو، غسل، استنجا، شستن لبـاس)، توجـه بـه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (حرام بودن گوشت خوک، مردار، آنچه جز به نام خدا ذبح شده باشد،

مرده با خفگی، مرده با ضربه، مرده با افتادن از بلندی، مرده با شاخ جانوران، حرمت مسکرات و مواد مخدر) به حساب و اندازه خوردن و آشامیدن، حفظ بهداشت محیط زیست.

سپس به اقدامات پیشگیرانه برای پرهیز از ابتلا به بیماری‌های جنسی اشارت رفته است: تشویق به ازدواج، تنظیم روابط زن و شوهر، پرهیز از عوامل برانگیزنده شهوت، پرهیز از رفتار جنسی حرام (زنا، لواط، خودداری از عمل جنسی در ایام حیض و نفاس).

اشارت بعدی به تدابیر پیشگیرانه برای حفظ جان و شامل موارد ذیل است: حرمت قتل، حرمت خودکشی، حرمت استفاده از برخی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها.

دیگر موارد پیشگیرانه بررسی‌شده عبارت‌اند از: تدابیر پیشگیرانه برای حمایت از ثروت (حرمت اسراف، حرمت ربا، حرمت زراندوزی (ص۷۷)، حرمت خوردن مال مردم، حرمت قماربازی). تدابیر پیشگیرانه برای حمایت از عقیده (اعتقاد به تحریف‌ناپذیری قرآن، پرهیز از غلو در دین، پرهیز از ربا، پرهیز از جادوگری، پرهیز از پیروی از اکثریت). تدابیر پیشگیرانه برای دور داشتن انسان از بیماری‌های روحی (ایمان به خداوند، به‌جا آوردن عبادت‌های گوناگون، اعتراف به گناه و توبه کردن).

در فصل سوم به تربیت‌درمانی در قرآن کریم پرداخته و از موارد ذیل یاد شده است:

درمان جهل: پرسش از عالمان، در پی دانش برآمدن، پوشیده نداشتن دانش، تحمل دشواری کسب دانش، گوش سپاردن به سخن عالم.

درمان روح: تحکیم ایمان در دل، به‌جا آوردن عبادات و حفظ شعائر دینی، ذکر پیوسته با زبان و دل و کار، تن دادن به رضای خداوند، پایبندی به اخلاق پسندیده و دوری از اخلاق ناپسند. برخی از روش‌های تربیت‌درمانی در قرآن: امر به معروف و نهی از منکر، تشویق و تهدید، ارائه سرمشق نیکو، استفاده از تمثیل و مثال، استفاده از داستان‌های قرآنی.

درمان گناهکاران و سرکشان: بیان ارزش توبه و تأثیر آن بر اصلاح زندگی گناهکار، پرهیز از ناامیدی از رحمت خداوند، بیان توبه‌پذیر بودن خداوند، شرح چگونگی توبه، پایبندی به کارهای شایسته.

درمان برخی از مسائل اقتصادی: عدالت اقتصادی، ستم‌زدایی و ترک ناسپاسی، حل مسئله فقر، برنامه‌ریزی اقتصادی.

درمان برخی از انحرافات رفتاری در جامعه: فعالیت درست مبلغان و مصلحان، اجرای قصاص و حدود شرعی.

درمان شماری از بیماری‌های جسمی: درمان با سوره‌های قرآن کریم (حمد، اخلاص، فلق، ناس)، درمان با آنچه قرآن از خواص درمانی آن یاد کرده است (عسل)، درمان با دعا.

عنوان فصل چهارم، رفتار جباران و زبان آنان در قرآن: تحلیل دلالت‌های تربیتی است. در شرح و شکافت این بحث به مطالب ذیل اشارت رفته است: معنای جبروت در لغت و اصطلاح، مفاهیم مرتبط با جبروت (ستم، طغیان، قهر، عنف)، انگیزه‌های جباران از رفتار جبارانه در قرآن (فریفتگی به مال و سلامت و قدرت و جاه و انصار و فراموش کردن عاقبت، تکبر و طغیان و پرهیز از خردورزی، دوستی مال و شکوه و ریاست، جهل مرکب)، سبک بیانی جباران (به کار بردن جملات خبری که احتمال صدق و کذب در آن‌ها برابر است، استفاده از جملات تأکیدی، به‌کارگیری جملات شرطی، بهره‌گیری از جملات امری، به کار بردن جملات نهیانی).

در ادامه این بحث به نمونه‌هایی از رفتار جباران در قرآن کریم و بار تربیتی قابل برداشت از آیات قرآن پرداخته شده است: نمرود، پسران آدم(ع)، موسی(ع) و فرعون، نوح(ع)، صاحب دو باغ، قارون. پس از این به رفتار گروهی جباران در داستان‌های قرآن پرداخته شده است: [مخالفان] نوح(ع)، قوم ابراهیم(ع)، قوم صالح(ع)، مؤمن آل‌فرعون، مؤمن انطاکیه، صاحبان باغ در سوره قلم، اصحاب اخدود.

در فصل پنجم به مضامین تربیتی سوره طه و در فصل ششم به مضامین تربیتی سوره فرقان پرداخته شده است.

گفتنی است این اثر مانند اغلب تربیت‌نگاشت‌های عرب یا ویراسته نشده است و یا ویرایش آن بسیار ضعیف است چه در نقل شماره آیات گاه خطا دارد (ص۱۱۶: نساء، ۳۵ـ۳۶، حال آن‌که نساء: ۳۴ـ۳۵ درست است)، گاه، اولاً آمده است اما ثانیاً و ثالثاً... نیامده است (ص۱۳۲)، گاه در ضبط شماره ردیف مطالب خطا شده است (ص۷۵ـ۷۸) و... .

وانگهی مؤلف در برخی از فصول منابع غیرقرآنی را در پانوشت و در شماری دیگر در انتهای فصل آورده است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

عبدالرحمن عیسوی، الاعجاز التربوی النفسی فی القرآن الکریم والسنة المطهرة (چاپ اول: بیروت، دارالنهضة، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م)؛ محمد احمد سید، معجزة الاسلام التربویة (چاپ دوم: کویت، دارالبحوث العلمیة، ۱۹۸۲م).

۲۳

بناء شخصیة الطفل المسلم[1]

محمد عثمان جمال. چاپ اول: دمشق ـ بیروت، دارالقلم ـ الدار الشامیة، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م. ۱۳۶ص، جیبی.

در این اثر مختصر تلاش شده است در طی هشت گفتار به ساختن شخصیت کودک مسلمان در هشت بعد پرداخته شود. استناد نگارنده به کتاب و خاصه سنت نبوی پررنگ است.

در گفتار نخست به ساختن بعد اعتقادی کودک اشاره شده و آمده است که زمان این پرورش از سال آغاز زندگی تا جوانی است و با آموزش قرآن کریم سرمی‌گیرد؛ سپس نوبت محبت و علاقه به رسول خدا(ص) است. پس از آن باید روحیه استعانت از خداوند و ایمان به قضا و قدر تقویت گردد. نکته بعدی القای این مهم است که باید بر عقاید و باورها پایدار ماند و در راه آن‌ها فداکاری کرد.

گفتار دوم دربارهٔ پرورش بعد عبادی در کودک است و از رهگذر آن ضمن اشاره به اثر مثبت عبادت در شکل‌گیری شخصیت کودک به نماز، روزه، حج، زکات و آموزش و عادت دادن کودک به، به‌جا آوردن آن‌ها پرداخته شده است.

ساختن بعد اجتماعی شخصیت کودک در گفتار سوم آمده و در بازشکافت آن به موارد ذیل اشاره شده است: حضور کودک در مجالس بزرگان، فرستادن کودک در پی انجام دادن خواسته والدین، عادت دادن کودک به سلام دادن، به ملاقات کودک بیمار رفتن، اجازه گرفتن از کودک برای استفاده از حق او، نظارت بر بازی کودک و رهنمود دادن او به بازی با کودکان شایسته.

---

۱. پرورش شخصیت کودک مسلمان

در گفتار چهارم از ساختن بعد اخلاقی شخصیت کودک یاد شده است. نگارنده برای واکاوش این موضوع، ابتدا به شرحی دربارۀ ادب و اخلاق کودک پرداخته است؛ سپس از آدابی که در سنت نبوی برای تأدیب کودک بر آن‌ها انگشت تأیید نهاده شده است سخن رفته است: آداب و اخلاق کودک با والدین، آداب و اخلاق او با عالمان، آداب و احترام نهادن و بزرگ داشتن بزرگ‌ترها، آداب وارد شدن به محل استراحت والدین، آداب غذا خوردن، آداب برادری، آداب همسایگی. پس از اشارت به این آداب، از راستگویی، رازداری، امانتداری، دوری از کینه‌ورزی به عنوان دیگر عوامل اخلاقی شخصیت کودک یاد شده است.

پرورش بعد عاطفی شخصیت کودک، موضوع گفتار پنجم است و در شرح و شکافت آن به رفتار عطوفانه رسول خدا(ص) با کودکان و تأثیر آن بر پرورش بعد عاطفی در آن‌ها پرداخته شده است؛ سپس به سرپرستی شایسته کودک یتیم در سنت نبوی، توجه به تربیت دختر و پاداش مضاعف آن، حد و مرز محبت به کودک اشارتی رفته است.

گفتار ششم دربارۀ پرورش جسمی است و در آن از توجه به بازی و ورزش در اسلام و به‌ویژه در سیره نبوی و نیز قواعد بازی برای کودک یاد شده است.

در گفتار هفتم به پرورش علمی کودک و لزوم آغاز آموزش از کودکی و عنایت ویژه مسلمانان به تعلیم و تربیت کودکان خود در گذشته اشاره شده است.

گفتار فرجامین، دربارۀ تربیت جنسی کودک است. لزوم کسب اجازه برای وارد شدن به محل خواب و استراحت والدین، پرهیز از نگاه به نامحرم، جدا کردن محل خواب کودکان از یکدیگر، آموزش غسل به کودکان در آستانه بلوغ، توصیه‌های مطرح‌شده دربارۀ تربیت جنسی کودک است.

* مطالعه منابع ذیل هم مفید است:

محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع): تربیت دینی (چاپ ششم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹)؛ یوسف مدن، التربیة الجنسیة للاطفال والبالغین (چاپ اول: بیروت، دارالمحجة البیضاء، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م)؛ سعید احمد سلیمان، التربیة الوالدیة من المنظور الاسلامی و آثارها فی التنشئة الاجتماعیة للطفل (قاهره، المؤتمر السنوی الثالث للطفل المصری و تنشئته و رعایته، ۱۹۹۰م)؛ محمد عبدالرؤف شیخ، ادب الاطفال و بناء الشخصیة من منظور اسلامی (چاپ دوم: دبی، دارالقلم، ۱۹۹۷م).

۲۴

البیئة و جذور التربیة البیئیة[1]

عزت عمر رباط. چاپ اول: دمشق، مطبعة الصباح، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م. ۲۴۵ص، وزیری، جدول، شکل، عکس.

این نوشتار در پی شرح و شناخت اصول اسلامی حل مشکلات محیط زیست و اثبات وجود ریشه‌های عمیق اسلامی برای تربیت محیطی است که از رهنمودهای اسلامی در زمینه رفتار با جهان و طبیعت و انسان برگرفتنی است. همچنین اثبات پیشگامی اسلام چونان نظام، و طلایه‌داری تربیت اسلامی چونان روش در اهتمام به محیط از رهگذر رهنمون‌های قرآن کریم و سنت نبوی و دیدگاه‌های عالمان مسلمان مدّ نظر است.

در جامعه اسلامی، ناگزیر تربیت محیطی از اسلام و آبشخورهای آن سرچشمه می‌گیرد، توضیح آن‌که از نگاه اسلام رابطه انسان با محیط، دشمنی و چالش و سوختن و بریدن و انداختن و آلودن نیست بل رابطه‌ای است دوستانه و حیات‌مدار، و هر گونه تصرف در طبیعت که به نتایج سوء بینجامد و برای برآوردن نیازهای انسان ضروری نباشد و مبتنی بر ارزش‌های صریح برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی نباشد، حرام است. در این میان، نقش تربیت اسلامی، پرورش و گسترش اصول و مبانی تربیت محیطی است (ص۷).

نگارنده مطالب کتاب را در مقدمه و چهار فصل و خاتمه‌ای کوتاه قلمی کرده است.

فصل یکم دربارهٔ محیط و تربیت محیطی است و در آن، نخست به تعریف لغوی و اصطلاحی محیط (بیئه) و تقسیم محیط به طبیعی و محیط ساخته دست بشر و تعریف دانش

---

۱. محیط و اصول تربیت محیطی

بوم‌شناسی پرداخته شده است؛ سپس از توجه دانشمندان مسلمان در گذشته به محیط گیاهی و جانوری و حشرات و زمین سخن رفته است، کسانی چون: اخوان‌الصفا، جاحظ، دمیری، مسکویه، قزوینی، ابن‌سینا، اصمعی، مجریطی، ابن‌العوام اشبیلی، ابن‌بیطار. نکته بعدی اشاره به گونه‌های گوناگون مشکلات محیطی یعنی آلوده‌سازی، صحرازایی، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری، هدر دادن منابع گوناگون طبیعی و شرح هر یک است. پدیدآورنده در ادامه این فصل به تعریف تربیت محیطی و شرح مبانی تاریخی، فلسفی، اجتماعی، طبیعی، روان‌شناختی آن، و نیز پیشینه تربیت محیطی و پیدایش و مراحل تحول آن پرداخته است.

موضوع فصل دوم، تربیت محیطی در قرآن کریم است. سرآغاز سخن در این فصل تعریف تربیت محیطی از منظر اسلام است. پس از آن اشاره شده است که ۷۶۴ آیه در قرآن کریم دربارهٔ محیط و ارتباط آن با انسان است یعنی ۱۲/۲۵ درصد کل ۶۲۳۶ آیه قرآن کریم که نیک می‌رساند تا چه مایه قرآن کریم به مسئله محیط و تربیت محیطی عنایت دارد (ص۶۳).

۷۶۴ آیه یادشده به ۹ گروه و موضوع تقسیم‌پذیر است: ربوبیت و الوهیت حضرت باری نسبت به محیط (۲۳۸ آیه)؛ آفرینش انسان از عناصر محیط (۲۱ آیه)؛ جانشینی انسان در محیط و آبادانی آن و مدیریت درست در توزیع سرمایه‌های محیط (۱۶۶ آیه)؛ محیط در کف قدرت انسان (۱۷۳ آیه)؛ تأثیر پرستش باری و پایداری بر راه الهی بر صلاح و اصلاح محیط (۱۰ آیه)؛ فراخواندن به تدبیر در محیط و آموختن و درس گرفتن از آن (۲۴ آیه)؛ حرمت تباه ساختن محیط (۱۱۳ آیه)؛ بازداشتن از اسراف در استفاده از عناصر محیط و دگرگون ساختن طبیعت آن (۱۰ آیه)؛ حمایت از محیط (۹ آیه). روشن است که در این تقسیم‌بندی مراد از محیط، محیط طبیعی است. سراسر فصل دوم به شرح و شکافت نه موضع یادشده اختصاص یافته است تا از این رهگذر به عنایت قرآن کریم به ابعاد گوناگون محیط طبیعی و رابطه آن با انسان اشارت رفته باشد.

عنوان فصل سوم، تربیت محیطی در سنت نبوی است. سنت نبوی عهده‌دار شرح و تفصیل کلیات و مجملات قرآن کریم و دومین منبع فقه و تشریع در اسلام است. بنابراین از آنجا که در قرآن کریم به محیط پرداخته شده است در سنت هم چنین پردازشی وجود دارد.

نگارنده برای بررسی سنت نبوی در مورد محیط به کتاب صحیح بخاری مراجعه کرده و دریافته است که از ۲۶۰۷ حدیث صحیح غیرتکراری این کتاب، ۲۴۷ حدیث معادل ۱۰ درصد کل احادیث این کتاب دربارهٔ ارزش‌های محیطی و تربیت محیطی است که به درصد آیات

مربوط به محیط بسیار نزدیک و بامعناست. در احادیث یادشده به نه موضوع زیر پرداخته شده است: حمایت از گیاهان از راه کشت و زرع و پرهیز از بریدن درختان و اقدام به احیای زمین‌های موات، حمایت از جانوران از رهگذر ملاطفت با آن‌ها و دوری از بدرفتاری با آن‌ها و کشتارشان؛ پاکیزه نگه داشتن آب‌ها؛ حفاظت از شهرها و تأسیسات آن‌ها مانند راه‌ها و مساجد و خانه‌ها؛ رعایت بهداشت عمومی و اصول آن مانند بهداشت فردی و نظافت خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و پیشگیری از بیماری‌ها و درمان بیماری‌ها و حفظ سلامت روحی و فکری و اجتماعی؛ پرهیز از ضرر و ضرار و آزردن همسایه و عابر از راه خودداری از آزار صوتی و نیرنگ در معامله و ایجاد بوی ناخوش و اشراف بر محیط زندگی دیگران؛ حمایت و محافظت از ثروت‌های طبیعی و پرهیز از اسراف؛ احترام به پدیده‌های محیطی چون ماه‌گرفتگی و خورشیدگرفتگی و باد و باران؛ استفاده از عناصر و مؤلفه‌های طبیعی در پند و تمثیل. این فصل برای بازشکافت چند موضوع برشمارده‌شده، قلمی گشته است و درنهایت از توجه رسول اکرم(ص) به محیط و تربیت محیطی پرده برمی‌گیرد.

در فصل فرجامین این اثر به واکاوی اقدامات و مصادیق عملی حمایت از محیط در تاریخ اسلام پرداخته شده است. مسلمانان، پس از پیامبر اکرم(ص) از سنت آن بزرگوار پیروی کردند و قرآن را دستور زندگی در همه امور قرار دادند و در این میان فقیهان نقشی بزرگ و برجسته در استنباط قواعد شرعی‌ای که اقدامات لازم برای حمایت از محیط بر آن‌ها مبتنی است ایفا کردند. حمایت از محیط، واجب شرعی و بر همگان تکلیف و مسئولیتی فردی و اجتماعی است. این تکلیف و مسئولیت در زمینه‌های زیر قابل بررسی است: حمایت از محیط در حوزه کشاورزی و باغداری؛ حمایت از محیط در حوزه آب و آبیاری؛ حمایت از جانوران و محیط آن‌ها؛ توجه اسلام به لوازم و مقتضیات محیط به‌ویژه در حوزه‌های عمرانی و طراحی شهری؛ حمایت از و توجه به بهداشت و محیط. پدیدآورنده، پنج موضوع یادشده را از دیدگاه دانشمندان مسلمان و میراث مکتوب اسلامی بررسی کرده است.

این کتاب از دیگر نمونه‌های خود در زبان عربی خواندنی‌تر افتاده است و در آن از کتاب و سنت و میراث مکتوب نیک بهره برده شده است و آنچه نگارنده آورده است کمابیش نشان‌دهنده دیدگاه اسلام است.

* برای آگاهی فزون‌تر، منابع ذیل درخور مطالعه است:
زین‌الدین عبدالمقصود غنیمی، التربیة البیئیة الاسلامیة و حمایة البیئة البحریة من التلوث (چاپ اول: رباط، ایسیسکو، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)؛ صالح محمود وهبی، البیئة من منظور اسلامی (دمشق، المطبعة العلمیة، ۲۰۰۴م)؛ یوسف قرضاوی، رعایة البیئة فی الشریعة الاسلامیة (قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۱ق)؛ عبدالله جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، تنظیم و تحقیق عباس رحیمیان (قم، نشر اسراء، ۱۳۶۸).

۲۵

التأصيل والتوجیه الاسلامی للعلوم التربوية و مناهجها من منظور التربية الاسلامية[1]

حامد سالم عایض حربی. [چاپ اول]: مکه مکرمه، جامعة امالقری، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م. ۹۴ص، وزیری، شکل.

کتاب حاضر از جمله آثاری است که در آن‌ها به اسلامی کردن علوم به مفهوم عام و اسلامی ساختن علوم تربیتی به مفهوم خاص و پایه‌گذاری اسلامی و هدایت برنامه آموزشی از نگاه تربیت اسلامی به‌طور اخص پرداخته شده است.

نگارنده این اثر، میان اسلامی کردن علوم با هدایت و جهت‌دهی اسلامی به علوم فرق ننهاده است (ص۴۹ـ۵۱). حال آنکه مقداد یالجن در کتاب اساسیات التأصیل والتوجیه الاسلامی للعلوم والمعارف والفنون (چاپ دوم: ریاض، دار عالم الکتب، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م) میان این دو مفهوم یا فرآیند فرق نهاده است.

مباحث کتاب در پنج بحث و یک خاتمه قلمی گشته است. در بحث نخست به مقدمات پرداخته شده و از اهمیت پژوهش و حدود و مفاهیم و روش و پرسش‌های اصلی و فرعی آن سخن رفته است.

در بحث بعدی به واکاوی مفهوم برنامه آموزشی نظر شده است و از رهگذر آن از مفهوم سنتی برنامه آموزشی، مفهوم تازه برنامه آموزشی، مفهوم برنامه آموزشی در تربیت اسلامی یاد شده است.

---

۱. پایه‌گذاری و هدایت اسلامی علوم تربیتی و برنامه‌های آن از نگاه تربیت اسلامی

وضع کنونی برنامه آموزشی در جهان عرب و اسلام، موضوع بحث سوم است و در آن، نخست به وجود بحران فکری در جهان عرب و اسلام و دو بعد آن اشاره شده است؛ سپس از وضع کنونی برنامه آموزشی جهان عرب و اسلام و تأثیرات سوء فرهنگ آموزشی غرب بر آن‌ها و تقلید کورکورانه از این فرهنگ سخن رفته و یادآوری شده است که برنامه آموزشی تقلیدی از غرب از مهم‌ترین عوامل گسترش بی‌دینی در جهان عرب و اسلام به شمار است. در ادامه به شماری از کتاب‌های منتشرشده در کشورهای عربی که قصدشان بد جلوه دادن چهره اسلام است اشارت رفته است. فراز فرجامین این بحث، بررسی و مقایسه چند تعریف از برنامه آموزشی اسلامی است.

بحث بعدی دربارهٔ چگونگی هدایت و سمت‌وسوی اسلامی دادن به برنامه‌های آموزشی است. سرآغاز این بحث، مفهوم اسلامی کردن یا اسلامی کردن برنامه آموزشی است. نگارنده بر این باور است که مسلمانان نمی‌توانند بدون دین زندگی و پیشرفت کنند از این‌رو نقطه عزیمت رهایش مسلمانان از پیروی از افکار غربی و شرقی، اسلامی ساختن برنامه‌های آموزشی بر اساس قرآن کریم و سنت نبوی است (ص ۵۰ـ۵۱).

اشاره به عناصر چهارگانه فرآیند آموزش (معلم، شاگرد، ماده و موضوع مورد آموزش، ابزارهای آموزش) و لزوم فراهم بودن همه آن‌ها برای تحقق آموزش سازوار با مفهوم برنامه آموزشی اسلامی فراز دیگر این بحث است و پس از آن به عناصر و مؤلفه‌های چهارگانه و اساسی برنامه درسی (هدف‌های آموزشی، محتوای آموزشی، روش و ابزار تدریس، ارزیابی) و ارتباط آن‌ها با یکدیگر پرداخته شده است.

در بحث پنجم به سمت‌وسو دادن اسلامی یا اسلامی کردن اهداف پرداخته شده است. برای شرح و شکافت این موضوع، ابتدا و به عنوان مقدمه از مطالب زیر یاد شده است: تعریف تربیت اسلامی، انسان و هدفدار بودن او، اهمیت تعیین هدف، فرق میان هدف و نتیجه و انگیزه، فرق میان هدف مربی مسلمان و غیرمسلمان، هدف اساسی تربیت اسلامی، ویژگی‌های هدف‌های تربیت اسلامی، فراگیری اهداف تربیت اسلامی و تعامل میان آن‌ها.

پس از این به آبشخورهای هدف‌های تربیتی پرداخته شده و هدف‌ها به سه گروه شناختی، عاطفی، رفتاری تقسیم و از منظر اسلامی بررسی و از جمله اشاره شده است که مربیان در مقام اسلامی کردن هدف‌های تربیتی نباید تنها به بیان افکار اسلامی بسنده کنند بل باید به علل رویدادها و پیامدهای رویدادها هم بپردازند و سعادت دنیا و آخرت را در نظر گیرند.

گفتنی است، محتوای این کتاب بسیار فروتر از بار معنایی عنوان آن است و خواننده را اقناع نمی‌کند. مثلاً در این اثر از اسلامی کردن علوم تربیتی که در عنوان کتاب گنجانده شده است، هیچ سخنی نرفته است و تنها به برنامه آموزشی اشارت رفته است که آن هم عموماً بحثی است ناظر بر اهداف تربیتی.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
مقداد یالجن، التأصیل والتوجیه الاسلامی للعلوم والمعارف والفنون (چاپ دوم: ریاض، دار عالم الکتب، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م)؛ انور جندی، تأصیل مناهج العلوم والدراسات الانسانیة بالعودة الی مناهج الفکر الاسلامی (چاپ دوم: دمشق، مکتبة الفارابی، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)؛ ماجد عرسان کیلانی، مناهج التربیة الاسلامیة والمربون العاملون فیها (بیروت، مؤسسة الریان، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)؛ همو، اهداف التربیة الاسلامیة (بیروت، مؤسسة الریان، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)؛ عدنان محمد زرزور، التوجیه الاسلامی للعلوم والمعارف مفهومه و اهدافه (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۲م)؛ محمد عبدالسمیع و مسلم سجاد، تخطیط المناهج الدراسیة للعلوم الطبیعیة الرؤیة الاسلامیة. ترجمه مکتب التربیة العربیة لدول الخلیج (مکه مکرمه، مکتب التربیة العربیة لدول الخلیج، ۱۹۸۷م)؛ عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب و منی علی سالوس، نحو تأصیل اسلامی للبحث التربوی (قاهره، دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۰ق)؛ جوده محمد عواد، قضایا حول اسلمة العلوم والتعلیم (چاپ دوم: قاهره، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰م).

۲۶

التراث العربی الاسلامی فی مجال الفکر التربوی
الجزء الاول الفکر التربوی عند الجاحظ[1]

محمود عبداللطیف. [چاپ اول]: دمشق، وزارة الثقافة، ۲۰۰۵م. ۲۲۳ص، وزیری.

کتاب حاضر جلد نخست از مجموعه‌ای پنج‌جلدی است با فروست: التراث العربی الاسلامی فی مجال الفکر التربوی که دست‌کم دو عنوان از آن منتشر شده است. هدف نویسنده؛ شرح و شناخت دیدگاه‌های تربیتی، پنج تن از مربیان بزرگ مسلمان یعنی ـ به‌ترتیب ـ جاحظ، فارابی، ابن‌سینا، امام محمد غزالی، ابوالحسن قابسی است.

این کتاب در دو بخش دو و نه‌فصلی سامان یافته است. بخش نخست دربارهٔ اندیشه‌های تربیتی بزرگان در گذشته است و در آن از نقش و مشارکت عالمان مسلمان در زمینه تعلیم و تربیت؛ اهمیت تربیت در زندگی انسان؛ میراث مکتوب تربیتی عربی ـ اسلامی؛ اهمیت این میراث سخن رفته است. این بخش در واقع به مثابه مقدمه پنج جلد کتابی است که بناست دربارهٔ آرای تربیتی پنج عالمی که یاد شد نوشته شود. گفتنی است در این مقدمه و هنگام برشماردن عالمان مورد نظر، از نفر ششم یعنی ابن‌خلدون هم یاد شده است.

در بخش دوم که به واکاوی اندیشه‌های تربیتی جاحظ اختصاص دارد از زندگی و شخصیت جاحظ بحث شده است؛ سپس در هشت فصل دیگر این بخش، به هشت حوزه تربیت یعنی تربیت دینی، ادبی، علمی ـ عقلی، اخلاقی، اجتماعی، ملی، هنری، جسمی از نگاه جاحظ پرداخته شده است.

---

۱. میراث عربی اسلامی در حوزه اندیشه تربیتی، جلد یکم، اندیشه تربیتی جاحظ

پرداخت مؤلف به موضوعات هشت‌گانه یادشده، سطحی و غلط‌انداز افتاده است چرا که در هیچ‌یک از این بحث‌ها به‌واقع از آرای تربیتی جاحظ چنان و چندان که باید سخن نرفته است. سهل است بحث‌ها، تربیتی به مفهوم عام هم نیستند. نگارنده مطالبی را جسته‌گریخته کنار هم نهاده و استناد او به آثار جاحظ اندک است و آن اندک هم بار تربیتی چندانی ندارد. به‌راستی مطالب این اثر حتی دلالت ضمنی هم بر آرای تربیتی جاحظ ندارد.

فقر علمی این کتاب به ناتوانی در بازتابش نگرش‌های تربیتی جاحظ خلاصه نمی‌شود چرا که اطلاعات تاریخی نگارندهٔ آن در حوزه‌های دیگر هم ناسخته افتاده است. مثلاً در صفحه ۱۷ مدعی شده است: فاصله مدرسه با دیگر انواع فعالیت فرهنگی در زمان جاحظ جدی نبوده است. حال آن‌که می‌دانیم در زمان جاحظ هنوز نهاد آموزشی مدرسه در جهان اسلام پدید نیامده بود. این خطا در صفحه ۱۵۵ هم تکرار شده است. چه در آنجا آمده است: پیش از گسترش مدارس در عصر جاحظ...، که قطعاً سخنی نارواست. مورد دیگر ضبط نادرست عنوان کتاب ابوالحسن قابسی به صورت الرسالة المفضلة لاحوال المتعلمین والمعلمین و احکام المعلمین والمتعلمین است (ص۳۵). عنوان درست کتاب قابسی، الرسالة المفصلة لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین والمتعلمین است. نیز در صفحه ۳۸ در کنار احیاء علوم الدین امام محمد غزالی، کتابی به نام فاتحه العلوم به او نسبت داده شده است، اما فاتحه العلوم در واقع بخش کتاب العلم جلد نخست احیاء علوم الدین غزالی است که جداگانه و با آن نام به چاپ رسیده است. در صفحه ۱۵ کتاب، الموسومة بـ (القانون)، به‌غلط الموسوعة بـ (القانون) ضبط شده است.

* برای آشنایی با آرای تربیتی جاحظ آثار زیر پیشنهاد می‌شود:
بهروز رفیعی، آرای تربیتی دانشمندان مسلمان (چاپ اول: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰)؛ محمد سعد قزاز، الفکر التربوی فی کتابات الجاحظ (چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد اول) (چاپ اول: قم - تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه - سمت، ۱۳۷۷).

۲۷
تربیة الابناء فی الاسلام[1]

فیصل احمد منصری. چاپ اول: بیروت، دارالفکر للطباعـة والنـشر والتوزیـع، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۶م. ۲۷۲ص، وزیری، دو رنگ.

در این اثر که نگارنده‌اش در متن کتاب آن را المعجم فی تربیة الابناء فی الاسلام نامیـده اسـت شماری از مفاهیم تربیتی به ترتیـب الفبـا طـرح و دربـارهٔ آن‌هـا مطـالبی عرضـه گـشته اسـت. مدخل‌های برگزیده و بررسی‌گشته تنها در ذیل هجده حرف اسـت و ذیـل د، ذ، س، ش، ض، ظ، غ، ف، ه، و، مدخلی نیامده است. شرح و شکافت مدخل‌ها گاه کوتاه ـ در حد نـیم‌خـط ـ و گاه بلند است. استناد در این اثر عمومـاً بـه کتـاب خـدا و سـنت نبـوی اسـت. ارجاعـات، عنوان‌های اصلی و فرعی، عبارات دعایی پس از پیامبر اکرم(ص) و صحابه، سرصفحه‌ها، نـام و نام خانوادگی نویسنده، برخی از علائم سجاوندی، شماره صـفحات در فهرسـت جملگـی بـه رنگ سرخ است. گفتنی است نه هدف نویسنده تهیه فرهنگ واژگـان و اصـطلاحات تعلـیم و تربیت در اسلام بوده است و نه حاصل کار او به چنـین فرهنـگ‌نامـه‌ای حتـی در محـدوده‌ای خاص یعنی تربیت کودکان می‌ماند. با این حـال تقریبـاً همـه مـدخل‌هـای کتـاب از فرهنـگ اسلامی برگرفته شده است.

باری مدخل‌های اصلی عبارت‌اند از: اسم نوزاد، انحراف جوانان، نیکی به والـدین، تربیـت جسمی، تربیت جنسی، تربیت روحی، تشویق و تهدید در تربیت کودکـان، فرهنـگ، دانـشگاه، جهاد فرزندان، نماز، روزه، طعام، کودک، عبادت، عقوق والدین، عقیقه، طره‌طـره چیـدن مـوی

---

۱. تربیت فرزند در اسلام

سر (قزع)، کنیه نوزادان، بازی، مدرسه، مسجد، نظافت، یتیم. اینک به شرح و شناخت مؤلف به برخی از مدخل‌ها می‌پردازم.

در شرح مدخل نخست (نام نوزاد) به زمان نام‌گذاری، بهترین نام‌ها نزد خداوند، برخی از نام‌های ناپسند، شماری از نام‌های حرام، برخی از نام‌هایی که جناب پیامبر اکرم(ص) آن‌ها را تغییر داد، اشاره شده است.

برای بازشکافت مدخل دوم (انحراف در جوانان) از شش گونه انحراف یاد و به برخی از آن‌ها پرداخته شده است. در این پرداخت از علل و عوامل پدیدآورنده انحراف، پیامدهای انحراف و به‌ندرت راه‌های درمان انحراف سخن رفته است.

نگارنده در بحث و بررسی ذیل مدخل تربیت جنسی، نخست شماری از اصطلاحات مرتبط با موضوع را در فرهنگ اسلامی آورده است؛ سپس به شرح بهترین وسایل و روش‌های پیشگیری از گرفتار شدن در برانگیختگی جنسی و تن دادن به گناه جنسی پرداخته است.

ذیل مدخل فرهنگ (ثقافه) که بیشینه حجم صفحات را گرفته است (نزدیک به شصت صفحه)، از سلام کردن در اسلام گرفته تا سینما و رایانه و بازی‌های رایانه‌ای و شرح برخی از این بازی‌ها و بیان هدف‌های استعماری سازندگان آن‌ها، اینترنت و محاسن و معایب آن، قصه و نقش فرهنگ‌ساز آن، نقش کتابخانه‌ها در ارتقای سطح فرهنگ کودکان سخن به میان آمده است.

نویسنده در واکاوی مدخل مدرسه، از مسئولیت واگذارگشته به مدرسه، اداره مدرسه، معلم در مدرسه، آداب و اخلاق معلمی، رابطه اخلاق با علم، نظام آموزشی صحیح، مواد درسی مهم یاد کرده است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

عبدالله ناصح علوان، تربیة الاولاد فی الاسلام[1] (چاپ سی‌ام: قاهره - بیروت، دارالسلام - دارالفکر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)؛ محمد حسن رقیط، کیف نربی ابناءنا تربیة صالحة (بیروت، دار ابن‌حزم، ۱۴۱۸ق)؛ وجیه زین‌العابدین، الاسلام والتربیة الجنسیة (چاپ دوم: کویت، المنار الاسلامیة، ۱۳۹۹ق/۱۴۰۲ق)؛ دارالتوحید، الاسلام والرعایة البدنیة (چاپ اول: تهران، دارالتوحید، ۱۴۰۲ق)؛ سید علی حسینی‌زاده، تربیت فرزند (چاپ چهارم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴).

۱. این کتاب به فارسی ترجمه شده است؛ بنگرید به: پانوشت ص۲۳ این کتاب‌شناخت.

۲۸
التربية الاسلامية بين الاصالة والمعاصرة[1]

سعید اسماعیل قاضی. چاپ اول: قاهره، عالم الکتب، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م. ۳۸۳ص، وزیری.

تربیت اسلامی دارای دو ویژگی اصالت و روزآمدی است. آبشخور این دو ویژگی، خاستگاه وحیانی تربیت اسلامی است. به دیگر سخن تربیت اسلامی بر زمان و مکان است نه در زمان و مکان.

کتاب حاضر در پی بازشکافت دو ویژگی یادشده است تا معلوم دارد چگونه تربیت اسلامی هم اصیل است و هم روزآمد. جان سخن آن‌که این نظام تربیتی از آن‌رو اصیل است که پیشینه‌ای بیش از چهارده قرن دارد و مبتنی بر کتاب و سنت است؛ و روزآمدی آن به این اعتبار است که اصول و مبانی‌ای که تربیت معاصر بدان‌ها فرامی‌خواند و لازم می‌داند در حوزه‌های گوناگون تربیتی لحاظ و اعمال شوند، تربیت اسلامی قرن‌ها قبل از آن‌ها سخن گفته و خواستار اعمال آن‌ها بوده است (ص۷ـ۸).

در فصول هفت‌گانه این اثر با مطالب زیر آشنا می‌شویم:

در فصل یکم که تربیت اسلامی عنوان گرفته است، به چهار مقوله پرداخته شده است: تعریف تربیت اسلامی، منابع تربیت اسلامی، هدف‌های تربیت اسلامی، ویژگی‌های تربیت اسلامی. برای نمونه در بحث ویژگی‌های تربیت اسلامی از این ویژگی‌ها یاد شده است: متعالی، فراگیر، واقع‌گرا، مستمر، تحول‌پذیر و بالنده، انسانی و جهانی، متوازن.

عنوان فصل دوم، اصول تربیت اسلامی جمع اصالت و روزآمدی است و در آن از اصول ذیل سخن رفته است: لزوم فراگیری دانش، تأمین فرصت آموزشی برابر، پرورش همه ابعاد

---

۱. تربیت اسلامی میان سنت و تجدد

شخصیت شاگرد، خودآموزی، رعایت تفاوت‌های فردی، تقویت پیوند میان معلمان و شاگردان، مهربانی با شاگردان، تشویق و جذب اهتمام شاگردان در هنگام آموزش، تنوع در روش‌های آموزشی و پرورشی، رفع خستگی از شاگردان، تدریج و آموزش از آسان به دشوار، بهره‌گیری از ابزار آموزشی، بهره‌گیری از سفرهای آموزشی، توجه به کتابخانه، راهنمایی شغلی و آموزشی، مبارزه با بی‌سوادی و تربیت مستمر، تربیت ویژه تیزهوشان و عقب‌افتادگان ذهنی، کمک‌معلم، مدیریت آموزشی اسلامی، ارزیابی کامل و مستمر آموزشی.

نگارنده معتقد است، اصول یادشده در تربیت اسلامی، امروزه در نظام‌های آموزشی معتبر است و اعمال می‌شود و اسلام در طرح این اصول پیش‌قدم است (ص۱۰۲).

ابعاد شخصیت فرد و نقش تربیت اسلامی در پرورش آن‌ها عنوان فصل سوم است. در این فصل از ده بعد در شخصیت فرد و توجه تربیت اسلامی به پرورش آن‌ها سخن رفته است؛ ابعاد یادشده به قرار ذیل است: جسمی، عقلی، اعتقادی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی، روانی، ارادی، جنسی، زیباشناختی.

در پایان این فصل، ۳۲ توصیه برای رشد و پرورش شخصیت مسلمان آورده شده است.

در فصل چهارم که ابعاد شخصیت جامعه مسلمان خوانده شده است، نخست اشاره شده است که هر جامعه هم مانند هر فرد دارای شخصیتی خاص است که آن را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد و همان‌گونه که شخصیت فرد، ابعاد گوناگون دارد، شخصیت جامعه هم دارای ابعاد مختلف است؛ سپس افزوده شده است که تربیت اسلامی همان‌گونه که به پرورش و رشد همه ابعاد شخصیت فرد مسلمان عنایت دارد، به پرورش و رشد همه ابعاد جامعه مسلمان هم توجه دارد. ابعاد شخصیت جامعه مسلمان که در این فصل بازکاوی شده به شرح ذیل است: دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی.

عنوان فصل پنجم ارکان پیشرفت فرهنگی و میزان توجه تربیت اسلامی به آن‌هاست و نگارنده برای شرح و شکافت موضوع، ضمن اشاره به پاره‌ای از اعترافات غربیان به اهمیت و جایگاه اسلام در گسترش فرهنگ و تمدن و بهره‌وری غرب از فرهنگ علمی اسلام، گوشزد شده است که برخی از خودباختگان گمان باطل برده و پنداشته‌اند علت عقب‌ماندگی کنونی مسلمانان، دین آن‌هاست و یگانه راه رهایی از عقب‌ماندگی وانهادن دین و رفتن به راه غرب بی‌دین است. آنگاه به شرح شش رکن از ارکان پرشمار پیشرفت و تعالی فرهنگی پرداخته شده است: دانش‌جویی، استمرار پژوهش علمی، به کار بردن علم و بهره‌گیری از دانش در زندگی،

سمت‌وسوی اخلاقی علم، گسترش دانش و پوشیده نداشتن آن، بزرگداشت دانشمندان و نقش آنان در پژوهش علمی.

مشاوره و راهنمایی دانشجویی در پرتو اندیشه تربیتی در اسلام عنوان فصل ششم است. نگارنده پس از مقدمه‌ای کوتاه دربارهٔ مشاوره و هدایت شاگردان در میراث مکتوب تربیتی در اسلام به شرح معنای مشاوره و راهنمایی پرداخته است؛ سپس از مبانی مشاوره و راهنمایی دانشجویی در پرتو اندیشه تربیتی در اسلام سخن گفته است. پس از آن به حوزه‌های شش‌گانه مشاوره و راهنمایی دانشجویی در اندیشه تربیتی در اسلام پرداخته است: هدایت تربیتی، هدایت شغلی، هدایت اجتماعی، هدایت اخلاقی، هدایت بهداشتی، هدایت روحی. در فرجام این فصل، توصیه‌هایی دربارهٔ مشاوره و راهنمایی شاگردان در پرتو اندیشه تربیتی در اسلام آورده شده است.

عنوان فصل فرجامین کتاب، فلسفه ارزیابی و آزمون در اندیشه تربیتی اسلام است و در آن اشاره شده است که فعالیت‌های تربیتی نیازمند ارزیابی فراگیر و همیشگی است و تربیت اسلامی به ارزیابی آموزشی بسیار اهتمام داده است و مربیان بزرگ مسلمان پیوسته به ارزیابی همه‌جانبه فعالیت‌های تربیتی توجه داشته‌اند.

در این فصل پس از مقدمه یادشده به فلسفه ارزیابی آموزشی در اندیشه تربیتی در اسلام پرداخته شده است. این بررسی بر پنج محور صورت گرفته است: گونه‌های ارزیابی و هدف‌های آن در اندیشه تربیتی در اسلام، زمینه‌های ارزیابی در اندیشه تربیتی در اسلام، روش‌های ارزیابی در اندیشه تربیتی در اسلام، عاملان ارزیابی آموزشی در اندیشه تربیتی در اسلام، ویژگی‌های ارزیابی آموزشی در اندیشه تربیتی در اسلام.

گفتنی است در شرح و شکافت عنوان جذاب این کتاب به‌هیچ‌وجه از ثابت و متغیر در تربیت اسلامی سخن به میان نیامده است و تنها تلاش شده است اثبات شود که آنچه امروزه در تربیت معتبر است از دیرباز در تربیت اسلامی معتبر و معمول بوده است. بنابراین رویکرد کتاب بیشتر تاریخی است تا فلسفی. دیگر آن‌که در این اثر به‌هیچ‌وجه نظریه‌پردازی نشده است. نکته بعد غلط‌های رخ‌داده در ضبط اعلام و گاه واژگان است، مثلاً: نصیرالذین (ص ۹) به جای نصیرالدین. نیز کتاب تاریخ التعليم عند المسلمين والمكانة الاجتماعية لعلمائهم حتى القرن الخامس الهجرى که اثر منیرالدین احمد است، از خطیب بغدادی دانسته شده است. منشأ خطا آنجاست که این کتاب بر اساس تاریخ بغداد خطیب بغدادی نوشته شده است. گفتنی

است این اثر به فارسی ترجمه شده است: منیرالدین احمد، نهاد آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت (چاپ اول: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸).

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

محمد مختار ولد اباه، التربية الاسلامية بين القديم والحديث (چاپ دوم: رباط، ایسیسکو، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)؛ فتحی علی یونس و دیگران، التربية الدينية الاسلامية بين الاصالة والمعاصرة (چاپ اول: قاهره، عالم الکتب، ۱۹۹۹م).

۲۹

التربية الاسلامية بين القديم والحديث[1]

محمد مختار ولد اباه. چاپ دوم: رباط، منشورات المنظمة الاسلامية للتربية والعلوم والثقافة ـ ایسیسکو، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م. ۱۲۴ص، وزیری.

نگارنده کتاب یادشده بر این باور است که در فصول شش‌گانه این اثر توانسته است مشکلاتی از حوزه تربیت اسلامی را مطرح سازد و نظرها را به ضرورت حل آن‌ها معطوف دارد تا راه‌حل‌هایی پیدا شود. وی تلاش کرده است مشکلات را به‌روشنی بر کاغذ آورد و گوشزد سازد که راه‌حل تربیتی، یگانه راهکاری است که امت اسلامی را به عزت و کرامت می‌رساند.

در فصل یکم که تربیت اسلامی میان گذشته و حال عنوان گرفته است در نهایت اختصار از آموزش در زمان رسول خدا(ص) تا اصطلاحات آموزشی در الازهر در دوران معاصر یاد و از جمله به این نکات اشاره شده است: اقدامات تربیتی خلفای راشد، فعالیت‌های تربیتی امامان چهار مذهب فقهی اهل سنت و برخی از خلفا، نقش آموزشی مساجد جامع بزرگی چون جامع منصور در بغداد، جامع اموی در دمشق، جامع قرطبه در اندلس، جامع قرويين در فاس، جامع عقبة بن نافع در قیروان، تأسیس مدارس نظامیه و مکتب‌های دولتی، تأسیس الازهر و دارالعلم در مصر، آغاز انحطاط در جهان اسلام از قرن هفتم، انحصار علوم به علوم گذشتگان، نقش مستشرقان در گسترش اندیشه و باور انحطاط.

---

۱. تربیت اسلامی میان گذشته و حال

عنوان فصل دوم، آرای تربیتی متفکران اسلامی است و در آن از آرای مسکویه، بوعلی، غزالی، ابن‌خلدون در حد دو صفحه یاد و سپس به اندیشه‌های تربیتی ابن‌عبدالبر در کتاب جامع بیان العلم و فضله پرداخته شده است. تقسیم‌بندی علوم، فضیلت طلب علم، زمان مناسب آموزش، مکان مناسب آموزش، کیفیت کسب دانش، حقوق و وظایف عالم و معلم بحث‌های بررسی‌شده از نگاه ابن‌عبدالبر است.

در فصل سوم که هدف‌های تربیت اسلامی عنوان گرفته، نخست اشاره شده است که عالمان مسلمان در فعالیت‌ها و پژوهش‌های تربیتی خود برای تربیت اسلامی هدفی واحد ترسیم نکرده‌اند و هر فرد و گروهی، هدف‌ها را سازوار با امیال مذهبی یا سیاسی خود تعیین و تعریف کرده است. در ادامه از وحدت امت، وظایف فرد مسلمان نسبت به خود و خانواده و امت، پیشرفت روابط بشری میان ملت‌های مسلمان بحث شده است.

عنوان فصل چهارم، روش‌های تحول و ترقی است و در آن ابتدا از رفتار تربیتی مربی و شاگرد مانند: امانت، صداقت، تواضع، بخشش، تدبر و اجتهاد یاد شده است؛ سپس به عنوان روش دوم به توحید اصول اندیشه اسلامی و مفهوم آن پرداخته شده و آمده است که مراد از این توحید یکسان‌اندیشی و گردن نهادن بر مذهبی واحد نیست. پس از این به انضباط کاری و احترام به مالکیت عمومی و نیز حل مشکلات اقلیت‌های مسلمان در جهان چونان دیگر روش‌های پیشرفت امت اسلامی پرداخته شده است.

فصل پنجم دربارهٔ عوامل پیشرفت است. این عوامل عبارت‌اند از: نظام‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها. در شرح و شکافت نظام به اصلاح نظام آموزشی موجود که تقلیدی از غرب و حاصل اقدامات استعماری غربیان در جهان اسلام است و اهمیت و ضرورت این اصطلاح پرداخته شده است. در توضیح برنامه‌ها به تحول برنامه‌های آموزش دین در حوزه قرآن و سنت و سیره نبوی و همچنین فرهنگ اسلامی و تحول در آموزش علوم و توجه به علوم گوناگون روز، تربیت بدنی، آموزش زن، توجه به رسانه‌های جمعی، اشاره شده است. روش‌های واکاوی‌شده عبارت‌اند از: سماع، فهم، حفظ، فرجامین عامل و ابزار یادشده کتابخانه است.

در فصل ششم به معرفی چند نهاد تربیتی جهانی و منطقه‌ای پرداخته شده است: یونسکو، الکسو، ایسیسکو، رابطهٔ العالم الاسلامی (اتحادیه جهان اسلام). مکتب التربیة لدول الخلیج (دفتر تربیت در کشورهای خلیج).

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:

سعید اسماعیل قاضی، التربیة الاسلامیة بین الاصالة المعاصرة (چاپ اول: قاهره، عالم الکتب، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م)؛ فتح علی یونس و دیگران، التربیة الدینیة الاسلامیة بین الاصالة والمعاصرة (چاپ اول: قاهره، دار عالم الکتب، ۱۹۹۹م).

۳۰
التربية الاسلامية فی البیت[1]

علی عبدالحلیم محمود. چاپ اول [این ناشر]: قاهره، دارالتوزیع والنشر الاسلامیة، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م. ۴۶۳ص، وزیری.

کتاب یادشده، نخستین جلد از مجموعه‌ای است پنج‌جلدی با فروست: التربیة الاسلامیة المعاصرة.[2] دیگر مجلدات این مجموعه عبارت‌اند از: التربیة الاسلامیة فی المدرسة، التربیة الاسلامیة فی المجتمع، وسائل التربیة عند اخوان المسلمین، منهج التربیة عند اخوان المسلمین.

نگارنده در این مجموعه تلاش کرده است از سویی به وظایف تربیتی نهادهای اصلی تربیت اسلامی یعنی خانواده، مدرسه، جامعه، بپردازد. و از سوی دیگر نمونه‌ای عملی از تربیت اسلامی در عصر حاضر را که توانسته است ارکانی از تربیت اسلامی را در جامعه بنیان نهد که مسلمانان سخت به آن‌ها نیازمندند معرفی کند. این نمونه عملی، فعالیت‌های اخوان‌المسلمین در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی است.

موضوع این اثر که پیش از این با عنوان تربیة الناشیء المسلم (چاپ اول: قاهره، دارالوفاء، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م) به چاپ رسیده، تربیت جوان مسلمان است چرا که نگارنده تصریح نموده است که مراد از «ناشیء» کسی است که کودکی را سپری کرده و برنا و برومند گشته است. وی ناشیء را مترادف شاب و به معنای جوانی به کار برده است که هنوز کامل و مرد نشده است (ص۹). مطالب کتاب در مقدمه و چهار باب چندفصلی بسامان شده است.

---

۱. تربیت اسلامی در خانه
۲. گفتنی است در جلد سوم این مجموعه (ص۶-۷)، فروست آن، مؤسسات التربیة الاسلامیة، معرفی شده است، اما در صفحه عنوان همان جلد آمده است: سلسلة التربیة المعاصرة الحلقة الثالثة.

بخش یکم، با عنوان اسلام و خانواده، دارای دو فصل است. در فصل نخست بـه اهمیـت خانواده در ایجاد جامعه مسلمان پرداخته شده و از این نکات یاد گشته است: سـاختار جامعـه مسلمان، ویژگی‌های ده‌گانه جامعه مسلمان، هدف‌های جامعه مسلمان.

فصل دوم بخش اول دربارهٔ توجه اسلام به خانواده و حمایـت از آن اسـت و در شـرح آن، ابتدا به شکل‌گیری خانواده و عناصر و ارکان آن یعنی پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ، عموها و دایی‌ها و عمه‌ها و خاله‌ها، خواهر و برادر بزرگ اشاره شده است؛ سپس از جایگاه خانواده در اسلام سخن رفته است و پس از آن به هدف‌های خانواده مسلمان پرداخته شده اسـت؛ از ایـن هدف‌هاست: تربیت نسل آراسته به اخلاق اسلامی، پاسداشت آداب اسلامی در خانواده، پیوند دادن اعضای خانواده با مسجد، تحویل فرزندانی مزین به اخلاق اسلامی بـه جامعـه، هـدایت فرزندان فراسوی دعوت به خداوند و امر به معروف و نهی از منکر، تلاش بـرای ایجـاد ارتبـاط میان خانواده‌های مسلمان.

عنوان بخش دوم، اسلام و جوانان است. این بخش نیز دو فصل دارد. در فـصل اول آن بـه جایگاه جوانان در خانواده پرداخته و تلاش شده است اثبات شود که جایگاه فرزند در خانواده متأثر از سه عامل یا انگیزه است: یکی انگیزه فطری والدین که موجب می‌شود آنـان بـر محـور مهر و محبت بکوشند به بهترین شکل در خدمت فرزندان باشند. این فطـرت از والـدین فراتـر رفته در پدربزرگ و مادربزرگ و دیگر خویشاوندان هم دیده می‌شود (ص۱۲۵). عامل دیگـری که جایگاه فرزند در خانواده را رقم می‌زند محیط‌هـای انـسانی اسـت ماننـد: خـانواده، قبیلـه، روستا، جامعه به مفهوم عام، کشور، جهان عرب [برای ساکنان سـرزمین‌هـای عربـی]، جامعـه جهانی مسلمان یا غیرمسلمان (ص۱۲۶). عامل دیگر اسلام است که جایگاه فرزند در خـانواده را تعالی بخشیده است.

فصل دوم این بخش دربارهٔ توجه اسلام به فرزند است. این عنایت در قالب شرح وظـایفی که اسلام برای والدین برشمارده است و نیز وظایف خویـشاوندان و وظـایف جامعـه مـسلمان نسبت به فرزندان مسلمان بازشکافته شده است.

بخش سوم که تربیت جوان مسلمان عنوان گرفته است و لب کتاب و بلنـدترین بخـش آن است (ص۱۷۰)، دارای هفت فصل است. در این بخش در واقع از حوزه‌های هفت‌گانه تربیت سخن رفته است یعنی: تربیت روحی، تربیت اخلاقی، تربیت عقلـی، تربیـت جـسمی، تربیـت زیباشناختی، تربیت اجتماعی، تربیت اقتـصادی. نگارنـده بـرای شـرح و شـکافت هـر یـک از

ساحت‌های تربیتی فوق، نخست از مفهوم آن گفته است؛ سپس اشاره کرده است که اسلام چگونه این بعد از شخصیت فرد را پرورش می‌دهد.

عنوان بخش پایانی کتاب، آینده جوان مسلمان است. این بخش مانند بخش اول و دوم از دو فصل تشکیل شده است. در فصل یکم که رهنمود اسلام به جوان و به‌کارگیری نیروهای او نام گرفته است، به مفهوم هدایت و رهنمود و نیز به‌کارگیری پرداخته شده است و سپس از چگونگی هدایت و ارشاد جوان در اسلام و پس از آن از چگونگی به‌کارگیری نیروهای جوان در اسلام سخن رفته است.

فصل دوم، دربارهٔ پیوند جوان مسلمان با امت و ملت خود و جهان اسلام است و در آن از مفهوم امت اسلامی و جهان اسلام و نیز چگونگی پیوند جوان با امت و جهان اسلام یاد شده است.

درخور یاد است که خواننده این اثر سرانجام نخواهد فهمید نویسنده از تربیت کودک سخن می‌گوید یا تربیت نوجوان، یا جوان، زیرا گاه سخن از روز جهانی کودک گفته است (ص۱۲۶) و گاه از جوان و گاه نوجوان؛ و اصولاً معلوم نیست چرا از واژه ناشیء به جای شباب استفاده کرده است. شباب به معنای جوان، اما ناشیء در مفهوم کودک، نوجوان، جوان به کار می‌رود.

دیگر آن‌که در بخش دوم (ص۱۲۶ـ۱۴۲) هنگام بحث از جایگاه جوان در خانواده، از انگیزه‌های محیط انسانی و تأثیر آن‌ها بر جایگاه جوان در خانواده یاد شده است، اما نگارنده نتوانسته است معلوم دارد چه ارتباطی میان این عامل محیطی با رقم خوردن جایگاه جوان در خانواده وجود دارد و اصولاً به‌هیچ‌وجه روشن نشده است او در پی بیان چه حقیقتی است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساس (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴)؛ استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶)؛ محمدعلی حاجی ده‌آبادی و سید علی حسینی‌زاده، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات (چاپ اول: قم ـ تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ مرکز مطالعات شهری تهران، ۱۳۸۵).

۳۱

التربیة الاسلامیة فی المجتمع[1]

علی عبدالحلیم محمود. چاپ اول [این ناشر]: قاهره، دارالتوزیع والنشر الاسلامیة، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م. ۵۵۱ ص، وزیری.

این اثر سومین جلد از مجموعه‌ای پنج‌جلدی است با فروست: التربیة الاسلامیة المعاصرة.[2]

مطالب کتاب در مقدمه و سه بخش چندفصلی قلمی شده است.

در مقدمه به تعریف پاره‌ای اصطلاحات مرتبط با موضوع کتاب که آشنایی با آن‌ها برای ورود به بحث لازم است پرداخته شده است: جامعه، پدیده اجتماعی، جامعه پدرسالار، جامعه مادرسالار، جامعه بدوی، دولت، جامعه مدنی، گروه‌های جامعه مدنی، جامعه‌شناسی.

عنوان بخش نخست، جامعه و مؤلفه‌های آن است. نگارنده این عناصر را به دو گروه تقسیم کرده است: عناصر اساسی و ثابت؛ عناصر احتمالی و متغیر. مراد از گروه دوم، عناصری است که بر مؤلفه بودن آن‌ها همداستانی وجود ندارد، برخلاف گروه اول که پذیرفته همگان‌اند. هر یک از این دو گروه در طی فصلی بررسی شده است.

در فصل یکم که دربارهٔ عناصر متغیر جامعه است، از مؤلفه‌های ذیل یاد شده است: وحدت نژاد، وحدت محیط، آداب و سنن، روابط اقتصادی. در شرح هر یک از مؤلفه‌های یادشده به دیدگاه‌های موافق و مخالف اشارت رفته است.

مؤلفه‌های پی‌نهادین جامعه در فصل دوم و به این شرح واکاوی شده است: دین، علم، ملیت.

---

۱. تربیت اسلامی در جامعه

۲. از این مجموعه در ص ۱۰۶ـ۱۱۵ این کتاب‌شناخت یاد کرده‌ام.

بخش دوم، ویژگی‌ها و صفات جامعه اسلامی خوانده شده است. صفات و ویژگی‌های جامعه اسلامی به سه دسته تقسیم شده است: آنچه که وجه امتیاز جامعه اسلامی است و دیگر جوامع را به کسب آن‌ها فرامی‌خواند، آنچه که جامعه اسلامی آن‌ها را رد می‌کند و دیگران را از آن‌ها بازمی‌دارد، آنچه که جامعه اسلامی سازگار با مقتضیات زمان و مکان آن‌ها را دگرگون می‌سازد.

فصل نخست این بخش به بررسی صفات و ویژگی‌هایی که جامعه اسلامی را متمایز می‌سازد و جامعه اسلامی دیگر جوامع را بدان‌ها فرامی‌خواند اختصاص یافته است. این ویژگی‌ها و صفات فراوان است و تنها به شماری از آن‌ها اشاره شده است: ناهنجاری‌های اجتماعی را از میان می‌برد و ارزش‌های اجتماعی اسلام را برپا می‌دارد، همکاری و تعاون اجتماعی، سازگاری اجتماعی، همبستگی و یکپارچگی اجتماعی، تأمین اجتماعی، مهار اجتماعی، رفاه اجتماعی.

ویژگی‌ها و صفاتی که جامعه اسلامی نمی‌پذیرد و به دوری از آن‌ها فرامی‌خواند در فصل دوم بررسی شده است. این صفات عبارت‌اند از: عقب‌ماندگی اجتماعی، ازهم‌پاشیدگی و گسست اجتماعی، انحرافات اجتماعی، چالش‌های اجتماعی، ناآرامی اجتماعی.

در فصل سوم به صفات و ویژگی‌هایی پرداخته شده است که جامعه اسلامی سازگار با شرایط زمان و مکان آن‌ها را دگرگون می‌سازد تا بتوانند روزآمد و درخور هر عصر باشند. در شرح این صفات از دو نکته مهم یاد شده است: سازگاری قانونگذاری اسلامی با متغیرات، نمونه‌هایی از ویژگی‌ها و صفاتی که دگرگونی‌پذیرند.

عنوان بخش سوم که بلندترین بخش کتاب و اصل و اساس آن است، هدف‌های جامعه اسلامی و راه‌های تحقق آن‌هاست.

در فصل یکم این بخش به شرح و شکافت هفت هدف کلی جامعه اسلامی پرداخته شده است: اجرای برنامه نظام الهی در زندگی انسان در هر جامعه، حفاظت از جامعه در برابر خطرهای داخلی و خارجی، تحقق امنیت داخلی و خارجی جامعه، تحقق همبستگی اجتماعی میان مسلمانان، تحقق وحدت اسلامی میان مسلمانان، امنیت حقوقی در اجتماع و الزام به ادای حقوق واجب، تأمین امنیت و حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی. در این فصل که ۳۲۱ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است، هدف‌های یادشده به‌تفصیل بررسی شده است.

در فصل دوم از وسایل و راه‌های تحقق هدف‌های جامعه اسلامی سخن رفته است. این وسایل و روش‌ها عبارت‌اند از: تربیت، تبلیغ دین و فراخواندن به دین، جنبش، جهاد در راه خدا.

* منابع ذیل برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌شود:

مقداد یالجن، جوانب التربیة الاسلامیة الاساسیة (چاپ اول: بیروت، دارالریحانی، ۱۴۰۶ق)؛ محمدعلی کریمی‌نیا، الگوهای تربیت اجتماعی (قم، پیام مهدی، ۱۳۷۷)؛ علی فکری، التربیة الاجتماعیة (قاهره، المطبعة العصریة، ۱۹۳۹م)؛ عبدالحلیم محمود، التربیة الاجتماعیة الاسلامیة (قاهره، دارالتوزیع والنشر الاسلامیة، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)؛ یوسف کمال محمد، منهج التربیة الاجتماعیة المسلمة کما ینیه الثلث الثانی من القرآن العظیم (قاهره، دارالقلم، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)؛ عبدالرحمن نحلاوی، التربیة الاجتماعیة الاسلامیة (دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۶م)؛ محمد وصی‌الله خان، التربیة والمجتمع فی العالم الاسلامی (جده، دار عکاظ، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م).

۳۲
التربية الاسلامية فی المدرسة[1]

علـی عبـدالحلیم محمـود. چـاپ اول [ایـن ناشـر]: قـاهره، دارالتوزیـع والنـشر الاسـلامیة، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۴۴۷ص، وزیری.

کتاب حاضر که جلـد دوم از مجموعـه‌ای اسـت پـنج‌جلـدی بـا فروسـت: التربیـة الاسـلامیة المعاصرة،[2] از مقدمه‌ای یکصدصفحه‌ای و سه بخش دوفصلی پدید آمده است.

هدف از نگارش این اثر روشن ساختن ابعاد گوناگون تربیت اسلامی در مدرسـه اسـلامی و زدودن غبار اتهام از مدرسه اسلامی و بیان شایستگی آن برای تربیت انسان صـالحی اسـت کـه اسلام قلبش را از مهر مردم و خیرخواهی برای آنان و عشق به کار و دعوت مردم به دیـن حـق لبریز ساخته است (ص۷ـ۸).

در مقدمه بلند کتاب که نگارنده مطالعه آن را لازمه فهم کتاب دانسته اسـت از دو موضـوع سخن رفته است: تعلیم و تربیت؛ مدرسه و نهادهای یاری‌کننده آن. نگارنده در شـرح موضـوع نخست، پس از بیان معنای تعلیم و تربیت و مفهوم تعلیم در قرآن و اشارتی به فرق میان تعلـیم و تربیت، از ضرورت تربیت و ضرورت تربیت اسلامی یاد کرده است. آنگاه به واکـاوی هـشت مکتب تربیتی یعنی مکتب: اخلاقی، عقلـی، دینـی، طبیعـی، اجتمـاعی، سیاسـی، زیباشـناختی، منفعت‌گرا پرداخته شده است.

برای بازشکافت موضوع دوم یعنی مدرسه و نهادهای مساعد آن، ابتدا از تـاریخ مدرسـه در تمدن‌های کهن: مصر، ایران، یهود، هند، یونان، روم، مسیحیان، یاد شده است؛ سپس به تـاریخ

---

۱. تربیت اسلامی در مدرسه
۲. برای آشنایی بیشتر با این مجموعه بنگرید به: همین کتاب‌شناخت، ص۱۰۶ـ۱۱۵.

مدرسه در اسلام و نهادهای مساعدی چون: مکتب، مسجد، کتابخانه، خانه‌های بزرگان و اشراف و عالمان، بادیه، کاغذفروشان، کتابخانه‌های عمومی و خصوصی پرداخته شده است.

عنوان بخش یکم، مدرسه اسلامی در جامعه است. در فصل اول این بخش دوفصلی با رویکردی تاریخی به مدرسه اسلامی پرداخته شده و از این رهگذر به پیدایش مدرسه در اسلام، علل آن، بنام‌ترین پدیدآورندگان مدرسه در اسلام و مشهورترین عالمانی که به آموزش دیگران پرداخته‌اند، برنامه درسی مدارس اسلامی قدیم، مراحل آموزش در مکتب و مسجد و مدرسه، تنبیه در مدارس قدیم، پرداخته شده است.

در این فصل، از جمله ادعا شده است اولین مدرسه در اسلام در شهر نیشابور در پیش از سال ۱۹۸ق به دستور مأمون عباسی پیش از آنکه خلیفه شود ساخته شده است. نگارنده برای این گزارش بسیار مهم تاریخی که بسیاری از گزارش‌های دیگران دربارهٔ پیدایش مدرسه در اسلام را نقض کرده، هیچ سند و مدرکی نیاورده است (ص۱۰۸).

در فصل دوم این بخش به مدرسه اسلامی در قرن چهاردهم هجری نظر شده است. مراد از مدرسه اسلامی، مدرسه در جهان اسلام است و در شرح موضوع پس از اشارتی کوتاه به حرکت‌های استعماری دولت‌های غربی در قرن گذشته در جهان اسلام و تأثیرات اقدامات آنان بر تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی، به چند بحث پرداخته شده است: مشکلات و موانع بر سر راه مدرسه اسلامی، شخصیت مدرسه اسلامی و جایگاه آن در ساختن جامعه، از مدرسه اسلامی چه انتظاری می‌رود؟، مدرسه اسلامی و جریان‌های مخالف آن.

مدرسه اسلامی معاصر، عنوان بخش دوم است و در آن پس از مقدمه‌ای دربارهٔ تهدیدهایی که در قرن بیستم میلادی دامنگیر مدارس اسلامی شد، اشارتی شده است به آنچه مصطفی کمال (آتاتورک) در ترکیه کرد که شمار فراوان مدارس اسلامی را با اقدامات ضد دینی خود که برخاسته از شیر مادر یهودی او بوده است در ۱۹۲۵م به ۲۶ باب، در ۱۹۲۷م به ۲ باب رسانید و در ۱۹۳۰م بساط مدارس اسلامی (حوزه‌های علمیه) را در ترکیه برچید، نیز به اقدامات ضد انسانی و ضد اسلامی فرانسویان اشغالگر در الجزایر در طول یکصد سال تلاش‌های شوم آن‌ها برای از میان بردن مدرسه و فرهنگ آموزشی اسلامی در الجزایر اشاره شده است.

در فصل یکم این بخش، ابتدا به اقدامات ضد اسلامی شماری از حاکمان کشورهای اسلامی علیه اسلام و تأثیرات نامبارک این اقدامات بر مدرسه اسلامی پرداخته شده؛ از آن‌هاست: محمد علی پاشا در مصر، آتاتورک در ترکیه، رضا پهلوی در ایران، جمال عبدالناصر

در مصر. نگارنده از میان سران یادشده از آتاتورک و محمد علی پاشا و عبدالناصر با تفصیل یاد کرده است؛ سپس به اقدامات مصلحان مسلمان علیه این حاکمان ضد دین پرداخته شده است. کسانی یا تشکیلاتی چون: شیخ بدیع‌الزمان نورسی (۱۲۹۲-۱۳۷۹ق) در ترکیه و دو جنبش نوری و اتحاد محمدی که پدید آورد، نیز جنبش نقشبندیه و تیجانیه در ترکیه، جنبش سنوسیه در لیبی، شوکانیه در یمن، جنبش جمال‌الدین [اسدآبادی] و محمد عبده در مصر، عبدالرحمن کواکبی در سوریه، فداییان اسلام در ایران، جماعت اسلامی در پاکستان، اخوان‌المسلمین در مصر، حزب ماشومی در اندونزی.

در ادامه این بحث، از جایگاه علم و تعلیم در اسلام و فعالیت‌های تخریبی غربیانی چون: کرومر، دانلوپ، آربری، زویمر علیه آموزش در جهان اسلام و نیز تربیت اسلامی و مقایسه آن با تربیت غربی و برتری‌های آن سخن رفته است و با اشارتی به انواع و مراحل مدرسه اسلامی، فصل به فرجام رسیده است.

فصل دوم این بخش دربارهٔ تأسیس مدرسه اسلامی و ساختار اداری آن است و در پاسخ به این پرسش که بر کیست که مدرسه اسلامی برپا کند، دولت و وزارت اوقاف، صاحبان صنایع و شرکت‌های بزرگ و ثروتمندان، بانک‌ها و نهادهای پولی، نهادهای اجتماعی مدنی غیردولتی، احزاب و تشکل‌های سیاسی، سازمان‌های تربیتی جهان اسلام مسئول این امر معرفی شده‌اند.

در شرح ساختار اداری مدرسه اسلامی از مدیر و معاونان او و مسئولیت‌های آنان، تقسیمات درون‌ساختاری، بودجه مدرسه، محل تأمین بودجه مدرسه، خدمات آموزشی مدرسه، خدمات اجتماعی مدرسه، فعالیت‌های گوناگون در مدرسه، یاد شده است.

هدف‌ها و روش‌ها در مدرسه اسلامی، عنوان بخش سوم است. در فصل یکم این بخش، هدف‌های مدرسه اسلامی به عام و خاص تقسیم شده است. در شرح هدف‌های کلی یا عام از ایجاد عقاید صحیح در شاگردان، ایجاد اندیشه درست نسبت به عبادات و تکوین [روحیه] عبادت در آن‌ها، ایجاد اخلاق اسلامی در شاگردان یاد شده است.

هدف‌های خاص مدرسه اسلامی شامل این مواد است: آموزش دانش و معرفت به فراگیرندگان، پرورش فرهنگ عمومی در آنان، مجهز ساختن آنان به حرفه و فن و هنر، آموزش سیره نبوی(ص) به آنان، آشنا ساختن آن‌ها با تاریخ اسلام و کشورشان.

فصل دوم بخش فرجامین کتاب دربارهٔ روش‌های آموزشی در مدرسه اسلامی است. در این فصل، روش، در معنایی اعم از عامل، ابزار، روش به کار رفته است. نگارنده روش‌ها را نیز به

کلی و خاص تقسیم کرده است. روش‌های کلی شامل موارد ذیل است: ساختمان آموزشی، تربیت معلم شایسته، تهیه و تدوین برنامه آموزشی مناسب، تهیه کتاب درسی خوب، فراهم ساختن کتابخانه مجهز در مدرسه، ایجاد فضای آموزشی مناسب.

روش‌های خاص مورد اشاره در متن عبارت‌اند از: روش‌های تدریس، وسایل کمک‌آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه و برون‌مدرسه‌ای، خدمات اجتماعی و آموزشی مدرسه در درون و بیرون مدرسه.

گفتنی است متن اثر خالی از غلط نیفتاده است، مثلاً در صفحه ۷۳، وفات ابوالحسن قابسی، سال ۵۳۹ق ضبط شده است حال آن‌که وی در ۴۰۳ق از دنیا رفته است. نام کتاب قابسی به صورت احوال المتعلمین و احکام المعلمین والمتعلمین ضبط شده است، درست آن الرسالة المفصلة لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین والمتعلمین است. در همین صفحه مطالبی از زبان جاحظ اما بدون ذکر منبع آورده شده است. نیز آمده است که جاحظ در رسالة المعلمین برنامه کمابیش مفصلی برای آموزش کودکان بیان کرده است. حال آن‌که همه متن شناخته‌شده و موجود رسالة المعلمین جاحظ به ۳۰۰ واژه نمی‌رسد.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

احمد شلبی، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱)؛ منیرالدین احمد، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت (تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۴)؛ احمد فؤاد اهوانی، التربية الاسلامية او التعليم فى رأى القابسى (قاهره، دار احياء الكتب العربية، ۱۹۵۵م)؛ محمد عزیز ساحلی، قضية التربية والتعليم من خلال فكر زعماء الاصلاح (بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م).

۳۳
التربية الاسلامية للاولاد منهجاً و هدفاً و اسلوباً[1]

عبدالمجید طعمه حلبی. چاپ دوم: بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۳۳۵ص، وزیری.

نگارنده این اثر پذیرفته است که کتابش بی‌همال نیفتاده است و بسیارند کتاب‌هایی دیگر که به موضوع این کتاب پرداخته‌اند. اما بساط کاوش در این موضوع هرگز برچیده نخواهد شد. این استمرار، لازمه استمرار زندگی و تحولات آن، از جمله در حوزه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی است، وانگهی چالش‌هایی فراروی تربیت اسلامی و در رأس آن‌ها نظام‌های تربیتی غربی و رشد روزافزون تربیت‌پژوهی در جهان است (ص ۳۲۹).

کتاب حاضر بر اساس قرآن، روایات نبوی و آثار عالمان مسلمان به‌ویژه صاحبان آرا و آثار تربیتی پرداخته شده است. کتاب از مقدمه، خاتمه، ده فصل دوتا هفت‌گفتاری فراهم آمده است.

جنبه اسلامی برخی از بحث‌های این کتاب ضعیف است و برای پردازش موضوع، بیشتر به افکار و اقوال مستقیم یا غیرمستقیم غربیان تکیه یا استناد شده است، مانند: بحث مرحله بلوغ (نوجوانی) که در فصل فرجامین کتاب بررسی شده است.

در فصل آغازین، بحث بر سر مفاهیم اساسی است که پیش از ازدواج و تشکیل خانواده باید دانسته شوند. این فصل دربردارنده گوشه‌ای از مطالبی است که اسلام برای برپایی درست خانواده پیش‌رو نهاده است. این مطالب چهارگانه پایه و مایه تشکیل خانواده‌ای سعادتمند است.

---

۱. تربیت اسلامی فرزندان: برنامه، هدف، روش

فصل دوم دربارهٔ هدف‌های تربیتی و مربی و شروط اوست که در قالب دو گفتار عرضه گشته است. در گفتار اول سخن از اهمیت تعیین و تعریف هدف‌های تربیتی و بیان مفهوم تربیت و سطوح چهارگانه اهداف تربیتی است. در گفتار دوم به مربی و صفات مربی موفق از نگاه اسلام و شماری از احکام و آداب و سنن نوزاد در اسلام، و مسجد و تربیت اشاره شده است.

تربیت بدنی در فصل سوم بازشکافی گشته است. این فصل دارای هشت گفتار به شرح ذیل است: اهمیت تربیت بدنی، هدف‌های تربیت بدنی، اشارتی به شماری از فعالیت‌های ورزشی در اسلام، فواید و ارزش بازی، برخی از اصول خوردن و آشامیدن، تربیت بدنی و آداب خوابیدن، توجه به بهداشت و پاکیزگی، پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آن‌ها.

در فصل چهارم با تربیت اخلاقی آشنا می‌شویم. تعریف اخلاق و اقسام آن، روش‌های تحقق رشد اخلاقی، قابلیت پرورش اخلاقی کودکان، رهنمودهای شریف نبوی، اهتمام سلف صالح به تربیت اخلاقی فرزندانشان، آغاز تربیت اخلاقی کودکان، هجده ادب و سنت تربیتی کودکان برگرفته از سنت شریف نبوی، مطالب این فصل است.

فصل پنجم دربارهٔ تربیت عبادی (روحی) است که در پنج گفتار پرداخته شده است. نخست مطالبی کلی دربارهٔ عبادت در اسلام و سپس: نماز و کودک، روزه و کودک، زکات و مفهوم عبادی آن، آثار تربیتی زکات، حج و کودک.

تربیت عقلی موضوع فصل ششم است. سرآغاز این فصل بیان هدف‌های تربیت عقلی است؛ سپس فعالیت‌های شناختی عقل تحریر گشته است. گفتار سوم این فصل دربارهٔ چگونگی تحقق تربیت عقلی است و پس از آن از رابطه تربیت عقلی و ایمان یاد شده است. روش‌های عقلی پرورش ایمان، و تربیت عقلی و تربیت علمی کودک دو گفتار پایانی این فصل است.

فصل هفتم برای بررسی تربیت عاطفی باز و با تعریف عاطفه آغاز شده است. اهمیت تربیت عاطفی، بهداشت روان و مبانی آن در کودکان، برخی از روش‌های تربیت عاطفی، میانه‌روی در محبت به کودک دیگر بحث‌های این فصل است.

فصل هشتم دارای سه گفتار و دربارهٔ تربیت اجتماعی است. نویسنده این فصل را با شرح مظاهر هفت‌گانه تربیت اجتماعی آغاز کرده است. در گفتار دوم از تربیت اسلامی و جنبه اجتماعی یاد شده و در گفتار سوم به پرورش روحیه اجتماعی در کودک پرداخته شده است.

فصل نهم ویژه واکاوی در دیدگاه‌های تربیتی نسبت به رابطه کودک با والدین اوست. مطالب این فصل در پنج گفتار قلمی گشته است. در گفتار نخست از حکم نیکی و حدود آن سخن رفته است. اهمیت نیکی به والدین در گفتار دوم آمده است. حقایق و مطالبی مهم در مسئله نیکی به والدین در گفتار سوم بررسی شده است. گونه‌ها و حوزه‌های نیکی به والدین، و عاق والدین به‌ترتیب در گفتار چهارم و پنجم آورده شده است.

فرجامین فصل کتاب، بحث و بررسی دربارهٔ مرحله بلوغ (نوجوانی) است که گفتار پایه آن، مقدماتی کلی در باب مرحله بلوغ و گفتار پایان آن مفهوم نوجوانی در تربیت اسلامی است. دیدگاه‌های روان‌شناسان دربارهٔ نوجوانی، انواع نوجوانی، رویکردهای رفتاری نوجوان، شکل‌های کلی نوجوانی، مهم‌ترین ویژگی‌های نوجوان و نوجوانی دیگر بحث‌های این فصل است.

نگارنده در خاتمه از مزیت‌های ده‌گانه کتاب خود یاد کرده است. گفتنی است برخلاف مدعی نویسنده (ص۹)، در کتاب ایشان کاستی‌هایی رخ داده است، مثلاً (در ص۷) اسلوباً، الوباً، و (در ص۲۵۷) المبحث الخامس، المبحث الثالث آمده است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

محمد داوودی، تربیت دینی (چاپ ششم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹)؛ مجید رشیدپور، معلم نمونه (چاپ سوم: تهران، پرنیان، ۱۳۷۶)؛ مقداد یالجن، جوانب التربیة الاسلامیة الاساسیة (ریاض، [بی‌نا]، ۱۴۰۶ق)؛ سید کاظم عذاری، مرحلة المراهقة: مظاهر النمو و مقومات التربیة (قم، مجمع جهانی اهل‌بیت(ع)، ۱۳۸۶).

۳۴
التربية الاسلامية للطفل والمراهق[1]

محمـد جمـال‌الـدين علـی محفـوظ. [چـاپ اول]: مـصر، دارالاعتـصام، [۱۹۸۶]. ۳۰۲ص، رقعی، جدول.

کتاب حاضر که به قلم سرلشکر محفوظ، رئیس ستاد ارتـش مـصر در پـیش از ۱۹۷۵م نوشـته شده است دارای مقدمه و ده گفتار اسـت. مباحـث گفتـار اول تـا شـشم (ص۸۷) بـر اسـاس مباحث روان‌شناختی تحریر گشته و ارتباطی به تربیت اسلامی ندارد.

در پنج گفتار نخست کتاب به اهمیت تربیت در دوران کودکی و نوجوانی، بهداشت روانی و روان‌شناسی سازگاری، بهداشت روانـی کـودک، مظـاهر و نـشانه‌هـای ناسـازگاری در کـودک، بهداشت روانی نوجوان پرداخته شده است.

در گفتار ششم، دربارۂ خانواده و ایجاد شخصیت مسلمان بحث شده است. نگارنده مطالب این گفتار را در سه فراز پرداخته است. اول: تشکیل خـانواده در اسـلام کـه در آن از جملـه در خصوص اهمیت خانواده، عنایت اسلام به خانواده، حق گزینش همسر، حقوق هر یک از زن و شوهر، محبت به کودکان، حقوق والدین بـر فرزنـدان گفتگـو شـده اسـت. دوم: شـکل‌گیـری شخصیت مسلمان، در این فراز به حقیقت شخصیت اسلامی، آزادی و کرامت انسان، بهداشت روانی اشاره شده است؛ سپس در فراز سوم بهداشت جسمی مطرح شده است.

گفتار هفتم دربارۂ تربیت اسلامی در خانه است و در آن به مسائل ذیل پرداخته شده اسـت: ایجاد عقیده درست، عـادت و تمـرین دادن نـسبت بـه عبـادات، آمـوزش، تنبیـه، نشـست و

---

۱. تربیت اسلامی کودک و نوجوان

برخاست و دوستی والدین با فرزندان، عدالت میان فرزندان، یکپارچگی و انسجام خانوادگی، سرپرستی از یتیم.

عنوان گفتار هشتم، تربیت اسلامی در مدرسه است. در شرح و شکافت این عنوان از مطالب زیر یاد شده است: جایگاه مدرسه در میان عوامل تربیتی، مفهوم صحیح تربیت، رابطه میان مدرسه و شاگردان، معلم جانشین پدر، تنبیه ابزار پیشگیری از سرکشی شاگردان، مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دبیرستان (بی‌توجهی و عدم احساس مسئولیت، دروغگویی، گوشه‌گیری)، هدف‌های تربیت اسلامی در مدرسه (تربیت عقلی و جسمی، توجه به اوقات فراغت، پرورش دینی و اخلاقی).

گفتار نهم، تربیت اسلامی در جامعه عنوان گرفته است. سرآغاز این گفتار اشارتی است به مسئولیت مشترک خانه و مدرسه و جامعه در قبال تربیت شاگردان. پس از آن به برنامه و روش اسلام در تربیت رفتاری به شرح ذیل پرداخته شده است: تربیت وجدان دینی، اقناع، تشویق و تهدید، درآمیختن تربیت عقلی با تربیت دینی، نقش تربیتی مسجد، سرمشق نیکو، برگزیدن دوست نیکو، پرهیز از تقلید چشم‌بسته، اقتدا به سلف صالح، پرورش روحیه جنگ و جهاد، پیوند دادن اطاعت و انضباط به دین، پرورش جسم نیرومند، پرورش شجاعت روحی و اخلاقی، مطالعه تاریخ نظامی، پرورش هوشیاری نسبت به امنیت و پاسداری از خانواده، ایستادگی در برابر جنگ روانی و پیشگیری از گسترش شکایات.

پندهایی سودمند در تربیت رفتاری، عنوان گفتار دهم است که بر اساس سخنرانی‌های پدر مؤلف که از بزرگان الازهر بوده است، پرداخته شده و شامل مباحث ذیل است: پرورش کودک برای مرد شدن، استقامت و تأثیر آن بر اصلاح فرد و جامعه، حقوق فرزندان بر پدران، حقوق پدران بر فرزندان، راز روزه‌داری، اثر نمازگزاری، پایبندی به نماز و خشوع در نماز.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمود عمر حاجی، دنیا المراهقة (دمشق، دارالمکتبی، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۷م)؛ محمدعلی سادات، رفتار والدین با فرزندان (چاپ دوم: تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲)؛ محمد حسن بریغش، ادب الاطفال اهدافه و سماته (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ق)؛ سید علی حسینی‌زاده، تربیت فرزند (چاپ چهارم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴).

۳۵

التربیة الاسلامیة المعاصرة فی مواجهة النظام العالمی الجدید[1]

عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب. چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م. ۳۶۴ص، وزیری.

کتاب حاضر برآمده از هفده مقاله از نگارنده است که پیش‌تر به چاپ رسیده‌اند. وجه مشترک این مقالات کوتاه و بلند، پیوند آن‌ها با تربیت اسلامی است. این مقالات سازوار با موضوع آن‌ها به سه گروه تقسیم شده و هر گروه در بخشی با عنوانی ویژه گنجانده شده است.

در بخش یکم که تربیت اسلامی و جهانی شدن اسلام در آینده عنوان گرفته است با هشت مقاله آشنا می‌شویم: تربیت اسلامی و نظام جهانی جدید؛ بازگشت به بحث تربیت اسلامی و نظام جهانی جدید؛ اولویت اصلاحات تربیتی برای کار اسلامی؛ آموزش تربیتی دانشجویان علوم اسلامی الازهر: مطالعه موردی؛ گفتمان تربیتی اسلامی در مصر رو به کجا...؛ روش اتخاذ تدابیر تربیتی در مصر؛ نظام آموزشی دو نیم‌سالی [الازهر: مطالعه موردی]؛ اصلاحات آموزشی کلید هر گونه رشد و توسعه؛ آموزش و پرورش در دولت اسلامی.

وجه اشتراک خاصی که موجب شده است هشت مقاله یادشده ذیل عنوان واحد قرار گیرند، تعلق کم‌رنگ و پررنگ آن‌ها به بحث اصلاحات آموزشی در جهان اسلام است.

عنوان بخش دوم گامی فراسوی روش‌شناسی تازه برای پژوهش در تربیت اسلامی است.

این بخش حاوی پنج مقاله با عناوینی است که برخواهم شمرد: تجربه من در پژوهش در تربیت اسلامی؛ پژوهش در تربیت اسلامی در دانشگاه‌های مصر و عربستان: نقد و تحلیل؛

1. تربیت اسلامی معاصر در رویارویی با نظام جهانی جدید

گامی فراسوی روش‌شناسی علمی پژوهش در تربیت اسلامی؛ گامی فراسوی ساختاری اسلامی برای روش‌های تحقیق در تربیت اسلامی؛ وظایف و اولویت‌های پژوهش‌های معاصر در تربیت اسلامی. پنج مقاله این بخش بر حول محور روش‌شناسی تحقیق در تربیت اسلامی می‌گردند.

بخش سوم که میراث مکتوب تربیتی یکی از آبشخورهای تربیت اسلامی نام گرفته است دارای چهار مقاله با این عنوان‌هاست: پیش‌نویس طرح مطالعه [و معرفی] میراث مکتوب تربیت عربی ـ اسلامی؛ زندگی و افکار تربیتی ابن‌سینا؛ عربی ساختن آموزش [در دانشگاه‌ها]: گذشته و حال و آینده؛ نقش اسلام و آموزش‌های اسلامی در توسعه منابع طبیعی و محافظت از آن‌ها.

روشن است که مقالات این بخش گاه کم و گاه بیش با مقوله میراث مکتوب تربیتی ارتباط دارند لذا یک‌جا جمع شده‌اند.

یادکردنی است که مقالات گردآمده در این کتاب بدون ویراست جدید به چاپ رسیده‌اند و گاه چندان استوار نیفتاده‌اند و سطحی می‌نمایند. اما در عین حال بسیاری از آن‌ها تهی از نوآوری نیستند و دست‌کم در فارسی موضوعاتی نو به شمار می‌روند.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب، روش‌شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت: رویکردی اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ اول: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷)؛ همو، دلیل مستخلصات الرسائل الجامعیة فی التربیة الاسلامیة (عمان، جمعیة الدراسات والبحوث الاسلامیة، ۱۹۹۲م)؛ سعید اسماعیل علی، اصول التربیة الاسلامیة (چاپ اول: قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۵م)؛ محمد جواد رضا، التربیة الاسلامیة: تساؤلات حول جدلیة الاسلام والحداثة (چاپ اول: عمان، دارالیازوری، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م).

۳۶

تربیة الاطفال فی ضوء القرآن والسنة[1]

یوسف بدیوی و محمد محمد قاروط. چاپ دوم: دمشق، دارالمکتبی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م. ۲ج، ۴۸۵+[۴۸۱]ص، وزیری.

قرآن و سنت [نبوی] دو آبشخور اصلی است که [باید] خانواده مسلمان برای هدایت و تربیت فرزندان خود و ساختن جامعه و تمدن همه‌جانبه بر آن دو تکیه کند و بسیار شایسته است که مسلمانان با روش و برنامه تربیتی قرآن و سنت آشنا و از این دو سرچشمه زلال سیراب شوند (ص۶). از این‌رو این کتاب قلمی شده است تا والدین و مربیان نیازهای خود دربارهٔ تربیت کودک را در آن بیابند. کتابی که در نوع خود یگانه و دارای نتایج شگرف و ثروت تربیتی ارزشمندی است (ص۶).

گفتنی است برخلاف آنچه نویسندگان گمان برده‌اند، آثاری از این دست در میان عربان کم نگاشته نشده است، وانگهی این کتاب که به آفت فربگی مبتلا گشته، نه دارای نتایج عجیب و شگرف در حوزه تربیت اسلامی است و نه ثروتی ارزشمند در این زمینه به شمار می‌رود.

مطالب کتاب به دو قسمت کلی یعنی تربیت اسلامی در قرآن و سنت و تربیت کودک در گسترهٔ خانواده و جامعه تقسیم و هر قسمت شامل چند بخش چندفصلی است. حجم قسمت دوم بیش از دو برابر قسمت نخست است که نیمی از جلد اول و همه جلد دوم را گرفته است.

قسمت نخست که دربارهٔ تربیت اسلامی در قرآن و حدیث [نبوی] است دارای سه بخش به شرح ذیل است:

---

۱. تربیت کودکان در پرتو قرآن و سنت

در بخش نخست که فاقد عنوان است در طی سه فصل از معنای تربیت اسلامی، مبانی تربیت اسلامی و ویژگی‌های آن یاد شده است. بخش دوم که دربارهٔ تربیت در قرآن است از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل نخست از نداها و خطاب‌ها در قرآن سخن رفته و از ندا در زمینه‌های گوناگون و انواع ندا در قرآن یاد شده است.

عنوان فصل سوم این بخش، برنامه تربیتی قرآن کریم است و در بازشکافت موضوع از جنبه‌ها و ابعاد پنج‌گانه‌ای از تربیت در قرآن یعنی، تربیت عقلی، روحی، اخلاقی، عاطفی و جسمی سخن رفته است.

در فصل فرجامین این بخش که عنوان مفاهیم قرآنی ضروری برای کودکان را به آن داده‌اند، نخست از تفکر علمی و عینی در قرآن؛ سپس تدبیر در آفرینش در قرآن و سرانجام قواعد اخلاقی و رفتاری در قرآن بحث شده است.

بخش دوم قسمت اول دربارهٔ تربیت در حدیث نبوی است. مطالب این بخش هم در قالب چهار فصل نگارش یافته است. در فصل یکم سخن بر سر اوضاع و احوال عرب جاهلی و تحولاتی است که حضرت پیامبر(ص) پدید آورد تا معلوم شود تعلیم و تربیت دو پایه دعوت به اسلام بوده و علم و تعلیم اگر با ایمان و تربیت درنیامیزد ارزشی ندارند (ص۲۳۶).

در فصل دوم به ارکان چهارگانه برنامه تربیتی رسول خدا(ص) یعنی تلاوت، تعلیم، حکمت و تزکیه پرداخته و هر یک بازشکافی گشته است. مثلاً در شرح حکمت از محورهای سه‌گانه حکمت نبوی و نیز ویژگی‌های آن یاد شده است.

ویژگی‌های تربیت نبوی در فصل سوم بررسی شده و آمده است که این تربیت فراگیر است و هیچ امری را در زندگی انسان فرونمی‌نهد و مبتنی بر [اصل] تدریج است، از فرصت‌ها و بزنگاه‌ها استفاده می‌کند، در شرایط دشوار افراد را می‌آزماید، حال و شرایط متعلمان را لحاظ می‌کند.

فصل چهارم به بحث و بررسی روش‌های تربیت نبوی اختصاص یافته و در واکاوی موضوع از چهار روش سخن رفته است: تربیت با اسوه حسنه، آموزش مستقیم و استنتاجی و استقرائی، آموزش غیرمستقیم و تربیت عملی.

قسمت دوم کتاب حاضر هم سه بخش دارد. بخش اول دربارهٔ نقش خانواده در تربیت کودکان و دارای چهار فصل است که سه فصل آن در این جلد آمده است. در فصل اول از جمله به انتخاب همسر و ویژگی‌های زن مناسب، حقوق جنین، مراقبت از نوزاد و آداب و سنن

آن، تربیت از آغاز کودکی، نظارت پدر بر تربیت فرزندان، زنده‌به‌گور کردن نوزادان دختر و نگاه اسلام به زن، آشنا ساختن کودک با ارزش‌ها و آداب و سنن و تربیت اخلاقی کودک پرداخته شده است.

فصل دوم دربارهٔ پرورش فکر و عقیده و جسم کودک است و در آن ابتدا از عوامل پرورش فکر و عقیده یاد شده است. یعنی آشنایی با قرآن و سنت نبوی و اخبار و احوال نیکان، رفتار مهرآمیز با کودک؛ سپس به سلامت و بهداشت او و پس از آن به تربیت هنگام بلوغ پرداخته شده است.

در فصل سوم به عبادت در زندگی کودک نظر شده و در شرح و بسط موضوع به مطالب ذیل اشارت رفته است: تشویق و آموزش کودک برای عبادت، طهارت و وضو و فضیلت‌های آن دو، چگونگی آموزش نماز به کودک، روزه و کودک، صدقه و کودک.

جلد دوم این اثر با فصل چهارم بخش اول قسمت دوم آغاز می‌شود. عنوان این فصل تربیت کودک و اسوه حسنه است. برای بازشکافت این موضوع، ابتدا از نقش روابط اجتماعی و لزوم گزینش دوستان صالح سخن رفته و در ادامه بحث از آداب معاشرت، دوستی و اهمیت آن، دوستی در خانواده و مدرسه یاد شده است. پرهیز از محیط‌های نامناسب، حفظ قرآن کریم، آشنایی با مفاهیم قرآنی از جمله عوامل مؤثر در تربیت کودک است. عدالت میان فرزندان، هماهنگی پدر و مادر در تربیت فرزند، اسوه حسنه و تربیت با سرمشق، رسول خدا(ص) سرآمد همه اسوه‌های حسنه، شخصیت معلم و تأثیر او بر شاگرد دیگر بحث‌های این فصل است.

بخش دوم این قسمت در زمینه حقوق کودکان و تعلیم و تربیت آنان است. در فصل اول این بخش چهارفصلی با حقوق کودک در اسلام آشنا می‌شویم. در ذیل این عنوان مفاهیم زیر آمده است: فضیلت تربیت اسلامی و هدف‌های آن، تربیت روحی و جسمی، تربیت عقلی، بازی، خطر کوتاهی در بهداشت و سلامت کودک، حق نسب، به فرزندی گرفتن، حق رضاع، حق حضانت، زنان مربی و نقش آن‌ها در تربیت کودک، حق کودک سر راهی در اسلام، حق یتیم.

در فصل دوم به رعایت حقوق دیگران از سوی کودک اشاره شده است. حقوقی که به عهده کودک است عبارت‌اند از: حق والدین، حق ارحام و نزدیکان، حق همسایگان، حق معلم، حق دوست و رفیق و همنشین، حق بزرگ‌تران.

آموزش آداب و اخلاق عمومی به کودک در فصل سوم شرح و شکافته شده است. از جمله این آداب است: آداب خوردن و آشامیدن، آداب میهمانی، سلام کردن، اجازه ورود گرفتن، آداب مجلس، آداب سخن، آداب شوخی، آداب ملاقات بیمار.

موضوع فصل چهارم، نقش مدرسه و مهد کودک در تربیت است و در آن مطالب چهارده‌گانه ذیل مورد بررسی قرار گرفته است: برنامه و روش‌های تربیتی در مدرسه، مدارس سنتی اسلامی، استعمار غرب و برنامه‌های آموزشی، نقش مدرسه‌ای مسجد، دور افتادن مساجد از حوزه تربیتی، ضرورت آموزش زبان عربی، فرهنگ کودک، مهد کودک و مشکلات کودکان در آن، نقش مهد کودک در رشد اجتماعی، همکاری میان خانه و مهد کودک، آموزش و مهد کودک، اهمیت برنامه آموزشی مهد کودک.

بخش سوم با عنوان مشکلات کودکی و نوجوانی و راه‌حل‌های آن‌ها در چهار فصل سامان یافته است. در فصل نخست، مشکلات کودکی و راه‌حل‌های آن بررسی شده است. سرآغاز این فصل اشارتی است به غرایز در کودک و مشکلات ادرار غیرارادی، مکیدن انگشت، جویدن ناخن، حسادت، لجاجت که مربوط به کودکی اول است. مشکلات کودکی دوم به بعد [سن مدرسه تا بلوغ] و عبارت‌اند از: نافرمانی، دروغگویی، ناسازگاری، ترس، بزهکاری، سرقت، کاهلی، پرخاشگری، بی‌توجهی به نماز. در این فصل به راه‌حل‌ها کمتر پرداخته شده است.

فصل دوم به کندوکاو در مشکلات نوجوانی و راه‌حل‌های آن‌ها اختصاص یافته است. این فصل با اشارتی به تقسیم مراحل زندگی و اهمیت نوجوانی و بحث‌هایی دربارهٔ نوجوانی و بلوغ و عوامل مؤثر در نوجوانی آغاز گشته است؛ سپس به مشکلات نوجوانی به شرح ذیل پرداخته شده است: دروغگویی، تحریک‌پذیری، سرپیچی، رشد جنسی. در ادامه این فصل از راه‌حل‌های مشکلات نوجوانی بر پایه قرآن و سنت سخن به میان آمده است.

در فصل سوم اشارتی رفته است به کودکی حضرت رسول اکرم(ص) و شماری از صحابه آن جناب و دیگران.

گفتنی است در این اثر گاه مطالب تکرار ناروا شده است مانند حوزه‌های تربیت که در هر دو جلد آمده است. گاه در ضبط روایات بی‌دقتی شده است مثلاً در جلد اول، صفحه ۴۰۱ آمده است: حزنتْ که درست آن حزنتُ است. برخی از عناوین متن با عنوان جلد سازگاری ندارد، مثلاً قسمت اول را تربیت اسلامی در قرآن و حدیث خوانده‌اند حال آن‌که عنوان کتاب تربیت کودک در پرتو قرآن و سنت است. روشن است که عنوان قسمت اول اعم و اشمل از

عنوان کتاب است. دیگر آن‌که آنچه دربارهٔ تربیت نوجوان و نوجوانی است با عنوان کتاب همخوانی ندارد. فرجامین فصل کتاب، هیچ بار تربیتی ندارد و خارج از موضوع می‌نماید.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:
احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷)؛ عبدالله ناصح علوان، تربية الاولاد فی الاسلام (چاپ سی‌ام: قاهره - بیروت، دارالسلامة - دارالفکر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)؛ مؤسسه بعثت، الطفل نشؤه و تربیته (چاپ اول: تهران، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۰ق)؛ عباس محجوب، مشکلات الشباب، الحلول المطروحة والحل الاسلامی (چاپ سوم: قطر، رئاسة المحاکم الشرعية، [بی‌تا])؛ سید علی حسینی‌زاده، تربیت فرزند (چاپ چهارم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴).

۳۷
تربیة الاولاد فی الاسلام[1]

عبدالله ناصح علوان. چاپ سی‌ام: قاهره - بیروت، دارالسلام للطباعة والنشر والتوزیع والترجمة - دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م. ۲ج، ۳۸۴+۴۱۶ص، وزیری.

نوشتار حاضر که به فارسی هم ترجمه شده است: احمد بهشتی، اسلام و تربیت کودک (چاپ اول: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰) از اندک تربیت‌نگاشت‌های اسلامی است که با استقبال عمومی روبه‌رو گشته و تاکنون (۱۳۸۹) گمان می‌کنم به چاپ چهلم هم رسیده است. نگارنده کتاب که از تحصیل‌کردگان الازهر است بر این باور است که کتابش شرحی از برنامه کامل و صحیح تربیت فرزند در اسلام است و با مطالعه آن معلوم می‌شود که اسلام ماهیتی فراگیر دارد و در تربیت و اصلاح، دارای روشی ویژه است که اگر به آن عمل شود آرامش و امنیت و نیک‌بختی جایگزین ناآرامی و ترس و نگون‌بختی خواهد شد و روشن خواهد گشت که اسلام دین زندگی و انسانیت و آگاهی و تربیت و اصلاح است.

در تربیت‌نگاشت‌های اسلامی، اثری که به‌طور کامل و فراگیر و مستقل به تربیت فرزند در اسلام از زادن تا بلوغ و نوجوانی بپردازد وجود ندارد و خدا می‌داند پدیدآورنده این کتاب برای فراهم آوردن چنین اثری تا چه مایه کوشیده است و چه پایه در منابع و مراجع جستجو کرده است. وی حاصل سخت‌کوشی و پرجویی خود را در مقدمه و سه پاره و هر پاره را در چند فصل قلمی کرده است (ص ۱۱-۱۲).

پاره نخست از چهار فصل برآمده است: در فصل یکم که ازدواج آرمانی و رابطه آن با تربیت، عنوان گرفته است، ابتدا از سه منظر به ازدواج پرداخته شده است: ازدواج لازمه سرشتی

---

۱. تربیت فرزندان در اسلام

انسان است، ازدواج مصلحتی اجتماعی است، ازدواج امری اختیاری و برنهاده بر گزینش است؛ سپس اشاره شده است که آنچه آمده مهم‌ترین مبانی ازدواج و روابط آن با مسائل تربیت است.

عنوان فصل دوم، احساسات باطنی نسبت به فرزندان است و در آن اشارت رفته است که محبت به فرزندان سرشتی والدین است همچنان که مهربانی و رحمت به فرزند از موهبت‌های خداوند به بندگان است. پس از این به خوی زشت جاهلی بیزاری از دختر و فضیلت شکیبایی در مرگ فرزند و برگزیدن مصالح اسلام بر علاقه به فرزند و لزوم تنبیه فرزند برای تأمین مصالح تربیتی او پرداخته شده است.

در فصل سوم به احکام عام مربوط به نوزاد در قالب چهار بحث نظر شده است، یعنی مستحب بودن مژده دادن ولادت فرزند، اذان و اقامه در گوش راست و چپ او، کام برداشتن از نوزاد، تراشیدن موی سر او.

بحث دوم دربارهٔ نام نهادن بر نوزاد و احکام آن و شامل این موارد است: زمان نام‌گذاری، نام‌های نیکو و ناپسند، برگزیدن کنیه برای نوزاد و فواید آن، چند نکته دربارهٔ نام‌گذاری و انتخاب کنیه.

در بحث سوم این فصل از عقیقه و احکام آن سخن رفته است، یعنی: معنای عقیقه، دلالت مشروعیت آن، زمان عقیقه، استحباب عقیقه برای دختر و پسر، کراهت شکستن استخوان عقیقه، احکام کلی عقیقه، حکمت تشریع عقیقه.

بحث پایانی فصل در مورد ختنه نوزاد و احکام آن است و در آن به امور زیر اشارت رفته است: احادیث دال بر مشروعیت ختنه، واجب یا مستحب بودن ختنه، ختنه دختر، زمان ختنه، حکمت ختنه، فواید ختنه.

عنوان فصل فرجامین پاره نخست، عوامل کژپویی فرزندان و درمان آن است. نگارنده در شرح و شکافت این عنوان از موارد زیر یاد کرده است: تنگدستی برخی از خانواده‌ها، درگیری و جدایی میان والدین، طلاق و پیامدهای ناگوار آن از جمله ازدواج مجدد و ناخوشایندی آن برای فرزندان، درست استفاده نکردن از اوقات فراغت فرزندان، دوستی‌ها و معاشرت‌های زیانبار، بدرفتاری والدین با فرزندان، تماشای فیلم‌های جنایی و خلاف اخلاق و عفت، گسترش بیکاری در جامعه، کوتاهی والدین در تربیت فرزندان، مشکلات ناشی از یتیمی. پس از اشاره‌ای کوتاه به هر یک از این عناوین و عوامل انحرافی یادشده، به کوتاهی از راه مبارزه با آن‌ها هم سخن رفته است.

پاره دوم کتاب که دارای هفت فصل است، دربارهٔ مسئولیت‌های مربیان پرداخته شده است. در این پاره که حجم آن به بیش از دو برابر حجم پاره نخست رسیده است پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه به شرح و شناخت هفت مسئولیت مهم مربیان اعم از معلم و والدین پرداخته شده است. به این شرح:

در فصل یکم که به مسئولیت تربیت ایمانی پرداخته شده از جمله به مطالب زیر اشارت رفته است: مراد از تربیت ایمانی، تربیت بر اساس اصول ایمان و ارکان اسلام و مبانی شریعت، رهنمودهایی از رسول خدا(ص) دربارهٔ تربیت ایمانی (آموزش تهلیل به کودک، آموزش حلال و حرام به او، چون هفت‌ساله شد به عبادت امر شود، دوستدار رسول خدا(ص) و اهل‌بیت(ع) بار آوردن او). معرفی کتاب‌هایی چند برای مطالعه بیشتر پایان‌بخش این فصل است.

عنوان فصل دوم، مسئولیت تربیت اخلاقی است و در شرح آن آمده است که تربیت اخلاقی مسبوق به تربیت ایمانی است و نمی‌توان بدون این به آن رسید. والدین مسئول اخلاق فرزند خود می‌باشند و باید مراقب اخلاق او باشند تا به رذایل اخلاقی چون: دروغگویی، دزدی، بدزبانی و دشنام‌گویی، تقلید کورکورانه گرفتار نیاید. در ادامه و در اشاره به نقش حساس والدین در مراقبت از اخلاق فرزندان به پاره‌ای از علل و عوامل کژپویی اخلاقی و لغزش‌های رفتاری فرزندان پرداخته شده است. در پایان، به لزوم عادت دادن فرزندان به خوی نیک و خوش‌رفتاری با دیگران نیم‌نگاهی شده است.

مسئولیت تربیت جسمی در فصل سوم بررسی شده و از جمله آمده است که برنامه اسلام برای تربیت جسمی فرزند در امور ذیل خود نمونه است: واجب بودن تأمین هزینه زندگی زن و فرزند، لزوم پایبندی به اصول بهداشتی در تغذیه و خواب، پرهیز از بیماری‌های واگیردار، درمان بیماری از راه دارو، اجرای اصل لا ضرر و لا ضرار، عادت دادن کودک به بازی‌های ورزشی، عادت دادن فرزند به تحمل سختی‌ها و دوری از نازپروردگی، عادت دادن فرزند به جدیت در زندگی و جوانمردی و کناره‌گیری از سستی و وارفتگی.

همچنین لازم است والدین فرزندان را از استعمال دخانیات، روی آوردن به مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی، خودارضایی جنسی و لواط و زنا به‌شدت منع کنند تا سلامت آنان به خطر نیفتد. نگارنده ضمن اشاره به زیان‌های گوناگون هر یک از رفتارهای فوق به روش‌های پیشگیری از ابتلا بدان‌ها هم اشاره کرده است.

در فصل چهارم با مسئولیت تربیت عقلی فرزندان آشنا می‌شویم. مسئولیت تربیت عقلی فرزند بر سه امر متمرکز است: آموزش، آگاهی فکر، بهداشت و سلامت عقلی. در شرح و شناخت امر اول، ابتدا به توجه خاص اسلام به دانش و آموزش پرداخته شده است و از فرهنگ و تمدن اسلام و تأثیر آن بر غرب سخن رفته است و پس از آن به آموزش از کودکی، آموزش زن، زیان‌های آموزش مختلط، نمونه‌هایی از جرایم جنسی در غرب در میان نوجوانان پرداخته شده است.

نگارنده در واشکافت امر دوم، نخست مراد از آگاهی فکری را شرح داده است؛ سپس افزوده است که برای ایجاد چنین امری در فرزند باید وی را از آغاز با حقایق ذیل آشنا ساخت: جاودانگی اسلام، پیشینیان ما همهٔ عزت و فرهنگ و تمدن خود را از اسلام و گردن نهادن به احکام آن به دست آوردند، دشمنان اسلام علیه اسلام طرح‌ها و برنامه‌ها ریختند. در ادامه به روش‌های ایجاد آگاهی و بینش یادشده اشارت رفته است.

برای روشن شدن امر سوم یعنی سلامت عقلی فرزند به وظایف والدین در پرهیز از رفتارهای نادرستی که به زیان عقلی فرزندان می‌انجامد اشاره شده است: استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر، رفتارهای جنسی غیرشرعی، روی آوردن به محرک‌های جنسی.

عنوان فصل پنجم، مسئولیت تربیت روحی است و در آن پس از بیان مفهوم این‌گونه تربیت و جنبه‌های ایجابی و سلبی آن، آمده است که از مهم‌ترین عواملی که لازم است مربیان و والدین شاگردان و فرزندان را از آن‌ها بازدارند تا در تربیت روحی آنان رخنه‌ای پدیدار نشود عبارت‌اند از: پدیده کمرویی، پدیده ترس، پدیده احساس خودکم‌بینی، پدیده رشک ورزیدن، پدیده خشم. پدیدآورنده هر یک از پدیده‌های اخلاقی یادشده را بررسی کرده و به راه پیشگیری از ابتلای به آن‌ها پرداخته است.

در فصل ششم به مسئولیت تربیت اجتماعی نظر شده است. برای واکاوش این بحث، پس از اشاره به مفهوم تربیت اجتماعی و اهمیت مسئولیت والدین و مربیان در این خصوص، به روش‌های چهارگانه تربیت اجتماعی پرداخته شده است: پدید آوردن اصول روحی و معنوی در فرد (تقوی، برادری، مهربانی، ازخودگذشتگی، بخشش، شهامت)؛ رعایت حقوق دیگران (والدین، خویشاوندان، معلم، دوست، همسایه، بزرگ‌تر)؛ پایبندی به آداب اجتماعی (خوردن و آشامیدن، سلام کردن، اجازه گرفتن، حضور در مجلس، سخن گفتن، شوخی کردن، تهنیت گفتن، ملاقات بیمار، تسلیت گفتن، عطسه زدن و خمیازه کشیدن)؛ نظارت و

نقد اجتماعی (حمایت از افکار عمومی، وظیفه اجتماعی، اصل این حمایت، یاد کردن پیوسته سلف صالح).

فصل هفتم، مسئولیت تربیت جنسی عنوان گرفته است و در آن از جمله اشاره شده است که تربیت جنسی دارای مراحلی به شرح ذیل است: از ۷ تا ۱۰سالگی که به سن تمیز معروف است و در آن به کودک آداب اجازه گرفتن برای وارد شدن به محل استراحت والدین و آداب نگاه کردن آموزش داده می‌شود؛ از ۱۰ تا ۱۴سالگی که دوره نوجوانی است و در آن باید فرزند را از هر گونه تحریک و محرک جنسی دور داشت؛ دوره ۱۴ تا ۱۶سالگی که دوران بلوغ است و در آن به فرزندی که آمادگی و شرایط ازدواج دارد امور مربوط به احکام جنسی آموزش داده می‌شود؛ مرحله پس از بلوغ که به جوانی مشهور است و در آن باید به فرزند آداب پاکدامنی آموزش داده شود. نگارنده هر یک از مراحل یادشده را به‌تفصیل شرح داده است.

پاره سوم کتاب دارای سه فصل است. در فصل یکم به روش‌های مؤثر در تربیت فرزند پرداخته شده است. نگارنده در شرح و شکافت این روش‌ها از پنج روش که جملگی ریشه قرآنی دارند یاد کرده است: تربیت با سرمشق نیکو که در شرح آن از سرمشق بودن رسول خدا(ص) در اخلاق، عبادت، کرم، زهد، تواضع، علم و... یاد شده است؛ تربیت با تلقین و ایجاد عادت؛ تربیت با استفاده از پند و موعظه (در قرآن از شیوه‌های فراوانی برای پند و موعظه استفاده شده است)؛ تربیت از راه نظارت بر شکل‌گیری شخصیت اعتقادی و اخلاقی... فرزند؛ تربیت با بهره‌گیری از تنبیه.

بازشکافت روش‌های یادشده با شرح و بررسی جوانب گوناگون آن‌ها همراه شده است؛ مثلاً در واکاوی روش تنبیه پس از بیان فلسفه عقوبت و روش اسلامی تنبیه فرزند، به برخی از اصول تنبیه اشاره شده و برای نمونه آمده است که تنبیه برای ارشاد و هدایت است و این کار از گوشزد نمودن خطا آغاز می‌شود و به‌تدریج و درنهایت به تنبیه بدنی می‌انجامد.

عنوان فصل دوم قواعد اساسی تربیت فرزند است. پدیدآورنده پیش از واکاوی این موضوع به شماری از ویژگی‌های اساسی اشاره کرده است و از دسیسه‌های کمونیست‌ها، صهیونیست‌ها، فراماسونرها، طغیان برای منحرف ساختن فرد و خانواده و جامعه در کشورهای اسلامی گفته است. آنگاه برای بررسی قواعد اساسی تربیت فرزند از دو قاعده وصل و فصل یاد کرده است.

در شرح قاعده وصل از پیوند اعتقادی، روحی، فکری، اجتماعی، ورزشی فرزند سخن رفته است و در بررسی قاعده فصل از لزوم دور داشتن فرزند از ترک دین، الحاد ورزیدن، لهو حرام، تقلید کورکورانه، دوستان بد، مفاسد اخلاقی، هر گونه حرام، به‌تفصیل یاد شده است.

در فصل فرجامین کتاب به ده رهنمود تربیتی ذیل پرداخته شده است: تشویق فرزند به کسب شرافت؛ رعایت استعدادهای سرشتی او؛ محروم نداشتن او از بازی و تفریح؛ همکاری میان خانه و مدرسه و مسجد؛ تقویت رابطه میان مربی و فرزند؛ حرکت بر اساس برنامه تربیتی در روز و شب؛ فراهم آوردن وسایل فرهنگی و آموزشی مفید برای او؛ تشویق فرزند به مطالعه پیوسته؛ پرورش احساس مسئولیت نسبت به اسلام؛ ژرفا بخشیدن به روحیه جهاد در شخصیت فرزند.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:

سید علی حسینی‌زاده، تربیت فرزند (چاپ چهارم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴)؛
محمد محمدی ری‌شهری، تربیة الطفل فی الاسلام، با همکاری عباس پسندیده (چاپ اول: قم، دارالحدیث، ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶).

۳۸
التربية بالترغيب والترهيب[۱]

عبدالرحمن نحلاوی. [چاپ دوم]: دمشق، دارالفکر آفاق معرفة متجددة، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م. ۱۲۸ص، وزیری.

نوشتار یادشده، پنجمین عنوان از مجموعه‌ای است با این فروست: من اساليب التربية الاسلامية. از مجموعه یادشده دست‌کم تاکنون پنج عنوان به چاپ رسیده است: التربية بالآيات (چاپ اول: دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)؛ التربية بالعبره[۲] (چاپ دوم: دمشق - بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ التربية بضرب الامثال (چاپ اول: دمشق - بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)؛ التربية بالحوار (چاپ اول: دمشق - بیروت، دارالفکر، ۲۰۰۰م).

برای آشنایی با عنوان یکم و سوم بنگرید به: بهروز رفیعی، کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام «گزیده منابع عربی» (چاپ اول: قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه - مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۸۱).

پدیدآورنده (۱۹۲۷ـ۲۰۰۱م)، کتاب را در مقدمه و چهار فصل بسامان و قلمی ساخته است. پس از مقدمه و پیش از فصل یکم، در شرح آبشخورهای دو روش تشویق کردن و بیم دادن، به پنج گروه از آیات قرآن کریم که این دو روش از آن‌ها برگرفتنی است اشارت رفته است.

در فصل یکم، ابتدا به معنای لغوی و قرآنی و تربیتی تشویق و تهدید یا بیم دادن پرداخته شده است؛ سپس به شروط موفقیت این دو روش و مثال‌هایی از مراحل اعمال آن‌ها در قرآن کریم اشاره شده است.

---

۱. تربیت با تشویق و تهدید

۲. این اثر در ص۱۳۷ـ۱۳۹ این کتاب‌شناخت معرفی شده است.

در فصل دوم به تقسیم‌بندی آیات و روایات نبوی دربارهٔ تشویق و تهدید پرداخته شده است: اول به تهدید و ترساندن به عذاب دنیا که در سه مرحلهٔ مقدمه، در معرض عذاب قرار گرفتن و ترسیدن و خشوع کردن، رهنمون ساختن به سوی هدف اشارت رفته است.

دوم، تشویق و تهدید به مرگ و فرشتگان مرگ که بشارت و بیم می‌دهند... تهدید به مرگ هم دارای سه مرحله تمهیدی، رو به مرگ قرار گرفتن و ترسیدن، اشاره به هدف و حقیقت آن در زندگی است. تشویق به مرگ نیز از مقدمه، در شرف مردن و ترسیدن و اشاره به هدف تشکیل شده است.

سوم، تشویق و تهدید و ترساندن به رستاخیز و روز قیامت و روز حساب. این‌گونه تشویق و بیم دادن با عواملی پدید می‌آیند که عبارت‌اند از: غافلگیر کردن و به ناگاه مواجه ساختن، احساس بی‌پناهی کردن و بازماندن از هر یار و یاوری مگر خداوند، سرزنش و تذکر دادن، مجازات و مقابله به مثل، ترساندن از راه توصیف عذاب.

پدیدآورنده در شرح و شکافت هر یک از عوامل پنج‌گانه یادشده به مرحله مقدمه و عرضه و هدف، اشاره کرده است و گاه گونه‌هایی از این عوامل را نیز آورده است.

فصل سوم به واکاوی مهم‌ترین هدف‌های تشویق و تهدید اختصاص یافته است. در این فراز از کتاب نیز در شرح هر هدف به سه مرحله مقدمه و عرضه و هدف پرداخته شده است. هدف‌های برشمارده‌شده به شرح ذیل است: ترساندن از شرک ورزیدن به خداوند و فراخواندن به توحید و اخلاص برای خدا و پرهیز از عذاب؛ پرهیز از تکبر یا فخر فروختن به کفر و تعالی بر خدا؛ پرورش احساس مسئولیت نسبت به هر نیک و بدی که انجام می‌دهیم؛ پرورش انسان برای به‌کارگیری عقل و حواس؛ تربیت انسان به گونه‌ای که خداوند را به پاس نعمت‌هایش سپاس گوید و به فضل خداوند گردن نهد و از ناسپاسی دوری کند؛ تربیت انسان برای عمل به نیکی برای رضای خدا؛ تربیت انسان به گونه‌ای که نسبت به دنیای فانی زهد ورزد و برای حیات باقی آماده گردد؛ یادآوری عظمت خداوند و لزوم پیروی از شریعت و گردن نهادن به رهنمودهای الهی.

فصل فرجامین کتاب، تحلیل روان‌شناختی و تربیتی روش تشویق و تهدید و آثار تربیتی آن‌ها عنوان گرفته است و در آن به تربیت عقلی و تربیت عواطف و احساسات پرداخته شده است. در شرح تربیت عقلی ضمن استناد به آیات آغازین سوره نبأ، به برهانی قرآنی اشاره شده و به تحلیل پدیده‌های روانی فراسوی تلاش عقلانی پرداخته شده است.

برای بازشکافت تربیت عاطفی و احساسی - برخلاف تربیت عقلی که کوتاه افتاده است - به‌تفصیل از مطالب زیر سخن رفته است: حکمت وجود عواطف و احساسات در انسان، کار عواطف و احساسات در انسان، تقسیم آن‌ها به بازدارنده و برانگیزنده، مفهوم تربیت عواطف و احساسات و مراحل آن، برخی از کارهای عواطف و احساسات ربانی، نمونه‌هایی از عواطف ربانی (تربیت احساس ترس از خداوند، تربیت احساس خشوع در برابر خداوند، تربیت احساس محبت به خداوند).

گفتنی است در صفحه ۳۷ کتاب آمده است: ۳... حال آن‌که بعد از اولاً و ثانیاً باید می‌آمد: ثالثاً.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

محمدرضا قائمی‌مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲)؛ مجید رشیدپور، روش‌های تربیتی (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰)؛ عبدالرحمن نحلاوی، اصول التربیة الاسلامیة و اسالیبها فی البیت والمدرسة والمجتمع (بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۷م)؛ عثمان قدری مکانیسی، من اسالیب التربیة فی القرآن الکریم (بیروت، دار ابن‌حزم، ۱۴۲۹ق)؛ حسین جرن و محمود جلو، اسالیب التشویق والتعزیز فی القرآن الکریم (چاپ اول: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)؛ علی قائمی، جایگاه روش‌های تنبیه در تعلیم و تربیت (تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۳)؛ کبری (فرشته) کاشانیها، تشویق و تنبیه از نگاه قرآن (تهران، رامین، ۱۳۷۷)؛ داود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام (قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱).

۳۹

التربية بالعبرة[1]

عبدالرحمن نحلاوی. چاپ دوم: دمشق ـ بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م. ۱۹۲ص، وزیری.

کتاب حاضر دومین عنوان از مجموعه‌ای است با فروست: من اسالیب التربیة الاسلامیة. از این مجموعه دست‌کم چهار عنوان دیگر منتشر شده است: التربیة بالآیات (چاپ اول: دمشق ـ بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)؛ التربیة بضرب الامثال (چاپ اول: دمشق ـ بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م). التربیة بالحوار (چاپ اول: دمشق ـ بیروت، دارالفکر، [۲۰۰۰م]؛ التربیة بالترغیب والترهیب[2] (چاپ دوم: دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م).

برای آشنایی با دو عنوان نخست نگاه کنید به: بهروز رفیعی، کتاب‌شناسی توصیفی ـ تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام «گزیده منابع عربی» (چاپ اول: قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ـ مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۸۱).

یکی از مؤثرترین روش‌های تربیت دینی، روش تربیت با عبرت است که در سنت و خاصه در قرآن کریم سخت مورد توجه است. معلم قرآن و تفسیر، معلم سیره نبوی و معلم علوم طبیعی هیچ‌یک از این روش تربیتی بی‌نیاز نیستند (ص۱۳ـ۱۴). از این‌رو، نگارنده در کتاب حاضر در پی کندوکاو در زیر و بالای این روش تربیتی برآمده است. موضوع این اثر در فارسی و عربی به‌کمال بدیع افتاده است چه نه‌تنها اثری مستقل دربارهٔ آن نگارش نیافته است، در دیگر آثار هم به آن پرداخته نشده است. گفتنی است با آن‌که نحلاوی این روش را

---

۱. تربیت با عبرت

۲. این کتاب در ص۱۳۴ـ۱۳۶ این کتاب‌شناخت معرفی شده است.

قرآنی - نبوی دانسته است، شرح و شکافت آن تنها ناظر بر قرآن کریم است. مطالب کتاب در مقدمه، پنج فصل، خاتمه بسامان گشته است.

نگارنده در فصل آغازین اثر به معرفی کتاب و موضوع و اهمیت آن پرداخته و از این رهگذر پس از اشاره به معنای لغوی و تربیتی عبرت، از عبرت در قرآن یاد کرده است؛ سپس به اشاره‌ای از سید قطب به عبرت در قرآن و مراحل چهارگانه عبرت از زبان او پرداخته است.

فصل دوم دربارهٔ گونه‌های عبرت در قرآن کریم است. برای تقسیم عبرت‌های قرآنی دو معیار وجود دارد: تقسیم بر اساس موضوع، تقسیم به اعتبار روش عرضه. عبرت‌ها بر اساس معیار نخست، به عبرت‌های برگرفته از غزوات و رخدادهای سیره نبوی، عبرت‌های مبتنی بر داستان‌های تاریخی، عبرت‌های مستند به آیات الهی در آفرینش تقسیم شده است. عبرت‌های قرآنی بر اساس معیار دوم، به عبرت‌هایی که از راه قصه عرضه می‌شوند و عبرت‌هایی که با شیوهٔ پرسشی و انشائی عرضه می‌گردند تقسیم گشته است. شرح و تفصیل این مطالب، این فصل را دامن‌فراخ‌ترین فصل کتاب کرده است.

در فصل سوم به تحلیل روان‌شناختی تربیت با عبرت پرداخته شده است. شرح مباحث این فصل بر محور عوامل روان‌شناختی ایجاد عبرت می‌گردد. این عوامل عبارت‌اند از: بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته، به یاد آوردن محفوظات برای استفاده از تجربه‌های پیشین، تفکر با استدلال، تبدیل نتایج تفکر به رفتار.

نتایج و پیامدهای تربیتی روش تربیت با عبرت در فصل چهارم و به شرح ذیل بحث و بررسی شده است: زنده ساختن توجه به هستی و اندیشه در نظام و پدیده‌ها و اسرار آن‌ها، پرورش و تقویت حواس، کسب تجربه‌های صحیح مبتنی بر مشاهده واقعیت‌ها، پرورش عقل و آموخته کردن آن به تفکر صحیح که در چهار مرحله صورت می‌پذیرد.

فرجامین فصل این کتاب به بازشکافت شماری از هدف‌های تربیت از راه عبرت اختصاص یافته است. نگارنده این هدف‌ها را این‌گونه بیان و شرح کرده است: برهانی شدن وحیانی بودن قرآن؛ ایجاد و پرورش ایمان به نصرت خداوند و پایداری در برابر آزار دشمنان؛ یافتن و تقویت ایمان به رستاخیز و برگزیدن پاداش آن بر متاع گذرای دنیا؛ بیدار ساختن فطرت دینی و پرورش آن.

گفتنی است، نگارنده در شرح و تحلیل‌هایش بسیار متأثر از تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب است. دیگر آن‌که در ضبط اعراب آیات کریمه بی‌دقتی شده است برای نمونه: در آیه

۱۱۰ سوره یوسف، أنَّهُم، أنُهم (ص۱۷۱)؛ در آیه ۱۵ سوره آل‌عمران، جناتّ، جنات (ص۱۷۲)؛ در آیه ۱۲ سوره آل‌عمران، بئس المهادُ، بئس المهادِ (ص۱۷۳)؛ در آیه ۱۰ سوره آلَعمران، مـن قَبلهم، من قِـبلهم (ص۱۷۱)؛ در آیـه ۱۲ سـوره آلَعمـران دوبـار بـئس المهـادُ، بـئس المهـادَ (ص۱۷۵)؛ در آیه ۱۳ سوره آل‌عمران، آيةٌ، آية و لَعبرةٌ، لَعبرةٌ ضبط شده است. همچنین در نقل نشانی آیات بی‌دقتی گشته است. مثلاً آل‌عمرانْ، آیه ۱۲ـ۱۳، آل‌عمران، آیه ۱۱ـ۱۳ ضـبط شـده است (ص۱۴۴).

❋ مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمدرضا قائمی‌مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیـت از منظـر تربیـت اسـلامی (قـم، پژوهـشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲)؛ عثمان قدری مکانیسی، من اسالیب التربیة فی القرآن الکریم (بیـروت، دار ابن‌حزم، ۱۴۲۲ق)؛ مجید رشیدپور، روش‌های تربیتی (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسـلامی ایـران، ۱۳۷۰)؛ عبـدالرحمن نحـلاوی، اصـول التربیـة الاسـلامیة و اسـالیبها فـی البیـت والمدرسة والمجتمع (بیروت، دار ابن‌حزم، ۱۴۲۹ق).

۴۰

التربیة الترویحیة فی الاسلام احکامها و ضوابطها الشرعیة[1]

احمد عبدالعزیز ابوسمک. چاپ اول: عمان، دارالنفائس للنشر والتوزیع، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م. ۲۵۳ص، وزیری.

در این اثر به تربیت تفریحی در اسلام یعنی هدایت و سمت‌وسو دادن اسلامی به فعالیت‌های تفریحی پرداخته شده است. این موضوع در ادبیات تربیتی فارسی و عربی کاملاً بدیع است چنان که در فارسی تاکنون کتابی در این خصوص منتشر نشده است، در عربی هم تنها یک اثر با این عنوان انتشار یافته است: خالد بن فهد العوده، الترویح التربوی رؤیة اسلامیة (چاپ اول: ریاض، دارالمسلم، ۱۴۱۴ق).

گفتنی است در فارسی دربارهٔ تفریحات در اسلام ـ نه تربیت تفریحی در اسلام ـ دست‌کم یک اثر در اختیار است: محمدسالار سمنانی، تفریحات سالم در اسلام (قم، کمیل، ۱۳۵۳). در عربی هم دربارهٔ تفریح در اسلام و تربیت تفریحی به‌ترتیب این آثار قابل ذکر است: محمد السید الوکیل، الترویح فی المجتمع الاسلامی (مصر، دار اسامة، ۱۹۸۴م) و تهامی عبدالسلام محمد السید، اسس الترویح والتربیة الترویحیة (قاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۹م)؛ اسماعیل وداد المفتی القرغول، التربیة الترویحیة (بغداد، وزارة التعلیم العالی والبحث العلمی، بیت الحکمه، ۱۹۸۹م).

باری کتاب حاضر که در واقع رساله پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد مؤلف است دارای مقدمه و سه فصل و هر فصل شامل چند مبحث است.

۱. تربیت تفریحی در اسلام: احکام و ضوابط شرعی آن

موضوع پژوهش، اهداف پژوهش، مسئله مورد پژوهش، اهمیت پژوهش، حدود پژوهش، پیشینه پژوهش، روش پژوهش، ساختار و طرح پژوهش مطالبی است که در مقدمه بدان‌ها پرداخته شده است.

در فصل او، نخست مفهوم لغوی و اصطلاحی تربیت و تفریح و نیاز انسان در زندگی روزانه به تفریح بیان شده است؛ سپس از آثار مثبت تفریح بر ابعاد گوناگون روحی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، آموزشی زندگی انسان اشاره شده است. پس از آن به هدف‌های تربیت تفریحی در اسلام یعنی تحقق توازن در زندگی در ابعاد روحی، اجتماعی، عبادی، پرورش روحیه جهادی، پرورش بعد آموزشی و توانایی عقلی پرداخته شده است. ویژگی‌های تربیت تفریحی در اسلام بحث پایانی این فصل است.

عنوان فصل دوم، ضوابط تربیت تفریحی در اسلام است و در شرح و شکافت آن از دو موضوع سخن رفته است: یکی هنجارهای شرعی فعالیت‌های تفریحی؛ و دیگری هنجارهای شرعی و ضوابط مربوط به امور جانبی فعالیت‌های تفریحی - تربیتی. نگارنده در واکاوی گروه نخست، فعالیت‌های تفریحی را به: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح تقسیم می‌کند و هر یک را به‌شرح می‌آورد و به حکم فقهی مسابقات ورزشی اشاره می‌کند؛ سپس از ضوابط حاکم بر گروه‌های شرکت‌کننده در تفریحات، زمان تفریحات، نوع پوشاک در تفریحات، رفتار افراد در فعالیت‌های تفریحی یاد می‌کند.

در فصل سوم که بلندترین فصل کتاب است، از محیط‌های تربیت تفریحی در اسلام و نمونه‌هایی از فعالیت‌های تفریحی درخور اجرا در هر یک از آن‌ها سخن رفته است. نگارنده این محیط‌ها را شامل خانواده، مسجد، مدرسه، باشگاه دانسته و به اقدامات دولت برای تأمین برخی از محیط‌های تربیت تفریحی اشاره کرده است.

شوخی، بازی‌های کودکانه، سفرهای خانوادگی، سفرهای زیارتی، خوشی در عروسی‌ها و اعیاد، کار با رایانه از تفریحات یادشده در محیط خانواده است.

از مسابقات شرعی، سفرهای علمی و طبیعت‌گردی، سفرها و گردش‌های تفریحی، سفرها و گردش‌های چندمنظوره به عنوان تفریحات تربیتی درخور اجرا در مسجد یاد شده است.

تشکیل باشگاه‌ها و گروه‌های تخصصی، برپایی مسابقات عملی و فرهنگی از تفریحات معرفی‌شده برای تربیت تفریحی در مدرسه است.

مسابقات ورزشی، برگزاری اردوهای گوناگون، فعالیت‌های فرهنگی از تفریحات پیشنهادشده برای اجرا در باشگاه‌ها می‌باشد.

ایجاد و گسترش مکان‌های تفریحی، ایجاد امکانات و زمینه‌های لازم برای انجام دادن ورزش‌های هدفمند، ایجاد باشگاه‌ها و بوستان‌های علمی، بهره‌گیری درست از وسایل ارتباط جمعی و رسانه به گونه‌ای که مخاطبان مسلمان از تولیدات ضد اخلاقی و ضد اسلامی غربی که از رسانه به خورد مردم داده می‌شود، روی برتابند و به تولیدات اسلامی روی آورند، دیگر مطالب این کتاب است.

گفتنی است کتاب حاضر از غلط‌های چاپی تهی نیفتاده است مثلاً التومی (تربیت‌پژوه معروف لیبیایی) در آن، الثومی (ص ۲۴۰)، و اعباء، اعیاء (ص ۳۲) آمده است.

۴۱

التربية الذاتية القيادية النموذجية و مضاعفة الانتاجية[1]

مقداد یالجن. چاپ اول: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۳۶۰ص، وزیری، جدول، طرح، مقیاس ارزیابی.

نگارنده در این اثر که شانزدهمین عنوان از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة کتاب تربیتنا، در طرحی نوآورانه کوشیده است زیر و بالای خودتربیتی و خودتدبیری را بحث و بررسی کند. وی مطالبش را در قالب شانزده فصل و خاتمه قلمی کرده است.

در فصل نخست که دیباچه کتاب است از انگیزهٔ نگارنده و اهمیت کاوش در تربیت خود یا خودتربیتی و روش‌های عام و کلی تربیت خود و در پایان، روش‌های تغییر خود یا دگرگونی مثبت عادات و رفتار سخن رفته است.

فصل دوم دربارهٔ نیروهای درونی انسان و راه‌های رشد و پرورش آن‌هاست. نویسنده در شرح این موضوع، نخست به اهمیت این نیروها و موانع به‌کارگیری آن‌ها و نیز عوامل برانگیزنده و فعال‌کننده نیروهای نهفته در انسان اشاره می‌کند، آنگاه برای واکاوش نیروهای بیست‌گانه‌ای که برای انسان برشمارده است هر نیرو را نام می‌برد و به روش‌های شناخت هر نیرو و روش‌های رشد و پرورش و به‌کارگیری آن می‌پردازد. برخی از این نیروها عبارت‌اند از: نیروهای عقلی، نیروی بدنی، نیروهای اعتقادی، نیروهای اخلاقی و ارزشی، نیروهای عاطفی، نیروی نظم و انضباط و بهره‌گیری از وقت، نیروی فکری، نیروی اراده، نیروی روحی، نیروی عزت و اعتماد به نفس، نیروی حماسی، نیروی جمعی.

---

۱. خویش‌تربیتی مدیریتی آرمانی و بازده مضاعف

در فصل سوم به قوای خلاقه و روش‌های پرورش آن‌ها نظر شده است. بحث آغازین این فصل به آشنایی با تعریف تفکر خلاق، مهم‌ترین مهارت‌های تفکر خلاق، اشاره به شش گروه از موانع تفکر خلاق اختصاص یافته است. آنگاه از ویژگی‌های افراد خلاق و صفات نوآوران خردسال و رابطه میان جنون و نبوغ سخن به میان آمده است؛ سپس از مقیاس‌ها و درصد ویژگی‌های نوآوران در قالب جدولی یاد شده است. نگارنده در ادامه از مهم‌ترین روش‌های شناخت سرآمدان و برخی از راه‌های حمایت و پرورش آن‌ها یاد کرده است. در سه فراز فرجامین این فصل به روش‌های سرپرستی و تربیت نوابغ خلاق و روش‌های عملی ساختن رشد خلاقیت و مهم‌ترین رهنمودها به استعدادهای درخشان پرداخته شده است.

روش‌های پرورش مهارت‌ها و توانایی‌های فردی در فصل چهارم و چنین بررسی گشته است که نگارنده ابتدا به مقدمه‌ای در اهمیت موضوع پرداخته؛ سپس به برشماردن روش‌های پرورش پانزده توانایی و مهارت شخصی روی کرده و بر روی هم به بیش از دویست روش اشاره کرده است. برخی از مهارت‌ها و توانایی‌های پانزده‌گانه یادشده از این قرار است: مهار خویشتن، تأثیر نهادن بر دیگران و مهار آنان، حل مشکلات به شکل دلخواه، دست یافتن به برتری بر اطرافیان، رویارویی با کسانی که پیوسته انتقاد می‌کنند، مجهز ساختن عقل برای به‌جا آوردن کارهای ویژه، تغییر شرایط نامطلوب.

فصل پنجم دربارهٔ روش‌های ایجاد و کسب سعادت است و در آن پس از بیان مفهوم سعادت، به مفهوم پدید آوردن سعادت و اهمیت این کار، و علل و عوامل نگون‌بختی و آفات سعادت اشارت رفته و به افسردگی که از مهم‌ترین آن‌هاست به‌تفصیل پرداخته شده است. مطلب بعدی مؤلفه‌های شش‌گانه روش‌های حصول سعادت است.

در فصل ششم بحث بر سر کسب مهارت نوآوری در پدید آوردن راه‌حل برای مشکلات است و در شرح موضوع به مطالب ذیل اشاره شده است: زیان‌های ناتوانی در حل مشکلات، اهمیت ایجاد اطمینان و مهارت برای حل مشکلات، گونه‌های حل مشکلات و تفکر خلاق در حل آن‌ها، مهم‌ترین عوامل ناتوانی و خطا در حل مشکلات، تقسیم‌های چندگانه مشکلات و حل آن‌ها، مهم‌ترین مراحل تصمیم‌گیری برای حل مشکلات، گام‌های اساسی و سنجیده برای حل مشکلات، روش‌های کلی حل مشکلات.

فصل هفتم به بررسی مبانی رهبری خود یا خودتدبیری اختصاص یافته و در شرح آن از مطالب زیر یاد شده است: تعریف مبنا و مبانی شخصی و خودتدبیری، اهمیت برگزیدن مبانی

استوار برای خود، گونه‌های مبانی خودتدبیری، مهم‌ترین مبانی‌ای که زندگی و آینده مرا رهنمون می‌دهد، روش‌های اعمال این مبانی و پایبندی به آن‌ها.

در فصل هشتم ذیل عنوان روش‌های ایجاد شخصیت نیرومند و مؤثر و ممتاز با مطالب زیر آشنا می‌شویم: مفهوم شخصیت و انواع آن، تعیین مفهوم شخصیت اسلامی و ویژگی‌های آن، ویژگی‌های شخصیت‌های بزرگ تاریخی، مهم‌ترین مراحل پیروی از روش بزرگان، ویژگی‌ها و نشانه‌های شخصیت‌های نیرومند و مؤثر، صفات انسان موفق، روش‌های جادویی در اثرگذاری و تعدیل رفتار، آینده‌نگری.

موضوع فصل نهم کسب حکمت و ویژگی‌های انسان حکیم و هدایت حکیمانه است. نگارنده برای بازشکافت این موضوعات نخست مفهوم حکمت و انواع آن را مطرح کرده است؛ سپس به وظایف و رسالت‌های حکمت در زندگی پرداخته و به مبانی حکمت عملی اشاره نموده است. اشارت پسین او به ویژگی‌های انسان حکیم، و فرجامین فراز این فصل گوشزد روش‌های حکیمانه ارشاد است.

روش‌های خودتربیتی مدیریتی و در پی رهبری برآمدن، در فصل دهم بحث و بررسی شده است و در آن پس از اشارتی به مفهوم خودمدیریتی و ویژگی‌های پرشمار رهبر برتر، از راز و رمز خودمدیریتی و مدیریت جمع یاد شده است؛ سپس به راهبردهای برانگیختن و تحریک دیگران فراسوی موفقیت و معیارها و راهبردهای تصمیم‌گیری بجا، و سرانجام به مهم‌ترین مراحل و گام‌های تصمیم‌گیری‌های عمومی اشاره شده است.

نگارنده در فصل یازدهم بحث تزکیه نفس و پالودن آن از پستی‌ها و آراستنش به فضایل را پیش کشیده است؛ سپس در فصل دوازدهم به روش‌های موفقیت‌آمیز ایجاد سازگاری و بهسازی روابط میان مردم رسیده و ضمن اشارتی به اهمیت موضوع از مبانی سازگاری میان مردم و روش‌های بهسازی روابط میان آنان گفته است؛ سپس در این‌باره به افراد، نهادهای مسئول، امامان جماعت نیز توصیه‌هایی نموده است و با ارائه مقیاسی برای ارزیابی میزان اختلاف و آمادگی برای سازگاری، فصل را به فرجام برده است.

در فصل سیزدهم سخن بر سر شناخت معیارهای تفکر سالم و استوار و اهمیت آن و نیز تفکر نادرست و پیامدهای ناخوشایند آن است و در آن از نکات زیر بحث و گفتگو شده است: گذری بر مفهوم تفکر و اهمیت پرورش آن و معیارهایش، اهمیت تفکر درست، معیارهای تفکر

درست، معیارهای تفکر نادرست و زیان‌های آن، معیارهای تفکر تربیتی در اسلام، مقیاس سنجش افکار و مواضع و شخصیت‌های مثبت و منفی.

موضوع فصل چهاردهم اسرار حفظ نیروی حیاتی و جوانی و تولید است که در شرح آن، ابتدا از انگیزه‌های پرداختن به این موضوع سخن رفته است؛ سپس به اهمیت شناخت این اسرار اشاره شده است. آنگاه به دور داشتن نیرو از بیماری‌های خطرناک و شناخت کمک‌های اولیه به آن پرداخته شده است. پایان‌بخش این فصل، ارائه معیارهایی برای فرق نهادن میان جوانی و پیری است.

نویسنده در فصل پانزدهم از تربیت انسان در پرتو تربیت اسلامی یاد کرده است و برای واکاوی مطلب به مباحث زیر پرداخته است: تعریف انسان و انسان کامل و انسانیت؛ ضرورت تربیت انسانی برای مردم و ملت‌ها در جهان معاصر؛ اهمیت تربیت انسانی در ساختن فرهنگ و تمدن انسانی؛ مهم‌ترین روش‌های تربیت خود یا خودتربیتی انسانی در اسلام.

فصل فرجامین این اثر شامل رهنمودهایی کلی و مهم است که عبارت‌اند از: رهنمود به شناخت مهم‌ترین روش‌های بهره‌وری از زندگی معنوی؛ راهنمایی فراسوی بهره‌مندی علمی و اشتیاق به شناخت و حکمت؛ راهنمایی به روش‌های مقاومت در برابر فراموشی و دشواری یادآوری؛ رهنمون به روش‌های یافتن دوستان صالح، راهنمایی فراسوی شناخت بیماری‌های اجتماعی گسترده و تلاش برای درمان آن‌ها؛ راهنمایی به نمونه‌های برتر و درک اهمیت آن‌ها؛ راهنمایی فراسوی روش‌های برخورد با افراد گوناگون. در خاتمه با مهم‌ترین دستاوردهای این کتاب و چند پیشنهاد روبه‌رو می‌شویم.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمدتقی مصباح یزدی، خودشناسی برای خودسازی (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷)؛ فریده مصطفوی (خمینی) و دیگران، روش خودسازی (قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶)؛ محمدعلی گرامی، خودسازی و مسائل روانی (قم، مؤلف، ۱۳۸۶)؛ هاشم علی اهدل، التربیة الذاتیة فی الکتاب والسنة (چاپ دوم: مکه مکرمه، دارالتربیة والتراث، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م).

۴۲

التربية الروحية بين الصوفيين والسلفيين[1]

محمد شیخان. چاپ سوم: دمشق، دار قتیبة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م. ۳۲۲ص، وزیری.

در این کتاب کوشش شده است نشان داده شود میان تربیت روحی از نگاه صوفیان و تربیت روحی از نگاه مخالفان صوفیه توازن و سازواری وجود دارد. این دو گروه برای پی نهادن قواعد تربیت روحی تلاش کرده‌اند و اختلافشان در ادبیات و اصطلاحات است، از این‌روست که برخی از ساده‌لوحان به اعتبار لغزش‌های شماری از صوفیان، با تربیت روحی به مخالفت و مبارزه برخاسته‌اند، غافل از این‌که با استناد به خطای فقیهان و فیلسوفان و تاریخ‌پژوهان و مفسران نمی‌توان و نباید فقه و فلسفه و تاریخ و تفسیر را تخطئه کرد. برای درک و دریافت حقیقت تربیت روحی باید در ژرفای آیات قرآنی ژرف کاوید (ص ۲۱).

مطالب کتاب در قالب بخش و فصل و گفتار تنظیم نگشته است، بل نگارنده مطالب را در مقدمه، خاتمه، سی و شش عنوان مستقل قلمی کرده است. بحث‌ها گاه بسیار کوتاه و در حد یک صفحه است و گاه به چند صفحه می‌رسد. عنوان هر یک از سی و شش بحث، گذشته از صفحه‌ای که بحث در آن آغاز شده است در یک برگ که یک روی آن سفید است نیز آمده است که از مصادیق روشن اسراف در صنعت چاپ و نشر است. یعنی در این کتاب ۳۲۲صفحه‌ای، نزدیک به ۱۲۰ صفحه سفید است که به‌هیچ‌وجه ناشی از ضرورت صفحه‌پردازی و نوع کار نیست.

۱. تربیت روحی از نگاه صوفیان و سلفیان

باری پس از مقدمه با مطالب ذیل روبه‌رو می‌شویم: تربیت روحی در قرآن، تزکیه روحی در قرآن، نیاز ما به تربیت روحی قرآنی، قلب در قرآن، تربیت روحی نزد رسول خدا(ص)، تربیت روحی و صحابه، تصوف شرعی و تصوف فلسفی، ذکر خدا، حقایقی از تربیت روحی قرآنی و مراحل شکل‌گیری آن، زهد، محبت به خدا، اخلاص، اراده در تربیت روحی، آرای ابن‌تیمیه در تصوف، خودانتقادی نزد صوفیان، آرا و افکاری از صوفیان کژپو، تفاوت میان اسلام و ایمان و احسان، جایگاه و اهمیت مربی، یورش صوفیان به شطحیات، امام محمد غزالی و نظر او دربارهٔ تصوف، تأثیر بزرگان تربیت روحی بر گسترش تبلیغات اسلامی، وحدت وجود میان حقیقت و شریعت، تصوف و جهاد، رباط، زاویه.

گفتنی است در این کتاب نام کتاب اقبال لاهوری، تجدید الفکر الاسلامی، به‌خطا تحدید الفکر الاسلامی ضبط شده است (ص۳۱۷).

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

عبدالباری محمد داود، المنهج التربوی والعلمی عند الصوفیة (چاپ اول: اسکندریه، مکتبة و مطبعة الإشعاع الفنیة، ۲۰۰۲م)؛ علی عبدالحمید محمود، التربیة الروحیة (قاهره، دارالتوزیع، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)؛ احمد فؤاد اهوانی، التربیة فی الاسلام (قاهره، دارالفکر، ۱۹۵۸م).

۴۳

التربية الروحية: دراسة فی الغذاء الروحی و اثره علی السلوک العملی[1]

مجید صایغ. چاپ اول: بیروت، مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م. ۳۸۷+[۱۰]ص، وزیری.

در کتاب حاضر تلاش شده است با شرح و بحث شماری از آداب و سنن و اخلاق و عبادات اسلامی از تأثیر آن‌ها بر روحیه و رفتار انسان یاد شود و از این رهگذر، مطالعه‌کننده را به روی آوردن به معنویات اسلامی و وانهادن گناه برانگیزد تا از شیطان دور و به خداوند نزدیک شود (ص ۶ـ۸).

مطالب کتاب در مقدمه، پیشگفتار و شش گفتار سامان گرفته است. از مباحث شش‌گانه کتاب تنها مبحث دو و سوم دارای عنوان است. فهرست مطالب و فهرست منابع مؤلف پرکاستی و غیرفنی تدوین گشته است.

گفتار نخست این اثر فاقد عنوان است اما از متن آن برمی‌آید که دربارهٔ تطهیر نفس نگارش یافته است. مطالب این گفتار در دو قسمت شکل گرفته است: در قسمت اول که کوتاه‌تر افتاده است به تطهیر نفس نظر شده است و در شرح مطلب پس از بیان مفهوم تطهیر به مفهوم تطهیر نفس و سخنانی از عالمان و فیلسوفان دربارهٔ چیستی نفس اشارت رفته است.

قسمت دوم این گفتار در خصوص روش‌های تطهیر نفس قلمی شده است و بازشکافت موضوع از اشاره به چیستی و شروط توبه و انواع توبه‌کننده آغاز گشته است؛ سپس به مفهوم

---

۱. تربیت روحی: پژوهشی در غذای روحی و تأثیر آن بر رفتار

گناه کبیره و صغیره و تأثیر توبه و استغفار بر فرد و جامعه اشاره شده است. آنگاه به جبران و تاوان گناه نظر شده و در شرح آن از پانزده امر به عنوان شماری از جبران‌کنندگان گناه یاد شده است. روش دیگر تطهیر نفس، وانهادن امور حرام و نیز شبهه‌ناک است که پس از یادآوری آن به روش دیگر یعنی به‌جا آوردن واجبات و مستحبات اشاره گشته است. نماز شب و استغفار دو روش بعدی است که به آن‌ها پرداخته شده است.

در گفتار دوم با مطالب ذیل آشنا می‌شویم: مفهوم عبادت، توحید در عبادت، عبادت تطهیرکننده جان، اخلاص در عبادت، شائبه‌های اخلاص، تأثیر عبادت بر رفتار فرد و سعادت جامعه، عبادت درمان جان، عبادت راستین و عبادت باطل، خشوع روح عبادت، اثر پایبندی به اوقات عبادت.

عنوان گفتار سوم، قرآن و غذای روح است. نویسنده در واکاوی این گفتار، نخست فضیلت و ثواب قرائت قرآن را پیش کشیده است؛ سپس از پاداش یادگیری و آموزش دادن قرآن گفته است و ضمن اشاره به این‌که قرآن بهار دل‌ها و عامل شرح صدر است یادآورد شده است که اگر قرآن چنان که باید خوانده شود، در همه وجود قاری نفوذ و روح و عقل او را جذب می‌کند. نگارنده پس از این اشاره کرده است که قرآن دژ استوار روح است و مردم در اثرپذیری از قرآن به سه گروه تقسیم می‌شوند و تأثیر قرآن بر افراد سازوار با میزان ایمان آنان است و از این‌روست که قرآن برای مؤمنان راستین نور هدایت است و گذشته از روح، شفای جسم آنان است وانگهی قرآن اصولاً مؤمنان را از بسیاری از شرور در امان می‌دارد.

مفهوم دعا، مشروعیت دعا، فواید دعا، آثار دعا بر رفتار فرد و سعادت جامعه، دعا رابطه میان انسان و خدا، دعا ابزاری برای درمان روح، آداب دعا، حکمت پس افتادن اجابت دعا، فلسفه دعا، اوقات دعا، نمونه‌هایی از دعاهای وارده مطالب بررسی‌شده در گفتار چهارم است.

نگارنده، گفتار پنجم را در سه قسمت جداگانه نگاشته، اما تنها در آغاز گفتار (ص۲۴۳) آورده است «القسم الاول» و در فراز دوم گفتار (ص۲۷۱) که دربارهٔ زیارت امام حسین(ع) است و در فراز فرجامین آن (ص۳۰۹) که در زمینه گریه بر امام حسین(ع) است از عبارت القسم الثانی و القسم الثالث استفاده نکرده است و این لغزش موجب شده است خواننده کتاب در یافتن القسم الثانی و القسم الثالث ناکام شود.

باری، سرآغاز قسمت نخست این گفتار اشارتی است به مفهوم و مشروعیت زیارت و پس از آن به ادب زائران قبور و چگونگی زیارت اهل قبور پرداخته شده است. نگارنده در ادامه

افزوده است که زیارت، تجدید علاقه میان زائر و زیارت‌شونده است و زیارت از جمله وسایل زنده کردن یاد آخرت در انسان است و زیارت گذشته از آثار فردی که در رفتار زائر نمود می‌یابد از عوامل درمان روحی است، وانگهی زیارت موجب افزایش فعالیت اقتصادی و فرهنگی می‌شود.

هدف از زیارت امام حسین(ع)، فواید زیارت آن حضرت، کراهت وانهادن زیارت آن حضرت، تجسم معنای ولاء و دوستی در زیارت آن حضرت، آداب زائر، نشانه‌های مقبول افتادن زیارت، اوقات خاص زیارت و زیارت امام(ع) از نشانه‌های ایمان، بحث‌های فراز دوم این مبحث است و پس از آن از گریه بر آن حضرت سخن به میان آمده است و در شرح و شکافت آن یادآوری شده است که گریه از نشانه‌های ایمان است و پیشینه‌های تاریخی دارد. فضیلت گریه و تباکی (حالت گریستن به خود گرفتن)، فلسفه گریه بر امام حسین(ع)، تأثیر گریه برای امام بر روح، مشروعیت گریه و فضیلت سوگواری برای امام دیگر نکات بررسی‌شده در این گفتار است.

در گفتار ششم به مطالب ذیل اشارت رفته است: دیدار برادران و دوستی میان آن‌ها، برآوردن خواسته‌های آنان، شاد کردن دل مؤمن، اندرز به مؤمن و هدایت او، پیوند با نزدیکان، صله رحم و آثار اجتماعی آن، رسا سلام کردن و پاسخ دادن به سلام، صدقه و آثار آن، قناعت و آثار فردی آن، فریب در معامله و آثار منفی آن، آنچه نیکی‌ها را بر باد می‌دهد.

* این اثر را مقایسه کنید با:
علی عبدالحلیم محمود، التربية الروحيه (چاپ اول: قاهره، دارالتوزیع، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)؛ مقداد یالجن، جوانب التربية الاسلامية الاساسية (چاپ اول: بیروت، دارالریحانی، ۱۴۰۶ق)؛ محمود شیخانی، التربية الروحية بين الصوفيين والسلفيين (چاپ دوم: [دمشق]، دار قتيبة، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م)؛ سعید حوی، تربيتنا الروحية (چاپ سوم: سوریه، دارالسلام، ۱۴۱۰ق).

۴۴

التربية السياسية الاسلامية[۱]

علی عبدالحلیم محمود. [چاپ اول]: [قاهره؟]، دارالتوزیع والنشر الاسلامية، [۲۰۰۱م]. ۴۴۰ص، وزیری.

کتاب حاضر پنجمین جلد از مجموعه‌ای است ده‌جلدی با فروست: مفردات التربية الاسلامية. دیگر مجلدات این مجموعه به‌ترتیب دربارهٔ تربیت: روحی، اخلاقی، عقلی، دینی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، جهادی، هنری در اسلام است.

سیاست با همه مفاهیم پرشمارش بخشی از برنامه نظام اسلامی برای سامان‌دهی به زندگی انسان است و گزافه نیست اگر گفته شود برنامه و نظام اسلامی زندگی، در همه ابعاد خود بر رفتار سیاسی متکی است و سیاست بخش اصلی آن را تشکیل می‌دهد (ص ۱۱).

پدیدآورنده با چنین نگرشی به سیاست در اسلام، مطالب خود را در قالب پیش‌درآمد و دو بخش بسامان ساخته است. در پیش‌درآمد نخست مفهوم تربیت و سیاست بررسی شده است. آنگاه به شرح رابطه تربیت با سیاست به لحاظ شکل و ساختار، محتوا، اهداف، کارکرد پرداخته شده است؛ سپس تربیت سیاسی در اسلام با شماری از تربیت‌های بنام روزگار به شرح ذیل مقایسه گشته است: تربیت سیاسی در لیبرالیسم، تربیت سیاسی در سوسیالیسم (سوسیال ایده‌آلیسم، سوسیال دموکرات، سوسیال مسیحی، سوسیال ناسیونالیسم).

نگارنده در ادامه به تربیت سیاسی در اسلام پرداخته است و در شرح و شکافت موضوع، ابتدا هدف‌های تربیت سیاسی در اسلام را مطرح ساخته است (پالودن عقاید از ناخالصی،

---

۱. تربیت سیاسی اسلامی

زدودن عبادات از خرافه و گمان، همکاری و همبستگی و برابری میان مردم در حقوق و تکالیف). پس از این، ارزش‌هایی که هدف‌های تربیت سیاسی در اسلام از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد بررسی شده است (توحید، پرستش انحصاری و مطابق شرع خداوند، عمل صالح که ترجمان ایمان است، تبلیغ دین خدا، فعالیت در امور خیر یعنی امر به معروف، فعالیت در حوزه ایستادگی در برابر شر یعنی نهی از منکر، آمادگی برای جهاد در راه خدا).

عنوان بخش نخست، اصول تربیت سیاسی در اسلام است و در آن به شرح اصول هفت‌گانه زیر پرداخته شده است:

۱. تربیت، رفتار انسان را مهار و بسامان می‌سازد. این کار دارای سه معیار است: التزام به رفتار حلال و پرهیز از رفتار حرام، التزام به امر به معروف نمودن هر کس، التزام به نهی از منکر کردن همه.

۲. تربیت، انسان را با حقوق و تکالیفش آشنا می‌سازد. مفهوم لغوی و اصطلاحی حقوق، حقوق انسان و انواع آن به‌طور عام، حقوق انسان و انواع آن در اسلام، وظایف و تکالیف انسان و گونه‌های آن در اسلام، مطالبی است که در واشکافت این اصل به آن‌ها اشاره شده است.

۳. تعاون و همبستگی. در شرح این دو اصل از مفهوم لغوی و اصطلاحی آن‌ها یاد شده و به تعاون و همبستگی در اسلام اشاره شده است؛ سپس از ضرورت ناظر بودن تعاون و همبستگی بر نیکی و پرهیزگاری و حرمت تعاون و همبستگی معطوف به گناه و تجاوز یاد شده است. تعاون و همبستگی میان حاکم و شهروندان، حقوق حاکم، تکالیف حاکم، ابعاد تعاون و همبستگی و آثار اجتماعی و سیاسی آن‌ها، دیگر بحث‌های این فراز است.

۴. اصل شورا. شورا جان‌مایه سیاست و محور اصلی آن است و اگر شورا نباشد استبداد و ستم و حق‌کشی حاکم می‌شود. جایگاه شورا در کتاب و سنت بسیار متعالی است. شورا بر کتاب و سنت مبتنی است و یکی از منابع تشریع احکام است. شورا تضمین‌کننده آزادی بشر است. شورا ناگزیر به برابری می‌انجامد. شورا بر حفظ کرامت انسان استوار است. بدون شورا اجماع و اجتهاد وجود ندارد. شورا آبشخور قدرت است. شورا تضمین‌کننده امنیت اجتماع و حقوق و تکالیف افراد و نظارت امت بر حاکمان و ضامن استقرار نظام اجتماعی و تحکیم روابط حسنه میان مردم و حمایت‌کننده از حقوق اقلیت‌هاست.

۵. اصل عدل و احسان. در واشکافت این اصل از جمله به نکات زیر اشاره شده است: عدل و احسان در کتاب و سنت، حوزه‌های عدل و احسان، مساوات میان مردم در حقوق و

تکالیف از ثمرات عدل و احسان است؛ عـالی‌تـرین هـدف اسـلام در درجـه نخـست هـدفی اجتماعی یعنی حاکمیت بخشیدن عدل و احسان بر زندگی انسان است.

۶. فراخواندن به سوی خداوند. نگارنده در توضیح این اصل، ابتدا بـه هـدف‌هـای ده‌گانـه دعوت الی الله پرداخته است، یعنی یاری رساندن مردم برای عبادت خداوند بـر اسـاس شـرع، یاری مردم برای شناخت یکدیگر و همکاری، تغییر وضع نامطلوب زندگی مـسلمانان، تربیـت فرد بر اساس اسلام، ایجاد خـانواده مـسلمان، ایجـاد جامعـه مـسلمان، تـلاش بـرای برپـایی حکومت اسلامی، تلاش برای آزادی سرزمین‌های اسلامی، کوشش برای ایجـاد وحـدت میـان کشورهای اسلامی، تلاش برای گسترش دعوت به سوی خداوند. پـس از ایـن بـه روش‌هـای دعوت به سوی خداوند اشاره شده است و در پایان به تقسیم دعوت‌کنندگان به سوی خداونـد پرداخته شده است.

۷. اصل گسترش روحیه جهاد. سرآغاز شرح این اصل یـادآوری اهمیـت جهـاد در اسـلام است و پس از آن به انواع جهاد اشـاره شـده اسـت. گوشـزد مجاهـد بـودن امـت اسـلامی و هدف‌های جهاد در راه خداوند و محال بودن خاموش کردن شـعله جهـاد در اسـلام، از دیگـر بحث‌های این قسمت است.

عنوان بخش دوم، هدف‌های تربیت سیاسی در اسلام است. پدیدآورنده در شرح این عنوان از چهار هدف یاد کرده و آورده است که تربیت سیاسی در اسلام گذشته از هدف‌هـای کلـی و عام تربیت اسلامی، هدف‌های سیاسی هم دارد (ص۲۵۳) کـه عبـارت‌انـد از: پـرورش انـسان مسلمان سیاسی‌ای که رویدادها و تحولات پیرامون خود را نیک درک کند و آگاهانـه و درسـت با آن‌ها روبه‌رو شود. تربیت سیاسی اسلامی عوامل شکل‌گیری شخـصیت سیاسـی و هـدایت و تقویت وابستگی به دین و علاقه به امت اسلامی را در فرد فراهم می‌سازد. اشاره به جریان‌های سیاسی دشمن اسلام، عوامل شکل‌گیری شخصیت سیاسی در فرد مسلمان، وظایف و تکـالیف سیاسی فرد مسلمان بحث‌های بعدی این فراز است.

پرورش خانواده مسلمان فعال در مسائل سیاسی. مفهوم خانواده مسلمان سیاسی، مشارکت خانواده مسلمان در مسائل جامعه، وظایف و تکـالیف سیاسـی خـانواده مـسلمان (مبـارزه بـا بی‌دینی و القای بی‌نیازی از دین و لزوم زدودن آن از زنـدگی، تهمـت‌هـایی کـه بـه اسـلام زده می‌شود تا شأن آن فروکاسته شود، تلاش دول استعمارگر بـرای سـیطره بـر جهـان در پوشـش جهانی‌سازی)، مطالبی است که در شرح این هدف بیان شده است.

به‌کارگیری مسجد برای فعالیت‌های سیاسی. برای شرح و شکافت این بحث، نخست به کار مسجد و فعالیت‌های آن پرداخته شده و از انواع تربیت در مسجد یاد شده است. پس از آن به چگونگی مؤثر افتادن سیاسی مسجد اشاره شده است؛ سپس با برشماردن فعالیت‌های مسجد از چگونگی بهره‌گیری از این فعالیت‌ها برای تربیت سیاسی افراد و نمونه‌هایی چون تلاش برای خنثی کردن باور واهی جدایی دین از سیاست، آشکار ساختن حمایت شدید انگلیس از مزدورانی که علیه اسلام می‌نویسند مانند علی عبدالرزاق مصری، صهیونیسم و اشغال فلسطین، تلاش موفقیت‌آمیز انگلیس برای فروپاشی حکومت عثمانی، نژادپرستی را جایگزین اسلام کردن سخن رفته است.

پرورش سیاسی افکار عمومی. مفهوم افکار عمومی سیاسی اسلامی، مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری افکار عمومی سیاسی اسلامی در مسلمانان معاصر، افکار عمومی در اسلام، عناصر پنج‌گانه و انواع دوگانه و مراحل شش‌گانه افکار عمومی در اسلام، کارکرد سیاسی افکار عمومی در اسلام، چگونگی به‌کارگیری سیاسی افکار عمومی در اسلام، مهم‌ترین مسائلی که لازم است در اختیار افکار عمومی مسلمانان قرار گیرد، بحث‌هایی است که در شرح چهارمین هدف تربیت سیاسی در اسلام می‌خوانیم.

❋ منابع ذیل نیز درخور مطالعه است:
سعید حسینی، تربیت سیاسی در اسلام (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶)؛ تربیت سیاسی در اسلام، ترجمه سید محمد رادمنش (تهران، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۲)؛ علی قائمی، تربیت سیاسی کودک (قم، شفق، ۱۳۶۱)؛ عبدالعزیز توجیری، التربية السياسية في الاسلام (عمان، ایسیسکو، ۲۰۰۱م)؛ خالد احمد شنتوت، التربية السياسية في المجتمع المسلم (چاپ اول: عمان ـ بیروت، دارالبیان، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م).

۴۵
التربية السياسية عند جماعة الاخوان المسلمين فی الفترة من ۱۹۲۸ الی ۱۹۵۴م فی مصر دراسة تحليلية تقويمية[1]

عثمـان عبـدالمعز رسـلان. [چـاپ اول]: [قـاهره]، دارالتوزیـع والنـشر الاسـلامیة، [۱۹۹۰م]. ۵۸۴ ص، وزیری.

● عنوان روی جلد: التربية السياسية عند الاخوان المسلمين

کتاب حاضر در اصل رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤلف در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه طنطا در مصر است که در ۱۴۰۹ق از آن دفاع شده است.

از زمان اسماعیل تا سال ۱۹۵۴م، چند جریان برای تربیت سیاسی در مصر پدید آمد ـ غیـر از اخوان‌المسلمین ـ از آن‌هاست: جریان اصلاحات دینی، جریان لیبرالی متأثر از غرب بـه‌ویـژه انقلاب فرانسه به رهبری لطفی سید و سعد زغلول، جریان سوسیالیستی که در دهه چهل رو به قدرت نهاد و در دهه شصت غالب گشت. هیچ‌یک از این جریان‌هـا تهـی از کاسـتی و سـستی نبود و جملگی حرکاتی جزئی بودند که برنامه‌ای برای نهضتی که همه شـؤون زنـدگی را دربـر گیرد و سروسامان بخشد نداشتند و غیر از جریان اصلاحات دینی، بـاقی جملگـی خاسـتگاهی غیراسلامی داشتند و این به ناکامی آنان در جامعـه‌ای انجامیـد کـه از ویژگـی‌هـای آن تـدین و پرستش بود.

در این میان، گروه اخـوان‌المـسلمین بـرای تحقـق مجموعـه‌ای از هـدف‌هـای سیاسـی و اجتماعی و اخلاقی مستند به اسلام پدید آمد و بر تربیت و اصلاحات سیاسی چونـان دو روش

---

۱. تربیت سیاسی در گروه اخوان‌المسلمین از ۱۹۲۸-۱۹۵۴م در مصر: تحلیل و ارزیابی

اساسی برای تحقق این هدف تکیه کرد. این گروه در پی پیکار با بی‌سوادی سیاسی در سراسر مصر، برانگیختن توده‌های مردم به مشارکت در فعالیت‌های ملی، آگاه نمودن افکار عمومی نسبت به وضع سیاسی موجود، زنده ساختن روح مبارزه در مردم و تربیت نسلی آماده فداکاری در راه میهن برآمد. اخوان‌المسلمین بزرگ‌ترین گروه دینی سیاسی در مصر در سطح اهداف و سازمان و ابعاد فعالیت و جریانی سیاسی مردمی است که بعد مردمی آن از بسیاری از جریان‌های دیگر نیرومندتر است. این گروه امروزه هم فعال است و در انتخابات سال ۱۹۸۷م به همراه حزب احرار و حزب سوسیالیستی کار ۳۶ نماینده در مجلس داشت و در ۱۹۸۶م برای پایه‌گذاری حزبی سیاسی برای فعالیت‌های سیاسی و تربیتی جامعه تلاش کرد.

مجموع این ویژگی‌ها پدیدآورنده را به بررسی تربیت سیاسی از نگاه این گروه واداشته است. وی کتابش را در مقدمه و هفت فصل و خاتمه پرداخته است. در مقدمه از مسئله پژوهش و پرسش‌های آن، اهداف پژوهش، اهمیت این پژوهش، حدود بحث، منابع پژوهش و دیگر اموری که در مقدمه پایان‌نامه‌های تحصیلی مرسوم است یاد شده است.

در فصل یکم به ماهیت تربیت سیاسی و گرایش‌های آن در مصر تا سال ۱۹۲۸م پرداخته شده است. سرآغاز این فصل، اشاراتی است به رابطه متقابل تربیت و سیاست که در قالب بررسی رابطه تعلیم و تربیت با سیاست، موضوع تربیت یعنی انسان، وظایف و کارکردهای سیاسی تربیت، نقش تربیت در جهان سوم به‌اختصار واکاوی شده است.

در ادامه این فصل به دو مبحث پرداخته شده است: ماهیت تربیت سیاسی و ابعاد و نهادهای آن؛ گرایش‌های تربیت سیاسی در مصر از زمان اسماعیل (۱۸۶۳م) تا ظهور گروه اخوان‌المسلمین (۱۹۲۸م).

در شرح و شکافت بحث نخست، پس از اشاره به مفهوم سیاست از سه دیدگاه، به مفهوم سیاست از نگاه اخوان‌المسلمین پرداخته شده است؛ سپس از مفهوم و ماهیت رشد و پرورش سیاسی و اهداف آن سخن رفته است. آنگاه به نهادها و روش‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش سیاسی اشاره شده است. دیگر مطالب این بحث به قرار ذیل است: رابطه رشد و آموزش سیاسی با فرهنگ سیاسی، تربیت سیاسی در اندیشه غربی، تربیت سیاسی در کشورهای سوسیالیستی، تربیت سیاسی در اندیشه تربیتی عربی، تربیت سیاسی از منظر اخوان‌المسلمین، طبیعت تربیت سیاسی، اهداف تربیت سیاسی، نهادها و مراکز تربیت سیاسی.

برای بازشکافت بحث دوم این فصل، ابتدا از عوامل پنج‌گانه مثبت و منفی مؤثر در تربیت سیاسی در دوره ۱۸۶۳ تا ۱۹۲۸م یاد شده است (پیدایش گروهی از رهبران سیاسی، بروز روند نیرومند و آزاد انتشار روزنامه، شکل‌گیری تشکیلات و احزاب سیاسی با گرایش‌های گوناگون، رویدادهای مرتبط با مهار سیاسی، حضور اشغالگران انگلیسی). مطلب بعدی پرداختی است به تربیت سیاسی در جریان اصلاحات دینی که در واشکافت آن از نکات زیر سخن رفته است: دین ضرورت و شرط نهضت جامعه، آزادی اندیشه از قیودات فسردگی و عقب‌ماندگی، شورا و نفی استبداد، جامعه اسلامی و ملی با هم، آزادی سیاسی و استقلال کامل، علایق و رغبت‌های سیاسی، معرفت و آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی، عوامل تربیت سیاسی در جریان اصلاحات دینی.

جریان سیاسی دیگر، جریان لیبرالی است که در توضیح آن از جمله به امور زیر پرداخته شده است: سکولاریسم و لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی، جامعه مصر در مقابل جامعه اسلامی، علایق و گرایش‌های سیاسی و مشارکت سیاسی، عوامل تربیت سیاسی در جریان لیبرالیسم در مصر (روزنامه الجریده، سخنرانی‌های سیاسی، حزب امت).

این فصل با ارزیابی کلی تربیت سیاسی در مصر پیش از پیدایش گروه اخوان‌المسلمین پایان پذیرفته است. در این ارزیابی از کاستی‌های دو جریان اصلاح دینی و لیبرالیسم سخن رفته است (بی‌توجهی به تربیت نیروها و کادر سیاسی، انحصار رهبری و هدایت و دگماتیسم حزبی).

عنوان فصل دوم، پیدایش گروه اخوان‌المسلمین و تحول تربیتی و سیاسی آن است. این فصل از پنج گفتار به شرح ذیل تشکیل شده است: گفتار یکم، عوامل و نیروهایی که در تشکیل و تحول اخوان‌المسلمین مؤثر افتادند:

۱. عوامل و نیروهای سیاسی شامل، حضور اشغالگران انگلیسی در مصر، حکومت پادشاهی ملک‌فؤاد و ملک‌فارق و استبداد مطلق در مصر، پیدایش احزاب سیاسی در دوره مورد بحث، نیروی مردمی (دانشجویان، کارگران، کارمندان).

۲. عوامل و قوای اجتماعی و اقتصادی شامل قوای اجتماعی (سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، توده مردم، صنعتکاران و کارمندان و دانشجویان)؛ اوضاع اجتماعی (فعالیت‌های تبشیری، بی‌حجابی زنان و اختلاط با مردان، تزلزل اخلاق و گسترش فحشا در قالب رقاصی و جنگ با مظاهر دینی و دعوت به اروپایی شدن)؛ اوضاع اقتصادی (استمرار سلطه شرکت‌های

خارجی، پیوند اقتصاد مصر با اقتصاد انگلیس، تکیه اقتصاد مصر بر کشاورزی و به‌ویژه کشاورزی تک‌محصولی یعنی پنبه، استعمار اقتصادی مصر).

۳. عوامل و نیروهای فرهنگی و آموزشی شامل جریان اصلاحات دینی (موحدین یا وهابیان، حضور سید جمال‌الدین [اسدآبادی] در مصر، وجود محمد عبده شاگرد سید، ناکامی نسبی حرکت محمد عبده، فعالیت شاگردان عبده، بروز حسن البنا). جریان غرب‌گرای لیبرال‌مسلک، جریان ناسیونالیسم مصری، جریان مارکسیسم.

در ادامه این گفتار به اوضاع تعلیم و تربیت در مصر و تأثیر آن بر پیدایش و تحول گروه اخوان‌المسلمین پرداخته شده است.

در گفتار دوم به شخصیت جذاب حسن البنا و تلاش‌های او برای برپا کردن گروه اخوان‌المسلمین نظر شده است و ضمن اشاره به عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت او (پدرش، استادان و شیوخ، پیوستن او به گروه صوفی اخوان الحصافیة، دوستان حسن البنا، اوضاع سیاسی)، از تلاش‌های او در سال ۱۹۲۷م برای تأسیس گروه اخوان‌المسلمین یاد شده است.

گفتار سوم دربارهٔ تحول فعالیت تربیتی و سیاسی و اجتماعی اخوان در مرحله شکل‌گیری و گسترش است و در آن ابتدا به شماری از اقدامات آموزشی و تبلیغی مانند سخنرانی، ایجاد شاخه دانشجویی، گسترش دفاتر در قاهره و دیگر شهرهای مصر، برپایی چند همایش اشاره شده است سپس به نمونه‌هایی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی اخوان‌المسلمین پرداخته شده است مانند: توجه به مسئله فلسطین، مخالفت شدید با دولت‌هایی که در انعقاد پیمان‌نامهٔ ۱۹۳۶ مقصر بودند، برپایی چند همایش سیاسی برای دانشجویان، مبارزه با اقدامات مبشران مسیحی، تأسیس چند شرکت اقتصادی.

در گفتار چهارم به فعالیت‌های تربیتی و سیاسی اخوان از ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۲م اشاره شده است. پدیدآورنده مطالب را در سه دوره: جنگ جهانی دوم، ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸م، ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲م بررسی و بیان کرده است. برخی از مطالب این گفتار عبارت‌اند از: ایجاد پادگان نظامی و تربیتی، صدور مجله التعارف و الاخوان المسلمین، ایجاد کمیته اجرایی برای بخش اخوات‌المسلمات، موافقت با وزارت علی ماهر، دستگیری حسن البنا و توقیف نشریات و آثار اخوان، برگزاری چند همایش سیاسی، ایجاد مراکز آموزشی از مهد کودک تا دبیرستان، ایجاد مدارس شبانه برای مبارزه با بی‌سوادی، ایجاد بخش خانواده.

در گفتار پنجم به فعالیت‌های تربیتی و اقتصادی اخـوان‌المـسلمین از ۲۳ ژوئیـه ۱۹۵۲م تـا اکتبر ۱۹۵۴م پرداخته شده است. تحول فعالیت در بخش خانواده، تشکیل تـیم‌هـای ورزشـی، گسترش مدارس، چاپ رسائل و آثار اخوان، نقش اخوان در جنبش ۲۳ ژوئیـه ۱۹۵۲م، موضـع اخوان نسبت به برخی از مسائل از بحث‌های این گفتار است.

در فصل سوم به مبانی اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی تربیت سیاسی از نگاه اخوان‌المسلمین پرداخته شده است. در گفتار یکم از سه گفتار این فصل که در آن از مبـانی اعتقـادی تربیـت از دید اخوان یاد شده به مطالب ذیل اشارت رفته است: بحـث وجـود از نگـاه اخـوان، حقیقـت الوهیت، حقیقت هستی، حقیقت زندگی، حقیقت انسان و غایـت وجـود او، بحـث ارزش‌هـا، بحث شناخت.

مبانی اجتماعی تربیت از دیدگاه اخوان در گفتار دوم بررسی شده اسـت. عوامـل دگرگـونی اجتماعی، مفهوم جامعه مسلمان و نقش مثبت آن در تربیـت، مـشکلات اجتمـاعی در اندیـشه اخوان، نزاع طبقاتی و تحقق صلح اجتماعی، اوضاع نامساعد روستاهای مصر، تأثیر این اوضـاع بر تربیت از جمله بحث‌های گفتار دوم است.

در گفتار سوم به مبانی اقتصادی تربیت از نگاه اخوان نظـر شـده اسـت. اصـول سیاسـت مـالی، عدالت اجتماعی، استقلال اقتـصادی کـشور و لـزوم جـدا شـدن آن از سیاسـت انگلـیس و سـلطه بیگانگان، تلاش‌های عملی اخوان در حوزه استقلال اقتصادی بخشی از بحث‌های این گفتار است.

فصل چهارم به بررسی اصول سیاسی تربیت سیاسی از منظر اخوان اختصاص یافتـه اسـت. در گفتار نخست این فصل از حکومت، انواع حکومت، وظایف و قدرت دولت، موضع اخـوان نسبت به حکومت در مصر و روش تغییر حکومت، اصول نظام سیاسی از نگاه اخـوان (شـورا، آزادی، برابری) بحث شده است.

گفتار دوم دربارهٔ جامعه سیاسی است و در آن به مطالب زیر اشاره شده است: موضـع اخـوان نسبت به ملی‌گرایی در مصر (معنای ملی‌گرایی مـصر و موضـع اخـوان، موضـع آنـان نـسبت بـه اقلیت‌ها در مصر، بار و محتوای تربیتی ملی‌گرایی)، موضع اخوان نسبت به عرب‌گرایی و وحـدت اعراب (موضع آنان نسبت به قوم عرب، ارتبـاط میـان اسـلام و عـرب، وحـدت جامعـه عربـی، مضمون تربیتی موضع اخوان نسبت به وحدت جامعه عربی)، وحـدت اسـلامی یـا بلـوک سـوم (انگیزه‌های ایجاد بلوک سوم [در مقابل بلوک شـرق و غـرب]، عناصـر بلـوک سـوم، طبیعـت و اهداف بلوک سوم، تربیت و فعالیت سیاسی راهی فراسوی بلوک سوم، ارتباط این امر با تربیت).

در گفتار سوم از سه مقوله استعمار، جهاد، استقلال سخن رفته و به مطالب ذیل پرداخته شده است: طبیعت استعمار، استعمار و طبیعت تمدن غربی، استعمار امتداد جنگ‌های صلیبی، استعمار و تهاجم فرهنگی، استعمار هدف دو بلوک شرق و غرب، استقلال و عوامل آن، ابعاد استقلال در گفتمان اخوان.

عنوان فصل پنجم، هدف‌های تربیت سیاسی و مضامین آن از نگاه اخوان است. در گفتار یکم به دو عنصر از عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت سیاسی فرد از نگاه اخوان اشاره شده است. اعتقادات و مفاهیم که عنصر اول است، گرایش‌ها و علایق سیاسی که عنصر دوم، و هدف نخست تربیت سیاسی از منظر اخوان است.

گفتار دوم دربارهٔ هدف دوم تربیت سیاسی یعنی آگاهی و بینش سیاسی است و در آن از جمله به عناصر آگاهی سیاسی و مصادیقی از آگاهی سیاسی چون: آگاهی از مسئله حکومت اسلامی، آزادی از استعمار انگلیس، مسئله فلسطین، آزادی‌های سیاسی از نگاه اخوان پرداخته شده است. عوامل مؤثر در مشارکت و فعالیت سیاسی، محورها و مصادیق مشارکت و فعالیت سیاسی برخی از دیگر مطالب این گفتار است.

عنوان فصل ششم، ابعاد تربیت شخصیت و ارتباط آن‌ها با تربیت سیاسی از نگاه اخوان است و در آن طی شش گفتار به تربیت اعتقادی، تربیت روحی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت جسمی، تربیت عقلی و شناختی پرداخته شده است.

فصل فرجامین کتاب، دربارهٔ وسایل و عوامل تربیت سیاسی از دید اخوان‌المسلمین پرداخته شده است. این وسایل عبارت‌اند از: تشکیل گروه‌های چهل نفره از اعضای اخوان که به آن‌ها کتیبه گفته می‌شد، نظام خانواده (گونه‌ای خانه تیمی غیرمخفی)، نظام خاص، همایش‌ها، دوره‌ها و سخنرانی‌های آموزشی، جراید منتشرشده از سوی اخوان، نظام تربیتی سیار.

* مطالعه منابع ذیل هم پیشنهاد می‌شود:

علی عبدالحلیم محمود، وسائل التربیة عند الاخوان المسلمین: دراسة تحلیلیة تاریخیة (چاپ هفتم: قاهره، دارالوفاء، ۱۹۹۳م)؛ محمود محمد جوهری و محمد عبدالحکیم، الاخوات المسلمات و بناء الاسرة القرآنیة (اسکندریه، دارالدعوة، [بی‌تا])؛ یوسف قرضاوی، التربیة الاسلامیة و مدرسة حسن البنا (قاهره، مکتبة وهبة، ۱۹۷۹م)؛ عثمان عبدالعزیز رسلان، التربیة السیاسیة عند اخوان المسلمین (قاهره، دارالتوزیع الاسلامیة، ۱۹۹۰م).

۴۶

التربیة السیاسیة فی المجتمع المسلم[1]

خالـد احمـد شـنتوت. چـاپ اول: عمـان ـ بیـروت، دارالبیـارق للطباعـة والنـشر والتوزیـع، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م. ۱۶۲ص، وزیری.

بازگشت به اسلام گریزناپذیر و دارای پنج مرحله است: تربیت فـرد مـسلمان؛ ایجـاد خـانواده مسلمان؛ برپایی جامعه مسلمان؛ استقرار حکومت اسلامی؛ تبدیل امت اسلامی به بهترین امت. بیداری اسلامی در پنجاه سال اخیر دو مرحله نخست از مراحل پنج‌گانه بازگشت بـه اسـلام را پیموده است و امروزه برای برپایی جامعه اسلامی که ناگزیر باید حکومت اسلامی بر آن حـاکم باشد تلاش می‌کند.

تربیت اسلامی راه بازگشت به اسلام است و تربیت اسـلامی شـامل تربیـت فـرد و جامعـه است و یکی از حوزه‌های آن تربیت سیاسی است بلکه تربیت سیاسی از ارکـان اصـلی تربیـت اسلامی به شمار است. با این حال بر نگارنده روشن است که دست‌اندرکاران دعوت به اسـلام و بیداری اسلامی به ضعف آگاهی و بینش سیاسی دچارند [که حاصل تربیت نادرست سیاسـی آن‌هاست]. بنابراین برای برپایی جامعه اسلامی باید افراد تربیت سیاسی شوند. از این‌روست که پدیدآورنده کوشیده است با استفاده از کتاب و سنت نبوی و سیره خلفای راشد، گوشه‌هـایی از تربیت سیاسی در اسلام را پیش‌رو نهد.

کتاب حاضر از مقدمه، ده فصل و چند پیشنهاد تشکیل شـده اسـت. در مقدمـه از بیـداری اسلامی پنجاه ـ شصت سال اخیر و بازگشت به اسـلام و ضـرورت تربیـت سیاسـی و بایـستی بحث از آن و هدف از این پژوهش سخن رفته است.

---

۱. تربیت سیاسی در جامعه اسلامی

در فصل یکم که اسلام و سیاست عنوان گرفته است، نخست به تعریف اسلام و توجه آن به همه شؤون زندگی بشر از جمله سیاست پرداخته شده است؛ سپس از تعریف سیاست و تغییر معنای اصیل واژه سیاست از ملاطفت و نرمی به مکر و نیرنگ یاد شده است و آمده است که میان سیاست چونان علم با سیاست چونان فن تفاوت است و از نظر اسلام تا کسی متفقه در دین نباشد و علم دین و سیاست اسلامی را نداند نمی‌تواند زمامدار مسلمانان شود. سیاست اسلامی اهدافی دارد، از آن‌هاست: بشر خدای یگانه را بپرستد؛ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بشری فراگیر شود؛ همه بشر به اسلام دعوت شوند؛ فتنه از زمین برچیده شود؛ همه بشر اسلام را گردن نهند (ص۱۵ـ۱۶) [اعتراف ناخواسته به فلسفه مهدویت].

نویسنده در ادامه اشاره کرده است که سیاست بخشی از اسلام است و اسلام میان دین و سیاست جدایی نیفکنده است و خداوند نماز را که وظیفه‌ای تعبدی است با زکات که مالیات اقتصادی است و امر به معروف و نهی از منکر که فعالیتی سیاسی است پیوند داده است. وی در تأیید دیدگاه خود به سخن غزالی که علوم دینی را به فقه و توحید و سیاست تقسیم کرده است و نیز برخی اقدامات ابن‌تیمیه و... اشاره کرده است. آنگاه به واجب کفایی بودن فعالیت سیاسی و در عین حال بر زمین ماندن آن خاصه در میان اهل سنت نظر کرده و افزوده است که شیعه به اعتبار دیدگاه خاصش نسبت به امامت بسیار بیش از اهل سنت، سیاست می‌ورزد، اما برخی از اهل سنت معتقدند امامت از اصول دین نیست و با نص، واجب و معلوم نشده است و تنها امری اجماعی مبتنی بر عقل است (ص۲۳).

در پایان این فصل یادآوری شده است که آنچه مسلمانان را از سیاست به دور داشته است حکومت موروثی است که حکومت را از قرآن جدا کرده است و عالمان را به فقه مشغول داشته است و فقه را نیز به عبادات و معاملات محدود ساخته است. پس از حکومت موروثی (عثمانی) مسلمانان گرفتار حکومت دیکتاتوری شدند و راه نفس بر همگان بسته شد و کسانی چون زیاد بری، عالمان مسلمان را در میدان شهر زنده سوزاندند و... تا مسلمانان را از سیاست دور بدارند. آنان با ماکیاولی خواندن سیاست کوشیدند هرچه بیشتر عالمان را از سیاست گسسته دارند و دین را از سیاست و حکومت بریده شمارند.

عنوان فصل دوم، اسلام و ماکیاولیسم است. هدف کلی این فصل نشان دادن ناسازواری اسلام و سیاست اسلامی با ماکیاولیسم است. برای شرح و شکافت موضوع، ابتدا از نیکولا ماکیاولی ایتالیایی (قرن پنجم میلادی) و کتاب پادشاه او سخن رفته و اشاره شده است که

موسیلینی، هیتلر، لنین، استالین [از جمله رهبران مستبد و ضد دین] دو قرن اخیرند که کتاب پادشاه ماکیاولی را درس گرفته یا خوب خوانده‌اند.

پس از این به ماکیاولی یعنی ضد اخلاق و ضد دین بودن سیاست در جهان معاصر و این‌که سیاست برابر است با برآورده شدن مصالح و منافع شخصی اشاره شده است و به شماری از ویژگی‌های پادشاه در کتاب ماکیاولی پرداخته شده است.

نگارنده پس از این و در شرح سیاست اسلامی افزوده است که سیاست اسلامی، سیاست مبتنی بر عقیده است نه مصالح شخصی، و حاکم مسلمان دنیا را بر آخرت برنمی‌گزینند، حتی اگر به بهای از دست دادن زمام حکومت باشد. هدف‌های سیاست اسلامی در جامعه اسلامی، امت اسلامی، کل بشریت و صفات حاکم مسلمان بحث‌های بعدی این فصل است.

در فصل سوم به اسلام و دموکراسی پرداخته شده تا ضمن بیان مفهوم دموکراسی و ویژگی‌های آن از بحران دموکراسی و مبارزه آمریکا با دموکراسی در جهان سخن رود و میان دموکراسی و شورا مقایسه صورت پذیرد و برتری مطلق نظام شورایی بر نظام مبتنی بر دموکراسی اثبات شود و معلوم افتد که میان اسلام و دموکراسی تفاوت از زمین تا آسمان است و کسانی که از اسلام دموکراتیک و دموکراسی اسلامی دم می‌زنند و دموکراسی را از ویژگی‌های اسلام معرفی می‌کنند و آن را از روش‌های اسلامی می‌شمارند دعوی ناروا می‌کنند و اسلام را واژگونه می‌نمایانند.

در پایان این فصل آمده است که نظام [سیاسی] اسلام، دین‌سالاری و حکومت روحانیان نیست که مانند اروپای قرون وسطا حکومت را موهبتی الهی در کف شاه بدانند، بل حاکم (خلیفه) مسلمان را خود مسلمانان برمی‌گزینند. نگارنده حکومت از نگاه شیعه را به لحاظ منصوب بودن امام، حکومتی دین‌سالار دانسته است که ریشه الهی دارد و مردم در انتخاب حاکم دخالت ندارند (ص۶۶).

فصل چهارم به بررسی ویژگی‌های سیاست اسلامی اختصاص یافته و در آن از موارد ذیل سخن رفته است: بیعت، شورا، عدالت، همکاری، اهتمام به امور مسلمانان، اولوالامر، حاکمان و عالمان.

در فصل پنجم به شورا [از نگاه اهل سنت] نظر شده و آمده است که: شورا امر ربانی برای فرد و جامعه است. شورا از ویژگی‌های هر مسلمان است. شورا خویی اسلامی است. شورا به الزام‌آور و غیرالزام‌آور تقسیم می‌شود، فرق میان شورای الزام‌آور و شورای غیرالزام‌آور.

فصل ششم دربارهٔ تعاون و شامل مطالب ذیل است: تعاون و همیاری در جامعه‌شناسی، دوسویه بودن تعاون، تعاون مشارکت و مساعدت است، همکاری گروه‌ها، تعدد گروه‌ها و احزاب و شروط و دلایل آن، آداب تعامل گروه‌ها، مسئله گروه مادر یا اصلی، همکاری گروه‌ها در فعالیت سیاسی.

عنوان فصل هفتم عدالت است و در آن به موارد زیر اشارت رفته است: عدالت از صفات فرد مسلمان است، با غیرمسلمان هم باید به عدالت رفتار شود، برابری فرصت‌ها (حق حیات، حق آموزش، حق کار، حق آزادی)، تساوی شهروندان در حقوق و تکالیف.

در فصل هشتم به مسئله اهتمام به امور مسلمانان پرداخته شده است و در آن پس از اشاره به وجود بعد فردی و جمعی در انسان و قربانی شدن روح جمعی در میان مسلمانان به پای بعد فردی آنان، یادآوری شده است که پشت کردن به بعد اجتماعی و روی آوردن به فردیت، کرامت و انسانیت فرد را مخدوش می‌سازد و با افزایش این دست افراد در جامعه، جامعه به رمه‌ای از مردگان متحرک تبدیل می‌شود. نگارنده در پی این مطلب افزوده است که گرایش جمعی شیعه نیرومندتر از اهل سنت است و شیعیان امامت (فعالیت سیاسی) را واجب می‌دانند و از این‌روست که توانستند شاه را سرنگون سازند و انقلاب [اسلامی] ایران را پیروز گردانند (ص۱۲۸).

عنوان فصل نهم، نخستین دولت اسلامی است و در آن به چگونگی برپایی دولت نبوی در صدر اسلام پرداخته شده است. این دولت بر پایه‌ای مستحکم یعنی سابقون در اسلام استوار بوده است و در دل جامعه غیرمسلمان، افراد مسلمان پرورش یافتند و پس از آن جامعه مسلمان پدید آمد و سرانجام دولت اسلامی نبوی برپا شد. اشاره به عناصر دولت اسلامی نبوی پایان‌بخش این فصل است.

فصل فرجامین به خاتمه کتاب، خلاصه بحث‌ها و عرضه چند پیشنهاد اختصاص یافته است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

طه هاشمی، اسلام و دموکراسی (تهران، زیبا، ۱۳۸۲)؛ محمدحنیف طاهری، اسلام و دموکراسی (قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۱)؛ سعید اسماعیل علی، دیمقراطیة التربیة الاسلامیة (قاهره، دارالثقافة، ۱۹۷۴م)؛ محمدجواد نوروزی، درآمدی بر نظام سیاسی اسلام (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۱)؛ داود فیرحی، نظام سیاسی اسلام (تهران، سمت، ۱۳۸۲).

۴۷

تربیة الطفل فی الاسلام[1]

محمد محمدی ری‌شهری. با همکاری عباس پسندیده. چـاپ اول: قـم، دارالحـدیث للطباعـة والنشر، ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶. ۱۹۲ص، وزیری.

در این اثر تلاش شده است مهم‌ترین رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی در زمینه تعلـیم و تربیـت کودک پیش‌رو نهاده شود. شرح و تحلیل‌های کتاب دربارهٔ روایات بر سودمندی آن افزوده است.

اساس کار در این کتاب بر این است که تربیت فرزند صالح در گرو تأمین سه رکن اساسـی است، یعنی خانواده شایسته، پاسداشت حقوق کودک، پرورش احساس مسئولیت در کودک.

آیات و روایات گردآوری‌شده در این کتاب برای ریزکاوی در این سه رکن است و از این‌رو کتاب پس از مقدمه، به سه بخش چندفصلی تقسیم گشته و در هر بخـش آن بـه یکـی از سـه رکن یادشده پرداخته است.

بخش اول که مبانی تربیت کودک عنوان گرفته است به شرح و بررسی رکن اول اختـصاص یافته و دارای چهار فصل است. در فصل یکم به تشکیل خانواده و اهمیـت آن و ارزش طلـب فرزند و فضیلت فرزند صالح و بر خود هموار داشتن دشواری‌های فرزندداری اشاره شده است و تأکید گشته است که در بند جنس فرزند نباید بود و باید توجه داشـت کـه تربیـت دختـران پاداشی فزون‌تر دارد و فرزندان مؤمنان در بهشت به خانواده خود می‌پیوندند.

در فصل دوم از نقش وراثت در شـکل‌گیـری شـخص و شخـصیت کـودک و حتـی تـأثیر ویژگی‌های اجداد دور زن و مرد در فرزند یاد و اشاره شـده اسـت کـه نقـش وراثتـی مـادر بـر فرزندان بیش از پدر است. از این‌رو لازم است در گزینش همسر دقت شود.

---

۱. تربیت کودک در اسلام

فصل سوم دربارهٔ نقش غذای والدین بر آینده کودک است و در آن آمده است که در اسلام از آثار سوء غذای حرام بر فرزند یاد و اشارت رفته است که نطفه شکل‌گرفته از حرام، زمینه را برای بسیاری از رفتارهای نادرست کودک فراهم می‌سازد. از این‌رو لازم است از غذای حرام پرهیز شود، و به‌ویژه مادران باید بیشتر مراقب باشند. در این فصل به فضیلت استفاده از برخی از خوراکی‌ها و تأثیر آن‌ها بر فرزند، پیش از بسته شدن نطفه، در دوران بارداری و پس از آن هم پرداخته شده است.

فصل چهارم دربارهٔ چگونگی آمیزش و نقش حلال و حرام بودن آن بر آینده فرزند است و در آن از آثار مثبت پاک‌زادگی و آثار منفی پلیدزادگی هم یاد شده است.

عنوان بخش دوم که بیش از نیمی از حجم کتاب را گرفته است، حقوق کودک می‌باشد. این بخش، از مقدمه و شش فصل تشکیل شده است. در فصل یکم از حقوق نوزاد یعنی شستن او، گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ او، کام برداشتن از او، نام نهادن بر او، تراشیدن موی سر او، قربانی برای او و ختنه او یاد شده است.

فصل دوم دربارهٔ حقوق کودک شیرخوار است و در آن به این امور اشاره شده است: تغذیه با شیر مادر در حد امکان، استفاده از دایه صالح، زنانی که شایسته نیست کودک را شیر دهند، استفاده از غذای مفید برای تغذیه کودک، احترام به احساس کودک.

در فصل سوم، تعلیم و تربیت کودک مطرح شده است. ارزش آموزش در کودکی، ارزش تربیت، مسئولیت تعلیم و تربیت فرزند، مهم‌ترین آموختنی‌ها، زمان تربیت و تأدیب کودک، روش‌های تربیتی اسلام، آسیب‌شناسی تأدیب، تربیت جنسی، بحث‌های این فصل است.

فصل چهارم به بررسی اخلاق و آداب تربیت اختصاص یافته است، از آن‌هاست: ترغیب به محبت و مهربانی با کودکان، سیره نبوی در مهرورزی به کودکان و احترام به آن‌ها، سلام بر کودکان، نکوهش بی‌مهری به کودکان، چارچوب محبت به فرزند، عدالت میان فرزندان، خوش‌پیمانی با کودکان، شاد ساختن کودکان.

در فصل پنجم، آراستن کودک و بازی او بررسی شده است. آراستن کودک، ستایش شور و حال و فعالیت کودکی، اجازه بازی به کودک، کودکی کردن با کودکان و بازی با آن‌ها و اشارتی به نقش بازی در رشد کودک مطالب این فصل است.

در فصل ششم، مسئله دعا برای فرزندان پیش کشیده شده است و در آن از تشویق به دعا برای فرزند، پرهیز از دعای علیه کودک، دعای امام سجاد(ع) برای فرزندش، نماز پدر برای فرزند سخن رفته است.

بخش سوم کتاب که وظایف کودک خوانده شده است دارای چهار فصل است. در فصل اول به وظایف فردی کودک مانند نظم در امور، نظافت، مسواک، شستن دست‌ها قبل از غذا و پیش از خوابیدن، کوتاه کردن ناخن‌ها اشاره شده است.

فصل دوم دربارهٔ وظایف کودک نسبت به والدین است و در آن از اهمیت حقوق والدین، برکات نیکی به والدین یاد شده است.

در فصل سوم به وظایف کودک نسبت به معلم پرداخته شده است، یعنی اطاعت، احترام، بلند نکردن صدا، بی‌احترامی نکردن به معلم و کوچک نشماردن او.

فصل چهارم، محمل بررسی وظایف کودک نسبت به بزرگ‌ترها و دوستان است و در آن از وظایف ذیل یاد شده است: سلام کردن، احسان و بخشندگی، حفظ دوستی، برخورد خوش، به نیکی یاد کردن، اندرز دادن، بیان کاستی‌ها و نابایستی‌ها، گذشت از لغزش‌ها، دوری از نیش و کنایه، پرهیز از آزردن.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

عبدالله ناصح علوان، تربية الاولاد في الاسلام (چاپ سی‌ام: قاهره - بیروت، دارالسلام - دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)؛ احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷)؛ محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل‌بیت (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴)؛ علی قائمی، خانواده و مسائل جنسی کودکان (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸).

۴۸

تربیة الطفل للاسلام[1]

وسیم فتح‌الله. چاپ اول: بیروت، موسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م. ۳۳۳ص، وزیری.

این اثر برخلاف دیگر همالان خود، به جای تربیت کودک در اسلام، تربیت کودک برای اسلام خوانده شده است. علت این امر را در فلسفه تحریر کتاب باید جست، چرا که نگارنده در شرح این فلسفه آورده که تلاش کرده است چارچوب کلی طرح کتاب بیشتر بررسی و واشکافت چیزی باشد که می‌توانیم برای اسلام انجام دهیم، نه پژوهش در منافعی که می‌توانیم از اسلام برگیریم؛ زیرا آزمون راستین ایمان فرد، در فداکاری او در راه دین صورت می‌پذیرد (ص۸).

با آن‌که نگارنده در خلاصه شش‌سطری کتاب (ص۹) از فصول پنج‌گانه این اثر نام برده است، در متن کتاب هیچ تبویب و فصل‌بندی‌ای مشاهده نمی‌شود و کتاب حتی فهرست مطالب هم ندارد.

باری پیشگفتار کتاب دربارهٔ اهمیت موضوع کتاب قلمی شده است (ص۹). ابتدا با استناد به آیات قرآنی از دو خطر بسیار مهم که متوجه والدین است سخن رفته است: دشمنی فرزندان با والدین که اوج آن دشمنی در دین است؛ مشارکت شیطان در اولاد. پس از این اشاره شده است که تربیت فرزندان برای اسلام واجب عینی است؛ سپس به دو مورد از واکنش‌های والدین هنگام ولادت فرزند و دو مورد از واکنش‌های آنان هنگام رشد کامل فرزند از منظر قرآن

---

۱. تربیت کودک برای اسلام

کریم پرداخته شده است. آنگاه یادآوری شده است که باید در نظر داشت که هدف تربیت باید پیروزی یا شهادت باشد و وجه سومی وجود ندارد و دیگر هدف‌ها فرع این هدف است. مراد از پیروزی، تحقق سیادت دین بر جهان است. در ادامه با اشاره به هدف‌های مرحله‌ای فرآیند تربیت و تقسیم آن‌ها به سه مرحله گوشزد شده است که این کتاب برای شرح و شکافت این هدف‌ها تحریر شده است.

عنوان [فصل اول]، خطرهایی که کودک مسلمان در معرض آن‌هاست، می‌باشد. در [این فصل] که بلندترین فراز کتاب است تلاش شده است به شماری از خطرهایی که در مراحل گوناگون زندگی، کودک را تهدید می‌کند پرداخته شود. این پردازش شامل شرح ماهیت خطرها، روش‌های شناسایی آن‌ها، طرح مقابله با آن‌هاست.

در واکاوی این خطرها از موارد زیر یاد شده است: کنار نهاده شدن زبان عربی؛ کنار گذاردن مادر؛ سست ساختن بنیان خانواده؛ اشغال ذهن؛ غرب‌زدگی فکری؛ از کار انداختن فکر؛ تغییر و تحریف؛ تخریب جسمی و روحی مستقیم.

در [فصل دوم] که تربیت و رشد روحی ـ حرکتی کودک عنوان گرفته است، به مراحل رشد حرکتی کودک از ولادت تا بلوغ و راه‌های هدایت رفتار کودک در هر مرحله فراسوی سازواری با هنجارهای اسلامی پرداخته شده و مثلاً آمده است که چون کودک شروع به آموختن غذا خوردن نمود به او آداب این کار را بیاموزیم، نه پس از آن؛ یا با شروع سخن گفتن، آداب این کار را به او آموزش دهیم نه پس از آن، تا از این رهگذر به جای روی آوردن به روش اصلاح خطا و تبدیل آن به صواب، از همان آغاز از روش ایجاد رفتار درست و صواب استفاده کنیم (ص۱۸۵).

در ادامه بحث، به چهار حیطه و محور رشد حرکتی کودک پرداخته شده است و آداب و ارزش‌های اسلامی متناسب بر هر محور پیش‌رو نهاده شده است. محورها عبارت‌اند از: رشد حرکتی عام؛ رشد حرکتی دقیق و توانایی کسب مهارت و برقراری ارتباط با محیط؛ رشد زبانی؛ رشد شناختی ـ اجتماعی.

عنوان [فصل سوم]، وسایل دریافت است. نگارنده در شرح این عنوان به وظیفه والدین نسبت به تأمین وسایل شناخت برای کودک تا رسیدن به سن بلوغ پرداخته و آورده است که درست است که حواس پنج‌گانه ابزار شناخت و ایجاد ارتباط با محیط است، اما قرآن بر سه عامل تأکید کرده است: حس شنوایی، حس بینایی، حس دل؛ سپس از آیه ۸۷ سوره نحل که

محل اشاره به سه عامل شناختی گوش و چشم و دل است، سه اصل در خصوص به‌کارگیری این سه وسیله برگرفته شده است که بیان‌کننده رابطه تربیت با وسایل شناختی یادشده است.

آنگاه به شرح و شناخت بیشتر سه حس شنوایی، بینایی، دل پرداخته شده و از ارتباط میان این سه وسیله شناختی کودک با تربیت اسلامی سخن رفته است.

عنوان [فصل چهارم]، روش‌های تربیت است. نگارنده برای بازشکافت این موضوع با استفاده از قرآن و حدیث به شرح شش روش ذیل پرداخته است: تلقین، سرمشق نیکو، عادت، بازی، پیرایش و زایش، یادگیری شرطی (تنبیه و پاداش). وی روش‌های یادشده را برای تربیت و آموزش کودک مناسب تشخیص داده است (ص۲۷۳).

فصل فرجامین کتاب، نظریه تربیتی کامل در سوره لقمان عنوان گرفته است. نویسنده یادآور شده است که آنچه را در این کتاب آورده است به صورت یکجا در سوره مبارکه لقمان یافتنی است. وی این سوره را حاوی نظریه تربیتی کامل و مستقل دانسته و به شرح برداشت‌های تربیتی خود از آن پرداخته است.

با آن‌که این اثر فاقد نظام ارجاعی است و در آن - غیر از ارجاع به قرآن کریم - در مجموع به ده کتاب هم ارجاع داده نشده است و ارجاعات موجود هم تنها از باب شاهد است نه برداشت علمی، اما کاری خواندنی و از برخی جنبه‌های معنایی و محتوایی بسیار بدیع است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

جعفر سبحانی، مربی نمونه: تفسیر سوره لقمان (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷)؛ احمد زرهانی، منشور تربیتی لقمان (تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷)؛ محمد محمدی اشتهاردی، لقمان و حکمت‌های ده‌گانه او (بوشهر، موعود اسلام، ۱۳۸۱)؛ فخرالسادات قریشی‌راد، دیدگاه اسلام در روان‌شناسی رشد (تبریز، احرار، ۱۳۷۶)؛ محمدرضا شرفی، مراحل رشد و تحول انسان (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴)؛ مرکز تحقیقات اسلامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تربیت برای دین، طرح و نظارت از رجبعلی مظلومی (چاپ اول: تهران، بنیاد شهید، ۱۳۶۵).

۴۹
التربیة فی الاسلام النظریة والمنهج[1]

عدنان علی رضا نحوی. چاپ اول: ریاض، دارالنحوی للنشر والتوزیع، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م. ۴۳۲ص، وزیری، جدول، طرح، مقیاس اندازه‌گیری.

این کتاب در واقع از دو قسمت کلی تشکیل شده است؛ در قسمت نخست به نظریه تربیتی در اسلام پرداخته شده است، و در قسمت دوم به برنامه تربیتی در اسلام. مطالب کتاب در مقدمه و شش بخش گرد آمده است. برخی از بخش‌ها به دو یا سه قسمت و هر قسمت به چند فصل تقسیم شده است و برخی دیگر تنها به چند قسمت و برخی هم به چند فصل تقسیم گشته است.

مباحث این کتاب ـ کمابیش ـ هم به لحاظ عنوان و هم از نظر شرح و تحلیل تازگی دارد. برخی از بحث‌هایش در دیگر تربیت‌نگاشته‌های اسلامی نیامده است مانند مقیاس اندازه‌گیری سطح ایمان، ادبیات و نظریه تربیتی در اسلام که به لحاظ موضوع تازه‌اند و مراحل تربیت، عوامل و روش در نظریه تربیتی اسلام که پرداخت و محتوایی تازه دارند.

از جمله کاستی‌های این اثر، پرداختن به موضوعات پرشمار است. گستردگی دامنه بحث موجب شده است گاه مباحث خلط شوند مثل بحث ویژگی‌های نظریه تربیت اسلامی که در آن به اموری که ویژگی نیستند پرداخته شده است، و گاه به مباحث کوتاه و حتی کمتر از ۲۵۰ کلمه پرداخته شده است مانند نظریه تربیتی در اسلام و تمرین عملی.

کاستی دیگر این کتاب تعریف نشدن مفاهیم کلی، و نیز ناپخته نهادن بحث و ارجاع خواننده به دیگر آثار مؤلف است.

---

۱. تربیت در اسلام: نظریه و برنامه

بخش آغازین کتاب با اشارتی به مفهوم نظریه، فرضیه، قانون آغـاز گـشته اسـت. در فـصل دوم به واژگان فرهنگ، سکولاریسم، علم، پرداخته و یادآوری شده است که علـم و فرهنـگ از ضروریات مکتب اسلام است. در فصل سوم دربارهٔ سیطره مادیت بر فلسفه و ادب و سیاسـت و اقتصاد و تربیت و ضرورت بنا نهادن نظریه و برنامه‌ای برای هدایت فعالیت‌ها بـه راه راسـت بحث شده است. نگارنده در فصل چهارم به نظریه معرفت میان مفهوم ایمانی و مفهوم الحادی پرداخته و لازم دانسته است مفهوم ایمانی برگرفتـه از قـرآن را در سراسـر مراحـل آمـوزش بـه فرزندانمان القا کنیم.

موضوع بخش دوم چکیده‌ای از سیر تاریخی تعلیم و تربیت و روان‌شناسـی تربیتـی اسـت. در فصل یکم با سیر تاریخی تعلیم و تربیت و در فـصل دوم بـا سـیر تـاریخی روان‌شناسـی در عصر جدید آشنا می‌شویم. فصل سوم ارزیابی کوتاهی است از نظریه‌های تربیتی و روان‌شناسـی تربیتی در غرب.

نظریه تربیت در اسلام و شروط توضیح آن، عنوان بخش سوم است. نگارنده این بخـش را دو قسمت کرده است. در قسمت یکم ابتدا نظریه را تعریف کرده است؛ سپس به تعریف نظریه تربیتی در اسلام پرداخته است. آنگاه از اصول ثابتی که نظریه تربیتی اسلام بر آن‌ها پا گرفته است یاد کرده است و در پایان از منابع معرفت و عوامل مؤثر در فرآیند تربیت گفته است.

در قسمت دوم، گزیده‌ای از موضوعات مهم مرتبط با نظریه تربیت در اسلام بررسـی شـده است. برای شرح این عنوان، نخست به نظریه عام تبلیغات در اسلام و شروط شش‌گانه مهم آن پرداخته شده است و پس از آن قانون فطرت در اسلام و نقش آن در حوزه تربیت و مهـم‌تـرین نیروهای فطرت و نقش ایمان و توحیـد در آن مطـرح شـده اسـت. در ادامـه ایـن قـسمت بـا مسئولیت فردی و مسئلهٔ وسع صادق و کاذب و رابطه آن با مسئولیت فردی و در پایان هـم بـا مقیاسی برای سنجش ایمان روبه‌رو می‌شویم.

در فصل یکم بخش سوم ویژگی‌های نظریه تربیت در اسلام بحـث و بررسـی شـده اسـت. شماری از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: شمول، وسعت، پایـه علمـی برگرفتـه از مکتـب تربیـت نبوی، دارا بودن بعد عبادی، دارا بودن بعد اخلاقی، جمع میان علم و عمل، توجه به بهـره‌وری بهینه از وقت، آموزش عمومی و تخصصی، توجه به آموزش زن، ارتبـاط بـا ادبیـات، تـشویق و تنبیه. در فصل دوم هدف‌های هفت‌گانه نظریه تربیت اسلامی طرح و بحث شده است و فـصل سوم به کندوکاو عوامل در نظریه تربیت اسلامی اختصاص یافته است.

در بخش پنجم که به سه قسمت چندفصلی تقسیم شده است، مراحل تربیت در نظریه تربیت در اسلام بازشکافی گشته است. در قسمت نخست، مراحل به دو قسم تأسیسی (کودکی) و مرحله سازندگی و تکوین تقسیم شده است. آنگاه به هماهنگی نقش والدین، همکاری خانه و مدرسه و مسجد، هماهنگی مراحل با یکدیگر در طول عمر، مسئولیت والدین نسبت به آماده ساختن خود برای تربیت فرزندان، اشارت رفته است. در قسمت دوم به اهمیت مرحله کودکی که از ازدواج والدین آغاز می‌شود و به پانزده‌سالگی می‌انجامد پرداخته شده است. در قسمت پایانی این بخش مراحل پنج‌گانه سازندگی و تکوین، بحث و بررسی شده است.

بخش ششم دربارهٔ برنامه مرحله تأسیسی (کودکی) و مرحله سازندگی و تکوین است. این بخش نیز به دو قسمت تقسیم شده است. در قسمت یکم به برنامه‌های هر یک از مراحل هفت‌گانه دوره کودکی پرداخته شده است. قسمت دوم این بخش شامل برنامه‌های تربیتی مراحل پنج‌گانه دوره سازندگی و تکوین است.

گفتنی است نگارنده تلاش کرده است همواره به قرآن و سنت تکیه و استناد جوید. وی در تقسیم مراحل، کودکی را تا پانزده‌سالگی دانسته و این سن را آغاز نوجوانی شمارده است (ص ۳۵۱).

البته برخی دیگر از محققان هم کودکی را در معنایی اعم به کار برده و شامل مرحله حمل تا پایان نوجوانی دانسته‌اند، اما پانزده‌سالگی را آغاز نوجوانی ندانسته‌اند. بنگرید به: عبدالحمید احمد ابوسلیمان، ازمة الارادة والوجدان المسلم البعد الغائب فی مشروع اصلاح الامة فی اصلاح الثقافة والتربیة: رؤیة اسلامیة معاصرة (چاپ اول: دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۵ق، ص ۲۹۵).

* منابع ذیل نیز درخور مطالعه است:

فتحی حسن ملکاوی (زیر نظر)، المؤتمر التربوی: مؤتمر نحو بناء نظریة تربویة اسلامیة معاصرة (عمان، جمعیة الدراسات والبحوث الاسلامیة، ۱۹۹۱م)؛ مسعود آذربایجانی، تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲)؛ حسن ملکی، مبانی و اصول تربیت شامل مفهوم، مبانی، اهداف، اصول، مراحل ([بی‌جا]، نیکان کتاب، ۱۳۸۳)؛ زهره سعادتمند، تربیت همگام با مراحل زندگی (اصفهان، بهار، ۱۳۷۱).

۵۰

التربیة فی القرآن والسنة الغایات والاهداف[1]

فتح الباب عبدالحلیم سید. چاپ اول: قاهره، عالم الکتب، ۱۹۹۶م. ۱۱۸ص، وزیری.

این کتاب تلاشی است در راستای کشف و عرضه‌داشت اصول ثابت در تربیت اسلامی که می‌توان آن‌ها را شاخص‌های تربیت در قرآن و سنت نامید (ص۳). از این رهگذر معلوم خواهد شد اهداف تربیت اسلامی کدام است؛ اسلام نسبت به انسان و زندگی چه دیدگاه‌هایی دارد؛ ارزش‌های اسلام کدام‌اند (ص د).

نگارنده، کتاب را در مقدمه و چهار فصل قلمی کرده است.

در فصل یکم که روش کتاب نامیده شده به چهار موضوع پرداخته شده است: تربیت، دانش زندگی است؛ جامعه انسانی تابع قانون زندگی یعنی تحول‌پذیر و دگرگونی‌بردار است؛ بحث علمی دربارهٔ نمونه تربیت؛ تفسیر پدیده تربیت.

عنوان فصل دوم غایت‌ها و هدف‌هاست. نگارنده غایت را غیر از هدف می‌داند و بر این باور است که غایت، هدف مترتب بر همه اهداف و نقطه تلاقی همه شؤون تربیت و غایات آن است و فراتر از آن در خاطر نمی‌گنجد. غایت، هدفی بر زمان و مکان است؛ اما اهداف، در زمان و مکان و تابع شرایط و ملیت‌هایند. وی غایت تربیت در قرآن و سنت را همان غایت دین اسلام و چیزی غیر از غایت شریعت یا مقاصد شرع می‌شمارد (ص۱۸). پس از این ضمن اشاره به رابطه زایشی نگرش به انسان و غایات و اهداف تربیتی، به انسان در قرآن و سنت پرداخته شده است؛ سپس احیای فطرت توحیدی یا پرورش آن غایت تربیت در اسلام

---

۱. تربیت در قرآن و سنت: غایت‌ها و هدف‌ها

معرفی و افزوده شده است که در قرآن از بازگشت به فطرت توحیدی با دو واژه «تذکر» و «تزکیه» تعبیر، و نیز آورده شده است که در احیاء علوم الدین غزالی از غایت تربیت به توحید تعبیر گشته است. آنگاه توحید و آزادی یکی دانسته شده و به شرح آزادی در قرآن پرداخته و اشاره شده است که آزادی حق است و واجب، توحید یا آزادی، مسئولیت فردی و اجتماعی است و جامعه وظیفه دارد زمینه آزادی فرد را فراهم سازد و چنان شود که اندیشه و رفتار و خواسته‌ها و در مجموع همه‌چیز فرد در چارچوب الهی قرار گیرد و او یکپارچه خدایی شود. چنین آزادی و توحیدی، غایتی جهانی است و به مسلمانان اختصاص ندارد (ص۴۲).

فصل سوم الغایات التمکینیه خوانده شده است و من آن را غایت‌های زمینه‌ای یا پیش‌غایات یا غایات ابزاری ترجمه می‌کنم؛ زیرا مراد از این غایات، غایات تربیتی‌ای است که وسیله و پیش‌درآمد و مقدمه تحقق غایت غایات یعنی آزادی یا احیای فطرت توحیدی است (ص۴۷). این غایات به فردی و اجتماعی تقسیم شده و در این فصل به غایات فردی اشارت رفته است. و در شرح و شکافت آن‌ها نخست از عناصر و مؤلفه‌های سه‌گانه تعیین‌کننده این غایات سخن رفته است و پس از آن به فراگیری کتاب و حکمت، تزکیه و خودارزیابی، کسب و پیشه، فراگیری دانش، به عنوان غایات ابزاری پرداخته شده است.

غایات ابزاری اجتماعی در فصل فرجامین کتاب واکاویده شده است. برای بازشکافت این بحث، ابتدا از مفهوم جامعه در قرآن یاد شده است سپس به گونه‌های مصالح و مفاسد و میزان و معیار سه‌گانه رفتار انسان در قرآن اشاره شده است و پس از آن از غایات ابزاری اجتماعی زیر سخن رفته است: امنیت، پایبندی به ارزش‌ها، مسئولیت یا ولایت اجتماعی که بر محبت و تعاون و یکدیگر را به معروف خواندن و از منکر بازداشتن مبتنی است.

گذشته از آنچه گذشت باید یادآور شوم که مباحث این کتاب کمابیش تازه و خواندنی افتاده است و خالی از نوآوری نیست و پیراسته از تقلید و تکرار است. نیز گفتنی است برخی غلط‌های چاپی و بی‌دقتی در ضبط اعلام ظاهر کار را ناپسند ساخته است. مثلاً نام کتاب عقّاد به‌غلط التفکیر ضرورة آمده است (ص۸) که درست آن التفکیر فریضة اسلامیة است؛ نام کوچک احمد فؤاد الاهوانی نویسنده کتاب التربیة فی الاسلام، عبدالعزیز ضبط شده است (ص۱۰ و ۱۴)؛ کتاب قواعد الاحکام فی مصالح الانام، به‌غلط قواعد الاحکام فی مصالح الامام ضبط شده است (ص۸۶)؛ الفصل الثانی به صورت الفصل الثال چاپ شده است (ص۴۷)؛

الفصل الرابع، الفصل الثالث چاپ شده است (ص۸۳)؛ نسميه، نسمية (ص ج)؛ اثبات، اثيات (ص۵)؛ غايات، غابات (ص۶)؛ يقول، بقول (ص۷)؛ ينشاء، بنشاء (ص۱۰۳) چاپ شده‌اند.

دیگر آن‌که چنان که آوردم نگارنده غایت را غیر از هدف دانسته است و در فصل دوم از غایت تربیت اسلامی یاد کرده است؛ لازمه منطقی این تفاوت و تقسیم آن است که آنچه را در فصل سوم و چهارم غایت خوانده است، هدف بخواند.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:

ماجد عرسان کیلانی، اهداف التربية الاسلامية (بیروت، مؤسسة الريان، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)؛ مقداد یالجن، اهداف التربية الاسلامية و غاياتها (رياض، دارالهدى، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)؛ علی خلیل مصطفی ابوالعینین، اهداف التربية الاسلامية (قاهره، ابراهيم الحلبی، ۱۹۸۸م)؛ فاروق عبدالحمید سامرائی، اهداف و خصائص التعليم الاسلامی (اردن، دارالنفائس، ۱۴۱۹ق)؛ محمد حسن بریغش، ادب الاطفال اهدافها و سماته (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ق).

۵۱
تربية المرأة من منظور الشيخ محمد الغزالی[1]

لطیفه حسین کندری و بدر محمد مالک. چاپ اول: دمشق، مرکز الرایة للتنمیة الفکریة، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م. ۱۷۳ص، وزیری.

محمد غزالی سقا (۱۳۳۵ـ۱۴۱۴ق) از علمای روشنفکر الازهر و از شاگردان حسن البنا و از اعضای هیئت مؤسسان گروه اخوان‌المسلمین مصر است که اهل تألیف و تدریس و تبلیغ بود. وی چنان که یوسف قرضاوی گفته است در اندیشه از مکتب عقل‌گرای معاصر و اشاعره و سلفیه متأثر بوده اما به روش گروه یا فرد خاصی مقید نبوده است.

در کتاب حاضر تلاش شده است نگرش‌های غزالی به زن و تربیت او از لابه‌لای نوشته‌های وی گردآوری و عرضه گردد.

گفتنی است تقریباً نیمی از کتاب ملحقاتی شامل گزیده‌هایی از سخنان و مقالات غزالی و تکمله‌ای بر مهم‌ترین افکار یادشده از او در کتاب حاضر به قلم علاءالدین آل‌رشی و شماری از آثار گفتاری و نوشتاری غزالی است و آنچه به‌طور مستقیم دربارهٔ دیدگاه‌های تربیتی وی پرداخته شده است به شصت صفحه نمی‌رسد.

در این اثر دیدگاه‌های غزالی دربارهٔ تربیت زن بر چهار محور استوار گشته و پس از مقدمه ناشر، مقدمه یکی از مؤلفان، زندگی‌نامه کوتاهی از غزالی، موضوع و مسئله بحث و ضرورت آن به شرح ذیل بیان شده است:

محور یکم، تربیت از نگاه غزالی، در شرح و شکافت این بحث از تلاش غزالی برای پیوند تربیت با حرکت جامعه؛ تعریف تربیت؛ لزوم تحول در تربیت در جهان اسلام؛

---

۱. تربیت زن از نگاه شیخ محمد غزالی

برخی از روش‌های تربیتی؛ کاستی و ضعف در روش‌های آموزشی؛ توجه به تزکیه نفس سخن رفته است.

در محور دوم به اصول فکری غزالی در تربیت زن پرداخته شده است. این اصول هفت‌گانه عبارت‌اند از: نگرش کلی و فراگیر به مقوله اصلاح، نگرش نقادانه به برخی از احادیث در مورد زن و نیز وضع کنونی زن مسلمان، پایبندی به اعتدال و میانه‌روی، توجه به مبانی روحی و اجتماعی در تدوین برنامه آموزشی، اصلاح وضع و واقعیت موجود نه تن دادن به فشارهای آن، واقع‌گرایی و تنوع آبشخورهای علمی، جمع میان اصالت و نوگرایی.

محور سوم موضع غزالی در برابر چالش‌های فراروی تربیت زن است و در بازشکافت آن به مطلب ذیل اشاره شده است: موقعیت زن میان خانه و جامعه، عیوب نگرش شرقیان نسبت به زن، اختلاط زن با بیگانگان در جامعه، جنبش زنان و نقش آن در تربیت مطلوب.

محور فرجامین بحث، اندیشه‌های غزالی در حوزه اصلاح آموزش زن است. غزالی معتقد است برای رویارویی با دینداری ناروا باید از دینداری روا سود برد نه از بی‌دینی. وی سیر و سفر علمی را بر زن جایز می‌داند و با خانه‌نشینی زن و پنهان کردن او در پستو مخالف است. ضرورت اصلاحات تربیتی در آثار غزالی و مخالفت وی با فقه سنتی در مورد زن و استفاده مناسب از دستاوردهای مفید غرب در تربیت زن و لزوم پیرایش اندیشه مسلمان از انحرافات رخ‌داده در آن نسبت به آموزش زن دیگر بحث‌های این محور است.

۵۲
التربية المستمرة و تعليم الكبار رؤية اسلامية[1]

ایوب دخل‌الله. چاپ اول: بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۳۱ق/۲۰۱۰م. ۲۱۵ص، وزیری.

در نوشتار حاضر به موضوعی بدیع و بسیار مهم نظر شده است. با آن همه پافشاری‌های کتاب و سنت بر ارزش علم و تعلیم و تعلم، هنوز فراوانند مسلمانانی که حتی خواندن و نوشتن نمی‌دانند و نیز اصل استمرار آموزش در میان مسلمانان بر زمین مانده است. آموزش بزرگسالان در اسلام دو ویژگی مهم دارد: مردمی و دموکراتیک است؛ الزامی است یعنی آموختن و اعمال واجبات بازبسته به آموزش دین است (ص۷).

آموزش بزرگسالان و نیز آموزش مستمر از لوازم پیشرفت در جهان امروز است و آشنایی با تجربه‌های اسلامی در این زمینه اهمیت فراوان دارد. از این‌رو پدیدآورنده در پی واکاوی این مهم در تاریخ فرهنگ و آموزش در اسلام برآمده است. وی کتابش را در مقدمه و چهار فصل بسامان ساخته است.

در مقدمه به اهمیت موضوع اشاره شده است. در فصل یکم که تربیت مستمر و آموزش بزرگسالان در پرتو تعالیم اسلام عنوان گرفته است از جمله به موارد ذیل پرداخته شده است: در سال‌های اخیر به تربیت مستمر و آموزش بزرگسالان توجه بیشتری شده است، مفهوم امی در لغت و اصطلاح، مفهوم بزرگسال در اسلام، آموزش و تکلیف متلازم‌اند، رابطه تبلیغ و آموزش بزرگسالان، رابطه عبادت و تعلیم بزرگسالان، آموزش بزرگسالان و عبادت به معنای

---

۱. تربیت مستمر و آموزش بزرگان رویکردی اسلامی

خاص، آموزش بزرگسالان و عبادت به معنای عـام، آمـوزش بزرگـسالان فریـضه‌ای اسـلامی، هدف‌های تربیت مستمر و آموزش بزرگسالان در اسلام (هدف‌های فردی: بعـد جـسمی، بعـد عقلی و فکری، بعد روحی، هدف‌های اجتماعی).

عنوان فـصل دوم، روش‌هـای آمـوزش بزرگـسالان در اسـلام اسـت. نگارنـده در شـرح و شناخت این مطلب نخست از مفهوم عام و خاص روش یاد کرده است و به ضرورت روش در فرآیند آموزش اشاره کرده است؛ سپس روش‌های آموزش بزرگسالان را به سـه گـروه تقـسیم و هر گروه را به‌شرح آورده است: روش‌هایی که تعاملی و دوجانبه‌اند و معلم و شـاگرد هـر دو در فرآیند تعلیم و تعلـم مـشارکت مـی‌جوینـد (بحـث و مناقـشه، منـاظره، مکاتبـه)؛ روش‌هـای خودآموزی که در آن‌ها شاگرد خود به فراگیری می‌پـردازد و معلـم او را آمـوزش نمـی‌دهـد یـا نقش او بسیار محدود اسـت (خوانـدن، مباحثـه، تکـرار و تمـرین، سـفر علمـی)؛ روش‌هـای القایی که بیشتر بر نقش و فعالیت معلم متمرکزند (تلقـین و تکـرار، سـخنرانی، امـلا، سرمـشق بودن، داستان‌سرایی).

فصل سوم به بررسی نهادهای آموزش بزرگسالان در اسلام اختصاص یافته است. نویـسنده ضمن اشاره به فرازمانی و فرامکانی بودن آموزش در اسلام، یـادآور شـده اسـت کـه پـیشرفت فرهنگ و تمدن در جامعه اسلامی و نیازهای خاص مترتب بر آن وجـود نهـاد آموزشـی چـون مدرسه را ضروری ساخت اما پیش از ایجاد مدرسه در جهان اسلام مراکز دیگری برای تعلیم و تعلم پدید آمد که در این فصل به شرح و شکافت آن‌ها پرداخته شده است: مکتب، خانه‌هـای خاص عالمان، مساجد، کاخ‌ها، کاغذفروشی‌ها، کتابخانه‌های عمـومی و خـصوصی، ربـاط‌هـا، زاویه‌ها، خانقاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس.

عنوان فصل فرجامین کتاب، گونه‌های مختلف آمـوزش بزرگـسالان در پرتـو ویژگـی‌هـای تربیت اسلامی است. سرآغاز این بحث، اشارتی است به نسبت میـان تعلـیم و تربیـت و در آن آمده است که در اسلام به دشواری می‌توان تعلیم و تربیت را از یکدیگر جدا دانست از جملـه دلایل این امر اشتراک این دو مفهوم در ویژگی‌های ممیزه است. پس می‌توان گفت ویژگی‌هـای ممیزه تربیت اسلامی وجه اشتراک انواع مختلف آموزش بزرگسالان در اسلام است.

پس از این بـه ویژگـی‌هـای ممیـزه تربیـت اسـلامی پرداختـه شـده اسـت (ربـانی بـودن، فراگیری، متوازن بودن، جمع میان علم و عمل، فردی و اجتمـاعی بـودن، آزادی، روزآمـدی در عین حفظ اصالت).

مؤلف پس از شرح ویژگی‌های یادشده که وی آن‌ها را از مبانی تربیت اسلامی دانسته است (ص ۱۵۱، ۱۶۳) انواع پنج‌گانه آموزش بزرگسالان را به شرح ذیل پیش‌رو نهاده است: آموزش عمومی، آموزش برای خدمت (کارمندی)، آموزش فنی و حرفه‌ای (شغلی)، آموزش خودآموزی، آموزش عالی مستمر.

یادکردنی است در فصل سوم که به نهادها و مراکز آموزشی پرداخته شده است، از رصدخانه‌ها و تأسیسات آموزشی آن‌ها، دارالحکمه، دارالعلم، دارالقرآن، دارالحدیث، دارالقرآن والحدیث، مربد سخن نرفته است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمود قمبر، دراسات تراثیة فی التربیة الاسلامیة، ۳ جلد (چاپ اول: قطر، دارالثقافة، ۱۹۸۵ـ۱۹۹۲م، جلد سوم، بحث سوم)؛ احمد شلبی، تاریخ آموزش در اسلام (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱).

۵۳

تربیة المعلم للقرن الحادی والعشرین[1]

محمود احمد شوقی و محمد مالک محمد سعید محمود. چاپ اول: ریاض، مکتبة العبیکان، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م. ۳۷۷ص، وزیری، جدول، معیار سنجه.

کتاب حاضر در پی بررسی مقوله بس مهم تربیت معلم در جهان عرب و اسلام است. آنچه نگارنده را به نگارش این اثر برانگیخته، افزایش تهدیدها و چالش‌های فراروی معلم امروز از سویی، و تحولات و رویکردهای تازه در حوزه تربیت معلم از سوی دیگر، به‌ویژه در جهان عرب و اسلام است. آن چالش‌ها چیست، و این رویکردها کدام است؟ و مراحل تربیتی معلمی که از پس آن چالش‌ها برآید و این رویکردها را فهم کند کدام است؟ معلمی که بتواند استعدادها و توانایی‌های شاگرد را به کار گیرد و آن‌ها را به بار نشاند و او را به بهترین شکل راهنمایی کند، معلمی که شاگرد را در فرآیند آموزش به عاملی پویا و مثبت تبدیل سازد و نیازهای جامعه را نیک دریابد و به وظایف خود در قبال آن‌ها عمل کند، معلمی که در حوزه تخصص خود، آگاهی‌های تازه فراوان دارد و می‌کوشد بر مهارت‌های شغلی خود بیفزاید.

آیا این مراحل به گونه‌ای در هم تنیده‌اند که بتوانند زنجیره واحدی تشکیل دهند؟ آیا این مراحل برنامه‌ریزی شده‌اند؟ معیارهایی که نشان دهد هر مرحله تا چه مایه با مقتضیات تربیت اسلامی مطلوب سازوار است و با تحولات جدید که با آن‌ها روبه‌روست همگام است کدام است؟ چگونه می‌توان این معیارهای سنجش را در مطالعات به کار گرفت تا روشن شود وضع کنونی تربیت معلم در جهان عرب و اسلام چگونه است؟

---

۱. تربیت معلم برای قرن بیست و یکم

پاسخ به این پرسش‌ها، هدف تألیف این کتاب است که در مقدمه و سه بخش و هفت فصل پی‌درپی تشکیل شده است.

بخش یکم شامل فصل اول و دوم کتاب است و چالش‌ها و رویکردهای جدید در تربیت معلم عنوان گرفته است. در فصل اول به مهم‌ترین چالش‌های فراروی تربیت معلم در جهان عرب پرداخته شده است. این چالش‌ها به پنج گروه تقسیم و در قالب‌های ذیل واکاویده شده‌اند: چالش‌های مربوط به تربیت معلم، چالش‌های مربوط به شاگرد، چالش‌های فراروی جامعه، چالش‌های مربوط به پیشرفت علمی و فناوری و پژوهشی، چالش‌های مربوط به تحول در نقش تربیت به‌طور عام.

برای نمونه در شرح و شکافت چالش‌های فراروی تربیت معلم به این موارد پرداخته شده است: چالش‌های گزینش معلم، چالش‌های تربیت معلم، چالش‌های مربوط به افزایش مهارت‌های حرفه‌ای معلم مثلاً از راه آموزش ضمن خدمت.

بررسی یادشده در این کتاب، استقصائی نیست، بل گزینشی است و معیار در گزینش، اهمیت و ارتباط موضوعات با ارزش‌ها و مسائل روز بوده است (ص۸۷)؛ از سوی دیگر جغرافیای چالش‌های بررسی‌شده، جهان عرب است، اما این چالش‌ها تا حد زیادی در جهان اسلام عمومیت دارد (ص۸۷).

عنوان فصل دوم، مهم‌ترین رویکردهای جدید در برنامه تربیت معلم در جامعه اسلامی است. در این فصل تلاش شده است، عناوین ذیل واکاویده شوند: شایستگی معلم برای تربیت شاگردانش بر اساس تربیت اسلامی، توجه به مجهز شدن معلم به فرهنگ اسلامی، توجه به سمت‌وسوی اسلامی دادن به علوم و مشارکت‌های عالمان مسلمان در آن‌ها، توجه به توانایی و مهارت کامل معلم در استفاده از زبان عربی فصیح و آموزش با آن، رعایت اصل آموزش مستمر و تربیت معلم را در چارچوب نظامی واحد نگریستن، افزایش سطح برنامه‌های تربیت معلم و تعالی آن و تنوع تجربه‌های آن، استفاده از پیشرفت‌های معاصر در حوزه فناوری آموزشی، توجه به عملکرد معلم در کلاس درس، پیدایش مدل انسانی در تربیت معلم که مخالف دیدگاه‌های فروید و رفتارگرایانی چون واتسن است، تأکید بر پژوهش و کاربردهای میدانی آن، گسترش سطح شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری دربارهٔ تربیت معلم.

بخش دوم که از فصل سوم تا پنجم را شامل است، معیارهای تربیت معلم مسلمان، عنوان گرفته است.

در فصل سوم به معیارهای گزینش معلم پرداخته شده است. ایـن معیارهـا بـه پـنج گـروه تقسیم و بررسی شده‌اند: معیارهای ویژگی‌های شخصیتی، معیارهای شغلی، معیارهای علمـی و فرهنگی، معیارهای اخلاقی، معیارهای اجتماعی. معیارهای یادشده اساس گزینش دانـشجویان تربیت معلم است. برشماردن هر یک از مجموعه معیارهای یادشده پایان‌بخش فصل است.

فصل چهارم، محمل بررسی معیارهایی است که باید در برنامه تربیت معلم معلمان دبیرسـتان وجود داشته باشد. این معیارها در برنامه تربیت معلم دیگر مقاطع هـم قابـل اعمـال اسـت. در شرح این معیارها، ابتدا مهم‌ترین مبانی فرآیند تعلیم و تعلم، مهم‌ترین ابعاد برنامه تربیت معلـم، مسئله پژوهش و محدوده آن، روش پژوهش و مراحل آن، مبانی تنظیم معیار بررسی شده است. آنگاه به معیارهایی که لازم است در برنامه تربیت معلم در جامعه اسلامی لحاظ شـود پرداختـه شده است. این معیارها در زمینه‌های زیر است: معیارهای اهداف، معیارهـای محتـوای برنامـه، معیارهای روش‌های تدریس در مراکز تربیت معلم، معیارهای به‌کـارگیری فنـاوری آموزشـی در برنامه تربیت معلم، معیارهای ارزیابی خروجی برنامه تربیت معلم.

در فصل پنجم به معیارهای برنامه‌های استمرار رشد معلم از رهگـذر آمـوزش‌هـای ضـمن خدمت نظر شده است. در شرح این موضوع از مفهوم رشد معلم، هدف‌هـای آمـوزش ضـمن خدمت، مراحل تهیه برنامه رشد معلم، تهیه معیار یاد شده و در پایان معیارهای مورد نظر آورده شده است.

عنوان بخش سوم که دربردارنده فصل ششم و هفتم کتاب است، مطالعات تطبیقـی اسـت. در فصل ششم به مطالعه مقایسه‌ای میان برنامه‌های تربیت معلم ابتدایی در پنج کشور عرب بـر اساس رویکردهای جدید به تربیت معلم در جامعه اسلامی که در فصل دوم کتاب مطرح شـد، پرداخته شده است و در فصل هفتم به مطالعه مقایسه‌ای برنامه‌های تربیت معلـم بـرای مقطـع دبیرستان در هفت کشور عرب، بر اساس معیارهای ارزیابی برنامه‌های تربیت معلم دبیرستان در جامعه اسلامی که در فصل چهارم واکاوی گشت، پرداخته شده است.

* مطالعه منبع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
عبدالحکیم خلدون کنانی، تخریج المعلمین حسب التربیة الاسلامیة (مکه مکرمه، المرکز الثقـافی للتعلیم الاسلامی، ۱۴۰۴ق).

۵۴

التربية والتجديد و تنمية الفاعلة عند المسلم المعاصر[1]

ماجد عرسان کیلانی. چاپ اول: بیروت، مؤسسة الریان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م. ۱۲۰ص، وزیری، نمودار، طرح.

هنگامی که قرآن کریم (نحل، ۱۲۵)، برای تربیت و تبلیغ، روش‌های «حکمت» و «پند نیکو» و «چالش بهتر» را مقرر می‌دارد، به‌واقع راه پژوهندگان «فقه التربیه» را مشخص کرده است تا از این پس با تکیه بر خرد و حواس خود، جزئیات هر راه را خود معلوم دارند. از دستاوردهای این فقه التربیه شکوفایی علوم حکمی، علوم پند نیکو، علوم چالش بهتر و آموزش دست‌اندرکاران این علوم بر اساس برنامه‌ها و روش‌های آن‌هاست.

شارحان سیره و سنت نبوی آن‌مایه که باید به روشن نمودن این نکته که چگونه خداوند از میان نانویسان، رسولی از خود آنان برانگیخت تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت یادشان دهد [جمعه، ۲] نپرداخته‌اند. به دیگر سخن، محور فقه تربیتی که نهادهای تربیتی برای رشد و گسترش آن باید تلاش کنند، مطالعه دقیق و درست روح انسان برای کشف قوانین و مؤلفه‌ها و عادت‌های پویا، و شناخت موانع و عادت‌های کشندهٔ آن برای پرورش عادت‌های پویا و دور داشتن انسان از عادت‌های کشنده آن‌هاست (ص۶ـ۷).

این کتاب که برای مشارکت در پژوهش یادشده نگارش یافته دارای مقدمه و سه بخش (دوازده فصل) است.

بخش نخست دربارهٔ معنای پویایی و اهمیت تربیت پویا است.

---

۱. تربیت و نوآوری و رشد کارآیی مسلمان معاصر

در فصول سه‌گانه بخش دوم، سخن بر سر تربیت و مراحل و مراتب رشد شخصیت و عادت‌های فکری و روحی آن است. در شرح این عنوان آمده است که اساس رشد پویایی، توجه نهادهای تربیتی به چگونگی تحقق رشد کامل شخصیت افراد است. تربیت آگاه برای کمال رشد شخصیت انسان در طی سه درجه و مرتبه تلاش می‌کند. مرتبه اتکای به غیر، مرتبه استقلال یافتن، مرتبه تکیه متقابل به دیگران. در سه فصل این بخش هر یک از این مراتب بحث و بازشکافی شده است.

در فصل سوم که به مرتبه سوم یعنی مرتبه رشد و کمال و تکیه متقابل به دیگران است، از جمله به عادت‌های هفت‌گانه تفکر مثبت و سازنده در صاحبان مرتبه سوم پرداخته شده است: عادت به این فکر که من سود می‌برم، دیگران هم سود می‌برند؛ اما بیشتر فارغ‌التحصیلان نهادهای آموزشی - تربیتی کشورهای عربی و اسلامی بر اساس عادت فکری: من و دیگران سود می‌بریم، نمی‌اندیشند، بلکه به پنج شکل زیر می‌اندیشند: من سود می‌برم و دیگران زیان می‌کنند، من زیان می‌کنم و دیگران سود می‌برند، من و دیگران زیان می‌کنیم، من سود می‌کنم و سود و زیان دیگران مهم نیست، یا دیگران در صورتی سود می‌برند که من سود ببرم یا هیچ‌کس سودی نمی‌کند.

عادت دوم کسانی که به مرحله سوم راه یافته‌اند این است که: دیگران را درک کن سپس بگذار آنان هم تو را درک کنند؛ عادت سوم صاحبان این مرتبه، عادت همکاری گروهی است.

تربیت آگاهانه و روزآمد به پرورش شخصیت کامل که دارای عادت‌های عقلانی و روحی و رفتاری پویاست بسنده نمی‌کند، بلکه به رشد و پویایی امت هم روی می‌کند. این رویکرد مقوله‌ای است که در بخش سوم بدان پرداخته شده است. برای واکاوی این موضوع در فصول هشت‌گانه باقی‌مانده کتاب از مطالب ذیل یاد شده است: صفات جامعه باز و جامعه بسته؛ جامعه باز حاصل نظام تربیتی‌ای است که به آن تربیت نوگرا می‌گویند، و جامعه بسته ناشی از نظام تربیتی‌ای است که به آن نظام تربیتی ایستا و ثابت می‌گویند که در فصل پنجم از آن‌ها یاد شده است؛ نظام‌های تربیتی عربی و اسلامی جدید و گسترش چارچوب عقلی ثابت و آگاهی ساده و اندک؛ تربیت و پویایی و هرم نیازهای انسان؛ به بازی و مسخره گرفتن نیازهای انسان و توقف پویایی مسلمان معاصر؛ تربیت و پویایی و نیروهای محافظه‌کار و تندرو و تجددگرا؛ قوانین تحول تاریخی و تناقضات موجود در جوامع بسته در کشورهای عربی و اسلامی؛ نیاز جوامع عربی و اسلامی به جنبش تربیتی تجددگرا که آن را از

جامعه بسته به جامعه باز منتقل سازد. در فصل فرجامین کتاب چکیده بحث و پیشنهادهایی پیش‌رو نهاده شده است.

گفتنی است در فصل سوم از عادت هفتم یاد شده است، حال آن‌که تا آنجا تنها از سه عادت سخن رفته است نه شش عادت (ص۵۷).

دیگر آن‌که در فارسی و عربی هیچ اثری در موضوع، رویکرد و نوع پرداخت مطالب این کتاب نگاشته نشده است. از این‌رو مطالعه آن درخور اهتمام است.

۵۵

التربية والتعليم فی الاسلام[1]

سعید دیوه‌جی. [چاپ اول]: موصل، مکتب التراث العربی، [بی‌تا]، تحریر مقدمه ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م. ۱۳۶ص، وزیری.

کتاب حاضر که دورهٔ مختصر تاریخ آموزش در اسلام با تکیه بر منابع و تاریخ آموزش اهل سنت است از معدود آثاری است که دربارهٔ تعلیم و تربیت اسلامی در عراق قلمی شده است. این اثر مسبوق به تاریخ آموزش در اسلام احمد شلبی است ولی موشکافی‌های آن را ندارد. نگارنده کتابش را در مقدمه، بیست و شش موضوع - بدون فصل‌بندی - و خاتمه‌ای بلند پرداخته است. در بحث نخست، به جایگاه آموزش نزد مسلمانان و الزامی بودن و لزوم استمرار آموزش در اسلام پرداخته شده است.

بحث دوم دربارهٔ مکتب است و در شرح و شکافت آن به وجود مکتب در زمان خلفای راشد و برخی اقدامات عمر و شماری از مواد درسی مکتب در آن دوره و برخی از امور مربوط به اداره مکتب نظر شده است؛ سپس وضعیت مکتب در دوره امویان بررسی گشته است، پس از آن از مکتب در عصر عباسیان یاد شده است. آنگاه از مکتب در دوره‌های پس از بنی‌عباس سخن رفته است.

موضوع بعدی معلم است. جایگاه معلم در میان مسلمانان، انتقاد از معلمان و دفاع جاحظ از آن‌ها، شماری از آداب و وظایف معلمی مطالب بررسی‌شده ذیل این موضوع است. در ادامه از تأدیب و تنبیه بدنی؛ بازی و ضرورت آن برای شاگردان؛ دعوت والدین از مربیان برای

---

۱. تعلیم و تربیت در اسلام

رهنمون ساختن فرزندان به زندگی عملی برای آماده شدن برای زندگی اجتماعی؛ رسیدگی به وضع مکتب‌ها و نقش محتسبان در این زمینه سخن رفته است.

نویسنده در ادامه به نهادها و مراکز آموزشی رسیده و از مسجد و جایگاه آموزشی آن، دارالحکمه، دارالعلم، دارالقرآن، دارالحدیث، رباط و زاویه، کتابخانه، دکان صحافی، خانه‌های عالمان، بیمارستان، مدرسه یاد کرده است. در شرح دارالحکمه آمده است که در بغداد، قیروان (در زمان اغالبه)، قاهره، طرابلس شام، مراغه دارالحکمه وجود داشته است. نیز در شرح دارالعلم، از دارالعلم موصول (قرن سوم)، دارالعلم بستی (قرن چهارم)، دارالعلم شاپور (قرن چهارم)، دارالعلم ابن‌المارستانی در بغداد (قرن ششم) یاد شده است.

در شرح مدرسه، اشاره شده است که پیش از نظامیه‌های خواجه نظام‌الملک به‌طور قطع، از جمله در نیشابور مدرسه وجود داشته است. آنگاه به مدارس پیش از نظامیه‌ها اشارت رفته است؛ سپس از مستنصریه بغداد یاد و اندکی به نقشه بنای این مدرسه پرداخته شده است. در ادامه از برنامه درسی مدارس، روش‌های تدریس در مدارس، خدمات اجتماعی به طلاب در مدارس، فراوانی مدارس، ساختار اداری مدارس گفتگو شده است.

عناوین علمی (معلم، مؤدب، شیخ، امام، محدث، معید، مقری)، پوشاک خاص عالمان، شمار طلاب، آموزش اهل کتاب، دیگر بحث‌های کتاب است که پیش از خاتمه مؤلف آورده شده‌اند.

با این‌که بحث‌های این اثر کمابیش در دیگر کتاب‌ها عنوان گشته است، اما پرداخت مؤلف به مباحث ـ خاصه در برخی از موارد ـ آن‌ها را خواندنی کرده است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

احمد شلبی، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱)؛ جمعی از محققان، بیت‌الحکمة العباسی عراقة الماضی و رؤیة الحاضر (بغداد، بیت‌الحکمة، ۲۰۰۱م)؛ محمود قمبر، دراسات تراثیة فی التربیة الاسلامیة، ۳ جلد (قطر، دارالثقافة، ۱۹۸۵ـ۱۹۹۲م)؛ سعید دیوه‌جی، بیت‌الحکمة (چاپ دوم: موصل، دارالکتب، ۱۹۸۲م)؛ خضر احمد عطاءالله، بیت‌الحکمة فی عصر العباسی (چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، [بی‌تا]).

۵۶

التربية و دورها فی تشکیل السلوک[1]

مصطفی محمد طحان. چاپ اول: منصوره، دارالوفاء للطباعة والنشر والتوریـع، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م. ۴۱۲ص، وزیری.

گرچه عنوان کتاب حاضر تربیت و نقش آن در شکل‌گیری رفتار است و انتظار مـی‌رود در آن از مباحث تربیتی و روان‌شناختی در اسلام سخن رفته باشد؛ اما تنها شش صفحه از کتـاب دربـارهٔ نقش تربیت در شکل‌گیری رفتار است، و در دیگر مباحث کتاب از این مقوله یاد نـشده اسـت. در این شش صفحه همچنان که اقتضای متـون تربیتـی اسـت بحـث نـشده و مطالـب گرچـه درست، اما شعاری است و بُعد سیاسی به خود گرفته است.

باری نویسنده در این اثر کمابیش از هـر دری سـخن گفتـه اسـت و کتـابش را بـه‌هـیچ‌رو نمی‌توان اثری دربارهٔ نقش تربیت در شکل‌گیری رفتار و شخصیت و یا حتـی نزدیـک بـه ایـن موضوع دانست.

نگارنده مطالبش را در مقدمه و پانزده فصل، قلمی کرده اسـت. در پایـان بیـشتر فـصل‌هـا چکیده فصل در قالب کلیدواژگان آورده شده اسـت. برخـی از فـصول ایـن اثـر بـسیار کوتـاه افتاده‌اند: فصل پانزدهم، یک صفحه، فصل چهاردهم دو صفحه، فصل سیزدهم چهار صفحه.

عنوان فصل نخست، تأثیر تربیت بر شکل‌گیری شخصیت است. مؤلـف در شـرح و بـسط این عنوان از اهمیت تعلیم و تربیت و اهتمام مسلمانان به این امر یاد کـرده اسـت. وی تربیـت اسلامی را به‌شدت متأثر از عقاید اسلامی دانسته و بر آن است که تربیت اسلامی در عین حفظ

۱. تربیت و نقش آن در شکل‌گیری رفتار

اصالت، انعطاف‌پذیر است. نگارنده پس از اشارتی کوتاه به اجتهاد تربیتی، نیم‌نگاهی به تحول تربیت اسلامی کرده و سپس تربیت نبوی را پیش کشیده و از عناصر این تربیت یاد کرده است. تربیت و رسالت فرد مسلمان و بهره‌برداری استعماری غربیان از تربیت، دیگر مطالب این فصل است.

فصل دوم دربارهٔ هدف‌های تربیت اسلامی است. در تربیت اسلامی، هدف اصلی و اساسی، تربیت انسان صالح است (ص۳۵ و ۴۱). از دیگر هدف‌های این تربیت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: پرورش عقاید فرد، تربیت علمی و مهارتی، رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، اعتدال در اخلاق، پرورش شخصیت فعال. جنبش‌های اسلامی جدید از مفاهیم تربیتی خود با ادبیات روز و این‌گونه تعبیر کرده‌اند: پرورش فرد مسلمان، ایجاد خانواده مسلمان، برپایی جامعه مسلمان.

اهمیت برنامه در فرآیند تربیت، موضوع فصل سوم است. در شرح این موضوع، پس از بیان اهمیت برنامه، از رابطه برنامه با هدف‌ها یاد شده است؛ سپس ویژگی‌های برنامه، مواد درسی و تقسیم آن‌ها، و سرانجام نکاتی چند دربارهٔ برنامه تربیتی آمده است.

در فصل چهارم، حوزه‌های تربیت بررسی شده است. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: تربیت جسم، تربیت روح، تربیت عقل، تربیت نفس. نگارنده هر یک از حوزه‌ها را به‌اختصار شرح داده است.

فصل پنجم دربارهٔ ساختار نفس انسان است. نفس انسان از مجموعه‌ای از حالت‌های موازی اما مختلف‌الجهت تشکیل شده است؛ از آن‌هاست: بیم و امید، عشق و بیزاری، نیروی مادی و معنوی، راه داشتن به غیب و شهود، آزادی فردی و گرایش جمعی. اسلام برای هدایت هر یک از این حالت‌ها و به اعتدال داشتن آن‌ها رهنمودهایی دارد.

مهم‌ترین ویژگی‌های تربیت اسلامی در فصل ششم واکاویده شده است. به این شرح: تربیت اسلامی برساخته بر اعتقاد و اراده و تربیتی است انسانی، فراگیر، متوازن، مبتنی بر واقع. تربیت اسلامی عملی و مستمر است و بعد اخلاقی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی دارد. نگارنده این ویژگی‌ها را گاه کوتاه و گاه بلند شرح داده است.

در فصل هفتم از عوامل مؤثر در شخصیت سخن رفته و از عوامل زیر یاد شده است: وراثت، محیط طبیعی، محیط اجتماعی، مربی، متربی. نگارنده در بحث از مربی و معلم از جمله به ربانی بودن او، ویژگی‌های اخلاقی پسندیدهٔ او، رابطه معلم با متعلم، رعایت تدریج در تعلیم،

لزوم شناسایی استعدادهای متعلم؛ و در بحث متعلم از جمله به روابط او با معلم و آداب دانش‌آموزی اشاره کرده است.

فصل هشتم دربارهٔ شخصیت تربیتی حضرت رسول اکرم(ص) پرداخته شده است. نویسنده، این فصل را محور اصلی این کتاب و بلکه انگیزه وی برای نگارش آن دانسته است. وی برای آن‌که نشان دهد آن حضرت چگونه از مردم جاهلی عربستان صحابه‌ای با ویژگی‌های شگرف تربیت کرد، به شماری از ویژگی‌های شخصیت تربیتی آن حضرت پرداخته است: تشویق به تعلیم و تعلم، مهربانی و محبت، دوستی با متعلمان، ادای حق همه حاضران در جلسه، نیک گوش دادن و احترام به پرسش‌کننده، گزینش روش سازگار با شخصیت متعلم، رعایت تفاوت‌های فردی، توجه به تدریج در آموزش، پاسخ بدی به نیکی، کشف استعدادهای صحابه.

نگارنده در فصل نهم، روش‌های تربیتی در سیره حضرت پیامبر(ص) را بازشکافته است. آن حضرت برای تربیت از روش‌های زیر بهره می‌برده است: تربیت از راه ارائه اسوه حسنه، موعظه، تربیت با نقل قصه، تربیت از راه گفتگو، تربیت از راه تمرین و عمل، بهره‌گیری تربیتی از حوادث، تربیت از راه ایجاد عادت، تربیت با عبادت، تربیت از راه احیای دل، تربیت از راه تشویق و تهدید.

در فصول دهم تا چهارده از تربیت در کودکی، نوجوانی، جوانی، کمال، پیری و در فصل پانزدهم از تربیت زن در برنامه تربیتی اسلام یاد شده است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

مقداد یالجن، جوانب التربیة الاسلامیة الاساسیة (ریاض، [بی‌نا]، ۱۴۰۶ق)؛ رضا فرهادیان، پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت (قم، مؤسسه فرهنگی توحید، ۱۳۷۶)؛ محمد نور بن عبدالحفیظ سوید، منهج التربیة النبویة للطفل مع نماذج تطبیقیة من حیاة السلف الصالح (چاپ ششم، دمشق - بیروت، دار ابن‌کثیر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م).

۵۷

التربية الوقائية فی الاسلام و مدی استفادة المدرسة الثانوية منها[1]

خلیل بن عبدالله بن عبدالرحمن حدری. [چاپ اول]: جده ـ مکه مکرمه، جامعة امالقری، ۱۴۱۸ق. ۷۵۲ص، وزیری، طرح.

کتاب یادشده پایاننامه کارشناسی ارشد مؤلف در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه امالقرای مکه مکرمه است که بنابر تشخیص و توصیه هیئت داوران به عنوان هجدهمین اثر از مجموعهای با فروست: سلسلة الرسائل العلمية الموصى بطبعها، به زیور طبع آراسته گشته است.

از مطالعه وضع بسیاری از افراد و خانوادهها و گروهها و بررسی شرایط برخی از نهادهای آموزشی در جهان اسلام برمیآید که در فراوانی از جنبههای زندگی مسلمانان تا چه مایه خلل و کاستی وجود دارد و بیگمان علت اصلی این گسستها، کوتاهی در پیشگیری از زیر پا نهادن حدود الهی و بیپروایی در گنه کردن (ص۲۴)؛ و به دیگر سخن نپرداختن یا کم پرداختن به تربیت پیشگیرانه است که نگارنده در این کتاب در پی واکاوی آن از نگاه اسلام برآمده است.

نویسنده پس از اهدا و تشکر، مطالب کتاب را در شش فصل تحریر کرده است و با خاتمه و نتیجهگیری و چند توصیه و پیشنهاد سخن را به فرجام برده است.

در فصل یکم به اموری چون موضوع پژوهش، اهمیت آن، هدفهای آن، پرسشها و حدود آن، روش و پیشینه بحث پرداخته شده است.

عنوان فصل دوم، چارچوب داوری و ارجاع [frame of reference] برای تربیت پیشگیرانه است و در آن از مفهوم اینگونه تربیت، جایگاه تربیت پیشگیرانه در تربیت اسلامی، تربیت پیشگیرانه در میان دیگران، تفاوت تربیت پیشگیرانه مسلمانان با دیگران سخن رفته و مثلاً در

۱. تربیت پیشگیرانه در اسلام و میزان بهرهگیری دبیرستان از آن

شرح مورد اخیر آمده است که تربیت پیشگیرانه در اسلام برگرفته از آبشخور وحیانی و سنت نبوی و رهنمودهای سلف صالح است که این‌گونه تربیت را در زندگی خود اعمال کردند و جامعه‌ای پاک پدید آوردند که جهان تا آن زمان نمونه‌اش را ندیده بود (ص۱۰۶).

گفتنی است مراد مؤلف از چارچوب داوری و ارجاع [الاطار المرجعی]، چارچوب نظری برای شناخت مفهوم تربیت پیشگیرانه است (ص۶۹۵).

آبشخورهای تربیت پیشگیرانه در اسلام در فصل سوم مطرح شده است. این منابع عبارت‌اند از: قرآن کریم، سنت مطهر نبوی، رهنمودهای سلف صالح. نگارنده قرآن و سنت را اصل و اساس همه اسلام از جمله تربیت پیشگیرانه می‌داند و معتقد است سلف صالح یعنی صحابه، بنابر گفته رسول خدا(ص) حجت خدا بر مردم پس از آن حضرت و ترجمان قرآن و سنت به شمارند. از این‌رو از منابع به حساب می‌آیند (ص۱۷۸، ۱۹۳).

در شرح این سه منبع پس از تعریف هر منبع به نمونه‌هایی از تربیت پیشگیرانه در آن اشاره شده است. مثلاً در تربیت پیشگیرانه در قرآن از این نوع تربیت در فرد و خانواده و مدرسه و جامعه نمونه‌هایی آورده شده است.

عنوان فصل چهارم، برخی از روش‌های تربیت پیشگیرانه است. این روش‌ها از کتاب و سنت و رهنمودهای صحابه برگرفته شده‌اند. این منابع روش‌های بسیاری در خود دارند که در تربیت پیشگیرانه مؤثر می‌افتند که در این فصل به شش مورد از آن‌ها پرداخته شده است: سرمشق (قدوه)، ضرب‌المثل، داستان، تشویق و تهدید، رویدادها، بذله‌گویی.

برای بازشکافت این روش‌ها، هر روش تعریف شده است، به انواع آن اشاره شده است، آثار تربیتی آن آورده شده است. فصل پنجم، برخی از محیط‌های اعمال تربیت پیشگیرانه عنوان گرفته است. تربیت پیشگیرانه که بخش اعظم تربیت اسلامی را تشکیل می‌دهد در چهار حوزه قابل اعمال است: فرد، خانواده، مدرسه، جامعه (ص۳۲۹).

نگارنده در این فصل تنها به تربیت پیشگیرانه در خانواده و جامعه پرداخته است. وی از مدرسه در فصل ششم یاد کرده است و از فرد هم در لابه‌لای بحث از خانواده و مدرسه و جامعه سخن گفته است (ص۳۳۱).

در شرح و بازشکافت تربیت پیشگیرانه در خانواده به گزینش درست همسر بر اساس معیارهای دینی، برخورد شایسته با زن با ذکر مصادیق و تربیت فرزند پرداخته شده است. نگارنده در واکاوی این سه مطلب به جزئیات فراوانی اشاره کرده است.

محیط دوم، جامعه است و برای باز کردن موضوع به سه جنبه از ابعاد پیشگیرانه در اسلام نظر گشته است: دعوت به خداوند، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود الهی. تربیت پیشگیرانه، در هر یک از این محیط‌ها بر اساس کتاب و سنت بررسی شده است.

طرحی پیشنهادی برای بهره‌گیری از تربیت پیشگیرانه در دبیرستان‌ها، عنوان فصل فرجامین کتاب است. از آنجا که نیمی از وقت روزانه دانش‌آموزان در دبیرستان سپری می‌گردد، لازم است چنان عمل شود که از این وقت به بهترین شکل برای تربیت شاگردان بهره برده شود (ص۵۳۷).

نگارنده برای مشارکت در بهره‌وری بهینه از وقت شاگردان طرحی پیشنهاد کرده است. وی توضیح دیدگاه خود را با بیان مفهوم دبیرستان و برخی از ویژگی‌های آن و شماری از ویژگی‌های رشد دانش‌آموز در این مرحله آغاز کرده است؛ سپس به این نکته پرداخته است که دبیرستان چگونه می‌تواند از تربیت پیشگیرانه استفاده کند.

این استفاده در دو حوزه صورت‌پذیر است: عقیده که پی‌نهاد دیگر اعمال و افکار و امیال فرد است؛ اخلاق اسلامی که یکی از عناصر مهم شخصیت اسلامی فرد است.

نگارنده در فراز فرجامین این فصل به نمونه‌هایی از تربیت شاگردان بر اساس اصل پیشگیری پرداخته است. وی این نمونه‌ها را در نمونه‌هایی از تفسیر قرآن کریم، حدیث نبوی، درس زیست‌شناسی خلاصه کرده است.

درخور یاد است که از مزایای این کتاب نسبت به دیگر آثار عربی، افزودن نمایه آیات و روایات، و از کاستی‌های آن، که دامنگیر اکثر بل همه آثار عربی است تا آن‌مایه که این قلم‌زن دیده است، نبود نمایه اشخاص و مکان‌ها و... است. نیز برخی از واژگان متن غلط از آب درآمده است مانند اتباغ (ص۲۴) که اتباع باید باشد؛ اهارا (ص۱۹۸) که درست آن اهدار است؛ الرآن (ص۷۳۶) که درستش القرآن است. دیگر آن‌که کار مؤلف با آن‌که بیشتر گردآوری است، خواندنی افتاده است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

فتح یکن، التربیة الوقائیة فی الاسلام (چاپ چهارم: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م)؛ ضیاءالدین احمد، التربیة الوقائیة فی الاسلام (عمان، دارالفرقان، ۲۰۰۵م)؛ اکرم جمیل قنبس، التربیة الوقائیة والسلوک التعلیمی (بیروت، دارعالم الکتب، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م).

۵۸

التربية و مستقبل الامة[1]

محمدحسن بریغش. چاپ اول: بیروت، موسسة الرسالة، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م. ۳۹۱ص، وزیری.

نویسنده کتاب حاضر بر این باور است که تعلیم بدون تربیت و رهنمود الهی زندگی را بسامان نمی‌سازد و بشریت را نجات نمی‌دهد و خیر و شر بار نمی‌آورد. راه فرّهی امت و به پا خاستن و رهایش از رنج‌ها و عقب‌ماندگی‌ها و ناتوانی‌هایش، تربیت است، چه تا انسان از رهگذر تربیت، برای بر دوش گرفتن بار مسئولیت، توانایی و شایستگی به دست نیاورد، راه سعادت و پیروزی را نخواهد شناخت (ص۴). از این‌رو مؤلف دست به قلم برده است تا در دعوت امت به تعلیم در کنار تربیت سهیم افتد.

کتاب دارای مقدمه و پنج فصل بلند و کوتاه (۱۸ تا ۱۵۰صفحه‌ای) است.

در فصل نخست، پس از اشاره به اهمیت تربیت و رسالت تربیتی رسول خدا(ص) به نیاز فرد و جامعه به تربیت و سپس رابطه تعلیم با تربیت و نیز رابطه تربیت با فرهنگ پرداخته شده است.

سرآغاز فصل دوم که سیری در حقایق نام گرفته است، اشارتی است بر شماری از حقایق تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورها[ی غربی]. کار نگارنده در این فصل نتیجه‌گیری یا شرح حقایق یا بررسی علل امر نیست بل تنها توصیف آن چیزی است که دیده یا خوانده است (ص۲۵).

نگارنده پس از این به ارکان سیاست‌های آموزشی کشورهایی چون: بحرین، قطر، الجزایر، سوریه، اردن، کویت، لبنان، عربستان پرداخته و به جایگاه ابعاد مادی و معنوی زندگی در این

---

۱. تربیت و آینده امت

سیاست‌ها اشاره کرده و افزوده است که در عمل، مسائل تعلیم و تربیت کشورهای عرب تابع و تقلیدی از غرب است و در هدف‌ها و برنامه‌ها استقلال ندارند و به علت این وابستگی و تقلید است که به تناقضات و تعارض با ارزش‌ها و فسردگی و عقب‌ماندگی و دور افتادن از هدف‌های علمی و آموزشی ترسیم‌شده در سیاست‌های آموزشی گرفتار شده‌اند.

در ادامه به پیامدهای تربیت معاصر و عوامل مؤثر در آن پرداخته شده است و از نقش تربیتی والدین و کاهش تأثیر خانواده بر فرزندان در عصر حاضر و سهم فرهنگ مهاجم غرب در این امر یاد شده است؛ سپس از گرایش مادی تربیت معاصر و کنار افتادن آن از دین و معنویات و خلاصه ساختن انسان به زندگی مادی و اشاعه این بینش بر همه شؤون زندگی و تهی ساختن فلسفه تربیت از مفهوم اصلی و ارزش‌های انسانی و هجوم این نگرش بر جهان اسلام یاد شده است. سوء رهبری تربیتی و عوامل آن در جهان اسلام، و ناسازواری و ناهماهنگی میان عوامل و دستگاه‌ها و نهادهای مؤثر در تربیت و زیان‌های مترتب بر این ناهماهنگی در نظام‌های آموزشی حاکم بر جهان اسلام، دیگر بحث‌های این فصل است.

عنوان فصل سوم، مبانی و منابع و اهداف تربیت است و در شرح و شکافت آن، ابتدا نیاز جهان اسلام به پی نهادن نظام تربیتی اصیل و ضرورت این کار برای درمان بیماری‌های نظام‌های تربیتی کنونی در جهان اسلام اشاره شده است. پس از آن از ایمان و اعتقاد، پرستش خداوند، مسئولیت، کرامت انسانی، آمادگی پیوسته برای ادای مسئولیت به عنوان مبانی تربیت یاد شده است. نگارنده در ادامه پس از اشاره به ضعف‌ها و کاستی‌های ذاتی انسان و محال بودن ره یافتن او به خیر و سعادت بدون استمداد از وحی، تأکید کرده است که یگانه منبع درست نظام تربیتی، اسلام است و مبانی و هدف‌های تربیتی را نیز از این آبشخور باید برگرفت.

در فصل چهارم به محیط‌های تربیت یعنی خانواده، مسجد، مدرسه، جامعه پرداخته شده است. مؤلف با توجه به مفهوم رحم و ارحام در اسلام، خانواده را شامل حتی فرزندان عمو و عمه و خاله و دایی دانسته و مجموعه خویشاوندان را در تربیت مؤثر شمارده و البته یادآوری کرده است که میزان تأثیر تربیتی خویشاوندان بر فرزندان متفاوت و تابع میزان نزدیکی آن‌هاست و از این‌روی است که پدر و مادر و خواهر و برادر بیشتر از دیگران در تربیت افراد سهم دارند. لذا در ادامه بحث تنها به نقش و سهم تربیتی اقوام درجه اول به‌ویژه پدر و مادر پرداخته است.

برای بازشکافت محیط تربیتی مسجد، نخست از جایگاه مسجد در اسلام یاد شده است و سپس آمده است که مسجد بزرگ‌ترین مدرسه و مرکز تربیت و ساختن جامعه و حمایت از امت است. کار مسجد به عبادت و آموزش خلاصه نمی‌شود، مسجد مرکزی برای تربیت فراگیر و همه‌جانبه است و چنانچه امت اسلامی در پی تحولی مثبت و خیزشی راستین است باید به تربیت مسجدی بازگردد و نقش تربیتی مسجد را به آن بازگرداند و مسجد را به لوازم این کار مجهز سازد (ص۲۸۵ و ۲۹۲).

اشارتی به جایگاه مدرسه در تربیت و پیشینه مدرسه در اسلام، آغاز بحث از محیط تربیتی مدرسه است و در پی آن از جمله به ضرورت هماهنگی میان فعالیت‌های تربیتی مدرسه و خانواده و عدم ناسازگاری میان آن‌ها اشاره و تأکید شده است که مدرسه تکمیل‌کننده نقش تربیتی خانواده به‌خصوص در دوره ابتدایی است. از دیگر بحث‌های این قسمت، انتقاد از وضع مدارس جهان اسلام و دوری آن‌ها از اسلام و فرهنگ آموزشی آن و نیز اشاره به اهمیت دو عنصر معلم و برنامه آموزشی در مدرسه است.

نویسنده در شرح جامعه چونان محیطی تربیتی، نخست مفهوم جامعه را در این بحث معلوم داشته و افزوده است که همه نهادها و مراکز تربیتی، فکری، فرهنگی، ادبی، هنری، مالی، ورزشی، دینی بر جامعه اثر می‌نهند و در مجموع محیطی اجتماعی با ویژگی‌های خاص پدید می‌آورند و این محیط بر تعلیم و تربیت مؤثر می‌افتد. در ادامه به برخی از محیط‌های اجتماعی خاص و تأثیرات تربیتی آن‌ها پرداخته شده است. مانند: باشگاه‌ها، گروه‌ها و تشکلات علمی و فرهنگی و خیریه، نیروی انتظامی، مراکز اداری و اقتصادی.

فصل فرجامین کتاب، تربیت در محیط‌های غیراسلامی خوانده شده و در واکاوی آن، نخست به نگرش غرب به اسلام و مسلمانان پرداخته شده و به فعالیت‌های غربیان برای استحاله مسلمانان و نیز تحقیر و استثمار آنان و تلاش غربیان برای تسلط بر آموزش و پرورش مسلمانان و درنهایت اسلام‌زدایی از مسلمانان اشاره شده است. ادامه این فصل دربارهٔ گروه‌های مسلمان ساکن در کشورهای غربی و نوع رفتار این دولت‌ها با آنان و بیان حقایقی از زندگی غرب و مسلمانان ساکن در غرب و وظایف ما در قبال مسلمانان ساکن غرب است.

با آن‌که شماری از عناوین و سرفصل‌های این کتاب در دیگر کتاب‌ها هم آمده است، اما مباحث این اثر در مجموع تازه و خواندنی افتاده است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

حسن شحاته، الاسس التعلیمیة والتربویة والاجتماعیة لبناء مناهج التربیة الاسلامیة فی التعلیم العالی بالوطن العربی (تونس، ایسیسکو، ۱۹۸۹م)؛ ابوالفتوح توانسی، التربیة العربیة الاسلامیة تربیة الماضی والحاضر والمستقبل (قاهره، دار نهضة مصر، [بی‌تا])؛ سعید اسماعیل علی، اوضاع المربیّن العرب (قاهره، دارالثقافة، ۱۹۷۹م).

۵۹

تصورات اسلامیة فی التعلیم الجامعی والبحث العلمی[1]

ناصرالدین اسد. [چاپ اول]: عمان، اردن، مکتبة روائع مجدلاوی، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م. ۱۳۲ص، وزیری.

کتاب فوق که نگاشته وزیر اسبق آموزش عالی اردن است، دربردارنده شماری از مقالات نگارنده است که بین سال‌های ۱۹۸۴ـ۱۹۹۲م در جراید به چاپ رسیده‌اند.

نویسنده، این مجموعه را حاصل تجربه‌ها و پژوهش‌های علمی ـ دانشگاهی خود در طی سی سال دانسته و افزوده است که از رایزنی با همکاران و دانشجویانش نیز بهره‌مند شده است، و اکنون برای آن‌که بهره‌مندی از این جمع پریشان فزونی گیرد و به امید آن‌که عامل تبادل و تضارب آرا میان اهل نظر شود آن‌ها را در قالب کتاب منتشر ساخته است (ص۵ـ۶).

این کتاب در پنج فصل سامان گرفته است و هر فصل آن محمل عرضه مقاله‌ای شده است.

فصل یکم، دانشگاه‌ها و علوم دین، خوانده شده و در آن اشاره شده است که چون نخست فرانسه و سپس در اواخر قرن نوزدهم انگلیس مصر را اشغال کردند، فعالیت‌های تبشیری در مصر شدت مضاعف گرفت و با ایجاد مراکز آموزشی به شیوه انگلیسی و تلاش محمد علی پاشا در این راستا، در اندک‌زمانی میان نهادهای آموزشی سنتی در رأس آن‌ها الازهر و مراکز آموزشی نوبنیاد تعارض درگرفت و درس‌خواندگان هر یک از دو مرکز، دیگری را فاقد وجاهت و دانش و لیاقت رهبری و هدایت جامعه می‌دانست. این دوگانگی با اعزام دانشجو به خارج تندی گرفت و کار به جایی رسید که حوزویان، دانشگاهیان را به کفر متهم می‌ساختند و دانشگاهیان حوزویان را به تحجر و عقب‌ماندگی و خرافه‌پرستی... .

---

۱. انگاره‌های اسلامی در آموزش دانشگاهی و پژوهش علمی

در قسمت دوم این مقاله به اصلاحات آموزشی در مراکز آموزشی سنتی و مشخصاً الازهر و روی آوردن به علوم جدید و حسن و قبح این کار اشاره شده و سپس افزوده شده است که از سوی دیگر در مراکز آموزشی مدنی - حوزوی هم به آموزش معارف اسلامی حتی برای مسیحیان روی آورده شده است. نگارنده در توجیه این امر آورده است که مسیحیان در فرهنگ و ادبیات و تاریخ عرب‌اند و لازم است با معارف اسلامی آشنا شوند. مگر نشنیده‌اید که کسی گفته است هر گاه جورجی زیدان [مسیحی] را در خانه‌اش در قاهره ملاقات کردم در حال خواندن قرآن کریم بود؟

عنوان فصل دوم، پیدایش روش علمی در میان مسلمانان است. نگارنده در شرح و شکافت این موضوع از جمله آورده است که تفکر علمی در اسلام در خلأ و یا در اثر معجزه پدید نیامده است بلکه به یمن دو عامل پدیدار گشته و پیشرفت کرده است: نصوص تربیتی قرآن و سنت؛ تلاش پیوسته انسانی و کار عملی مستمر که متأثر از عامل اول صورت پذیرفته است. در ادامه با اشاره به گسترش روحیه علمی و پدید آمدن علوم خاص در فرهنگ اسلامی و تعمیق و گسترش علوم دخیله یا اوایل، از تأثیر ژرف فرهنگ علمی جهان اسلام بر پویایی و شکوفایی علم در غرب سخن رفته و خاطرنشان شده است که روش علمی مسلمانان از سه ویژگی ممتاز برخوردار بوده است: بسنده نکردن به مطالعه کتب گذشتگان و روی آوردن به نقد و تحلیل و تکمیل آن‌ها؛ عنایت به‌اندازه به عقل و فریفته نشدن به داده‌های حسی و شک نمودن در امور؛ روی آوردن به آزمایش و تحلیل و تجربه.

پژوهش علمی اسلامی، عنوان فصل سوم است. سرآغاز این فصل اشارتی است به این‌که بسیاری از اموری که امروزه بحث و تحقیق علمی می‌نمایند در واقع چنین نیستند مانند فتوا دادن به مفهوم امروزین [در میان اهل سنت]، وعظ و تبلیغ به گونه‌ای که اکنون شاهد آنیم. علت این امر آن است که در این فعالیت‌ها از روش علمی استفاده نمی‌شود. پس از این به تفاوت اجتهاد فقهی در گذشته با امروز پرداخته و یادآوری شده است که مجتهدان امروزه کارشان بیش از آن‌که اجتهاد باشد، تقلید و بازگفت سخنان پیشینیان است.

نگارنده در پیگیری سخن به ضعف بنیه علمی جهان اسلام و دو علت آن یعنی فقدان روش علمی و کمبود بودجه اشاره کرده است و برای جبران کاستی دوم پیشنهاد کرده است، صندوق مالی در جهان اسلام تشکیل شود که در کشورهای اسلامی شعبه‌ای داشته باشد.

در فصل چهارم به تدریس تاریخ علم نظر و شکوه شده است که غربیان بر تـاریخ علـم در اسلام دیده فروبسته‌اند و آنچه را از مسلمانان آموخته‌اند به خود نـسبت مـی‌دهنـد؛ سـپس بـه شرح پیشگامی مسلمانان در سایر علوم و معارف و کشفیات و اختراعات پرداخته شده است و از بی‌انصافی غربیان در نادیده انگاشتن این طلایه‌داری یاد شده است. پس از این به دوره‌هـای انتقال علوم اسلامی به غرب و بازار بسیار داغ ترجمه علوم اسلامی به زبان‌هـای غربـی و تـأثیر این مهم در انتقال علوم از جهان اسلام به غرب اشاره شده است.

فراز فرجامین این فصل ارائه راه‌حل برای مطرح ساختن تاریخ علـم در اسـلام اسـت و آن پرورش دانشمندان پژوهنده در حوزه تاریخ علم در اسلام است تا به بررسی و کشف و معرفـی تاریخ علم در اسلام از قرن دوم تا قرن نهم هجری بپردازند.

دانشگاه، پژوهش علمی، توسعه، عنوان فصل فرجامین کتاب است. نگارنده در این فـصل، نخست به بحث سیاست‌های پژوهش علمی و پس از آن بـه موضـوع آمـوزش عـالی و برنامـه توسعه پرداخته و این دو مقوله را در جهان اسلام واکاویده است.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:
علی سامی نـشار، مناهج البحـث عنـد مفکری الاسـلام و اکتشاف المـنهج العلمـی فـی العـالم الاسـلامی (قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م)؛ فرانتـز روزنتـال، منـاهج العلمـاء المـسلمین فـی البحث العلمـی، ترجمه انیس فریحـه، بـازخوانی ولیـد عرفـات (بیـروت، دارالثقافـة، ۱۹۸۰م)؛ حسین نصر، علم در اسلام، ترجمه احمد آرام، عکاس: رولان میشوا (تهران، سروش، ۱۳۶۶).

۶۰

التعلیم فی الدولة العثمانیة[1]

احمد عبدالله نجم. چاپ اول: [قاهره]، دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزیع، ۲۰۰۹م. ۲۶۰ص، وزیری.

در نوشتار حاضر که عنوان کامل آن چنین است: التعلیم فی الدولة العثمانیة دراسة لدور المدرسة من ظهور الدولة حتی وفاة السلطان سلیمان القانونی فی ضوء المصادر الترکیة، به موضوعی بدیع پرداخته شده است و آن از سویی آموزش در عصر عثمانی در ترکیه است و از سوی دیگر تأثیر مدرسه بر پیدایش دولت عثمانی.

نگارنده در بحث، جانب تربیت را نگه داشته و به بحث‌های سیاسی نپرداخته است. وی پس از مقدمه و دیباچه، پیشگفتاری نگاشته و پس از آن مطالب را در قالب سه بخش دوتا چهارفصلی قلمی ساخته است.

در مقدمه به نقض بی‌طرفی در تاریخ‌نگاری و علل آن و اهمیت بررسی تاریخ مدرسه در دولت عثمانی پرداخته شده است. در دیباچه به تحول دولت عثمانی از آغاز تا فرجام (۶۹۹ـ۹۷۴ق) اشاره شده است: پیدایش امارت عثمانی، تبدیل امارت به دولت، تبدیل دولت عثمانی به ابرقدرت، آقایی عثمانی بر جهان عرب، دولت عثمانی در نهایت گستردگی و آغاز سراشیبی آن.

پیشگفتار، دربارهٔ پیدایش مدرسه در جهان اسلام و تحول آن است و در آن به تعریف مدرسه، پیدایش مدرسه، تحول و دگرگونی مدرسه، اهمیت مدرسه در جهان اسلام پرداخته شده است.

---

۱. آموزش در دولت عثمانی

در بخش نخست، در دو فصل به مدرسه از پیدایش دولت عثمانی تا پایان دوره سلطان‌محمد فاتح (۶۹۹ـ۸۸۶ق) پرداخته شده است.

فصل یکم این بخش به بررسی مدرسه در دولت عثمانی تا آغاز حکومت سلطان‌محمد فاتح (۶۹۹ـ۸۵۷ق) اختصاص یافته و در آن به نکات ذیل اشارت رفته است: پیدایش مدرسه در عصر عثمانی، زندگی علمی در آناتولی و تأثیر آن بر پیدایش مدرسه در عثمانی، مدرسه در دوره اورخان، نقش مدرسه در مرحله پیدایش، مدارس عثمانی پس از دوره اورخان‌بیک، مدارس تا دوره سلطان‌مراد دوم، مدارس دوره سلطان‌مراد دوم، گسترش مدارس در دولت عثمانی تا زمان سلطان‌محمد فاتح، توجه مدرسه به مراکز علم سنتی، جایگاه مدارس عثمانی، زندگی علمی و اداری عثمانی تا زمان سلطان‌محمد فاتح، دانشمندان حکومت عثمانی تا زمان سلطان‌محمد فاتح.

در فصل دوم بخش یکم که به مدارس عثمانی در روزگار سلطان‌محمد فاتح (۸۶۷ـ۸۸۶ق) اشارت رفته، به مطالب زیر نظر شده است: اهتمام سلطان‌محمد فاتح به آموزش و دانش، تقسیم مدارس در زمان فاتح به سه مرحله (مرحله ابتدایی یا مکتب، مرحله متوسطه یا مدارس با درجات گوناگون، مرحله عالی یا مدارس صحن هشت‌گانه [هشت بهشت])، مدارس تتمه، طلاب مدارس صحن هشت‌گانه [هشت بهشت] و کتاب‌های درسی این مدارس، نظام آموزشی در مدارس عثمانی، کارکنان مدارس صحن هشت‌گانه [هشت بهشت]، دریافت اجازه یا گواهی پایان تحصیل، مشاغل فارغ‌التحصیلان در روزگار محمد فاتح، دانشمندان روزگار سلطان‌محمد فاتح.

بخش دوم به بررسی مدارس عثمانی از درگذشت سلطان‌محمد فاتح تا پایان دوره سلطان‌قانونی (۸۸۶ـ۹۷۴ق) اختصاص یافته است.

در فصل یکم این بخش به مدارس عثمانی در زمان سلطان‌بایزید دوم و سلطان‌سلیم اول (۸۸۶ـ۹۲۷ق) به شرح ذیل پرداخته شده است: مدرسه در دوره سلطان‌بایزید دوم، مدارس تخصصی در روزگار سلطان‌بایزید دوم، دانشمندان روزگار بایزید دوم، مدرسه در دوره سلطان‌سلیم اول، ضمیمه شدن سرزمین‌های عربی به دولت عثمانی، ارتباط مدرسان مدارس عثمانی با تصدی مقام قضاوت در بلاد عرب، گسترش مدارس عثمانی به کشورهای عرب، دانشمندان دوره سلطان‌سلیم اول.

فصل دوم بخش دوم، دربارهٔ مدارس عثمانی در دوره سلطان‌قانونی (۹۲۷ـ۹۷۴ق) پرداخته شده و دربردارنده مطالب زیر است: مدارس سلیمانیه، دارالحدیث سلیمانیه، دیگر مدارس دوره

قانونی، مدارس قانونی در کشورهای تابع دولت عثمانی، ارتباط قضات با مدرسه در روزگار قانونی، مدرسان در دوره قانونی، دانشمندان روزگار قانونی، القاب عالمان در دوره قانونی، ترتیب مدارس در دوره قانونی، آغاز عقب ماندن و رکود مدارس عثمانی در دوره سلطان‌قانونی، علل عقب‌افتادگی مدرسه در عصر سلطان‌قانونی.

در بخش سوم در طی چهار فصل به نقش فرهنگی مدرسه عثمانی اشارت رفته است.

فصل یکم، نقش مدرسه عثمانی در زندگی فکری و علمی. در این فصل ابتدا به نقش مدرسه عثمانی در زندگی فکری پرداخته، و از نکات زیر یاد شده است: مدرسه و زندگی فکری عثمانی، نقش مدرسه عثمانی در تربیت، نقش دیگر مراکز آموزشی در تربیت و ارتباط آن‌ها با مدرسه؛ رابطه مدرسه با تکیه‌ها. پس از این و به شرح ذیل به نقش مدرسه عثمانی در زندگی علمی عنایت شده است: زندگی علمی در عصر عثمانی، بازماندن مدرسه عثمانی از کاروان علوم جدید، بسنده کردن عثمانیان به علوم سنتی قدیمی.

در فصل دوم به نقش مدرسه در زندگی حقوقی و اداری پرداخته شده است. در شرح این نقش مدرسه بر زندگی حقوقی به نکات زیر نظر شده است: ارتباط مدرسه با زندگی حقوقی و قضایی در دولت، مناصب قانونی در اختیار مدرسان مدارس، تأثیر قضاوت بر مدرسه. در بررسی نقش مدرسه بر زندگی اداری چنین آمده است: نقش مدرسه در تربیت کارمندان دولتی، جایگاه فارغ‌التحصیلان مدرسه در دستگاه اداری دولت، نقش دیگر نهادهای آموزشی در دستگاه اداری دولت.

تأثیر متقابل مدرسه عثمانی و دیگر مدارس اسلامی بر یکدیگر، موضوع فصل سوم است و در آن به نکات زیر اشارت رفته است: نقش عالمان مسلمان در پیدایش مدرسه عثمانی، جایگاه زبان عربی در مدرسه عثمانی، تأثیر مدارس اسلامی چون الازهر و نظامیه بر مدرسه عثمانی، تأثیر مدرسه عثمانی بر مدارس نظامیه.

در فرجامین فصل کتاب، نقش اوقاف در ایجاد مدارس عثمانی واکاویده شده و از جمله به مطالب زیر پرداخته شده است: تعریف وقف، عناصر وقف، جایگاه وقف در دولت عثمانی، ارتباط مدرسه با اوقاف در جهان اسلام، نقش اوقاف در برپایی مدرسه عثمانی، شروط اسناد وقفی مدارس عثمانی.

۶۱

التعلیم فی عهد الرسول(ص)[1]

حسین علی حسین جبوری. چاپ اول: دمشق، دارالفارابی للمعارف، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۱۵۷ص، وزیری.

در این کتاب که عنوانش اعم از محتوای آن است تلاش شده است گونه‌هایی از سیره آموزشی رسول خدا(ص) مورد بررسی قرار گیرد. نگارنده علت تألیف این اثر را گریزناپذیری بهره‌گیری از روش‌های اعمال‌شده در عصر و سیره نبوی می‌داند تا از این رهگذر امت احیا و برپا شود و بار دیگر سروری و شکوفایی به او بازگردد (ص۱۷).

کتاب حاضر از مقدمه، پیشگفتار، چهار فصل و خاتمه تشکیل شده است. نگارنده هر فصل را به چند گفتار تقسیم و شرح و بسط گفتارهای هر فصل را مسبوق به پرداخت مقدمه‌ای دربارهٔ آن فصل دانسته است. برای شرح و بسط موضوعات از منابع روایی اهل سنت استفاده شده است. برخی از عنوان‌های فرعی کتاب غلط‌انداز و ناروا به نظر می‌رسد مانند: ایجاد مدارس در فصل نخست، امتحان در فصل سوم، دانشگاه صفه در فصل چهارم.

در فصل نخست که از ده گفتار تشکیل شده است با برنامه آموزشی پیامبر اکرم(ص) آشنا می‌شویم. نگارنده بر این باور است که برنامه و طرح آموزشی رسول خدا(ص) فراگیر و نخستین برنامه آموزشی است که بشر به خود دیده است (ص۱۷). در این فصل برای بازشکافت موضوع از مطالب زیر بحث شده است: آمادگی کلی برای آموزش، تخصص در آموزش، آموزش رایگان، رسیدگی به حال شاگردان، آموزش زنان، آموزش کودکان، گروه‌های

---

۱. آموزش در دوره رسول [اکرم](ص)

آموزشی برای اعزام به خارج از عربستان، نامه‌نگاری برای آموزش و دعوت، استفاده آموزشی از دیگر ملت‌ها، ایجاد مدرسه (ساختن مسجد و استفاده آموزشی از مساجد).

فصل دوم دربارهٔ وسایل آموزشی در سیره نبوی و شامل پنج گفتار است. وسایلی که رسول خدا(ص) از آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم برای آموزش بهره می‌گرفته است عبارت‌اند از: گفتار شفاهی، نوشتن، تکرار شنیده‌ها نزد دیگری، آموزش از راه عمل، استفاده از ابزار توضیحی مانند رسم شکل. حضرت از این ابزار استفاده می‌کرده مگر نوشتن که آن را به دیگران واگذارده بود.

روش‌های آموزشی و شیوه‌های ادا و اجرا کردن در فصل سوم بازکاوی شده است. نگارنده این فصل را در سیزده گفتار نگاشته است. در گفتار نخست به فراهم ساختن فضای آموزشی مناسب و در گفتار دوم به زمینه‌سازی برای القای مطالب پرداخته شده است. مطالب دیگر این فصل به شرح ذیل است: تکرار سخن، تنظیم صدا متناسب با محیط و مخاطبان، بحث و گفتگوی آموزشی، با مهربانی و خوش‌رویی بیان داشتن درس، درشتی در گفتار و لزوم موردی آن، تنظیم برنامه برای آموزش، رعایت تدریج در آموزش و توجه به تفاوت‌های فردی، آموزش از رهگذر پاسخ به پرسش، استفاده از مثال و تمثیل برای آموزش، بهره‌گیری از داستان برای آموزش، آزمون.

در فصل چهارم و در دو گفتار از نظام آموزشی یاد شده است. در گفتار نخست سخن بر سر مکان‌های آموزشی و چگونگی آن‌هاست و در آن از چهار مکان آموزشی یعنی مسجد نبوی، دانشگاه صفه، دیگر مساجد، مکان‌های متفرقه یاد شده است. گفتار دوم این فصل به اوقات آموزشی اختصاص یافته و در آن از سه زمان صبحگاهان، پس از نمازهای پنج‌گانه و اوقات متفرقه سخن رفته است.

گفتنی است در این کتاب گاه مطالب خلط شده است و این شاید از آن‌روست که نگارنده مفاهیم را تعریف نکرده است. مثلاً در فصل دوم، آموزش گفتاری، آموزش از راه نوشتن، آموزش از راه عمل و آموزش با رسم شکل، از ابزارهای آموزشی دانسته شده است و در فصل سوم از تأمین فضای آموزشی، مقدمه‌چینی برای القای درس، تکرار، تنظیم صدا، بحث و گفتگو، مهربانی در تدریس، برنامه درسی، آموزش با تمثیل، آموزش با داستان، آزمون و نظام آموزشی به عنوان روش‌های آموزشی و شیوه‌های ادای مطلب یاد شده است. روشن است که در مباحث خلط شده است. نیز در فصل یکم از ایجاد مدرسه در عصر نبوی سخن گفته، که خطاست.

نیز در صفحه ۸۳ به جای الوسائل التوضيحية، به‌خطا الوسائل التعليمه و در صفحه ۱۳۵ به جای اماکن التعليم به‌غلط نظام التعليم آمده است.

* منابع ذیل نیز درخور مطالعه است:
عبدالحمید هاشمی، الرسول العربی المربی (چاپ دوم: ریاض، دارالهدی، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م)؛ محمد رأفت سعید، الرسول المعلم و منهجه فی التعلیم (چاپ اول: ریاض، دارالهدی، ۱۴۰۲ق)؛ یوسف قرضاوی، الرسول والعلم (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م)؛ عبدالقادر احمد عطا، الرسول والشباب (چاپ اول: [بی‌جا]، دارالبیان، ۱۳۹۷ق)؛ یوسف [مدن]، محمد(ص) راعی الطفولة (بیروت، دارالکتاب اللبنانی، [بی‌تا])؛ محمد سراج، محمد(ص) الاب والمربی (قاهره، دارالاعتصام، [بی‌تا])؛ طلعت محمد عفیفی سالم، مختارات من القصص الصحیحة فی السنة النبویة: دراسة تحلیلیة و تربویة (چاپ اول: قاهره، الزهراء للاعلام التربوی، ۱۹۸۸م)؛ سلیمان بن قاسم عید، المنهاج النبوی فی دعوة الشباب (چاپ اول: ریاض، دارالعاصمة، ۱۴۱۵ق)؛ احمد رحب اسمر، النبی المربی (چاپ اول: عمان، دارالفرقان، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)؛ حسن علی بشاری، استخدام الرسول(ص) الوسائل التعلیمیة (دوحه، وزارة الاوقاف والشؤن الاسلامیة، ۱۴۲۱ق).

۶۲
التعليم والمعلمون غايةً و هدفاً و منزلةً و شرفاً[1]

علی علی سید احمد. چاپ اول: حلب ـ بیروت، دارالـصابونی للطباعـة والنـشر والتوزیـع ـ دار ابن‌حزم للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م. ۱۲۹ص، وزیری.

در این اثر تلاش شده است با استناد به کتاب و سنت و آثار دانشمندان مسلمان به گوشه‌هـایی از نگرش اسلام به علم و تعلیم اشاره شود.

نگارنده پس از مقدمه، مطالب کتاب را در سی و سه فراز کوتاه بـسامان سـاخته اسـت. بـا آن‌که در پایان کتاب به منابع کتاب اشاره شده است فراوانی از مطالب کتاب بی‌ذکر منبـع بیـان شده است. برخی از عنوان‌های واکاوی‌شده در کتاب عبارت‌اند از: تعلیم و تعلم، علـم از منظـر شعراوی، فطرت و تربیت، میان فطرت و تربیـت تعارضـی نیـست، تربیـت از نگـاه شـعراوی، چگونگی تربیت از نگاه شعراوی، برجسته‌ترین ویژگی‌های برنامه تربیتی اسلام، غایت آموزش، علم، هدف‌های آموزشی از دید برخی دانشمندان و مربیان، اولویت تفکر سالم و رفتـار بهنجـار مسبوق به آن برای عالمان، آیا هدف آموزشی تنها علوم دینی است؟، آنچه شاگرد را در رسـیدن به رشد روحی و عقلی و اجتماعی یاری می‌رساند، خوش‌رویی و خوش‌زبانی کـاری سـاحرانه، اموری چند که مانع موفقیت معلم می‌شوند، لازم است مسئولیت را فرامـوش نکنـد، برخـی از صفات مورد پسند و غضب خداوند، جوانان چنین بودند، مکتب‌ندیده‌ای که عالمان را آموزش می‌دهد، در پی فراگیری دانش سفر می‌کردند، دو کـس کمـرم را شکـستند، جایگـاه عالمـان و شاگردان در نگاه رسول خدا(ص) و وصیت آن حضرت به آن‌ها.

---

۱. آموزش و آموزگاران: غایت، هدف، جایگاه، عظمت

بیشتر بل همه مطالب این کتاب در حوزه اخلاق آموزشی قرار دارد و به ایـن اعتبـار کتـابی است تربیتی ـ اخلاقی که بر اساس دست‌چینی از اینجا و آنجا و کنار هم نهادن آن‌ها پدید آمده است و کار عملی و تحقیقی به شمار نمی‌آید.

* منابع ذیل برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌شود:
سعید اسماعیل علی، المکانة الاجتماعیة للمعلـم فـی الفکـر العربـی الاسـلامی (کویـت، جمعیـة المعلمین، ۱۹۸۹م)؛ علی احمد شحات، مکانة العلم والعلماء فی الاسلام (قاهره، مکتبـة عیـسی الحلبی، ۱۹۷۲م)؛ مقداد یالجن، الاخلاقیـات الاسـلامیة الفعالـة للمعلـم والمـتعلم و آثارهـا علـی النجاح والتقدم (چاپ دوم: ریاض، دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م)؛ اسامه حموده، المعلمون والمعلمـات صـناع الحیـاة: نحـو اداء تربـوی و تعلیمـی افـضل (چـاپ اول: منـصوره، دارالوفـاء، ۲۰۰۵م)؛ مرتضی جوادی آملی، مقام و منزلت معلم (چاپ اول: قم، آموزش و پرورش، ۱۳۷۱).

۶۳
التفسیر التربوی للقرآن الکریم[1]

انور باز. چاپ اول: قاهره، دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م. ۳ج، ۶۲۲+۶۱۵+۵۸۹ص، وزیری، متن کامل قرآن.

در این اثر که به لحاظ موضوع و ساختار بسیار بدیع افتاده، تلاش شده است به دور از بحث‌های فقهی، کلامی، لغوی و دیگر مباحث بازدارنده از روح قرآن و استنباط مفاهیم تربیتی که هدف نزول وحی است، هر یک از ۱۱۴ سوره قرآن کریم، تفسیری تربیتی شود.

روش کار در این مجموعه سه‌جلدی به شرح ذیل است: ۱. عکس آیات مورد تفسیر از قرآن با خط عثمان طه عیناً آورده شده است؛ ۲. واژگان دشوار آیات به کوتاهی معنا شده است؛ ۳. هدف‌های شناختی، عاطفی، رفتاری آیات هر صفحه بیان شده است؛ ۴. محتوای تربیتی آیات به‌شرح آمده است؛ ۵. به رهنمودهای تربیتی آیات اشاره شده است.

پدیدآورنده در شرح و تفسیر تربیتی آیات، از تفاسیر زیر استفاده کرده است: **فی ظلال القرآن**، سید قطب؛ **الاساس فی التفسیر**، سعید حوی؛ **مقاصد القرآن الکریم**، حسن البنا؛ **زهرة التفاسیر**، محمد ابوزهره؛ **المنار**، محمد رشید رضا. به اضافه **تفسیر طبری**، **تفسیر قرطبی**، **تفسیر ابن کثیر**. با این حال هیچ‌گونه ارجاعی در این اثر دیده نمی‌شود.

در جلد نخست به تفسیر تربیتی سوره‌های: حمد، بقره، آل‌عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه پرداخته شده است. برای نمونه در تفسیر سوره حمد، پس از بیان معنای بسمل، رب العالمین، یوم الدین، ایاک نعبد، ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم، الذین انعمت علیهم، غیرالمغضوب علیهم و الضالین، به هدف‌های رفتاری ذیل اشارت رفته است:

---

۱. تفسیر تربیتی قرآن

۱. بیاموزیم ادب با خداوند چگونه است؛ ۲. حقیقت ارتباط میان خدا و بنده را دریابیم؛ ۳. بیاموزیم که عنایت رسالت در درجه نخست متوجه عقاید و توجه عملی به خداوند است.

پس از این به محتوای تربیتی آیات این سوره اشارت رفته است و در پایان رهنمودهای تربیتی پنج‌گانه آیات به شرح ذیل بیان شده است: ۱. خداوند حمد را دوست دارد از این‌رو، نفس خویش را حمد گفته است و به بندگان فرمان داده است او را حمد گویند؛ ۲. از آداب دعاست که بنده پیش از دعا خداوند را ستایش کند و حمد گوید؛ ۳. جز خداوند را نباید پرستید و از جز او نباید یاری جست؛ ۴. اعتراف به نعمت، اقتضا می‌کند به صالحان و نعمت‌دادگان اقتدا شود؛ ۵. درخواست هدایت فراسوی حق، به پیمودن راه صالحان برمی‌انگیزد و از رفتن در پی گمراهان بازمی‌دارد و دوری از راه گمراهان، مخالفت با روش جهود و ترسایان و دیگر گمراهان است.

در جلد دوم این اثر به تفسیر تربیتی سوره‌های ذیل پرداخته شده است: یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، مؤمنون، نور، فرقان، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، روم.

از باب نمونه در تفسیر تربیتی آیات شانزدهم تا بیست و سوم سوره مبارکه حج ابتدا معنای واژگان: بینات، صائبین، مجوس، یفصل، قطعت، یصهر، مقامع بیان شده است. آنگاه به هدف‌های رفتاری زیر اشاره شده است: ۱. بیاموزیم که هر کس رهنمون بجوید، خواست خداوند بر رهنمود او سازوار با سنن الهی محقق می‌شود؛ ۲. دریابیم که همه هستی بنابر فطرت و آفرینش خود رو به خداوند دارد و تابع قانون الهی است و برای او سجده می‌کند؛ ۳. بدانیم که هر کس عذاب برای او رقم بخورد حتماً خوار خواهد شد.

در ادامه پس از اشاره به محتوای تربیتی آیات یادشده، از رهنمودهای آیات یاد شده است: ۱. سراسر هستی سر به فرمان خداست، پس بهتر است انسان یکمین فرمانبردار باشد؛ ۲. خواری در دوری از اطاعت خداوند است، پس کرامت در پرستش اوست؛ ۳. سختی عذاب خردمند را به اندیشه در عاقبت امر خود وامی‌دارد؛ ۴. بزرگی نعمت مسلمان را وامی‌دارد به اطاعت خداوند روی آورد.

جلد سوم برای واکاوی تربیتی سوره‌های زیر نگارش یافته است: لقمان، سجده، احزاب، سبأ، فاطر، یس، صافات، ص، زمر، غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف (در صفحه ۵۸۷ آمده است: احقاق)، محمد، فتح تا پایان قرآن.

برای نمونه در تفسیر تربیتی آیات ۵۷ تا ۶۷ سوره مبارکه زمر، نخست به معنای واژگان: کرة، مثوی، بمفازتهم، وکیل، مقالید، لیحبطن، مطویات، سبحان الله پرداخته شده است. آنگاه به هدف‌های رفتاری آیات اشاره شده است: ۱. بدانیم که فضیلت در تقوا و احسان است و مؤمنان و محسنان اهل فضیلت‌اند؛ ۲. با احوال کافران و متکبران و تقواپیشگان آشنا شویم؛ ۳. یقین حاصل کنیم که خداوند مالک همه‌چیز است. پس از بیان محتوای تربیتی آیات، رهنمودهای تربیتی آن‌ها چنین عنوان شده است: ۱. در روز قیامت پشیمانی و حسرت بی‌فایده است، در دنیا باید عمل کرد؛ ۲. گسترش روزی دلیل بر رضایت خداوند و تنگی روزی دلیل بر ناخشنودی و غضب خداوند نیست و روزی به دست اوست، بر اساس خواست و حکمت خود آن را تقسیم می‌کند؛ ۳. همه‌چیز در قبضه قدرت خداوند است، پس نباید از غیر او خواست.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:
حسین میرزاخانی، نخستین تفسیر تربیتی، اخلاقی، عرفانی، فقهی، فلسفی قرآن کریم (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹)؛ ابراهیم عاملی، تفسیر عاملی شامل: لغت، شأن نزول، ترجمه اقوال مفسرین و توضیح نکات تربیتی و اجتماعی، تصحیح علی‌اکبر غفاری (مشهد، باستان، ۱۳۵۹ــ۱۳۶۵)؛ احمد علی اسعد، تفسیر القرآن المرتب منهج للسیر التربوی (چاپ دوم: دمشق، دارالسؤال، ۱۹۸۳م)؛ علی قاضی زاهدی، فرازهایی از رهنمودهای پرورشی و تربیتی قرآن به انضمام چهل حدیث از چهارده معصوم(ع) و تفسیر سوره لقمان و سجده (قم، نشر معارف قرآن، ۱۳۷۴).

۶۴

توجیهات و مواقف تربویة[1]

عبدالعزیز بـن عبـدالله حمیـدی. چـاپ اول: اسـکندریه، دارالـدعوة للطبـع والنـشر والتوزیـع، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ص۱۵۵، وزیری.

این کتاب دربردارنده نزدیک به یکصد حکایت و هدایت اخلاقی - تربیتی برگرفتـه از گفتـار و سیره بزرگان اسلام از حضرت رسول اکرم(ص) گرفتـه تـا عالمـانی چـون ابـن‌جـوزی اسـت. نگارنده بیشتر در پی نقل مطالب از زبان و سیره صحابه و تابعین بوده است. از معـصومان تنهـا از رسول خدا(ص)، امام علی(ع) و امام صادق(ع) نقل مطلب شـده اسـت. از راشـدین هـم از ابوبکر و عثمان چیزی بازگو نشده است.

نگارنده پس از بازگفت هر مطلب، به شرح و بازشکافت آن پرداخته و کوشیده است نکاتی اخلاقی و تربیتی از آن‌ها برگیرد. واکاوی‌های مؤلف، کوتاه افتاده است.

مطالب کتاب از منابع تاریخی، تفسیری، روایی، رجالی، اخلاقی برگرفته و بازگو شده است.

نویسنده کوشیده اسـت مطالـب را گونـاگون برگزینـد و شـرح و تفـصیل او بـر مطالـب و نقل‌قول‌ها با حجم کتاب و ساختار کلی آن سازوار باشد. وی کتابش را در مقدمه ۶۹ موضـع و دیدگاه سامان بخشیده است.

سرآغاز بحث، بیان سه موضع اخلاقی - تربیتی رسول اکرم(ص) نسبت به افـراد اسـت کـه تنها سه صفحه و نیم از کتاب است و در پی آن به مواضعی از عمر (خلیفه دوم) اشـارت شـده است که بیش از سه برابر موضع نبوی یعنی ده صفحه است. فرجامین موضـع و دیـدگاه از آن

---

۱. رهنمودها و مواضع تربیتی

ابومحمد عبدالله بن نحوی وزیر دانشمندان مظفر ابن‌افطس، حاکم سرحدات شمالی اندلس است که در دفاع از اسلام و در پاسخ به نامه جسارت‌آمیز حاکم وقت روم به مظفر ابن‌افطس، نامه‌ای برای او نوشته و به‌تندی وی را تهدید کرده و یادآورد شده است که مسلمانان در هر حال صاحب یکی از دو حسن‌اند: پیروزی، شهادت.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:

عبدالرضا ابراهیمی، داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز برگرفته از آثار خطیب توانا حجت‌الاسلام فلسفی (قم، رحیق، ۱۳۷۷)؛ محمد راجی، پندهای پدرانه به فرزندان ([بی‌جا]، مؤلف، ۱۳۷۲)؛ ش. لامعی، حکایت‌ها و لطیفه‌های تربیتی (چاپ اول: تهران، پیام نور، ۱۳۷۲)؛ محمد احمد امین حاج، العلم، فضله، طلبه، ادب العلم والمتعلم: جوانب من اخلاق العلماء و وصایاهم و مواقفهم و اقوالهم (حلب، دارالمطبوعات الحدیثة، ۱۹۸۷م).

۶۵

توجیه المتعلم الی منهاج التعلم فی ضوء التفکیر التربوی والاسلامی[1]

مقداد یالجن. چاپ سوم: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م. ۲۴۴ص، وزیری.

کتاب حاضر، هفتمین اثر از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة کتاب تربیتنا که دست‌کم هجده عنوان آن تاکنون منتشر گشته است. نگارنده مطالبش را در قالب مقدمه، دو بخش چندفصلی و خاتمه سروسامان داده است. وی بر این باور است که پیشرفت تحصیلی و موفقیت در بهره‌وری از دانش در زندگی بیش و پیش از آن‌که در گرو تفاوت‌های فردی و میزان تلاش افراد باشد، بازبسته به راهنمایی متعلمان فراسوی بهترین روش‌های دانش‌اندوزی است و از این‌رو دیده می‌شود که گاه هوشمندان در اموری که کسانی با هوش کمتر در آنها موفق شده‌اند، شکست خورده‌اند. تجربه‌های شخصی مؤلف نیز دقیقاً لزوم راهنمایی تحصیلی شاگردان را به اثبات رسانده است، و چون چنین است دست به کار تألیف این اثر شده است (ص۱۵ـ۱۶).

در بخش نخست این اثر که چهار فصل دارد و کمابیش دوسوم حجم کتاب را گرفته است از راهنمایی شاگردان به برترین روش‌های تحصیل در اندیشه‌های تربیتی روز پرداخته شده است. در فصل آغازین این بخش که دربارهٔ عوامل مؤثر در خوب یاد گرفتن است، یادآوری شده است که باید این عوامل، پیش از آغاز تحصیل، پس از پرداختن به دانش‌آموزی و نیز در همه زندگی علمی شناخته و رعایت شوند. عوامل یادشده عبارت‌اند از: سلامت کامل که در

۱. هدایت فراگیرنده فراسوی روش‌های یادگیری در پرتو تفکر تربیتی و اسلامی

گرو سلامت جسم و عقل و روح است؛ پایداری در راه راست؛ فراهم کردن محیط اجتماعی سازوار با تحصیل علم؛ تنظیم وقت و عمل بر اساس برنامه‌ریزی؛ گزینش دانش و رشته تحصیلی سازوار با ذوق و استعداد؛ داشتن عزم و اراده استوار؛ به‌کارگیری انگیزه‌ها و قوای نهفته درونی.

در فصل دوم این بخش به برترین روش‌های تحصیل دانش پرداخته شده و در آن پیشنهاد شده است به موارد ذیل عنایت شود: آموزش باید به روش درست آغاز شود؛ در گزینش روش آموزش از کل به جزء یا از جزء به کل باید دقت شود؛ به قوانین یادگیری باید توجه شود؛ باید از روش مناسب برای مقاومت در برابر فراموشی آموخته‌ها پیروی شود؛ بهره‌گیری از روش‌های پایدار کردن آموخته‌ها؛ ایستادگی در برابر عوامل شکست.

نگارنده در فصل سوم بخش اول، کوشیده است روش‌های به دست آوردن برتری علمی و نیز روش‌های رسیدن به برتری در امتحان را پیش‌رو نهد و شاگردان را به جمع این دو مزیت رهنمود دهد.

فصل فرجامین بخش اول دربارهٔ موضع شایسته فراگیرنده نسبت به علوم و شامل این نکات است: اموری که پیش از فراگیری هر دانشی باید مورد توجه قرار گیرد؛ دانش‌هایی که هیچ متعلمی از آن‌ها بی‌نیاز نیست (بهداشت، معارف اسلامی، اخلاق، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی اجتماعی).

فصل پنجم تا دهم در بخش دوم و با عنوان راهنمایی فراگیرنده در تربیت اسلامی گنجانده شده است. نگارنده در فصل پنجم از هدف و غایت فراگیرنده و بایستگی‌های آن گفته است؛ سپس به فصل ششم رسیده و از لزوم تشویق به علم و تعلیم و تعلم و پایبندی به علم یاد کرده است. فصل هفتم دربارهٔ روش‌های کسب معرفت به حقایق پرداخته شده است و در فصل هشتم سخن بر سر روش‌های بررسی حقایق است. در فصل نهم از روش‌های بیان و عرضه حقایق سخن رفته است و در فصل فرجامین از علوم و معارفی که فراگیرنده به فراگیری آن‌ها فراخوانده می‌شود و نیز علومی که درخور یادگیری نیستند یاد شده است.

۶۶

الثقافة الاسلامية محور لمناهج التعليم: رؤية التعليم من منظور اسلامی[1]

احمد مهدی عبدالحلیم. چاپ اول: قاهره، مکتبة الشروق الدولیة، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۳۷۶ص، وزیری، شکل.

این کتاب از جمله آثاری است که متأثر از حادثه سه‌شنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م نگارش یافته است. چه در پی آن حادثه، مسیحیت صهیونیسم بیش از پیش به اسلام و مسلمانان حمله‌ور شد و کار به جایی رسید که مسلمان را تروریست خواندند و آمریکا از کشورهای مسلمان از جمله عربستان و افغانستان و پاکستان خواست در برنامه‌های آموزشی و نیز محتوای کتاب‌های درسی و رسانه‌های دیداری و شنیداری خود تجدید نظر کنند و از جهاد اسلامی و مخالفت با اسرائیل دم نزنند، یعنی اسلام‌زدایی از جهان اسلام به دست خود مسلمانان برای مسخ هویت آنان.

نگارنده این اثر را به قصد افزایش خودآگاهی جوانان امت اسلامی و آشنا ساختن آنان با فرهنگ دینشان و یادآوری لزوم پیراستن فرهنگ جامعه اسلامی از لوث بیگانگان نگاشته و البته تأکید کرده است که مخاطب او گذشته از دانشجویان خاصه در رشته علوم تربیتی، استادان این رشته در دانشکده‌های علوم تربیتی در جهان عرب و اسلام است (ص۱۲ـ۱۳).

نویسنده گذشته از مقدمه، مطالب کتاب را در پنج فصل گنجانده و با خاتمه‌ای بحث را بسته است.

---

۱. فرهنگ اسلامی، محور برنامه‌های آموزشی: نگرشی به آموزش از دیدگاه اسلامی

در فصل یکم، نخست به شرح و تعریف فرهنگ پرداخته شده و به برخی از تعریف‌های فرهنگ در انسان‌شناسی و روان‌شناسی در غرب اشاره و شماری از آن‌ها از نگاه اسلامی نقد شده است؛ سپس به دو پرسش پاسخ داده شده است: محمل فرهنگ، فرد است یا جامعه یا هر دو؟ عامل انسجام‌دهنده به فرهنگ که عناصر و مفردات آن را گرد هم می‌آورد کدام است؟ پس از این به عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ و تقسیم آن‌ها به عناصر عام و خاص و جایگزین پرداخته شده است.

نگارنده در ادامه از جایگاه دین در فرهنگ، تأثیر استعمار بر فرهنگ مردم، رابطه فرهنگ با تمدن و مدنیت و وجه افتراق آن‌ها یاد کرده است؛ سپس به مفهوم تعلیم و تربیت توجه شده و در شرح موضوع به معنای تربیت در زبان عرب و واژگان مترادف آن در قرآن کریم پرداخته شده است و میان مفهوم عام تربیت و مفهوم خاص آن یعنی آموزش مدرسه‌ای فرق نهاده شده و اشارت رفته است که جنبه فرهنگی آموزش مدرسه‌ای بسیار بااهمیت است. این نکته از به کار بردن دو اصطلاح روان‌شناسی مردمی و آموزش مردمی برمی‌آید.

در فرجامین فراز این فصل از مفهوم برنامه آموزشی یاد شده و پس از بازگفت دو تعریف به نقد آن دو پرداخته شده و در پایان تعریف نگارنده از این مفهوم همراه با شرح و شکافت ویژگی‌های آن آمده است.

عنوان فصل دوم، فرهنگ اسلامی است و در بازشکافت آن ابتدا اشاره شده است که دین بن‌مایه فرهنگ اسلامی و دستاوردی سرشتی و دارای ساختاری ظاهری و باطنی است. فرق میان دین و دینداری و علوم دینی، وجه روایی سخن گفتن از فرهنگ واحد اسلامی مسلمانان در حالی که آنان در نقاط دور از یکدیگر زندگی می‌کنند نکته‌های دیگری است که پیش از پرداختن به ویژگی‌های فرهنگ اسلامی از آن‌ها سخن رفته است. نگارنده در واکاوی ویژگی گوهرین فرهنگ اسلامی آورده است که این فرهنگ ایمانی و توحیدی است و جنبه انسانی و جهانی دارد و کلی فراگیر و عقلانی است و به ضرورت شورا و مشارکت تأکید دارد و اهل گفتگو و تبادل فرهنگی است و بر رشد سرمایه بشری در بعد مادی و معنوی تأکید دارد و میانه‌رو و معتدل است. نویسنده در شرح هر یک از ویژگی‌های یادشده به کاربرد این ویژگی‌ها در زندگی به‌طور عام و نظریه‌پردازی فعالیت‌های تربیتی به‌طور خاص و نیز آسیب‌شناسی آن‌ها پرداخته است.

از آنجا که نگارنده بررسی نظام آموزشی را از راه بررسی درون‌دادها و برون‌دادهای آن ممکن می‌داند، در فصل سوم به درون‌دادها و در فصل پنجم به برون‌دادهای نظام آموزشی اسلام پرداخته است.

پس عنوان فصل سوم درون‌دادهای نظام آموزشی است و در آن از میان درون‌دادهای پرشمار قابل فرض برای این نظام آموزشی به سه درون‌داد یعنی غایات یا اهداف آموزشی، محتوای برنامه درسی، پرورش دست‌اندرکاران آموزشی یعنی معلمان، مدیران، معاونان پرداخته شده است.

فرآیند آموزش مدرسه‌ای: تدریس و یادگیری، عنوان فصل چهارم است و در آن به دیدگاه‌های گوناگون دربارهٔ کار تدریس معلمان در مدارس و فرآیند یادگیری که در شاگردان صورت می‌پذیرد پرداخته و اشاره شده است که تدریس در یادگیری تأثیر مستقیم ندارد و از رهگذر واسطه‌ای میان تدریس و یادگیری یعنی فرآیند فکری که در عقل شاگردان رخ می‌دهد تأثیر می‌نهد.

برای معرفی و بررسی دیدگاه‌ها دربارهٔ آموزش از مدل آموزشی انتقال معلومات فردریک هربات، مدل آموزشی حل مسئله جان دیویی، مدل آموزشی پلی میان تدریس و یادگیری که جدیدترین مدل آموزشی است یاد گشته و ضمن برتر شماردن مدل اخیر به اعمال آن در حوزه تربیت علمی، تربیت اجتماعی، تربیت هنری به عنوان نمونه اشارت رفته است.

در فصل پنجم که برون‌دادهای نظام آموزشی نامیده شده است ابتدا از اشراف و نظارت تربیتی و معنا و کاربرد و روش‌های آن سخن رفته و اشاره شده است که این اشراف تربیتی مقوله‌ای جانبی در نظام آموزشی است و بر شاگردان تأثیر غیرمستقیم دارد.

موضوع بعدی فصل، ارزیابی آموزشی است که در آن از ارزیابی برون‌داد نظام آموزشی یعنی شاگردان و معلمان یاد شده است. موضوع سوم این فصل تحول نظام آموزشی است و در شرح آن از سیاست‌های گوناگون تغییر و تحول و آنچه که باید پی‌نهاد سیاست تحول آموزشی در کشورهای اسلامی و عربی قرار گیرد بحث شده است. فراز فرجامین این فصل، بیان چند پیشنهاد در مورد اولویت‌های تحولات آموزشی در کشورهای اسلامی و عربی است.

در خاتمه کتاب پس از اشارتی به موضوعات کتاب به شماری از مشکلات و دشواری‌های فراراه مؤلف در تهیه و تدوین این اثر پرداخته شده است.

موضوع این اثر در فارسی و عربی بدیع، و پرداخت آن نیکو، و حاصل کار خواندنی است.

۶۷
الخطاب التربوی الاسلامی[1]

محمد فرحان. چاپ اول: بیروت، الشرکة العالمیة للکتاب، ۱۹۹۹م. ۱۶۵ص، وزیری.

در تاریخ تربیت اسلامی با دو گفتمان روبه‌رو می‌شویم: یکی گفتمان اصیل و ابداعی، و دیگری گفتمان غیراصیل که کارش حرکت در حاشیه گفتمان اصیل است و به شرح و شکافت آن می‌پردازد و به تکرار مکررات و شرح بر شرح گرفتار شده است. در تاریخ تربیت اسلامی به جای پرداختن به گفتمان نخست که اصیل و حقیقی است، به متون بازمانده از گفتمان نوع دوم پرداخته شده است، چنان که پنداری جای آن را گرفته و بدیل آن است.

گفتمان اصیل، در قرآن و سنت تجلی یافته است و آثار تربیتی عالمان مسلمان محمل گفتمان شارح است. بنابراین و بنابر تقسیم نگارنده، گفتمان تربیتی در اسلام دست‌کم هفت شکل دارد: گفتمان تربیتی قرآنی، گفتمان تربیتی حدیثی، گفتمان تربیتی فقهی، گفتمان تربیتی صوفیانه، گفتمان تربیتی ادبی، گفتمان تربیتی فلسفی، گفتمان تربیتی طبی (ص۹ـ۱۶).

پیش از این کتاب آثار دیگری در زبان عربی دربارهٔ شماری از این گفتمان‌ها با عنوان مکتب و رویکرد منتشر شده است. ادبیات و نیز تقسیم‌بندی کتاب‌های پیشین با این کتاب تفاوت دارد. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: سعید اسماعیل علی و محمد جواد رضا، مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم: قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۸۷).

در کتاب حاضر تلاش شده است شماری از گفتمان‌های یادشده شرح و شکافته شود. مطالب کتاب در مقدمه، سیزده فصل، خاتمه بسامان شده است.

---

۱. گفتمان تربیت اسلامی

در مقدمه بـه مفهـوم گفتمـان تربیـت اسـلامی، نگـرش شـرق‌شناسـان بـه ایـن گفتمـان، آبشخورهای این گفتمان، عوامل دخیل‌افتاده در این گفتمان، گونه‌هـای ایـن گفتمـان پرداختـه شده است.

فصل آغازین کتاب دربارهٔ طرحی فلسفی قرآنی است. نگارنده در این فـصل در پـی اثبـات این نکته است که چنین طرح از قرآن برگرفتنی است. وی برای نمونه به سوره فاتحه پرداخته و برای بازشکافت مطلب ابتدا از منطق و زبان قرآن گفته اسـت؛ سـپس از روش قرآنـی و برخـی فرضیات موجود در سوره فاتحه یاد کرده است. هستی‌شناسـی، معرفـت‌شناسـی، زیباشناسـی، دیگر مباحث برداشت‌شده از سوره حمد است.

در فصل دوم گفتمان تربیتی قـرآن واکـاوی شـده اسـت تـا معلـوم شـود در ایـن گفتمـان هدف‌های تربیت کودک چیست، در این گفتمان نسبت به طبیعت انسان و چگـونگی و برنامـه تربیتی کودک چه دیدگاهی وجود دارد، در این گفتمان بـرای تربیـت کـودک چـه روش‌هـایی پیش‌رو نهاده شده است.

آموزش‌های تربیتی در احادیث نبوی موضوع فصل سوم است و از رهگذر طرح و بحث آن به هدف‌هـای تربیتـی کـودک در احادیـث نبـوی، برنامـه تربیتـی کـودک در احادیـث نبـوی، ویژگی‌های مطلوب شخصیت کودک، روش‌های تربیتی کودک، پرداخته شده است.

در فصل چهارم به آموزش‌های تربیتی در گفتمان فقهی پرداخته شده است و ضـمن اشـاره به این‌که فقه اسلامی و به‌ویژه آموزش‌های تربیتـی زادهٔ آن از منـابع اندیـشه عربـی ـ اسـلامی به‌طور عام، و تربیت عربی ـ اسلامی به‌طور خاص است، نخست بـه شـماری از آمـوزش‌هـای تربیتی در خطبه‌های امام علی(ع) به شرح ذیل اشارت رفته است: رهنمودهایی به علم و تعلـم، رابطه میان آموزش و تحول فرهنگی، رابطه علم با زندگی مردم، دیالکتیک و جدل میان علـم و تراکم معرفتی، حکمت غذای روح، اخلاق ایمانی. بحث‌های دیگر ایـن فـصل عبـارت‌انـد از: ویژگی‌های آموزش‌های تربیتی فقهی، مبانی تعلیم و تربیت در آموزش‌های فقهـی، هـدف‌هـای تربیت کودک در آموزش‌های تربیتی فقهی، برنامه درسی فقهی در آموزش کودک و تقسیم آن‌ها به درس‌های اجباری و اختیاری.

آموزش‌های تربیتی در گفتمان صوفیانه در فصل پنجم بازشکافی شده است. صوفیان چه بیـان و آموزشی دربارهٔ علم و برنامه درسی دارند؟، ماهیت سـفر صـوفیان در تربیـت کـودک، مقامـات صوفیان در آموزش‌های تصوف چه مفهوم تربیتی دارد؟ مطالب بحث‌شده در این فصل است.

اشاراتی به رهنمودها و آرای تربیتی: ابن‌سحنون، جاحظ، کندی، ابن‌جزار، قابسی، ابن‌طفیل، ابن‌جماعه، مغراوی مطالب عنوان‌شده در فصول ششم تا سیزدهم کتاب است.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
احمد عرفات قاضی، الفکر التربوی عند المتکلمین المسلمین و دورها فی بناء الفرد والمجتمع (چاپ اول: قاهره، الهیئة المصریة للکتاب، ۱۹۹۶م)؛ سعید اسماعیل علی و محمد جواد رضا، مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم: قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت، ۱۳۸۷)؛ اسماعیل باغستانی، «آرا و رویکردهای تعلیم و تربیت»، دانشنامه جهان اسلام، جلد هفتم، ذیل تعلیم و تربیت.

۶۸
الدارس فی تاریخ المدارس[1]

عبدالقادر بن محمود نعیمی دمشقی. تحقیق جعفر حسنی. چاپ دوم: قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م. ۲ج، د+۶۶۵+۸۳۲ص، وزیری، فهارس.

کتاب حاضر پس از تاریخ دمشق ابن‌عساکر، بهترین کتاب دربارهٔ تاریخ دمشق است که تاکنون شناخته شده است. این اثر دربردارنده تاریخ دارالقرآن، دارالحدیث، دارالعلم، مدرسه، خانقاه، تکیه، زاویه، مسجد جامع دمشق از قرن پنجم تا قرن دهم هجری قمری است. نگارنده (۸۴۵ـ۹۲۷ق) در معرفی هر مرکز از محل ساختمان آن، بانی و موقوفات آن، تاریخ ساخت، بازسازی‌های احتمالی، کسانی که در آن (مثلاً مدرسه) تدریس کرده‌اند، یا بزرگانی که در آن درس خوانده‌اند و دیگر امور و وقایع مرتبط با هر مرکز سخن گفته است. اظهارت مؤلف مستند به سخنان کسانی چون: ابن‌اثیر، ابوشامه، ابن‌خلکان، ابن‌شداد، برزالی، ذهبی، کتبی، صفدی، حسینی، ابن‌کثیر، ابن‌حجی حسبانی، ابن‌قاضی است. به این ترتیب یکی از مزایای این کتاب گردآوری اخبار پراکنده در کتب رجال و تاریخ در یک‌جاست و از این منظر در موضوع خود اثری بی‌بدیل است.

دربارهٔ نام این کتاب همداستانی وجود ندارد چنان که آن را تنبیه الطالب و ارشاد الدارس لاحوال مواضع الفائدة بدمشق کدور القرآن والحدیث والمدارس، خوانده‌اند. یا در کشف الظنون حاجی خلیفه از این اثر با عنوان تنبیه الطالب و ارشاد الدارس فیما بدمشق من الجوامع والمدارس، یاده شده است؛ یا صاحب شذرات الذهب والکواکب الدریة آن را الدارس فی تواریخ المدارس نامیده است.

---

۱. وارسی تاریخ مدارس

شماری از دانشمندان، این کتاب را خلاصه کرده‌اند. از آن‌هاست: شمس‌الدین محمد ابن‌طولون، عبدالباسط علموی، احمد بقاعی، عبدالقادر بدران. خلاصه عالمان یادشده از این اثر جملگی شناخته شده و برخی از آن‌ها چاپ شده است، مگر خلاصه ابن‌طولون.

احتمال دارد متنی که منتشر گشته و اکنون دربارهٔ آن سخن می‌گوییم یکی از خلاصه‌های اصل کتاب باشد. زیرا در صفحه هفتم جلد یکم کتاب آمده است: از آنجا که می‌دیدم اکثر اماکن خیریه و موقوفه دمشق فرسوده شده‌اند بر آن شدم تاریخ این اماکن را تدوین سازم، اما متوجه شدم که تاریخ‌پژوه بزرگ استاد نعیمی، در این کار بر من پیشی گرفته است، اما کارش پیش‌نویس است و ناتمام، از او خواهش کردم کار را تمام و نهایی کند اما ناتوانی و مشکلات دیگر نگذاشت او اقدامی کند، تا این‌که به من دستور داد به سیاق او کارش را تمام کنم من پذیرفتم، اما به تلخیص کار روی آوردم.

از آنجا که از میان خلاصه‌های کتاب نعیمی تنها خلاصه ابن‌طولون شناخته نشده است و نیز از آن‌روی که ابن‌طولون از شاگردان نعیمی بوده است و خلاصه حاضر هم بنابر آنچه آوردم به قلم یکی از شاگردان او تهیه شده است، شاید بتوان پذیرفت که متن حاضر همان خلاصه ابن‌طولون از اصل کتاب نعیمی است. به هر حال این کتاب گرچه اصل کتاب نعیمی نیست، اما بی‌گمان کامل‌ترین خلاصه و بزرگ‌ترین تلخیص و شبیه‌ترین متن به اصل کتاب است که اکنون در اختیار است.

نگارنده به‌ترتیب از تاریخ نهادهای ذیل یاد کرده است: دارالقرآن (۷ مورد)، دارالحدیث (۱۶ مورد)، دارالقرآن والحدیث (۳ مورد)؛ مدارس شافعی (۶۰ مورد)، مدارس حنفی (۵۲ مورد)، مدارس مالکی (۴ مورد)، مدارس حنبلی (۱۱ مورد)، مدارس طب (۳ مورد)، خانقاه (۲۹ مورد)، رباط (۲۱ مورد)، زاویه (۲۶ مورد)، مقبره (۷۹ مورد)، مسجد (۵۹۸ مورد که بسیاری از آن‌ها در حد اشاره به نام مسجد است)، مسجد جامع (۳۱ مورد).

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

حسن شمیسانی، مدارس دمشق فی العصر الایوبی (چاپ اول: بیروت، دارالآفاق الجدیدة، ۱۴۰۳ق)؛ صادق احمد جوده، المدارس العصرونیة فی بلاد الشام (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق)؛ قاسم شماعی رفاعی، بعلبک فی التاریخ: دراسة شاملة لتاریخها و مساجدها و مدارسها و علمائها (بیروت ـ دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۴ق)؛ لمیاء جاسر، مدارس حلب الاثریة

تاریخها و عمارتها (حلب، دارالرضوان - دارالانصار، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م)؛ احمد خالد جید، المدارس و نظام التعلیم فی بلاد الشام فی العصر المملوکی (بیروت، مؤسسة الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۴۲۲ق)؛ صلاح‌الدین منجد، تصحیح کتاب الدارس فی تاریخ المدارس للنعیمی (بیروت، دارالکتاب الجدیدة، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م).

۶۹

دراسات فی تاریخ التربیة عند المسلمین[1]

محمــد منیــر ســعدالدین. چــاپ دوم: بیــروت، دار بیــروت المحروســة، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م. ۳۳۶ص، وزیری.

در کتاب یادشده تلاش شده است در قالب شش فصل به گوشه‌هایی از تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام پرداخته شود.

شاید نگارنده ـ چنان که ماهیت تحقیقات تاریخی اقتضا می‌کند ـ برای ساختن و پرداختن این اثر رنج بسیار برده باشد، اما هرچه هست گنجی درخور فراچنگ نیاورده است و کاری پرکاستی و نابایستی رقم زده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در ضبط اعلام بی‌دقتی شده است، مثلاً عفان (ص۳۲۷)، عنان ضبط شده است.

در ضبط نام کتاب‌ها خطا رخ داده است، مثلاً اقتضاء العلم العمل (ص۳۰۶)، اقتضاء العلم والعمل نوشته شده است؛ یا الرسول والعلم (ص ۳۳۰)، الرسول العلم آمده است.

در تنظیم ارجاعات یکنواخت عمل نشده است، چنان که در فصل اول همه ویژگی‌های کتاب‌شناختی هر مرجع آورده شده است و در فصل دوم به بعد تنها نام مؤلف و نام اثر یاد شده است.

دیگر آن‌که در ارجاع به مقالات، غیرفنی و مانند ارجاع به کتاب عمل شده است.

در این اثر خطاهای محتوایی عجیبی رخ داده است. برای نمونه مرقد مطهر امام کاظم(ع) و امام جواد(ع) در بغداد معرفی شده است (ص۹۸)؛ نیز ادعا شده است شهر قم را عرب‌ها پس از فتح ایران بنا نهاده‌اند (ص۹۹)؛ از این‌ها بدتر آن است که عبدالله ناتلی و اسماعیل زاهد (دو

---

۱. پژوهش‌هایی در تاریخ تربیت مسلمانان

تن از معلمان ابن‌سینا)، معلمان یعقوب کندی دانسته شده‌اند (ص ۱۶۰) و نیز ادعا شده است کندی کتاب الخصوص (بخوانید الفصوص) فارابی را مطالعه کرد (ص ۱۶۰)؛ روشن است که بخشی از شرح‌حال بوعلی سینا (۳۷۰ـ۴۲۸ق)، به پای یعقوب کندی (متوفی ۲۶۰ یا ۳۵۸ق) گذاشته شده است.

مطالب و عنوان فصل چهارم پیش از این کتاب، در کتاب محمود قمبر، دراسات تراثية في التربية الاسلامية (۳ جلد، جلد اول، چاپ اول: قطر، دارالثقافة، ۱۹۸۵م) به شکل مبسوط مطرح شده است و از قضا در این فصل به این کتاب هم ارجاع داده شده است، اما به وجود چنین عنوانی در کتاب محمود قمبر اشاره نشده است.

دیگر آن‌که در ارجاعات مؤلف به کتاب محمود قمبر (دراسات تراثية في التربية الاسلامية)، به شماره جلد اشاره نشده است، چنان که پنداری کتاب یادشده یک جلد بیش نیست.

باری در فصول شش‌گانه این کتاب با عناوین و مطالبی به شرح ذیل آشنا می‌شویم:

فصل یکم دربارهٔ تعریف تربیت اسلامی، هدف‌های تربیت اسلامی، منابع تربیت اسلامی پرداخته شده است. نگارنده در واشکافت این فصل، ابتدا به چند تعریف از تربیت اسلامی اشاره کرده است و در پایان خود تعریفی از تربیت اسلامی پیش‌رو نهاده است؛ سپس به شرح و بررسی هدف‌های تربیت اسلامی از زبان شماری از محققان روی کرده است و با نتیجه‌گیری از مطالب دیگران به بحث منابع تربیت اسلامی رسیده است و ضمن اشاره به دیدگاه برخی از تربیت‌پژوهان نسبت به منابع تربیت اسلامی، قرآن کریم و سنت شریف نبوی را دو آبشخور تربیت اسلامی معرفی کرده است.

عنوان فصل دوم، نهادهای آموزشی در اسلام است. نهادها و مراکز آموزشی که در اسلام پدید آمده، حاصل شرایط محیطی خاص و نیازهای جامعه اسلامی و تحولات آن بوده است. این نهادها به هر شکل و در هر مکان که بوده‌اند رنگ اسلامی داشته‌اند (ص ۳۰). در ادامه این فصل از نهادهای آموزشی ذیل سخن رفته است: مکتب، مسجد، مدرسه، کتابخانه، بیت‌الحکمه، دارالعلم، دکان کاغذفروشی، مجالس عالمان، منازل عالمان، بیمارستان، رباط و زاویه و خانقاه، عتبات مقدسه، رصدخانه. پس از شرح و گاه اشارتی به مراکز آموزشی یادشده به فصل سوم می‌رسیم.

عنوان فصل سوم، شغل آموزش در میان مسلمانان است. این فصل با اشارتی به مفهوم و تعریف شغل و این‌که آیا آموزش شغل است، و بررسی این امر در تاریخ آموزش در اسلام آغاز

گشته است. پس از آن بحث اخلاق و آداب شغلی عالمان مطرح و به شماری از آن‌ها در قالب ویژگی‌های عالم و معلم مسلمان اشاره شده است: آشنایی با فرهنگ عمومی و داشتن اطلاعات کلی از علوم اسلامی، دارا بودن اطلاعات عمیق و گسترده دربارهٔ ماده درسی که تدریس می‌شود، آشنایی با طبیعت شاگرد و توانایی تشخیص توانایی‌های او، پایبندی به آداب و اخلاق اسلامی، حفظ حرمت علم و آن را وسیله کسب نان و نام نکردن، رعایت عدالت در رفتار با شاگردان، اندرزگویی و دوستی با شاگردان، داشتن ظاهر آراسته، رعایت اعتدال در صدا و حرکات و اشارات، ارائه راهنمایی و مشاوره به شاگردان و تلاش برای هدایت تحصیلی و شغلی آنان، داشتن روحیه پژوهش و انتقاد و واقع‌گرایی، عمل به علم.

در ادامه این فصل به مطالبی دربارهٔ پرورش و آمادگی شغلی عالمان و حوزه‌های مطالعات تخصصی در برنامه‌های تربیت عالمان معلم پرداخته شده است.

در فصل چهارم به بررسی روش‌های رسیدن به جایگاه‌ها و مناصب گوناگون آموزشی و نیز روش‌های عزل از این جایگاه پرداخته شده است. روش‌های رسیدن به مقام تعلیم به سیزده روش تقسیم شده است: روش تصدری، یعنی فرد در مقام معلمی و در صدر جلسه تدریس تعین می‌یافت؛ روش تعیینی، یعنی عوامل حکومتی با ابلاغ کتبی فرد را به مقام تدریس منصوب می‌کردند؛ روش تکریم و بزرگداشت، یعنی مقام حکومتی یا دینی یا رسمی و مردمی عالمی را بزرگ می‌داشت و مدرسه‌ای به نام او به پا می‌داشت و از وی خواهش می‌کرد به تدریس در آن مشغول شود؛ آموزش نیابتی، احتکار و اختصاص تدریس، آموزش در چند مدرسه، مشارکت در تدریس دیگری، بازگشت دوباره، تبادل مقام تدریس میان دو نفر، پیروزی در مناقصه، استاد میهمان دیگر روش‌های بررسی‌شده در این فصل است.

پس از این به شماری از روش‌های برکناری از مقام تدریس پرداخته شده است: برکناری خودبه‌خودی، از سر زهد و صوفیانه اندیشیدن مقام را رها کردن، برای پرداختن به فعالیت‌های سیاسی کنار رفتن، برکناری مسبوق به ناتوانی در آموزش، برکناری مسبوق به سوء رفتار حرفه‌ای، برکناری ناشی از مخالفت با حکومت، برکناری حاصل از مخالفت‌های مذهبی، ازکارافتادگی.

عنوان فصل پنجم، روش‌های تدریس است و در شرح و شکافت آن، نخست به اصول کلی روش‌های آموزشی مسلمانان پرداخته شده است؛ سپس به برخی از وسایل آموزشی مسلمانان اشاره شده است و پس از آن از روش‌های سخنرانی، سماع، املا، قرائت نزد شیخ، مناظره و گفتگو، مکاتبه، پرسش یاد شده است.

در فصل فرجامین کتاب بـه تـشکل‌هـای حرفـه‌ای در تـاریخ آمـوزش در اسـلام اشـارتی رفته است.

* منابعی دیگر برای مطالعه:

محمـود قمبـر، دراسـات تراثیـة فـی التربیـة الاسـلامیة، ۳ جلـد (چـاپ اول: قطـر، دارالثقافـة، ۱۹۸۵ـ۱۹۹۲م)؛ احمد شلبی، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمـه محمدحـسین سـاکت (تهـران، دفتر نشر فرهنگ اسـلامی، ۱۳۶۱)؛ شـکری محمـود نـدیم، تـاریخ التربیـة الاسـلامیة (بیـروت، دارالکشاف، ۱۹۵۴م).

۷۰

دلالات الفقه التربوی فی بعض تراجم صحیح البخاری[1]

احمد محمد علیمی. چاپ اول: بیروت، دار ابن‌حزم للطباعة والنشر والتوزیـع، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م. ۲ج، ۱۵۱+۱۳۶ص، رقعی.

در این اثر دوجلدی که دوازدهمین عنوان از مجموعه‌ای است بـا فروسـت: السلـسلة التربویـة تلاش شده است از عنـاوینی کـه بخـاری (ابوعبـدالله محمـد بـن اسـماعیل بـن ابـراهیم بـن المغیرة بن بردزبه، ۱۹۴ تـا ۲۵۶ق) از محتـوای احادیـث نبـوی برگرفتـه و در کتـاب صـحیح خود آورده است، مفاهیم مربوط به تبلیغ دین استخراج و پیش‌رو نهاده شـود. بنـابراین در ایـن اثر برخلاف دلالت عنوان آن به فقه تربیتی یا حتی تربیـت بـه مفهـوم خـاص کلمـه پرداختـه نشده است، بلکه در آن فقه‌الدعوه یا فقه تبلیغ و ارشـاد دینـی واکاویـده شـده اسـت. ولـی از آنجا که هدف تبلیـغ دینـی، ارشـاد و تربیـت مخاطبـان اسـت، مباحـث ایـن اثـر بـر مفـاهیم تربیتی دلالت تضمنی دارد. به هر صورت عنوان دلالات الفقه الـدعوی فـی... بـه‌مراتـب بـیش از عنوان کنونی آن بر محتوای کتاب دلالـت دارد و بـا حقیقـت سـازگارتر اسـت و از قـضا در متن کتاب و عناوین آن همواره از عباراتی اسـتفاده شـده اسـت کـه بـر فقـه تبلیغـی یـا الفقـه الدعوی دلالت دارند نه فقه تربیتی. به نظر می‌رسد گنجاندن واژه تربیت در عنوان این اثر جنبـه تبلیغی ـ تجاری دارد.

باری، در جلد یکم این اثر پس از مقدمه و پیشگفتار، در چهار بحث به شایـستگی تبلیغـی برای تبلیغ پرداخته شده است. در پیشگفتار، نخست از واجب بودن تبلیغ دین و فراخواندن بـه

---

۱. دلالت‌های فقه تربیتی در پاره‌ای از عناوین صحیح بخاری

سوی خدا، برداشت‌های بخاری از روایات نبوی در صحیح، روش بخاری در برداشت‌هایش، مراد از فقه تبلیغ یا الفقه الدعوی یاد شده است؛ سپس به زندگی و شخصیت و آثار بخاری پرداخته شده است.

نگارنده پس از این وارد اصل بحث شده و به شرح و شکافت چهار بحث محوری کتاب روی آورده است که عبارت‌اند از: آمادگی و شایستگی علمی مبلغ برای تبلیغ و ارشاد، آمادگی و شایستگی عقلی مبلغ برای تبلیغ و ارشاد، آمادگی و شایستگی ایمانی و معنوی مبلغ برای تبلیغ و ارشاد، آمادگی و شایستگی اخلاقی مبلغ برای تبلیغ و ارشاد.

نگارنده برای واکاوی بحث، نخست برداشت اجتهادی بخاری از روایات نبوی را آورده است و با تکیه بر کتاب و سنت و شرح‌هایی که بر صحیح بخاری نوشته شده است و نیز آثار عالمان مسلمان به شرح آن پرداخته است؛ سپس بر اساس برداشت خود، به دلالت‌های آن عنوان بر فقه تبلیغی اشاره کرده و آن را شرح داده است.

نگارنده در جلد دوم، مطالب جلد نخست را پی گرفته است و پس از مقدمه که کمابیش همان مقدمه جلد یکم است، از رهگذر پنج بحث به بازشکافت فعالیت تبلیغی در میدان عمل پرداخته است. روش کار نویسنده در این جلد، همان روش وی در جلد یکم است، یعنی به شرح مدخل‌هایی که از برداشت‌های اجتهادی بخاری از روایت نبوی برگرفته، پرداخته است و شرح و شکافت او مستند به کتاب و سنت و شرح‌هایی که بر صحیح نوشته‌اند و نیز دیگر منابع مرتبط با موضوع است. بحث‌های پنج‌گانه و توضیحی ذیل، عنوان‌های اصلی فعالیت تبلیغی در میدان عمل است:

یکم، تبلیغ پیامی روشن است. برخی از برداشت‌های بخاری از روایات نبوی در خصوص این عنوان عبارت‌اند از: مداومت و استمرار، ابلاغ حاضران به غایبان، مدارا با مردم، لزوم پیوند با کسانی که در میان آنان تبلیغ می‌شود.

دوم، تبلیغ رشد و هدایت است. از جمله برداشت‌های بخاری از روایات نبوی در این زمینه این است که هدایت و ارشاد، هدیه و لطف الهی است، تبلیغ باید برای خشنودی خدا باشد، پاسخ باید کامل‌تر از پرسش پرسنده باشد، باید امر به معروف و نهی از منکر نمود.

سوم، تبلیغ عشق است و جان‌فشانی. شماری از برداشت بخاری از روایات نبوی دربارهٔ این عنوان از این قرار است: دوستی و بیزاری روش است، نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر از هدف‌هاست، تناسب شرط انس و الفت است.

چهارم، تبلیغ اطاعت است و ابلاغ. بخاری از روایات نبوی از جمله به برداشت‌های زیر در این حوزه رسیده است: پیروی از معروف به جمع صفوف می‌انجامد، عزیمت برای تبلیغ واجب است.

پنجم، تبلیغ پیروز ساختن و قدرت بخشیدن است. ذیل این عنوان به دو برداشت روایی از بخاری اشارت رفته است: مؤمن به پیروزی یقین دارد، جمع [هم] شکست می‌خورد.

نگارنده پس از بیان هر برداشت بخاری از روایات نبوی، به برداشت‌های خود از سخن او و یا آن روایات در حوزه تبلیغ پرداخته و با بیان دلالت آن سخن به فقه تبلیغی، به شرح دیدگاه خود پرداخته است.

۷۱
رب زدنی علماً منهجیة العلم فی الاسلام[1]

عبدالستار ابوغده. چاپ اول: قاهره، الدار المصریة اللبنانیة، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م. ۱۸۱ص، وزیری.

در کتاب یادشده، تلاش شده است با استناد به کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص)، به گوشه‌ای از نگرش اسلام به علم و تعلیم و تعلم در طی پنجاه فراز پرداخته شود. نگارنده گذشته از مقدمه، گفتنی‌ها را به چهار دسته تقسیم و هر دسته را در بهره‌ای از چهار بهرهٔ کتاب گنجانده است.

در بهره نخست که جایگاه دانش در اسلام عنوان گرفته به مطالب ذیل اشارت رفته است: جایگاه متعلم و پاداش او، آموزش از زادن تا مردن، فروتنی و نرمی و منت کشیدن در معلم، تصریح اسلام به حق آموزش و برابری فرصت‌های آموزشی، دانش آموختن واجب است، دانش مرده ریگ پیامبران است، علمی که فراگیری آن واجب است، تشویق و ترغیب به فراگیری علم در اسلام، لزوم و اهمیت آموزش قرآن کریم، ضرورت جمع میان فراگیری علم و آموزش علم و عمل به علم، آداب و اخلاق و وظایف معلم، آداب و اخلاق و وظایف شاگرد.

بهره دوم به آشنایی با علوم گوناگون اختصاص یافته است. سرآغاز این بهره اشارتی است به اهمیت علم حدیث در اسلام، پس از آن یادآوری شده است که فقه میوهٔ دو دانش تفسیر قرآن و حدیث است؛ سپس از دانش حدیث‌شناسی، علم کلام و عقاید، ادبیات عرب به‌ویژه علم نحو و بلاغت، علوم کاربردی و توجیه فراگیری آن‌ها، علوم انسانی، علل پیشرفت علمی و عقب‌ماندگی علمی، راه‌های نوزایی علوم، تقسیم علوم به مفید و غیرمفید، موانع دانش و دانش آموختن، بهره زنان از دانش سخن رفته است.

---

۱. خداوندا مرا دانش بیفزا: روش‌شناسی علم در اسلام

عنوان بهره سوم، روش‌شناسی پژوهش علمی در اسلام است. در شرح این بحث، نخست به اهمیت روش‌شناسی پژوهش و مفهوم پژوهش و روش‌شناسی پرداخته شده است؛ سپس به موارد زیر اشارت رفته است: ارزیابی و روشن ساختن حقیقت علمی که در پی پژوهش در حوزه آن برآمده‌ایم، استفاده از منابع مادر و توجه به پیشینهٔ تحقیق و توجه به خود منابع نه مؤلف آن‌ها، پیروی از اصول شناخته‌شده کلی تحقیق و اصول خاص تحقیق در هر علم، لزوم استفاده از قوانین علم اصول فقه در مطالعات اسلامی، لزوم آشنایی با استفاده از اصول علم حدیث در مطالعات اسلامی، آشنایی با دانش آداب پژوهش که مطالب پیشین را هم دربر می‌گیرد، مهم‌ترین ابعاد این علم (تعریفات و اصطلاحات، تقسیمات، حکم و نتیجه‌گیری)، آشنایی با اصول تدوین کتاب و عنایت به نسخه‌های خطی. مطالب این بهره را مقایسه کنید با: عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب، روش‌شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت: رویکردی اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷).

در بهره پایانی، شماری از ویژگی‌های آموزش اسلامی و برخی از روش‌های آن بررسی شده است. از جمله ویژگی‌های آموزش در اسلام موارد زیر است: مستمر بودن آموزش، آموزش دانش برای خود دانش نه اهداف مادی، استقلال و خودبسندگی مالی نهادهای آموزشی در اسلام، خود را وقف تعلیم و تعلم نمودن، مکان و زمان و مقررات آموزشی، آشنایی اجمالی با دیگر علوم از راه فراگیری مبانی آن‌ها، قرآنی بودن آموزش، عربی بودن آموزش، آداب و اخلاق تعلیم و تعلم، برگزیدن معلم، خلوص نیت در تألیف کتاب، توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش، رعایت اصل تدریج در آموزش، جمع میان فهم و حفظ، تحکیم ارتباط با کتاب.

گفتنی است در صفحه ۱۵ آمده است: حفض الجناح للمتعلم، اما خفض الجناح للمعلم درست است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:
عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب، روش‌شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت: رویکردی اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷)؛ فرانتز روزنتال، مناهج العلماء المسلمین فی البحث العلمی، ترجمه انیس قریحه، بازخوانی ولید عرفات

(بیروت، دارالثقافة، ۱۹۸۰م)؛ علی سامی نشار، مناهج البحث عند مفکری الاسلام و اکتشاف المنهج العلمی فی العالم الاسلامی (قاهره ـ اسکندریه، دارالسلام، ۱۴۳۹ق/۲۰۰۸م)؛ محمدحسین ساکت، جایگاه دانش در جهان اسلام (مشهد، نشر کتاب، ۱۳۵۵)؛ محمدحسین مهرآیین، سیمای استاد و معلم از دیدگاه معصومین(ع) (چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۳۷۳).

۷۲

رسالة الحقوق للامام زين‌العابدين(ع)، حقوق المعلم والمتعلم[1]

نعیم قاسم. چاپ اول: بیروت، دارالهادی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م. ۱۲۸ص، وزیری.

● عنوان روی جلد: شرح رسالة الحقوق للامام زین‌العابدین(ع): حقوق المعلم والمتعلم.

این کتاب پنجمین جلد از مجموعه‌ای است با فروست: شرح رسالة الحقوق للامام زین‌العابدین(ع)، که تاکنون پنج جلد آن به این شرح منتشر شده است: **حقوق الجوارح السبع؛ حقوق الوالدين والولد؛ حقوق الافعال: الصلوة والصوم والهدى والصدقة؛ حقوق الزوج والزوجة.**

در این پنج جلد به شرح هجده حق از پنجاه حق برشمرده در رساله حقوق حضرت سجاد(ع) پرداخته شده و پدیدآورنده ابراز امیدواری کرده است بر باقی پنجاه حق هم شرح بنویسد. در شرح حاضر برای بازشکافت بهتر موضوع از قرآن کریم و سنت شریف نبوی(ص) هم بهره برده شده است. همچنان که از مباحث روان‌شناسی تربیتی و مبانی و اصول تربیتی جدید استفاده شده است (ص۸).

کتاب حاضر معلمان را یاری می‌کند تا به ویژگی‌های محوری و نقش سازنده خود پی ببرند و وظایف تربیتی خود و پیوند آن با فرآیند آموزش را بهتر درک کنند و با میزان تأثیر تربیت در مقابل فطرت الهی بشر آشنا گردند. همچنان که شاگردان را به اخلاقیات یادگیری و چگونگی استفاده از فرصت‌های موجود در علم رهنمود می‌دهد (ص۸).

---

۱. رساله حقوق امام سجاد(ع): حقوق معلم و متعلم

نویسنده در شرح و شکافت حقوق معلم و شاگرد از حق معلم آغاز کرده و در ده بحث به این موضوع پرداخته است: چرا حق معلم؟، اهمیت علم، علم دینی و علم مادی، حق معلم، تعلم راهی برای تبلیغ، ادب گفتگو از استاد و معلم، پرسیدن برای دانستن، فضیلت عالم [معلم]، با چه کسی نشست و برخاست کنیم؟، جایگاه و مسئولیت عالمان [و معلمان].

پس از بررسی حق معلم، حق شاگرد مطرح گشته است و در واکاوی حق او به دوازده مطلب پرداخته شده است. حجم بحث حقوق شاگرد تقریباً دو برابر بحث از حقوق معلم است. در این بحث، نخست از حقوق معلم سخن رفته است؛ سپس به ویژگی‌های معلم پرداخته شده است. دیگر مطالب این بحث به قرار ذیل است: تعلیم و تربیت متلازم‌اند و معلم باید توجه داشته باشد که مربی نیز می‌باشد، تأثیر فطرت و تربیت بر فرد، تربیت و مراحل آن در روان‌شناسی تربیتی روز و تشابه آن با تقسیم اسلام از این مراحل، تربیت فرآیندی مستمر است، پاداش و تنبیه، فواید علم، علم مفید، لزوم تلازم علم با عمل، بردباری شاگرد و تواضع او، رازها و مصالح پوشیده.

درخور یاد است که با آن‌که نگارنده حق معلم و متعلم را از یکدیگر جدا کرده و به هر یک در بحثی مستقل پرداخته است، در بحث از حق معلم گاه به متعلم پرداخته است (ص۳۳ـ۳۸)؛ و نیز در بحث از حقوق متعلم بارها پای معلم را به میان کشیده است (ص۶۵، ۷۷، ۷۸، ۹۰، ۹۳، ۹۵).

* منابع ذیل نیز درخور مطالعه است:

زین‌العابدین قربانی لاهیجی، نخستین رساله اخلاق و تعلیم و تربیت (چاپ اول: قم، انصاریان، ۱۳۷۱)؛ علی غفوری، راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد(ع) (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸).

۷۳

الرسول والعلم[1]

یوسف قرضاوی. چاپ هفتم: بیروت، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م. ۱۶۵ص، وزیری.

پدیدآورنده کتاب حاضر کوشیده است از رهگذر نقل و تحلیل روایات نبوی معلوم دارد که سنت نبوی آبشخوری سرشار برای فقه و هدایت اندیشه و رهنمود رفتار است؛ از منظر قرآن و سنت علم دشمن دین و ضد ایمان نیست بلکه از نگاه اسلام دین علم و علم دین است، اسلام دانش تجربی را ارج می‌نهد و به فراگیری آن فرامی‌خواند و محیط روحی و فکری را برای شکوفایی آن فراهم می‌سازد و دستاوردهای آن را می‌پذیرد؛ اسلام علم را از اخلاق جدا نمی‌داند و بر اخلاقیات علم و مسئولیت عالمان تأکید می‌ورزد؛ کسب دانش بر همگان لازم است و علم واجب یعنی حداقلی که از فراگیری آن گریزی نیست، چه علم دین و چه علم دنیا؛ حداقل علم دنیایی سواد خواندن و نوشتن است که تحقق آن به رفع بی‌سوادی در امت می‌انجامد؛ در سنت نبوی، برای تعلیم و تعلم اصول و مبانی‌ای بیان شده است که به‌مراتب از ارزش‌های تربیتی‌ای که تربیت‌پژوهان امروزی وضع کرده‌اند برتر است مانند اصل استمرار آموزش، رعایت تفاوت‌های فردی و... (ص ۱۶۰_۱۶۲).

نگارنده، روایات نبوی مقبول را از روایات برساخته و ضعیف جدا ساخته و تنها به مقبولات اهل سنت استناد جسته است. وی برای شرح و شکافت مباحث و روایات، چندان به قرآن روی نکرده است. مطالب کتاب در مقدمه، پنج فراز، خاتمه قلمی گشته است.

۱. پیامبر(ص) و علم

الف) منزلت علم و عالمان در سنت: در این بحث ضمن اشاره به فراوانی از روایات بیان‌کننده ارزش والای علم و عالمان، یادآوری شده است در این روایات اولویت با علم دین است که از رهگذر آن آدمی خود و خدایش را می‌شناسد و به حق و تکلیف خود پی می‌برد؛ سپس نوبت دیگر علوم می‌رسد که حقیقتی را بر انسان مکشوف می‌دارد و او را فراسوی حق هدایت می‌سازد و یا او را به خیری نزدیک می‌کند یا مصلحتی را تأمین می‌کند یا فسادی را او دور می‌سازد. پس از این به نکات زیر پرداخته شده است: علم به ایمان فرامی‌خواند، علم راهنمای عمل است، علم از عبادت برتر است، پرداختن به دانش برترین اشتغال کسانی است که در پی نزدیکی به خدایند، برتری علم بر جهاد، بهره دانش دنیایی و عقبایی است، تباهی علم خرابی دنیاست.

ب) رسول خدا(ص) و علم تجربی: دامنه معنایی علم در اسلام بسیار گسترده‌تر از این دامنه در غرب امروز است و شامل معارف مبتنی بر تجربه و مشاهده هم می‌شود و حتی اسلام فضای روحی و عقلی لازم برای رشد این علوم را فراهم ساخته است.

در این فراز کتاب پس از این مقدمه با مطالب ذیل آشنا می‌شویم: شکل‌گیری عقل علمی، پیکار با بی‌سوادی، فراگیری زبان‌های بیگانه هنگام نیاز، به‌کارگیری روش آماری، برنامه‌ریزی مسبوق به آمارگیری، پذیرش منطق، تجربه در امور دنیایی، استفاده از نظر خبرگان و اهل معرفت، فراگیری علم سودمند حتی از کافران، مبارزه با اوهام و خرافات، پزشکی نمونه‌ای از علوم تجربی مورد عنایت رسول خدا(ص).

ج) آداب و اخلاق علم: از نگاه اسلام به صرف فراگیری دانش و انباشتن ذهن از معارف و علوم ـ حتی اگر علم الهی باشد ـ نباید بسنده کرد، بلکه باید به ارزش‌های اخلاقی‌ای که لازمه علم است و موجب می‌شود عالمان، وارثان انبیا شوند هم آراسته شد. در این فراز به مهم‌ترین این ارزش‌ها و فضایل به شرح ذیل اشاره شده است: احساس مسئولیت، امانت علمی، فروتنی، عزت، عمل به مقتضای علم، میل شدید به گسترش دانش، مسائلی دربارهٔ گسترش دانش و پوشیده داشتن آن.

د) آداب و اخلاق یادگیری: ضرورت یادگیری، آنچه فراگیری آن بر هر مسلمانی واجب است، آنچه فراگیری آن واجب کفایی است، اصلاح نیت، استمرار آموزش، پایداری در برابر دشواری‌های دانش آموختن، بزرگداشت معلم، پرسش، مطالب واکاوی‌شده در این فراز از کتاب است.

هـ) مبانی و ارزش‌های آموزش دادن: در واشکافت این بحث از مطالب زیر سخن رفته است: توجه به معلم و قدردانی از او، همکاری و همبستگی جامعه برای آموزش فرزندان، خوش‌رفتاری و خوش‌رویی با شاگرد، مدارا و مهربانی با شاگرد، دلسوزی و غمخواری خطاکار، مجازات خطاکار سازگار با خطایش، تشویق نیکوکار، ستایش کار او، رعایت اصل تدریج در آموزش، رعایت تفاوت‌های فردی در آموزش، اعتدال و پرهیز از خسته کردن و ملال‌زایی، بهره‌برداری تربیتی و ارشادی از موفقیت‌هایی که پیش می‌آید، استفاده از وسایل کمکی برای آموزش و پرورش، برگزیدن بهترین روش‌ها، آگاه کردن از راه پرسش و گفتگو.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

عبدالحمید هاشمی، الرسول العربی المربی (چاپ اول: ریاض، دارالهدی، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م)؛ محمد رأفت سعید، الرسول المعلم و منهجه فی التعلیم (چاپ اول: ریاض، دارالهدی، ۱۴۰۲ق)؛ عبدالقادر احمد عطا، الرسول والشباب (چاپ اول: [بی‌جا]، دارالبیان، ۱۳۹۷ق)؛ یوسف [مدن]، محمد(ص) راعی الطفولة (بیروت، دارالکتاب اللبنانی، [بی‌تا])؛ محمد سراج، محمد(ص) الاب والمربی (قاهره، دارالاعتصام، [بی‌تا])؛ طلعت محمد عفیفی سالم، مختارات من القصص الصحیحة فی السنة النبویة: دراسة تحلیلیة و تربویة (چاپ اول: قاهره، الزهراء للاعلام العربی، ۱۹۸۸م)؛ سلیمان بن قاسم عید، المنهاج النبوی فی دعوة الشباب (چاپ اول: ریاض، دارالعاصمة، ۱۴۱۵ق).

۷۴

السنة النبوية رؤية تربوية[1]

سعید اسماعیل علی. چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م. ۵۱۵ ص، وزیری، شکل.

کتاب حاضر دومین عنوان از مجموعه‌ای است با فروست: اصول الفقه التربوی الاسلامی. جلد یکم این مجموعه از همین نویسنده است با عنوان: القرآن الکریم رؤیة تربویة (چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م).

نگارنده پس از مقدمه و پیشگفتار، محتوای کتاب را در پنج فصل قلمی کرده است.

در فصل یکم که سنت نبوی آبشخور تربیت عنوان گرفته است پس از اشاراتی به معنای سنت، حدیث، خبر، اثر، حدیث قدسی، به مطالب زیر پرداخته شده است: گردآوری احادیث نبوی و توجیه تأخیر در این کار و بیان ضرورت تدوین احادیث نبوی در عصر تابعین و سیر تدوین حدیث در میان اهل سنت و مقوله جعل حدیث، قواعد جرح و تعدیل احادیث نبوی، منابع احادیث نبوی (صحاح سته)، منابع حدیثی شیعه (کتب اربعه)، پیدایش علم حدیث، تقسیم سنت و حدیث به اعتبار تعداد راویان، تقسیم ارزشی احادیث، جایگاه سنت نسبت به قرآن کریم.

عنوان فصل دوم، شالوده تربیتی شخصیت محمدی است. نگارنده در این فصل در برخی از امور و رویدادهایی که به گمان وی در شکل‌گیری شخصیت رسول خدا(ص) دخیل بوده‌اند درنگ کرده است. این بحث با اشارتی به جغرافیای طبیعی عربستان و محیط اجتماعی مکه و بزرگی و شرافت نسب پیامبر(ص) و محیط رشد آن حضرت در کودکی و بعثت آن حضرت

۱. سنت نبوی: نگرشی تربیتی

آغاز گشته است. پس از این به شماری از مشکلات و گرفتاری‌های فراروی پیامبر(ص) و برخی از دسیسه‌های دشمنان علیه آن حضرت، تشکیل خانواده، علاقه به حسنین(ع) پرداخته شده است.

فصل سوم که مسائل و مبانی تربیتی نام گرفته است با بیان جایگاه علم در سیره نبوی و مسائلی چون مصادیق علم مطلوب آغاز گشته و تلاش شده است نشان داده شود که در سیره نبوی به دانش ارج نهاده شده است تا فرهنگ و تمدن پدید آید. از سیره نبوی برمی‌آید که مسلمان یا باید در حال یادگیری باشد یا در حال یاد دادن و اگر چنین مطلوبی رخ دهد ما سازندگان بشر خواهیم بود (ص۲۴۷ به بعد)، بزرگداشت عالمان و نقش آنان در پژوهش و آموزش، بحثی در امی بودن رسول خدا(ص)، پرورش شخصیت مؤمن هدف اصلی، شماری از مبانی تربیتی در سیره نبوی، عنایت ویژه پیامبر اکرم(ص) به قرآن‌آموزی مسلمانان، توجه به کار و تلاش اقتصادی، ارزش‌های اخلاقی در سیره نبوی، ارزش‌های زیباشناختی در سیره نبوی، تربیت بدنی و ورزش، آموزش زن دیگر بحث‌های این فصل است.

روش‌های آموزشی عنوان فصل چهارم است. از آنجا که کار رسول خدا(ص) به‌طور کلی و در مجموع آموزش مردم بوده است ناگزیر برای این مهم روش‌هایی داشته است که در این فصل به شماری از آن‌ها اشاره شده است (ص۳۴۳)؛ از آن‌هاست: قصه، سرمشق، ضرب‌المثل و تمثیل. نگارنده پس از شرح روش‌های یادشده، به وسایلی که حضرت رسول اکرم(ص) برای آموزش از آن‌ها بهره می‌برده، پرداخته است و در واکاوی این امر اشاره کرده است: محیطی که مسلمانان صدر اسلام در آن زندگی می‌کردند و آموزش می‌دیدند، چنان ساده و ابتدایی بوده است که نمی‌توان تصور کرد وسایل آموزشی تخصصی به کار می‌برده‌اند، وانگهی جناب پیامبر امی بودند و خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، از این‌رو در مقام آموزش بیشتر از ابزار و وسایل حسی که در جسم انسان وجود دارد مانند اشاره به‌ویژه با دو دست بهره می‌برده‌اند (ص۳۸۲). با این حال آن حضرت گاه برای تقریب مطالب به ذهن مخاطبان از اموری چون رسم بر روی خاک استفاده می‌کرده است. بحث و گفتگو و پرسش نیز از وسایلی است که رسول خدا(ص) آن‌ها را برای آموزش و تفهیم مطالب به کار می‌گرفته است. نگارنده در ادامه به شماری از آنچه که آن‌ها را قواعد و مبانی کلی تربیتی خوانده، پرداخته است یعنی: تشویق و تنبیه، آسان گرفتن بر متعلم و مدارا با او، رعایت تفاوت‌های فردی، مزاح، رعایت عدالت آموزشی، رعایت تدریج در آموزش.

یاد دادن و یاد گرفتن سنت عنوان فصل فرجامین کتاب است و در آن ابتدا از اهمیت سنت و برخی از ویژگی‌های زندگی پیامبر اکرم(ص) سخن رفته است؛ سپس به مبانی و شروط آموزش سنت پرداخته شده است؛ از آن‌هاست: ظاهر آراسته، رعایت حال فراگیرندگان، تا افضل هست فاضل به تعلیم نپردازد، سنت را باید به کسانی که شایستگی دارند آموزش داد، آموزش نباید ملال‌آور باشد.

فراگیری سنت هم آداب و شروطی دارد که باید فراگیرندگان آن‌ها را پاس بدارند. مثلاً: تلاش برای فراگیری، گزینش معلم مناسب، مطالعه و مباحثه پیوسته، عمل به آموخته‌ها، دقت تمام و پرهیز جدی از تساهل در برخورد با سنت، پاسداشت و بزرگداشت معلمان، تبلیغ آنچه آموخته و گسترش سنت در میان مردم، مطالعه و فراگیری امور و رخدادهایی که احادیث مسبوق به آن‌هاست، کوشش برای نیک فهمیدن سنت، آزرم و خودبزرگ‌بینی مانع فراگیری نشود.

روش‌های فراگیری سنت، یعنی استماع از شیخ، قرائت نزد شیخ، رحله (سفر)، اجازه، مناوله (شیخ بخشی از مرویاتش را در اختیار شاگرد نهد)، مکاتبه، وصیت دربارهٔ کتاب‌ها، و نیز اشارتی به نقش صحابه و تابعین در تعلیم و تعلم سنت و آموزش سنت در عصر حاضر فرازهای فرجامین کتاب است.

گفتنی است در بحث ابزار و وسایل آموزشی سنت، پس از شرح ابزار چهارم، بحث قطع شده و به اصول آموزش سنت پرداخته شده است و پس از شرح اصل اول (ص۴۸۱) ناگاه بحث عوض شده و به بحث ابزار بازگشت شده است و در صفحه بعد باز به اصول رجوع شده است.

همچنین در فصل پنجم هنگام بحث از آداب و شروط تعلم (یادگیری) به‌غلط آمده است:

۱۰. التعليم لا يقوم.

❋ منابعی برای مطالعه بیشتر:

حسن ابوغده، قبسات تربوية من السيرة النبوية (چاپ اول: کویت، مکتبة دارالتراث، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)؛ علی جماز، من اساليب التربية النبوية (لکنهو، المجمع الاسلامى العلمى لندوة العلماء، ۱۴۰۱ق)؛ احمد عمر مسلم، المنهج النبوی فی تعليم المسلمين (قاهره، المجلس الاعلى للشؤون الاسلامية، ۱۹۷۴م)؛ محمد نور بن عبدالحفيظ سويد، منهج التربية النبوية للطفل مع نماذج تطبيقية من حياة السلف الصالح (چاپ ششم: دمشق - بیروت، دار ابن‌کثیر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)؛ عبدالحمید جاسم بلالی، وقفات تربوية من السيرة النبوية (کویت، مکتبة المنار الاسلامية، ۱۴۰۸ق).

۷۵
الصحوة الاسلامية و آفاق التربية[۱]

محمد حسن بريغش. چاپ اول: بيروت، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م. ۱۳۴ص، رقعی.

بیداری اسلامی در جهان اسلام ابعادی چند دارد. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین این ابعاد، تعلیم و تربیت است که جنبه سازندگی و پرورش دارد، از این‌رو در کتاب حاضر به رابطه تربیت اسلامی با بیداری اسلامی پرداخته شده است.

مطالب کتاب در مقدمه و چهار بحث و عنوان اصلی سامان گرفته است.

در شرح و شکافت عنوان یکم یعنی بیداری اسلامی و حقیقت و ابعاد آن، نخست از بیداری اسلامی سخن رفته و در توضیح آن به توجه و حساسیت غرب نسبت به این بیداری، مفهوم بیداری، عوامل اصلی بیداری اسلامی، وظایف ما در برابر این بیداری پرداخته شده است.

بحث دوم تربیت اسلامی و پیوند آن با بیداری است. ادیان آسمانی از دین آدم تا خاتم رسالتی تربیتی بر دوش داشته‌اند با این حال در پژوهش‌های تربیتی از تربیت در ادیان آسمانی به‌ویژه تربیت اسلامی سخن نرفته است (ص ۳۰ـ۳۱). با آغاز بیداری اسلامی در قرن بیستم به تربیت اسلامی روی آورده شد، اما هنوز کار برزمین‌مانده در این حوزه فراوان است که در متن به علل این کاستی اشارتی کوتاه رفته است.

در بحث سوم، ابتدا به شماری از ویژگی‌های تربیت اسلامی اشاره شده است؛ سپس برای بیان وضع تعلیم و تربیت در جهان اسلام، گریزی زده شده است به فلسفه و دوری آن از

---

۱. بیداری اسلامی و چشم‌اندازهای تربیت

مسلمات وحیانی و عقل‌گرایی افراطی فلسفه از یک‌سو و تکیه تعلیم و تربیت غربی بر چنین فلسفه‌ای از سوی دیگر. آنگاه پیشنهاد شده است از به کار بردن اصطلاح فلسفه در علوم اسلامی پرهیز شود (ص۶۲). پس از این اشارتی شده است به زیان‌های گرته‌برداری از تربیت غربی در جهان اسلام و پیامدهای نامبارک و بحران‌آفرین آن برای مسلمانان.

پس از اشارتی به وضع پریشان و نابسامان تعلیم و تربیت کنونی در جهان اسلام و برخی از علل آن، در بحث فرجامین کتاب به آینده تربیت در جهان اسلام پرداخته شده و از جمله آمده است: با آن‌که جهان اسلام نزدیک به یکصد سال است به نظام تربیتی ضد دین غرب تن داده است چرا هنوز عقب مانده است و دست‌کم در بعد مادی پیشرفتی نکرده است؟ حقیقت آن است که بقا و تعالی ما در پیروی از شرق و غرب نیست، برای رهایی باید به خود آییم و به اصالت‌های و ارزش‌ها و قرآن و سنت نبوی بازگردیم.

نگارنده در ادامه ضمن بیان اجمالی هدف‌های تربیتی در اسلام، به برخی از ویژگی‌های هدف‌های یادشده اشاره کرده است و پس از آن به شماری از اصول و مبانی‌ای که شایسته است بن‌مایه سیاست آموزشی در جهان اسلام به شمار روند پرداخته است.

۷۶
طرق تعليم التربية الاسلامية[1]

محمد عبدالقادر احمد. چاپ اول: قـاهره ـ بیـروت، دارالـشباب للطباعـة ـ المكتبـة الامويـة، ۱۹۸۳م. ۲۷۱ص، وزیری، نمونه‌طرح درس.

کتاب یادشده برای دانشجویان تربیت معلم تهیه شـده اسـت و هـدف از نگـارش آن آمـوزش چگونگی تدریس معارف اسلامی به دانش‌آموزان است.

گذشته از مقدمه مؤلف، کتاب دارای یازده فصل است. در فصل یکم به تعریف دین، رابطه بین آموزش دین و آموزش زبان عربی، وظیفه دین در زندگی فرد و جامعه، هدف‌های تـدریس معارف اسلامی و روش‌های تدریس و آنچه که شایسته اسـت مؤلفـان کتـب تربیـت اسـلامی (معارف اسلامی برای آموزش در مدارس) رعایت کنند، اشاره شده است.

در فصل دوم، نخست به وضع جوانان و دور افتادن آنـان از تعـالیم اسـلام اشـاره‌ای شـده است؛ سپس به نقش عوامل گوناگون مؤثر در آمـوزش و گـسترش معـارف اسـلامی و تحکـیم ارزش‌های اخلاقی پرداخته شده است؛ از آن‌هاسـت: خـانواده، مدرسـه، رسـانه‌هـای گروهـی، مسجد. پس از این از فلسفه عنایت به آموزش معارف دینی در مـدارس یـاد شـده اسـت و در پایان فصل ضمن اشاره به لزوم توجـه معلمـان بـه روش‌هـای جدیـد آموزشـی از روش‌هـای آموزش و پرورش دینی در مدارس سخن رفته است.

در فصل سوم، پس از برشماردن موضوعات تربیت دینی در مدارس (قرآن کـریم، حـدیث شریف، عقاید، عبادات و احکام، تاریخ، اخـلاق، فرهنـگ اسـلامی) بـه شـرح آمـوزش قـرآن پرداخته شده است و از این رهگذر از اهمیت قرآن کریم، هدف‌های تدریس قرآن کریم، روش

---

۱. روش‌های آموزش تربیت اسلامی

آموزش آیاتی که برای تلاوت برگزیده شده است، روش تدریس آیاتی که برای تفسیر و حفظ گزینش شده است یاد شده و نمونه‌ای از طرح درس حفظ سوره زلزال، و طرح درس تلاوت سوره بروج آورده شده است.

فصل چهارم دربارهٔ آموزش حدیث نبوی(ص) است و در آن پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی حدیث و تاریخ تدوین حدیث و انواع حدیث و روش بازشناخت احادیث صحیح، به هدف‌های آموزش حدیث و روش تدریس حدیث اشاره شده است و در پایان نمونه طرح درس برای تدریس حدیث آورده شده است.

موضوع فصل پنجم، آموزش عقاید است. پدیدآورنده در شرح مطلب به معنای عقاید و هدف‌های تدریس عقاید پرداخته است و از مصادر عقیده گفته است و به نمونه‌هایی از موضوعات عقیدتی قابل تدریس در مدارس اشاره کرده است؛ سپس به تأثیر عقیده توحید بر فرد و جامعه نظر کرده است و پس از بیان مراحل تدریس عقاید، بحث را با نمونه‌ای از طرح درس عقاید به پایان رسانده است.

در فصل ششم به عبادات پرداخته شده است. نگارنده برای بازشکافت موضوع به موارد ذیل اشاره کرده است: معنای عبادت، انواع عبادت، عبادت قلبی، توکل بر خدا و اعتماد به او، ترس از خدا، یاری جستن از خدا، عشق به خداوند، تأثیر عبادت قلبی بر رفتار و کردار انسان، عبادت حق خداست، اخلاص در عبادت، تأثیر عبادت بر شکل‌گیری تمدن انسانی، موضوع عبادت، مواردی که معلم هنگام تدریس عبادت باید در نظر گیرد، مراحل تدریس عبادات، نمونه‌ای از طرح درس عبادات به‌طور شفاهی.

فصل هفتم دربارهٔ سیره نبوی است و در آن پس از بیان مفهوم سیره و تقسیم آن، و اشاره به دو اثر مهم درباره سیره نبوی یعنی سیره ابن‌هشام و سیره ابن‌اسحاق، از لزوم تهذیب و ویرایش و پیرایش سیره ابن هشام سخن رفته است؛ سپس به فهم و برداشت ناصواب از سیره نبوی اشاره شده است و پس از آن به هدف‌های تدریس سیره و روش‌های آموزش سیره پرداخته شده است. در پایان فصل ضمن آوردن نمونه‌ای از طرح درس سیره نبوی، به پنج نمونه از نمایشنامه‌های دانش‌آموزی که موضوع آن‌ها از سیره نبوی گزینش شده و اجرای آن‌ها جنبه آموزشی دارد اشاره شده است.

موضوع فصل هشتم، تهذیب اخلاق است و در آن ضمن بیان مفهوم تهذیب اخلاق و آداب و اهمیت این مقوله در قرآن و سنت، از روش تدریس اخلاق سخن رفته و به نمونه‌ای از طرح درس اخلاق اشاره شده است.

در فصل نهم به آموزش فرهنگ اسلامی پرداخته شده است. تعریف فرهنگ اسلامی سرآغاز بحث این فصل است. پس از آن هدف‌های تدریس فرهنگ اسلامی آمده است؛ سپس اشاره شده است که روش تدریس فرهنگ اسلامی مانند روش تدریس اخلاق اسلامی است، آنگاه به بحث همکاری اجتماعی در اسلام به عنوان یکی از مباحث فرهنگ اسلامی پرداخته شده است.

در فصل دهم برنامه پیشنهادی نگارنده برای تدریس تربیت دینی در مراحل گوناگون آموزش دوره متوسطه و مراکز تربیت معلم تشریح شده است.

فصل یازدهم کتاب به بازشکافی فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش مصر در حوزه تدریس تربیت دینی در مدارس اختصاص یافته است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:
ابراهیم محمد عطا، طرق تدریس التربیة الاسلامیة (چاپ اول: قاهره، مکتبة النهضة المصریة، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م)؛ عابد توفیق هاشمی، طرق تدریس التربیة الاسلامیة (چاپ نهم: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م)؛ محمد عبدالقادر احمد، طرق تعلیم التربیة الاسلامیة (چاپ چهارم: قاهره، مکتبة النهضة المصریة، ۱۹۹۰م).

۷۷

العقل والعلم فی القرآن[1]

یوسف قرضاوی. چاپ اول: بیروت، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م. ۳۰۰ص، وزیری.

نگارنده کتاب حاضر به امید خدمت به قرآن کریم قلم برگرفته و کوشیده است با استفاده از آیات قرآن کریم، میزان عقلانیت و علمی بودن قرآن کریم و به تعبیر درست‌تر میزان توجه قرآن کریم به عقل و علم را پیش‌رو نهد. وی مطالب را در مقدمه و شش فصل قلمی ساخته است.

در فصل یکم به جایگاه عقل و فکر در قرآن پرداخته و از رهگذر آن نخست به کاربردهای مشتقات عقل در قرآن اشاره و از آیات آفاقی [≠ انفسی] به عنوان زمینه‌ای برای به‌کارگیری عقل یاد شده است. آنگاه به ستایش قرآن از خردمندان در مواضع گوناگون سوره‌های مکی و مدنی با عباراتی چون ذی‌حجر، اولی‌النهی، اولوالالباب، اولی‌الالباب اشارت رفته و آمده است که در قرآن از عقل به فؤاد هم تعبیر شده است.

پدیدآورنده در ادامه افزوده است که فکر در اصل فرک بوده است با این تفاوت که فرک در محسوسات به کار می‌رفته و فکر در معقولات، به هر حال قرآن سراسر هستی را زمینه تفکر می‌داند مگر تفکر در ذات خداوند و به روش‌هایی چند به تفکر فراخوانده است، از آن‌هاست: تفکر در ابعاد مادی و معنوی، تفکر در آیات وحیانی و آیات آفاقی و انفسی، دوتا دوتا یا یکی‌یکی در پی حقیقت برآمدن و اندیشیدن.

قرآن گذشته از تفکر به تذکر هم فراخوانده است، تفکر فرآیند کسب معرفت تازه، و تذکر فرآیند به یاد آوردن معرفت فراموش‌شده است (ص۵۲). آیات آفاقی و انفسی زمینه تذکر است.

---

۱. خرد و دانش در قرآن

در قرآن ذکر از صفات اولی‌الالباب بلکه خواص آنان است. در قرآن به روش‌های گوناگون به تذکر فراخوانده شده‌ایم.

در پایان فصل به اعتراف شماری از متفکران غربی به جنبه بسیار نیرومند عقلانیت در قرآن اشاره شده است.

عنوان فصل دوم، فضیلت دانش و جایگاه دانشمندان در قرآن کریم است و در شرح و شکافت موضوع از جمله به نکات ذیل پرداخته شده است: معنای علم و انواع آن، فضیلت علم، دلالت‌های نخستین آیات وحی به فضیلت علم و جایگاه قلم و سوگند به آن، نابرابری عالم و جاهل، عالمان اهل خشیت از خدایند، خدا و فرشتگان و صاحبان دانش به توحید شهادت می‌دهند، برتری آدم از فرشتگان به اعتبار دانش، خداوند به همه پیامبران علم داده است، اشاره قرآن به فضایل اهل علم، علم ناقض ایمان نیست، علم حقیقی به ایمان رهنمود می‌دهد، میان علم و دین و علم و ایمان چالشی نیست، تأثیر علم بر رهیافتگی و فضیلت، اختلاف علما در این خصوص (ص۹۹)، علم راه حصول یقین، مراتب یقین (علم‌الیقین، عین‌الیقین)، علم شرط لازم منصب رهبری، نکوهش هر امر ناشی از بی‌دانشی (جدال بی‌دانش، ژرف‌کاوی بی‌دانش در اغراض، بی‌دانش دعوی جباری کردن، بی‌دانش ادعای حلال و حرام کردن، شرک گمراهی بی‌دانشی است، بی‌دانش مردمان را از راه خدا دور داشتن)، نکوهش جهل و جاهلان، روی برتافتن از جاهلان، مظاهر جهل در قرآن، جهل مرکب، دانش نکوهیده در قرآن (دانشی که سود و زیان ندارد، سحر، دانشی که پوشیده داشته شود، دانشی که به آن عمل نشود، دانش مادی که با علم نبوت نسازد، علم به ظاهر زندگی دنیا همراه با غفلت از آخرت، دانشی که صاحبش را به ثروت و قدرت بفریبد).

در فصل سوم، علم و فقه و حکمت در گفتمان قرآن بازشکافته شده است. سرآغاز این فصل تتبعی در کاربرد واژه علم و مشتقات آن در قرآن به منظور نشان دادن میزان فراگیری علم و گوناگونی آن در کتاب خداست به گونه‌ای که علم دین و علم دنیا و هر معرفتی را شامل می‌شود.

پس از این به نگرش عالمان امت در گذشته به علم و تقسیم آن به علم دین و دنیا و علم بدیهی و اکتسابی، و نیز تقسیم معلومات به شاهد و غایب، همچنین تقسیم علم به اعلا و اسفل و اوسط و علم واجب عینی و واجب کفایی اشارت رفته است. دیگر مطالب این فصل دربارهٔ علم به شرح ذیل است: نخست کدام دانش‌آموختنی است، علمی که نباید در پی آن بود و حاصل‌ناشدنی است.

قرآن، همچنان که به علم فراخوانده است به فقه نیز دعوت کرده است. فقه در زبان قرآن غیر از فقه اصطلاحی است و در آیات مکی و قبل از تشریع احکام به آن اشاره شده است. این فقه در اختیار کافران و منافقان قرار نمی‌گیرد.

از جمله واژگان قرآنی که با علم و عقل ارتباط دارد، حکمت است که بیست‌بار در قرآن به کار رفته است. حکمت به نظری و عملی تقسیم شده است و کار پیامبر آموزش کتاب و حکمت به امت بوده است. مراد از کتاب و حکمت در قرآن و دعوت قرآن به حکمت، بحث‌های فرجامین این فصل است.

یادگیری و یاد دادن در قرآن، عنوان فصل چهارم است. قرآن دستور داده است یادگیری از راه خواندن و تلقی و گفتگو صورت پذیرد. یکی از لطایف قرآنی آن است که سگ دست‌آموز را بر غیر آن فضیلت داده است. از جمله آداب آموزش در قرآن آن است که متعلم در آموختن نباید به اندازه‌ای خاص بسنده کند. باید برای فراگیری دانش از اهل ذکر و خبرگان به وجه احسن پرسش نمود. در ادبیات آموزشی قرآن برای کسب دانش باید به آبشخورهای زلال آن رجوع و برای دست یافتن به دانش به سختی و سفر دور و دراز تن داد و دانش را از هر کس که به دین یا دنیا علم دارد باید آموخت و در آموختن در رفتار با معلم شرط ادب نگه داشت و از گوش و چشم و دل برای یادگیری بهره گرفت و پس از یادگیری به دیگران آموزش داد و زکات علم را پرداخت و در نظر داشت که خداوند بهترین معلم است و پیامبران او همگی معلم بوده‌اند و رسول خدا(ص) پیشوای معلمان است و عالمان جانشینان پیامبر در آموزش به مردم‌اند.

فصل پنجم، شکل‌گیری روحیه علمی در قرآن عنوان گرفته است. این مهم از بزرگ‌ترین موضوعات مورد عنایت قرآن کریم است و برای تحقق آن، آموزش تعالیمش را به روش‌های ذیل مطرح ساخته است: رد گمان در جایی که یقین مطلوب است، در زمینه علم از امیال و عواطف نباید پیروی نمود، از تقلید چشم‌بسته از پدران و گذشتگان باید دوری جست، به پیروی از بزرگان و سران هم نباید تن داد، باید با بررسی و تفکر پذیرفت و از پذیرش دعوی بی‌برهان تن زد، شرک جهل است زیرا دعوی بی‌برهان است، برخی از برهان‌های مورد اشاره در قرآن، رعایت قوانین الهی در هستی و جامعه.

در فصل فرجامین به اعجاز علمی در قرآن پرداخته شده و آمده است که مشرکان با پافشاری از رسول اکرم(ص) می‌خواستند نشان‌های اعجازی دال بر صداقت گفتار خود بیاورد،

و قرآن خواسته آنان را رد می‌کرد و می‌گفت اگر اندیشه کنند و خرد ورزند همین کتاب نشانه و اعجاز بزرگ است، پس از این یادآوری شده است که از دیرباز به وجوه گوناگونی از اعجاز قرآن پرداخته شده است و در عصر حاضر، اعجاز علمی قرآن مطرح و دربارهٔ آن بسیار نوشته شده است.

پدیدآورنده در ادامه سخن به شماری از اعجازات علمی در قرآن اشاره کرده و به انتقاد از کسانی پرداخته است که متأثر از شرایط زمان و مکان مطالبی نادرست را بر قرآن تحمیل می‌کنند و به نمونه‌هایی از این برداشت‌های ناروا و تحمیل‌ها اشاره کرده و افزوده است که برخی از دانشمندان بر اساس اصول و ضوابط علمی و با احتیاط تمام به بیان اعجاز علمی قرآن پرداخته‌اند، مانند: دکتر زغلول نجار و دکتر عبدالحافظ حلمی.

گفتنی است این کتاب خواندنی، خالی از خطاهای مطبعی نیفتاده است مثلاً در جایی آمده است: هذه الحمله (ص۵۹)، درست آن هذه الجمله است. نیز آمده است: قأیطل (ص۲۶۱)، درست آن فأبطل است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:
سعد کمونی، العقل العربی فی القرآن (بیروت، المرکز الثقافی العربی، ۲۰۰۵م)؛ حبیب‌الله دانش‌شهرکی، عقل از نظر قرآن و حکمت متعالیه (قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷)؛ حامد هوال، التعلم والتعلیم فی القرآن (کویت، مکتبة الفلاح، ۱۹۸۱م)؛ عبدالغفور محمد طه قیسی، العلم والعلماء فی القرآن الکریم (بغداد، مرکز البحوث والدراسات الاسلامیة، ۲۰۰۸م).

۷۸

العلم بین یدی العالم والمتعلم[1]

جاسم بن محمد بن مهلهل یاسین. چاپ پنجم: کویت، مؤسسة الکلمة للنشر والتوزیع، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م. ۱۱۵ص، وزیری.

در این اثر تلاش شده است با استفاده از میراث مکتوب اخلاقی و تربیتی در اسلام و گاه برخی از آثار نونوشت، شماری از اخلاق و آداب تعلیم و تعلم پیش‌رو نهاده شود. بحث‌های این اثر را کمابیش با همین بیان در کتاب‌هایی چون: **جامع بیان العلم و فضله** اثر ابن‌عبدالبر، **تعلیم المتعلم طریق التعلم** اثر زرنوجی، جلد نخست **احیاء علوم الدین** اثر غزالی، **اخلاق العلماء** اثر آجری، **تذکرة السامع والمتکلم فی ادب العالم المتعلم** اثر ابن‌جماعه، **تقیید العلم** اثر خطیب بغدادی، **منیة المرید فی ادب المفید والمستفید** اثر شهید ثانی هم می‌توان یافت.

پدیدآورنده، سخن را با اشاره به جایگاه علم در اسلام و یادکرد استفاده از علم و راه‌های آن آغاز کرده، آنگاه به عوامل و روش‌های کسب دانش پرداخته و از موارد ذیل گفته است: خواندن، سیر و سیاحت در زمین، کنار نهادن آزرم در راه حصول علم، پرسش، استفاده از زمان و مکان مناسب، شناخت قوانین یادگیری (شدت، تنظیم، تقارب، تکرار)، استفاده از وقت به‌ویژه در ایام جوانی، بحث و مناظره، اعتماد به نفس.

مطلب بعدی، اشارتی است به شروط و غایات علم. پس از آن از آداب و اخلاق عالم (معلم) و متعلم سخن رفته است. نگارنده برای بازشکافت این آداب، نخست از آداب رفتار عالم نسبت به خود، آداب رفتار عالم با دیگران، آداب و اخلاق او در تدریس، آداب و اخلاق

۱. دانش در کف دانشمند و دانشجو

علم‌آموزی عالم سخن گفته است؛ سپس به آداب و اخلاق شاگرد روی آورده است و از آداب و اخلاق شاگرد در مقام تحصیل علم، آداب و اخلاق او نسبت به معلم، آداب و اخلاق شاگرد نسبت به شیخ پرداخته است.

نویسنده در ادامه بحث، به گونه‌هایی از بزرگداشت اصل علم و عالمان اشاره کرده است و پس از آن در فرازی با عنوان عالمان سرزمین من، به شرح‌حال کوتاه و زندگی و فعالیت‌های علمی و آثار هفده تن از عالمان بنام کویت پرداخته است.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:
سید کاظم ارفع، منش طلبگی (چاپ دوم: تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۵)؛ ابوالفضل فخرالاسلام (وفا)، جایگاه و رسالت معلم از دیدگاه امام خمینی (چاپ اول: قم، دارالاعتصام، ۱۴۱۷ق)؛ علی محی‌الدین قره‌داغی، آداب المتعلم والمعلم (قاهره، دارالاعتصام، [بی‌تا]).

۷۹
الفکر التربوی الاسلامی[1]

محمد حسن عمایره. چاپ اول: عمان، دارالمسیرة للنشر والتوزیـع والطباعـة، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م. ۳۸۳ص، وزیری.

کتاب حاضر از مقدمه و دو بخش چندفصلی برآمده است. در مقدمه به لـزوم تکیـه بـر دانـش خودی و در نظر داشتن میراث مکتوب اشاره شده اسـت. بخـش یکـم کتـاب دربـارهٔ اندیـشه فلسفی در تربیت اسلامی، و بخش دوم در باب شـماری از بزرگـان اندیـشه تربیتـی در اسـلام پرداخته شده است.

عنوان بخش اول، اندیشه فلسفه در تربیت اسلامی است و در فصول هفـت‌گانـه آن چنـین آمده است:

فصل یکم اسلام و علم. در شرح و شکافت این موضوع، نخست از رابطه اسلام با تربیت و پس از آن از جایگاه علم و عالمان در کتاب و سنت نبوی یاد شـده اسـت؛ سـپس بـه فلـسفه تربیت اسلامی نظر شده و ضمن تعریف آن از نگرش اسلام به انسان و شـناخت سـخن رفتـه است. آنگاه هدف‌های تربیت اسلامی بررسی شده است (کمـال انـسان، تحقـق هـدف دینـی، تحقق هدف اجتماعی، هدف‌های عقلی، هدف علم برای علم، هدف سیاسی، هدف دنیوی).

در فصل دوم به منابع اندیشه تربیتی در اسلام نظر شده و از قرآن کریم، سنت نبـوی، فقـه، اجماع، قیاس، زبان عربی، تاریخ اسلام، میراث مکتوب اسـلام، ترجمـه از زبـان‌هـای بیگانـه، تعامل با فرهنگ سرزمین‌های فتح‌شده، مذاهب و فرق دینی بـه عنـوان آبـشخورهای تفکـر در تربیت اسلامی یاد شده است.

---

۱. اندیشه تربیتی اسلامی

ویژگی‌های اندیشه تربیتی در اسلام در فصل سوم مطرح گشته است: توازن، فراگیری، دارا بودن جنبه کاربردی، ربانی بودن، جهانی بودن، دارای ارزش‌ها و نمونه‌های متعالی بودن، مثبت و ایجابی بودن.

در فصل چهارم به مکتب‌های فکری در تربیت اسلامی پرداخته شده است. این مکاتب عبارت‌اند از: مکتب فقیهان و محدثان، مکتب صوفیان، مکتب فیلسوفان، مکتب شیعه. نگارنده هر یک از رویکردهای یادشده را شرح داده و البته به رویکرد شیعی بیشتر پرداخته است.

فصل پنجم دربارهٔ اندیشه و مبانی فلسفی مکتب‌های تربیتی در اسلام است و در طی آن به نفس انسان، شناخت در انسان، هدف‌های آموزشی از نگاه مکاتب تربیتی در اسلام پرداخته شده است.

در فصل ششم از مراحل تحول اندیشه تربیتی در اسلام گفتگو شده است. اندیشه تربیتی در اسلام چهار مرحله را پشت سر نهاده است: مرحله بنا و شکل‌گیری، مرحله شکوفایی و عصر طلایی، مرحله فروپاشی و انحطاط، مرحله نوشدن و بازسازی. برای واشکافت هر یک از مراحل فوق از جمله به ویژگی‌های هر مرحله پرداخته شده است.

روش‌ها و مکان‌های آموزشی در اسلام در فصل هفتم کاویده شده است. حلقه‌های درس، قرائت، مناظره و املا روش‌هایی است که به آن‌ها پرداخته شده است و سپس از مسجد، مکتب، کاخ‌ها، دکان‌های کاغذفروشی، منازل عالمان، مدرسه، دارالحکمه، رباط، بیمارستان، مجالس ادبی به عنوان مکان‌های آموزشی سخن رفته است.

در فصول شش‌گانه بخش دوم کتاب، به معرفی اندیشه‌های تربیتی شماری از بزرگان تعلیم و تربیت در اسلام از قرن سوم تا نهم پرداخته شده است.

فصل یکم، دربارهٔ آرای تربیتی ابن‌سحنون (۲۰۲ـ۲۵۶ق) است که بر اساس کتاب آداب المعلمین او پرداخته شده است.

در فصل دوم از اندیشه‌های تربیتی گروه اخوان‌الصفا که در قرن چهارم می‌زیسته‌اند سخن رفته است. این بررسی مبتنی بر کتاب رسائل اخوان‌الصفاست و در آن پس از اشاره به بحث شناخت در رسائل، از اصول تربیتی اخوان‌الصفا یعنی رعایت تفاوت‌های فردی، دوری از تقلید ناآگاهانه، لزوم جمع علم با عمل، رعایت گرایش‌های شاگرد یاد شده است. آنگاه روش‌های آموزشی مورد نظر اخوان‌الصفا مطرح گشته است سپس به شروط و ویژگی‌های معلم از دید اخوان‌الصفا نظر شده و با اشارتی به ویژگی‌های شاگرد و بیان ماهیت رابطه شاگرد و معلم، فصل بسته شده است.

در فصل سوم به آرای تربیتی ابوالحسن قابسی، ابوالحسن ماوردی، ابن‌حزم اندلسی، ابن‌عبدالبر قرطبی پرداخته شده است. در بررسی دیدگاه‌های قابسی [د.۴۰۳ق] از موارد ذیل یاد شده است: وضع آموزش، روش‌های آموزشی، برنامه درسی، آرای تربیتی (سه موضوع نخست بر اساس کتاب‌های دیگران دربارهٔ قابسی نوشته شده است و بحث چهارم بر اساس کتاب الرسالة المفصلة لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین والمتعلمین قابسی پرداخته شده است)، لزوم آموزش غیرمختلط، الزامی بودن آموزش، آموزش دختران، تنبیه، پاداش، تربیت اخلاقی، آداب و اخلاق معلمی، روزهای درسی.

در شرح و شناخت آرای تربیتی ماوردی به نکات ذیل توجه شده است: اهمیت علم، تعریف علم، تفسیر علوم، عوامل مؤثر در تعلیم و تعلم، ویژگی‌های معلم شایسته، اصول تربیتی، رابطه معلم با شاگرد.

در معرفی نگرش‌های تربیتی ابن‌حزم از مطالب زیر یاد شده است: انسان از نگاه او، روش‌های حصول شناخت، مراتب علوم، مواد آموزشی و سیر آن‌ها، ضرورت گسترش علم، لزوم توسعه آموزش، آداب و اخلاق معلم و متعلم.

برای پیش‌رو نهادن افکار و آرای تربیتی ابن‌عبدالبر به نکات زیر نظر شده است: اهمیت علم و فضیلت آن، اهمیت آموزش از خردسالی، لزوم استمرار آموزش، ابزار کسب دانش و حفظ آن، توجه به تدریجی بودن آموزش، ارزش و شرافت علم، احترام نهادن شاگرد به معلم و قدردانی از او، اقسام علوم، آداب و اخلاق عالم و متعلم.

در فصل چهارم و در معرفی بزرگان تربیتی قرن ششم، از ابوحامد محمد غزالی، سمعانی، زرنوجی سخن رفته است.

برای واکاوی دیدگاه‌های تربیتی غزالی به امور زیر پرداخته شده است: شناخت از نگاه غزالی، نفس در نظر غزالی، مفهوم تربیت، توجه به تربیت، برنامه درسی، معلم از نظر غزالی، تربیت کودک از دید غزالی، بازی و ورزش، آداب و اخلاق شاگرد.

برای آشنایی با آرای تربیتی سمعانی به نکات ذیل اشارت رفته است: شروط و آداب سیزده‌گانه معلم و معلمی، شروط و آداب هفت‌گانه شاگردی.

آنچه دربارهٔ اندیشه‌های تربیتی زرنوجی آمده از این قرار است: سن آغاز تحصیل، مناسب‌ترین زمان برای یادگیری، آموختن علم برای علم، تشویق، حفظ و از یاد بردن، شروط از بر کردن و یاد گرفتن، برنامه و مواد درسی، ویژگی‌های معلم، ویژگی‌های شاگرد.

بزرگان تربیتی قرن هشتم، در فصل پنجم معرفی شده‌اند. در این فصل از دو نفر یاد شده است: ابن‌تیمیه (۶۶۱ـ۷۲۸ق)، ابن‌جماعه (د.۷۳۳ق).

در شرح نظرات ابن‌تیمیه به موارد زیر پرداخته شده است: هدف‌های آموزشی، شناخت، برنامه درسی، موضع او نسبت به تقلید و تعصب و تجربه‌های دیگران، آداب و وظایف عالم و متعلم.

آرای تربیتی ابن‌جماعه با مطالعه امور ذیل روشن می‌شود: آداب و وظایف شاگرد نسبت به خود (ده مورد)، آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم (سیزده مورد)، آداب و وظایف معلم نسبت به خود (دوازده مورد)، آداب و وظایف معلم نسبت به درس (دوازده مورد)، آداب و وظایف معلم نسبت به شاگردان (سیزده مورد).

در فصل فرجامین کتاب که برای بررسی آرای تربیتی بزرگان تربیتی قرن نهم نوشته شده است به نگرش‌های تربیتی ابن‌خلدون در مقدمه‌اش اشاره شده است: پرهیز از خشونت با شاگرد، رعایت اصل تدریج در آموزش شاگردان، کوتاه‌نویسی برای فراگیری زیان دارد، در وقت واحد به بیش از یک دانش نباید پرداخت، تألیف زیاد مانع یادگیری است، روش آموزشی.

* منابعی دیگر برای مطالعه فزون‌تر:

فیض کاشانی، ارزش دانش و دانشمند در اسلام، ترجمه اسدالله ناصح (تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱)؛ محمدباقر نجف‌زاده بارفروش، علم از دیدگاه امام علی(ع) (چاپ اول: تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵)؛ سعید اسماعیل علی و محمد جواد رضا، مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ دوم: قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۸۷)؛ سعید اسماعیل علی، اصول التربیة الاسلامیة (چاپ اول: قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م)؛ همو، مصادر التربیة الاسلامیة (قاهره، عالم الکتاب، ۱۹۷۳م)؛ جمعی از نویسندگان، من اعلام التربیة العربیة الاسلامیة.۴ جلد (چاپ اول: ریاض، مکتب التربیة العربیة لدول الخلیج، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م)؛ جمعی از نویسندگان، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ۵ جلد (قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۷۷ـ۱۳۸۸).

۸۰

الفکر التربوی الاسلامی و تحدیات المستقبل[1]

سعید اسماعیل علی. چاپ اول: قاهره، دارالسلام للطباعة والنشر والتوزیع والترجمة، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م. ۲۹۳ص، وزیری، برگه نظرسنجی.

کتاب حاضر پیش از این و با عنوان بحوث فی التربیة الاسلامیة (چاپ اول: قاهره، مرکز التنمیة والمعلومات، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۸م) منتشر شده است. چاپ کنونی نسبت به چاپ پیشین اضافات و الحاقاتی دارد (ص۳).

تعلیم و تربیت اسلامی وجه مشترک و جامع مباحث نوزده‌گانه این کتاب است که پس از مقدمه چاپ یکم و مقدمه چاپ دوم (اول ناشر اخیر) به ترتیب ذیل آورده شده‌اند:

مراد از تربیت اسلامی چیست؟ در این جستار کوتاه، تربیت اسلامی به امامزاده سر راه تشبیه شده که هر که از راه می‌رسد به آن دخیل می‌بندد. حاصل این امر نابسامانی در تربیت‌نگاری در حوزه تربیت اسلامی است که موجب پدید آمدن فضای نام و نان برای افراد بی‌تعهد شده است.

چالش‌های فراروی اندیشه تربیت اسلامی در آینده: نگارنده معتقد است در آینده اندیشه تربیت در اسلام با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد که وی به پنج مورد از آن‌ها اشاره کرده است.

ثابت و متغیر در تربیت اسلامی: دیدگاه هیچ عالم مسلمانی دربارهٔ تربیت اسلامی مقدس و مطلق نیست، چه این دیدگاه‌ها از متغیرات تربیت اسلامی‌اند؛ تنها قرآن و سنت نبوی مقدس و مطلق‌اند و از ثوابت تربیت اسلامی به شمار می‌روند.

---

۱. اندیشه تربیتی اسلامی و چالش‌های آینده

تربیت اسلام... و تربیت در میان مسلمانان: مراد از تربیت اسلام، مفاهیم و ارزش‌ها و روش‌ها و رویکردهای دربردارنده قرآن و سنت نبوی است. اما تربیت در میان مسلمانان به دو بخش تقسیم‌پذیر است: یکی تربیت مسلمانان، دیگری آرا و افکار تربیتی عالمان مسلمان. تربیت مسلمانان بیان واقعیت رخ‌داده و تربیت اسلام نماینده نمونه آرمانی الهی وحیانی است؛ اندیشه تربیتی نشان‌دهنده آرای دانشمندان مسلمان و تفسیر آن‌ها از نمونه آرمانی وحیانی است؛ به مجموعه این مقولات، تربیت اسلامی اطلاق می‌شود.

اسلامی ساختن تربیت، وظیفه‌ای دینی، نیازی اجتماعی، ضرورتی تربیتی: اگر رواباشد کسانی در اسلامی ساختن علوم طبیعی چون فیزیک و شیمی تردید روادارند، و بگویند حداکثر آن است که این علوم را می‌توان هدایت اسلامی نمود و سمت‌وسوی اسلامی داد، اما بی‌تردید نمی‌توان در ضرورت اسلامی کردن تربیت تردید رواداشت (ص ۴۰ـ۴۱).

نگارنده در ادامه پس از اشارتی بس کوتاه به بعد اسلامی در تربیت معلم، به ارزش و جایگاه تربیت در فرهنگ عربی ـ اسلامی پرداخته است؛ سپس به بحث تربیت اسلامی و چالش‌های قرن بیست و یکم رسیده و در بازشکافت موضوع از طبیعی بودن چالش و ابتلا در زندگی بشر و نزاع ایدئولوژیک فراروی تربیت اسلامی یاد کرده است؛ سپس خطرات و تهدیداتی که متوجه اصل وجود تربیت اسلامی است، تهدید علیه مفهوم تربیت اسلامی، تهدیدات داخلی، تهدید ناشی از ضعف بنیه علمی بررسی شده است.

دیگر بحث‌های کتاب عبارت‌اند از: ابعاد تربیتی امر به معروف و نهی از منکر؛ آموزش سوارکاری در اسلام؛ تربیت جوانمردان (جوانمردپروری)؛ آرای تربیتی قاضی عیاض (قرن پنجم)؛ مواضع تربیتی ابن‌حجر عسقلانی (قرن هشتم و نهم)؛ درمان روح از نگاه ابن‌حزم (قرن چهارم و پنجم)؛ نقد شوکانی (قرن دوازدهم) از تقلید؛ بازسازی تربیت دینی از نگاه طه حسین (معاصر)؛ تربیت شخصیت مسلمان از منظر محمد حسین هیکل (معاصر)؛ آینده دانش تربیت اسلامی و نوسازی آن.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

حامد سالم عایض حربی، التأصیل الاسلامی للعلوم التربویة و مناهجها من منظور التربیة الاسلامیة (چاپ اول: مکه مکرمه، جامعة ام‌القری، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ عبدالرحمن عبدالرحمن نقیب و منی سالوس، نحو تأصیل اسلامی للبحث التربوی (قاهره، دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۰ق)؛ مقداد

یالجن، اساسیات التأصیل والتوجیه الاسلامی للعلوم والمعارف والفنون (چاپ دوم: ریاض، دار عالم الکتب، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م)؛ محمود احمد شوقی و مالک محمد سعید محمود، تربیة المعلم للقرن الحادی والعشرون (چاپ اول: ریاض، مکتبة العبیکان، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م)؛ عبدالحلیم خلدون کنانی، تخریج المعلمین حسب التربیة الاسلامیة (مکه مکرمه، المرکز الثقافی للتعلیم الاسلامی، ۱۴۰۴ق).

۸۱
فلسفة التربیة فی الاسلام[1]

سید نذیر حسنی. چاپ اول: قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۴۲۵ق/۱۳۸۳. ۱۱۲ص، رقعی.

کتاب حاضر که دارای مقدمه، سه بخش و خاتمه است، در پی ایجاد فلسفه تربیتی روشنی با استفاده از منابع اسلامی، و مقایسه آن با دیگر فلسفه‌های تربیتی رایج و سپس شناخت و پرداخت اصول و ویژگی‌ها و روش‌ها و هدف‌ها و زمینه‌ها و نهادهای تربیتی این فلسفه تربیتی است (ص۱۱).

در بخش یکم که در واقع مقدمه بحث است به تعریف فلسفه، فلسفه تربیت، رابطه فلسفه جامعه و فلسفه تربیت، تعریف لغوی و اصطلاحی تربیت، فرق میان تعلیم با تربیت، آبشخورهای تربیت اسلامی پرداخته شده است.

عنوان بخش دوم فلسفه‌های جهانی و نظریه‌های تربیتی آن‌هاست و در آن پس از اشارتی بس کوتاه به فلسفه‌هایی که یاد خواهم کرد هر فلسفه در چند سطر با فلسفه اسلامی مقایسه شده است: فلسفه اگزیستانسیالیسم، فلسفه رئالیسم، فلسفه پراگماتیسم، فلسفه ایده‌آلیسم، فلسفه سوسیالیسم. در پایان این بخش، برنامه تربیتی اسلام با دیگر برنامه‌های تربیتی در چند سطر مقایسه شده است.

بخش سوم که بلندترین جستار کتاب و اصل آن است، فلسفه تربیت اسلامی خوانده شده است. در پیش‌درآمد این بخش به نگرش‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی فلسفه تربیت اسلامی اشاره‌ای بسیار مختصر شده است؛ سپس تربیت اسلامی دارای ویژگی‌های ذیل دانسته شده است: آغاز و انجام الهی، برنامه جهانی، فراگیری، ثبات، اعتدال.

---

۱. فلسفه تربیت در اسلام

روش استفاده از اسوه حسنه، موعظه و اندرز، داستان‌سرایی، تمثیل، رخدادها، ایجاد عادت، پاداش و عقاب، از جمله روش‌های تربیت اسلامی یادشده در این بخش است و پس از این به هدف‌های تربیتی در اسلام و سپس به اصول تربیتی در اسلام اشارت رفته است. تربیت جسمی، روحی، عقلی، اجتماعی ـ اخلاقی، هنری حوزه‌های تربیت اسلامی است که در ادامه به شرح کوتاه آن‌ها پرداخته شده است. اشارتی به نهادهای تربیتی در اسلام، یعنی خانواده، مدرسه، کتابخانه، فرجامین فراز بخش پایانی کتاب است.

در خاتمه کتاب ضمن بیان نتایج بحث، چند پیشنهاد هم عرضه شده است. گفتنی است بحث‌های این اثر مختصر، فاقد بداعت لازم است و اشارتی و گذرا بودن بحث مزید بر علت شده و خواننده اقناع نمی‌شود.

برخی خطاهای چاپی هم از وزانت کار کاسته است، از آن‌هاست: الفلسفة التربویة فی الاسلامیة (ص۱۰۴)؛ عم لمجتمع (ص۱۰۴)، به جای عن المجتمع که در صفحه ۴۷ آمده است...؛ علامه علی ربط السماء بالارض، که باید علامه علی ربط الارض بالسماء می‌آمد.

* مقایسه کنید با منابع ذیل:

ماجد عرسان کیلانی، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی (چاپ اول: قم ـ تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۸۹)؛ محمد فاضل جمالی، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه سید غلامرضا سعیدی (چاپ اول: تهران، بعثت، ۱۳۵۵)؛ عمر محمد تومی شیبانی، فلسفة التربية الاسلامية (چاپ پنجم: طرابلس، المنشأة العامة، ۱۰۸۵)؛ عبدالمجید صید زنتانی، فلسفة التربية الاسلامية في القرآن والسنة (چاپ اول: طرابلس، الدار العربية للكتاب، ۱۹۹۳م)؛ علی احمد مدکور، منهج التربية في التصور الاسلامي (چاپ اول: بیروت، دارالنهضة العربية، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م)؛ مؤسسه بلاغ، المعالم الاساسية للمنهج التربوي في الاسلام (چاپ اول: تهران، مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م).

۸۲
فن تربیة الطفل[1]

سید احمدباقر قزوینی. چاپ اول: بیروت - بغداد، دارالقاریء للطباعة والنشر والتوزیع - دارالکتاب العربی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م. ۲۶۹ص، وزیری.

در نوشتار یادشده که از انگشت‌شمار آثار تربیت اسلامی است که به قلم شیعه‌ای عرب‌زبان نگارش یافته تلاش شده است رهنمودها و اندرزهایی پیش‌رو نهاده شود و راه‌حل‌هایی برای مشکلات و معضلات تربیتی که دامنگیر خانواده‌های مسلمان است عرضه گردد (ص۱۲). نگارنده مطالب را در مقدمه و چهار فصل قلمی کرده است.

در فصل یکم که محبت و ایمان عنوان گرفته است، نخست به ایجاد محبت خداوند در دل کودک پرداخته شده و تربیت دینی مهم‌ترین راه پدید آوردن محبت خدا در دل کودک دانسته شده است و چگونگی آموزش محبت خداوند در مراحل گوناگون زندگی فرد شرح داده شده است؛ سپس ایجاد محبت رسول خدا(ص) و اهل‌بیت(ع) در دل کودک پیش کشیده شده و اشاره شده است که این محبت، اساس اسلام است و این بزرگواران سرمشق‌هایی‌اند که باید پیروی شوند و به آنان اقتدا شود. باید بدانیم چگونه معصومان(ع) را سرمشق فرزندانمان قرار دهیم. در ادامه آمده است که محبت به اسلام هم باید در دل فرزندان جا بگیرد. اهمیت محبت کودک به اسلام، چگونه اسلام را برای فرزندانمان دوست‌داشتنی کنیم دیگر بحث‌های این فراز است.

در ادامه، از آموزش محبت قرآن به فرزندان و لزوم آغاز این مهم از کودکی و نقش تشویق در این یادگیری از کودکی تا شانزده‌سالگی سخن رفته است، آنگاه از چگونگی حفظ

---

۱. هنر تربیت کودک

قرآن، موانع این کار، مراحل فرآیند حفظ قرآن سخن رفته است. چگونگی علاقه‌مند ساختن کودک به نماز بحث بعدی فصل و نقش مسجد و حسینیه در تربیت کودکان فراز فرجامین فصل است.

در فصل دوم به تشکیل شخصیت کودک پرداخته شده و از این رهگذر از مطالب ذیل سخن رفته است: پرورش رفتار نیکو در کودک از راه آموزش و ارشاد، دوستی مردم، گنجینه‌های وجود فرزندان را کشف و بارور سازید، کودکان نابغه را کشف کنید و میان کودک نوآور با کودک دروغ‌زن فرق نهید، قوانین کودک نیازمند فهم و رشد است، رشد مهارت‌های دیداری کودک، رشد مهارت‌های شنیداری کودک، رشد مهارت‌های بساوایی در کودک، راه‌های نفوذ در دل کودک، ارتباط با فرزندان درمان بیشتر دردهاست، هدیه و پاداش و اثر جادویی آن بر کودک، شروط پاداش، انواع پاداش، قواعدی برای رشد هوش کودک، حقایقی دربارهٔ هوش، نشانگان کودک تیزهوش، عناصر مهم پرورش هوش کودک، نقش کتاب در تربیت کودک، نقش والدین در گرایش کودک به کتاب، چه کسی برای کودکان می‌نویسد؟، ویژگی‌های ظاهری کتاب خوب، محتوا هم مهم است، بازی غذای روح و جسم کودک، شادی و آزادی، بازی‌های صوتی و حرکتی، داستان‌سرایی ابزاری تربیتی و آموزشی، داستان‌سرایی میل کودک به خواندن را پرورش می‌دهد، داستان‌سرایی مهارت‌ها و توانایی‌های کودک را پرورده می‌سازد، کدام داستان را برمی‌گزینیم؟

عنوان فصل سوم، مشکلاتی و راه‌حل‌هایی است و در آن به نکات زیر نظر شده است: خطاهای تربیتی والدین، از خانه راندن فرزند، دخالت دیگران در تربیت فرزند، سفرهای پی‌درپی، دوری پیوسته از فرزند، محدود ساختن آزادی فرزند و دور داشتن او از دوستی با صالحان، بی‌توجهی به دیدگاه فرزند، بازداشتن فرزند از سخن گفتن در حضور دیگران، تحقیر مادر و بی‌حرمتی به او در حضور فرزند، بی‌احترامی به دوستان فرزند، فرق نهادن میان فرزندان، حمایت از کیان خانواده در مقابل رسانه جمعی (نامناسب بودن اعمال سیاست منع و رد، تلویزیون را در مکانی خاص نهادن، به صورت جمعی به تماشا نشستن، در برابر خطاهای سیما واکنش کلامی نشان دادن)، تلویزیون دوست و دشمن کودک (تلویزیون را به جای مربی ننهیم، زمان مجاز برای استفاده از سیما، استفاده از جایگزین سیما)، تنبیه راه‌حل است یا مشکل (انواع تنبیه، تهدید به تنبیه، تنبیه باید صرفاً برای منافع کودک باشد، استفاده از جایگزین‌های مفید)، تنبیه موفقیت‌آمیز کودکان (بررسی عوامل رفتار بد، برخورد با رفتار

ناشایست و درخور تنبیه کودک باید ضابطه‌مند باشد، برخی از تنبیه‌هایی که اثری جدی در کودک می‌نهد)، عصبانی شدن مادر مانعی در راه تربیت، خجالت کودکان را چگونه درمان کنیم، علل لجاجت، مراحل درمان لجاجت، دزدی کودکان... علل و راهکارها (انگیزه‌های دزدی کودکانه، پیشگیری از دزدی، تعامل با دزد، درمان دزدی)، ریشه‌کن ساختن سرپیچی کودک با اسلحه محبت و دلسوزی (علاج واقعه قبل از وقوع از راه مهر و محبت و توجه به‌اندازه به کودک و آزادی بازی و نشاط)، آتش حسادت با اندکی توجه فروکش می‌کند (تأثیر حسادت بر شخصیت و سلامت کودک، علل بروز حسادت در کودک، مقایسه میان فرزندان، چگونه حسادت فرزندان را درمان کنیم)، در پی جایگزینی برای فریاد (فریاد کشیدن بر سر فرزند از بدترین شیوه‌های رفتاری است، فریاد کشیدن تخلیه غضب است، علل پرخطر بودن فریاد نسبت به دیگر شیوه‌های مجازات، مشکل کجاست؟)، دروغ‌گویی کودکان... علل و آثار (انگیزه‌های دروغگویی، درمان دروغگویی)، ترس کودکان و راه درمان آن (انواع ترس، ترس منفی، ترس مثبت، با ترس‌های کودک مقابله کنید)، لوس کردن کودک و آثار روحی آن بر کودک.

در فصل فرجامین کتاب به مراحل پس از کودکی پرداخته و از جمله اشاره شده است که با بی‌انضباطی بچه چه باید کرد. پس از آن به مشکلات کودک در هشت‌سالگی و روش واداشتن کودکان ده‌ساله به اطاعت پرداخته شده است آنگاه از پیشرفت و برتری تحصیلی فرزندان یاد شده است و نیز از چگونگی تربیت دختران و چگونگی برخورد با نوزاد دوم سخن رفته است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمد عثمان جمال، بناء شخصیة الطفل المسلم (چاپ اول: دمشق - بیروت، دارالقلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)؛ ام‌حسان حلف، اخطاء تربویة شایعة (بیروت، دار ابن‌حزم، ۱۹۹۴م).

۸۳

القرآن الکریم منهجه و وسائله فی التربیة الاخلاقیة[۱]

محمد جمعه عبدالله. چاپ اول: قاهره، المکتبة الازهریة للتراث، ۱۴۱۲ق/۲۰۰۲م. ۱۳۶ص، وزیری.

در نوشتار حاضر که از مقدمه و پنج فصل شکل گرفته، هدف ترسیم اجمالی تربیت اخلاقی در قرآن کریم است. در مقدمه از معنای اخلاق، جایگاه مکارم اخلاق در اسلام و علل ضعف اخلاق به‌اختصار یاد شده است.

عنوان فصل اول عوامل مؤثر در اخلاق است که در نه بحث به ترتیب ذیل پرداخته شده است: فطرت انسانی، وراثت، محیط طبیعی و اجتماعی، وضع مادر در هنگام بارداری، خانه، مسجد، مدرسه، دوستان، رسانه‌های گروهی.

فصل دوم دربارهٔ هشت روش قرآنی در تربیت اخلاق است که عبارت‌اند از: بیان فواید دنیایی و اخروی آراسته شدن به اخلاق پسندیده هنگام برانگیختن به آن‌ها و همراه ساختن دور داشتن از اخلاق ناپسند با بیم دادن از پیامدهای ناخوشایند رذایل اخلاقی؛ پاداش نیکو را با اخلاق پسندیده و مجازات را با اخلاق ناپسند مزین ساختن؛ هنگام تشویق به آراسته شدن به اخلاق نیکو از سرمشق‌های نیکو یعنی پیامبران یاد کردن؛ اخلاق و تربیت اخلاقی را در شکل‌های گوناگون و روش متغیر عرضه داشتن تا توجه شنونده را جلب کند؛ تکرار فراخواندن به اخلاق جمیل و بازداشتن از خوی قبیح اما در شکل‌ها و با روش‌های گوناگون؛ استفاده از روش‌های گیرا که خردمندان را جذب می‌سازد و دل‌ها را رام می‌کند و به حق رهنمون می‌دهد؛ تحریک و بیدار ساختن حس جوانمردی همراه با توجه دادن به زیبایی گذشت و پرهیز از ستم و تشویق به صبر؛ برگرفتن حجاب از روح نیک‌اندیش و نیک‌خواه در انسان.

---

۱. روش‌ها و راهکارهای تربیت اخلاقی در قرآن کریم

روش‌های به دست آوردن مکارم اخلاق در فصل سوم و به شرح ذیل واکاویده شده است: تمرین و ایجاد عادت نسبت به اخلاق پسندیده، پی نهادن ازدواج بر تقوا و رضایت خداوند، نقش ایمان راستین به خداوند در گرایش به مکارم اخلاق، نقش عبادت‌ها در روی آوردن به مکارم اخلاق، تأثیر پرداختن کفاره‌های شرعی بر تهذیب اخلاق، اثر سرمشق نیکو در گراییدن به مکارم اخلاق، تربیت کودکان بر اساس اخلاق پسندیده از راه سرمشق قرار دادن رفتار نیک خود برای آنان، علم به اخلاق پسندیده موجب ترغیب به آن‌ها و رشد آن‌ها در فرد است، تأثیر پند و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر بر روی آوردن به اخلاق نیکو، توجه دادن به بیان قرآن کریم در مورد اخلاق نیکو و ثمرات آن‌ها و اخلاق ناپسند و زیان‌های آن‌ها.

عنوان فصل چهارم کتاب امر به معروف و نهی از منکر است و در آن به مطالب زیر نظر شده است: مفهوم معروف و منکر، حکم امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، چگونگی اعمال امر به معروف و نهی از منکر، شروط امر به معروف و نهی از منکر، لازمه امر به معروف و نهی از منکر، موضع گذشتگان نسبت به امر به معروف و نهی از منکر.

نگارنده در فرجامین فصل کتاب به شرح شماری از ویژگی‌های اخلاقی پسندیده پرداخته است: راستی، خوش‌پیمانی، امانتداری، شکیبایی، دادگری، بردباری، نیکوکاری، همکاری، دلاوری در راه حق.

* منابع ذیل نیز درخور مطالعه است:

مقداد یالجن، التربیة الاخلاقیة الاسلامیة (قاهره، مکتبة الخانجی، ۱۹۷۷م)؛ محمد فاضل جمالی، التربیة الاخلاقیة الاسلامیة (قاهره، مکتبة الخانجی، ۱۹۷۳م)؛ علی عبدالحلیم محمود، التربیة الخلقیة (قاهره، دارالتوزیع والنشر الاسلامیة، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ محمد داوودی، تربیت اخلاقی (چاپ اول: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸)؛ احمد بن حسین موجان سعدی، المسئولیة الاخلاقیة و اثرها فی التربیة الاسلامیة (قاهره، دارالاعتصام، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م).

۸۴

قضایا حول اسلمة العلوم والتعلیم[۱]

جودة محمد عواد. چاپ دوم: قاهره، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰م. ۲۲۲ص، وزیری.

کتاب حاضر دربردارنده مجموعه مقالاتی است که از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷م در نشریات عربی به چاپ رسیده است. نگارندهٔ مقالات بر این باور است که مقالاتش حاوی اندیشه‌هایی تازه در راستای مقاومت در برابر غرب‌زدگی و تلاش نواندیشی اسلامی معاصر و دمیدن روح اسلامی در برنامه‌های آموزشی و به کار گرفتن همه علوم برای خدمت به تبلیغ اسلام و فراخواندن به سوی آن است تا از این رهگذر مسلمان معاصر ساخته شود و علوم با رویکردی اسلامی که وحدانیت را می‌پذیرد و در پی خلافت انسان بر زمین و آبادانی و تسخیر و استخراج نیروهای آن است به او عرضه گردد تا از سموم شرقی و غربی برکنار ماند (ص۱۱ـ۱۲). این اثر از مقدمه چاپ اول و مقدمه چاپ دوم و سه بخش تشکیل شده است.

در بخش یکم که گذشته و حال و مسائل کنونی عنوان گرفته است، نخست به مسئله علم و پیدایش مدارس در اسلام پرداخته شده است؛ سپس با نگرشی انتقادی به اقدامات محمد علی پاشا در مصر نظر شده و او از ایادی بیگانگان و عامل بسیار مهم اسلام‌زدایی در مصر از طریق ایجاد مدارس اروپایی‌مآب معرفی شده است و در ادامه آمده است که تهاجم فکری و فرهنگی در مصر با تأسیس مدارس بیگانه آغاز شد؛ سپس از مدارسی که محمد علی پاشا پی نهاده نام برده شده است. نکته بعدی آموزش دختران و سیاست آموزشی جدید و اشاره به برخی از دیدگاه‌های اسلامی عالمان مصری در این خصوص است. نگارنده در ادامه به

---

۱. مسائلی درباره اسلامی کردن علوم و آموزش

همایش تحول آموزشی که در ۱۹۸۷م در مصر برگزار گشت پرداخته و برخی از توصیه‌های آن همایش را بازگفته است. آخرین مطلب این فصل مسئله اقتصاد و فاجعه بدهی‌های خارجی کشورهای اسلامی و پیشنهاد چند راهکار برای برون‌رفت از بحران اقتصادی است.

عنوان بخش دوم، دربارهٔ تدریس در برخی از دانشکده‌هاست. در شرح و شکافت این بحث ابتدا از عنایت مسلمانان به علم و دین و جمع علم و دین در فرهنگ اسلامی و تلاش استعمارگران برای جدایی افکندن میان دین و علم در جهان اسلام یاد شده است؛ سپس به تأسیس مسجد جامع الازهر و نظام آموزشی آن پرداخته و آورده شده است که الازهر پس از اصلاحات محمد علی پاشا به دانشگاه الازهر تبدیل شده و با ایجاد دانشکده‌های گوناگون در آن، اصالت و فلسفه وجودی آن مخدوش گشته است و دانشجویان الازهر امروز نه علوم دینی را نیک می‌آموزند و نه با علوم جدید چنان که باید آشنا می‌شوند و این به معنای شکست اصلاحات در الازهر است.

نویسنده پس از این به تدریس در دانشکده‌های ذیل با رویکرد اسلامی پرداخته و به ارائه راه‌حل برای اسلامی کردن علوم و تعلیم آن‌ها پرداخته است: دانشکده‌های پزشکی، انگل‌شناسی، علوم دریایی، زیست‌شناسی و تحول انواع، اقتصاد و بازرگانی، حقوق، فنی و مهندسی.

در پایان این بخش به مسئله عناوین و القاب دانشگاهی و گرایش مثبت و منفی به استفاده از آن‌ها و پیشنهاد القابی چون استاد و عالم و امام به جای دکتر پرداخته شده است.

عنوان بخش سوم گامی فراسوی گسترش علوم اسلامی است و در آن تلاش شده است نشان داده شود که علوم اسلامی مثلاً علم کلام، تجدیدپذیر و نوشونده‌اند. پس از آن اشاره شده است که مبانی علوم تجربی در آیات قرآن کریم وجود دارد (ص۱۹۵).

در ادامه آمده است که دین خدا را به علوم و فنون دارای اصطلاحات پیچیده تبدیل کردند و چنان شده است که محال است کسی با همه این علوم و فنون آشنا شود. از سه طریق در دین فساد حاصل شده است: فقه، تصوف، کلام و اگر کسی نیک بنگرد درمی‌یابد که در عصر صحابه این علوم وجود نداشت و این‌ها حاصل دوره‌های متأخرند.

گفتنی است مباحث این کتاب بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت است و در آن چندان به اسلامی کردن علم و تعلیم پرداخته نشده است. در این اثر میان اسلامی کردن علوم و آموزش، یا توجیه و سمت‌وسوی اسلامی دادن به آن‌ها فرق نهاده نشده است و از مبانی و

پیش‌فرض‌های اسلامی کردن دانش، آموزش، ضرورت، حوزه، سابقه، امکان، مفهوم آن هم یاد نشده است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:
انور جندی، تأصيل مناهج العلوم والدراسات الانسانية بالعودة الى مناهج الفكر الاسلامی (چاپ دوم: دمشق، مکتبة الفارابی، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)؛ حامد سالم عايض حربی، التأصل والتوجيه الاسلامی للعلوم التربوية و مناهجها من منظور التربية الاسلامية (چاپ اول: مکه مکرمه، جامعة امالقری، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م)؛ عبدالرحمن عبدالرحمن نقيت و منی سالوس، نحو تأصيل اسلامی للبحث التربوی (قاهره، دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۰ق)؛ مقداد يالجن، اساسيات التأصيل والتوجيه الاسلامی للعلوم والمعارف والفنون (چاپ دوم: رياض، دار عالم الكتب، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م)؛ عدنان محمد زرزور، التوجيه الاسلامی للعلوم والمعارف مفهومه و اهدافه (بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۲م).

۸۵

قضية التربية والتعليم من خلال فكر زعماء الاصلاح[1]

محمد عزیز ساحلی. مقدمه محمود شازلی نیفر. بازنگری حمادی ساحلی. چاپ اول: بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م. ۱۶۰+۶ص، رقعی.

در کتاب مفتاح التاریخ که به قلم بشیر صفر یکی از بزرگان نهضت جدید در تونس نگارش یافته، آمده است که یکی از مشاهیر عالمان تونس در آستانه ترکیه در میان شماری از اهل علم، براهین شرعی و عقلی اقامه می‌کند تا آنان را قانع سازد که لازم است به فراگیری علوم و فنون مفید از جمله جغرافیا پرداخت، یکی از آن عالمان در مخالفت با او می‌گوید: در کدام کتاب فقهی دیده‌ای که علم جغرافیا حلال است؟ عالم تونسی به او می‌گوید: شما در کدام کتاب دیده‌ای که آموختن جغرافیا حرام است؟

برخلاف چنین مخالفت‌هایی، برخی از کشورهای اسلامی چون مصر، تونس، ترکیه، ایران با گام‌هایی آهسته اما پیوسته فراسوی تحقق نهضت علمی و ادبی همگام با پیشرفت علوم و فنون حرکت کردند. سرآغاز این نهضت به حمله ناپلئون در ۱۷۹۳م در مصر و تماس مستقیم با غرب بازمی‌گردد (ص۱۳).

در کتاب حاضر تلاش شده است اقدامات برجسته‌ترین رجال اصلاح‌گرای جهان عرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تا اندازه‌ای بررسی گردد و آرا و افکار آنان در زمینه تعلیم و تربیت تحلیل شود. نگارنده کارش را بر مطالعه دربارهٔ رهبران اصلاح در چهار کشور مصر و سوریه و تونس و الجزایر متمرکز کرده است و این از آن‌روی است که این کشورها در عطف

---

۱. مسئله تعلیم و تربیت در اندیشه پیشوایان اصلاحات

توجه به افکار و نهادها و تجارب اروپایی و الهام‌گیری از آن‌ها در برنامه‌های اصلاحی خود همداستان بوده‌اند (ص۱۷).

نگارنده گذشته از مقدمه و خاتمه، مطالب را در دو بخش شش‌فصلی قلمی کرده است. برای بازشکافت بحث، ذیل هر شخص، پس از اشارتی گذرا بر زندگی و افکار و اقدامات او، گزیده‌ای از افکار او از نوشته‌هایش یا نوشته‌های دیگران دربارهٔ او نیز آورده شده است.

عنوان بخش یکم، مسئله تعلیم و تربیت در اندیشه رهبران اصلاحات در مصر و شام است. در فصول شش‌گانه این بخش به‌ترتیب از محمد علی پاشا، رفاعه رافع طهطاوی، سید جمال‌الدین [اسدآبادی]، شیخ محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، شیخ رشید رضا سخن رفته است.

شماری از عناوین مطرح‌شده ذیل عنوان‌های اصلی فصول این بخش عبارت‌اند از: جنبش ترجمه، تأسیس مدارس جدید، موضع عالمان الازهر نسبت به اصلاحات آموزشی، تفکرات تربیتی جدید در مصر، اشارتی به زندگی طهطاوی، اندیشه طهطاوی در آثارش، پیشرفت علمی در غرب از نگاه طهطاوی، مفهوم اصلاحات از نگاه سید جمال‌الدین، تعلیم و تربیت در نگاه سید جمال، اقدامات اصلاحی سید جمال، مفهوم اصلاح از دید محمد عبده، آرا و مبارزه اصلاحی عبده، اصلاحات دینی از نظر عبده، استبداد و آموزش از نگاه عبدالرحمن کواکبی، استبداد و تربیت از نگاه او، روش‌های رهایی از استبداد، گوشه‌ای از زندگی رشید رضا، اندیشه‌های رشید رضا در حوزه تعلیم و تربیت، تربیت کودک سازوار با اندیشه رشید رضا.

عنوان بخش دوم، موضع رهبران اصلاحات در مغرب عربی (تونس و الجزایر) نسبت به مسئله تعلیم و تربیت است.

در فصل یکم تا ششم این بخش به‌ترتیب از اندیشه‌های اصلاحی این افراد و تشکیلات یاد شده است: احمد بای، محمود قابادو، خیرالدین، بشیر صفر و جمعیت حاضره، علی باش حانبه و جنبش جوانان تونسی، شیخ محمد طاهر بن عاشور، شیخ عبدالحمید بن بادیس و جمعیت علمای الجزایری.

برخی از عنوان‌های فرعی ذیل فصول این بخش از این قرار است: اصلاحات احمد بای در زمینه تعلیم و تربیت، نقش محمود قابادو در برانگیختن جنبش اصلاحات، اندیشه‌های اصلاحی خیرالدین، توافق نظر اصلاحی قابادو و خیرالدین، وضع تونس پس از آن‌که تحت قیمومت فرانسه قرار گرفت، نقش بشیر صفر در تحکیم و استقرار نهضت جدید تونس، چالش

میان علی باش [حا]نبه و خیرالدین مصطفی، تحول موضع علی باش حانبه نسبت به زبان عربی، موضع جنبش جوانان تونسی نسبت به مسئله آموزش، اصلاحات آموزشی در دانشگاه زیتونه، فراخوان شیخ طاهر بن عاشور به اصلاحات آموزشی، نقش جمعیت علما در برپایی نهضت علمی در الجزایر، شیخ عبدالحمید بن بادیس و اندیشه‌های اصلاحی او، مقایسه میان اندیشه‌های علمای الجزایر و دیگر رهبران اصلاحات، جمعیت علمای الجزایر و فعالیت آن در راستای عربیت الجزایر.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:
ترکی رابح، الشیخ عبدالحمید بن بادیس فلسفته و جهوده فی التربیة والتعلیم (چاپ دوم: الجزایر، الشرکة الوطنیة، ۱۹۷۵م)؛ عباس محمود عقاد، عبقری الاصلاح والتعلیم الاستاذ الامام محمد عبده (قاهره، دار نهضة مصر، ۱۹۸۱م)؛ محمد احمد جاد صبح، التربیة الاسلامیة دراسة مقارنة، (چاپ اول: بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م)؛ عباس سیسی، حسن البناء و مواقف فی الدعوة والتربیة (قاهره، دارالثقافة، [بی‌تا]).

۸۶
محاضرات فی التربیة الاسلامیة[1]

محمد علی قبلان عالمی [به اهتمام عبدالامیر قبلان]. چـاپ اول: بیـروت، دارالزهـراء للطباعـة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م. ۲۰۸ص، وزیری.

در جنوب لبنان در منطقه‌ای به نام میس‌الجبل، حوزه علمیه شیعی‌ای وجود دارد با همـین نـام که از روزگار پی نهادن آن نزدیک به هزار سال می‌گذرد. از عالمان بـزرگ ایـن حـوزه از جملـه شیخ علی میسی است که از برجسته‌ترین شاگردان شهید ثانی به شمار رفتـه اسـت. از عالمـان متأخر این حوزه شیخ محمدعلی قبلان است که بنـابر تـصریح عبـدالامیر قـبلان ـ گردآورنـده کتاب حاضر ـ در نجف اشرف تحصیل کرده و شخـصیت علمـی برجـسته‌ای بـوده اسـت. از جمله آثار او نصایح وی است که فرزندش عبدالامیر آن‌ها را در قالب کتاب حاضر گـردآوری و تنظیم و عرضه کرده است.

این کتاب دربردارنده ۴۵ بحث مستقل و کوتاه در حوزه‌های اخلاق، تفسیر، تـاریخ اسـلام، معارف قرآنی، کلام، عقاید است که برای ارشاد عموم مردم پرداخته شـده‌انـد. جنبـه اخلاقـی مباحث کتاب بیش از دیگر ابعاد آن است.

مطالب کتاب برگرفته از قـرآن و احادیـث معـصومان(ع) اسـت، امـا ارجاعـات آن عمومـاً قرآنی است.

پس از مقدمه گردآورنده از جمله به مباحث ذیل پرداخته شده اسـت: اطاعـت از خداونـد، محبت، امانت، کرامت و مکارم، عمل به معروف، صـفات زنـان، مـال و انفـاق، مـروت، داد و

---

۱. گفتارهایی در تربیت اسلامی

بی‌داد، سعادت، بهره‌گیری از پند و رهنمود، امر به معروف و نهی از منکر، عمل صالح، ترس از خداوند، سلام و تحیت بهشتیان، اخلاق پیامبر(ص)، دربارهٔ عنکبوت، مال حلال، گناه، ذوالقرنین، پیروزی مسلمانان در غزوات، صله ارحام، از مناقب امام علی(ع)، اسلام دین فطرت، تفسیری کوتاه بر سوره نصر، عرب جاهلی در پیش از اسلام.

۸۷
مدارس حلب الاثرية تاريخها و عمارتها[1]

لمیاء جاسر. چاپ اول: حلب ـ سوریة، دارالرضوان ـ دارالانصاری، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م. ۲۵+ و +۷۲۵+۸ص، رحلی، مصور، نقشه، جدول، طرح، نمودار.

در کتاب فوق که جنبه علمی، تاریخی، هنری، فنی دارد تلاش شده است دربارهٔ تاریخ و معماری مدارس شهر حلب در سوریه از دیرباز تا پایان عصر عثمانی بحث و بررسی شود. نگارنده مطالب را در مقدمه، پیشگفتار، شش بخش چندفصلی و چندین پیوست، ده‌ها عکس، ده‌ها نقشه ساختمان مدرسه و طرح‌های هندسی مبین معماری و تزئینات به‌کاررفته در مدارس بسامان ساخته است.

بخش اول که مدارس در جهان اسلام عنوان گرفته است از پنج فصل تشکیل شده است. در فصل یکم به تحول آموزش و مراکز آموزشی در دوران‌های اسلامی پرداخته شده است و در آن از آموزش در بلاد اسلامی در شامگاه بعثت، آموزش در دوره پیامبر اکرم(ص) و خلفای راشد و بنی‌امیه، بنی‌عباس، مملوکی، عثمانی سخن رفته است.

فصل دوم دربارهٔ پیدایش مدارس اسلامی است و در فصل سوم به ساختمان مدارس اسلامی در سوریه، مصر، ترکیه، مراکش، الجزایر، عراق و ایران پرداخته شده است.

در فصل چهارم به دیدگاه‌های شرق‌شناسان و باستان‌شناسان دربارهٔ تقلید از معابد بودایی، اثرپذیری از معماری ایرانی و ساسانی، تأثیرپذیری از خانه‌های سوری (برای مدارس سوری) یاد شده است.

---

۱. تاریخ و ساختمان مدرسه‌های باستانی حلب

فصل پنجم این بخش دربارهٔ عناصر و مؤلفه‌های معماری در ساختمان مدارس اسلامی پرداخته شده است و از انواع طاق، گنبد، طاقدیس، قوس همراه با طراحی یاد شده است.

عنوان بخش دوم، پیدایش مدرسه در شهر حلب در دوره زنگی (۵۱۶ـ۵۷۹ ق/۱۱۲۲ـ۱۱۸۳م) است. نخستین مدرسه شهر حلب در ۵۱۶ ق ساخته شد به نام زجاجیه که امروزه اثری از آن باقی نمانده است.

در فصل یکم به دوران زنگیان در حلب اشارتی کلی شده است و از آموزش در عصر زنگیان، مدارس عصر زنگیان یاد و این مدارس به مدارس ازمیان‌رفته و مدارسی که آثاری از آن‌ها باقی است تقسیم شده است.

فصل دوم دربارهٔ مدارس برجای‌مانده است و در آن از مدرسه حلویه، مدرسه شعیبیه، مدرسه اسدیه جوانیه، مدرسه مقدمیه سخن رفته است. در شرح هر مدرسه از موقعیت مکانی، تاریخ آن، وضع کنونی مدرسه، نقشه مدرسه، معماری مدرسه، نماهای داخلی و خارجی و شرقی و غربی و شمالی و جنوبی مدرسه، کارهای هنری در ساختمان مدرسه یاد شده است.

در فصل سوم به ویژگی‌های ساختمان مدارس عهد زنگی پرداخته شده و آمده است که برخلاف نظر ابن‌جبیر که تعداد مدارس حلب را در اوایل عهد ایوبی ۵ یا ۶ باب دانسته است، در عصر زنگیان شمار مدارس حلب به ۱۳ باب رسیده است. در ادامه به طرح و نقشه، عناصر معماری، عناصر بنا و ساختمان و نماهای مدارس اشاره شده است.

بخش سوم، مدارس عهد ایوبیان (۵۷۹ـ۶۵۸ق/۱۱۸۳ـ۱۲۵۹م) عنوان گرفته است. فصل اول با اشارتی کلی به تاریخ حلب در عصر ایوبی آغاز گشته است؛ سپس از وضع آموزشی شهر در عهد ایوبیان سخن رفته و یادآوری شده است که در این عصر ۲۰ مدرسه وجود داشته که به‌کلی از میان رفته‌اند، ۴ مدرسه وجود داشته که اندکی از آثار آن باقی است و ۸ مدرسه هم کامل باقی مانده است.

در فصل دوم به مدارس باقی‌مانده از عصر ایوبی پرداخته شده است. این مدارس عبارت‌اند از: شاذبختیه، انصاریه، ظاهریه، سلطانیه، کاملیه، فردوس، کمالیه عدیمیه، شرفیه. در این فصل نیز مانند فصل دومِ بخش دوم به شرح جزئیات طراحی، معماری، ساخت و ظرافت‌های هنری و موقعیت مکانی و وضع کنونی مدارس یادشده پرداخته شده است.

فصل سوم دربارهٔ ویژگی‌های بنای مدارس عهد ایوبی است و در آن از موقعیت مکانی تا طرح و نقشه و پلان‌های افقی و عمودی و نماهای گوناگون، عناصر معماری و عناصر ساختاری آن‌ها یاد شده است.

در بخش چهارم کتاب به مدارس عهد مملوکی (۶۵۸ـ۹۲۲ق/۱۲۵۹ـ۱۵۱۶م) پرداخته شده است.

در فصل نخست این بخش هم ابتدا به تاریخ حلب در این عهد اشارتی کلی شده است. آنگاه به وضع آموزش در عهد مملوکیان در حلب پرداخته شده است و پس از آن از مدارس شهر در این عصر و شمار ازمیان‌رفته و باقی‌مانده این مدارس سخن رفته است.

در فصل دوم به شیوه فصل دومِ بخش اول و دوم به شرح و تفصیل مدارس عصر مملوکیان شهر حلب که اکنون باقی مانده‌اند پرداخته شده است؛ ناصریه، صلاحیه، صاحبیه، قرناصیه، سفاحیه، سعیدیه، مدارس بررسی‌شده در این فصل است.

ویژگی‌های طراحی، معماری، ساختمانی، هنری، نماها، سردرها، محراب‌های مدارس عصر مملوکی در فصل سوم این بخش مطرح شده است.

عنوان بخش پنجم، مدارس عصر عثمانی (۹۲۲ـ۱۳۳۷ق/۱۵۱۶ـ۱۹۱۸م) است. در فصل یکم به تاریخ حلب در عصر عثمانی اشاره شده و آمده است که این شهر از ۹۲۲ق در زمان سلطان‌سلیم اول ضمیمهٔ دولت عثمان شد و نقشه شهر در عصر عثمانی، وضع آموزش در عصر اول عثمان (۹۲۲ـ۱۲۶۳ق) و عثمانی اخیر (۱۲۶۳ـ۱۳۳۷ق) و سیر تحول آموزش در شهر و اقسام مدرسه در عصر عثمانی یعنی مدارس اسلامی سنتی، مدارس دولتی، مدارس ملی، مدارس بیگانه، مدارس طوایف مسیحی، تبدیل برخی از خانه‌ها و مساجد به مدرسه از دیگر بحث‌های این فصل است.

در فصل دوم به مدارس اسلامی حلب در عصر عثمانی پرداخته شده و از این مدارس یاد شده است: خسرویه، عثمانیه، شعبانیه، احمدیه، کواکبیه، سیافیه، اسماعیلیه، هاشمیه. در این فصل مانند فصل دوم بخش‌های پیشین به مسائل گوناگون طراحی و معماری و ساختاری و هنری مدارس پرداخته شده است.

فصل سوم دربارهٔ مزیت‌های مدارس اسلامی عصر عثمانی پرداخته شده است. در فصل چهارم از مدارس دولتی که به شکل جدید ساخته شده‌اند سخن رفته است: مدرسه رشدی عسکری، مدرسه تجهیز، دارالمعلمین، مدرسه عملی ابتدایی، مدرسه فیوضات.

در فصل پنجم به ویژگی‌های مدارس عصر عثمانی اشاره شده است. فصل ششم دربارهٔ مدارس تبشیری یعنی مدارس شیبانی و یسوعیه است. ویژگی‌های طرح، معماری، ساختار هنری مدارس تبشیری در فصل هفتم بررسی شده است.

نگارنده در بخش ششم کتاب به سیر تحول مدارس حلب از عهد زنگیان تا پایان حکومت عثمانی (۵۱۶ـ۱۳۳۷ق/۱۱۲۲ـ۱۹۱۸م) پرداخته و مدارس هر دوره را با دوره‌های دیگر از منظر نقشه، معماری، ساختار، تزئینات هنری مقایسه کرده است.

* مطالعه کتاب ذیل نیز مفید است:

حسن شمیسانی، مدارس دمشق فی العصر الایوبی (چاپ اول: بیروت، دارالآفاق الجدیدة، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م).

۸۸

مدارس دمشق فی العصر الایوبی[۱]

حسن شمیسانی. چاپ اول: بیروت، منشورات دارالآفاق الجدیدة، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م. ۲۹۴ص، وزیری.

کتاب حاضر گذشته از مقدمه در ده فصل بسامان شده است. فصل اول اشارتی است کوتاه و کلی به جنبش مدرسه‌سازی در عصر ایوبی. از فصل دوم تا نهم در هر فصل به مدارس دمشق در دوره یکی از سلاطین ایوبی پرداخته شده است و در فصل دهم به انگیزه‌هایی که در عصر ایوبی به گسترش دانش و مدرسه‌سازی فراوان انجامید و اثر این امور بر سیاست عمومی ایوبیان اشارت رفته است (ص ۵۰). در فصول دوم تا نهم از نام مدارس، محل آن‌ها در شهر دمشق، بانی و سازنده آن‌ها، و نام مدرسان آن‌ها نام برده شده و گاه به توصیف مدارس و موقوفات آن‌ها نیز پرداخته شده است.

در مقدمه و پیش از پرداختن به مدارس عهد ایوبیان در دمشق، از مکان‌های آموزشی پیش از پیدایش مدارس یعنی مسجد، مکتب، رباط‌ها و خانقاه‌ها، منازل بزرگان و فقیهان و عالمان یاد شده است و به تاریخ پیدایش مدارس در جهان اسلام به‌طور عام و دمشق به‌طور خاص اشارت رفته و از جمله آمده است که در ۳۴۵ق ادیب و محدث بنام ابوحاتم بستی، مدرسه‌ای در شهر بست برپا داشت و در آن کتابخانه و حجره‌هایی برای طلاب ساخت و حتی برای طلاب غیربومی شهریه معلوم داشت. نیز در سال ۳۴۹ق شافعیان نیشابور برای ابوعلی حسین بن علی نیشابوری در شهر نیشابور مدرسه‌ای خاص ساختند و فضلای تهران [ری] در

۱. مدرسه‌های دمشق در دوره ایوبیان

سال ۳۶۲ق برای امام حاتمی شافعی مدرسه‌ای درست کردند همچنان که در ۳۹۳ق در بغداد و در ۴۰۶ و ۴۱۱ق در نیشابور و در ۴۵۰ق در بیهق مدرسه ساخته شد و در شهر دمشق هم در ۳۹۱ق، مدرسه صادریه برای حنفیان بنا گردید (ص۱۲ـ۱۴).

پس از اشاره به نظامیه‌سازی خواجه نظام‌الملک، از وضع دمشق در تاریخ سخن رفته است و به حیات علمی و فکری این شهر در عهد ایوبی اشاره شده است.

در فصل یکم که اشارتی بر جنبش مدرسه در عهد ایوبی عنوان گرفته است، ابتدا به نظام و سیاق دینی آموزش در مدارس ایوبیان پرداخته و افزوده شده است که در این عصر، مدارسی که ویژه تدریس فلسفه و طبیعیات و نجوم و تاریخ و جغرافیا بوده باشد و نیز مدارس غیرسنی شناخته نشده است چه اصولاً در شامات عمل به مذهب شیعه تحریم شده بود (ص۳۸).

پس از این به علومی که در مدارس عهد ایوبی تدریس می‌شده، روش‌های تدریس و مراحل آن در این مدارس، بودجه مدارس و وضع معاش معلمان و طلاب در این عصر، کتابخانه‌های مدارس ایوبی و درنهایت شمار مدارس دمشق در ایام ایوبی اشارت رفته است.

فصل دوم دربارهٔ مدارسی است که در دوره صلاح‌الدین ایوبی (۵۷۰ـ۵۸۲ق) ساخته شده است. مدارس شافعی: صلاحیه، عصرونیه، اقبالیه، تقویه. مدارس حنفی: خاتونیه جوانیه، اقبالیه، مقدمیه جوانیه، فرخشاهیه. مدارس مشترک میان شافعیان و حنفیان: اسدیه، عذراویه. مدارس مالکی: صلاحیه. مدارس حنابله: عمریه.

فصل سوم، مدارسی که در روزگار ملک‌افضل نورالدین بن صلاح‌الدین (۵۸۴ـ۵۹۲ق) ساخته شده است. مدارس شافعیان: ظاهریه برانیه، شامیه برانیه، اکزیه، عزیزیه. مدارس حنفیان: قیمازیه.

فصل چهارم، مدارسی که در دوران ملک‌عادل (۵۹۲ـ۶۱۵ق) ساخته شده است. مدارس شافعیان: عادلیه کبری، صارمیه، فلکیه، رواحیه، مسروریه. مدارس مشترک میان شافعیان و حنفیان: دماغیه.

فصل پنجم، مدارسی که در روزگار ملک‌معظم عیسی (۶۱۵ـ۶۲۴ق) در دمشق ساخته شده است. مدارس حنفیان: معظمیه، ماردانیه، شبلیه برانیه، شبلیه جوانیه. مدارس حنبلیان: ضیائیه، محمدیه، ضیائیه محاسنیه. مدارس پزشکی: دارخوریه.

فصل ششم، مدارسی که در دوره ملک‌اشرف موسی بن عادل (۶۲۵ـ۶۳۵ق) در دمشق ساخته شد. مدارس شافعیان: بهنسیه، رکنیه جوانیه، امجدیه، شامیه جوانیه، مجنونیه. مدارس

حنفیان: رکنیه برانیه، عزیه برانیه، عزیـه جوانیـه، فتحیـه، علمیـه، میطوریـه. مـدارس حنبلیـان: صالحیه، صدریه.

فصل هفتم، مدارسـی کـه در دوره صـالح اسـماعیل بـن عـادل (۶۳۵ـ۶۴۳ق) در دمـشق ساخته شده است. مدارس شافعیان: صالحیه، اتابکیه. مدارس حنفیان: عزیزیه، بدریه. مـدارس حنبلیان: جوزیه.

فصل هشتم، مدارسی که در دوره ملک‌نجم‌الدین ایوب بن کامل (۶۴۳ـ۶۴۷ق) در دمـشق برپا شده است. مدارس شافعیان: بجیبیه. مدارس حنفیان: قلیجیه، غموریه.

فصل نهم، مدارسی که در دوره ملک‌ناصر یوسف ایـوبی (۶۳۴ـ۶۴۷ق) در دمـشق سـاخته شده است. مدارس شافعیان: ناصریه جوانیه، عادلیه صغری، بارائیه. مدارس حنفیـان: مرشـدیه. مدارس پزشکی: دنیسریه ربیعیه.

فصل دهم، انگیزه‌های سیاسی ـ آموزشی و تأثیر آن‌ها بر سیاست کلی عـصر ایـوبی عنـوان گرفته و در آن به انگیزه‌های عام و کلی، و انگیزه‌های خاص اشارتی رفته است.

گفتنی است، این اثر خالی از اشکالات محتوایی و ساختاری نیفتاده است. مـثلاً در صـفحه ۱۲ آمده است: در سال ۳۹۳ق دو مدرسه در بغداد ساخته شد و در صفحه ۱۵۰ آمده است: تـا سال ۴۵۹ق در بغداد مدرسه‌ای ساخته نشد. یا ابن‌شداد به‌غلط ابن‌داد ضبط شـده اسـت. نیـز دمشق به صورت دمشف چاپ شده است. همچنین کل فصل هفتم از متن افتـاده اسـت و در عوض از صفحه ۲۲۵ تا ۳۳۰ تکراری است.

* منابع ذیل نیز درخور مطالعه است:

احمد خالد جید، المدارس و نظام التعلیم فی بلاد الشام فی العـصر المملـوکی (بیـروت، مؤسـسة الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۴۲۲ق)؛ عبدالقادر بن نعیمی دمشقی، الدارس فـی تـاریخ المدارس (چاپ دوم: قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۳۷ق)؛ لمیاء جاسر، مدارس حلب الاثریـة تاریخها و عمارتها (چاپ اول: حلب، دارالرضوان ـ دارالانصاری، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م).

۸۹

المدارس و نظام التعلیم فی بلاد الشام فی العصر المملوکی[1]

احمد خالد جیده. چاپ اول: بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م. ۴۳۲ص، وزیری، نقشه.

دولت مملوکیان با سرنگونی ایوبیان در مصر، حکومتی ۳۰۰ساله تشکیل داد که بر شرق جهان عرب یعنی شامات هم مسلط گشت و تا برپایی دولت عثمانی دوام یافت. این دوره به لحاظ سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی اهمیت بسیار دارد، با این حال به بعد فرهنگی و تعلیم و تربیت این دوره سه‌قرنه توجه چندان نشده است و حتی برخی پنداشته‌اند عصر ممالیک (چه بحری و چه چرکسی) دوران انحطاط است و در آن مدرسه و تعلیم و تربیت رونق نداشته است و نژادپرستی و تعصب ناروای دینی بر آن حاکم بوده است.

کتاب حاضر در پی زدودن چنین باورهایی ناصواب دربارهٔ مدارس و نظام آموزشی ممالیک در مصر و شام است. نگارنده کتاب را در مقدمه، پیش‌درآمد و سه بخش چندفصلی سر و سامان داده است.

در پیش‌درآمد از وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مصر و شام در دوران بلند حکومت ممالیک سخن رفته است.

بخش اول کتاب دارای سه فصل است. این بخش با اشارتی کوتاه به عصر ایوبیان آغاز گشته است؛ سپس در فصل یکم آن، ابتدا به انواع مدرسه و دیگر مکان‌های آموزشی در عصر مملوکی و پس از آن به ادیبان و عالمان این دوره پرداخته شده است.

---

۱. مدرسه‌ها و نظام آموزشی شامات در عصر ممالیک

مکان‌های آموزشی بررسی‌شده عبارت‌اند از: مکتب، رباط و خانقاه، مسجد، مساجد جامع، کتابخانه عمومی و خصوصی، مرقدها، منازل عالمان و جمعیت‌های رسمی و سری، سالن‌های ادبی، صحرا، قصرها، دکان کاغذفروشی، منازل فقیهان و شیوخ، بیمارستان، مدارس نظامیه، دارالعلم.

در فصل دوم به مدارس شامات در عصر مملوکی پرداخته شده است. این مدارس به دو گروه مدارس دینی و مدارس دنیایی تقسیم شده است. در مدارس دینی، قرآن، حدیث، فقه و در مدارس دنیایی طب و فنون نظامی آموزش داده می‌شده است. نگارنده تصریح کرده است به مدارسی که به آموزش ریاضیات، علوم، تاریخ و دیگر علوم انسانی اختصاص یافته باشند دست نیافته است (ص ۱۰۰).

مدارس دینی شامل، دارالقرآن، دارالحدیث، دارالقرآن والحدیث، مدارس خاص آموزش فقه مذاهب اربعه اهل سنت، مدارس صوفیان بوده است. در شرح هر مدرسه از مکان و موقعیت جغرافیایی و پایه‌گذار و موقوفات آن یاد شده است. در این شرح و شکافت، از دارالقرآن‌ها، دارالحدیث‌ها، مدارس صوفیان (رباط، زاویه، خانقاه)، مدارس حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی، هر یک جداگانه بحث شده است. در پایان این فصل از مدارس اقلیت‌های مذهبی در شامات هم سخن به میان آمده است.

فصل سوم به بررسی مدارس دنیوی شامات در عصر ممالیک اختصاص یافته است. پدیدآورنده ابتدا به مدارس طبی و بیمارستان‌ها پرداخته و افزوده است در این مراکز، پزشک عمومی، جراح و رگ‌زن، چشم‌پزشک و دندان‌پزشک تربیت می‌شده است. وی از پنج مدرسه و شانزده بیمارستان نام برده است و در معرفی آن‌ها معمولاً از مکان، بنیانگذار، مدرسان و پزشکان آن‌ها یاد کرده است.

در شرح مدارس نظامی آمده است که ممالیک برای تربیت فرماندهان نظامی آنان را به محل‌های به نام طباق می‌فرستادند. طباق که جمع طبقه است مکانی خاص آموزش ممالیک و دارای مفهومی طبقاتی بوده است، یعنی هر مملوکی در طبقه‌ای که درخور شأن او بوده آموزش می‌دیده است ممالیک در اثر آموزش در این طباق‌ها به درجات نظامی امیر مئه (فرمانده صده) مقدم الف (جلودار هزاره)، اتابک دست می‌یافتند.

در طباق که آموزش در آن‌ها شبانه‌روزی بوده است، گذشته از امور نظامی به آموزش علوم دینی و خط و ادبیات هم پرداخته می‌شده است. کسانی که در طباق آموزش می‌دیدند، از

کودکی وارد این مراکز می‌شدند و ابتدا خواندن و نوشتن می‌آموختند و چون نوجوان می‌شدند به آموزش سوارکاری می‌پرداختند و درنهایت فردی نظامی بار می‌آمدند.

در بخش دوم که دو فصل دارد، ابتدا و در فصل یکم با استفاده از دو کتاب: **المعید فی ادب المفید والمستفید** اثر عبدالباسط علموی، و **تذکرة السامع والمتکلم فی ادب العالم والمتعلم** بدرالدین ابن‌جماعه کنانی به آداب و وظایف معلم و شاگرد، آداب سکونت معلم و شاگرد در مدرسه پرداخته شده است. در ادامه این فصل، مدرسان و معلمان مراکز آموزشی دینی عصر مملوکی معرفی شده‌اند.

فصل دوم، دربارهٔ مدرسان مدارس دنیوی در عصر ممالیک است. سرآغاز این فصل بحثی است از آموزش سوارکاری، پرتاب نیزه، تیراندازی با تیر و کمان، جنگ با شمشیر؛ سپس اشاره شده است که آموزش در طباق پیوسته زیر نظر کسانی بوده است که به طواشیه (خواجگان) معروف بوده‌اند. روش‌های آموزشی عصر مملوکی، وظایف مدرسان، پوشاک مدرسان، شایستگی مدرس و چگونگی برگزیدن آن، بازنشستگی مدرسان دیگر بحث‌های این فصل است.

بخش سوم دو فصل دارد؛ در فصل اول آن به مطالب زیر پرداخته شده است: نقش اوقاف در آموزش در عصر ممالیک، شاگرد در مدرسه مملوکی، فرصت آموزشی برابر، آموزش زن، توصیف مدرسه مملوکی.

فصل دوم دربارهٔ نظام داخلی و اداری مدارس شام در عصر مملوکی است و در آن از سطح علمی شاگردان، اجازه (مدرک) علمی در عصر مملوکی، عاقبت حرکت علمی در اوایل حکومت عثمانی سخن رفته است.

قابل ذکر است که در این کتاب گاه در ضبط اعلام خطا رخ داده است از آن‌هاست: اهوائی (ص۶۲) به جای اهوانی؛ عبدوی (ص۶۲-۷۷) به جای عبدری؛ نادیا جمال‌الدین (ص۷۳) به جای نادیه جمال‌الدین. همچنین کتاب ابن‌جماعه به جای تذکرة السامع، تذکرة النافع (ص۲۲۳) ضبط شده است. نیز تاریخیه، تارخیه آمده است (ص۳۵). دیگر آن‌که در صفحه ۲۳۳ آمده است: ۱. القضاه الاعلی، اما هرگز از ۲ یا ۳ یا... پس از آن سخن در میان نیامده است.

۹۰

مدخل الی التربیة الاسلامیة و طرق تدریسها[1]

عبدالرحمن صالح عبدالله. ناصر احمد خوالـده. محمـد عبـدالله صـمادی. چـاپ دوم: عمـان، دارالفرقان للنشر والتوزیع، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م. ۲۲۴ص، وزیری، طرح درس.

در کتاب حاضر که از مقدمه و چهار فصل تشکیل شده، تـلاش شـده اسـت تربیـت اسـلامی تعریف شود و به ویژگی‌های آن و مهم‌ترین روش‌های تربیتی برگرفته از کتاب و سنت اشـارت رود و نیز برنامه آموزشی ماده درسی علوم دینی یا تربیت اسلامی در مرحله آموزش اجبـاری در کشور اردن معرفی و بررسی گردد؛ سپس مهم‌ترین مقررات آموزشی که هنگام آمـوزش قـرآن و سنت نبوی و عقاید و فقه اسلامی باید از آن‌ها پیروی شود بیان گردد. همچنین کوشـش شـده است از رهگذر این کتاب، گرایش به تربیت اسلامی فزونی پذیرد تا افراد ایمان بیابند که تربیت اسلامی از دیگر نظریه‌ها و نظام‌های تربیتی برتر است. از دیگر هدف‌هـای نگارنـدگان پـرورش توانایی دانشجویان برای تعیین هدف‌های معین برای درس معین و رشد مهارت آنان در طـرح پرسش و نیز تنظیم طرح درس روزانه برای آموزش مواد درسی تربیت اسلامی است.

از آنجا که این اثر برای دانشجویان تربیت معلم نگـارش یافتـه اسـت در پایـان هـر فـصل پرسش‌هایی برای بحث و بررسی آورده شده است تا دانشجویان به خودآمـوزی و خودآزمـایی برانگیخته شوند. همچنین در آغاز هر فصل به هدف‌های شـناختی کـه انتظـار مـی‌رود پـس از مطالعه هر فصل در دانشجو محقق شود اشاره شده است.

محتوای کتاب در چهار فصل قلمی گشته است. فـصل اول و دوم اثـر عبـدالرحمن صـالح عبدالله؛ فصل سوم نوشته محمد صمادی است و فصل پایانی را ناصر خوالده نگاشته است.

---

۱. درآمدی بر تربیت اسلامی و روش‌های تدریس آن

در فصل یکم که مفهوم تربیت اسلامی و ویژگی‌های آن نامیده شده است به تعریف لغوی و اصطلاحی تربیت اسلامی پرداخته و تعریفی جامع از تربیت اسلامی پیش‌رو نهاده شده است. همچنین تعابیر دیگری که مرتبط با تربیت اسلامی است تعریف شده است (تعلیم، تأدیب، تزکیه). پس از این به قرآن و سنت نبوی به عنوان آبشخورهای اصلی تربیت پرداخته و این مطلب بازشکافته شده است. ویژگی‌های تربیت اسلامی (توحیدی، ثبات مبانی، تحول‌پذیری فروع، فراگیری، توازن، آرمانی بودن و واقع‌گرایی، دارا بودن بعد فردی و جمعی) بحث پایانی فصل است.

برنامه درسی علوم شرعی در دوره آموزش اجباری، عنوان فصل دوم است و در آن به مؤلفه‌های برنامه آموزشی علوم شرعی یا تربیت اسلامی یعنی اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، روش‌های ارزیابی و ویژگی‌های کتاب‌های درسی این موضوع آموزشی پرداخته شده است. نگارنده برای واکاوی موضوع به معیارهای هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه یاد شده و نیز نمونه‌هایی از هدف‌های رفتاری هر یک از مواد درسی این موضوع آموزشی اشاره کرده است.

عنوان فصل سوم، روش‌های اصلی آموزشی برگرفته‌شده از قرآن و سنت است. نگارنده این فصل برای شرح و شناخت موضوع، نخست به مفهوم روش و ویژگی‌های کلی آن پرداخته است؛ سپس از مهم‌ترین روش‌های تربیتی مأخوذ از قرآن کریم و سنت نبوی یعنی داستان، تمثیل، اسوۀ حسنه، پند، مشاهده و تجربه، پرسش، گفتگو سخن گفته است و در پایان ویژگی‌های تربیتی هر یک از این روش‌ها را برشمارده است.

تدابیر و اقدامات عملی در تدریس ماده درسی علوم شرعی عنوان فصل فرجامین کتاب است و برای شرح و شکافت آن، اقدامات به مشترک و خاص تقسیم شده است. اقدامات مشترک به تدابیری گفته می‌شود که در تدریس قرآن، حدیث، عقاید، احکام، سیره نبوی باید لحاظ و اعمال شوند که عبارت‌اند از: تهیه طرح درس، تعیین هدف‌های آموزشی درس، مقدمه معلم برای ورود به درس، شرح و تفصیل اصل درس، آزمون و ارزیابی و فعالیت‌های درسی شاگردان.

اقدامات خاص، به تدابیری اطلاق شده است که در برخی از مواد درسی لحاظ و اعمال می‌شوند مانند آنچه در تدریس هر یک از درس‌های قرآن، حدیث، عقاید، سیره نبوی، فقه به‌طور جداگانه و خاص اعمال می‌شود.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:
محمد عبدالقادر احمد، طرق تعلیم التربیة الاسلامیة (قاهره، مکتبة النهضة، [بی‌تا])؛ عبدالحمید هاشمی، الإعداد النفسی والتربوی لمدرسی التربیة الاسلامیة و علومها الدینیة (دمشق، دارالتربیة، [بی‌تا])؛ محمد صلاح‌الدین علی مجاور، تدریس التربیة الاسلامیة: اسسها و تطبیقاتها التربویة (چاپ اول: کویت، دارالقلم، ۱۳۹۶ق).

۹۱

مراحل النمو فی ضوء التربیة الاسلامیة[1]

خالـد حامـد حـازمی. چـاپ اول: ریـاض، دار عـالم الکتـب للطباعـة والنـشر والتوزیـع، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م. ۷۲۰ص، وزیری.

این اثر جلد اول از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة المنظومة التربویة، که نمـی‌دانـم چنـد جلد آن به چاپ رسیده است. نویسنده که از استادان دانشکده علوم تربیتـی دانـشگاه اسـلامی مدینه منوره است، مطالبش را در مقدمه‌ای کوتاه، شش فصل و خاتمه، قلمی کـرده و کوشـیده است از رهگذر این اثر معلوم دارد که در رهنمودهای اسـلامی بـه هـدایت و ارشـاد انـسان در هر یک از دوره‌های خاص زندگی سازگار با آن دوره و نیز عنایت کلی به هدایت عمومی که در سراسر زندگی بدان نیاز دارد توجه بسیار شده است (ص۵). این دوره‌ها که نگارنده از آن‌ها بـه مرحله تعبیر کرده اسـت از شـیرخوارگی پـا مـی‌گیـرد و بـه پیـری پایـان مـی‌پـذیرد و شـامل شیرخوارگی، کودکی، تمیز، بلوغ، جوانی، پیری است.

نگارنده در فصول شش‌گانهٔ کتاب، به‌ترتیب و به‌طور یکسان از مفهوم هر دوره، ویژگی‌هـای هر دوره، رهنمودهای اسلامی برای هر دوره، اقدامات تربیتی برای هـر دوره یـاد کـرده اسـت. همچنین وی کوشیده است نشان دهد میان ویژگی‌های هر یک از دوره‌های شش‌گانهٔ رشـد بـا فرآیند ارشاد و هدایت اسلامی رابطه و تناسب وجود دارد و در اسلام به مقتضیات تربیتی ایـن دوره‌ها سازوار با طبیعت و فطرت انسان توجه شده و بـرای هـر دوره آداب و اخـلاق ویـژه‌ای وضع شده است تا انسان در هیچ‌یک از دوره‌های رشد به رذایل اخلاقی مبتلا نشود (ص۶۳).

---

۱. مراحل رشد در پرتو تربیت اسلامی

بنابراین، در این اثر تنها به رهنمودهای اخلاقی اسلام برای هر دوره از زندگی انسان پرداخته شده است و البته در نهایت اختصار.

* پیشنهاد می‌شود این کتاب با کتاب‌های زیر مطالعه شود:
ناصر بی‌ریا و دیگران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (چاپ اول: تهران، سمت، ۱۳۷۴ـ۱۳۷۵)؛ محمدرضا شرفی، مراحل رشد و تحول انسان به ضمیمه مقدمه‌ای بر دیدگاه اسلام در مورد رشد (چاپ ششم: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۷۵)؛ محمد قطب، منهج التربیة الاسلامیة، ۲ جلد (قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۴ق/۱۹۱۳م، جلد دوم).

۹۲
مرحلة المراهقة: مظاهر النمو و مقومات التربية[۱]

سعید کاظم عذاری. [چاپ اول]: قم، المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام، ۱۴۲۸ق/۱۳۸۶م. ۳۷۲ص، وزیری، جدول.

نگارندهٔ این اثر، بر این باور است که کتابش دربردارنده همه جنبه‌های رشد در مرحله نوجوانی، در کنار عوامل و عناصر تربیتی‌ای است که به چگونگی پرورش روحی و عقلی و رفتاری نوجوانان عنایت دارند. این مطالب مستند به قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام و مطالعات تربیتی و روان‌شناختی جدید، و تجربه‌های میدانی در حوزه اصلاح و تربیت و بازپروری است (ص۱۰). گذشته از این منابع، گاه به آثار دانشمندان مسلمان در گذشته هم استناد شده است.

مطالب این کتاب در هشت فصل بسامان و تحریر شده است، با این عناوین: نشانه‌های نوجوانی و ویژگی‌های عام آن، رشد عقلی، رشد جسمی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی، رشد اخلاقی، رشد جنسی.

در فصل نخست، پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی مراهقه/ نوجوانی، از سن بلوغ و صفات ثانوی دلالت‌کننده بر بلوغ و نشانه‌های اصلی بلوغ یاد، و اشاره می‌شود که بلوغ، سن تکلیف شرعی است؛ سپس به اختلاف عالمان در تعیین سن بلوغ نظر می‌شود. نگارنده در ادامه از جمله به عوامل تعیین‌کننده آغاز نوجوانی و سن رشد و پایان نوجوانی می‌پردازد و در شرح نیازهای نوجوانی از نیاز به محبوبیت، استقلال، دوستی و محبت، جنس مخالف، گرایش

۱. دوره نوجوانی: نشانه‌های رشد و عناصر تربیت

اعتقادی یاد می‌کند. وی در ادامه می‌افزاید که نوجوانی مرحله کشف خود و در پی هویت خویش بودن است. آنگاه به عوامل مؤثر در ارزیابی خویشتن و معیارهای این ارزیابی می‌پردازد. مراحل کشف هویت، آثار مثبت ارزیابی خود، بحران نوجوانی، دیگر بحث‌های این فصل است.

در فصل دوم پس از تقسیم رشد جسمی به: رشد فیزیولوژیکی، تغییرات رشد جسمی در بیرون، رشد حرکتی به شرح هر یک پرداخته می‌شود. مثلاً در شرح رشد فیزیولوژیکی آمده است که مراد از این‌گونه رشد، رشد اندام‌ها و غدد درونی جسم و مهم‌ترین آن‌ها بلوغ جنسی است که نوجوانان نسبت به پیدایش این ویژگی در خود واکنش‌های گوناگونی نشان می‌دهند. وظایف پدر و مادر، توجه به تغذیه نوجوان، آثار رشد فیزیولوژیکی بر شخصیت، دیگر بحث‌های این فراز است. در توضیح رشد حرکتی، از اهمیت ورزش در این سن و عنایت اسلام به آن یاد شده است.

فصل سوم که بلندترین فصل کتاب است با شرح معنای لغوی و اصطلاحی عقل از دیدگاه اهل لغت، روایات، فیلسوفان، تربیت‌پژوهان و روان‌شناسان آغاز و سپس با اشاره به مراحل رشد عقلی، اشاره می‌شود که امام علی(ع) پایان رشد طبیعی عقل را ۲۸سالگی می‌داند و پس از آن عقل به یاری تجارب، کمال و نضج می‌یابد (ص۹۷). پس از این، ابتدا به مظاهر چندگانه مراحل سه‌گانهٔ رشد عقلی اشاره می‌شود، آنگاه هوش تعریف می‌شود و از عوامل مؤثر در میزان هوش و حافظه و نیز عوامل کاهندهٔ سطح توجه و تمرکز ذهنی و عوامل مؤثر در یادآوری سخن می‌رود. نگارنده در ادامه از مطالب زیر یاد می‌کند: سنجش هوش، یادگیری و تحصیل، یادگیری و تفکر سودمند، یادگیری و تفکر زیانبار، موانع رشد عقلی و مشکلات جسمی و فیزیولوژیکی، مشکلات عاطفی، مشکلات روحی، مشکلات غریزی، مشکلات رفتاری، پرورش عقل در روایات، ویژگی‌های رشد عقلی و آثار عملی آن.

آغاز فصل چهارم، دربارهٔ نیاز فطری بشر به دین است و در اثبات آن به روایات نبوی و گفته‌هایی از کسانی چون: الکسیس کارل، کارل یونگ، ویلیام جیمز، اریک فروم استناد شده است. کودک در توجه به دین به‌شدت متأثر از پدر و مادر است و هرچه انسان به مرحله بلوغ نزدیک‌تر شود ایمان به حقایق فراطبیعی بیشتر در او رسوخ می‌یابد (ص۱۵۶). از مطالعه تاریخ برمی‌آید که نوجوانان و جوانان نخستین ایمان‌آورندگان به پیامبران بوده‌اند (ص۱۵۹). نگارنده پس از این به نشانه‌ها و نمودهای رشد دینی در سخنان علی(ع) می‌پردازد؛ سپس به نمودهای

رشد دینی از رهگذر توجه به حقیقت انسان و حقیقت دین و حقیقت شرایطی که در آن زندگی می‌کند اشاره می‌کند (ص۱۶۲). و از نمودهای مثبت و منفی رشد دینی در انسان می‌گوید. موانع و عوامل رشد دینی، آثار رشد دینی دیگر بحث‌های این فصل است.

در فصل پنجم، نخست به دشواری‌های همداستانی بر تعریفی یگانه برای مفاهیمی چون عاطفه اشاره و بعد گوشزد می‌شود که در این فراز تعاریفی برگزیده شده است که گمان می‌رود هدف نگارنده را برآورده می‌سازد (ص۱۸۷). نگارنده پس از بازگفت شماری از تعاریف، به عواطف سازنده و عواطف ویرانگر اشاره می‌کند و جنبه‌های گوناگون عاطفه را بیان می‌دارد. ویژگی‌های روحی، عواطف نوجوانان، نمودهای رشد عاطفی، عشق، غضب، اضطراب روحی، ترس، آثار رشد عاطفی مطالب بعدی این فصل است.

رشد اجتماعی در فصل ششم بررسی می‌شود. این‌گونه رشد در مرحله نوجوانی آشکارا نمود می‌یابد (ص۲۳۷) و آثاری دارد که به شماری از آن‌ها اشاره شده است. نکته بعدی بیان عوامل مؤثر در رشد اجتماعی است و پس از آن از تعامل اجتماعی از نگاه قرآن کریم سخن رفته است. برخی از دیگر بحث‌های این فصل به قرار زیر است: دوستی و مصاحبت، معاشرت، تعامل اجتماعی منفی، مسئولیت اجتماعی، تشکیل گروه‌های دوستی، عوامل تحکیم روابط گروهی، اوج تعامل اجتماعی مثبت.

رئوس مطالب فصل هفتم از این قرار است: اهمیت اخلاق، نمودهای رشد اخلاقی، توجه به نوجوانان در روایات، عوامل اصلی رشد اخلاقی (توفیق الهی، مراقبت از خود، مربی)، روش‌های پرورش اخلاقی (تربیت از راه اسوه، پاداش و تنبیه)، مراحل تربیت [اخلاقی]، شرایط مساعد برای رشد اخلاقی، آثار رشد اخلاقی.

در فصل فرجامین این اثر به رشد جنسی پرداخته شده است. روشن است که در تعلیم و تربیت در پی رشد و پرورش غریزه جنسی نیستیم بلکه هدف هدایت و مهار این غریزه است، با این حال نگارنده، شاید برای حفظ سیاق عناوین فصول و وفاداری به عنوان کتاب، عنوان این فصل را رشد جنسی نهاده است و نخست به بیان تفاوت بلوغ جنسی مذکر و مؤنث پرداخته سپس از لزوم آگاهی‌های جنسی و عوامل آن یاد کرده، آنگاه به مطالب زیر اشاره کرده است: پیامدهای جنسی نوجوانی، استمنا و زیان‌های (روحی، عقلی، اخلاقی، بهداشتی، جنسی) آن، پیشگیری و درمان، زنا و زیان‌ها و پیشگیری و درمان آن، انحرافات جنسی، هم‌جنس‌بازی، مراحل عملی تربیت جنسی.

در زبان فارسی کتابی که به نوجوانی و نمودهای رشد در آن بر اساس آیات و روایات پرداخته باشد نداریم. از این‌رو مطالعه این اثر می‌تواند مقدمه مناسبی برای گشودن باب مطالعه و پژوهش در این حوزه بسیار مهم باشد.

* نیز مقایسه شود با:

خالد حامد حازمی، مراحل النمو فی ضوء التربیة الاسلامیة (چاپ اول: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق، ص۳۳ـ۴۲)؛ مجید رشیدپور، رشد عقلی (چاپ اول: تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۲)؛ سمیر جمیل ـ احمد راضی، المراهقون: دراسة تربویة نفسیة من وجهة النظر الاسلامیة (چاپ اول: مکه مکرمه، رابطة العالم الاسلامی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)؛ عبدالعزیز نغمیسی، المراهقون: دراسة نفسیة اسلامیة (چاپ اول: ریاض، دار طیبة، ۱۴۱۱ق)؛ علی‌نقی فقیهی، تربیت جنسی مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث (چاپ سوم: قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸)؛ محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)، ج ۳: تربیت اخلاقی (چاپ اول: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۷۹)؛ محسن ایمانی، تربیت عقلانی (چاپ اول: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸).

۹۳
المسلم المراهق[1]

محمد سید محمد زعبلاوی. چاپ اول: بیروت ـ ریاض، مؤسسة الکتب الثقافیة ـ مکتبة التوبة، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م. ۶ج، ۹۶+۱۲۰+۱۲۰+۱۷۶+۱۲۸+۱۹۲ص، رقعی.

اثر حاضر مجموعه‌ای است شش‌جلدی با فروست: سلسلة دراسات نفسیة تربویة اسلامیة. با حجمی نزدیک به ۸۰۰ صفحه رقعی.

سه جلد نخست این اثر عموماً در زمینه روان‌شناسی رشد نوجوان است و سه جلد دوم آن بیشتر در حوزه پرورش عناصر شخصیتی نوجوان پرداخته شده است. سه جلد دوم فاقد فهرست منابع است و فهرست منابع سه جلد اول یکی و تکراری است.

در عنوان این شش جلد، عبارت المراهق المسلم مشترک است و در هر جلد پسوندی ویژه یافته است، به این ترتیب: خصائص النمو الجسمی؛ خصائص النمو العقل؛ خصائص النمو الانفعالی والاجتماعی؛ تربیة اهم مکونات شخصیة المراهق: الدوافع، الانفعالات؛ تربیة اهم مکونات شخصیة المراهق: العواطف، العادات السلوکیة؛ حاجات المراهق والمشکلات التی تنشأ عنه: الحاجات والمشکلات الجسمیة والنفسیة والاجتماعیة والعقلیة.

بنابراین برای نمونه عنوان کامل جلد اول این مجموعه چنین است: المراهق المسلم خصائص النمو الجسمی.

گفتنی است کتاب یادشده در اصل پایان‌نامه دکتری مؤلف است که پیش از این با عنوان تربیة المراهق ین الاسلام و علم النفس (چاپ اول: بیروت ـ ریاض، مؤسسة الکتب الثقافیة

---

۱. نوجوان مسلمان

ـ مکتبة التوبة، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م، ۵۶۹ ص) منتشر شده است. در چاپ اخیر به شکلی ناشیانه و غیرفنی مطالب کتاب را که در سه بخش چندفصلی قلمی شده بود به شش قسمت تقسیم و در شش جلد چاپ کرده‌اند. از خطاهای رخ‌داده در این تفکیک از جمله آن است که در جلد نخست، فصل اول آمده است اما از فصل دوم و سوم و... در آن خبری نیست.

یا در عنوان جلد چهارم آمده است: تربیت مهم‌ترین عناصر شخصیت نوجوان: انگیزه‌ها و هیجان‌ها؛ و در عنوان جلد پنجم هم آمده است: تربیت مهم‌ترین عناصر شخصیت نوجوان: عواطف و عادات رفتاری، معلوم نیست مهم‌ترین عناصر، دوتای اولی است یا دومی یا هر چهار مورد. اگر هر چهار مورد است چرا در یک جلد نیامده‌اند و... و نیز در جلد پنجم تنها با دو فصل سوم و چهارم روبه‌رو می‌شویم؟

باری در جلد اول، نخست، نوجوانی (المراهقه) تعریف شده است سپس به نوجوانی در قرآن، نوجوانی و بلوغ در سنت نبوی، برخی از احکام نوجوانی در فقه اسلامی، نوجوانی از نگاه روان‌شناسان پرداخته شده است.

پدیدآورنده در شرح ویژگی‌های رشد جسمی از مطالب ذیل یاد کرده است: تعریف رشد در لغت و واژگان قرآنی دال بر مفهوم رشد، عنایت اسلام به رشد جسمی، ویژگی‌های غذای کامل، برخی از اشارات قرآنی به غذا، تقسیم مواد غذایی به حلال و حرام و انواع حلال و حرام، مقدار مناسب غذا، آداب خوردن و آشامیدن، رشد جسمی از نگاه روان‌شناسان، نمودهای رشد فیزیولوژیکی، بزرگ شدن معده و قلب و غدد درون‌ریز چون هیپوفیز و تیروئید، رشد اندام‌ها و عضلات، حرکت در نوجوانی.

جلد دوم با شرح معنای لغوی عقل و اشاره‌ای به عقل در قرآن و تعریف عالمان مسلمان از عقل آغاز گشته است. پس از آن به هوش در قرآن و مطالعات عالمان مسلمان و روان‌شناسان اشاره شده است و در ادامه به این مطالب برمی‌خوریم: رشد توانایی‌های زبانی و ریاضی و هندسی، ادراک در لغت و قرآن، انواع ادراک، تفکر در لغت و قرآن کریم، مراحل تفکر، تفکر دینی در نوجوانی، رشد عقلی از نگاه روان‌شناسان، ادراک عقلی از نگاه روان‌شناسان، تفکر از نگاه روان‌شناسان و مراحل تفکر برای حل مسئله.

جلد سوم، محمل بحث از ویژگی‌های رشد هیجانی و اجتماعی نوجوان است و در آن ضمن بیان معنای لغوی و اصطلاحی به نمونه‌هایی از واکنش‌های هیجانی در قرآن اشارت رفته است؛ سپس به نمودهای رشد هیجانی در نوجوان و ویژگی‌های رشد هیجانی نوجوان از نگاه

روان‌شناسان پرداخته شده است آنگاه از هیجان‌های نوجوانی از دید روان‌شناسان (هیجان ترس، عشق، غیرت، توجه شدید به خود، پندار تحت نظر دیگران بودن) یاد شده است.

در شرح رشد اجتماعی در نوجوانی به مطالب ذیل اشارت رفته است: عوامل مؤثر در رشد اجتماعی نوجوان (خانواده، معلم، سرمشق، عبادت)، بررسی شماری از مظاهر رشد اجتماعی نوجوان (راستی، صله رحم، همکاری در امور خیر و تقوا)، رشد اجتماعی از منظر روان‌شناسان، ویژگی‌های رفتار اجتماعی نوجوان (علاقه به دوستان و همسالان، گرایش به اثبات خود، میل به ایستادگی در برابر قدرت)، گرایش‌های اجتماعی نوجوان (میل به نقد و اصلاح، میل به یاری رساندن به دیگران، دوست‌گزینی، میل به رهبری).

در جلد چهارم طی دو فصل به‌ترتیب به مهم‌ترین عناصر شخصیت نوجوان یعنی انگیزه‌ها و هیجان‌ها به شرح ذیل پرداخته شده است: فصل یکم تربیت انگیزه‌ها (اهمیت انگیزه، انواع انگیزه، انگیزه‌های سرشتی، انگیزه‌های اکتسابی، انگیزه صیانت ذات، انگیزه صیانت نوع، انگیزه از منظر روان‌شناسان، تفسیر انگیزه‌های رفتار، انگیزه‌های سرشتی و اکتسابی از نگاه روان‌شناسان، بررسی شماری از انگیزه‌های آگاهانه و برخی از انگیزه‌های ناخودآگاه و پنهان، تعدیل انگیزه‌ها).

فصل دوم، تربیت هیجان‌ها (تعریف عاطفه و هیجان، مظاهر هیجان در قرآن و سنت، بررسی برخی از هیجان‌های مطرح‌شده در قرآن، هیجان از نگاه روان‌شناسان، مظاهر بیرونی و درونی هیجان، بررسی شماری از هیجان‌ها از نگاه روان‌شناسان، پاسخ به هیجان ترس در قرآن و سنت، مهار هیجان‌ها در قرآن و سنت).

جلد پنجم این نوشتار دربارهٔ دو عنصر مهم دیگر شخصیت نوجوان یعنی عواطف و عادات رفتاری است.

در شرح تربیت عواطف از مطالب زیر یاد شده است: تعریف عاطفه، انواع عاطفه، عاطفه در مطالعات روان‌شناختی عالمان مسلمان، بررسی برخی از عواطف در پرتو تربیت اسلامی، دگرگونی عواطف در پرتو قرآن و سنت، عاطفه از دید روان‌شناسان، تفسیر عاطفه و شکل‌گیری عواطف از منظر روان‌شناسان، مطالعه مهم‌ترین عواطف فعال از دید روان‌شناسان.

تربیت عادات: تعریف عادت، اهمیت مطالعه عادت‌ها، تقسیم عادات، مراحل شکل‌گیری عادت، بررسی برخی از عادات بر اساس قرآن و سنت، مراحل تبدیل عادت‌های بد به عادت‌های خوب از نگاه قرآن و سنت، عادت از نگاه روان‌شناسان.

در جلد پایانی این مجموعه از نیازهای نوجوان و مشکلاتی که در پی دارد سخن رفته است.

در فصل یکم به نیازها جسمی نوجوان و مشکلات مسبوق به آن‌ها پرداخته شده است؛ به این ترتیب: تعریف نیاز، توجه قرآن به نیازهای روحی، علل مشکلات جسمی و بهداشتی نوجوان، اصول کلی که باید رعایت شوند، مهم‌ترین مشکلات جسمی، تأثیر مدرسه در رهنمود بهداشتی، نیازهای جسمی از دید روان‌شناسان.

در فصل دوم به نیازهای اجتماعی و روحی نوجوان نظر شده و از نکات زیر یاد گشته است: نیازهای روحی و اجتماعی نوجوان از دیدگاه روان‌شناسان، بررسی برخی از نیازهای روحی و اجتماعی نوجوان، عوامل مؤثر در رفتار نوجوان، عوامل حل مشکلات روحی و اجتماعی نوجوان در قرآن و سنت، روش‌های تبلیغ و ارشاد، روش‌های حل مشکلات از دید روان‌شناسان و مشاوره و راهنمایی، بررسی پاره‌ای از مشکلات روحی و اجتماعی نوجوان.

در فصل سوم نیازها و مشکلات عقلی نوجوانی مطرح و به امور زیر اشاره شده است: نیازهای عقلی، بررسی پاره‌ای از مشکلات عقلی در نوجوانی، شرح پاره‌ای از اصطلاحات روان‌شناختی.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:
خالد حامد حازمی، مراحل النمو فی ضوء التربية الاسلامية (چاپ اول: رياض، دار عالم الكتب، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)؛ حامد ناصری و خوله درویش، تربية المراهق فی رحاب الاسلام (دمام، دارالرمادی، ۱۴۱۷ق)؛ عبدالعزیز نغمیسی، المراهقون: دراسة نفسية اسلامية (چاپ اول: رياض، دار طيبة، ۱۴۱۱ق)؛ عبدالمنعم ملیجی، تطور الشعور الدینی عند الطفل والمراهق (قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۵م).

۹۴

المشکلات التربویة الاسریة والاسالیب العلاجیة[1]

خالد بن حامد حازمی. [چاپ اول]: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م. ۸۰ص، وزیری.

توجه خاصی که در اسلام به خانواده و مسائل گوناگون آن شده است، در مکتب‌های بشری وجود ندارد و این می‌رساند که بشر در همه امور زندگی آزمند دین است. خانواده در عصر حاضر با چالش‌های فکری و اخلاقی گوناگونی دست‌به‌گریبان است که در اثر آن‌ها مشکلات فراوانی میان همسران و مشکلاتی در تربیت فرزندان پدید آمده است که این اثر در پی بیان آن مشکلات و بررسی علل آن‌ها و شرح روش‌های تربیتی درمان آن‌هاست (ص۵).

مطالب کتاب در دو فصل و بر اساس آیات و روایات و گاه تربیت‌نگاشت‌های مسلمانان پرداخته شده است. سرآغاز فصل نخست، بیان مفهوم خانواده و هدف‌ها و وظایف آن است. نگارنده در ادامه مشکلات خانواده را که حاصل تکیه بر مادیات و دوری از نظام تربیتی اسلام است، به سه دسته: عمومی، همسران، فرزندان تقسیم می‌کند و در شرح آن‌ها از جمله به این نکات اشاره می‌کند: کنترل جمعیت، ازدواج دیرهنگام، شکاف در روابط خانوادگی، کوتاهی همسران در پاسداشت حقوق یکدیگر، کاهش جایگاه مدیریت مرد در خانواده، ضعف اعتقادی و کوتاهی در عبادت، بزهکاری، پرورش روحیات دخترانه در پسران، گوشه‌گیری، سرپیچی، خودبزرگ‌بینی. پایان‌بخش این فصل اشارتی است به نیازهای فرزندان و چند توصیه تربیتی.

---

۱. مشکلات تربیتی خانواده و روش‌های حل آن‌ها

در فصل دوم، به روش‌های تربیتی نظر شده و برای بازشکافت آن، ابتدا بـه مفهـوم روش، تنوع و تعدد روش‌ها در تربیت اسلامی، اهمیت تنوع در روش‌های تربیتی اشارتی رفتـه اسـت، آنگاه از پنج روش تربیتی: استفاده از سرمشق و نمونه برتر، داسـتان، تـشویق و تهدیـد، انـدرز، تنبیه یاد و در واکاوی آن‌ها بـه نکـات ذیـل پرداختـه شـده اسـت: اهمیـت سرمـشق تربیتـی، انگیزه‌های روحی پیروی از سرمشق برتر، بایستی تربیتی داستان، ویژگی‌های داستان‌های قرآن و سنت نبوی، اهمیت تشویق و تهدید در تعلـیم و تربیـت، عوامـل مـؤثر افتـادن ایـن دو روش تربیتی، نابایستی‌های تربیتی به‌کارگیری این دو روش فرهنگی، مفهوم اندرز و اهمیت تربیتی آن، ارکان اندرز، مفهوم تنبیه، انواع تنبیه، اصول تنبیه.

موضوعات مطرح‌شده در این اثر چنان که باید باز و بررسی نشده و به فـروع و جنبـه‌هـای گوناگون مطالب پرداخته نشده است؛ فهرست منابع و مآخذ مؤلف هم غیرفنی و مغلوط تنظیم شده است همچنین، گاه برخی از واژگان، اعلام و عنوان آثار نادرست افتاده‌اند، مثلاً: مغروای را معزاوی؛ التازی را النازی؛ تقریع را تربع؛ الرسالة المفصلة لاحـوال المتعلمـين و احكـام المعلمـين والمتعلمين را الرساله... و احكام المتعلمين آورده‌اند (ص۳۹، ۴۰، ۶۷، ۷۴، ۷۷، ۷۸).

۹۵

المعالم الاساسیة للمنهج التربوی فی الاسلام[1]

مؤسسه بلاغ. چاپ اول: تهران، مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م. ۳۱۲۳ص، وزیری.

در کتاب حاضر که از مقدمه و شش فصل تشکیل شده است، تنها دو فصل نخست آن دربارهٔ تربیت اسلامی به معنای خاص کلمه است. دیگر فصول کتاب در حوزه اخلاق اسلامی و رعایت بهداشت و سلامت تن در اسلام است. در دو فصلی هم که به تربیت اسلامی به‌طور خاص پرداخته شده است با تسامح می‌توان پذیرفت که از ویژگی‌های اساسی برنامه تربیتی در اسلام که عنوان کتاب است سخن رفته است.

در فصل نخست که ویژگی‌های تربیت اسلامی عنوان گرفته است، ابتدا به مفهوم لغوی و اصطلاحی تربیت پرداخته شده است. در این فراز از مفهوم تربیت اسلامی سخن به میان نیامده است. اما اشاره شده است که رسالت اسلام، تربیت و پرورش و ساختن انسان است آن هم در بعد علمی و عملی.

اشارت پسین این فصل به مبانی اساسی در برنامه تربیت اسلامی است و در آن از هشت مبنا یاد شده است، از آن‌هاست: پاکی فطرت و توانایی دریافت خیر و شر، وراثت و محیط، آزادی و اختیار، درس گرفتن از خطاهای دیگران و استفاده از تجارب آنان.

هدف‌های تربیت در اسلام، توجه اسلام به تربیت، همه‌جانبه بودن تربیت اسلامی، مسئولیت تربیت با کیست؟ از دیگر بحث‌های فصل نخست است.

در فصل دوم که بلندترین فصل کتاب است، با موضوعات گوناگونی ـ از اهمیت تربیت در اسلام گرفته تا تربیت و تبلیغ ـ آشنا می‌شویم. فلسفه گرد آمدن این هفده موضوع در فصلی

---

۱. ویژگی‌های پی‌نهادی برنامه تربیتی اسلام

واحد با عنوان مبانی‌ای در تربیت کودک مسلمان بر این قلم‌زن روشن نشد و معلوم نیست چرا گرد آوردن چنین جمع پریشانی روادانسته شده است.

باری سرآغاز این فصل اشارتی است به اهمیت تربیت در اسلام که در آن به اهمیت تربیت در کودکی پرداخته شده است. مطلب بعدی دربارهٔ تربیت متوازن است و مراد از آن وجود توازن بین دنیا و آخرت، نیازهای جسمی و عقلی و روحی، رفتارها و فعالیت‌ها و مواضع، فرد و جامعه است. فراز سوم این فصل دربارهٔ تأثیر محیط بر کودک است و در آن از محیط طبیعی و محیط اجتماعی (خانواده، جامعه، مدرسه، حکومت) یاد شده است. تربیت اخلاقی و روحی چهارمین بحث این فصل است. دیگر بحث‌های این فصل عبارت‌اند از: تربیت عبادی و ایمانی، تربیت قرآنی، تربیت علمی و عقلانی، تربیت بدنی، تربیت اجتماعی، تربیت اقتصادی، تربیت هنری، مبانی کلی تربیت دختران، خطوط کلی تربیت زن، کودک و تربیت برای مدیریت، ارتباط تربیت با دولت و قانون، تربیت و تاریخ، تربیت و تبلیغ.

فصل سوم به بحث از مفهوم اخلاق در اسلام اختصاص یافته است و در آن ضمن بیان دیدگاه‌هایی دربارهٔ تفسیر رفتار انسان، از تفسیر اسلامی مفهوم اخلاق سخن رفته است؛ سپس از اسلام و اخلاق، مؤلفه‌های فعل اخلاقی و به‌فرجام هدف‌های عملی اخلاق در اسلام یاد شده است.

فصل چهارم دربارهٔ نقش اخلاق در ساختن خود و جامعه است. برای شرح و شکافت این موضوع به مطالب ذیل پرداخته شده است: اخلاق و عقیده، اخلاق تکلیف اجتماعی یا واجب کفایی است، ارتباط اخلاق با دولت، ارتباط اخلاق با قانون و نظام اقتصادی و سیاسی، رابطه خانواده با اخلاق.

در فصل پنجم از اسلام و تربیت بدنی و در فصل ششم از بهداشت در اسلام یاد شده است.

گفتنی است از آنجا که در این اثر مفاهیم تعریف نشده است گاه مطالعه‌کننده سردرگم می‌شود چرا که مثلاً ذیل بحث از مبانی بنیادین برنامه تربیتی اسلام، هم از فطرت پاک و آگاهی و اختیار و اراده در انسان یاد شده است، و هم از درس گرفتن از خطاهای گذشتگان (ص ۲۰). یا در فصل دوم که درباره مبانی تربیت کودک مسلمان است، از تربیت زن، ارتباط تربیت با دولت و قانون، تربیت و تاریخ هم یاد شده است که به نظر می‌رسد خارج از موضوع‌اند. برخی از بحث‌ها هم به‌نوعی تکرار شده‌اند که نمونه آن‌ها را در فصل یکم و دوم می‌توان یافت.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

محمد قطب، منهج التربیة الاسلامیة، ۲ جلد (چاپ دوازدهم: بیروت، قاهره، دارالشروق، ۱۴۰۹ق)؛ محمد شدید، منهج القرآن فی التربیة (چاپ اول: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق)؛ عمر احمد عمر، منهج التربیة فی القرآن والسنة (چاپ اول: دمشق - بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م)؛ عباس محجوب، نحو منهج اسلامی فی التربیة والتعلیم (چاپ اول: عجمان - بیروت، دار علوم القرآن - دار ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م).

۹۶

المعلمون والمعلمات صناع الحیاة:
نحو اداء تربوی و تعلیمی افضل[۱]

اسامه حموده. [چاپ اول]: منصوره، دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزیع، [۲۰۰۵م]. ۱۳۶ص، رقعی.

نگارنده بر این باور است که از زمان محمد علی [پاشا] و پس از او دانلوپ کـه نظـام آموزشـی غربی را در مصر طراحی و پیاده نمود، تا امـروز پیوسـته نیـروهـای شـیطانی در سـطح جهـانی می‌کوشند ایمان [مسلمانان] عقیم و تعلیم و تربیت آنان خـراب باشـد. در ایـن میـان معلمـان می‌توانند [و باید] در برابر این شیطان‌ها قد علـم کننـد و نیرنـگ آنـان را آشـکار سـازند. تنهـا سیاست تربیتی‌ای که معلمان ـ که سازندگان زندگی‌اند ـ پیشه می‌کنند می‌تواند بیداری عقل‌هـا و شادابی دل‌ها را به امت بازگرداند (ص ۱۱، ۱۳۱ـ۱۳۲).

بر پایه این بینش و نیز برای روشن‌تر شدن نقش معلمان در ساختن فرهنـگ و تمـدن از راه تعلیم و تربیت بهتر و برتر فرزندان امت است که نویسنده دست‌به‌کار تحریر این اثر شـده و آن را در مقدمه، پنج فصل و خاتمه به پایان برده است.

در فصل نخست که عنوان آن ساختن تمدن از مدرسه آغاز می‌شـود، اسـت، تـلاش شـده است به نقش تعلیم و تربیت و معلمان پرداخته شود. نگارنده در شرح ایـن موضـوع از جملـه آورده است که گفته‌اند: فرعون اگر زیرک بود به جای کشتن فرزندان بنی‌اسرائیل، مدرسـه برپـا می‌داشت و آنان را چنان که خود می‌خواست بـار مـی‌آورد (ص۱۳). تربیـت و رسـالت معلـم، معلم نمونه و مطلوب در میراث اسلامی از دیگر بحث‌های این فصل است.

۱. معلمان سازندگان زندگی: گامی فراسوی بهتر به‌جا آوردن وظیفه تربیتی و آموزشی

فصل دوم دربارهٔ ارکان مدیریت موفق است و در بازشکافت آن ابتدا از مدیریت و طبیعت آن سخن رفته است؛ سپس به انواع مدیریت و اداره مراکز آموزشی اشاره شده است و پس از بیان ویژگی‌های شخصی مدیر در هر یک از انواع یادشده، به ویژگی‌های مدیریت فعال پرداخته شده است.

نگارنده در فصل سوم به روابط معلم و شاگرد نظر کرده است. وی معتقد است که رابطه میان معلم و شاگردانش باید مثبت و متقابل و بر اطمینان استوار باشد. این رابطه گونه‌ای عقد دوجانبه است که مناسب است آن را پیمان یاری و مساعدت بخوانیم (ص۴۷). نگارنده در ادامه، پذیرش شاگرد، فهم نیازها و افکار شاگرد، درک احساسات شاگرد را از محورهای پی‌نهادی موفقیت هر عمل اجتماعی و سهولت فعالیت تربیتی دانسته است و سپس به تربیت فکری درست، فلسفه اندیشه اسلامی، هدف‌های فعالیت تربیتی از منظر اسلام اشاره کرده است.

موضوع فصل چهارم، تربیت شغلی ـ حرفه‌ای در جهان متغیر است و در آن به این مطالب اشاره شده است: نقش مدرسه در تربیت افرادی سازگار با اقتضای جامعه، مؤلفه‌های فرهنگی مدرسه، وظایف مدرسه، روابط انسانی در جامعه و محیط آموزشی، فناوری اطلاعات، گونه‌ای تازه از معلمان.

در فصل فرجامین این کتاب، برخی از مشکلات تربیتی و آموزشی مطرح و یادآوری شده است که آبشخور همه این مشکلات، بحران ارزش‌ها است (ص۸۷). مؤلف پس از این اشاره‌ها، به هدف‌های اخلاقی در اسلام و این‌که اخلاق ملاک رشد و انحطاط انسان است پرداخته و در شرح راهکار برون‌رفت از بحران ارزش‌ها، از سه مؤلفه خشونت در محیط آموزشی، نوجوانی و یادگیری یاد کرده است.

۹۷

مکونات العملیة التعلیمیة فی الفکر التربوی الاسلامی: دراسة وصفیة تحلیلیة[1]

ذ. محمـد بـوزیری. چـاپ اول: دارالبیـضاء [مـراکش]، دارالثقافـة للنـشر والتوزیـع، ۲۰۰۵م. ۲۷۸ص، وزیری.

در کتاب حاضر که برنده ششمین دوره جایزه عبدالله کنون مراکش اسـت تـلاش شـده اسـت عناصر و مؤلفه‌های فرآیند آموزش در اندیشه تربیتی در اسلام بررسی و معرفی شوند.

نمی‌دانم چرا، اما در مغرب اسلامی یعنی لیبی، الجزایر و مراکش در حـوزه تربیـت اسـلامی کمتر بلکه بسیار کم قلم‌فرسایی شده است و این کتاب از معدود آثاری است که در این حـوزه منتشر گشته است.

نگارنده در شرح و شکافت موضوع از پنج عنصر یاد کرده و به بررسی آن‌ها پرداخته اسـت. وی پیش از این شرح و پرداخت به شماری از اصول و مبانی اندیـشه تربیتـی در اسـلام اشـاره کرده و پیش از این اشارت نیز در پیشگفتار کتاب از جمله به انگیزه‌هـای خـود از تحریـر ایـن کتاب و برخی از مشکلات بررسی فرآیند آموزش نظر کرده است. خلاصه و جمع‌بندی و نقـل گزیده‌هایی از آرای تربیتی برخی از مربیان مسلمان مانند غزالی و ابن‌خلدون بحث‌هـای پایـانی این کتاب است.

در شرح مبانی اندیشه تربیتی در اسلام، نخست اشاره شده است که هر نظام تربیتی، غایات و هدف‌ها و مشروعیتش را از مبانی خود می‌گیرد؛ سپس به مبانی هشت‌گانه تربیت اسلامی بـه

---

۱. مؤلفه‌های فرآیند آموزش در اندیشه تربیتی اسلامی: مطالعه‌ای توصیفی ـ تحلیلی

شرح ذیل پرداخته شده است: مرجع اصلی تعیین قواعد رفتار و تعیین معیارهای فعالیت در همه زمینه‌ها، قرآن و سنت است؛ رسول خدا(ص) سرمشق معلم و مدرس مسلمان است و وی باید در گفتار و رفتار و اخلاق و... از رسول خدا(ص) پیروی کند. مبنای سوم، خودارزیابی همه‌جانبه و فراگیر است. سازواری و تعامل میان بعد معنوی و مادی انسان و ایجاد توازن میان آن‌ها مبنای چهارم و برابری فرصت‌های آموزشی برای همگان مبنای پنجم است. پذیرش اهمیت دانش در زندگی فردی و اجتماعی و آن را هدف اساسی دانستن، مبنای ششم و آزادی در چارچوب مسئولیت دینی و اخلاقی مبنا هفتم و لزوم جمع میان علم و عمل و گفتار و کردار، مبنای هشتم اندیشه تربیتی در اسلام است.

عناصر پنج‌گانه فرآیند تعلیم در اندیشه تربیتی در اسلام که نویسنده به شرح و شکافت آن‌ها همت گمارده است عبارت‌اند از: آموزشکار، دانش‌آموز، برنامه آموزشی، روش‌ها و شیوه‌های آموزشی، هدف‌های آموزشی و ارزیابی تحصیلی.

آموزشکار: در ادبیات تربیتی ما به جای آموزشکار/ مدرس، بیشتر از واژه معلم استفاده شده است. نگارنده پس از اشاره به این نکته و علت آن و پیش از بررسی کوتاه شروط و شایستگی‌ها و اخلاق و صفات معلم، از زبان امام محمد غزالی به مراحل چهارگانه‌ای که فرد باید سپری کند تا به مرحله گردن نهادن به آموزش برسد پرداخته است.

مربیان مسلمان معلمی را رسالت می‌دانند نه پیشه‌ای چونان دیگر شغل‌ها. بر این اساس، برای معلم وظایفی برشمارده‌اند که نگارنده به هشت مورد از آن‌ها از زبان امام محمد غزالی اشاره کرده است؛ سپس شماری از اصول آموزشی که بر معلم است در مقام آموزش آن‌ها را پاس بدارد برشمارده است. پس از آن به برخی از شروط معلمی از زبان عبدالباسط علموی، ابن‌جماعه، امام محمد غزالی، ابوالحسن ماوردی پرداخته شده است.

مؤلف در ادامه این بحث به دیدگاه شماری از مربیان مسلمان دربارهٔ گرفتن دستمزد معلمی اشاره کرده و نظر نووی، مالک [بن انس]، ابوالحسن قابسی، ابن‌مسعود، ابن‌حبیب، امام محمد غزالی، ابن‌سحنون را در این‌باره بازگفته است.

شاگرد: عنصر دوم دخیل در فرآیند آموزش است. نگارنده این عنصر را مهم‌ترین عنصر در فرآیند آموزش دانسته (ص۹۲) و برای بازشکافت این جایگاه به شرح آداب و وظایف شاگرد از زبان امام محمد غزالی پرداخته و مطالب را با استفاده از دیدگاه دیگر مربیان مسلمان بررسی و تحلیل و مقایسه کرده است. مطلب بعدی اشارتی است به اخلاق و آداب متعلم در مطالعه و

درس و پس از آن از برخی از روش‌های یادگیری و مهارت‌های آموزشی یاد شده و به بیان روابط میان معلم و متعلم پرداخته شده است.

نگارنده در ادامه و به مناسبت بحث، از مقوله تشویق و تنبیه در فرآیند تعلیم در اندیشه تربیتی در اسلام یاد کرده و در شرح موضوع ضمن اشاره به دیدگاه‌های مربیانی چون ابن‌جزار قیروانی و ابن‌خلدون به تحلیل روایی تنبیه بدنی پرداخته و برای اثبات این دیدگاه از جمله به آیه قصاص در قرآن کریم استناد و نیز اشاره کرده است که تنبیه ناگزیر باید جنبه تربیتی داشته باشد، وانگهی تنبیه برای تربیت و تهذیب شروطی دارد که پایبندی به آن‌ها ضرورت دارد.

برنامه آموزشی: سومین عنصر از عناصر یادشده در فرآیند آموزش است. نگارنده در واکاوی این عنصر، نخست از اهمیت و جایگاه برنامه آموزشی یاد کرده است، آنگاه افزوده است که برنامه آموزشی، نظامی است که دارای چند نظام فرعی است: هدف‌ها، مواد آموزشی، روش‌های آموزشی، ارزیابی و آزمون. پس از این به مواد درسی در برنامه آموزشی در اندیشه تربیتی در اسلام پرداخته و اشاره شده است که در مواد آموزشی باید دو شرط فراهم باشد: توجه به بعد اخلاقی، تأکید بر فعالیت‌های عقلی یعنی مشاهده و تفکر و منطق و تجربه و تحلیل. در ادامه بحث به شماری از مواد درسی در فرهنگ اسلامی اشاره شده است و با تقسیم مواد آموزشی برنامه آموزشی دولت‌های اسلامی به این تقسیم‌بندی از نگاه ابن‌خلدون اشاره و مواد آموزشی دولت‌هایی که در تقسیم ابن‌خلدون قرار گرفته‌اند شرح و بررسی شده است.

روش‌ها و شیوه‌های آموزشی: سرآغاز این بحث اشارتی است به سیر تحول روش یادگیری در انسان از آموزش طبیعی و مستقیم از طبیعت تا روش‌های ابتدایی بشر؛ سپس به اصول روش‌های آموزشی در اندیشه اسلامی پرداخته و از این رهگذر اصول ذیل شرح و بررسی شده است: تدریج، تبسیط، گفتگو و پرسش. در واشکافت این اصول از دیدگاه‌های فارابی، ابن‌خلدون، امام محمد غزالی، ابن‌جماعه، اخوان‌الصفا، مغراوی، یاد شده است.

نویسنده پس از عرضه چکیده و جمع‌بندی‌ای بلند، گزیده‌هایی از متون تربیتی در اسلام را نقل کرده است. این گزیده‌ها از آثار عالمان ذیل است: عبدالباسط مغراوی، بدرالدین ابن‌جماعه، ابن‌سینا، ابن‌خلدون، ابن‌جزار قیروانی، ابوالحسن ماوردی، ابن‌عبدالبر قرطبی، امام محمد غزالی.

آوردنی است که مباحث این کتاب، پرداخت تازه‌ای دارد و کمابیش خواندنی افتاده است اما از سویی معلوم نیست به چه دلیل از عنصر پنجم یعنی هدف‌ها هیچ حرفی به میان نیامده

است و موجب ضعف ساختاری کتاب شده است؛ و از سویی دیگر غلط‌های چاپی و بی‌دقتی در ضبط برخی از اعلام از وزانت کار کاسته است مثلاً، احمد مدکور را احمد مذکور، محمد ناصر را مصطفی ناصر، محمد فوزی العنتیل را محمد فوزی العتیل، سید قطب را سید فطب، هی را فی (ص۲۵)، لو لا را لول (ص۲۱)، قدوة را قدرة (ص۲۷) آورده‌اند.

* منابعی برای مطالعه فزون‌تر:
بهروز رفیعی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳: امام محمد غزالی (چاپ دوم: قم ـ تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ سمت، ۱۳۸۸)؛ سید احمد احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام (چاپ سوم: تهران، ماجد، ۱۳۷۲)؛ سید محمد مرتضوی، اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام (چاپ اول: مشهد، گل‌نشر، ۱۳۷۵)؛ باقر شریف قرشی، نظام تربیتی اسلام، ترجمه [حسن طارمی] (چاپ اول: تهران، فجر، ۱۳۶۲)؛ خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (چاپ مکرر: تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی).

۹۸
من ادب المحدثین فی التربیة والتعلیم[1]

احمد محمد نور سیف. چاپ اول: دبی، دارالبحوث للدراسات الاسلامیة و احیاء التراث، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م. ۳۳۸ص، وزیری.

این کتاب، نخستین عنوان از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة التربیة الاسلامیة که به قلم مدیرعامل وقت ناشر کتاب که رئیس وقت سازمان اوقاف و امور اسلامی کشور امارات هم بوده، نگاشته شده است.

عالمان مسلمان به‌طور عام و محدثان به‌طور خاص اهمیت آداب و اخلاق آموزشی را گوشزد کرده و خود بدان عنایت ویژه داشته‌اند و در آثار خود به آن پرداخته‌اند و حتی آثار مستقلی در این زمینه نگاشته‌اند.

در کتاب حاضر هدف بررسی این مهم از نگاه محدثان است. نگارنده مطالب کتاب را به چهار مرحله کلی و این مراحل را به صورت مسلسل به دوازده بخش و هر بخش را نیز به چند فصل تقسیم کرده است.

مرحله یکم دربارهٔ آداب و اخلاق شاگرد است و به چهار بخش تقسیم گشته است. در فصول سه‌گانه بخش نخست که اصول سه‌گانه تربیت شاگرد حدیث خوانده شده به امور ذیل پرداخته شده است: اصلاح نیت در آموزش حدیث، به یاد خدا بودن در حالات غیرآموزشی، توجه به ارزش وقت و آن را صرف امور مفید ساختن. بخش دوم این مرحله دربارهٔ آداب شاگرد در مجلس درس محدث است و در فصل‌های چهارگانه آن از آداب درآمدن به مجلس درس محدث، آداب استماع حدیث و رعایت ادب در مجلس، برخی از دیگر آداب حضور در

---

1. درباره آداب و اخلاق آموزشی و پرورشی محدثان

مجلس، آداب پرسش از محدث سخن رفته است. بخش سوم مرحله اول دربارهٔ آداب تلقی و دریافت مطالب محدث و نوشتن از زبان اوست. در این بخش سه‌فصلی از آداب دریافت و تلقی از شیخ، روش محدثان در نوشتن حدیث و اخذ حدیث از شیخ، روش محدثان در بررسی احادیث گردآوری شده و کنار نهادن احادیثی که ضعف راوی آن معلوم شود سخن رفته است. بخش پایانی این مرحله در مورد پایداری در راه آموختن حدیث در وطن و سفر است و در فصل یکم آن به نستوهی در راه کسب حدیث در وطن پرداخته شده است و فصل دوم آن در خصوص پایداری در راه آموختن حدیث در سفر است.

برخی از آداب و اخلاق محدثان دربارهٔ رسالت معلم عنوان مرحله دوم است که از سه بخش بعدی کتاب تشکیل شده است. در بخش پنجم به صفاتی که درخور محدث است پرداخته شده است یعنی بزرگداشت مجلس آموزش حدیث، دوری گزیدن محدث از مواضع خواری و ذلت، برخی از آداب و اخلاق محدث در مجلس آموزش حدیث، مطالب بررسی‌شده در فصل‌های اول تا سوم این بخش است. در بخش ششم از عنایت به شاگرد حدیث‌آموز یاد شده است. این بخش نیز سه فصل دارد و در آن‌ها از پرورش و تربیت حدیث‌آموز و تلاش برای پرورش و رشد استعدادهای او، برخی از وظایف محدث نسبت به شاگردان او، ضرورت نیکی به شاگرد و مدارا با او یاد شده است.

بخش هفتم دربارهٔ ریزکاوی محدث و پرهیز او از لغزش و خطاست و در سه فصل آن از صداقت محدث و باریک‌بینی و امانتداری او در نقل حدیث، دقت نظر محدث و تحقیق و تأمل او در نقل روایت، روش‌های ریزکاوی و تأکید محدثان سخن به میان آمده است.

مرحله سوم دربارهٔ شماری از آداب محدثان در باب وسایل یادگیری است. این مرحله دارای بخش‌های هشتم تا دهم کتاب است. در بخش هشتم از آدابی که در نوشتن باید رعایت شوند و نیز ابزارهایی که برای نوشتن به کار برده می‌شوند بحث شده است. فصل یکم این بخش دربارهٔ توجه به وسایل نوشتن و فصل دوم آن مربوط به آداب نوشت و خط است. در بخش نهم آداب استفاده از کتاب و حقوق مربوط به امانت گرفتن کتاب مطرح شده است. فصل اول این بخش دربارهٔ آداب و وظایف محدثان در استفاده از کتاب، و فصل دوم آن در مورد آداب و اخلاق امانت گرفتن کتاب است.

بخش دهم دربارهٔ آداب و اخلاق بحث و مباحثه حدیث است. در فصل نخست این بخش اهمیت مباحثه و گفتگو علمی دربارهٔ احادیث و آنچه در این امر باید پاس داشته شود

بررسی شده است و در فصل دوم آن از جا و زمان مباحثه و یاری مباحثه بر حفظ حدیث یاد شده است.

مرحله چهارم کتاب، آداب و اخلاق محدثان در جلسه درس عنوان گرفته است و شامل دو بخش یازدهم و دوازدهم کتاب است. مجالس املا موضوع بخش یازدهم است که سه فصل دارد. در فصل نخست به فرق میان مجلس املا با مجلس بحث و مذاکره نظر شده است. فصل دوم به بررسی ویژگی مجلس املا و اموری که باید در آن پاس داشته شود اختصاص یافته است. فصل سوم این بخش دربارهٔ آداب سخن گفتن با محدث در مجلس املا و جز آن است. بخش پایانی کتاب دربارهٔ آداب و سنن پایان بخشیدن به مجلس درس محدثان است.

گفتنی است تکیه عمده مؤلف بر آثار تربیتی محدثانی چون خطیب بغدادی است و البته در بازشکافت مطالب گاه از کتاب و سنت نبوی هم سود برده است.

مطالب کتاب با زحمت فراوان گردآوری و نیک دسته‌بندی شده است. از جمله مزایای بسیار نادر این کتاب در میان همانندهای آن در کشورهای عرب، تدوین چند نمایه در پایان کتاب است.

۹۹

من اعلام التربیة العربیة الاسلامیة[1]

[جمعی از نویسندگان]. چاپ اول: ریاض، مکتب التربیة العربی لـدول الخلـیج، ۱۴۰۹ق/۱۹۹۸م. ۴ج، ۳۳۱+۳۴۵+۳۵۹+۳۶۰ص، وزیری.

کتاب یادشده جلد نخست از دوره‌ای چهارجلدی است که تاریخ چاپ و نشرشان یکی است. این اثر چهارجلدی، بخشی از طرح پژوهشی بزرگی است کـه سـه سـازمان علمـی ـ فرهنگـی عرب، تهیه و تدوین و چاپ و نشر آن را گردن نهاده‌اند.

توضـیح آن‌کـه در سـال ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م میـان سـه سـازمان دفتـر عربـی تربیـت در کشورهای خلـیج کـه مقـر آن در ریـاض عربـستان اسـت، سـازمان عربـی تربیـت و فرهنـگ و دانـش کـه مقـر آن در تـونس اسـت و انجمـن پادشـاهی کـاوش‌هـای تمـدن اسـلامی (مؤسـسه آل‌البیـت) کـه مقـر آن در عمـان اردن اسـت، بـرای تهیـه و نـشر آثـاری مرجـع در حوزه تربیت اسـلامی تـوافقی صـورت پـذیرفت و کمیتـه اجرایـی شـش نفـره‌ای متـشکل از دو نماینـده از هـر سـازمان بـرای عملیـاتی سـاختن تـصمیمات، تـشکیل و تقـسیم و تعیـین مسئولیت شد.

در ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م در دیداری که میان سران سه سازمان در عمان صورت گرفت مقرر شد هر یک از سازمان‌ها اثری را که پذیرفته است، تولید و چاپ کند. درنتیجه نخست، کتاب الفکر التربوی العربی الاسلامی: الاصول والمبادی را سازمان عربی تربیت و فرهنگ و دانش در ۱۹۸۷م در تونس منتشر ساخت؛ در سال ۱۹۸۸م، دفتر عربی تربیت در کـشورهای خلـیج، در ریـاض، کتاب چهارجلدی من اعلام التربیة العربیة الاسلامیة را منتـشر کـرد، و در سـال ۱۹۸۹م انجمـن

---

۱. شماری از مشاهیر تربیت عربی اسلامی

پادشاهی کاوش‌های تمدن اسلامی در عمان کتاب چهارجلدی التربية الاسلامية: المؤسسات والممارسات را راهی بازار کتاب کرد.

باری در این دوره چهارجلدی که به قلم شماری از تربیت‌پژوهان عرب نگاشته شده است، از آرای تربیتی ۴۲ نفر یاد شده است. مطالب در قالب مقاله عرضه شده است و به جز یک مورد هر مقاله به بررسی دیدگاه‌های تربیتی یک نفر اختصاص یافته است.

سطح مقالات نسبت به یکدیگر فراز و فرود دارد اما برخی از آن‌ها مثلاً آنچه دربارهٔ بوعلی نوشته شده است به‌راستی نازل و اصولاً خارج از حوزه تعلیم و تربیت است. مقالات از شرحی بر دیدگاه‌های خلیفه دوم (د.۲۳۰ق) آغاز گشته و با بررسی نظرات تربیتی محمد رشید رضا (د.۱۳۵۴ق) به انجام رسیده است.

از ۴۲ شخصیتی که به اندیشه‌های تربیتی آنان پرداخته شده است، تنها چهار نفر شیعه‌اند: امام جعفرصادق(ع)، خلیل بن احمد فراهیدی، مسکویه رازی، ابوعلی سینا.

در جلد اول به آرای تربیتی شخصیت‌های ذیل پرداخته شده است: عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، امام صادق(ع)، ابوحنیفه، خلیل بن احمد فراهیدی، امام شافعی، ابن‌سحنون، محمد ابن‌سحنون، عمرو بن بحر جاحظ، ابن‌قتیبه.

جلد دوم دربارهٔ نگرش‌های تربیتی دانشمندان زیر است: ابن‌خلاد رامهرمزی، ابن‌جزار قیروانی، ابوالحسن عامری نیشابوری، ابن‌ابی‌زید قیروانی، ابن‌عبدربه، ابوحیان توحیدی، مسکویه، ابن‌سینا، ابن‌حزم اندلسی، ابن‌عبدالبر قرطبی، خطیب بغدادی.

در جلد سوم با آرای تربیتی عالمان زیر آشنا می‌شویم: امام محمد غزالی، ابن‌رشد، ابوالفرج ابن‌جوزی، امام فخر رازی، برهان‌الدین زرنوجی، عزالدین بن عبدالسلام، ابن‌ابی‌اصیبعه، ابن‌تیمیه، بدرالدین بن جماعه، ابن‌الحاج عبدری.

در جلد چهارم به نگرش‌های تربیتی این عالمان نظر شده است: ذهبی، ابن‌قیم، سبکی، ابن‌خلدون، ابن‌ابی‌جمعه مغراوی، حاجی خلیفه، محمد بن عبدالوهاب، خیرالدین تونسی، عبدالرحمن کواکبی، محمد عبده، محمد رشید رضا.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ۵ جلد (قم - تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت، ۱۳۷۷-۱۳۸۸)؛ محمد عطاران، آرای مربیان بزرگ

مسلمان درباره کودک (چاپ دوم: تهران، دفتر امور کمک‌آموزشی، ۱۳۷۷)؛ عبدالرحمن نحلاوی، اعلام التربیة فی تاریخ الاسلام (بیروت، دارالفکر العربی، [بی‌تا])؛ محمد رضا جواد، ائمة الفکر التربوی الاسلامی (چاپ اول: کویت، ذات السلاسل، ۱۹۸۰م).

۱۰۰

من اهداف التربیة الاسلامیة[1]

خالد بن حامد حازمی. [چاپ اول]: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م. ۱۲۷ص، وزیری.

در این اثر که جلد سوم از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة المنظومة التربویة، تنها چهار مورد از هدف‌های تربیت اسلامی بازشکافی گشته است. مطالب کتاب در مقدمه و پنج فصل تحریر شده است.

خاستگاه هدف‌های تربیت اسلامی، هدف اساسی آفرینش انسان است که در قرآن به آن اشاره شده است. شمار این هدف‌ها تابع گونه‌های فعالیت انسان در زندگی است و چون به همه این شمار نمی‌توان پرداخت تنها به چهار هدف که مهم‌ترند یعنی اهداف علمی، اخلاقی، شغلی، جسمی پرداخته شده است (ص۵).

در فصل نخست به مفهوم تربیت عنایت شده و از معانی لغوی، کاربردهای مشتقات آن در قرآن و مفهوم اصطلاحی تربیت سخن رفته است. آنگاه تربیت، تعریف و تحلیل و به دو نوع عام و خاص تقسیم شده است. در پایان به واژگان مترادف تربیت در فرهنگ اسلامی اشاره شده است. نگارنده در این فصل گفته است: وردت کلمة التربیة و بعض مشتقاتها فی القرآن الکریم بمعان متقاربة (ص ۱۰) حال آن‌که در قرآن کریم هرگز واژه «تربیت» به کار نرفته است.

در فصل دوم به هدف علمی تربیت اسلامی پرداخته شده است. نگارنده در شرح این موضوع ابتدا از اهمیت علم در اسلام و دعوت اسلام به علم‌آموزی یاد می‌کند؛ سپس از تعلیم

---

۱. پاره‌ای از اهداف تربیت اسلامی

و تعلم می‌گوید و به مفهوم علم و تعلیم و اعلام و تعلم اشاره می‌کند و برای تحقق فرآیند تعلیم و نیز مؤثر افتادن آن شروطی برمی‌شمارد؛ سپس به موانع تحصیل علم و پس از آن به عوامل یاری‌بخش فردی و بیرونی فراگیری دانش می‌پردازد. فراز پایانی این فصل دربارهٔ عوامل مؤثر در فراموشی و به یاد آوردن آموخته‌هاست.

موضوع فصل سوم، هدف اخلاقی در تربیت اسلامی است. این فصل با پردازش مفهوم لغوی و اصطلاحی اخلاق و تعریف و شرح اخلاق پسندیده، اخلاق ناپسند و رفتار اخلاقی آغاز می‌شود. آنگاه مفهوم ضابطه اخلاقی و تقسیم آن به شرعی و عرفی و روان‌شناختی و شرح و بسط آن‌ها مطرح می‌شود. نکته بعدی مفهوم فعل اخلاقی است که از آن به حدود اخلاق تعبیر و در واشکافت آن از تقسیم حدود به عام و قواعد چهارگانه آن، و حدود خاص سخن می‌رود. نگارنده بی‌آن‌که عنوان کند در پی شرح حد وسط ارسطویی در اخلاق و اشاره به این نکته است که تا صفتی به صورت عادت درنیاید، فرد را نمی‌توان صاحب آن صفت اخلاقی دانست (ص۵۴ـ۵۹). نگارنده در ادامه، و به پیروی از حسن بصری و ابن‌قیم، بخشش، تحمل و مدارا، پرهیز از آزردن دیگران را اصول محاسن اخلاق می‌داند و آن‌ها را وامی‌کاود و با اشارتی کوتاه به چهار اصل در تربیت اخلاقی سخن را به پایان می‌برد.

هدف شغلی در فصل چهارم باز و بررسی می‌شود. در این فصل، نخست به مسائل کار از دیدگاه اسلام پرداخته و از مفهوم کار و پیشه، فرق کار ساده با کار مرکب و ارتباط میان آن دو یاد شده است؛ سپس از فضیلت کار در اسلام و پاداش آن و لزوم دوری از بیکاری و دعوت دین به کار و تلاش در زندگی و دستیابی به خودبسندگی مالی سخن رفته است. آنگاه به توجه پیامبران و صحابه و عالمان به کار و پیشه‌وری آن‌ها چونان سرمشق اشاره شده است. نکات بعدی این فصل، بیان ارتباط میان تربیت و کار، و اهمیت آموزش شغلی به‌طور عام و پرورش قوای انسان به‌طور خاص و نیز اشاره به اهمیت پدید آوردن آمادگی روحی برای پذیرش کار و پیشه و فن است. اخلاقیات شغلی فرجامین فراز این فصل است.

فصل فرجامین این اثر دربارهٔ تربیت جسمی است و در آن تلاش شده است روشن شود که اسلام به بعد جسمی و مادی انسان هم توجه دارد و در این عنایت به مقولات سه‌گانه پیشگیری، رشد، درمان، نظر دارد. گفتنی است تربیت جسمی در اسلام وسیله تحقق اهداف دیگر است. در جوامع معاصر به تربیت جسمی آن‌مایه و چنان توجه می‌شود که در شکل و هدف و وسایل با برنامه تربیتی اسلامی سازگاری ندارد، از این‌رو مفهوم صحیح تربیت

جسمی در اسلام هم بحث و بسط داده شده است. دیگر آن‌که تربیت بدنی به ورزش منحصر نمی‌شود بلکه جنبه پیشگیری و درمان و تغذیه هم دارد از این‌رو به این مباحث هم اشارتی رفته است (ص۹۵).

* برای آشنایی بیشتر با هدف‌های تربیتی در اسلام و مقایسه مطالب، مطالعه کتاب‌های زیر پیشنهاد می‌شود:
مقداد یالجن، اهداف التربیة الاسلامیة و غایاتها (چاپ سوم: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)؛ ماجد عرسان کیلانی، اهداف التربیة الاسلامیة دراسة مقارنة بین اهداف التربیة الاسلامیة والاهداف التربویة المعاصرة (چاپ دوم: مدینه منوره، مکتبة دارالتراث، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)؛ همو، اهداف التربیة الاسلامیة فی تربیة الفرد و اخراج الامة و تنمیة الاخوة الانسانیة (چاپ دوم: فیرجینیا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م)؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام (چاپ اول: تهران، سمت، ۱۳۷۶)؛ مقداد یالجن، جوانب التربیة الاسلامیة الاساسیة (چاپ اول: بیروت، دارالریحانی للطباعة والنشر، ۱۹۸۶).

۱۰۱

المنهاج الدراسی اسسه و صلته بالنظرية التربوية الاسلامية[1]

عبدالرحمن صالح عبدالله. چاپ اول: ریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیة، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م. م+۲۸۲ص، وزیری.

در این کتاب به برنامه آموزشی و ارتباط آن با نظریه تربیتی اسلام و مبانی برنامه آموزشی پرداخته شده است. نویسنده اثر، کار خود را برآمد سال‌ها پژوهش و تفکر و تدریس دو درس مبانی برنامه‌ریزی آموزشی و نظریه تربیتی اسلام در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه ام‌القری در مکه مکرمه می‌داند.

وی ضمن نقد دیدگاهی که می‌گوید میان برنامه درسی و نظریه تربیتی ارتباطی نیست و این دو موضوع را به صورت دو ماده درسی گسسته از یکدیگر تدریس می‌کند، اشاره کرده است که هدف نخست این کتاب اثبات پیوند ناگسستنی برنامه درسی با نظریه تربیتی است. هدف بعدی تألیف این کتاب ارزیابی انتقادی کتاب‌هایی است که در عین اعتقاد به لزوم برنامه آموزشی‌ای که با جامعه عربی ـ اسلامی سازواری کند، در عمل کارشان مبتنی بر نظریه‌های تربیتی غربی و شرقی است. هدف دیگر مؤلف، معرفی مبانی اسلامی برنامه درسی برگرفته از کتاب و سنت است. نکته دیگر، رویکرد مقایسه‌ای نویسنده در کتاب حاضر است که به قصد اثبات درستی نگرش اسلامی به مسائل تربیتی صورت پذیرفته است.

از مقدمه که بگذریم، مطالب کتاب در شش فصل بسامان شده است.

در فصل یکم به مفهوم برنامه درسی پرداخته شده است. در شرح این موضوع، مفهوم برنامه درسی به سنتی یا قدیمی، و فراگیر تقسیم و هر دو مفهوم نقد و بررسی و نشان داده شده

---

۱. مبانی برنامه درسی و ارتباط آن با نظریه تربیتی اسلام

است که تعریف‌های عرضه‌شده ناقص‌اند و استفاده از اصطلاحات قدیمی، سنتی، فراگیر، بی‌طرفانه صورت نگرفته است و متخصصان عرب در زمینه برنامه‌ریزی درسی چشم‌بسته از نویسندگان غربی تقلید کرده‌اند (ص۲۴).

عنوان فصل دوم موقعیت فلسفه در برنامه‌های درسی است. در این بحث تلاش شده است نشان داده شود که برخلاف اعتقاد بسیاری از اهل نظر، میان قرآن و فلسفه نمی‌توان جمع کرد، و اصولاً در تربیت اسلامی نه مفهوم فلسفه تربیت وجود دارد و نه حتی نفس اصطلاح فلسفه تربیت (ص ۶۰).

نویسنده برای واشکافت دیدگاه خود، نخست به مفهوم و طبیعت فلسفه پرداخته است؛ سپس از مفهوم فلسفه تربیت گفته است، آنگاه فلسفه و فلسفه تربیت را نقد کرده است.

فصل سوم ارتباط موجود میان مؤلفه‌های برنامه درسی و نظریه تربیتی نامیده شده است. نگارنده در شرح و شکافت این عنوان از مفهوم نظریه علمی و نظریه تربیتی و تفاوت‌های آن دو یاد کرده است؛ سپس کوشیده است نشان دهد میان عناصر چهارگانه برنامه درسی یعنی اهداف، مواد آموزشی، روش‌های تدریس، ارزیابی آموزشی با نظریه تربیتی پیوندی مستحکم وجود دارد و تفاوت‌های گوهرین میان عناصر چهارگانه یادشده در برنامه‌های درسی گوناگون برآمد مستقیم تفاوت گوهرین میان نظریه‌های تربیتی حاکم بر هر برنامه آموزشی است.

عنوان فصل چهارم مبانی روان‌شناختی است و در آن به مبانی روان‌شناختی برنامه آموزشی پرداخته شده است. در این فصل ابتدا بر ویژگی‌های سرشتی انسان که او را از دیگر جانداران متمایز ساخته است اشارت رفته است مانند: فطرت، آزادی. در شرح فطرت به پیوند دوسویه وراثت و محیط و مهم‌ترین دلالت‌های تربیتی این امر، و در شرح آزادی به ارتباط آزادی با مسئولیت و نقش آزادی و مسئولیت در تربیت پرداخته شده است. پس از این سخن بر سر انگیزه‌هایی است که رفتار انسانی را برمی‌انگیزد. اشارتی به تربیت و آموزش‌پذیری انسان و نظریه‌هایی که در پی شرح و تفسیر این قابلیت انسان برآمده‌اند و بیان نقاط ضعف آن‌ها، به همراه بحثی دربارهٔ تفاوت‌های فردی و راه‌حل رعایت درست این تفاوت‌ها در مقام آموزش و نقش مهم معلم در این امر دیگر بحث‌های این فصل است.

مبانی اجتماعی برنامه آموزشی در فصل پنجم بررسی شده است. در شرح این مبانی، نخست به فطرت اجتماعی انسان و دلالت‌های اجتماعی رفتار انسان پرداخته شده است. آنگاه آمده است که قوانین معینی بر جامعه انسانی حاکم است از این‌رو باید به عوامل صعود و سقوط جامعه عنایت داشت و همین امر اقتضا می‌کند آموزش اخلاق در رأس برنامه درسی قرار گیرد.

مدرسه به‌تنهایی نمی‌تواند از پس آموزش اخلاقی افراد برآید و برای این مهم باید از دیگر نهادهای جامعه یاری جست. از آنجا که هر جامعه‌ای در محیط طبیعی معینی شکل گرفته است لازم است برنامه آموزشی، افراد را با ویژگی‌های محیط طبیعی جامعه آشنا سازد و آنان را به موضع‌گیری درست در برابر طبیعت وادارد. هر جامعه‌ای فرهنگی ویژه خود دارد، برنامه آموزشی درست و مناسب ناگزیر باید در راستای حفظ فرهنگ اسلامی عمل کند و فرهنگ وارداتی را با تأمل و تأنی بررسی و رد یا قبول کند.

عنوان فصل فرجامین این کتاب مبانی معرفت‌شناختی است و از رهگذر آن مبانی معرفت‌شناختی برنامه درسی بحث و بررسی و اشاره شده است که عقل و حواس از ابزار شناختی انسان است و شناخت عقلی که خاص انسان است تهی از کاستی و نابایستی نیفتاده است و همچنان که عقل ناتوانی‌های شناختی حواس را معلوم می‌دارد، شناخت وحیانی هم از کاستی‌های شناخت عقلی پرده برمی‌گیرد. بنابراین، برنامه آموزشی باید دربردارندهٔ شناخت جاوید یعنی وحیانی، و شناخت عقلی و حسی باشد. یکی از ویژگی‌های بسیار مهم شناخت درست، توانایی ایجاد پیوند میان جهان پیدا و پنهان است. همچنین شناخت درست و مناسب به جمع میان معارف اکتسابی علوم جدید و معرفت وحیانی بسنده نمی‌کند بلکه پافشاری می‌کند تا معارف اکتسابی جدید پیراسته از تعارض با مفاهیم اسلامی و وحیانی باشد.

گفتنی است در آغاز فصل یکم برخلاف دیگر فصل‌ها، نه عبارت الفصل الاول آمده است و نه عنوان فصل یعنی مفهوم المنهاج (ص ۱).

دیگر آن‌که به اعتبار بی‌اعتقادی مؤلف به ارتباط فلسفه و فلسفه تربیت با برنامه آموزشی، بنای وی بر آن است که از مبانی فلسفی برنامه آموزشی یاد نکند، اما مگر بحث از مبانی معرفت‌شناختی جزئی از مباحث مبانی فلسفی نیست؟

باری این اثر خواندنی، از غلط‌های چاپی پیراسته نیست، مثلاً تلعبه، تعلبه ضبط شده است (ص ۲۱۷).

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

ماجد عرسان کیلانی، مناهج التربیة الاسلامیة والمربون العاملون فیها (چاپ اول: بیروت، مؤسسة الریان، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)؛ یعقوب حسن نشوان، المنهج التربوی من منظور اسلامی (چاپ اول: عمان، دارالفرقان، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م).

۱۰۲

منهج اصول التربية الاسلامية المطوّر[1]

مقداد یالجن. چاپ اول: ریاض، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م. ۲۷۲ص، وزیری، تصویر، نمودار، جدول، پیوست.

این نوشتار هجدهمین عنوان از مجموعه‌ای است با فروست: سلسلة کتاب تربیتنا. اصل این کتاب متن درسی رشته علوم تربیتی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود عربستان بوده است که با قدم و قلم شش تن از استادان آن رشته از جمله خود مقداد یالجن تهیه شده و آن دانشگاه در سال ۱۴۰۷ق آن را منتشر کرده است: محب‌الدین ابوصالح و مقداد یالجن و دیگران، اصول التربیة الاسلامیة (چاپ اول: ریاض، کلیة العلوم الاجتماعیه). مقداد یالجن پس از گردن نهادن به تدریس ماده درسی اصول تربیت اسلامی در آن دانشگاه، کار چاپ‌شده آن شش استاد را به مقراض تهذیب و قلم تغییر می‌سپارد تا به صورت کنونی درمی‌آید و منتشر می‌شود. از این‌رو واژه مطور (= دگرگون‌شده/ پیشرفته) را به عنوان کتاب افزوده است. یالجن در مقدمه و نیز متن کتاب به مواضع و موارد تصرفات خویش اشاره کرده و یادآور شده است که از دیگر همکاران خود در تألیف متن چاپ ۱۴۰۷ق، برای اصلاح آن دعوت کرده اما پاسخ مساعدی دریافت نکرده است (ص۵ـ۶). مقدمه، سیزده فصل، خاتمه و پیوست، محمل‌های برگزیده نویسنده برای بیان دیدگاه‌های خود در این کتاب است.

در فصل نخست، مفهوم اصطلاحات اصلی، اهمیت بررسی اصول تربیت به‌طور خاص و تربیت اسلامی به‌طور عام، آبشخورهای معرفتی تربیت اسلامی بحث و بررسی شده است.

---

۱. نظام پیشرفته مبانی تربیت اسلامی

فصل دوم دربارهٔ هدف‌های تربیت اسلامی پرداخته شده است. نویسنده میان هدف و غایت فرق نهاده و به اهمیت تعریف هدف‌های تربیتی پرداخته است؛ سپس به مفهوم لغوی و اصطلاحی اهداف تربیتی و غایت تربیتی روی کرده است. آنگاه همراه اشاره به هدف‌های کلی تربیت اسلامی از روش‌های وصول به آن‌ها هم سخن گفته است.

مبانی اعتقادی و عبادی و تکلیفی و آثار تربیتی آن‌ها در فصل سوم شرح و شکافته گشته است؛ سپس در فصل چهارم، مبانی اخلاقی تربیت اسلامی مطرح و در واکاوی آن فهرست‌وار به این مباحث اشارت رفته است: مفهوم و تعریف اخلاق، اهمیت و معیارهای اخلاق اسلامی، ویژگی‌ها و حوزه‌های اخلاق اسلامی، تربیت اخلاقی در اسلام و اهمیت آن، مهم‌ترین شروط تحقق تربیت اخلاقی در اسلام، عوامل و نهادهای مسئول تربیت اخلاقی، سرشت اخلاقی کودک، مهم‌ترین مراحل تربیت اخلاقی کودک، آداب و اخلاق شاگرد و آثار آن‌ها در موفقیت و پیشرفت علمی او، آداب و اخلاق معلم و تأثیر آن‌ها بر کامیابی معلم و پیشرفت شغلی او.

نگارنده در فصل پنجم به مبانی روان‌شناختی تربیت اسلامی پرداخته است. وی این بحث را به دو بخش تقسیم کرده و در بخش نخست، مطالب زیر را بررسی نموده است: ارتباط تربیت با مطالعه طبیعت انسان، اهمیت شناخت طبیعت انسان برای معلم و متعلم، عناصر اصلی طبیعت انسان، انگیزه‌ها و غرایز و آثار رفتاری آن‌ها، مهم‌ترین هدایت‌های تربیت اسلامی در حوزه غرایز و انگیزه‌ها، مهم‌ترین شروط ایجاد دگرگونی در طبیعت انسان. گفتنی است در این بخش مراد پرداختن به نیازهای مادی و معنوی است (ص ۱۲۰).

در بخش دوم این فصل سخن بر سر نیازهای انسان و روش‌های پاسخ به آن‌هاست. نگارنده پس از اشاره به دسته‌بندی مازلو از نیازهای اساسی هفت‌گانه انسان، از نیازهای ده‌گانه اساسی انسان نام برده و به شرح روش‌های پاسخگویی به آن‌ها پرداخته است.

مبانی اجتماعی تربیت اسلامی در فصل ششم بحث و بررسی شده است. رئوس مطالب این فصل چنین است: نظریه‌هایی که گونه‌های تربیت اخلاقی بر آن‌ها پی نهاده شده است (نظریه جمعی، نظریه فردی، نظریه اسلامی)؛ اصول اجتماعی برساخته بر اصول اخلاقی در اسلام؛ اهداف تربیت اجتماعی در اسلام؛ مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه اسلامی که لازم است ایجاد شود؛ تربیت اسلامی و مشکلات جامعه یا امت.

فصل هفتم، جایگاه واکاوی مبانی اقتصادی [تربیت اسلامی] و دربردارنده مباحث ذیل است: تعریف مفاهیم و اصطلاحات؛ هدف‌های تربیت اقتصادی در اسلام؛ ارکان بنیادین

تربیت اقتصادی در اسلام؛ روش‌های به‌کارگیری اصول اسلامی در زمینه تربیت اقتصادی؛ برجسته‌ترین ویژگی‌های اقتصادی اسلام؛ مهم‌ترین روش‌های تربیت اقتصادی در اسلام.

نگارنده در فصل هشتم، مبانی تاریخی تربیت اسلامی را پیش‌رو نهاده و در واشکافت بحث، نخست اهمیت مبانی تاریخی در تربیت به‌طور عام و تربیت اسلامی به‌طور خاص را واکاویده است. آنگاه به تعریف مفاهیم و اصطلاحات پرداخته؛ سپس از مقتضیات تربیتی مبانی تاریخی گفته و سرانجام به [ضرورت] آشنایی با دستاوردهای بزرگ تاریخی پرداخته است.

در فصل نهم، مبانی سیاسی و اداری و مدیریتی [تربیت اسلامی] مطرح شده است و پس از اشاره به رابطه میان سیاست و تربیت، به تعریف اصطلاحات و شرح ارتباط میان مبانی سیاسی و مبانی تشریعی و شماری از مشخصات بارز سیاست اسلامی پرداخته شده است؛ سپس هدف‌های بیان مبانی سیاسی و اداری و مدیریتی آمده است و با اشاره به مهم‌ترین روش‌های تربیت مدیریت حکیمانه و آشنایی با ویژگی‌های مدیریت حکیمانه و تربیت بر اساس آن، فصل به فرجام آمده است.

فصل دهم دربارهٔ اصول تربیت اسلامی است و در آن به این اصول اشاراتی رفته است: اصل واجب بودن آموزش دیدن بر هر زن و مرد مسلمان؛ اصل واجب بودن آموزش دادن همگان؛ اصل استمرار آموزش؛ اصل لزوم پرورش برای عمل به علم؛ اصل وجوب خودسازی.

نهادهای آموزشی و تربیتی در اسلام و وظایف اساسی تربیتی آن‌ها موضوع فصل یازدهم است و در آن پس از بیان نقش نهادهای آموزشی و تربیتی در ظفرمندی تربیت، به خانواده مسلمان و مهم‌ترین وظایف تربیتی او نظر شده است؛ سپس به مسجد و مهم‌ترین وظایف تربیتی آن؛ مدرسه اسلامی و وظایف تربیتی آن؛ نابایستی‌های مدرسه‌های جدید و راه‌های رفع آن‌ها؛ تبلیغات و وظایف تربیتی آن‌ها، مهم‌ترین هدف‌های تبلیغات تربیتی اسلامی پرداخته شده است.

در فصل دوازدهم، روش‌های تربیت اسلامی بازشکافته شده است. سرآغاز این فصل بیان مفهوم روش و گونه‌های آن است و پس از آن به مهم‌ترین روش‌های آموزشی و تربیتی در اسلام و سپس اهمیت تعیین روش‌های تربیت اسلامی اشاره شده است. مطلب بعدی بیان مهم‌ترین روش‌های عام تربیت اسلامی همراه با گوشزدی به روش‌های پیشگیری تربیتی در اسلام است.

نگارنده در ادامه به شرح روش‌های زیر پرداخته است: روش بحث و مناظره علمی و مهم‌ترین شروط موفقیت این روش و اهمیت آن؛ روش تشویق و تهدید؛ روش عملی و تجربی؛ روش اسوه‌ای؛ مفهوم اسوه و سرمشق؛ اهمیت این روش تربیتی؛ انواع سرمشق؛ روش تمثیل؛ هدف‌های این روش؛ نمونه‌هایی از امثال در قرآن و سنت.

فصل سیزدهم که فرجامین فراز کتاب است جستاری است دربارهٔ ویژگی‌های تربیت اسلامی که از رهگذر آن به ویژگی‌های برشمارده‌شده برای تربیت اسلامی در پژوهش‌های پیشین، ویژگی‌های کلی و اساسی تربیت اسلامی و شرح این ویژگی‌ها پرداخته شده است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

خورشید احمد، اصول تعلیم و تربیت اسلامی، ترجمه سکینه سرابخش (چاپ اول: [بی‌جا]، مترجم، ۱۳۶۷)؛ رضا فرهادیان، اصول و مبانی تربیت در قرآن (چاپ مکرر: قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)؛ سید محمد مرتضوی، اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام (چاپ اول: مشهد، گل‌نشر، ۱۳۷۵)؛ سید احمد احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام (چاپ سوم: تهران، ماجد، ۱۳۷۲).

۱۰۳
المنهج التربوی عند اهل‌البیت علیهم‌السلام[1]

سید سعید کاظم عذاری. [چاپ اول]: قم، مرکز الطباعة والنشر للمجمع العالمی لاهل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۷ق. ۲۹۷ص، رقعی.

در فصول هفت‌گانه این اثر که به‌اختصار برگزار گشته است، تلاش شده گوشه‌هایی از برنامه تربیتی از نگاه اهل‌بیت(ع) پیش‌رو نهاده شود.

تکیه نگارنده بر روایات اهل‌بیت(ع) است و در شرح مطالب به منابعی که در حوزه تربیت اسلامی به‌طور عام و تربیت از نگاه معصومان(ع) به‌طور خاص نوشته شده است، استناد نجسته و استناد او به دیگر آثار تربیتی هم بسیار اندک است.

این اثر فاقد مقدمه و پیشگفتار مؤلف است و در مقدمه ناشر هم به موضوع اثر و خود آن پرداخته نشده است. نگارنده در شرح و شکافت بحث، از مفهوم منهج/ روش/ برنامه و کاربردهای گونه‌گون آن در زبان عربی سخنی نگفته است و به بحث‌هایی چون مفهوم تربیت، امکان و لزوم تربیت و... از منظر اهل‌بیت(ع) هم نپرداخته است.

فهرست الفبایی منابع این نگاشته، غیرفنی و پرخطا افتاده است: مثلاً، اضواء علی النفس پیش از ارشاد القلوب (ص۲۵۸)، و مجموعه ورام، پس از من لایحضره الفقیه (ص۲۸۹) آمده است. دیگر آن‌که گاه مطالبی بدون سند به اهل‌بیت(ع) استناد داده شده است (ص۶۷، ۱۷ بند آخر، ۹۹_۱۰۰، ۲۷۱). نیز برخی از ارقام و آمار یادشده در این کتاب مربوط به سال‌های ۱۹۷۲_۱۹۹۶م و کمابیش قدیمی است (ص ۲۶۰_۲۶۳).

---

۱. برنامه تربیتی از نگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام

عنوان فصل نخست، اصول تربیت در برنامه اهل‌بیت(ع) است. در این برنامه، اصولی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به اصول روان‌شناختی، اصول شخصی، اصول اجتماعی تقسیم نمود (ص۹). اصول روان‌شناختی این برنامه عبارت‌اند از: استعداد و آمادگی، تعقل، یادگیری و انتقال. مراد نویسنده از انتقال، گذر از فعالیت نظری به فعالیت عملی در تعلیم و تربیت است (ص۱۷ـ۱۹)، تلاش و فعالیت، تجربه‌ها. از آنجا که نگارنده، اصل را تعریف نکرده، معلوم نیست به چه اعتبار تجربه را از اصول روان‌شناختی تربیت شمارده است و عجیب است که وی در شرح این اصل می‌گوید: تجربه از عوامل مهم تربیت است (ص ۲۰)!

در بازشکافت اصول شخصی تربیت به چهار اصل توازن روحی میان مربی و متربی، پذیرش مسئولیت تربیتی، تأمل و هوشیاری، تکامل پرداخته شده است. مؤلف در توضیح اصل تکامل، چنان سخن گفته است که پنداری اصل و هدف را یکی دانسته، یا به فرق میان این دو توجه نداشته است، چرا که از مراحل تکامل و مقدمات آن می‌گوید و تکامل را فرآیندی می‌داند که با مداومت بر روش‌های آن فراچنگ می‌آید (ص۳۰ـ۳۳).

تعاون، سازگاری اجتماعی، پاسداشت حقوق دیگران، عدالت اجتماعی، اصول اجتماعی تربیت در برنامه تربیتی اهل‌بیت(ع) معرفی شده‌اند.

عناوین دیگر فصول این کتاب چنین است: تأثیر وراثت و محیط بر ساختار تربیت، تکیه بر مرحله کودکی در برنامه تربیتی اهل‌بیت(ع)، عوامل موفقیت برنامه تربیتی از نگاه اهل‌بیت(ع)، نقش ارزش‌های معنوی در زمینه تربیت، ویژگی‌های مربیان و روش‌های تربیت، امتیازهای برنامه تربیتی اهل‌بیت(ع).

* برای آشنایی بیشتر با تربیت از نگاه اهل‌بیت(ع) از جمله بنگرید به:
رجبعلی مظلومی، تربیت از دیدگاه معصومین(ع) (تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۴)؛ سید محمد نجفی، فرزند در مکتب اهل‌بیت(ع) (چاپ اول: قم، مؤلف، زمستان ۱۳۷۱)؛ رجبعلی مظلومی، تربیت معنایی ـ تربیت از دیدگاه ائمه اطهار(ع) (چاپ دوم: تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، بهار ۱۳۸۵)؛ سید علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) (چاپ ششم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶).

۱۰۴

المنهج التربوی فی القرآن والسنة[1]

عبدالمؤمن ابوالعینین حفیشه. چاپ اول: کویت، مکتبة الصحوة الاسلامیة، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م. ۲۷۹ص، وزیری، جدول.

در این کتاب تلاش شده است عظمت اسلام و برزمان و برمکان بودن آن بیان و نشان داده شود که خیر تنها در چنگ آویختن به اسلام، و شر در دوری از آن است و مسلمانان، امروزه سخت آزمند بازگشت به برنامه خداوند و سنت پیامبرند. آنان باید به اسلام عمل کنند و ترجمان راستین قرآن باشند. بلای جان مسلمانان این است که قرآن نمی‌خوانند و هر گاه بخوانند، نمی‌فهمند و هر گاه بفهمند به آن عمل نمی‌کنند (ص۲۷۱_۲۷۲).

کتاب حاضر از مقدمه، سه بخش و خاتمه تشکیل شده است. در بخش اول و دوم گاه به صورت کمابیش مقایسه‌ای عمل شده است. گرچه نگارنده بر این باور است که برنامه الهی، قابل مقایسه با برنامه بشری نیست (ص۱۲۲). اما در جایی دیگر به این مقایسه تصریح کرده است (ص۱۲۱). در این اثر، گاه آمار و ارقام قدیمی ارائه شده است. بخش اول کتاب فاقد عنوان است.

بخش اول دارای چهار فصل است و در فصل یکم به ویژگی‌های برنامه و نظام تربیت اسلامی یعنی ربانیت، اعتدال و فراگیری آن پرداخته شده است. در فصل دوم، نخست نیم‌نگاهی به انسان در اسلام شده است؛ سپس به تربیت جسم پرداخته شده است. فراز فرجامین فصل دربارهٔ تربیت روح است و در آن از تأثیر عقاید، نماز، روزه، زکات، حج، ذکر بر روح و تربیت آن

۱. برنامه تربیتی در قرآن و سنت

یاد شده است. در فصل سوم از تربیت غرایز سخن رفته است و برای واکاوی موضوع به لحاظ اهمیت و قدرت نیروی جنسی (ص۸) تنها این نیرو مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل فرجامین این بخش دربارهٔ تربیت عواطف و احساسات است. گفتنی است در شرح و بسط این فصل از پرورش عواطف و احساسات سخنی در میان نیست و بیشتر بر آداب و اخلاق اجتماعی‌ای تکیه شده است که پاسداشت آن‌ها لازمه احترام نهادن به احساسات و عواطف دیگران است.

بخش دوم کتاب در سه فصل پرداخته شده است. موضوع این بخش مقایسه میان برنامه و نظام تربیتی در غرب و اسلام است. در فصل نخست کوشش شده است معلوم شود که نظام تربیتی غیرالهی و بشری (غرب)، ناکارآمد، و نظام تربیتی الهی اسلامی کارا و پویاست. آنگاه در فصل دوم به تربیت زن از نگاه اسلام پرداخته شده است. در این فصل تکیه بر مسائل اخلاقی زن است. فصل پایانی بخش دوم به موضوعی کمابیش ابتکاری پرداخته شده و آن تربیت رزمنده است. برای واکاوی این بحث ابتدا با اشاراتی به رفتار غیرانسانی حاکمان و سربازان غیرمسلمان با مسلمانان در اندلس، بوسنی، چین، کشمیر، فلسطین اشغالی، از تربیت رزمنده در نظام تربیتی اسلام بحث و با اشاره به شواهدی تاریخی دال بر حسن رفتار سربازان مسلمانان با دیگران، برتری این نظام تربیتی برای تربیت رزمنده گوشزد گشته است.

عوامل تربیت در نظام تربیتی اسلام، در بخش سوم، بحث و بررسی شده است. در فصل آغازین این بخش از معلم و آداب و وظایف و صفات ده‌گانه معلم شایسته یاد شده است. نقش خانواده در تربیت و وظایف دوازده‌گانه والدین در فصل دوم بازشکافی گشته است. در فصل سوم به نقش جامعه در تربیت پرداخته شده است.

گفتنی است فهرست مطالب این کتاب ناقص و غیرفنی تنظیم شده و حتی به شماره صفحات در مقابل عناوین اشاره نشده است.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

حمد ابراهیم نصر، منهج الاسلام فی تربیة الجندی المسلم (سعودی، دارالاصالة، [بی‌تا])؛ محمد سعید رمضان بوطی، منهج تربوی فرید فی القرآن (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م)؛ عمر احمد عمر، منهج التربیة فی القرآن والسنة (چاپ اول: دمشق، دارالمعرفة، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م).

۱۰۵
المنهج التربوی لثقافة الطفل المسلم[1]

فهیم مصطفی. چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م. ۳۷۶ص، وزیری، جدول، نمونه پرسش‌نامه، نمونه برگه‌های ثبت فعالیت‌های تربیتی.

● عنوان روی جلد: المنهج التربوی فی ثقافة الطفل المسلم.

کتاب حاضر از جمله آثار کمابیش فراوانی است که در کشورهای عرب دربارهٔ آموزش دین به دانش‌آموزان نگاشته شده است.

در کشور ما این مهم به صورت تعینی به وزارت آموزش و پرورش اختصاص یافته است و تاکنون جز یکی دو عنوان کتاب ـ آن هم پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ـ اثری در این زمینه منتشر نگشته است. از آنجا که در کشورهای عرب‌زبان این مقوله مطمح نظر است، سازمان تبلیغات اسلامی هم مجموعه‌ای با عنوان التربیة الاسلامیة برای استفاده در کشورهای عرب چاپ و منتشر کرده است.

باری روی سخن مؤلف کتاب با معلمان است و کوشیده است از مهم‌ترین مسائل مربوط به آشنایی افراد چهار تا پانزده‌ساله با مفاهیم و معارف اسلامی یاد کند. وی کتاب را در مقدمه و چهارده فصل سروسامان داده است.

در فصل نخست که ویژگی‌های برنامه تربیتی پرورش دینی کودک مسلمان خوانده شده است از نگرش تربیتی به ایجاد بینش دینی در کودک مسلمان، هدف‌های ایجاد بینش دینی در کودک، لزوم توجه تربیتی معلم به پرورش بینش در کودک، روش‌هایی که معلم برای موفقیت

۱. برنامه تربیتی برای تربیت کودک مسلمان

در پرورش بینش در کودک باید از آن‌ها پیروی کند، ویژگی‌های پرورش دینی کودک مسلمان، روش‌های پرورش دینی کودک مسلمان سخن رفته است.

عنوان فصل دوم، برنامه تربیتی در اسلام و پرورش دینی کودک است و در آن به مطالب ذیل اشارت رفته است: برنامه تربیتی در عبادات، برنامه اسلامی برای زندگی، فراگیری برنامه تربیتی اسلام، برنامه تربیتی و رفتار کودک مسلمان، هدف‌های تربیتی در اسلام، کودک و نهادهای تربیتی در اسلام.

کودک و مبانی تربیت دینی اسلام، موضوع فصل سوم است. در این فصل ابتدا به عناصر اصلی و مبانی تربیت کودک و رشد او در مهد کودک پرداخته شده است، آنگاه از مبانی تربیت دینی اسلامی در مهد کودک سخن رفته است و در پایان به اصول تربیت دینی اسلامی در دبستان اشاره شده است.

عنوان فصل چهارم، کودک مسلمان و عقیده و ارکان ایمان است و در شرح آن نخست از وظایف معلم و والدین نسبت به ایجاد و پرورش و تثبیت عقاید درست اسلامی در کودک یاد شده است؛ سپس به چگونگی تفهیم شهادتین به کودک و نیز چگونگی شرح و شکافت معنای ارکان ایمان و بیان تفاوت میان ارکان ایمان و ارکان اسلام پرداخته شده است.

عبادات و تربیت دینی کودک مسلمان در فصل پنجم بررسی و برای واکاوی موضوع، نخست از اهمیت عبادت در زندگی فرد مسلمان یاد شده است و در پی آن از طهارت، وضو، تیمم، نماز، زکات، روزه، حج یاد شده و به برخی از احکام آن‌ها پرداخته شده و از وظایف معلم و والدین نسبت به آموزش این عبادات و احکام سخن رفته است.

عنوان فصل ششم، قرآن کریم و احادیث نبوی در تربیت دینی کودک است. نگارنده در شرح و شکافت این بحث، ابتدا به قرآن کریم پرداخته و از اهمیت قرائت و حفظ و فهم آن برای کودک یاد کرده است و پس از آن صفات معلم قرآن کریم را برشمارده است؛ سپس از مبانی و اصول آموزش قرائت قرآن کریم و در پایان از روش‌های آموزش قرآن کریم سخن گفته است.

مؤلف در ادامه به احادیث نبوی روی کرده و معلوم داشته است که اصولاً چرا باید به کودک احادیث نبوی آموزش داده شود. وی پس از این، اصول آموزش احادیث نبوی به کودک را مطرح کرده است و از اهمیت آموزش احادیث نبوی در زندگی فرد مسلمان گفته است. اهمیت آموزش احادیث نبوی به کودک و روش‌های آموزش احادیث نبوی به کودک، بحث‌های دیگر این فصل است.

فصل هفتم دربارهٔ آموزش سیره نبوی به کودک است و در شرح آن بـه مطالـب زیـر اشـاره شده است: زندگی عرب پیش از اسلام، رهنمودهایی به معلم و والـدین بـرای چگـونگی آشـنا کردن کودک با سیره نبوی، اشاراتی به سیره نبوی، گزیده‌هـایی از سـیره نبـوی، گوشـه‌هـایی از دعوت‌های نبوی، نیم‌نگاهی به غزوه‌های نبـوی، گزیـده‌هـایی از زنـدگی نبـوی، درس‌هـایی از زندگی رسول خدا(ص)، اشارتی به تأثیر اسلام بر زندگی عرب.

در فصل هشتم به مهارت‌های شناختی و تربیت دینـی کـودک مـسلمان نظـر شـده اسـت. نگارنده در شرح این موضوع، نخست از مهارت‌های پنج‌گانهٔ فهم، فراگیری، یادآوری، شـنیدن، گفتگو، یاد کرده است؛ سپس به اصولی از مهارت‌های شـناختی و آمـوزش کودکـان بـرای بـه دست آوردن مهارت‌های شناختی پرداخته است. پرورش گرایش عملی در ضمن مهـارت‌هـای شناختی و تحکیم مهارت‌های شناختی از راه آموزش خواندن و مهارت‌های شـناختی و برنامـه تربیت اسلامی دیگر بحث‌های این فصل است.

برنامه خودآموزی و تربیت دینی کودک مسلمان در فـصل نهـم واکـاوی شـده اسـت و در توضیح آن ابتدا خودآموزی تعریف و به اهمیت آن اشارت رفتـه و از جایگـاه معلـم و اهمیـت کتابخانه مدرسه در خودآموزی سخن رفته است؛ سپس از مطالعه و بررسی منابع یادگیری و در پایان از مهارت خلاصه‌نویسی و تحقیق دانش‌آموزی یاد شده است.

مطالبی دربارهٔ کتابخانه در مهد کودک و دبـستان در فـصل دهـم، و بحثـی دربـارهٔ فنـاوری آموزشی و رایانه و نقش آموزشی آن و به‌کارگیری آن‌ها در برنامه‌های آموزشی تربیت اسلامی در فصل یازدهم؛ استفاده آموزشی از صـدا و سـیما در تربیـت دینـی کـودک در فـصل دوازدهـم؛ هنرهای نمایشی و تربیت دینی کودک مسلمان در فصل سیزدهم؛ و بازی و تربیت دینی کودک در فصل چهاردهم واکاوی شده است.

* منابعی دیگر برای مطالعه:

محمد داوودی، تربیت دینی (چـاپ اول: قـم، پژوهـشگاه حـوزه و دانـشگاه، ۱۳۸۳)؛ ابـراهیم سلیم، منهاج الطفل المـسلم (قاهره، دارالمشرق العربی، [بی‌تا])؛ علی قـائمی، پـرورش مـذهبی و اخلاقی کـودک (چاپ سوم: تهران، امیری، ۱۳۶۴)؛ احمد بن عبـدالعزیز حلیبـی، ثقافة الطفـل المسلم (چاپ اول: ریاض، جامعة الامام محمد بن سـعود الاسـلامیة، ۱۴۱۹ق)؛ سـید مجتبـی موسوی زنجان‌رودی، تربیت مذهبی کودک (چاپ اول: قم، میثم تمار، ۱۳۷۷).

۱۰۶

المنهج التربوي والعلمي عند الصوفية[1]

عبدالباری محمد داود. چاپ اول: اسکندریه، مکتبة و مطبعة الإشعاع الفنیة، ۲۰۰۲م.
۱۰۲ص، وزیری.

در این کتاب که از دو فصل تشکیل گشته، تلاش شده است تربیت در تصوف به کوتاهی بررسی و تا حدودی از این شیوه تربیتی اتهام‌زدایی شود. مطالب کتاب بیشتر نقل‌قول است و تحلیل در آن کمتر دیده می‌شود. با توجه به محتوای کتاب، مناسب بود در نام کتاب واژه عملی گنجانده شود نه علمی، زیرا از سویی یک فصل کتاب دربارهٔ کار در تصوف و نقش آن در رشد بشریت است و از سوی دیگر در کتاب از علم و تربیت علمی سخن به میان نیامده است مگر مطالبی که در فصل یکم دربارهٔ روش شناخت از نگاه صوفیان آمده است. تربیت علمی را هر گونه تعریف کنیم، این مطالب را دربر نمی‌گیرد.

در فصل یکم ابتدا به تفاوت فلسفه با تصوف و فقه و کلام پرداخته شده است و پس از آن از مفهوم روش (منهج) به معنای عام و روش علمی به مفهوم خاص یاد شده است؛ سپس اصل بحث آغاز گشته است و در واکاوی موضوع اشاره شده است که روش تربیتی صوفیان، یا اختیاری است و یا اضطراری. در شرح روش اختیاری آمده است که این روش بر چهار اصل استوار است: گرسنگی، سکوت، بیداری، عزلت. پس از شرح این ارکان، به روش اضطراری پرداخته و توضیح داده شده است که گرچه در روش اختیاری اراده و خواست مرید دخیل است اما در روش اضطراری اراده و خواست وی دخالت ندارد و این روش گونه‌ای

---

۱. برنامه تربیتی و علمی صوفیه

جذبه است. در پایان یادآوری شده است که تربیت صوفیان برساخته بر پنج قاعده است: شناخت معبود؛ رضایت به آنچه هست؛ پایبندی به حدود شرعی؛ وفای به عهد؛ صبر بر آنچه از کف رفت.

مطلب بعدی این فصل دربارهٔ روش‌های شناخت از نگاه صوفیان است. نگارنده راه‌های شناخت در تصوف را دو گونه دانسته است: روش بررسی و حدس، روش مجاهده و ذوق یا همان کشف و شهود. پس از شرح کوتاه این دو روش، از ذوق در تصوف با تفصیل بیشتر یاد شده است.

عنوان فصل دوم، نقش صوفیان در رشد بشریت است و در شرح و شکافت آن ابتدا ضمن بحث و بررسی کار از منظر صوفیه، به مطالب زیر پرداخته شده است: مفهوم کار، شروط کار، دستمزد و کارگران، رابطه میان رشد مادی و معنوی، نقش صوفیه در رشد فراگیری که در دفاع از اسلام و گسترش تبلیغات اسلامی و گسترش دانش و دعوت به وحدت اسلامی تجسم یافته است.

پس از این به فضیلت کار و کسب و تشویق به کار از نظر صوفیه پرداخته و اضافه شده است که صوفیان با محیط پیرامون خود برخورد مثبت دارند و از فسردگی و بیکاری دوری می‌کنند.

نکته بعدی این فصل بررسی رابطه کار با توکل از دید صوفیان است و در آن یادآوری شده است که توکل از صفات مؤمنان و محل آن دل است و هیچ مغایرتی با تلاش ندارد.

* مطالعه کتاب ذیل نیز مفید است:

محمد شیخان، التربیة الروحیة بین الصوفیین والسلفیین (چاپ سوم: دمشق، دار قتیبة، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م).

۱۰۷
موسوعة التربية العملية للطفل[1]

هدیةالله احمـد شـاش. چـاپ دوم: قـاهره، دارالـسلام للطباعـة والنـشر والتوزیـع والترجمـة، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م. ۵۷۴ ص، وزیری، جدول، نمودار، تصویر، مقیاس ارزیابی.

در این نوشتار تلاش شده است در کنار بحث‌های نظری در حوزه تربیت کودک در اسـلام، بـا پیش‌رو نهادن پیشنهادها و دستورالعمل هایی، والدین و مربیان به صورت کـاربردی در زدودن و حل مشکلات تربیتی در حوزه‌های رفتاری و عاطفی کودکان یاری و راهنمایی شوند. مخاطـب کتاب عموم مردم به‌ویژه مربیان و والدین است. نیز برای تفهیم بهتر مفاهیم کلیـدی و پایـداری بیشتر آن‌ها در ذهن خواننده، دربارهٔ شماری از مفاهیم نقاشی‌هایی در متن گنجانده شده است.

به‌طور قطع در زبان فارسی و تا آن‌مایه که آگاهی کتاب‌شناخت این قلم‌زن قـد مـی‌دهـد در عربی هم تاکنون چنین اثر آن هم با رویکرد اسلامی منتشر نشده است. به دیگـر سـخن بـدایع این کتاب به‌مراتب بیش از تکرارهای آن است. مؤلف از منابع و مآخذ فراوانـی بهـره گرفتـه و مباحثش کوتاه افتاده و از قرآن کریم و سنت نبوی هم غفلت نکرده است.

در این متن از مربی یاد شده و مراد از آن هر کسی است که به تربیت همت گمـارد اعـم از والدین و معلم و مربی. نیز هر گاه از واژه کودک استفاده شده مراد کودکی اول و کـودکی دوم و هر گاه واژه فرزندان به کار رفته است مراد کودکی و نوجوانی است و در هر دو کاربرد به دختـر و پسر نظر شده است. ناگفته نماند، واژه موسوعه در عنوان کتاب بـه معنـای جُنـگ اسـت نـه دائرةالمعارف یا دانشنامه.

---

۱. جنگ تربیت عملی کودک

از مقدمه تقریظی دکتر عبدالرحمان نقیب - تربیت‌پژوه بنام مصری - و پیشگفتار پدیدآورنده که بگذریم، مطالب این اثر در شش فصل سامان پذیرفته است.

در پیشگفتار مؤلف که کوتاه افتاده است از علل پرداختن به موضوع، اهمیت این کتاب، هدف‌های تألیف آن و روش نگارنده در این پژوهش سخن رفته است.

در فصل یکم، پس از اشاره به معنای لغوی و اصطلاحی کودک (طفل) و تربیت، یادآوری شده است، تربیت نبوی گذشته از اصول چهارگانه تربیت جدید، دارای اصول و مبانی دیگری است. پس از این به اهمیت دوره کودکی و ویژگی‌های رشد کودک و مأجور بودن والدین کوشا در تربیت فرزند و این‌که تربیت فرزند از مهم‌ترین مظاهر شکر نعمت فرزند است پرداخته شده است؛ سپس از حقوق کودک در اسلام و تقسیم آن‌ها به حقوق پیش از ولادت (در طی ده ماده) و حقوق کودک پس از ولادت (در بیست و یک ماده) سخن رفته و افزوده شده است که مردم از سنت‌های نبوی در مورد ولادت فرزند بی‌خبرند از این‌رو به آداب و عادات غربیان روی آورده‌اند. آنگاه به شرح سنت‌های نبوی در روز اول ولادت پرداخته شده است (بشارت دادن، تبریک گفتن، دعا کردن، سپاس گزاردن، در گوش کودک اذان و اقامه گفتن، کام گشودن). پس از این سنت‌های نبوی مربوط به روز هفتم ولادت کودک به‌شرح آمده است (نام نهادن، کنیه نهادن، عقیقه، ختنه، تراشیدن موی سر و معادل وزن آن زر صدقه دادن).

عنوان فصل دوم، گامی فراسوی تربیت خانوادگی درست و بی‌مشکل است و در شرح و واکاوی آن، نخست از نقش خانواده در تربیت فرزندان و مشکلات فراروی خانواده‌های عرب در عصر کنونی یاد شده است و پس از آن از زمان مناسب آغاز تربیت و نقش مادر در تربیت فرزندان در پیش و پس از ولادت و نقش پدر در تربیت فرزندان سخن رفته است (علل دور افتادن پدر از نقش خود، رابطه پدر با کودک و تأثیر آن بر رشد او، پدر چگونه می‌تواند معلم ارزش‌ها و اصول و اهداف باشد؟، پیامدهای زیانبار خشونت پدر با فرزندان، همسر چگونه می‌تواند شوهر را در ایفای نقش پدری یاری رساند؟).

در ادامه به تأثیر نوع روابط والدین با یکدیگر بر تربیت فرزندان نظر شده است (تأثیر اختلافات والدین بر فرزندان، بیان شماری از آثار اختلاف میان والدین بر فرزندان، تأثیر اختلاف میان والدین بر فعالیت‌های تربیتی آنان، هنگام رخ دادن اختلاف و چالش چگونه باید رفتار کرد؟). پس از این به تأثیر طلاق بر فرزندان اشارت رفته و در شرح موضوع از مطالب زیر یاد شده است: چگونه فرزندان را از طلاق آگاه کنیم؟، لزوم و روش دور داشتن فرزندان از

پیامدهای منفی طلاق، پدر خانه‌دار و نقش پدری و مادری، دیدار فرزندان با والدین پس از جدایی آنان، زن‌بابا چگونه باید رفتار کند؟، ازدواج دربارهٔ مادر و تربیت فرزند.

پدیدآورنده پس از این به چگونگی رویارویی با عوامل منفی مؤثر بر تربیت فرزندان پرداخته است (ضعیف شدن نقش تربیتی مسجد، راه‌های جبران این ضعف، ناسازگاری گفتار و رفتار بزرگ‌تران به‌ویژه والدین، فقر خانواده، افراط و تفریط در تشویق و تنبیه، دوستان ناباب، کوتاهی در پاسخ به پرسش‌های کودک، ضعف آموزش در مدارس، کمبود ادبیات اسلامی شایسته برای کودکان، طلاق، مسافرت پدر، کار کردن مادر در بیرون از منزل، تلویزیون).

در فصل سوم دربارهٔ مربی موفق و ویژگی‌های او سخن رفته است. سرآغاز این فصل اشارتی است به سی و سه صفت که موجب می‌شود مربی در کار خود کامروا شود؛ سپس برای خودسنجی این صفات در مربی، پرسش‌نامه‌ای با پاسخ‌های آری، گاهی، نه آورده شده است. آنگاه پرسش‌نامه چهارجوابی‌ای تنظیم شده است تا مربی میزان توانایی تعامل خود با کودکان را ارزیابی کند. پس از این در جدولی ضمن بیان شماری از مهارت‌های تربیتی به تعریف آن‌ها پرداخته شده و نمونه‌هایی عملی آورده شده است تا خواننده با تطبیق آن‌ها بر خود دریابد تا چه پایه از این مهارت‌ها برخوردار است. پس از این، پرسش‌های زیر مطرح و واکاوی شده است: آیا هدف تربیت فرزندانت را معلوم داشته‌ای؟ چگونه برای تربیت برنامه‌ریزی کنیم؟ چگونه با فرزندان رابطه‌ای استوار برقرار کنیم؟

خانم نگارنده در ادامه، بیست و چهار روش برای نشان دادن محبت خود به فرزندان مطرح ساخته و پرسش‌نامه‌ای با پاسخ‌های همیشه، گاهی، بسیار کم، هرگز برای خودارزیابی ابراز محبت به فرزندان آورده است؛ سپس با طرح پرسش‌هایی سه‌جوابی از مربی خواسته است با پاسخ به آن‌ها معلوم دارد از مربیان نازپرور است یا بسیار سختگیر است و یا رفتاری متعادل دارد؛ سپس ضمن تعریف هر یک از سه گونه مربی یادشده به نمونه‌هایی از رفتار این مربیان با کودکان اشاره شده و پیامدهای هر یک از این سه نوع تربیت برشمارده شده است و با عنوان کردن هفت رفتار از فرزند به مقایسه واکنش هر یک از سه مربی یادشده نسبت به این رفتار پرداخته شده است. در پایان این بحث، چهار سنجه آورده شده است تا مربی با پاسخ به آن‌ها موقعیت خود را در میان انواع مربی معلوم دارد.

مطلب بعدی شرح ویژگی‌های نوزده‌گانه کودک و رفتار مربی با کودکان، سازوار با ویژگی‌های فردی آن‌هاست و پس از آن به نیازهای یازده‌گانه کودک پرداخته شده است. تعیین و معرفی نیازهای یادشده ناظر به هرم نیازهای مازلو نیست.

در فصل چهارم به چگونگی برقراری روابط هدفدار با فرزندان اشارت رفته و از مطالب ذیل یاد شده است: گفتگو با کودک و اثرات آن، نوع روابط گفتاری نامطلوب و مطلوب با فرزندان، روش‌های پنج‌گانه گفتگو با کودک، نمونه‌هایی از گفتگوی تربیتی هدفمند، شیوه‌های چهارده‌گانه برانگیختن و جذب فرزندان به یادگیری، با پرسش‌های کودک چگونه برخورد کنیم؟، برخوردهای منفی و نادرست با پرسش کودکان، علت این برخوردهای نامطلوب، مهم‌ترین موضوعاتی که کودکان دربارهٔ آن‌ها می‌پرسند و شیوه پاسخگویی به آن‌ها، ویژگی‌های پاسخ‌های مناسب، نوزده قاعده برای قانع شدن کودک به فرمانبری از والدین، افکار و اعمال سی و سه‌گانه‌ای که ما را یاری می‌رسانند با فرزندانمان مهربانانه‌تر و بردبارانه‌تر رفتار کنیم، مخالفت با کودکان و نه گفتن به آنان، چگونه از مخالفت‌ها و نه گفتن‌های گوناگون بکاهیم؟ هجده قانون خانگی برای آسایش خانواده، ضرورت برپایی جلسات خانواده، فواید این جلسات و ویژگی‌های آن‌ها، چگونه آیین‌نامه خانوادگی تهیه کنیم؟، ویژگی‌های مواد تشکیل‌دهنده آیین‌نامه خانواده، اموری که هنگام تدوین آیین‌نامه خانواده باید رعایت شوند، نمونه‌ای از آیین‌نامه خانواده، مهم‌ترین سیاست‌ها و رفتارهای تربیتی نادرست و روش‌های پرهیز از آن‌ها.

عنوان فصل پنجم، قواعد و اصول پاداش و تنبیه است و در واکاوی آن، نخست به علل هشت‌گانه بدرفتاری فرزندان اشارت رفته است و پس از آن از هجده روش برای بهنجارسازی رفتار فرزندان یاد شده است؛ سپس به بیست و دو نکته که لازم است در برنامه روزانه خانه و مدرسه لحاظ شوند تا فرزندان با آرامش و نظم و فرمانبری و همکاری بیشتر در خانه و مدرسه رفتار کنند پرداخته شده است. نکته بعدی آموزش کودکان برای بیان احساسات خود و خشم گرفتن است و در پی آن از روش‌های ایجاد آرامش در کودکان پیش از مدرسه و در مرحله آموزش ابتدایی سخن رفته است. شرح سه قاعده اساسی پاداش و تنبیه مطلب پسین است و روش‌های هجده‌گانه پاداش دادن به کودک پس از آن آمده است.

پدیدآورنده در ادامه بحث به تنبیه روی آورده و از روش‌های سیزده‌گانه آن یاد کرده و به اقدامات پیش از تنبیه کودک پرداخته است و از اصول و ضوابط تنبیه بدنی گفته و افزوده

است که در تنبیه باید عدالت و مساوات رعایت شود؛ سپس به موارد خطا در تنبیه اشاره کرده است.

فصل فرجامین کتاب به بازشکافت این نکته اختصاص یافته که تربیت، مجموعه‌ای از مهارت‌ها و فنون است و در آن به بیست و چهار مهارت تربیتی که لازمه تربیت درست فرزندان و صالح بار آوردن آن‌هاست، پرداخته شده است؛ سپس اشاره شده است که چگونه می‌توان قدرت روحی فرزندان را پرورش داد. پس از آن ادبیات اسلامی، روشی برای پرورش مهارت‌های عقلی کودک معرفی و به زمینه‌های ادبیات اسلامی کودکان اشاره شده است. بحث بعدی این فصل طرح بیست و نه روش برای تأثیر نهادن بر دل و دماغ کودک است.

و در فراز بعدی فصل از راهبرد عام حل مشکلات فرزندان یاد شده است و در فراز پیش‌پایان آن از روش تربیت کودک منظم، و در فرجامین فراز کتاب از برخی امور که مربی را در به‌جا آوردن وظایفش یاری می‌رساند سخن رفته است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:
احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷)؛ محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان بر والدین از نگاه اسلام (چاپ اول: قم، سینا، ۱۳۷۴)؛ عایشه عبدالرحمن سعید جلال، المؤثرات السلبیة فی تربیة الطفل المسلم و طرق علاجها (چاپ اول: جده، دارالمجتمع، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م)؛ گروه کودک و نوجوان مؤسسه بعثت، الطفل نشؤه و تربیته (چاپ اول: تهران، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۰ق)؛ حسین دهنوی، معلم موفق (چاپ اول: قم، ظفر، ۱۳۷۶)؛ کبری (فرشته) کاشانیها، تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن (تهران، رامین، ۱۳۷۷)؛ داود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام (قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱)؛ حسین جرن و محمود جلو، اسالیب التشویق والتعزیز فی القرآن الکریم (چاپ اول: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)؛ عثمان احمد مبروک، تربیة الاولاد والآباء فی الاسلام (حقوق الابناء علی الآباء، مضامینها التربویة فی الاسلام) (چاپ اول: بیروت ـ دمشق، دار قتیبة، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م).

۱۰۸

موسوعة قضايا اسلامية معاصرة[1]

محمد زحیلی. چاپ اول: دمشق، دارالمکتبی، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م. ۷ج، ج۶، ۸۰۰ص، وزیری.

نیمی از جلد ششم این مجموعه هفت‌جلدی (یک جلد آن فهارس است) بـه تربیـت اسـلامی اختصاص یافته است. دیگر مباحث مجموعه یادشده، در حوزه فقه، اقتصاد، احکـام خـانواده، حقوق، قواعد فقه، عقاید و اصول فقه است. عنوان مباحث تربیتی نیمه دوم جلد ششم قبسات فی التربیة الاسلامیة است و در آن به شش بحث با این عناوین پرداخته شده است: ویژگی‌های تربیت نبوی؛ اسلام و تربیت کودکان و جوانان؛ تربیت معلـم و تربیـت اسـلامی؛ نظـام تربیـت اسلامی؛ دانشگاه‌های اسلامی؛ آزرم، شالوده‌بنای جامعه. حال ببینیم در این شـش جـستار چـه گذشته است.

الف) ویژگی‌های تربیت نبوی: این ویژگی‌ها به دو دسته تقـسیم شـده اسـت: ویژگـی‌هـای اساسی و ویژگی‌های عام و کلی. در شرح ویژگی‌های اساسی، نخـست اشـاره شـده اسـت کـه این ویژگی‌ها پی‌نهاد و آبشخور دیگر ویژگی‌هاست. پدیدآورنده در واکاوش ویژگی‌های اساسـی از دو ویژگی یاد کـرده اسـت کـه در واقـع از ویژگـی‌هـای رسـول خـدا(ص) چونـان سـرآمد همه معلمان تاریخ بشر است، یعنی گزینش رسول معلـم(ص) و رهنمـود و هـدایت قرآنـی آن حضرت (ص۴۲۲).

در شرح ویژگی اول آمده است که تربیت نبوی بر سه پایه استوار است: معلم، برنامه، کتاب و در این میان معلم از دیگر ارکان مهم‌تر است و همه صفات معلم شایسته، به کامل‌ترین شکل در رسول خدا(ص) گرد آمده است. پس از این اشاره شده است که رسول خـدا(ص) ویژگـی

---

۱. دانشنامه مسائل اسلامی معاصر

منحصربه‌فردی دارد که جایگاه نخست را در میان ویژگی‌های تربیت نبوی گرفته است و آن برگزیدگی ربانی آن حضرت است. نگارنده در ادامه، برگزیدگی رسول اکرم(ص) را با استناد به آیات و روایات نبوی واشکافته است.

ویژگی اساسی دوم، رهنمود قرآن به رسول خدا(ص) در تربیت است و در شرح آن خاطرنشان گشته است که خداوند به برگزیدن رسول خدا(ص) بسنده نکرده است بلکه با فرستادن کتاب و حکمت آن حضرت را در تبلیغ، تربیت، آموزش و وعظ در مسیری الهی قرار داد (ص۴۲۹). این ویژگی تربیت نبوی - برخلاف ویژگی نخست - برای پیروان رسول خدا(ص) به یادگار مانده است و از ویژگی‌های تربیت اسلامی شده است (ص۴۳۴).

نویسنده در شرح و شناخت ویژگی‌های عام و کلی تربیت نبوی یادآور شده است که این ویژگی‌ها که وجه تمایز تربیت نبوی است، در زندگی آن حضرت مؤثر بوده و چراغ هدایت عالمان و معلمان مسلمان در تربیت مسلمانان به شمار رفته و خاص تربیت اسلامی‌اند (ص۴۳۵). این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: گرایش انسانی تربیت نبوی؛ فراگیری در تربیت نبوی؛ کاربرد عملی در تربیت نبوی؛ روح اخلاقی در تربیت نبوی.

ب) اسلام و تربیت کودکان و نوجوانان: در اسلام مسئولیت تربیت کودک با خانواده، جامعه، مدرسه است؛ و در جوانی گذشته از سه عامل یادشده خود فرد نیز از عوامل تربیتی شمارده می‌شود. بحث دوم این جستار در پی بازشکافت این مسئولیت است.

نگارنده در شرح مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان آورده است که فرزندان از سویی هدیه الهی به زن و شوهر و از سوی دیگر امانت الهی نزد آنان به شمار می‌روند و آنان مسئول تربیت درست فرزندان‌اند. پس از این به آثار کوتاهی والدین در به‌جا آوردن مسئولیت تربیتی خود در عصر حاضر پرداخته و به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شده است.

پرداخت بعدی به برنامه اسلام برای تربیت فرزندان است و در آن ضمن اشاره به دیدگاه‌های مخالف و موافق این برنامه، مهم‌ترین عناصر برنامه اسلام برای تربیت فرزند واکاویده شده است: گزینش درست همسر، آداب مراقبت از نوزاد، توجه به خوراک و جسم و پوشاک فرزند از کودکی، تربیت و پرورش از کودکی، آشنا ساختن فرزندان با حلال و حرام، عادت دادن فرزندان به رفتار عبادی، هدایت فرزندان برای برقراری روابط اجتماعی مستحکم و درست، یاری رساندن به فرزندان برای حفظ قرآن کریم، رعایت مساوات میان فرزندان، سرمشق بودن والدین برای فرزندان، پرورش روحیه اتکای به خداوند در فرزندان.

چهارمین بحث این قسمت دربارهٔ مسئولیت تربیتی جامعه و افزایش اهمیت جامعه در تربیت به علت گسترش و تحول تمدن جدید و مظاهر آن است. پدیدآورنده پس از اشارتی کوتاه به نقش تربیتی جامعه از نگاه اسلام به مسئولیت مدرسه در قبال تربیت پرداخته است.

مدرسه، نقش تربیتی خود را از رهگذر برنامه آموزشی، کتاب‌های درسی، معلم ایفا می‌کند. در این گفتار پس از اشاره به ویژگی‌های برنامه آموزشی سازگار با رهنمودهای اسلام، برخی از صفات کتاب مناسب، با تفصیل بیشتر به معلم و معلمی در اسلام پرداخته شده است.

فراز فرجامین بحث اسلام و تربیت کودکان و جوانان، دربارهٔ تربیت جوانان است و در آن پس از یادآوری این نکته که خود جوان سهم مهمی در ایفای نقش خود در برابر خداوند و جامعه و امت دارد از این‌رو اسلام به‌طور مستقیم جوان را هدایت و ارشاد می‌کند، نه از راه وساطت والدین، به کوتاهی از نیروی جسمی، نیروی جنسی و عاطفی، بعد فکری، بعد روحی جوان سخن رفته است؛ سپس در شرح احکام شرعی خاص جوانان به جوان و عبادت، جوان و ازدواج، رهبری نظامی، غنیمت شماردن جوانی، رابطه میان جوان و بزرگسالان پرداخته شده است.

ج) تربیت معلم تربیت اسلامی: نگارنده در شرح و شکافت این موضوع، پس از تکرار برخی از مطالب گذشته دربارهٔ اهمیت جایگاه تربیتی معلم، به معلمی که علوم و معارف دینی را آموزش می‌دهد پرداخته و از مطالب ذیل یاد کرده است: صفات معلم دینی (تعهد و رسالت دینی، نمونه و سرمشق بودن در اندیشه و رفتار)؛ مسئولیت معلم نسبت به تبلیغ دین؛ عوامل ظفرمندی معلم (فهم هدف‌های آموزش ماده درسی، توانایی شخصی، توانایی دگرگون ساختن روش‌های عرضه مطالب، بهره‌گیری از اصول تدریس، اهتمام به حضور و غیاب شاگردان، استفاده از وسایل کمک‌آموزشی)؛ توکل بر خداوند؛ فعالیت‌های فوق برنامه معلم دینی.

این بحث با اشارتی به تفاوت‌های چهارگانه موجود میان معلم دینی با دیگر معلمان به پایان رسیده است.

د) نظام تربیتی اسلام: در واکاوی این بحث، نخست به مطالبی پرداخته شده است که بیشتر به حوزه فلسفه تربیت اسلامی تعلق دارند. مسائلی چون: انسان خلیفه خدا بر زمین، انسان محور رسالت‌های آسمانی، تکلیف فرشتگان به سجده آدم، برتری انسان بر [بسیاری از] دیگر آفریدگان، انسان هستی را در اختیار می‌گیرد، بزرگ داشتن انسان با عقل، ساختن انسان در اولویت، وحدت و یگانگی انسانیت و تسامح دینی، مبارزه با نژادپرستی، آزادی عقیده، احترام به پرستشگاه‌ها، رفتار انسانی با دیگران، انسان محور فرهنگ و تمدن و اخلاق.

بخش دوم این بحث به ویژگی‌های تربیت اسلامی اختصاص یافته است و از آنجا که مطالب این بخش در بحث ویژگی‌های تربیت نبوی آمده است از تکرار آن‌ها خودداری می‌شود.

ه) دانشگاه‌های اسلامی: مطالب این بحث به دو فصل و هر فصل به چند گفتار تقسیم شده است. فصل یکم که پرورش علمی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های اسلامی عنوان گرفته است دارای سه گفتار است. در گفتار یکم به هدف‌های دانشگاه‌های اسلامی پرداخته شده و برای نمونه به برخی از هدف‌های دانشگاه الازهر مصر، دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض، دانشکده شریعت و مطالعات اسلامی دانشگاه ام‌القری مکه مکرمه، دانشکده شریعت دانشگاه اردن، دانشکده شریعت دانشگاه دمشق، دانشکده اصول دین دانشگاه بغداد، اشاره شده است.

گفتار دوم این فصل دربارهٔ مدارک تحصیلی در دانشگاه‌های اسلامی است. گفتار پایانی این فصل به بررسی صفات فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های اسلامی اختصاص یافته است. مراد از این ویژگی‌ها، ویژگی‌های موجود نیست بلکه ویژگی‌های مطلوب است که عبارت‌اند از: تعهد و رسالت تبلیغی نسبت به اسلام، دارا بودن وجه اصلاحی، یعنی فرد باید مصلح اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی و فکری و دینی و سیاسی و روحی بار آید.

عنوان فصل دوم این بحث، وظایف فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های اسلامی است که در سه گفتار به شرح ذیل واکاوی شده است: در گفتار یکم به وظایف آموزشی این افراد پرداخته شده است (تدریس در دانشگاه، تدریس در آموزش و پرورش، تدریس در مراکز دینی و دبیرستان‌های دینی، تدریس در مساجد، وعظ و ارشاد دینی). در گفتار دوم به مطالعه علمی و تولیدات فکری این افراد نظر شده است، یعنی تحقیق در دانشگاه‌ها، تدوین فرهنگ‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌ها، تحقیق در پژوهشگاه‌ها، تألیف آثار علمی، مشارکت در همایش‌های علمی و ارائه مقالات اسلامی. گفتار سوم دربارهٔ فعالیت‌ها و مشاغل اداری و دولتی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های اسلامی است: تصدی سمت وزارت اوقاف، صدور فتوا، قضاوت، نظارت و بازرسی بر فعالیت‌های دینی در ادارات و نهادهای دولتی، عرضه مشاوره در مسائل دینی در ادارات و نهادهای دولتی.

و) آزرم خشت اول بنای جامعه: در شرح این مطلب پس از اشاره به آنچه میان آدم و حوا و شیطان گذشت و نخستین نمود آزرم در رفتار آدم و حوا (ستر عورت)، آمده است که آزرم و حیامندی نیازمند احیای سنت و بازسازی است، چه در جوامع اسلامی و عربی با تقلید از ضد

ارزش‌های غربی، آزرم در میان مردان و زنان کم‌رنگ گشته و بی‌آزرمی، خود را در رفتار فردی و اجتماعی چون بی‌حیایی و هرزگی در پوشاک نشان داده است؛ سپس آزرم از فضایل اخلاقی بلکه در رأس آن‌ها شمارده و خاطرنشان گشته است که حیا و آزرم خاص زن نیست و مرد هم باید در پوشاک و رفتار و فعالیت‌ها شرط آزرم نگه دارد. اشارتی کوتاه به این‌که اخلاق پایه و مایه جامعه و اساس اصلاح است پایان‌بخش سخن است.

گفتنی است با همه اهمیتی که نوجوانی در زندگی هر کس دارد، در بحث اسلام و تربیت کودک و جوان، از نوجوانی یکسره صرف نظر گشته است.

نیز این جلد از مجموعه و لابد دیگر مجلدات آن، بدون ویرایش لازم به چاپ رسیده است، چه در مقدمه بحث پرورش معلم دینی از نخستین همایش جهانی آموزش اسلامی تقدیر و تحلیل شده است (ص۵۴۹). و این می‌رساند که این بحث مقاله‌ای بوده است که در آن همایش عرضه شده و اینک بی‌کم‌وکاست در این مجموعه چاپ شده است.

همچنین گاه در بحث‌ها تکرار صورت گرفته است. این تکرارها خواسته مؤلف نیست، بلکه ناشی از آن است که هر بحث، موضوع مقالتی بوده است و بدون هر گونه تصرف و اصلاح و هماهنگی و بررسی کنار هم نهاده شده‌اند. درنتیجه آنچه در صفحه ۵۲۵ تا ۵۳۰ آمده، عیناً در صفحه ۵۵۳ تکرار شده است. همچنان که مطالب صفحه ۴۱۷ تا ۴۷۵ در صفحات ۶۴۳ تا ۶۹۸ تکرار شده است.

دیگر آن‌که نگارنده مفاهیم را تعریف نکرده است، مثلاً در بحث دانشگاه اسلامی، معلوم نکرده است مرادش از دانشگاه اسلامی چیست.

* مطالعه منابع ذیل نیز مفید است:

حسین مظاهری، تربیت فرزند در اسلام (چاپ چهارم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹)؛ محمد جمال‌الدین محفوظ، تربية المراهق فی المدرسة الاسلامية (چاپ دوم: قاهره، الهيئة المصرية، ۱۹۸۴م)؛ ناصرالدین اسد، تصورات اسلامية فی التعليم الجامعي والبحث العلمي (چاپ اول: عمان، مكتبة روائع مجدلاوی، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م)؛ سعید اسماعیل علی، السنة النبوية رؤية تربوية (چاپ اول: قاهره، دارالفكر العربی، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م)؛ عبدالحلیم خلدون کنانی، تخريج المعلمين حسب التربية الاسلامية (مكه مكرمه، المركز الثقافی للتعليم الاسلامی، ۱۴۰۴ق).

۱۰۹

مهارات فی التربیة النفسیة لفرد متوازن و اسرة متماسکة[1]

عبله بساط جمعه. چاپ سوم: بیروت، دارالمعرفة للطباعـة والنـشر والتوزیـع، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م. ۳۴۳ص، وزیری.

نوشتار حاضر شکل مکتوب سخنان پدیدآورنده در برنامـه مهـارت‌هـای تربیتـی اسـت کـه از شبکه رادیو قرآن لبنـان پخـش شـده اسـت. مطالـب کتـاب آمیـزه‌ای اسـت از روان‌شناسـی و مطالب تربیتی که با رویکردهای اسلامی تقریر و تحریر گشته است. روشن است کـه مخاطـب کتاب عموم مردم‌اند و هدف کلی کتاب تقویت مهارت‌های فردی و خانوادگی بـرای تربیـت و مواجهه با برخـی از مـسائل و مـشکلات تربیتـی اسـت. درسـت اسـت کـه مخاطـب اصـلی کتاب جامعه لبنانی است، اما اشتراکات فرهنگی کشورهای اسلامی، بـر مخاطبـان ایـن کتـاب افزوده است.

این اثر دارای هشت بخش چندفصلی به شرحی است که در پی می‌آید:

بخش یکـم از هـشت فـصل برآمـده اسـت و در آن ابتـدا از مبـانی، اصـول، ویژگـی‌هـا و مهارت‌های شخصیت متعادل (مهارت گفتگو، ارزش قائل شدن برای خود، توانایی سـازگاری، احساس مسئولیت و استقلال، مدیریت زمان، خودانضباطی) سخن رفته است و پـس از آن بـه مهارت‌های زیر پرداخته شده است: مهارت‌های دگرگـونی خـود، مهـارت‌هـای تربیتـی چـرا و چگونه؟، مهارت‌های دگرگون‌سازی مفاهیم و باورها و دگرگونی رفتار، مهارت‌های عزت نفس، مهارت‌های آسایش خاطر، مهارت‌های صداقت، مهارت‌های رفتار روزانه.

---

۱. مهارت‌هایی در تربیت روحی برای داشتن فرد متعادل و خانواده منسجم

در بخش دوم طی چهار فصل به مهارت‌های مشارکت زناشویی نظر شده است، به این ترتیب: مهارت‌های گزینش همسر، یعنی کسی را که برای همسری برمی‌گزینیم باید دارای چه صفات اخلاقی باشد (صداقت، پاکدامنی، مهربانی، فروبردن خشم، توانایی چشم‌پوشی از لغزش دیگری، پرهیز از دیگرآزاری).

مهارت‌های پی نهادن خانه بخت، خانه بخت سعادتمند بر سه پایه استوار است: مشارکت، صداقت و یک‌رنگی دوسویه، مشاوره. پیش از شرح و شکافت مهارت‌های یادشده به شماری از تفاوت‌های موجود میان زن و شوهر جوان اشاره شده است: تفاوت در دیدگاه‌ها، تفاوت در عادت‌های رفتاری گوناگون، تفاوت در زندگی و روابط اجتماعی، تفاوت در اولویت‌های هزینه کردن درآمد خانواده، تفاوت در روش‌های تربیت فرزندان.

مهارت‌های رویارویی با مشکلات خانوادگی، برای واکاوش این مطلب، نخست به مهم‌ترین علل اختلافات خانوادگی میان زن و شوهر اشارت رفته است: تعصب ناروا، نبود جو و روش‌های سالم گفتگو در خانواده، نبود یا ضعف روابط دوستانه میان زن و شوهر.

در فصول شش‌گانه بخش سوم به مهارت‌های تکمیل و تحکیم خانواده پرداخته شده است: مهارت‌های دوران بارداری (تغییرات جسمی مادر، سازواری با تحولات دوران بارداری، تغذیه، ورزش، روابط دوستانه میان زن و شوهر، مراجعه به پزشک متخصص زنان و زایمان). مهارت‌های استقبال از نوزاد (صدمات هنگام ولادت، نقش وراثت، آمادگی زن و شوهر). مهارت‌های برقراری ارتباط با نوزاد، مهارت‌های نگهداری و مراقبت از نوزاد (وظایف مادر نوزاد، مادرزن، شوهر)، مهارت‌های پرورش جسمی (غذا، نظم در خواب و غذا، شستشوی منظم، ورزش، استفاده از هوای آزاد). مهارت‌های حرکتی و اجتماعی و ادراکات عقلی.

بخش چهارم دربارهٔ مهارت‌های تربیت فرزندان است و در فصول شش‌گانه آن از مطالب ذیل سخن رفته است: مهارت‌های تربیت سالم (هماهنگی پدر و مادر، مادر مسئول مستقیم تربیت فرزند، حاکمیت عشق و محبت در خانه، اهمیت سال‌های آغازین زندگی فرزند، تربیت از خانه سرمی‌گیرد).

روش‌های تربیتی نادرست (رعایت نکردن تدریج، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، رعایت نکردن مساوات میان فرزندان، سرزنش و تحقیر فرزندان، استفاده ناروا از پاداش و تنبیه)، علل تنبیه بدنی (افت تحصیلی، دروغ گفتن، سوگند خوردن، جدال با خواهر و برادر و همسایگان، راه‌های پنج‌گانه رهایی از زیان‌های دروغ‌پردازی).

زدوخورد میان فرزندان (چرا فرزندان با یکدیگر درمی‌افتند، راه‌های پیشگیری، رعایت عدالت میان آنان، احترام به حق مالکیت آنان، بازداشتن آنان از بدگویی از یکدیگر، مشکل واگذاری مراقبت از فرزندان کوچک‌تر به فرزندان بزرگ‌تر، مقایسه نکردن فرزندان با یکدیگر).

فعالیت‌های درون خانواده برای ارتباط بیشتر با فرزندان (کتاب‌خوانی، گل‌کاری، کار با رایانه، دسته‌بندی و طبقه‌بندی امور و مواد گوناگون، عروسک‌گردانی، بردن کودک برای خرید).

در سه فصل بخش پنجم به مهارت‌های مراقبت از کودکان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی اشارت رفته است و در واشکافت موضوع، نخست به تعریف کم‌توجهی و بیش‌فعالی، روش‌های شناخت و تشخیص، برخی از مشکلات آموزشی ـ رفتاری کودکان کم‌توجه و بیش‌فعال پرداخته شده است. آنگاه از هوش و اندازه‌گیری ضریب بهره هوشی و نظریه هوش‌های چندگانه (زبانی، موسیقایی، منطقی و ریاضی، استدلال فضایی، مهارت‌های حرکتی، مهار شخصی و خودآگاهی) یاد شده است.

در ادامه بحث از مهارت‌های توجه و مراقبت از کودکان با اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی سخن رفته و در شرح موضوع به مطالب ذیل پرداخته شده است: احساس ناتوانی، سرزنش یا رهنمود، انگیزه‌های رفتار فرزندان، روش درست گفتگو با فرزندان، عزت نفس، تکرار جملاتی خاص با خود، هدایت رفتار و حرکات، بهترین زمان تولید، روش‌های آگاه کردن، تغذیه مناسب، تماشای تلویزیون، بازی‌های ورزشی، استفاده هدفمند از رنگ‌ها، آموزش به کمک قدرت تخیل کودک، ایجاد مهارت‌های اجتماعی، سپردن کارهای مفید از نظر دیگران به کودک، ساعاتی را با فرزندان گذراندن، دیدارهای خانوادگی.

مهارت‌های رویارویی و مراقبت از مشکلات روحی فرزندان در فصول هشت‌گانه بخش ششم به بحث و بررسی گذاشته شده است و در شرح آن پس از اشاره به تعریف سلامت روان و یادگیری از راه مشاهده در سنت نبوی به مشکلات ذیل پرداخته شده است: ترس (تعریف ترس، منشأ تربیتی، درمان ترس)، خشونت (مهم‌ترین علل آن، راه درمان)، خجالت (تعریف، نشانه‌ها، درمان)، دروغ‌پردازی (تعریف، چرا دروغگویی؟)، دزدی (تعریف، علل، درمان)، دشواری در گفتار (علل، درمان)، ادرار غیرارادی (علل، راه درمان).

در بخش هفتم و طی پنج فصل به مهارت‌های تربیت نوجوان پرداخته شده است. سرآغاز این بخش اشارتی است به تحولات جسمی، حرکتی، فیزیولوژیکی، عقلی ـ شناختی، جنسی، عاطفی، اجتماعی در نوجوان و عوامل مؤثر رشد نوجوان یعنی خانواده، مدرسه، دوستان. پس از

آن به مشکلات نوجوانی (مشکلات بهداشتی و کاستی‌های جسمی، شکل خارجی، مشکلات دستگاه تناسلی، مشکلات ناشی از رشد قوای فکری، مشکلات عاطفی و اجتماعی، تأثیر این مشکلات بر نوجوان) پرداخته شده است و در ادامه ضمن مطرح ساختن خطای خانواده در بیرون کردن نوجوان از منزل به عوامل طرد از خانه و راه‌های رفع این مشکل نظر شده است. در پایان این بخش اشارتی شده است به مهارت‌های مطالعه و آماده شدن برای امتحانات پایان سال.

عنوان بخش پایانی، مهارت‌های گوناگون است و در فصول هفت‌گانه آن به مطالب ذیل پرداخته شده است: مهارت‌های عید (مسائل مالی، پوشاک نو، عیدی، شیرینی‌جات...)، عوامل موفقیت درسی (توانایی‌های ذهنی، عوامل اجتماعی، سلامت جسم، عوامل روحی، تشویق، اعتماد به نفس)، مهارت‌های گزینش مدرسه، مادران، فرزندم جز آن است که من می‌خواهم و امید دارم.

۱۱۰
النبذ فی آداب طلب العلم[1]

محمد بن ابراهیم عثمان. ویرایش سوم. چاپ سوم: کویت، مکتبة ابـن‌القـیم، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م. ۲۳۶ص، وزیری.

آموزش دانش آدابی دارد که پایبندی به آن‌ها رفتار شاگرد را با معلم و دیگـر شـاگردان اصـلاح می‌کند و راه به دست آوردن دانش را بر او کوتـاه مـی‌سـازد و او را بـه اهـم و مهـم در دانـش آموختن آگاه می‌کند و به راه پیشینیان راسخ در علم رهنمون می‌دهد (ص۷). از این‌رو نگارنـده این کتاب کوشیده است با استفاده از کتـاب و سـنت و گفتـار و نوشـتار دانـشمندان مـسلمان شماری از آداب و اخلاق دانش‌آموزی را پیش‌رو نهد.

نگارنده در کتاب حاضر گذشته از مقدمه‌اش، مطالب را در یکصد و یک مـدخل برگزیـده، قلمی ساخته است. اکثر این عناوین و مدخل‌ها در آثار تربیتی عالمانی چون محمد ابن‌سـحنون (۲۰۲ـ۲۵۶ق)، ابوالحسن قابسی (۳۲۴ـ۴۰۳ق)، ابوحامد محمد غزالی (۴۵۰ـ۵۰۵ ق)، زرنوجی (قرن ششم قمری)، ابن‌جماعه (۶۳۹ـ۷۳۳ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ـ۶۷۳ق)، شهید ثانی (۹۱۱ـ۹۶۵ق) نیامده است.

برخی از عنوان‌های بازشکافی‌شده در این کتاب به شرح ذیل است:

اخلاص و کار را تنها برای خدا انجام دادن، تقوای الهی کلید دانش‌ها، اراده راه رسـیدن بـه دانش، خود را وقف علم‌آموزی کردن، عمل به علم، تلاش برای فهم، توجه به حفـظ مطالـب، پرهیز از علوم غیرمفید، آغاز تحصیل با حفظ کردن قـرآن کـریم، پرهیـز از ژرف‌کـاری در امـور

۱. گوشه‌هایی از آداب دانش آموختن

پیچیده به گونه‌ای که به کوتاهی در پرداختن به امور مهم بینجامد، مطالعه انواع علوم، یاری جستن از عالمان برای فهم، رعایت ادب با معلم، درست پرسیدن، دوری از دشمنی و درافتادن با باطل، فهم متشابه با محکم و اجتناب از شبهه‌ها، اظهار نیازمندی به علم نزد استاد، تلاش و رقابت در علم‌آموزی، هموار داشتن بیداری کشیدن برای دانش آموختن، مطالعه پیوسته متون، رعایت حقوق دیگر شاگردان، توجه به گردآوری کتاب، تزکیه نفس، پوشیده داشتن برخی از دانستنی‌ها از سر مصلحت، بیان علم برای مردم، روش فراگیری مسائل اختلافی، پذیرش مسائل اختلافی بر اساس استدلال، پرهیز از عوامل بازدارنده، پرورش ذهن، توجه به کتاب‌های پیشینیان، دانش را از خداوند دانستن، پرهیز از حسادت به دیگران.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

نجفعلی میرزایی، اخلاق دانشجویی در اسلام (چاپ دوم: قم، دارالثقلین، ۱۳۷۶)؛ نهضت زنان مسلمان، زی طلبگی (چاپ اول: تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۳)؛ سید کاظم ارفع، منش طلبگی (چاپ دوم: تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۵)؛ محمد اسماعیل نوری و جعفر وفا، وظایف اخلاقی معلم و شاگرد (چاپ اول: قم، شکوری، ۱۳۷۰)؛ علی محی‌الدین علی قره‌داغی، آداب المتعلم والعالم (قاهره، دارالاعتصام، [بی‌تا]).

۱۱۱

نحو استراتیجیة لتطویر التربیة فی البلاد الاسلامیة[1]

المنظمة الاسلامیة للتربیة والعلوم والثقافة (ایسیسکو). [چاپ اول]: دارالبیضاء، المنظمة الاسلامیة للتربیة والعلوم والثقافة، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م. ۱۴۳+۱۳۴ص، وزیری، عربی ـ انگلیسی.

کتاب حاضر دربردارنده گزارشی کوتاه به زبان عربی و انگلیسی از همایش ویژه راهبرد تحول تربیتی در کشورهای اسلامی است که از ۲۸ شوال تا ۳ ذی‌قعده ۱۴۰۸ق به همت سازمان اسلامی تربیت و دانش و فرهنگ (ایسیسکو) در شهر دوحه مرکز کشور قطر برگزار گشت.

مطالب با مقدمه مدیرکل وقت سازمان اسلامی تربیت و دانش و فرهنگ آغاز گشته است و در ادامه، نخست جدول و شرح برنامه‌های همایش به تفکیک روز و ساعت معرفی شده است؛ سپس محورهای پنج‌گانه همایش به‌شرح آورده شده است. به این ترتیب: محور اول، تربیت و رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی؛ محور دوم: چشم‌انداز تحول فراگیر تربیت در جهان اسلام؛ محور سوم: تربیت و رویارویی با چالش‌های علمی و فناورانه؛ محور چهارم: مبارزه با بی‌سوادی و آموزش بزرگسالان؛ محور پنجم: همکاری.

پس از این، متن طرح و دستورالعمل پیشنهادی سازمان اسلامی تربیت و دانش و فرهنگ برای ایجاد تحول و اعمال اصلاحات تربیتی در جهان اسلام آمده است و سپس متن بررسی انتقادی پیشنهاد یادشده که غلام نبی ناقب از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه لندن آن را نگاشته است آورده شده است.

---

۱. گامی فراسوی راهبردی برای تحول تربیت در کشورهای اسلامی

طرح سازمان اسلامی تربیت و دانش و فرهنگ از دو بخش کلی تشکیل شده است: وضع کنونی تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی؛ بررسی و معرفی عناصر و مؤلفه‌هایی که می‌توانند در تدوین راهبردی تازه برای اصلاحات تربیتی در جهان اسلام مؤثر افتند.

برای اشارتی به وضع حاکم بر تعلیم و تربیت کشورهای اسلامی به مطالب ذیل پرداخته شده است: وضع اقتصادی (عقب‌ماندگی اقتصادی)؛ وضع اجتماعی (گسست رابطه میان ساختارهای سنتی: خانواده، قوم، قبیله)؛ وجود دوگانگی که در جدایی سنت‌گرا و متجدد بروز کرده است؛ اقدامات جهان اسلام در زمینه تعلیم و تربیت (افزایش شدید تعداد افراد تحت آموزش، افزایش شمار معلمان، افزایش مراکز آموزشی، پیشرفت نظام آموزشی، اختصاص بودجه‌های خاص به آموزش و پرورش).

بررسی مشکلات تربیتی در جهان اسلام فراز بعدی این طرح است و در آن به موارد زیر پرداخته شده است: بی‌سوادی، کاهش درس‌آموختگان و افزایش سطح بی‌سوادی، بالا بودن آمار شاگردان مردود، ضعف ساختار و زیرساخت‌های آموزشی، برنامه آموزشی وارداتی، ضعف در مدیریت آموزشی، اندک بودن سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و ضعف بودجه آموزشی.

در بخش دوم دستورالعمل و طرح پیشنهادی سازمان اسلامی تربیت و دانش و فرهنگ، به چشم‌انداز راهبردی فراگیر اصلاحات تربیتی در کشورهای اسلامی نظر شده است و سرآغاز این بخش اشارتی اجمالی به هدف‌های فردی، اجتماعی، (جهانی) تربیت اسلامی است و پس از آن به نه اصل از اصول تربیتی اسلام که لازم است فعالیت تربیتی در جهان اسلام را سمت‌وسو دهد پرداخته شده است. آنگاه از اولویت‌های فعالیت‌های تربیتی در جهان اسلام سخن رفته است. این فراز مهم‌ترین بخش این دستورالعمل و قسمت عملی آن است. فراز فرجامین این دستورالعمل پیوستی است که در آن به برنامه آموزشی و مواد درسی که در آن‌ها تنها به مواد درسی که می‌توان و لازم است آن‌ها را در برنامه‌های درسی مقاطع آموزشی دبستان تا دبیرستان گنجانید اشاره شده است.

پس از این سند راهبردی، و آوردن نقد ملایم غلام نبی ناقب بر آن، نوبت اشاره به پیام‌ها و سخنرانی‌های هفت‌گانه همایش رسیده است و سپس پیشنهادهای سازمان اسلامی تربیت و دانش و فرهنگ (ایسیسکو)، گزارش اختتامیه، پیشنهادهای شرکت‌کنندگان در همایش، جلسه اختتامیه، فهرست مدعوین، سازمان‌های جهانی شرکت‌کننده آورده شده است.

گفتنی است در آمار و ارقام ارائه‌شده در این همایش - در حدی که در کتاب منعکس شده است - تنها دوبار از ایران نام برده شده است، دیگر این‌که در میان شرکت‌کنندگان حقیقی و حقوقی از ایران و ایرانی نامی در میان نیست.

نیز یادکردنی است که در تقسیم‌بندی هدف‌ها (ص۳۵) از اهداف فردی، اجتماعی، علمی یاد شده است و در شرح مطلب (ص ۴۰) از هدف‌ها در سطوح فردی، اجتماعی، جهانی سخن رفته است. روشن است که علمی (ص۳۵) غلط و درست آن عالمی است.

۱۱۲

نحو منهج تربوی اصیل[1]

محمد حسن بریغش. چاپ اول: بیروت، مؤسسة الرسالة، للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م. ۱۶۸ص، وزیری.

کتاب حاضر دربردارنده مقدمه و یازده جستار از نویسنده است که به مناسبت‌های گوناگون قلمی شده و اینک یکجا عرضه گشته‌اند. وجه اشتراک این جستارها قرار داشتن آن‌ها در حوزه تربیت اسلامی به مفهوم عام کلمه است.

دانش و آموزش در اسلام: در این گفتار، نخست به شرح فضیلت علم و تعلیم و تعلم در اسلام بر اساس کتاب و سنت پرداخته شده است؛ سپس به علوم واجب عینی و واجب کفایی اشارت رفته است و پس از نیم‌نگاهی به روایی و فضیلت آموزش دختران، به نمونه‌هایی از تلاش‌های مسلمانان در حوزه دانش و آموزش اشاره و از مشارکت زنان مسلمان در دانش و آموزش یاد شده است.

تأملاتی در تربیت اسلامی: در این بحث تلاش شده است شماری از مفاهیم و دلالت‌های تربیتی احادیث نبوی به‌طور عام و آنچه دربارهٔ مبانی تربیت اسلامی در روایات نبوی به‌طور خاص آمده است، سازوار با برداشت نگارنده پیش‌رو نهاده شود.

وظیفه‌ای دشوار فراروی امت اسلامی: جان کلام در این گفتار مبتنی بودن تعالی و پیشرفت امت بر اعتقادات صحیحی است که عوامل پیشرفت و تعالی را در کف امت نهد. امت اسلامی هنگامی عقب‌مانده شد و به فقر و فلاکت گرفتار گشت که در رفتار از عقاید خود دور افتاد

---

۱. گامی فراسوی برنامه تربیتی اصیل

گرچه در گفتار به پاره‌ای از شعائر عبادی چنگ آویخت و اکنون وظیفه خطیر او بازگشت به عقیده در همه امور زندگی است.

برنامه آموزشی و شخصیت امت: در این عصر، ماده‌گرایی در امور زندگی چنان فراگیر شده است که تعلیم و تربیت یکسره در خدمت برآورده ساختن خواسته‌های مادی بشر درآمده است و انسان به همه‌چیز از دریچه مادی و منافع مادی خود می‌نگرد و چنان شده است که این نگرش یکی از فلسفه‌های تربیتی در غرب شده است و غرب نظام و برنامه‌های آموزشی خود را بر جهان عرب به‌طور خاص و جهان اسلام به‌طور عام تحمیل کرده تا در این کشورها اعمال و اجرا شود. علت تن دادن جهان عرب و اسلام به این پدیده شوم، کوچک و خوار شماردن خود و بزرگ انگاشتن غرب است. نگارنده در ادامه این جستار به شرح دو علت یادشده پرداخته و ابراز شگفتی کرده است که هنوز هم این کشورها در بند برنامه‌های آموزشی وارداتی از غرب‌اند و نادیده گرفته یا اصولاً درنیافته‌اند که میان برنامه آموزشی و عقاید و باورهای هر ملت ارتباطی مستقیم وجود دارد. از آنجا که هر امتی را وجودی ویژه و شخصیتی خاص است، ناگزیر مسلمانان باید در پی برنامه آموزشی‌ای برآیند که با عقاید و فرهنگ آنان همخوانی داشته باشد.

برنامه‌های آموزشی و نیرنگ‌های دشمن: هنگامی که غرب دریافت مسلمانان دارند بیدار می‌شوند بر آن شد که این بیداری به دست او و به صورت مهارشده صورت پذیرد، از این‌رو تلاش کرد دانشجویان مسلمان در غرب را چنان که خود می‌پسندد تربیت کند و به کشورهای اسلامی گسیل دارد تا زمام امور مسلمانان غیرمستقیم در کف غرب باشد.

عناوین دیگر بحث‌های کتاب به قرار ذیل است: تربیت اسلامی و دموکراسی، مسلمان و مسئولیت او در عصر علم و ایدز، ویژگی‌های اساسی تربیت نسل‌های آینده، نقش مدرسه در تربیت کودکان و ساختن آینده، مدرسه ابتدایی و مسئولیت تربیتی آن، تربیت و زن.

* مطالعه منابع ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

عبدالرزاق فتلی، تربیة الفتاة فی الاسلام (چاپ اول: بیروت، دارالثقافة، ۱۴۱۰ق)؛ علی قائمی، سازندگی و تربیت دختران (چاپ دوم: تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱)؛ سعید اسماعیل علی، دیمقراطیة التربیة الاسلامیة (قاهره، عالم الکتب، ۱۹۸۲م).

۱۱۳

نشأة و ادارة رياض الاطفال من المنظور الاسلامي والعلمي[۱]

رافده حریری. چاپ اول: ریاض، مکتبة العبیکان، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م. ۴۳۲ص، وزیـری، جـدول، نمونه برگه‌های اداری، تصویر.

در فصول دوازده‌گانه این اثر تلاش شده است تصویری گویا و فراگیر از مـدیریت مهـد کـودک پیش‌رو نهاده شود تا مورد استفاده دانشجویان رشته تربیت مربی مهد کـودک در مراکـز تربیـت معلم و دیگر رشته‌ها همخوان و نیز مدرسان این رشته و دیگر علاقه‌مندان قرار گیرد. نگارنده از رهگذر این تألیف خواسته است به اهمیت مهد کودک، لزوم ایجاد مهـد کـودک، هـدف‌هـای تأسیس مهد کودک، چگونگی اداره مهد کودک، اهمیت روابط انسانی و روابط اداری کارآمد در افزایش پویایی و کارآیی امور اداری و نیز بعد دینی مدیریت در مهد کودک اشاره کرده باشد.

گفتنی است پرداخت مؤلف به مدیریت اسلامی، اولاً عام است نه مـدیریت مهـد کـودک، ثانیاً منحصر به اشارات بیست‌صفحه‌ای او در فصل سوم کتاب است، از این‌رو به نظر می‌رسـد گنجاندن عبارت «از دیدگاه اسلام» در عنوان کتاب بیشتر جنبه تبلیغی و تجاری دارد.

در فصل آغازین این کتاب از تاریخچه پیدایش و تحول مهد کودک بحـث، و اشـاره شـده است که نخستین مهد کودک در آلمان و به دست فردریـک فروبـل در ۱۸۴۰م تأسـیس شـد؛ سپس در ۱۹۰۷م ماریا منتسوری در ایتالیا به مهد کودک بعد آموزشی هم داد و پس از آن مهـد کودک‌هایی از نوع منتسوری در سراسر جهان رایج شد. نکته بعـدی بیـان مفهـوم اصـلی مهـد کودک است، پس از آن با اشارتی به اهمیت پرورش مربی مهد کودک و اهمیت کار مربیان مهد کودک فصل به فرجام می‌رسد.

---

۱. تأسیس و مدیریت مهد کودک از منظر اسلامی و علمی

در فصل دوم با عنوان تحول اندیشه مدیریت از مطالب زیر یاد شده است: آیا مدیریت محصول قرن بیستم است؟، ضرورت روابط انسانی در مدیریت، مبانی روابط انسانی، امور ضروری برای اعمال اصل روابط انسانی، میزان تأثیر روابط انسانی بر جو مهد کودک، وظایف اساسی مدیریت، مفهوم و تعریف مدیریت تربیتی، هدف‌های مدیریت تربیتی، مفهوم و تعریف مدیریت.

مدیریت در اسلام، موضوع فصل سوم است. مدیریت چونان دانشی که اصول و مبانی‌ای دارد، از آغاز در نظام اسلامی وجود داشته است و شامل وظایف مدیریتی‌ای بوده است که علم جدید مدیریت عرضه می‌کند، اما این دانش مانند علوم امروزی مکتوب نبوده است (ص۷۳). نویسنده در ادامه از اصول مدیریت در اسلام یاد کرده است (سلسله‌مراتب، تقسیم کار، برنامه‌ریزی، مشورت، مشاوره و راهنمایی، نظارت، ارزیابی، اطاعت و فرمانبری، همکاری، قدرت و مسئولیت، درست انجام دادن کارها، تشویق، رهبری، کار را به کاردان سپردن، استناد به حقایق علمی، فروتنی، آراستگی به اخلاق نیکو، حاکمیت علم، انصاف، نرم‌خویی و احترام، حفظ حرمت اشخاص، تسامح، ایثار، مهربانی، ثبات رأی). اشارتی به روابط انسانی در اسلام فراز فرجامین این فصل است.

نگارنده در هشت فصل دیگر کتاب به مباحث ذیل پرداخته است: ساختار مدیریتی مهد کودک؛ آیین‌نامه فعالیت در مهد کودک‌های عربستان سعودی؛ پرونده‌ها و اسناد اداری؛ برنامه‌های مهد کودک؛ نمونه‌هایی از اسناد و مدارک و برگه‌های اداری اصلی مهد کودک؛ مهم‌ترین مشکلات فراروی مهد کودک؛ ساختمان مهد کودک؛ ارزیابی در مهد کودک.

۱۱۴

وقفات ایمانیة و تربویة[۱]

محمــود عبــدالفتاح اســماعیل. چــاپ اول: منــصوره، دارالوفــاء للطباعــة والنــشر والتوزیــع، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م. ۷۳ص، وزیری، تصویر.

کتاب حاضر به کشکول می‌ماند چه مطالبی پراکنده از اینجا و آنجا در آن گرد آورده شده است. مطالب بدون شرح و تحلیل و برداشت بازگو گشته و بنای مؤلف بر اختصارگویی بـوده اسـت. مطالب این اثر که به قول نگارنده به اقتضای حرفه رسانه‌ای او جسته‌جسته گـرد آمـده اسـت (ص۱۳) بیشتر صبغه اخلاقی دارد و حکمت تنظیم و تحریر و نشر این مطالـب، آن اسـت کـه اخبار و حالات عالمان و صالحان بهترین وسیله برای نشاندن تخم نیکی‌های اخلاقـی در دل و دماغ طالبان علم است و آنـان را بـه بردبـاری و پایـداری و بلنـدهمتی در راه تحـصیل دانـش برمی‌انگیزد (ص۱۳).

مؤلف کار خود را بر هفت محور متمرکز و بـسامان کـرده اسـت: ایمـان، علـم و عالمـان، برادری و دل‌های پاک، امانتداری، آداب سخن، تنظیم و مدیریت زمان، مکه مکرمه.

نویسنده در ذیل بیشتر این عناوین بـه نقـل حـوادثی واقعـی از زنـدگی عالمـان گذشـته و صحابه رسول خدا(ص) پرداخته و تلاش کرده است از این رهگذر مفـاهیم را بـرای خواننـده به‌نوعی حیات بخشد تا بیشتر مؤثر افتند. جـستار دوم ایـن اثـر بـیش از دیگـر جـستارهای آن رنگ تربیتی دارد.

---

۱. موضوعاتی ایمانی و تربیتی

۱۱۵
یا اولادی[1]

منیر غندور. چاپ اول: دمشق، دارالفارابی للمعارف، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م. ۲۸۸ص، وزیری.

از نگارنده این اثر مجموعه‌ای منتشر گشته است با فروست: من نفحات الاسلام، با این عناوین: رفیق الابرار و ندیم السمار؛ روائع اسلامیة؛ الایمان علاج امراض القلوب.

کتاب حاضر چهارمین عنوان از مجموعه یادشده است و گرچه عنوان آن ای فرزندانم است و این جمله ندایی گاه در متن کتاب هم به کار رفته است، اما در واقع این کتاب از وصایای تربیتی‌ای مانند کتاب عبدالله مامقانی، مرآة الرشاد (چاپ اول: نجف، [بی‌نا]، ۱۳۵۸ق)؛ یا کتاب ابوالفرج عبدالرحمن ابن‌جوزی، رسالة الی ولدی (قاهره، دارالاسلام، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م)؛ یا کتاب ابوحامد محمد غزالی، فرزندنامه (ضمیمه مکاتب فارسی غزالی، تحقیق عباس اقبال، چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲) نیست و از قضا مخاطب اکثر مطالب آن والدین‌اند.

سخن ناشر، مقدمه نگارنده و فصولی هفت‌گانه، خواندنی‌های این کتاب را تشکیل داده‌اند. فصل یکم که اصول و قواعد تشکیل خانواده شایسته عنوان گرفته است با اشارتی به تاریخ تشکیل خانواده آغاز گشته است؛ سپس به اهمیت ازدواج مناسب در پایایی خانواده تازه‌پاگرفته پرداخته و گوشزد شده است که در انتخاب همسر باید بسیار دقت و از عقل استفاده شود نه از احساسات.

در فصل دوم و در پی مطالب فصل یکم تلاش شده است، خواننده با اصول و ارکان پی نهادن خانواده شایسته آشنا شود. نگارنده برای شرح و شکافت موضوع از لزوم کسب دانش و

---

۱. فرزندانم

مسائلی دربارهٔ دانش در اسلام یاد کرده است. پس از آن به ضرورت حرکت در صراط مستقیم پرداخته است؛ سپس از ضروریات پنج‌گانه یعنی حفظ دین و جان و عقل و آبرو و مال و ایمان به قضا و قدر الهی و آثار تربیتی آن، حمایت از راه خدا از رهگذر جهاد در راه خدا سخن گفته است.

عنوان فصل سوم پاسداشت بنیان خانواده از راه تربیت فرزندان است. این فصل که بلندترین فراز کتاب است از سه بخش برآمده است. در بخش آغازین از باب مقدمه، نخست به مفهوم و تعریف تربیت، کودک، جوان، میانسال و هدف تربیت پرداخته شده و پس از آن ویژگی‌های مربی موفق بررسی شده است.

در بخش دوم این فصل به تربیت فرزند از نوزادی تا پایان شیرخوارگی پرداخته شده است. مراقبت‌های دوران جنینی، پدیده منفی و غیرشرعی سقط جنین، خطر استفاده از برخی داروها و مشروبات الکلی و جز این‌ها برای جنین، مسائل مربوط به شیر دادن طبیعی به نوزاد و وظایف والدین از روز زادن تا روز هفتم، حق حضانت، توجه به سلامت نوزاد، مطالب مطرح‌شده در این بخش است.

در بخش سوم، تربیت فرزند از مهد کودک تا پایان دبیرستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به تربیت عقلی، تربیت ایمانی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت جسمی فرزند پرداخته شده است.

عنوان فصل چهارم، برنامه تربیت اسلامی است و در آن از سازگاری اصول و مبانی این برنامه تربیتی با فطرت انسان سخن رفته و آمده است که برای رهایی از پیامدهای کژتابی تربیت غربی از روی آوردن به تربیت اسلامی گریزی نیست؛ سپس به شماری از اصول اخلاقی در اسلام اشاره شده است.

در فصل پنجم که فرزندان ما میان تربیت رسمی معاصر و برنامه تربیت اسلامی خوانده شده است از تفاوت آشکار تربیت اسلامی با تربیت جدید و بر باد رفتن کودکی در تربیت جدید که برگرفته از تربیت غربی است بحث و یادآوری شده است که تأثیرات تربیت انحرافی بر اساس نظام تربیتی غربی از حیطه کودکی فراتر رفته و دامنگیر خانواده و جامعه هم شده است. پس از این از آموزش و پرورش کنونی در کشورهای عربی و اسلامی انتقاد شده است.

فصل ششم رفتار فرزندان نامیده شده است و در آن از مشکلات رفتاری فرزندان و درمان انحرافات یاد شده و به عوامل پیدایش این مشکلات اشاره شده است. آنگاه شماری از

انحرافات رفتاری کودکان (دزدی، خشونت، دروغگویی) و برخی از عوامل این انحرافات بررسی شده است. نکته بعدی نوجوانی و مشکلات آن است و پس از آن به جوانی و نیاز جوان به مساعدت فکری و مادی برای برآورده شدن خواسته‌های او نظر شده است.

در فصل هفتم که دوستان فرزندان عنوان گرفته است، نخست اشارتی کوتاه به زندگی و شخصیت ابن‌جوزی (۵۱۰ـ۵۹۷ ق) شده است؛ سپس به گوشه‌هایی از کتاب المدهش، تنبیه النائم الغمر علی مواسم العمر پرداخته شده و باز به زندگی ابن‌جوزی پرداخته شده و از مراحل گوناگون حیات او به گونه‌ای پندآموز یاد شده است. نگارنده در ادامه به برخی از احکام فقهی مربوط به کودکان بر اساس فقه حنفی پرداخته است.

فصل فرجامین کتاب با توصیه‌هایی بهداشتی و درخواست پرهیز از مصرف برخی از مواد خوراکی و خودداری از استعمال پاره‌ای عطرها آغاز شده است و با شماری پند اخلاقی و پیشنهاد بهره‌وری از مرشدان تصوف راستین و اشاره به لزوم آموزش زبان عربی ادامه یافته است و با بیان شماری از سخنان رسول خدا(ص) خطاب به پدران و فرزندان پایان پذیرفته است.

* منابعی برای مطالعه بیشتر:

مقداد یالجن، جوانب التربیة الاسلامیة الاساسیة (چاپ اول: ریاض، [بی‌تا]، ۱۴۰۶ق)؛ عبدالکریم عبداللطیف صعیدی، الاسرة المسلمة: اسس و مبادی ([چاپ اول]: قاهره، دارالمصریة اللبنانیة، ۱۴۱۳ق)؛ سید کاظم ارفع، خانواده در مکتب قرآن و اهل‌بیت(ع) ([چاپ اول]: تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲)؛ مجید رشیدپور، معلم نمونه (چاپ سوم: تهران، پرنیان، ۱۳۷۶).

نمایه‌ها

نمایه نوشتارها

نمایه کسان

نمایه جاها

نمایه نهادها، وقایع تاریخی، سازمان‌ها و...

نمایه اصطلاحات و موضوعات

فهرست انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیﷺ

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱	ابن‌تیمیه منهجه فی الحدیث	ابومحمد النُعیمی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۲	اتحاد الفریقین	سید شجاعت حسین رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۳	احکام اسلامی	الیاس قاسم‌اف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۸
۴	احکام روزه	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۵	احکام زکات	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۶	احکام نکاح و طلاق	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۷	احکام و مقررات شکار و صید	علی‌اکبر صادقی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۸	الاحوال الشخصیة(الطلاق)	السید محمدکاظم المصطفوی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۹	الاحوال الشخصیة(النکاح)	السید محمد النجفی	عربی	اول، ۱۳۸۵
۱۰	احوال الشخصیه شیعیان افغانستان	عبدالله شفاهی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۱	الاخلاق السیاسیة فی المنهج الاسلامی	السید شهاب الدین الحسینی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۱۲	اخلاق تبلیغ در سیره رسول اللهﷺ	سید مرتضی حسینی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۱۳	الاخلاق والحضارة	علی حسن الیاسری	عربی	اول، ۱۳۸۳
۱۴	ادوار الاجتهاد عند الشیعة الامامیة	عدنان فرحان تنها	عربی	اول، ۱۳۸۶
۱۵	اربعین مولانا جامی	داستان حقنظرزاده	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۱۶	ازسی‌مرغ تا سیمرغ	محمدرضا یوسفی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۷	ازقبادیان تایمگان	محمدرضا یوسفی-رقیه ابراهیمی شهرآباد	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۸	اسباب النزول القرآنی؛ تاریخ و حقائق	حسن محسن حیدر	عربی	اول، ۱۳۸۵
۱۹	اسرار نماز	رجبعلی حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۵
۲۰	اسراف و تبذیر، تباهی سرمایه‌ها	ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۱	اسلام و دموکراسی لیبرال	محمد حنیف طاهری	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۲	اسماعیلیه از ابتدا تا حال	محمد سعید بهمن‌پور	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۳	اشعار عاشورایی، ج۱ـ۲	محمد رضا فخر روحانی	انگلیسی	اول، ۱۳۸۹
۲۴	اصول الفقه	محمد علی شمالی	انگلیسی	اول، ۱۳۸۵
۲۵	اصول تدوین ضوابط و مقررات	دفتر بهبود روشها و برنامه‌ریزی سازمانی گروه قوانین و مقررات	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۶	اصول دین در قرآن کریم	مؤسسه معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۲۷	اعتقاد ما	آیةالله مکارم‌شیرازی، ت: محمد نظام‌الدین	تامیلی	اول، ۱۳۸۴
۲۸	اعتقاد ما	آیةالله مکارم شیرازی، ت: افضل‌الدین رحیم‌اف	آذری	اول، ۱۳۸۳
۲۹	اعتقاد ما	آیةالله مکارم شیرازی، ت: سیدقمر غازی	هندی	اول، ۱۳۸۳
۳۰	اعجاز القرآن	سیدرضا مؤدب، ت: قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۳۱	اعجاز قرآن	سیدرضا مؤدب	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۳۲	اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان	رئیس اعظم شاهد	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۳	اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف	محمد مهدی اسکندرلو	فارسی	اول، ۱۳۹۰

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۳۴	امام حسن و امام حسین علیهما السلام از نظر اهل سنت	سید محمد علی موسوی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۵	امام علی علیه السلام و پیروانش	الیاس قاسماف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۸
۳۶	الامام علی علیه السلام و تنمية ثقافة اهل الكوفة	محمد العبادی	عربی	اول، ۱۳۸۱
۳۷	امامت و ولایت در قرآن	آیةالله مکارم‌شیرازی، ت:رضاشکرف	آذری	اول، ۱۳۸۸
۳۸	امتیازات علوی	ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی، ت: سید شاهد حسین رضوی هندی	اردو	اول، ۱۳۸۷
۳۹	اندیشه سیاسی شهید مطهری	گروه مؤلفان، ت: عون علی کریمی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۴۰	اندیشه‌های قرآنی شهید مطهری رحمه الله، ج۱	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۱	اندیشه‌های قرآنی شهید مطهری رحمه الله، ج۲	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۲	انسان و سرنوشت	مرتضی مطهری، ت: محمد اشرف شجاع	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۴۳	اهل بیت در قرآن وحدیث	رضا شکراف	آذری	اول،۱۳۹۰
۴۴	اهل‌بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت	سید ابوالحسن باقری	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۴۵	اهل‌بیت علیهم السلام سفینة النجاة	غلام محمد فخر الدین نجفی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۴۶	اهل‌بیت علیهم السلام کشتی نجات	محمد باقر مقدسی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۴۷	ایضاح الحکمة فی شرح بدایة الحکمة	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۸	این است دین اسلام	سید یونس استروشنی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۴۹	آثار و برکات نماز	رجب‌علی حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۶
۵۰	آداب اسلامی، ج۱ـ۲	محمد عندلیب	فارسی	سوم،۱۳۸۵
۵۱	آداب اسلامی، ج۱ـ۲	محمد عندلیب	عربی	سوم،۱۳۸۹
۵۲	آداب اسلامی، ج۱ـ۲	محمد عندلیب	اردو/انگلیسی	دوم، ۱۳۸۹
۵۳	آداب التلاوة	محمد غلامی	عربی/انگلیسی	۱۳۷۸
۵۴	آزادی اراده انسان در کلام اسلامی	طاهره روحانی، حلیمه حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۵۵	آزادی در مکتب فکری عاشورا	علیرضا محمدی/اسماعیل دانش/غلام سخی حلیمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۵۶	آسیب شناسی تمدن اسلامی	علیرضا عالمی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۵۷	آسیب‌های درونی عزاداری	سید محمد علی موسوی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۵۸	آشنایی با ادیان بزرگ	حسین توفیقی	فارسی	دهم، ۱۳۸۶
۵۹	آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان	محمدحسن زمانی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۶۰	آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران	حسین علوی مهر	فارسی	چهارم،۱۳۸۹
۶۱	آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی	علی نصیری	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۶۲	آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل‌سنت	علی نصیری	فارسی	دوم، ۱۳۸۸
۶۳	آشنایی با رهبران سلفی وهابیت	الیاس قاسم اف	آذری	اول، ۱۳۸۸
۶۴	آشنایی با صحیفه سجادیه	محمد علی مجد فقیهی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۶۵	آشنایی با علوم قرآن	محمد باقر سعیدی روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۶۶	آشنایی با متون حدیث و نهج‌البلاغه	مهدی مهریزی	فارسی	پنجم،۱۳۹۰
۶۷	آفتاب فقاهت(زندگی‌نامه مقام معظم رهبری)	محمدیعقوب بشوی	اردو	اول، ۱۳۸۲
۶۸	آموزش احکام(همراه با استفتائات مقام معظم رهبری)	محمدحسین فلاح‌زاده	فارسی	ششم، ۱۳۹۰

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۶۹	آموزش صرف	سید قاسم حسینی، غلامعلی صفایی و محمود ملکی	فارسی	سوم، ۱۳۸۸
۷۰	آموزش علوم قرآن	محمدباقر سعیدی‌روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۷۱	آموزش فارسی به فارسی (کتاب‌کار ۴)	اصغرفردی، احمدزهرایی، جعفرمقیمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۷۲	آموزش فارسی به فارسی (کتاب‌کار ۵، ۶، ۷)	اصغرفردی، احمدزهرایی، جعفرمقیمی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۷۳	آموزش فارسی به فارسی کتاب کار چهارم	مرکز آموزش زبان ومعارف اسلامی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۷۴	آموزش فارسی به فارسی(کتاب چهارم و پنجم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	سوم،۱۳۸۴
۷۵	آموزش فارسی به فارسی(کتاب دوم و سوم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	سوم،۱۳۸۴
۷۶	آموزش فارسی به فارسی(کتاب ششم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۷۷	آموزش کلام اسلامی ۲ (راهنماشناسی، معادشناسی)	محمد سعیدی مهر	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۷۸	آموزش مفاهیم قرآن کریم	انجمن اندیشه نور، ت: شیرعلی‌اف	ترکی‌ازبکی	اول، ۱۳۸۹
۷۹	آموزش منطق	غرویان	فارسی	دوم، ۱۳۸۰
۸۰	آموزش نماز	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۸۱	آموزش نماز	محمد زین العابدین ایوبی	بنگالی	اول، ۱۳۸۲
۸۲	آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱ـ۲	محمد فتحعلی خانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۸۳	آموزه‌های گام به گام نستعلیق	حسن آهنگران	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۸۴	آنچه یک زن مسلمان باید بداند	میراشرف العالم	بنگالی	اول، ۱۳۸۷
۸۵	آیات الاحکام تطبیقی	محمدفاکر میبدی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۸۶	آیة الأظهار بین عالمیةالاسلام والعولمة المعاصر	مولف: ریاض عبد الرحیم الباهلی	عربی	اول۱۳۹۰
۸۷	التبلیغ؛ مناهجه واسالیبه	جعفر البجاری	عربی	سوم،۱۳۸۸
۸۸	التعرف علی خط التبتی	مرتضی الشعبانی	عربی،تبتی	اول، ۱۳۸۹
۸۹	التفسیر المیسر	سید محمد شاهدی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۹۰	التفسیر و المفسرون	سید محمد شاهدی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۹۱	التقیة فی المجتمع الإسلامی ادلة و آثار	محمد جواد فاضل موسوی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۹۲	التلقیح الصناعی بین العلم و الشریعة	سید کاظم العذاری	عربی	اول، ۱۳۸۶
۹۳	الجبر و الاختیار	العلامة محمدتقی الجعفری، ت: حسین الواسطی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۹۴	الحکومة الاسلامیة فی رویة الامام خمینی	مولف :موسسه تنظیم نشر اثار امام خمینی ﷺ ت:محسن زین العابدین	عربی	اول، ۱۳۹۰
۹۵	الحیاة الجنسیة بین الاستقامة و الشذوذ	سید کاظم العزادی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۹۶	الخلود فی جهنم	محمد عبدالخالق کاظم	عربی	اول، ۱۳۸۳
۹۷	الدعاء عند اهل البیت ﷺ	محمد مهدی الآصفی	عربی	چهارم،۱۳۸۷
۹۸	الدولة الاسلامیة من التوحید الی المدنیة	نزار عیدانی	عربی	اول، ۱۳۸۱
۹۹	الدّین وعملیّة العولمة	مسعود سامانی، ت: عبدالکریم الجنابی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۰	السلف و السلفیون	نجم الدین طبسی، ت: توفیق اسداف	آذری	اول، ۱۳۸۷
۱۰۱	العدالة الاجتماعیة فی الاسلام	سید فاضل موسوی جابری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۰۲	العلم فی إطار الدین	عبدالکریم الجنابی	عربی	اول، ۱۳۸۹
۱۰۳	الفقه المقارن	سید کاظم مصطفوی	عربی	دوم، ۱۳۸۱

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱۰۴	القصص القرآنی	سید محمد باقر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۱۰۵	القواعد الفقهیة ۲ (قاعدة لاضرر، حجیة البینة و...)	السید محمد کاظم المصطفوی	عربی	دوم، ۱۳۹۰
۱۰۶	القواعد الفقهیه	سید کاظم مصطفوی، سیدعبدالهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۱۰۷	القواعد الفقهیه (ویراست جدید)	السّید محمد الحسینی القزوینی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۸	الگوهای فضیلت	ابراهیم امینی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۰۹	الگوی فرزانگی	معاونت پژوهش	فارسی	دوم ۱۳۹۰
۱۱۰	اللغة العربیّه	شاکر محمود افضلی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۱۱	المحکم و المتشابه	عبدالرسول غفاری	عربی	اول، ۱۳۸۹
۱۱۲	المدخل الی تاریخ علم اصول	مهدی علی‌پور / علی ظاهر	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۱۳	المراة فی الاسلام	عبدالرسول غفاری	عربی	اول، ۱۳۸۹
۱۱۴	المعاد الجسمانی	شاکر عطیة الساعدی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۱۱۵	الموجز فی تاریخ الادب العربی	عبدالهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۱۱۶	النحو الجامع	حمید جزائری	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۱۷	النسخ بین المفسرین	عبدالرسول غفاری	عربی	اول، ۱۳۸۹
۱۱۸	الوجیز فی مسائل الفقه الاستدلالی، ج۱ـ ۴	سید علی العلو	عربی	اول، ۱۳۸۷
۱۱۹	الهدایة فی النحو	تصحیح و تعلیق: حسین شیر افکن	عربی	هجدم، ۱۳۹۰
۱۲۰	الهیات تطبیقی؛ اسلام و مسیحیت	توفیق اسداف و افضل‌الدین رحیم‌اف	آذری	اول، ۱۳۸۵
۱۲۱	با نور قرآن هدایت شدم	یحیی طالب مشاری الشریف/ ت: محمدقاسم احمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۲۲	بازخوانی تاثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری مسلمانان	سید مهدی طاهری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۲۳	بازگشت به عصر دین	احمدرضا میر حاجتی، ت: قدری چلیک	استانبولی	اول، ۱۳۸۲
۱۲۴	بحثهای پیرامون اسلام	حکیم جان کمالی	تاجیکستان	اول، ۱۳۹۰
۱۲۵	بحوث فی علم الرجال	آیةالله محمدآصف المحسنی	عربی	اول، ۱۳۸۹
۱۲۶	بدایة المبتدی	سید یونس استروشنی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۲۷	بدایة المبتدی، ج۱ـ۲	سید یونس استروشنی /قمرالدین افضلی تاجیک آبایدی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۲۸	بر درگاه دوست	آیة الله مصباح یزدی، ت: محمد اریش والدمن	آلمانی	اول، ۱۳۸۳
۱۲۹	براهین جهان‌شناختی از دیدگاه ابن‌سینا و اگوئیناس	حمید زکی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۳۰	بررسی واقعه عاشورا در تاریخ طبری	زهرا محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۱	بررسی تحریفات قیام عاشورا از دیدگاه تحریف‌ستیزان	امنه احسانی /جمیله احمدی/ کریمه گل‌گلی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۲	بررسی جامعه شناختی پیامدهای فرهنگی بازگشت مهاجران به افغانستان	محمد عیسی عالمی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۳۳	بررسی مدارک و مستندنویسی واقعه عاشورا	سید حسن سجادی / سید طالب زکی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۴	بررسی مستند حیات حضرت زینب(س) و	سید علیرضا عالمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
	نقش او در نهضت عاشورا			
۱۳۵	بررسی و تحلیل وجود جن و کارکردهای آن	سید مرادرضا رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۳۶	بطن قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت	سید حیدر طباطبایی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۳۷	بلمی به سوی ساحل (زبان تصویر ۱)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۳۸	پدر ومادر ومعلم من را خوب تربیت کن	حسین موسوی‌راد لاهیجی/ ت: سید امان‌الله بابایوف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۱۳۹	پرتو پژوهش پاسخ به پرسش های دینی، ج ۱	معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۴۰	پرتو پژوهش ج ۱	معاونت پژوهش مجتمع اموزش عالی فقه، ت: رسول نور	ترکی استامبولی	اول ۱۳۹۰
۱۴۱	پرتو پژوهش ج ۱	معاونت پژوهش مجتمع اموزش عالی فقه، ت: رضا شکراف	ترکی آذری	اول ۱۳۹۰
۱۴۲	پرتو پژوهش ج ۱	معاونت پژوهش مجتمع اموزش عالی فقه، ت: رعد الحجاج	عربی	اول ۱۳۹۰
۱۴۳	پرسش و پاسخ در مورد عاشورا	افضل الدین رحیم‌اف و توفیق اسداف	آذری	اول، ۱۳۸۸
۱۴۴	پلورالیسم دین وحقیقت کثرت	علاء الین ملک اف	آذری	اول ۱۳۹۰
۱۴۵	پله پله تا آسمان علم	محمد عابدی	فارسی	دوم، ۱۳۸۶
۱۴۶	پیام آور رحمت	فریده مهدوی دامغانی	فرانسوی	اول، ۱۳۹۰
۱۴۷	پیامبر اعظم ﷺ	رجب جمعه‌خان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۱۴۸	تاثیر الثورة الاسلامیه علی البلدان العربیه	محمد باقر حشمت زاده، ت: عبدالکریم بحراوی طعمه	عربی	اول ۱۳۹۰
۱۴۹	تاریخ اسلام	مهدی پیشوایی، عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۵۰	تاریخ اسلام، ج ۱ـ۴	سید منذر حکیم	عربی	چهارم،۱۳۸۵
۱۵۱	تاریخ الادب العربی	عبدالهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۷۸
۱۵۲	تاریخ الحدیث	سید رضا مؤدب	عربی	اول، ۱۳۸۹
۱۵۳	تاریخ آموزش در اسلام	حسن حسین‌زاده‌شانه‌چی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۵۴	تاریخ پیامبر و اهل‌بیت علیهم السلام، ج ۱ـ۶	علی ملک بمان احمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۵۵	تاریخ تحلیلی آندلس	محمدرضا شهیدی پاک	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۵۶	تاریخ تحلیلی مغرب	محمدرضا شهیدی پاک	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۱۵۷	تاریخ تشیع در افغانستان	عبدالمجید ناصری داوودی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۵۸	تاریخ حدیث	سید رضا مؤدب	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۱۵۹	تاریخ سرگذشت حدیث	مطیع الرحمان	بنگالی	اول، ۱۳۸۶
۱۶۰	تاریخ شیعه و اعتقاداتشان	محمد نظام الدین	تامیلی	اول، ۱۳۸۷
۱۶۱	تاریخ شیعیان کشمیر	غلام‌محمد متو گلزار	اردو	اول، ۱۳۸۹
۱۶۲	تاریخ فدک	وزیر عباس حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۳
۱۶۳	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی	محمد رضا کاشفی	فارسی	سوم،۱۳۸۹
۱۶۴	تاریخ فلسفه اسلامی (ویراست جدید)	جمعی از مؤلفان	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۱۶۵	تاریخ فلسفه غرب ۱	مهدی بنایی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱۶۶	تاریخ قرآن	محمد حسین محمدی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۱۶۷	تجزیه و ترکیب	حسین شیرافکن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۶۸	تحریر الاسفار للمولی صدرالدین الشیرازی، ج۱ـ۳	علی الشیروانی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۱۶۹	تحریف قرآن کی بطلان کاتحلیلی جائز	محمد هادی معرفت، ت: عارف حسین مبارکپوری	اردو	اول، ۱۳۸۹
۱۷۰	تحلیل قصص	محمد شریفانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۷۱	تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران (ریشه‌ها و پیامدها)	محمد مهدی باباپور	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۷۲	ترجمه قرآن کریم	محمد علی رضایی اصفهانی	عربی/فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۳	ترجمه گزیده غرر الحکم و درر الکلم	ت: محمد فائز باقری	اردو	اول، ۱۳۸۹
۱۷۴	تصمیم‌گیری شورایی	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۵	تطور حرکة الاجتهاد عند الشیعة الامامیة	عدنان فرحان تنها	عربی	سوم، ۱۳۸۹
۱۷۶	تطور عاشورانگاری در میان اهل سنت	حبیب الله صالحی(روحانی) / غلامحسین میری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۷	تعریب دروس فی وضع الحدیث	ناصر رفیعی المحمدی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۸	تعلیمات علوی	مؤسسه فکر اسلامی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۷۹	تعلیمات نهج البلاغه	سعی واهتمام: مؤسسه فکر اسلامی انگلستان	اردو	اول، ۱۳۸۵
۱۸۰	تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان کالتنقیدی جائذة	سید محمد عباس رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۱۸۱	تفسیر القرآن وهو الهدی والفرقان	محمدعباس رضوی اعظمی، ت: سید احمدخان	اردو	اول، ۱۳۸۹
۱۸۲	تفسیر آیات ولایت	آیةالله مکارم شیرازی، ت: محمد سمیع الحق	بنگالی	اول، ۱۳۸۴
۱۸۳	تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و ...)	فتح الله نجارزادگان	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۱۸۴	تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه اهل بیتعليهم السلام و اهل سنت...	ایلقار اسماعیل‌زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۸۵	تفسیر تطبیقی آیه مودّت	فدا حسین عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۸۶	تفسیر سوره حجرات	محسن قرائتی، ت: سید تاج الدین حسام	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۸۷	تفسیر سوره فرقان	آیةالله مکارم شیرازی، ت:جمعی از مترجمان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۱۸۸	تفسیر سوره محمدصلى الله عليه وآله	محسن قرائتی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۱۸۹	تفسیر سوره نور	آیةالله مکارم شیرازی، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۱۹۰	تفسیر سوره یس، الرحمن، ملک	آیةالله مکارم شیرازی، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۹۱	تفسیر مقدماتی قرآن کریم	محمد علی رضایی‌اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۹۲	تمثیلات	قرائتی، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۹۳	تمدن وفرهنگ شیعیان افغانستان	عبد القیوم آیتی	فارسی	اول ۱۳۹۰
۱۹۴	تمرین کتاب ششم	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۱۹۵	تهذیب البلاغه فی تلخیص مختصر المعانی لسعد الدین التفتازانی	علی عرب خراسانی	عربی	اول ۱۳۹۰
۱۹۶	تهذیب جواهر البلاغه	تهذیب و تلخیص: أمیر الأمینی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۹۷	جای پای آفتاب	سید علی نقی میرحسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۹۸	جایگاه جامعة المصطفیصلى الله عليه وآله العالمیة در	اداره کل دفتر ریاست جامعة	فارسی	اول، ۱۳۸۹

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
	بعثت جهانی	المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة		
۱۹۹	جسم انگاری خدا از نگاه شیعه و سنی	علی کورانی، ت:حسین مهدی اف	آذری	اول ۱۳۹۰
۲۰۰	جغرافیای سیاسی جهان اسلام	عزةالله عزتی	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۲۰۱	جلوه نور(حضرت فاطمه زهرا علیها السلام)	آیةالله علی سعادت‌پرور، ت: محمد امین	استانبولی	اول، ۱۳۸۳
۲۰۲	جلوه‌ها و الگوهای اخلاقی قیام عاشورا	محمد عارف صداقت/حمیدالله شریفی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۰۳	جوابات سخنان سپاه صحابه	آیةالله علی کورانی عاملی، ت: سید ابو محمد نقوی	اردو	اول، ۱۳۸۵
۲۰۴	جوان و جوانی در سیره اهل بیت علیهم السلام	محمد عارف صداقت	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۰۵	جهانی در خلوت	مرتضی طالبی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۲۰۶	چالش‌های زمینه‌ساز قیام حسینی	معصومه گل گلی / تقوا کتانی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۰۷	چرا از اسلام روگردانی	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	۱۳۷۷
۲۰۸	چکیده پایان نامه‌های کارشناسی ارشد جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله	مرتضی رضا خانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۰۹	چکیده‌اندیشه‌های آیةالله سیدمجتبی موسوی‌لاری	حسن ابراهیم‌زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۱۰	چگونه قرآن را حفظ کنیم	شهریار پرهیزگار	اردو	دوم، ۱۳۸۹
۲۱۱	چهل حدیث	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۲۱۲	چهل حدیث اسراف	محمود شریفی، ت: محمد ابوسعید	بنگالی	اول، ۱۳۸۹
۲۱۳	چهل حدیث بهداشت	حبیب الله منان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۲۱۴	چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی	جمعی از مولفان مجتمع امام خمینی رحمه الله	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۱۵	حجاب چرا وچگونه	علی اصغر رضوانی، ت: جمال‌الدین شکراف	آذری	اول، ۱۳۸۹
۲۱۶	حرمت شراب	روح‌الله قلندر	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۲۱۷	حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق)	سید علی میرداماد نجف آبادی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۲۱۸	حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با تاکید بر قانون اساسی	عید محمد احمدی و قاسم علی صداقت	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۱۹	حقوق اهل‌بیت علیهم السلام در تفاسیر اهل سنت	محمد یعقوب بشوی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۲۰	حقوق بین الملل اسلامی	عبد الحکیم سلیمی	فارسی	اول ۱۳۹۰
۲۲۱	حقوق غیر ایرانیان در جمهوری اسلامی	فرج‌الله هدایت‌نیا	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۲	حقوق و تکالیف اتباع غیر ایرانی	فرج الله هدایت نیا	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۳	حقیقت محمدیه و افراد انسان از ازل تا ابد در مکتب ابن عربی	امداد توران	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۲۴	حکمت نامه کودک	جمال الدین شکراف	آذری	اول، ۱۳۸۸
۲۲۵	حکومت دینی در اندیشه امام خمینی رحمه الله و ابوالاعلی مودودی	ضامن علی حبیبی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۲۶	حوار الحقیقة فی ضوء رؤیة التوحد الدینی الثقافی	تحسین البدری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۲۲۷	حیاة السیاسیة الامام قدس سره	عصری البانی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۸	خدا و صفات خدا در مکتب امامیه و ماتریدیه	حیات الله ناطقی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۲۹	خدمات متقابل اسلام و ایران	شهید مطهری، ت: مینا بوکار، ادریس تیجانی سماری	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۲۳۰	خرد ناب، ج۱ـ۲	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۳۱	خلوص کامیاب	عبدالحسین طالعی / مرتضی طالبی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۳۲	داستان‌های بحارالانوار	محمود ناصری، ت: محمد علی مرتضی	بنگالی	اول، ۱۳۸۴
۲۳۳	داستان‌های قرآن به قلم روان	محمد مهدی اشتهاردی، ت: محمدحسین اف	روسی	اول، ۱۳۸۶
۲۳۴	در انتظار خورشید (مقالات همایش در انتظار خورشید)	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۳۵	در آستان رحمت	فریده مهدوی دامغانی	انگلیسی	اول ۱۳۹۰
۲۳۶	در آستان رحمت	فریده مهدوی دامغانی	فرانسوی	اول ۱۳۹۰
۲۳۷	در آغوش نورولایت	سید علی فرید محمدی	انگلیسی	اول، ۱۳۹۰
۲۳۸	در جست وجوی حق (نگرشی بر چهار زمامدار پس از رسول خدا ﷺ)	حیدر مظفری ورسی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۳۹	در جست وجوی فرقه ناجیه	ناظم زینال او	روسی	اول، ۱۳۸۳
۲۴۰	دراسات موجزة فی الخیارات و الشروط	آیة‌الله جعفر السبحانی	عربی	دوم، ۱۳۸۷
۲۴۱	درآمدی بر برنامه‌ریزی آموزش عالی دین	نجف‌علی میرزایی، ت: نورالهدی توفیق ـ علی زاهدی‌پور	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۴۲	درآمدی بر تئوری‌های حاکمیت	سید محمد مصطفوی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۴۳	درآمدی بر ساختار اداری حکومت اسلامی	عبدالعلی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۴۴	درآمدی بر سیره اهل‌بیت ﷺ	حسین عبدالمحمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۴۵	درآمدی بر فلسفه اسلامی	عبدالرسول	انگلیسی	اول، ۱۳۸۶
۲۴۶	درآمدی بر نظام تربیتی اسلام	محمدعلی حاجی ده‌آبادی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۲۴۷	درآمدی به تاریخ علم اصول	مهدی علی‌پور	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۴۸	درآمدی به شیعه‌شناسی	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	سوم، ۱۳۸۹
۲۴۹	درسنامه آیات الاحکام جزایی	محمد مهدی کریمی نیا	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۵۰	درسنامه تاریخ عصر غیبت	پور سید آقایی، جباری، آشوری و حکیم	فارسی	یازدهم، ۱۳۸۷
۲۵۱	درسنامه درایة الحدیث	سید رضا مؤدب	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۵۲	درسنامه روش آموزش و مهارت‌های کلاس‌داری قرآن	رحمت عابدی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۲۵۳	درسنامه صرف	علی عرب خراسانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۲۵۴	درسنامه عقاید	علی شیروانی	فارسی	پنجم ۱۳۸۹
۲۵۵	درسنامه مفردات قرآن مجید (ویراست جدید)	شهید غلام‌علی همایی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۲۵۶	درسنامه وضع حدیث	ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۵۷	دروس تمهیدیة فی اصول العقائد	صادق الساعدی	عربی	پنجم، ۱۳۹۰
۲۵۸	دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، تلفیقی، ج۲ـ۳	الشیخ باقر الایروانی	عربی	دوم، ۱۳۹۰
۲۵۹	دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، ج۱	الشیخ باقر الایروانی	عربی	نهم، ۱۳۹۰
۲۶۰	دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، ج۲ـ۴	الشیخ باقر الایروانی	عربی	هفتم، ۱۳۹۰
۲۶۱	دروس تمهیدیه فی السیرة القائدة، ج۱ـ۲	سید منذر حکیم	عربی	سوم، ۱۳۸۹
۲۶۲	دروس فی اصول فقه المقارن	مجید النسبی	عربی	اول ۱۳۹۰

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۲۶۳	دروس في الاحكام الاسلامية، ج ۱ـ۲	عبدالكريم بهبهاني (آل نجف)	عربی	دوم، ۱۳۸۴
۲۶۴	دروس في الاحكام الاسلامية، ج ۱ـ۲	شیخ عبدالكريم ال نيف	عربی	اول، ۱۳۸۴
۲۶۵	دروس في البلاغة	الشيخ معين دقيق العاملي	عربی	پنجم، ۱۳۹۰
۲۶۶	دروس في البلاغة العربيه	سید عبدالهادی شریفی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۲۶۷	دروس في التاريخ الفقه وادواره	آية الله جعفر السبحاني	عربی	دوم، ۱۳۹۰
۲۶۸	دروس في التاريخ عصر الغيبه	تعريب: انور الرصافي	عربی	اول، ۱۳۸۶
۲۶۹	دروس في الشيعة والتشيع	علي الرباني الگلپايگاني، ت: انور الرصافي	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۲۷۰	دروس في الفقه الاستدلالي (في الفقه العباده)، ج۱ـ۲	الشيخ باقر الايرواني	عربی	دوم، ۱۳۸۷
۲۷۱	دروس في الفقه المعاملات (البيع)	السيد محمد كاظم المصطفوي	عربی	دوم، ۱۳۸۹
۲۷۲	دروس في المسيحيه	علي الشيخ	عربی	اول، ۱۳۸۹
۲۷۳	دروس في المناهج والاتجاهات و التفسيرية للقرآن	محمد علي الرضايي الاصفهاني، ت: قاسم البيضاني	عربی	دوم، ۱۳۸۹
۲۷۴	دروس في تاريخ الاديان	حسين توفيقي، ت: انور الرصافي	عربی	سوم، ۱۳۸۸
۲۷۵	دروس في علم الاصول	سید محمد باقر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۲۷۶	دروس في علم الدراية	سید رضا مؤدب، ت: قاسم البيضاني	عربی	دوم، ۱۳۹۰
۲۷۷	دروس في علوم القرآن	حسین جوان آراسته	عربی	دوم، ۱۳۸۹
۲۷۸	دروس في فقه الاستدلالي، ج ۱ـ۳	عبد الكريم آل نجف	عربی	اول، ۱۳۸۹
۲۷۹	دروس في مبادي الفقه و معرفة ابوابه	حسن الرضاني	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۲۸۰	دروس في نصوص الحديث و نهج البلاغة	مهدی المهريزي، ت: انور الرصافي	عربی	چهارم، ۱۳۹۰
۲۸۱	دروس في وضع الحديث	سید عبدالكريم حیدری و عبدالامير الوردی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۲۸۲	دروس موجزة في علمي الرجال والدراية	آیةالله جعفر سبحانی	عربی	چهارم، ۱۳۸۹
۲۸۳	دعا و توسل	حسن طاهری خرم آبادی	آذری	اول، ۱۳۸۹
۲۸۴	دعای مکارم اخلاق در پرتو قرآن وحدیث	حجت منگنه‌چی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۸۵	دکترین مهدویت، ج۱ـ۴	تهیه و تدوین: موسسه آینده روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۸۶	دوستی در کتاب سنت	محمد ری شهری، ت: حکیم جان کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۲۸۷	دیکشنری فارسی ـ اندونزی	یانور فبری ن	اندونزی‌فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۸۸	رابطه دیالکتیکی عاشورا با بحرانهای محیطی	محمدقاسم عرفانی / قنبرعلی تابش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۸۹	رابطه قرآن وعترت از دیدگاه شیعه و اهل سنت	فدا حسین عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۹۰	رابطه والدین با فرزندان	حافظ محمد سعید	هوسا	اول، ۱۳۸۹
۲۹۱	راز آفرینش اهل‌بیت (ع)	سید محمد علی موسوی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۹۲	رساله‌ای کوتاه در باب ضیافت الهی	محمد .م. خلفان	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۲۹۳	روايات سهو النبي الاكرم (ص) ...	قیصر التمیمی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۲۹۴	روحانیت و حکومت در افغانستان	محرابعلی صفدری	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۹۵	روش تدریس	حسین سپهری	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۹۶	رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته	سید محمد عارف حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۹۷	رهیافتی بر علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر	عبدالوهّاب فراتی	فارسی	اول، ۱۳۷۸

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۲۹۸	رهیافتی به منظومه فکری امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری	جمعی ازمحققان دفترفرهنگی فخرالائمه علیهم‌السلام	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۲۹۹	زلال اندیشه	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۰۰	زنان دین گستر در تاریخ اسلام	طاهره روحانی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۰۱	زندگی زناشویی	حافظ محمد سعید	هوسا	اول، ۱۳۸۹
۳۰۲	زنگ‌ها (زبان تصویر ۲)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۰۳	زهرا علیهاالسلام برترین بانوی جهان	آیةالله مکارم شیرازی، ت: جمعی از مترجمان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۳۰۴	سخنان حسین بن علی علیه‌السلام از مدینه تا کربلا	آیةالله محمد صادق نجفی، ت: فریده مهدوی دامغانی	فرانسوی	اول، ۱۳۸۹
۳۰۵	سرنوشت از دیدگاه علم وفلسفه	جعفر سبحانی تبریزی، ت: رضا شکراف	آذری	اول، ۱۳۸۹
۳۰۶	سروده‌های عاشورایی	فریده مهدوی دامغانی	فرانسوی	اول ۱۳۹۰
۳۰۷	سروش آسمانی، ج ۱ـ۴	محمدرضا افضلی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۰۸	سفارشات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به دختران و زنان	اکرم خان زیاد الله	تاجیکی	اول، ۱۳۸۴
۳۰۹	سفیر (زبان تصویر ۵)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۱۰	سنت‌ها و آیین های بزرگداشت عاشورا در میان اهل سنت	محمد شریف حیدری/محمد جمله شیخ‌زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۱	سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن	احمد مرادخانی تهرانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۱۲	سنن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله	علامه طباطبایی، ت: کرار حسین اظهری مبارک‌پورهندی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۱۳	سوره لقمان	محسن قرائتی، ت: محمدالله حلیم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۳۱۴	سوره یاسین	محسن قرائتی، ت: محمد الله حکیم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۳۱۵	سید رضی؛ زندگی و کارنامه	زاهد علی هندی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۱۶	سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن	ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۱۷	سیرة النبویه	علامه سید سعید رضوی، ت: عرفان ادیزیونی	ایتالیایی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۸	سیره اهل بیت علیهم‌السلام	عبدالرحمان، عبدالخالق	فارسی‌ـعربی	اول، ۱۳۷۸
۳۱۹	سیره اهل بیت علیهم‌السلام در جذب مخالفان	سید محسن مهدی زیدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۲۰	سیره پیشوایان	مهدی پیشوایی، ت: مائیس حق وردی‌اف	آذری	اول، ۱۳۸۵
۳۲۱	سیره تبلیغی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله	سارا رضایی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۲۲	سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام در خانواده	محمدجمعه شیخ‌زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۲۳	سیره و راه شهیده بنت‌الهدی رحمهاالله	شیخ محمدرضا نعمانی، ت: نجیب‌الله نوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۲۴	سیری در صحیحین	محمد صادق نجمی، ت:رشاد اکبر اف	آذری	اول ۱۳۹۰
۳۲۵	سیری در صحیحین	آیةالله محمد صادق نجمی، ت: محمد منیرخان	اردو	اول، ۱۳۸۵
۳۲۶	سیمای جهاد و مجاهدان در قرآن (تفسیر سوره انفال)	علی شیروانی	فارسی	سوم، ۱۳۸۶
۳۲۷	شخصیت و حقوق زن در اسلام، ج ۲ـ۳	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۲۸	شرح منظومه برقبساتی از قصیده فرزدق	جوهری استروشنی، سید زفرخان، تحقیق وتعلیق ملامعروف جان اشتروشنی	فارسی	۱۳۷۷

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۳۲۹	شرح مولد النبی	محمد مهدی اشتهادری، ت: جمعی از مؤلفان	فارسی	۱۳۸۵
۳۳۰	شناخت ادیان ۱	سید احمد محمودی	فارسی	دوم، ۱۳۸۲
۳۳۱	شناخت ادیان ۲	سید احمد محمودی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۳۳۲	شناخت استعمار	مصطفی اسکندری	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۳۳۳	شناخت مذاهب اسلامی، ج ۱ـ۲	سید احمد محمودی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۳۳۴	شیعه‌شناسی در تاریخ اسلام	حیدر علی بنگالی	بنگلا	اول، ۱۳۸۵
۳۳۵	صبح انتظار	ثامر هاشم العمیدی، ت: اخلاق حسین	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۳۶	صحیفه سجادیه	فریده مهدوی دامغانی	ایتالیایی	اول، ۱۳۹۰
۳۳۷	صف و ستاد در سازمان	گروه امور سازمانی دفتر بهبود روشها و برنامه‌ریزی سازمانی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۳۸	صفات شیعه	بدر شاهین، ت: عباس دیپالما	ایتالیایی	اول، ۱۳۸۹
۳۳۹	عاشورا تجلیگاه عزت اسلامی	علیرضا محمدی/ اسماعیل دانش/ غلام سخی حلیمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۴۰	عدل الهی	شهید مطهری، ت: شجاع علی میرزا و...	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۳۴۱	عقاید اسلامی در پرتو قرآن حدیث وعقل	مولف جعفر سبحانی، ت: آیکول بحری	ترکی استانبولی	اول، ۱۳۸۹
۳۴۲	علم الدرایة المقارن	سید رضا مؤدب، ت: انور الرصافی	عربی	دوم، ۱۳۹۰
۳۴۳	علم الدرایة تطبیقی	سید رضا مؤدب	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۴۴	علم الکلام المعاصر	حیدر حب الله	عربی	اول، ۱۳۸۱
۳۴۵	علم حدیث و درایه	نوروز شاه امیرخان	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۳۴۶	علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک	سید عباس مرتضوی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۳۴۷	علوم قرآنی	حسین جوان آراسته	اردو	اول، ۱۳۸۴
۳۴۸	علوم قرآنی	محمد جواد اسکندرلو	فارسی	اول، ۱۳۸۰
۳۴۹	غدیر از دیدگاه اهل سنت	محمد جباران، ت: ذوالقعده نصرالله	فرانسوی	اول، ۱۳۸۸
۳۵۰	غدیرشناسی و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی، ت: اقبال حیدر حیدری	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۵۱	فرق و مذاهب کلامی	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	پنجم، ۱۳۸۹
۳۵۲	فرهنگ اصلاحات اصول	مجتبی ملکی اصفهانی	فارسی	اول ۱۳۹۰
۳۵۳	فرهنگ تصویری افعال	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۵۴	فرهنگ تصویری واژه‌ها	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه	اول، ۱۳۸۷
۳۵۵	فرهنگ واژه گان فارسی به انگلیسی	مرکز آموزش زبان ومعارف اسلامی	انگلیسی	اول، ۱۳۹۰
۳۵۶	فرهنگ واژه گان فارسی به چینی	مرکز آموزش زبان ومعارف اسلامی	چینی	اول، ۱۳۹۰
۳۵۷	فرهنگ واژه گان فارسی به عربی	مرکز آموزش زبان ومعارف اسلامی	عربی	اول، ۱۳۹۰
۳۵۸	فرهنگ واژه گان فارسی به فرانسه	مرکز آموزش زبان ومعارف اسلامی	فرانسه	اول، ۱۳۹۰
۳۵۹	فرهنگ واژه گان فارسی به مالایو	مرکز آموزش زبان ومعارف اسلامی	مالایو	اول، ۱۳۹۰
۳۶۰	فضل القرآن	محمد غلامی	عربی،انگلیسی	۱۳۷۶
۳۶۱	فضیلت صدقه	مصطفی علی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۳۶۲	فلسفة التربية في الاسلام	السيد نذير الحسني	عربی	اول، ۱۳۸۳
۳۶۳	فلسفه اخلاق	حسن معلمی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۶۴	فلسفه اخلاق	محمد فتحعلی خانی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۳۶۵	فلسفه سیاسی فارابی و ارتباط آن با ولایت فقیه	محمد حسین حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۶۶	في الاخلاق النظرية	السيد عبدالهادی الشريفي	عربی	اول، ۱۳۸۳
۳۶۷	في رحاب العقيدة، ج ۱ـ۳	سیدمحمدسعید حکیم، ت: شاه مظاهر حسین	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۶۸	قبسات من سيدة الهداة، ج ۱ـ۲	سيد منذر حكيم	عربی	سوم، ۱۳۸۲
۳۶۹	قرآن الحسين وحدة المنهج والهدف	السيد ليث الحيدري	فارسی	سوم، ۱۳۸۹
۳۷۰	قرآن کتاب رشدو تعالی	روح الله دهقانی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۳۷۱	قرآن کریم چنانکه هست	ایلقار اسماعیل زاده	آذری	اول، ۱۳۸۹
۳۷۲	قصه کربلا	نظری منفرد، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۳۷۳	قصه‌های قرآنی	صالح قنادی	فارسی	سوم، ۱۳۸۹
۳۷۴	قصه‌های قرآنی ـ قرآن قصی	صالح قنادی	اردو	دوم، ۱۳۸۹
۳۷۵	قضاء المراة في نظر فقه الشيعي	سید محمد یعقوب موسوی، ت: نبیل یعقوبی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۳۷۶	قضاوت زن از دیدگاه فقه شیعه	سید محمد یعقوب موسوی سنگلاخی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۷۷	قواعد الاملاء	عبدالهادی شریفی	عربی	سوم، ۱۳۸۵
۳۷۸	قيام المهدي امامنا المنتظر عليه‌السلام	السيد حسن فيروز آبادی	عربی	اول ۱۳۹۰
۳۷۹	قیام مهدی عليه‌السلام منتظر ماست	سید حسن فیروز آبادی	فارسی	اول ۱۳۹۰
۳۸۰	قیام مهدی عليه‌السلام منتظر ماست	سید حسن مومنی	انگلیسی	اول ۱۳۹۰
۳۸۱	کارنامه مجمع علما و طلاب جاغوری	مجمع علما و طلاب جاغوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۸۲	كتاب التطبيق	شاكر محمود افضلی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۳۸۳	كيف نحفظ القرآن	شهریار پرهیزگار	عربی، انگلیسی	اول، ۱۳۸۴
۳۸۴	کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الهی)	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۳۸۵	کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد)	علی ربانی گلپایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۳۸۶	گزیده تحف العقول	ابن شعبه حرانی، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۳۸۷	گزیده شهاب الاخبار	قاضی قضایی، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۳۸۸	گزیده غررالحکم و دررالکلم	عبدالواحد بن محمد تمیمی امدی، ت: محمد فائز باقری	اردو	اول، ۱۳۸۷
۳۸۹	گزیده غررالحکم و دررالکلم	قاضی قضایی، ت: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۳۹۰	گفتمان فلسفی اسلام و غرب	سید حسن حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۳۹۱	مادران چهارده معصوم عليهم‌السلام	حیدر مظفری ورسی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۹۲	مبانی جامعه‌شناسی	مجید کافی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۹۳	مبانی مطالعات سیاسی ـ اجتماعی، ج ۱ـ۲	محمدرضا حافظنیا	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۳۹۴	مباني نقد متن الحديث	قاسم البيضاني	عربی	اول، ۱۳۸۵
۳۹۵	مبانی و روش‌های تفسیری	محمد کاظم شاکر	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۳۹۶	مبانی واصول طراحی کتاب درسی	محمد شریفی نیا	فارسی	اول، ۱۳۸۹

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۳۹۷	مجموعه مقالات برتر سیزدهمین جشنواره شیخ طوسی	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۳۹۸	مجموعه مقالات حکومت دینی	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۹۹	مجموعه مقالات سمینار افغانستان و قانون اساسی آینده، ج۱ـ۲	مجمع محققین و طلاب افغانستان	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۴۰۰	مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی امام خمینی ج ۱	مجتمع آموزش عالی امام خمینی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۰۱	مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی امام خمینی ج ۲ـ۴	مجتمع آموزش عالی امام خمینی	فارسی	اول، ۱۳۹۰
۴۰۲	مجموعه مقالات وحی‌شناسی	مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۰۳	مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی شهید مطهری	جمعی از مولفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۰۴	مجموعه مقالات همایش دین و دینداری در عصر جدید	مجمع علما و طلاب جاغوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۰۵	مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان ج۵ (فرصت ها وچالش ها وراهکارها)	جمعی از مولفان	فارسی	اول، ۱۳۹۰
۴۰۶	مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان فرصت ها وچالش ها وراهکارها، ج۱ـ۴	ستاد برگزاری همایش(مجمع علمی ـفرهنگی والعصر، کانون فرهنگی ـ آموزشی رسالت، موسسه فرهنگی بشارت و انجمن ریحانه)	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۰۷	مجموعه مقالات همایش عالمان دینی افغانستان	مجمع علماء و طلاب جاغوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۰۸	مجموعه مقالات همایش وحی شناسی	مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۰۹	محاضرات فی علوم القرآن	محمد علی تسخیری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۴۱۰	مدرسه ترنم توحید	مجید حیدری‌فر	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۱۱	مسائل جدیدکلامی وفلسفه‌دین، ج۱ـ۳	عبدالحسین خسروپناه	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۱۲	مشاهیر تشیع در افغانستان ۳ج	عبد المجید داود ناصری	فارسی	اول، ۱۳۹۰
۴۱۳	مصادر السنة الشریفه	سید محمد جواد جلالی	عربی	سوم، ۱۳۸۵
۴۱۴	مصحف امیرالمؤمنین	سید عبدالرحیم موسوی، ت: عبداللهی احمد زنگو	انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۴۱۵	مصونیت قرآن از تحریف	آیة الله معرفت/ ت: عارف حسینی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۴۱۶	معاد از دیدگاه قرآن و علوم	آیةالله مکارم / ت: زین العابدین ایوبی	انگلیسی	اول، ۱۳۸۸
۴۱۷	معارف مثنوی	محمدرضا افضلی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۱۸	معجم الافعال المتداولة و مواطن استعمالها	السید محمد الحیدری	عربی	دوم، ۱۳۸۹
۴۱۹	معرفة ابواب الفقه (تلخیص تحریر الوسیلة للامام الخمینی)	محسن الفقیهی	عربی	پنجم، ۱۳۸۹
۴۲۰	معرفت شناسی	حسن معلمی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۴۲۱	معرفی واحدهای آموزشی و پژوهشی جامعة المصطفی العالمیة	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۲۲	معصومان امت اسلامی (تفسیر تطبیقی ایه تطهیر)	ایلقار اسماعیل‌زاده	اذری	اول، ۱۳۸۴

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۴۲۳	مفاهیم اخلاقی	صالح قنادی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۴۲۴	مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه	محسن رضا جعفری	اردو	اول، ۱۳۸۸
۴۲۵	مفاهیم اعتقادی	صالح قنادی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۴۲۶	مفاهیم اعتقادی	صالح قنادی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۴۲۷	مفاهیم علم نحو، ج۱ـ۲	محمود رضا عصاری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۲۸	مقام پدر ومادر	محمد رحیمی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۴۲۹	مقام قران کریم	اسماعیل محی الدین	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۴۳۰	مقام محبت الهی از منظر حکمت وعرفان نظری وعملی	محمد حسین خلیلی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۳۱	مقام نماز	عبدالهاشم میرزا	تاجیکی	اول، ۱۳۸۹
۴۳۲	مقایسه تطبیقی چهار گزارش مشهور در واقعه عاشورا	سید عبدالله حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۳۳	مکه در بستر تاریخ	نعمت الله صفری فروشانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۴۳۴	من فیض الخلود	فاضل الموسوی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۴۳۵	منتخب میزان الحکمة، ج۱ـ۴	محمد ری‌شهری، ت: عبدالحکیم کمال، امان الله بابایی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۴۳۶	منجی (امام مهدی‌عليه‌السلام از دیدگاه قرآن و حدیث)	ایلقار اسماعیل‌زاده	آذری	اول، ۱۳۸۳
۴۳۷	منشور جامعة المصطفی‌صلی‌الله‌علیه‌وآله العالمیة	جامعة المصطفی‌صلی‌الله‌علیه‌وآله العالمیة	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۴۳۸	منشورات انتشارات		فارسی	اول، ۱۳۹۰
۴۳۹	منطق پیشرفته	عسکری سلیمانی امیری	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۴۰	منطق ترجمه قرآن	محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۴۴۱	منطق تفسیر قرآن ۳	محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۴۲	منطق تفسیر قرآن۱ (درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن)	محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۴۴۳	منطق تفسیر قرآن۲	محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	چهارم، ۱۳۹۰
۴۴۴	منطق مقدماتی	ابوالفضل روحی	فارسی	دوم، ۱۳۹۰
۴۴۵	موجز الادب العربی و تاریخه	محمد علی آذر شب	عربی	اول، ۱۳۷۷
۴۴۶	مودة القربی و اهل العبا	میر سید علی همدانی، ت: الیاس قاسم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۴۴۷	مهدویت در ادیان آسمانی	ابراهیم کوثری	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۴۸	مهدویت و جهانی‌سازی	علی‌اصغر رضوانی، ت: شکراف	آذری	اول، ۱۳۸۷
۴۴۹	مهندسی اوقات فراغت	محمد علی متولیان / احمد هوشمند	فارسی	اول، ۱۳۸۹
۴۵۰	میراث تفسیری اهل‌بیت‌عليهم‌السلام	سید حسین هاشمی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۴۵۱	نافذه علی الفلسفه	صادق‌الساعدی	عربی	چهارم، ۱۳۸۸
۴۵۲	نامه‌های امیرالمومنین	فریده مهدوی دامغانی	فرانسوی	اول، ۱۳۹۰
۴۵۳	نحو القران	حسن الرضایی	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۴۵۴	نخل نسیم	حسن ابراهیم‌زاده	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۴۵۵	نظام حقوقی اسلام	جلیل قنواتی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۴۵۶	نظام عادلانه اسلام	غلام اکبر حیدری	اردو	اول، ۱۳۸۷
۴۵۷	نظریة العرف بین الشریعة والقانون	السید نذیر الحسنی	عربی	اول، ۱۳۸۵

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۴۵۸	نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت	محمد یعقوب بشوی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۴۵۹	نقد اراء ذهبی فی کتاب التفسیر و المفسّرون	قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۴۶۰	نقد مبانی هرمنوتیکی نظریه قرائت‌های مختلف از دین	قربانعلی هادی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۶۱	نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی به غرب	سید عبدالرئوف رضایی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۶۲	نقش حسابداری در توسعه اقتصادی	احمد صادقی گلمکانی ـ محسن برزوزاده	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۴۶۳	نقش خاندان امام حسین در حادثه کربلا	رخسانه دانش / رقیه سادات میراکبری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۶۴	نقش زنان در واقعه عاشورا	مرضیه سادات مرتضوی / صدیقه نجفی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۶۵	نقش عاشورا در وحدت میان مسلمانان	قربانعلی هادی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۶۶	نقوش فقیه در غیبت امام زمان عجل‌الله	سید شمشاد حسین رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۵
۴۶۷	نگاهی به زندگانی پیامبر صلی‌الله	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۴۶۸	نگرمهای عمده در پیوند دین و فلسفه	سید محمد مهدی افضلی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۴۶۹	نگین آفرینش	الیاس قاسم‌اف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۴۷۰	نیایش عارفان	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۷۱	واژه‌شناسی قران مجید	شهید غلامعلی همایی	فارسی	دوم، ۱۳۸۹
۴۷۲	وحدت اسلامی مبانی، عرصه‌ها، موانع و راه‌کارها	محمد رسول حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۷۳	وعایة الحکمة فی شرح نهایة الحکمة	حسین عشاقی الاصفهانی	عربی	دوم، ۱۳۸۹
۴۷۴	ولایت در پرتو آیات	علی جان محمدی (قره‌باغی)	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۴۷۵	وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی	آیةالله جعفر سبحانی، ت: یونس محمدثلی	هوسا	اول، ۱۳۸۴
۴۷۶	ویژه‌نامه		تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۴۷۷	هرمنوتیک و تفسیر	غلام رسول حمیدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۷۸	یاس‌های وحشی (زبان تصویر ۴)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۴۷۹	یک گام بسوی ظهور	مدرسه امام خمینی قدس‌سره	اردو	اول، ۱۳۸۷
۴۸۰	یک گام بسوی ظهور	مدرسه امام خمینی قدس‌سره	انگلیسی	اول، ۱۳۸۸
۴۸۱	یوسف قران (تفسیر سوره یوسف)	محسن قرائتی، ت: امان الله بابایی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۴
۴۸۲	یهودیت	محمد حسین طاهری آکردی	فارسی	اول ۱۳۹۰